# فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

## جلد هفدهم

موضوع : ادبیات

تألیف : سید محمد رضا فاضل هاشمی

«بسم الله الرحمن الرّحیم»

الحمدلله ناصر العباد بقدرته و جلاله، القادر المحمود فی کلّ فعاله، الرّزاق من نعمه و نواله، والصلوة علی خیر خلقه محمّد المصطفی و آله.

در سایه بخشایش خدای توانا و در پرتو عنایات ثامن الحجج علی بن موسی الرّضاعلیه آلاف التّحیّهٔ و الثناء، هفدهمین جلد فهرست کتابهای خطّی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، شامل ششصد و سی و شش نسخه(بدون احتساب ضمائم) در موضوع ادبیّات تقدیم اندیشمندان و علاقه‌مندان می‌گردد.

تاریخ علمی و سیر تکامل ادب و دانش و هنر هر ملّتی در واقع سلسله حیات معنوی و فرهنگی و مایه تمایز و برتری و ماندگاری و رشد آن قوم به حساب می‌آید. با نظر اجمالی به تاریخ علمی و ادبی در سده پنجم و ششم هجری و آثار مکتوب به جا مانده از آن روزگار که شاهکارهای ادبی و علمی و گواه پختگی فکر ایرانی است، به این نتیجه می‌رسیم که اگر آثار علمی و ادبی بدین گونه ادامه پیدا می-کرد و در اثر هجوم اقوام مختلف منقطع نمی‌شد، امروز ایرانیان دردنیا اوّلین مقام علم و دانش و فرهنگ را دارا بودند.

پشتوانه معنوی هر قوم و تاریخ و دانش و هنر هر ملّتی درواقع در اوراق نسخه‌های خطّی نمودار است.کتابخانه آستان قدس رضوی با دارا بودن نسخه‌های خطی نایاب یا کمیاب و نفیس اقدام به تدوین فهرست و معرفی نها به شیفتگان علم و ادب کرده است تازمینه‌ای مناسب برای احیّای آثار مهّم گذشتگان فراهم شود و امید است از این رهگذر خدمتی انجام پذیرد که مورد رضایت حضرت حق تعالی قرار گیرد.

روش تنظیم فهرست:

این فهرست بر مبنای فهرست‌نویسی رایج در کتابخانه آستان قدس می‌باشد یعنی در دو بخش کتابشناسی و نسخه‌شناسی تنظیم شده است:

الف) کتابشناسی، مشتمل بر:

۱. شماره ردیف که در بالای آن نام نسخه آمده نشانگر تعداد نسخه‌های معرفی شده در این فهرست می‌باشد.

۲. نام کامل کتاب وسط سطر نوشته شده و نام اصلی یا نام مشهورتر را اوّل قرار داده و سپس نام دیگر آورده شده است.

۳.شماره اموالی کتاب در وسط سطر بین دو کمان قرار گرفته است.

۴. عنوان کامل مؤلّف، مترجم، ناظم و جز آن با تاریخ وفات وی یاسده‌ای که در آن می‌زیسته در آغاز آمده.

۵. شرح مطالب کلّی کتاب و در صورت لزوم تعداد ابواب، فصول و بخشهای آن به طور مختصر بـه گونه‌ای که بیانگر هدف نویسنده آن باشد ذکر شده.

۶. آغاز و انجام کتاب داخل گیومه آمده.

ب) نسخه‌شناسی، مشتمل بر:

۱. نوع خط.

۲. تاریخ کامل کتابت.

۳. نام کاتب به همان گونه که در کتاب مذکور است.

۴. محل کتابت.

۵. نوع کاغذ، جلد، تزئینات(سرلوح و جدولهای ترسیم شده و...).

۶. مزیّتهای نسخه.

۷. تعداد صفحات.

۸. اندازه اوراق نسخه.

۹. نام واقف و تاریخ وقف.

رموز و اختصارات:

بسمله: بسم الله الرحمن الرّحیم(در آغاز کتابها).

پ- پس از رقم برگ شمار= پشت برگ.

ج= جلد.

چ= چاپ.

حمدله= الحمدلله رب العالمین(در آغاز کتابها).

ر- پس از رقم برگ شمار= روی برگ.

س= سطر.

س.م.= سانتی متر.

ش- پیش از رقم کتاب= شماره.

ص= صفحه.

ظ= ظاهراً.

ف= فهرست.

گ= برگ.

م- پیش از رقم تاریخ= سال مرگ(متوفی).

م- پس از رقم تاریخ= میلادی.

در خاتمه تقدیر و تشکر فراوان خویش را از مقام منیع تولیت عظمای آستان قدس رضوی، بخاطر حمایتهای بیدریغشان از تلاشهای فرهنگی و بویژه از این مرکز عظیم فرهنگی ابزار می‌دارد و همچنین از مدیران محترم کتابخانه مرکزی، بویژه رئیس کل محترم کتابخانه و ریاست محترم اداره مخطوطات که با پی گیری‌های مداوم و تهیّه امکانات از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و نیز از همکاران ارجمند آقای عرفانیان کارشناس و فهرست نگار محترم کتابخانه و آقای دکتر سیّد علی اردلان جوان و آقای علی اصغر ناصری معاون محترم اداره مخطوطات و آقای حسین قاسمیان کتابدار دلسوز مخزن کتب خطّی کمال امتنان و سپاس را دارم و زحمات کارکنان محترم شرکت به نشر و چاپخانه آستان قدس را ارج نهاده و تشکر می‌نمایم. و ما توفیقی الا بالله.

«سیّد محمّدرضا فاضل هاشمی»

باسمه تعالی

۱

آتشکده آذر[۱]

(۱۶۲۵۰)

تذکره‌ای است از لطفعلی بیگ بن آقاخان بیگدلی شاملو[۲](۱۱۳۴-۱۱۹۵ هـق.)[۱] در اوایل جوانی تخلّصش واله و سپس نکهت و سرانجام آذر را تخلّص خود قرار داد. در چهل سالگی این تذکره راآغاز

۱ . پنج نسخه در جلد هفتم و یک نسخه در جلد نهم فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . برای اطلاع بیشتر از احوال مؤلّف رجوع شود به ۱. الذریعه، ج۱، ص۴ و ج۱/۹، ص۳. ۲. ریحانه الادب،ج۱، ص۴۴. ۳.تحفه العالم میرزا عبداللطیف خان شوشتری، ص۳۰-۲۲۶. ۴. انجمن خاقان، فاضل خان گروسی، انجمن چهارم. ۵. نتایج الافکار، محمّد قدرت الله گوپاموی،

و تألیفش حدود ۳۰ سال به طول انجامید و به نام کریم‌خان زند کرد. با هاتف و مشتاق و دیگر استادان دوره بازگشت ادبی معاصر و معاشر بود.

این تذکره در دو مجمره بیان شده است: مجمره اوّل در ذکر احوال و انتخاب اشعار شعرای گذشته تا قرن یازدهم مشتمل بر یک شعله و سه اخگر و یک فروغ در بیان احوال و اشعار شاهزادگان و شاهان هر دیار و نیز شعرای ایران و توران و هندوستان، هر اخگر به چند شراره تقسیم شده و در هر شراره اسامی بلاد آن ولایت نگاشته شده و یک فروغ در حالات و مقالات زنان است. مجمره دوم که قسمت قابل توجه این تذکره می‌باشد در شرح حال ۷۰ نفر از شعرای معاصر مؤلّف[2] است و خاتمه کتاب به شرح حال و اشعار خود مؤلّف اختصاص داده شده که ضمن معرّفی خود و دودمانش وقایع و اتّفاقات تاریخی آن روز ایران یعنی شرح فتنه افاغنه، علل سقوط دولت صفوی، فجایا و جنایات اشرف افغان، به قدرت رسیدن نادرشاه و قتل نادر، سرکار آمدن دودمان زند و زمامداری کریم خان را اشاره می‌کند و این که در سال ۱۱۸۸ هـ ق. به کسوت فقر ملتبس گشته و از کارهای دولتی کناره‌گیری کرده است در مورد تألیف کتاب نیز می‌گوید: «... بما جز عشق آن بدخو نیاموخت، خدای نیکی دهد استاد ما را. پیوسته سالک طریقت محبّت بوده و بلبل طبعم به این ترانه مترنّم، عشق می‌ورزم و امیّد که این فن شریف چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود... .

---

ص۸۷–۸۶. ۶. مجمع الفصحا، هدایت، ج۴، ص۱۵۹. ۷. کتاب جوانان، برای آشنایی با فرهنگ و تمدن سرزمین ایران زیر نظر محمّد علی اسلامی ندوشن(۱۰) اصفهان، دکتر لطف الله هنرپرور، ۱۳۴۶ ش، ص ۴۴–۲۴۳. ۸. دیوان آذر بیگدلی با مقدّمه مبسوط به کوشش دکتر سادات ناصری و پروفسور غلامحسین بیگدلی، انتشارات جاویدان، چاپ اوّل، ۱۳۶۶ هـ.ش.

۱ . در بعضی از نسخه‌های خطی این کتابخانه سال تولدش را ۱۱۲۴ و ۱۱۲۳ نوشته‌اند. صاحب نگارستان سال فوتش را ۱۱۹۶ می‌نویسد. هاتف می‌گوید: کلک هاتف از پی تاریخ سال رحلتش زد رقم از(بلبل گویای این باغ آه آه)، صباحی برای تاریخش(مقام آذر بادا بسایه طوبی) و میرزا حسن زنوزی متخلّص به فانی مؤلّف(ریاض الجنه) مادّه تاریخ فوت آذر را چنین آورده است: خواست تا فانی چون از پیر خرد تاریخ گفت. (مُردن آذر) بود تاریخ سال مردنش(۱۱۹۵).

۲ . مؤلّف، شعرای مقدّم را از سایر تذکره‌ها استفاده نموده و تذکره محتوی شرح حال ۸۴۲ تن شاعر می‌باشد.

لاجرم صورت این خیال در آینه خاطر نقش بست که مجموعه بر کیفیّت احوال و انتخاب اقوال این طبقه علیّه از متقدّمین و معاصرین نوشته شود...».

این کتاب چندین بار به زیور طبع آراسته گردیده[1] و نسخه مذیّل است به مثنوی یوسف و زلیخای مؤلّف که به تقلید یوسف و زلیخای جامی قریب به ۸ هزار بیت سروده و مرثیه حاجی سلیمان صباحی بیدگلی که در فوت مؤلّف گفته است.

آغاز: «در طوف حرم دیدم دی مغبچه می‌گفت».

انجام: «تهی ز شخص تو ایوان فلک دو تا از چیست».

شکسته نستعلیق ۲۰ سطری چهار ستونی، کاتب: امان الله زنگنه البار فروشی، تاریخ و محلّ کتابت: بیستم ذی القعده سنه ۱۲۲۶، اصفهان، کاغذ: کشمیری، شکری آهار مهره، صفحات آخر آب رسیده، عناوین بسرخی، ۲۷۳ گ، ۱۹/۵×۲۹/۵ س. م. جلد: یکطرفه تیماج مشکی اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۲

آتشکده آذر

(۱۵۸۹۷)

این نسخه در پایان، مرثیه صباحی بیدگلی را بطور ناقص یعنی ۱۴ بیت آنرا دارا می‌باشد.

آغاز: «مانند شماره پیش».

---

۱ . چاپهای مختلف آتشکده آذر عبارتند از: ۱. بمبئی ۱۲۹۹ ق. ۲. لندن ۱۸۴۴ م. تصحیح ن.بلاند. ۳. طهران ۱۳۳۷ بامقدمه سید جعفر شهیدی. ۴. طهران ۱۳۳۷ تصحیح حسن سادات ناصری. و همچنین اسحق بیگ متخلّص به عذری و معروف به عذری بیگدلی برادرتر کهتر حاج لطفعلی بیگ آذر(متوفی ۱۱۸۵ هـ.ق.) آتشکده آذر را تلخیص کرد و انتخابی از اشعار آن نموده و تذکره اسحق نامیده است که در صفحات آتی معرفی خواهد شد.

انجام موجود: «کم حصار قفس طایر اسیر گرفت».

شکسته نستعلیق ۲۵ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: ۱۲۳۳ هـق. کاغذ: حنایی، عناوین: به شنگرف، جداول اوراق به تحریر و زر، صفحات دارای کمند، دارای یک سرلوح مزدوج مذهّب و مرصّع که بخش بالای آن از بین رفته، ۲۰۶ گ، ۲۷×۱۵/۵ س. م. جلد: تیماج خرمایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳

آتشکده آذر

(۱۶۴۹۵)

آغاز و انجام: «مانند شماره پیش».

شکسته نستعلیق ۱۹ سطری، کاتب: فتحعلی بن محمّد کریم خان، تاریخ و محلّ کتابت: ۱۲۵۴ هـق. دارالسلطنه اصفهان، کاغذ: فرنگی، شکری آهار مهره، عناوین به شنگرف، دارای کمند، جدول‌بندی به سرخی و آبی و سیاهی، دارای یک سرلوح زرّین منقّش که قسمت بالای آن پاره شده، ۲۸۶ گ، ۲۹/۵×۲۰ س. م، جلد: تیماج خرمایی ضربی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴

آتشکده آذر

(۲۱۳۷۴)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند پیش.

نستعلیق خوب ۲۵ سطری چهار ستونه، تاریخ تحریر: شعبان المعظم ۱۲۹۲، محلِّ تحریر :اصـفهان، کاتب: نظیر زنگنه، امان الله بن محمّد تقی بیک[1]، کاغذ: نباتی فرنگی آهار مهره کرم خورده و رطوبت رسیده(که در ده برگ ابتدایی رطوبت و کرم خوردگی باعث از بین رفتن نوشته‌ها و اوراق شده است). عناوین و نکات برجسته و آیات و احادیث مقدّمه به شنگرف، ۲۳۸ گ، ۲۶×۱۸ س. م، واقف: مقام معظّم رهبری آیۀ ا... خامنه‌ای در خردادماه ۱۳۷۳.

۵

آتشکده آذر

(۱۶۴۵۶)

در این نسخه از مرثیه صباحی بیدگلی در مرگ مؤلّف، سه بیت باقی مانده است.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام موجود: «زکوه بارخ زرد آفتاب سر بر زد».

شکسته و نستعلیق چهار ستونه، ۱۹ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ تحریر: اوایل سده سیزدهم، کاغذ: نباتی آهار مهره، عناوین به شنگرف، دارای کمند و جداول به زر و سیاهی، دارای یک سرلوح منقّش زرّین بالنسبه پرکار، ۲۱۰ گ، ۲۸×۱۸ س. م، جلد: روغنی، بیرون با نقش گل و بوته و حاشیه، درون یک شاخه گل در زمینه لاکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۶

آتشکده آذر

---

۱ . «آتشکده آذر» به شماره ۱۶۲۵۰ نیز توسط«امان الله زنگنه» در اصفهان کتابت شده است.

(۱۳۴۵۶)

این نسخه مصدّر به فهرست مطالب می‌باشد.

آغاز: «فهرست کتاب آتشکده مشتمل بر دو مجمره، مجمره اوّل در ذکر اطوار و اشعار».

انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق ۲۴سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده سیزدهم، کاغذ: نخودی، عناوین به شـنگرف، ۲۳۸ گ، ۱۸×۲۸/۵ س . م. جلد: تیماج مشکی، سوخت دارای یک ترنج و سر ترنج، داخل سوخت گل و برگ از بین رفته، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۷

آیینه اسکندری

(۱۹۳۹۶)

مثنوی آخر خمسه امیر دهلوی(– ۷۲۵ هــ.ق.) می‌باشد.

آغاز :«خدایا چهان پادشاهی تراست ازل تا ابد هر چه خواهی تراست».

انجام: «روان زان میان جام خسرو بکام بیک زخمه کن کار او را تمام».

نستعلیق ۱۵ سطری سه ستونه، تاریخ تحریر: نیمه دوم سده دهم(برگ آخر از روی نسخه‌ای به تاریخ ۹۶۲ ق. نوشته شده) کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنائی(گوشه بعضی اوراق رطوبت رسیده و هفت برگ از انتها وصّالی شده است) صفحه اوّل دارای سرلوح مستطیلی با نقش ترنج، مذهّب و مرصّع عنوان نسخه به زر در وسط ترنج در زمینه لاجورد، جداول اوراق به لاجورد و زر و تحریردار، بـین السّـطور دو صفحه اوّل طلااندازی تحریردار، عناوین به شنگرف، ۱۰۱گ، ۱۹×۱۲ س . م، جلد:پارچه با عطف و

گوشه تیماج، واقف: میرزا رضاخان نائینی در مرداد ماه ۱۳۱۱، در ظهر صفحه اوّل مُهری با نقش«السلام علی ابراهیم ۱۱۶۵» دیده می‌شود.

۸

اتللُو(مغربی و نیز)

(۱۶۰۹۳)

نمایشنامه و داستانی غم‌انگیز از ویلیام شکسپیر بزرگترین شاعر و نویسنده انگلیسی سده شانزدهم میلادی(۱۵۶۴-۱۶۱۶ م.) می‌باشد که به فارسی ترجمه و نام مترجم در نسخه آورده نشده است. امّا با مقابله و این که تاریخ ختم تحریر در پایان نسخه با زمان اقامت ناصر الملک[۱](یکی از مترجمین اتللُو) در اروپا مطابقت دارد. معلوم گشت که این کتاب تحریر اوّلیه ترجمه ناصر الملک در لندن می‌باشد. این کتاب بارها بچاپ رسیده و بدست افراد متعددی به فارسی ترجمه شده است.[۲]

آغاز: «بسمه تعالی، ویلیام شکسپیر مهمترین شعرای انگلستان است».

انجام: «در لندن بتاریخ ۱۵ شهر ذی القعده الحرام سنه ۱۳۳۵ مطابق ۳ سپتامبر ۱۹۱۷ ترجمه و تحریر انجام یافت».

---

۱ . مترجم به احتمال قوی، ناصر الملک، میرزا ابوالقاسم خان قراگوزلوی همدانی، ملقّب به نایب السلطنه از رجال و اواخر قاجاریه(۱۲۸۲-۱۳۶۴ هـ.ق.) می‌باشد که دوتا ترجمه از وی باقی مانده، یکی ترجمه اتللُو و دیگر ترجمه بازرگان و ندیک که بخواهش دوستانش در اروپا صورت گرفته است.

۲ . اتللُو اثر شکسپیر بوسیله افراد زیر به فارسی ترجمه شده است: ۱. علی اصغر حکمت، ۲. عبدالحسین نوشین. ۳. م.ا. به آذین ۴. داریوش، شاهین.

شکسته نستعلیق ۱۲ سطری، کاتب :مترجم، تاریخ و محلّ کتابت: ۱۵ شهر ذی القعده ۱۳۳۵، لنـدن، کاغذ: فرنگی خط دار، ۱۴۸گ، ۲۴×۹ س . م. جلد: فرنگی سرمه‌ای در قطع بیاضی، واگذاری بنیـاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۹

احتجاجات ائمه(ع) (منظوم)[۱]

(۹۸۰۶)

مثنوی است بر وزن لیلی و مجنون نظامی(مفعول مفـاعلن فعـولن) در احتجاجـات دینـی، داسـتانهای حماسی، معجزات امامان، سروده میرزا شرف الدّین محمّد بن محمّد رضا تبریزی متخلص به مجذوب(- ۱۰۹۳ ق)[۲] از عالمان و شاعران عارف مشرب نیمه دوم سده یازدهم هجری، عنوانهای این مثنوی هر یک، مصراع می‌باشد: «رمزی ز عجاییات قرآن، طوفان عطای بحر توحید، دُرجی است لبالب از لآلی، اشراق جمال صاحب الامر، طغرای صحیفه معارف، تقطیع سماع و چرخ طامات، احسـان عظـیم روز میثاق، تشریف الست پاک دینان، برهان تمام حق شناسان، آیینه دلگشای اعجاز، تفریح جواب حیرت افزا، هم مژده و هم جواب محکم، تزویر دروغ راست مانند، ثعبان حصار گنج اسلام، آیـات مکـارم امامت، دُرجیست مرصّع و پر از دُر» و در انتهای ترجیع بندی با عنوان«ترجیع مناقب امامت» و بیت الترجیع«روزی که قلم گرفت معبود- لوحش کفِ مرتضی علی بُود» دارد.

---

۱ . در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۴، صص۳۱۲۱ و ۳۱۳۳، با عنوان«مثنوی حماسی دینی» و«مثنوی مجـذوب تبریـزی» و همچنـین در برگه‌دانی مخزن با عنوان«مدایح المعصومین» آورده شده است.

۲ . مراجعه شود به تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج۵، قسمت ۲، ص۱۳۱۶ و دیوان و منظومه‌های مجذوب که عبارتند از: مثنوی«تأییـدات»، «راه نجات» و مثنوی فوق که اطلاعاتی از زندگی و اعتقاداتش ارائه می‌دهد از جمله می‌گوید:

مجذوب همیشه بوده بسیار　　　در شیعه خوش اعتقاد کم کار

زینهار بدیده تهاون　　　در شیعه مبین تو چون تسنّن، ...

آغاز مثنوی: «بسمله، سبحان الله عز شانه          من جل جلاله و عمه».

انجام مثنوی: «هم لعنت حق جهان جهان پاک          بر کفر و نفاق و ظلم و الحاد».

آغاز ترجیع بند: «روزی که فلک بساط آراست          رخصت ز علی گرفت برخواست».

انجام موجود: «روزی همه روزه او رساند          از خوان کرم بکّل عالم».

نسخ ۱۴ سطری، تاریخ تحریر: اواخر سده ۱۲ ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی فرنگی آهـار مهـره رطوبت دیده و وصّالی شده کمند و جداول اوراق و عناوین و بیت الترجیع و بعضی لغات در حاشیه به شنگرف، معانی و شرح لغات به سیاهی، ۳۲۲گ، ۲۷×۱۸ س . م. واقف: خان بابا مشار، تاریخ وقف: اردیبهشت ۱۳۴۶.

۱۰

احتجاجات ائمه(ع) (منظوم)

(۲۳۳۴۷)

مانند شماره پیش، از مجذوب تبریزی که از ابتدا و انتها افتادگی دارد و فاقد ترجیع‌بند می‌باشد.

آغاز موجود: «با مهر تو خورده شیر مادر          نور دو برادر و دو خواهر».

انجام موجود: «شخصی گفتا از آن جماعت          پرسم ز علی و از امامت».

نسخ ۹ سطری، تاریخ تحریر: اواخر سده ۱۲ ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنـایی فرنگـی آهـار مهـره، رطوبت رسیده و قارچ زده، عناوین به شنگرف، توضیح و معنی لغات در حاشیه به سیاهی(بعضی از این توضیحات به خط نستعلیق که بر اثر برش کاغذ در هنگام صـحافی  از بـین رفتـه اسـت)، ۱۳۰ گ، ۲۲×۱۴/۵ س . م. خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۷۵.

اُحجّیه احمدی

(۱۲۲۱۱)

رساله مختصریست در معنی لغز و معمّا از لطفعلی بن محمّد کاظم تبریزی ملّقب بـه صدرالافاضـل و متخلّص به دانش از ادبا و فضلای دوره قاجاریه(۱۲۶۸–۱۳۵۰ هـق.)[۱] مؤلّف در کتاب حاضر تحقیقی محقّقانه در معنی لغز و معمّا از لحاظ لغوی و اصطلاحی و فایده آن و شـناخت علـم معمّـا[۲] کـرده و مثالهای مختلف از کتب گوناگون[۳] آورده و در مورد وجه تسمیه این رساله گفته اسـت: «تمـام اسـماء مرموزه مثالهائیکه می‌آید یک اسم مبارکی است که این مختصر بدان ناطق است.

یگانه که در هشت خلد در چل سال　　　بچار حد جهان باز کرد احمد بود

از احد تا احمد ای باریک بین　　　جز سر مو فرق نبود نیک بین».

آغاز: «بسمله، افضل الاُحمدِ و احمد الشکور الحمید بکل لسان... و بعد هر کس نامه خواهد نگارد».

انجام: «پس سدس ثانی از نصف ثانی یعنی ماه هشتم از سال هجری، خلاصـه یعنـی روز پنجشـنبه دوازدهم از شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۳۱».

---

۱ . شرح حال لطفعلی بن محمّد کاظم تبریزی در کتاب شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، ج۳، ص۱۸۱ و ریحانه الادب، ج۶، ص۱۹۱، تحت عنوان نصیری آورده شده است و تألیفات او عبارتند از: هزاردستان در محاضرات– تذکره الشعرا موسوم به ملخص– جواهر البلاغـه در منشـات و مراسلات– نمکدان و اندرزنامه–ایضاح الادب– خلافت و وصایت که دو کتاب اخیر چاپ گردیده است و قصیده‌ای در مـدح امـین السـلطان دارد که نسخه خطی بسیار نفیس آن در کتابخانه تحت شماره ۱۲۲۲۲ موجود می‌باشد و مؤلف از خط زیبـایی برخـوردار بـوده و در همـین فهرسـت شرح آن آمده است.

۲ . برای تدقیق مورد مؤلّف گفته است: «معما را قدماء از صنایع بدیعیه می‌شمردند. متأخرین عجم صرفنظر در آن چون دیدند برای تـدقیق خیـال و تجدید فکر و تلطیف ذوق و تذکیب خواطر و اختبار قرایح بسیار موثر است... در تعداد علوم ادبیّه‌اش آورده‌اند.

۳ . از جمله معمیات مستخرج از حلل مطرز، معمیات جامی و... می‌باشد.

نستعلیق آمیخته به شکسته، مختلف السطور، کاتب: مؤلّف: تاریخ کتابت: ۱۲ شعبان ۱۳۳۱، کاغذ: فستقی فرنگی، ۲۰گ، ۱۹×۱۲ س م، جلد: مشمع قهوه‌ای، واقف: سیّدجلال الدین تهرانی، تاریخ وقف: مرداد ماه ۱۳۶۱.

۱۲

اسرارنامه[۱]

(۱۶۳۳۲)

مثنوی‌های عارف و شاعر سده ششم و هفتم، فرید الدّین ابوحامد محمّد بن ابوبکر ابراهیم عطّار نیشابوری(۵۴۰-۶۱۸ هـق) می‌باشد که از کتابهای مهم متصوّفه بوده و عطّار به مولانا جلال الدین بلخی در کودکی هدیه کرده است.

این مثنوی شامل ۳۳۰۹ بیت است و به ۱۲ مقاله تقسیم شده و هر مقاله مخصوص به اصلی از اصولی تصوّف است نسخه ما کامل می‌باشد.

آغاز: «بنام آنکه جان نور جبین داد          خرد را در خداوندی یقین داد»[کذ].

انجام: «سخن با درد تر این کس نگفتست  کزین هر بیت خونین می‌چکد ست».

(ص ۲-۹۰)

نستعلیق کتابی چهار ستونه ۱۹سطری،تاریخ تحریر: رجب المرجب ۱۰۰۵، محلّ تحریر: لاهور، کاتب: محمّد سعید بن ابوالقاسم تربتی، کاغذ: حنایی وصّالی شده، عناوین به شنگرف، ۴۵گ، ۲۰×۱۲/۳ س م، جلد: تیماج مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

---

۱ . یک نسخه در ج۷، ص۱۹۹، فهرست شده است. و همچنین این نسخه مشتمل است بر مثنویهای اسرارنامه، مصیبت نامه، اشترنامه، خسرونامه، منطق الطیر، الهی نامه، که هر یک از آنها تحت همین شماره در جای خود معرّفی خواهند شد.

اسکندرنامه

(۱۵۹۶۷)

یکی از تحریرها و روایتهای اسکندر پسر داراب[۱] می‌باشد که احتمالاً از عربی به فارسی ترجمه شده[۲] و گویند مأخذ روایاتش وهب بن مُنبّه بوده است.[۳] جامع و یا مترجم این کتاب معلوم نیست و این کتاب با وارد شدن به هر کشوری با توجه به آداب و رسوم آن، رنگ همان مردم را بخود گرفته است. چنان که اسکندر در این کتاب، مسلمان[۴] و موّحد و نمازگزار و پیغمبر ایرانی معرفی می‌شود.[۵] این کتاب در ایران و بمبئی و... چاپ گردیده است و نسخه‌های فراوانی در کتابخانه‌های مختلف دنیا از آن وجـود دارد.[۶]

در این نسخه، داستان از زمانی که فیلقوس در مصر به رمّالی زندگی را می‌گذراند آغاز می‌شود و بعد به کمک همین حرفه وزیر پادشاه مصر شده و بعد قیصر روم و بدنبال آن به جنگ با هما دختر بهمن بن اسفندیار برمی‌خیزد که از داراب پسر هما شکست می‌خورد و نهایتاً از ازدواج داراب و دختر فیلقوس،

---

۱ . در ادب فارسی سه گونه اسکندرنامه دیده شده است: الف) اسکندرنامه‌ای که در قرن ششم مأخذ نظامی گنجـوی بـوده و بقیّـه شـاعران از وی پیروی نموده‌اند و مأخذ اسکندرنامه فردوسی علی التحقیق با اسکندرنامه نظامی تفاوت دارد. ب) نسخه‌ای که به اسکندرنامه قـدیم معـروف اسـت و از این کتاب نسخه‌ای در کتابخانه مرحوم سعید نفیسی موجود بوده که آنرا از کتابهای قرن پنجم و ششـم دانسـته‌ان. ج) اسـکندرنامه کـه کتـابی عظیم است و به ظن نزدیک به یقین در دوران صفوی تحریر شده و با دو نسخه قبلـی تفاوتهـای اساسـی دارد و از منـابعی اسـت کـه نقّـال‌هـا در مجالس از آن استفاده می‌کرده‌اند.

۲ . نسخه خطی به زبان عربی بنام«سیره اسکندر» تحت رقم ۴۱۲۶ درجلد ۳ صفحه ۹۰ فهرست رضوی معرفی شده است.

۳ . به نقل از سبک شناسی بهار، ج۲، ص۱۲۸.

۴ . بلعمی نیز کیش توحید را که پیش از اسلام بوده است با لفظ مسلمانی برابر می‌داند.

۵ . در مآخذ پیش از اسلام و دوره اسلامی از اسکندر به دو گونه سخن رفته است. در متون پهلوی این پادشاه اغلب بـا صـفت ملعـون(گجسـتک) یا شده و وی جوان شهوت پرست مقدونی و سوزاننده قصر شاهان هخامنشی می‌باشد اما همین مـرد در قسـمت اسـکندرنامه از شـاهنامه مـردی بزرگ و اصیل و از نژاد کیان است که شرف نسب را با دانش و داد و شجاعت در آمیخته است.

۶ . رجوع شود به: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۵، ص۳۶۵۶.

اسکندر زاده می‌شود و بعد از آن شروع داستانهای اغراق آمیز از جمله رفتن اسکندر به جنگ داراب بن داراب(برادرش) و بجانب دخمه بهمن و طلسم دخمه را شکستن و برادر را دفن کردن، کشته شدن زینب سامری به دست اسکندر، شفا دادن عیسی علیه السلام نسیم را و رفتن سرهنگ زمان به غار دیو سفید و... می‌باشد.

این نسخه کامل نیست و باآوردن اشعاری از حافظ[1] در حین نقل داستنا و لغاتی از جملـه«سُـنبک»[2] و«حسب الاشاره» و«کشیک» و نیز لغات ترکی«اُلکه»[3] و غیره نشان دهنده این است که نسخه متأخر از قرن هشتم بوده و نثر ساده عهد صفوی را یادآور می‌باشد. اینک قسمتی از داستان را به عنوان نمونه نقل می‌کنیم: «امّا افلاطون با غلامان در سنبک بر روی آب میرفتند تا بعداز هفت شبانروز حکیم زمان بجزیره افتاد تا انشاالله در جلد سیوم این دفتر در اُلکه مغرب بیان کنیم...».

آغاز موجود: «نیست بنشین تا هرگاه که بتو بفرمایم تقدیم رسانی اما همچون فیلقوس...».

انجام موجود: «فریدونرا ندیدند در پای قصرش بیهوش دیدند بهوشش آوردن».

نستعلیق ۲۲ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: حدود سـده دوازدهـم، کاغـذ: حنـایی، ۳۰۶ گ، ۲۰×۳۳/۵ س م، جلد: میشن دارچینی ضربی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضـعفان در شـهریور مـاه ۱۳۶۷.

۱۴

اسکندرنامه

---

۱ . در بین بخش‌های داستان برای تزئین کلام از اشعار حافظ ودیگر شاعران استفاده کرده و این بیت زیاد تکرار شده است.

۲ . به معنی کشتی کوچک.

۳ . الکه به معنی: ناحیه، قسمتی از ایالت می‌باشد.

(۲۲۵۶۹)

داستان مفصّل و عامیانه‌ای است از اسکندر و یاران افسانه او(مهتر نسیم، الماس خان، ارسطو، افلاطون، بابا، ...) باتحریر جدید که جنبه ادبی ندارد و با زبان محاوره‌ای و مناسب برای نقل در قهوه‌خانه‌ها و مجالس نوشته شده است. پس از شرح واقعه‌ای، پرداختن به یک شخصیت از داستان را با عبارت«بشنو از» شروع می‌کند که برای آشنایی با نثر آن، قسمتی ازآن را ذکر می‌کنیم: «بشنو از الماس جادو فرستاد به بیند امیر بچه خیال است آمد دید میاید برگش خبر داد الماس آمد دیدن الب باو گفت او جوهر غلامش را فرستاد...».

نسخه ما از اوّل و آخر ناقص است و اوراق آن در صحافی پس و پیش شده بنابراین نمی‌توان شمّه‌ای از داستان را در اینجا نقل کرد. از انتای بخش‌های داستان چنین برمی‌آید که کاتب این کتاب را طی ده سال برای مرشد خود نوشته است.

در برگ ۱۴۸ آمده است: «کتبه اقل السادات میرزا علی الحسینی الاصل خراسانی از جهت مخدومی‌ها کربلائی مهدی درویش اختیار در کمال دماغ سوختگی و پریشانی صورت اختتام یافت».

و نیز در برگ ۳۵۳ آمده: «بقلم درویش...[۱] بجهت سرور مکرم جناب کربلائی... مرشد خود یادگار نوشته شد».

آغاز موجود: «فرود بیا فردا فرود آمدند الماس بغول گفت برو نقابدار را بیاور».

انجام موجود: «دویمی را شقّه کردند خود طرحام آمد نقابدار گفت حالا دیروقت است».

---

۱ . در نسخه محل نقطه‌چین را پاک کرده‌اند.

نستعلیق تحریری مختلف السطر، کاتب: میرزا علی الحسینی الاصل خراسانی، تاریخ کتابت: ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۱ هـق، کاغذ: نخودی و حنایی کمرنگ، ۶۰۵ گ، ۱۷/۳×۱۰/۷ س.م. جلد: تیماج ضربی دارچینی، خریداری آستان قدس در آبان ۱۳۶۲.

۱۵

اسکندرنامه[۱]

(۱۲۸۱۵)

پنجمین مثنوی ازخمسه نظامی گنجوی، جمال الدین محمّد الیاس بن یوسف بن زکی(۵۳۰-۶۱۴ هـق.)[۲] است که شامل دو قسمت می‌باشد. اوّل شرفنامه، داستان حماسی اسکندر مقدونی که دنباله داستان اسکندر فردوسی بوده و دوّم اقبالنامه یا خردنامه اسکندری که بیشتر جنبه اخلاقی دارد.[۳] نسخه ما برعکس دیگر نسخ با اقبالنامه شروع می‌شود.[۴] از ۳۴۸۰ بیت آن[۵]، ۱۳۹۲ بیت باقی مانده و اوّل و آخر افتاده و به«گفتار بلیناس در آفرینش نخست» ختم می‌شود. و«شرفنامه» از اواخر«نشستن اسکندر بر جای دارا و بر اسکندر آتشکده‌ها را» شروع و تا آخر ادامه یافته و از ۶۸۰۰ بیت، ۴۰۰۹ بیت آن باقی مانده و از آخر یک صفحه کم دارد.

---

۱ . اسکندرنامه نظامی در ج۳، ص۹۲-۹۴ و در ج۹، ص۸۴ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . سال ولادت و وفات نظامی را متفاوت ذکر کرده‌اند و قول بالا به واقعیت نزدیکتر است.

۳ . به تقلید از نظامی در نظم خمسه، شاعران زیادی طبع آزمایی کرده‌اند. بزرگترین آنها، امیر خسرو دهلوی و دیگر خواجو، جامی، هاتفی، قاسمی، وحشی، عرفی، مکتبی، ثنایی، مشهدی، فیضی، اشرف مراغه‌ای، آذر بیگدلی، جبلی، مولانا حسن علی سروی، فضل الله حرفی، ناصری کرمانی(معاصر ناصرالدین شاه) می‌باشد.

۴ . احتمالاً اوراق نسخه در حین صحافی جابجا شده است.

۵ . ابیات شرفنامه را۷۱۰۰ بیت و خردنامه را ۳۷۰۰ بیت و... ذکر شده است. تاریخ نظم و نثر سعید نفیسی، ج۱، ص۱۰۵.

این نسخه در مقایسه با نسخه‌های مطبوع در بعضی موارد اشعار بیشتری را داراست. بارها چاپ شده و نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های مختلف دنیا از آن موجود است.[۱] و شروح مختلفی بـر آن نوشـته شده است.[۲]

آغاز موجود: «کسی کو ز جام تو یک جرعه خورد همه ساله ایمن شد از داغ و درد».

انجام موجود: «مرا پایگاهی که شایسته بود خبر دادمت ز آنکه بایسته بود».

نستعلیق متوسط، تحریر در متن و حاشیه، تاریخ کتابت: سده دهم هجری، کاغذ: آهاری حنایی، عناوین به شنگرف، ۸۵گ، ۱۱/۵×۲۰/۳ س . م.، جلد تیماج خرمایی، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۱۶

اشترنامه[۳]

(۱۶۳۳۲)

مثنوی عرفانی دیگر از فرید الدّین عطّار در بحر رمل است و شتر مرکب روحانی، عبور دهنده سالک از بیابانهای معرفت و رساندن وی به کعبه دل می‌باشد. این مثنوی با مقدّمه و تصحیح مهدی محقّق در

---

۱. از جمله در کتابخانه پاکستان، موزه بریتانیا، پاریس، مدینه، نجف، هاروارد، هند، نسخه خطی آن می‌باشد. ر.ک. به فهرست نسخه‌های خطی فارسی ج۴، ص۲۶۳۳.

۲ . از جمله: ۱. فواید یا قواعد علیشیری از محیی الدّین نظام الدّین(م ۹۵۶ هـ) که برخی از سروده‌های دشوار اسکندرنامه را بنـام امیـر علیشـیر نوایی شرح کرده است. ۲. شرح علوی، گزارش مفصّلی از علیمحمّد بن فتح محمّد جراح سانکرئی، با توضحات ادبـی، دسـتوری، لغـوی، فلسـفی، تاریخی، ستاره‌شناسی و با گواه آوردن از سروده‌های دیگران موجود در کتابخانـه گـنج بخـش پاکسـتان، ۳. فوایـد مظفـری کـه شـرح دیگـر از اسکندرنامه اس از پیرعلی رسول نوری ساخته ۱۲۰۴ هـ.ق. و در کتابخانه دانشگاه پنجاب می‌باشـد. ر.ک. بـه نسـخه‌هـای خطـی فارسـی، ج۵، ص۳۴۷۵.

۳ . این مثنوی ضمیمه پنج مثنوی دیگر عطّار است که در جای خود معرفی خواهد شد.

سال ۱۳۴۰ چاپ گردیده است(نسخه کامل است. ۴ برگ از ابتدا و دو برگ از انتها نو نویسی شده است).

آغاز: «ابتدا بر نام حیّ لایزال صانع اشیاء و ابداع جلال».

انجام: «ذات تو آمد مرا اول نمود هم در آخر ذات تو اوّل نبود».

(ص ۲۹۲-۵۱۵)

نستعلیق چهار ستونه ۱۹ سطری، تاریخ تحریر بازنویسی شده: محرم الحـرام ۱۲۸۰، ۱۱۰ گ، بقیّـه مشخصات نسخه‌شناسی ذیل نسخه اسرارنامه توضیح داده شد.

۱۷

اقبال نامه

(۱۷۶۴۲)

بخش دوّم(«اقبالنامه» یا«خردنامه اسکندری») پنجمین مثنوی خمسه نظامی می‌باشد که دارای ۳۴۸۰ بیت است.

آغاز: «بسمله، خرد هر کجا گنجی آرد پدید بنام خدا سازد آن را کلید».

انجام: «برو باد فرخنده چون نام او از آغاز او تا بانجام او».[1]

نستعلیق ۱۳ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: حدود سده ۱۲ هـق، کاغذ: حنایی کمرنگ، ۱۴۴گ، ۱۸×۱۱/۹ س.م، جلد: اسقاطی، واقف: مولانا منظور الحسن، تاریخ وقف: تیرماه ۱۳۶۸.

۱۸

---

۱ . در خاتمه: چهار بیت از دیگر مثنوی‌های نظامی آورده شده است.

الهی نامه[1]

(۱۶۳۳۲)

از مثنویهای فریدالدّین عطار نیشابوری(۵۴۰-۶۱۸ هـق) می‌باشد که در بحر هزج سروده و بیش از ۷ بیت دارد. کتاب دارای یک مقدّمه و شش فصل عمده و شامل بیست و دو مقاله و یک خاتمه می‌باشد. خلاصه داستان اینست که خلیفه‌ای دانا و توانا شش پسر داشت که همه دانستنی‌ها را آموختـه و بهـر چیز دلخواهی راه یافته بودند امّا باز هم هر یک آرزوئی در دل داشته و از ناکامی خود اندوهناک بودند و بعد در طی هر بخش آرزوهای پسران با پدر بیان گردیده است. و درباره نام مثنوی می‌گوید:

«در گنج الهی بر گشادم الهی نامه نام این نهادم».

و این مثنوی به تصحیح فؤاد روحانی در ۱۳۳۹ چاپ شده، این نسخه کامل بوده و هفت برگ از انتهای نسخه نونویسی شده است.

آغاز: «بنام آنکه ملکش بی‌زوالست بوضعش عقل صاحب نطق لالست»[2]. (کذ)

انجام: «تو فضل خویشتن را یار من کن جوی از رحمتت در کار من کن».

(ص۸۵۲-۱۰۴۰)

نستعلیق کتابتی چهار ستونه ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: ۱۰۰۵ هــق، تاریخ تحریر: نونویسی شده ۱۲۸۰ هــق(سایر مشخصّات نسخه‌شناسی مطابق اسرارنامه).

۱۹

انتخاب منتخب حدیقۀ الحقیقه

---

۱ . این مثنوی ضمیمه ۵ مثنوی دیگر از عطار است که در جای خود معرفی شده و یا خواهد شد.

۲ . در دیگر نسخه که صحیح می‌باشد چنین آمده است: «بوضعش نطق صاحب عقل لالست».

(۱۱۹۸۸)

انتخابیست منتخب حدیقة الحقیقه[1] حکیم سنایی غزنوی(- ۵۳۵ هـق.) که نسخه ابتدا و انتهای آن افتادگی دارد.

آغاز موجود: «هر چه آن نقش علم و معرفتست     آن همه کفر عالم صفتست».

انجام موجود: «بسته خویش کن نبر خوابم     تشنه خویش...».[2]

نستعلیق خوش ۱۱ سطری، تاریخ تحریر: اواخر سده دهم هجری، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، متن و حاشیه شده، عناوین به شنگرف و زر، جداول اوراق به زر تحریر دارد و لاجورد و شنگرف، ۴۸ گ، ۱۹/۸×۱۲ س م، جلد: تیماج ضربی، واقف: سیّد جلال الدین تهرانی، تاریخ وقف: مرداد ماه ۱۳۶۱.

۲۰

انتخاب منتخب حدیقة الحقیقه[3]

(۱۲۴۷۴)

نسخه کامل می‌باشد.

آغاز: «بسمله و به نستعین، حمد و شکر و ثنا علی الاطلاق: ذات حق را سزد به استحقاق».

انجام: «باد بر مصطفی درود و سلام     اَبَد الدّهر صد هزاران عام، تمت الکتاب...».

---

۱ . پنج نسخ در ج-۷، ص۸-۲۰۷ و ص ۷۸۱ و دو نسخه در ج۹، ص۳۰۲ و ۳۴۹ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . محلّ نقطه‌چین نوشته آن از بین رفته و وصّالی شده است.

۳ . این کتاب منضم است به شماره‌های ۷۸۸۱، ۷۸۸۲، ۷۸۸۳.

نسخ ۲۹ سطری، تاریخ کتابت: ۱۰۳۴ هـق.، کاتب: ابراهیم بن حسن، کاغذ: الوان آهار مهره، عناوین به شنگرف، ۲۰گ، ۱۶×۲۸/۸ س م، جلد: تیماج خرمایی ضربی لایی‌دار، خریداری آستان قدس رضوی در مهرماه ۱۳۲۹.

۲۱

انتخاب منتخب حدیقهٔ الحقیقه

(۱۲۴۷۴)

نسخه کامل می‌باشد.

آغاز[1]: «حمد بیحد صفات یزدانرا　　　مدح بی‌قدح ذات یزدانرا».

انجام: «باد بر مصطفی درود و سلام　　　اَبَد الدّهر صد هزاران عام، تمت...».

نسخ ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۱۰ هـق، کاتب: نامعلوم، کاغذ: آهاری نباتی، کمند به سیاهی، جداول اوراق به زر و لاجورد و سیاهی و سُرنج، عناوین به سرخی، ۴۷گ، ۹/۴×۱۴/۸ س . م. جلد: تیماج زرشکی، واقف: حسین صالحی، تاریخ وقف: مهرماه ۱۳۶۲.

۲۲

انتقامیّه

(۱۶۳۱۶)

از حماسه‌های دینی است و موضوع آن داستان ضریر خزاعی و انتقام از ستمگران واقعه کربلا می‌باشد. که طغان شاه بن نظام قمی شاهرودی به نام ابوالغازی سلطان حسین میرزا بایقرا(۸۷۸-۹۱۲ هـق) در

---

۱ . انتخاب منتخب حدیقه دارای دو تحریر است و دو آغاز برای آن نقل کرده‌اند. ر.ک. به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۴، ص۲۴۴۶.

سال ۸۸۴ سروده است. و این موضوع در نسخه‌های دانشکده الهیات و ادبیات تهران مسطور است و نسخه ما فاقد آن می‌باشد:

«ز هشتصد چو بگذشت هشتاد و چهار　　بنظم آمد این قصه نامدار

شد این نظم ماه محرم تمام　　نهادم و را انتقامیّه نام...

مرا بیشتر خلق از خاصّ و عام　　طغان شاه خوانند این نظام

مکانم قم و شاهرود[م] وطن　　..................................».

و نیز در آغاز نسخه گفته است:

«هر آنکس بپرسد بگویم عیان　　کتاب ضریر است[1] ای شیعیان».

آغاز: «بسمله، بنام خداوند فرد قدیم　　خدائی که بخشنده است و رحیم».

انجام: «در افتاد از نردبان آن لعین　　بشد پاره پاره تنش بر زمین».

عناوین این منظومه عبارتند از:

۱. آمدن ضریر در مسجد جمعه و احوال ایشان با صد و ده نفر جوان عرب.

۲. رفتن ضریر با صد و ده نفر به مسجد جمعه و جنگ کردن یعقوبرا گرفتن.

۳. مکالمه کردن معاویه ابن یزید ملعون از حضرت امام زین العابدین.

۴. نامه نوشتن یزید به عبید زیاد و لشکر آوردن بجنگ ضریر خزاعی.

۵. خبر یافتن محمّد حنفیه از قتل امام حسین علیه السلام.

۶. نامه نوشتن محمد حنفیه بنزد مسیّب پهلوان.

---

۱ . به نقل از فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۶، ص۴۴۱۲.

۷. خبر یافتن عمر بن علی از قتل امام حسین علیه السلام.

۸. آمدن طغان دلاور به میدان.

۹. لشکر آوردن عبید زیاد ملعون بجنگ ضریر خزاعی.

۱۰. رسیدن عمر بن علی با فضل جعفر در اسقلان و جنگ کردن با عبید.

۱۱. آمدن شاه حلب با سی هزار سپاه به امداد یزید جفاکار ملعون.

۱۲. آمدن عمر بن علی با فضل بن جعفر به خون خواهی حضرت امام حسین(ع).

نسخه مصدّر است به«ضیاء المومنین» که در جای خود معرفی خواهد شد.

نستعلیق ۱۱ سطری، معلّق به حواشی، تاریخ کتابت: ۲۵ محرم الحرام ۱۲۵۷، کاتب: خلیل بن کربلائی اسماعیل. کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۳۰۰گ، ۲۱×۱۶/۴ س. م. جلد: تیماج یک لا دارچینی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۳

انجمن دانش

(۱۷۷۳۵)

کتابی است به پیروی از گلستان سعدی از میرزا احمد وقار شیرازی[۱] (۱۲۳۲–۱۲۹۸ هـق) فرزند میرزا کوچک وصال از فضلاء و ادباء و خوشنویسان قرن سیزدهم که در تهران، عهد ناصرالدین شاه به سال ۱۲۸۱ هـق. نگاشته و در زمان مؤلّف چاپ شده و مشتمل بر یک مقدّمه و سه مقاله و یک خاتمه است. مقدّمه در حکایاتی چند در معرفت پروردگار و توحید و ذکر نعمای نامتناهی، مقاله اوّل: در

---

۱ . برای اطلاع بیشتر از احوال وی رجوع شود به: دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۴، ص۸۲۱، ریحانه الادب، ج۶، ص۳۳۶، هدیه العارفین، ج۱، ص۱۸۹، گلشن وصال، ص۱۲۷، ۲۶۸ و غیره.

کسب صفات جمیله و دفع خصائل رذیله، مقاله دوّم: در حُسن سلوک با اخوان و تواضع، مقاله سوّم:در سیرت پادشاهان و طریق عفو و سیاست ایشان و در خاتمه حکایاتی چند، که مایه انبساط طبع است آمده».

آغاز: «بسمله، سپاس بی‌قیاس خداوندیرا سزد جلّ سلطانه و عظم شانه».

انجام: «قبله فصحای روزگار حسان زمانه و سحبان دورانه جناب میرزا محمد شیرازی المتخلّص به وقار است».

نستعلیق ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۲۲ هـ.ق، کاتب: مصطفی خان مدیر الممالک، کاغذ: نخودی، ۱۴۲ گ، ۱۱×۱۷/۸ س م.، جلد: میشن دارچینی یک لا، واقف: خانم پریچهر پدرام، تاریخ وقف: مهرماه ۱۳۶۹.

۲۴

انشاء عالم آرا[۱]

(۱۳۴۲۶)

رساله‌ای از محمّد بن ناصرالحق حسینی نوربخش متخلّص به«سیّد» از ادبای سده هجدهم هجری، مشتمل بر فاتحه و سه لمعه و خاتمه(فاتحه: در افشاء معنی انشاء و بیان صنایع و محسّنات و ایمائی به آداب این فن. لمعه اوّل: در مکاتبات ارباب مراتب و مراسلات اصحاب مناصب، لمعه دوّم: مشتمل است بر دو ضوء، ضوء اوّل در ایراد بعضی آیات باهرات قرآنی. ضوء دوم: در فقرات متفرقه که در طی رقعات و سایر مکاتبات... مندرج توان یافت. لمعه سوّم: در ایراد رقع و مکاتبات و احکام و پروانجات

---

۱ . یک نسخه در ج هفتم، ص۲۰۹ فهرست رضوی معرفی شده است و در شناسنامه بنام«منشآت» عنوان شده بود که با بررسی و تحقیق، نام اصلی آن مشخص گردید.

و دیباچه مجلات. خاتمه: در بعضی امثله و ظرایف و هزلیات و لطایف است). که در سال ۹۵۶ در اصفهان بنام شاه طهماسب صفوی(۹۳۰-۹۸۵ هـ.ق) و وزیر او میرزا فضل الله میر میران پرداخته شده است. درباره نام رساله‌اش چنین می‌نویسد که: «سبب املاء این انشاء عالم آرا و باعث ترتیب این منشات بلاغة فزا لازالت مطاویه منظورة لارباب الکمال و ما برحت محاویه ملحوظة لاصحاب الجلال».

در انتها دو صفحه اشعاری از مؤلّف ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «بسمله و منه الاستعانة فی التتمیم، حمد بیحد و قیاس و سپاس عبادت اساس هدیه درگاه و تحفه بارگاه منشی اوراق اطباق افلاک و مبدع صفایح صحایف خطّه خاک که طغرای غرّای...».

انجام: «مناسب حال ارباب درجات و متقارب احوال اصحاب مرتبات کنند و نوع اخیر به عرف متأخرین و ابناء زمان ما انسب و اقرب است.

نسخ ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: شوال ۹۸۲(از لحاظ این که نسخه در عصر مؤلّف نوشته شده قابل توجه است). کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی آهاری، عناوین بشنگرف، ۱۱۶گ، ۱۸×۲۴/۸ س . م.، جلد: مقوّایی با عطف و گوشه تیماج، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۲۵

انوار سهیلی[1]

(۱۰۴۷۶)

---

۱. انوار سهیلی تحت شماره‌های ۴۴۴۶ و ۴۴۴۵ در ج۷، ص۲۰۹- ۲۱۰، و تحت شماره ۱۱۱۷۱ در ج۹، ص۸۵فهرست رضوی معرفی شده است.

تحریر و تهذیبی است از کتاب کلیله و دمنه، حاوی مباحث اخلاقی و تربیتی و حکمی از زبان حیوانات تألیف کمال الدّین حسین بن علی کاشفی سبزواری(نیمه اوّل قرن نهم- ۹۱۰ هـق)[1] اصل کتاب کلیله و دمنه، بنابر مشهورترین روایات، تألیف بیدپای، فیلسوف برهمنی به زبان سانسکریت بوده و در زمان انوشیروان به پهلوی و سپس در قرن دوّم هجری بوسیله ابن مقفّع به زبان عربی و در قرن چهارم هجری توسط رودکی به نظم فارسی[2] و بعد از آن در قرن ششم هجری توسط ابوالمعالی نصرالله بن محمّد بن عبدالحمید منشی به فارسی ترجمه شد. کاشفی انوار سهیلی را به نام شیخ احمد شیخم سهیلی جغتایی از امرا و شعرای عهد سلطان حسین بایقرا، تدوین به اسم او مصدّر نموده است وی قصد آن داشت که نثر کتاب را ساده نماید. چنانچه در مقدمه می‌گوید:

«بواسطه ایراد غرایب لغات و اطوار کلام بمحاسن عربیّات و مبالغه در استعارات و تشبیهات... از این جهت نزدیک شده که کتابی بدان نفاست متروک گردد... این کمینه بی‌استطاعت... حسین بن العلی... جرأت نموده کتاب مذکور را لباس نو پوشانیدن... دو باب اوّل از کتاب... اسقاط کرد و چهارده باب باقی را بعبارتی روشن و آسان مثبت ساختیم... جریده سخن را به جواهر اشعار پارسی که چون زر و گوهر... زیور می‌بندد....».

---

۱ . برای اطلاع بیشتر از احوال مؤلّف مراجعه شود به: ۱. حبیب السیر، ۲. روضات الجنات، ۳. طرایق الحقایق، ۴. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج۴، ۵. ریحانه الادب، ج۵.

۲ . در قرن هفتم(۶۶۱ هـق.) کتابی در شرح شواهد و اخبار و اشعار تازی کلیله و دمنه برای ضیاء الملک مکرم الدوله ملک الوزرا حسین فرزند محمّد در کرمان ساخته شده است که در کتابخانه لال اسماعیل ترکیه موجود است، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۵، ص۳۴۸۹، و نیز تهذیب و تلخیص دیگر کلیله و دمنه عیار دانش تألیف شیخ ابوالفضل دکنی(- ۱۰۱۱هـق.) است.

ولی نتوانست خود را از نفوذ بیان نصرالله منشی برهاند. این کتاب بارها به زیور طبع آراسته گردیده است.[1]

آغاز: بسمله و به نستعین، حضرت حکیم علی الاطلاق جلّت حکمته وظایف محمد و ثنای او....».

انجام: «به که کنم ختم سخن و السلام و الله اعلم تم هذا الکتاب الشریف المسمیّ بانوار السهیلی فی... حسن بن مسعود الطبیب».

نستعلیق ۲۶ سطری، کاتب: حسن بن مسعود الطبیب، تاریخ و محلّ کتابت: نهم جمادی الاولی سنه ۹۴۰، تبریز(با توجه به سال فوت مؤلّف، نسخه از لحاظ قدمت بر دیگر نسخ این کتابخانه امتیاز دارد.)[2]

کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف، ۱۶۴گ، ۲۰/۳×۱۳/۵ س . م. جلد: پارچه‌ای قهوه‌ای کمرنگ(خاکی)، خریداری آستان قدس در مردادماه ۴۹، میکروفیلم دارد.

۲۶

انوار سهیلی

(۲۲۶۵۷)

آغاز: مانند پیش.

انجام: «به کنم ختم در این انجمن، تمت الکتاب... سنه ۹۷۱).

---

۱ . بعضی از چاپ‌های معروف این کتاب عبارتست از: ۱. منتخب انوار سهیلی، چاپ لندن، به سال ۱۸۲۱م. ۲. منتخبات انوار سهیلی چاپ لندن، ۱۸۲۷م، ۳. کلیات انوار سهیلی به تصحیح کی نیل پولف اوزلی، چاپ هاتفرد، سال ۱۸۵۱م. همچنین بارها در لکنهو و حیدرآباد و بمبئی، چاپ سنگی و در کلکته چاپ سربی شده است. مقدمه انوار سهیلی، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.

۲ . دو نسخه یکی در بایگانی زاگروب یوگسلاوی نوشته ۹۲۵ هـ.ق. و دیگری در طوپقپوسرای استانبول نوشته ۹۲۹ هـ.ق بر نسخه ما از لحاظ قدمت برتری دارد. ر.ک. به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۵، ص۳۵۲۳.

نستعلیق ۲۲ سطری، تاریخ کتابت: جمادی الثانی ۹۷۱، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی و نخودی وصّالی شده، عناوین به شنگرف، (۱۲برگ نسخه در ابتدا و اواسط نونویسی شده) ۲۰۸گ، ۲۶/۵×۱۸، جلد: تیماج مشکی مستعمل، واقف: مرحوم آیت ا... سیّد عبدالباقی آیت اللهی شیرازی در اسفند ماه ۱۳۷۴.

۲۷

انوار سهیلی

(۱۶۱۰۸)

نسخه ناقص است. از ابتدا ۱۸۰ برگ افتادگی دارد و از حکایت«گربه در دام افتاده و موش عاقبت اندیش» از باب هفتم شروع می‌شود. و از انتها ۵۰ صفحه ساقط شده و تا اوّل باب یازدهم می‌باشد.

آغاز موجود: «وقت بغایت تنگست سر دور اندیشی دارد آواز داد».

انجام: «اکنون التماس می‌نمایم داستانی که مشتمل بر مضمون».

نستعلیق ۱۶ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۰ هـق، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی رنگ پریده، اوراق وصّالی شده، صفحات انتهایی حدود یک سوم آن از بین رفته و وصّالی شده است، ۹۶گ، ۱۹×۱۲ س. م.، جلد: میشن خرمایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۲۸

انوار سهیلی

(۲۱۷۶۲)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد. اوراق نامرتب صحّافی شده و با دومین حکایت از باب سوّم(موافقت دوستان و معاضدت ایشان) شروع می‌شود.

آغاز موجود: «من و دیدار تو هیهات چه فکریست خطا... حکایت گفت آورده‌اند که کبک دری در دامن کوهی می‌خرامید».

انجام موجود: «کو رنج بیماری کشد اکنون».

نستعلیق شکسته ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۱ هـ.ق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنائی موریانه خورده شدید(بعضی از کلمات ناخوانا و از بین رفته و با مرمّت علمی قابل استفاده گردیده است)، ۱۹۸گ، ۲۰×۱۱، جلد: مقوّا با عطف و گوشه پارچه، اهدایی مقام معظم رهبری آیت ا... خامنه‌ای، در خردادماه ۱۳۷۰.

۲۹

انوار سهیلی

(۱۶۴۳۶)

نسخه از ابتدا یک صفحه افتادگی دارد.

آغاز موجود: «خودپسند را جز بموعظه حسنه باصلاح نتوان آورد».

انجام: مانند شماره‌های پیش.

نستعلیق ۲۰ سطری، کاتب: محمّد قلی بن محمد حسین مشهور به آقا کوچک، تاریخ کتابت: ۲۸ جمادی الاولی ۱۱۲۳، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به شنگرف، صفحه اوّل بین السطور طلااندازی با طلای خام، جداول اوراق به شنگرف و لاجورد، دارای دوازده مجلس تصویر، ۲۵۶گ، ۲۷/۸×۱۷/۷ س . م.، جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۰

انوار سهیلی

(۱۵۲۸۸)

نسخه از ابتدا ده سطری افتادگی دارد.

آغاز موجود: «بموجب منطوق این کلام سعادت فرجام آن است».

انجام: «بر افراخت و وزیر اثار صفات[۱]... چونکه بدین پایه رساندم کلام... تاریخ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۱۰».

نستعلیق مخلوط به شکسته، ۱۵ سطری، (آیات و احادیث به نسخ)، کاتب: محمّد رفیع الهمدانی، تاریخ کتابت: صفر المظفر ۱۲۱۰، کاغذ: آبی و نخودی رطوبت رسیده، عناوین به شنگرف، ۲۰۴گ، ۲۰/۵×۱۳/۵ س. م. جلد: تیماج ضربی اسقاطی، واقف: حاج احمد آقا فاضل در اسفند ماه ۱۳۶۵.

۳۱

انوار سهیلی

(۱۲۶۷۷)

آغاز و انجام: مانند پیش(۱۰۴۷۶).[۲]

نستعلیق ۱۹ سطری(آیات و احادیث به نسخ)، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: ۱۲۳۰ هـ.ق.، کاغذ: نخودی آهاری، عناوین به سرخی، ۳۰۳ گ، ۲۸/۳×۱۶ س. م.، جلد: ندارد، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۳۲

---

۱ . صفحه آخر آب دیده و خطوط ناخوانا شده است بنابراین انجام نسخه و نام کاتب درست خوانده نشد.

۲ . صفحه اول پاره شده و بعضی از خطوط از بین رفته است.

انوار سهیلی

(۱۲۲۸۲)

آغاز و انجام: مانند پیش.

نستعلیق ۲۰ سطری(آیات و احادیث به نسخ)، کاتب: عبدالعلی، تاریخ کتابت: ۱۲۳۸ هـ‍ق، کاغذ: شکری آهاری، عناوین و احادیث و آیات به شنگرف، ۲۳۴گ، ۲۹/۶×۱۹ س. م. جلد: تیماج خرمابی ضربی، واقف: سیّد جلال الدین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۳۳

انوار سهیلی

(۱۶۲۲۹)

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.[۱]

نسخ ۲۶ سطری، کاتب: علی نقی بن محمّد حسین کازرونی، تاریخ کتاتب: ۱۲۴۰ هـ‍ق، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به سرخی، جداول اوراق، به زر تحریردار و شنگرف و لاجورد، دارای کمند و یک سرلوح با طلای پست، ۱۹۳گ، ۳۰/۵×۲۰/۵ س. م. جلد: روغنی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ۱۳۶۷.

۳۴

انوار سهیلی

(۱۶۲۴۸)

---

۱ . در انتهای نسخه اشعاری در مدح رستم خان بن حسنعلی که کتاب برای او استنساخ شده سروده شده است.

آغاز و  انجام :مانند شماره پیش.

نستعلیق ۱۸ سطری، کاتب :محمّد زکی ابن میرزا کاظم الحسینی تفرشی، تـاریخ کتابـت: دوّم ذیقعـده ۱۲۴۸، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به سرخی، ۲۷۰گ، ۲۹/۵×۲۰ س م، جلد: تیمـاج خرمـایی ضربی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۵

انوار سهیلی

(۲۲۵۸۸)

از ابتدای نسخه سه برگ و از انتها تعدادی اوراق افتاده است.

آغاز موجود: «آفتاب برج خلافت... الحیوة الدنیا الاّ متاع الغرور می‌فشاند».

انجام موجود: «سیلاب خونین از خشم چشم بگشاد و گفت».

نسخ ۲۰ سطری، تاریخ کتابت :سده ۱۳ق، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی آهار مهره(بعضی اوراق مرمّت و وصالی شده و قسمتی از نوشته‌ها نیز از بین رفته و اوراق انتهایی نیز رطوبـت دیـده اسـت) ۱۷۲گ، ۲۸/۵×۱۹، جلد: تیماج مندرس، واقف: مرحوم آیت ا... سیّد عبدالباقی آیت اللهی شیرازی در اسفند ماه ۱۳۷۴.

۳۶

انوار سهیلی

(۱۴۳۰۳)

نسخه فاقد خطبه و دیباچه است و از انتها نیز به مقدار ۱۸ صفحه افتادگی دارد.

آغاز موجود: «بسمله و به نستعین، آورده‌اند که در زمان انوشیروان در خزاین ملوک هندوستان....».

انجام موجود: «مال آنرا مانع خواند بود و هر وقت که ظاء ظرافت».

نستعلیق ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: احتمالاً سده سیزدهم[1] هجری، کاتب: نامعلوم، کاغذ: آبی و فستقی، ۲۰۵گ، ۳۰/۸×۱۸/۵ س. م. جلد: میشن خرمایی ضربی فرسوده، واقف: سیّد محمّد باقر عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف: محرم الحرام ۱۴۰۵.

۳۷

انوار سهیلی

(۱۳۳۴۹)

نسخه از انتها یک برگ افتادگی دارد.

آغاز: مانند(۱۰۴۷۶).

انجام موجود: «دعای خیر دریغ ندارد که بحکم دعاء الامام العادل لا...».

نستعلیق ۲۱ سطری، (آیات و احادیث به نسخ)، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـ.ق.، کاغذ: فرنگی فستقی، بعضاً وصّالی شده، ۱۸۰ گ، ۳۳/۵×۱۹ س. م.، جلد: تیماج اسقاطی، واقف: عباس فخیمی، تاریخ وقف: آذرماه ۱۳۶۲.

۳۸

انوار سهیلی

(۱۶۲۵۵)

---

۱ . در حاشیه کتاب یادداشت«محمدابراهیم بن محمّدعلی» در تاریخ ۱۲۶۴ به چشم می‌خورد.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «پوش بدان نکوئی خویش[1]، تمت الکتاب بعون الملک الوهاب در دارالخلافه طهران شرف تحریر پذیرفت کتبه الفقیر محمّد علی... سنه ۱۳۲۵ باتمام رسید... در وقت خواندن فراموشم نفرمایند».

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: نامعلوم، اوّل و آخر نونویسی شده در سال ۱۳۲۵ هـ.ق. کاتب: میرزا علیخان تفرشی، عناوین به سرخی، کاغذ: آبی آهاری، ۳۳۶گ، ۲۹/۶×۱۶/۵ س م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۹

انوار محمّدیه

(۱۶۳۷۳)

این کتاب ترجمه فارسی«شرح شافیه ابی فراس فی مناقب آل الرسول و مثالب بنی عباس» می‌باشد که به وسیله سیّد ابوجعفر محمّد بن امیر الحاج الحسینی[2] در سال ۱۱۷۴ هـق. به عربی شرح شده است. و احمد بن ابوالفتح الشریف الاصفهانی[3] از علمای دوره محمّد شاه قاجار به فارسی ترجمه نموده است. مترجم در مورد چگونگی ترجمه می‌گوید: «حسب الامر واجب الاذعان و اشاره حضرت سپهر منزلت و آلامرتبت... فرمان فرمای سر حدین عرب و عجم خلاصه دودمان ایل جلیل قاجار نور محمّد خان ظهیر دولت ابدمآل... و باذن و اجازه جناب مستطاب افادت ایاب... آقا محمّد جعفر بن آقا محمّد

---

۱ . «چونکه بدین پایه رساندم کلام به که کنم ختم سخن والسلام» از قلم افتاده و کاتب ننوشته است.

۲ . شرح شافیه، دوبار در سال ۱۲۹۶ و ۱۳۱۹ هـق. چاپ سنگی گردیده است. بر این قصیده شروح عدیده‌ای نگاشته شده است: شرح شافیه از سید علی بن الحسین الهاشمی النجفی الخطیب، شرح شافیه از سید حسن بن محمّد بن الحسین بن مهدی بن سیف الحسینی و احمد بن احمد بن علی الماجدی و... تخمیس قصیده میمیه ابوفراس از شیخ ابراهیم بن یحیی عاملی(- ۱۲۲۰ هـق.) بنقل از الذریعه ج۱۳، ص۳۱۵، و ریحانه الادب، ج۴،ص۸۹.

۳ . در کتب مرجع نام مترجم مشاهده نشد وصاحب الذریعه نیز این کتاب را ندیده و ظاهراً مترجم آثار زیادی نداشته است.

علی... این بنده قاصر ضعیف احمد بن ابوالفتح... شرح عربی قصیده فارس میدان عقل و فصاحت و مبارز مضمار فراست و ریاست جناب ابوفراس حارث بن یعلا را برشته فارسی کشید....».[۱]

قصیده میمیه ابوفراس حمدانی(۳۲۰-۳۵۷ هـق.) معروف به شافیه در مدح و منقبت ائمه اطهار(ع) و ظلم بنی عباس و هجو[۲] آنها می‌باشد. این قصیده ۵۴ بیت بوده که مترجم در هنگام ترجمه شرح شافیه، بعضی از توضیحات شارح و اشعار دیگر ابوفراس را سقط کرده و در ابتدای کتاب به مقتضیات ترجمه، مطالبی افزوده، و این ترجمه ناتمام مانده زیرا شش بیت این قصیده از پایان، شرح نشده است.[۳]

موضوعات مطروحه در این ترجمه عبارتند از: وجه تسمیّه اهل البیت علیهما السلام و وجه تسمیه ذوالفقار و منصور دوانیقی، فضیلت ائمه اطهار و ولایت امیرالمومنین، چگونگی شهادت ائمه اطهار(ع).

در خاتمه دو صفحه‌ای در ذکر مناقب و القاب شعبه‌ای از اولاد آقا محمّد باقر بهبهانی ضمیمه است.

آغاز: «بسمله، حمد بیحد و ثنای بیعدد مرمر خالق احد را».

انجام: «یک کیسه اشرفی باو دادم و گفتم در امورات خود صرف کن».

نستعلیق کتابتی، ۱۹ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: ۱۲۶۰ هـق.، کاغذ: شکری آهاری، عناوین و اشعار متن به سرخی، ۲۵۱گ، ۲۸/۷×۱۷س . م. جلد: تیماج ضربی قهوه‌ای مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ۱۳۶۷.

۴۰

---

۱ . مترجم نام مؤلف شرح شافیه را در مقدّمه بیان ننموده است.

۲ . چنانکه می‌گویند ابوفراس در عهد خلافت بنی عبا و تسلط ایشان بعد از انشای این قصیده وارد بغداد شد و به جهت تسلطی که ایشان داشته‌اند امر کرد که پانصد یا بیشتر شمشیردار با شمشیرهای عریان در پشت سرش صف کشیدند. پس در لشکرگاه به آواز بلند همین قصیده را خوانده و از دروازه دیگر بغداد خارج شد. بنقل از مقدمه شرح شافیه و ریحانه الادب.

۳ . تا این بیت ترجمه شده است: «منکم علیّه ام منهم و کان لکم     شیخ المغنین ابراهیم ام لهم».

بدیع التواریخ[1]

(۸۹۲۳)

کتابی است از سیّد محمود بن زین العابدین حسینی فسائی متخلّص به نعمت از ادبا و شعرا و خوش نویسان فارس[2](۱۲۷۱-۱۳۴۲ هـق.)[3] که رویدادهای تاریخی و وقایع زندگی[4] بزرگان قاجار و دوستانش را به نظم درآورده و در زیر مصاریع ارقام تواریخ را نوشته است و شامل ۵۰۰ ماده تاریخ از سال ۱۲۶۲ تا ۱۳۳۹ می‌باشد و این نسخه مصدّر است به تصویر ناظم که زیر آن این بیت شعر را نوشته است:

«غرض نقشی است کزما بازماند      که هستی را نمی‌بینم بقائی».

آغاز: «بسمله، تاریخ قتل فردوس و ساده ناصرالدین شاه انارالله برهانه، ناصرالدین شاه کیخسرو خدم».

انجام: «این پانصد ماده تاریخ در دارالخلافه طهران گفته و بی‌ترتیب نوشته شد فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۳۹(محمود الحسینی المتخلّص به نعمت) صحیح و درست است».

نستعلیق تحریری: ۱۱-۹ سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۳۹ هـق. کاتب: ناظم، کاغذ: فستقی، ۱۰۸گ، ۲۰/۳×۱۴ س. م. جلد: مقوّایی، واقف: علی اصغر حکمت در مهرماه ۱۳۴۰.



۱ . سه نسخ در ج۹، ص۱۰ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . سیّد محمود فرزند زین العابدین حسینی فسائی متخلّص به نعمت از خوانین فسا بوده که پدران او حکومت آنجا را پشت در پشت دارا بوده‌اند و نسبت این خانواده به سیّد علیخان مدنی و حاج میرزا حسن فسائی می‌رسد و سیروسلوک از منّور علیشاه دستور العمل دارد. و آثار او از جمله دیوان اشعارش به نام«گنج زر» و«چهار مینو(مجموعه شعر) در سال ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ هـق. در تهران به چاپ رسیده است. و برای اطلاع بیشتر از احوالش رجوع شود به: ۱. تاریخ رجال ایران، ج۶، ص۲۵۷. ۲. طرایق الحقایق، ج۳، ص۵۸۷. ۳. فهرست مؤلفین، خان بابا مشار، ج۶.

۳ . اگر چه سال فوتش را ۱۳۴۲ هـق. ذکر شده، یک نسخه در کتابخانه مجلس شماره ۴۴۷۶، ماده تاریخ ۱۳۴۳ را دارد.

۴ . از جمله سال ولادت و عروسی و قتل و فوت و تألیف کتاب خود و دوستان و شاعران و نویسندگان را ذکر کرده است.

بدیع التواریخ

(۸۹۲۴)

تلخیص کتاب بوده و شامل ۸۲ ماده تاریخ می‌باشد.

آغاز[1]: مانند شماره پیش.

انجام: «بفال نیک مشروطه شده ایران، این ۸۲ ماده تاریخ در دارالخلافه طهران گفته و بی‌ترتیب نوشته شد فی شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۳۵(محمود الحسینی المتخلّص به نعمت)».

نستعلیق تحریر ۹ سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۳۵ هـ.ق. کاتب: ناظم، کاغذ: آبی، ۲۸گ، ۲۱×۱۲/۷ س . م. جلد:مقوّایی، واقف: علی اصغر حکمت، در مهرماه ۱۳۴۰.

۴۲

بدیع التواریخ

(۱۲۷۳۰)

این نسخه نیز تلخیص بوده و فقط ۳۰ ماده تاریخ در آن آمده است.

آغاز: «تاریخ وفات مرحوم حاجی میرزا محمّد علی روضه خوان المتخلّص به محتاج».

انجام: «بهر تاریخ کنون نعمت گفت- ۱۳۳۲- اوفتاده بجهان آتش جنگ(محمود الحسینی المتخلّص به نعمت).

نستعلیق تحریری، ۱۰-۹ سطری، تاریخ کتابت: ظ. ۱۳۳۳ هـق، کاتب: ناظم، کاغذ: آبی، ۱۲گ، ۲۱/۵×۱۳/۳ س. م.، جلد: مقوّایی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

---

۱ . در ظهر صفحه اوّل، ناظم کتاب را به واقف کتاب«علی اصغر حکمت» تقدیم نموده و چنین نوشته شده است: «این کتابچه(بدیع التواریخ) محض یادگاری بجهت دوست حقیقی آقای میرزاعلی اصغرخان نوشته شد. (محمود الحسینی المتخلص به نعمت)».

بوستان[1]

(۱۵۹۵۳)

اثر مشهور ابومحمّد مشرف الدّین مصلح بن عبدالله بن مشرف سعدی شیرازی(۶۰۶-۶۹۰ هـق) که به«سعدی نامه) نیز معروف و شماره ابیات این منظومه در حدود ۴۰۰۰ است، که در اخلاق و تربیت و وعظ و تحقیق در ده باب، به سال ۶۵۵ نوشته شده(عدل، احسان، عشق، تواضع، رضا، ذکر،تربیت، شکر، توبه، مناجات، و ختم کتاب) و به ابوبکربن سعد زنگی که دوران حکومتش از سال ۶۲۳ تا ۶۵۸ هـق. بوده تقدیم شده است.

آغاز: «بنام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین».

انجام: «خدایا ز عفوم مکن ناامید، فرغ من تسوید... سنه ۹۲۰).

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ربیع الثانی ۹۲۰[2]، کاتب: عبدالرّشید دیلمی[3]،کاغذ: نباتی، عناوین به زر و لاجورد، جداول اوراق به لاجورد و سیاهی و زر و زنگار، صفحه اوّل دارای سرلوح مزدوج شرفه‌دار پُرکار، دو صفحه اوّل تشعیر سازی با گل و برگ طلائی، بعضی اوراق معلّق به حواشی و تفسیر و معانی اشعار، ۱۴۳ گ، ۱۴/۳×۲۳/۸ س . م. جلد: تیماج زرشکی ضربی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

---

۱. چهار نسخه در ج ۷، صص ۲۲۰-۲۱۸ و شش نسخه در ج۹، صص ۹۱-۸۷، فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . عبدالرشید دیلمی معروف به رشیدا از خطاطان نامی ایران وخواهرزاده میرعماد، در تاریخ فوتش اختلاف است. دکتر معین در فرهنگش ۱۰۸۱ هـق. و دکتر بیانی اقوال گوناگون ۱۰۴۸، ۱۰۲۴، ۱۰۸۵ را ذکر کرده است. و با وجود این با تاریخ کتابت نسخه ما، قابل انطباق نیست و احتمالاً تاریخ کتابت ۱۰۲۰ هـق. باشد.

۳ . در پایین صفحه آخر این جملات مسطور است«حسب الفرموده نواب مستطاب قمر رکاب ظفر انتساب قاضی جهان ادام الله دولته پنجاه تومان نقد با خلعت سرتا پا صله کاتب داده شد و از نظر فیض اثر گذرانیده تسلیم خزانه عامره گردید».

۴۴

بوستان

(۱۲۰۱۳)

نسخه از ابتدا به مقدار ۵ صفحه ساقط است.

آغاز موجود: «کریم السخایا(کذا) جمیل الشیم نبی البرایا شفیع الامم».

انجام: «خدایا ز عفوم مکن ناامید، هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمّد علیه السلام، تمت.

نستعلیق خوش ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: احتمالاً سده ۱۱ هـق.، کاتب: میر محمّد علی کاتب[۱]، کاغذ: حنایی کمرنگ، متن و حاشیه شده، عناوین به شنگرف، دارای کمند و جداول اوراق به زر تحریـردار ولاجورد، سه صفحه اوّل بین السطور طلا اندازی دندان موشی، صفحه اوّل دارای یک سر لوح منقّش و مذهّب که از جایی دیگر بوده و اینجا الصاق کرده‌اند، ۱۷۷ گ، ۱۴/۵×۲۳/۳ س . م. اوراق در صحافی جابجا شده، جلد: تیماج عنّابی روغنی ضربی دارای یک ترنج و دو سر ترنج زرّین، جدول‌بندی به طلا، واقف: سیّد جلال الدین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۴۵

بوستان

(۱۶۰۸۰)

نسخه کامل می‌باشد.

---

۱ . در انتهای صفحه آخر مرحوم میرزا قلی خان اتابکی و طرب بن همای شیرازی با خط خوششان تأیید کرده‌اند که کاتب این نسخه میر محمّدعلی کاتب می‌باشد. در احوال و آثار خوشنویسان ج۳-۴،ص ۷۸۹، میر علی اماد میر عماد از خوشنویسان سده ۱۱ و میر محمد علی دیگری نام برده شده است و تاریخ کتابت این نسخه با توجه به مُهری که در صفحه آخر با تاریخ ۱۱۹۱ دارد باید قبل از این تاریخ باشد.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق خوش ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: احتمالاً سده ۱۱ هـ ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ حنایی، اوراق ابتدایی و انتهایی وصّالی شده، عناوین به زر و لاجورد، جداول اوراق به زر و تحریر و سیاهی، دو صفحه اوّل دارای سرلوح منقّش و مذّهب فرسوده، ۱۸۰گ، ۲۰×۱۲/۵ س. م. جلد: میشن دارچینی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۶

بوستان

(۱۵۲۱۲)

نسخه کامل می‌باشد.

آغاز و انجام: مانند پیش.

نستعلیق ۱۵ سطری، در حواشی صفحات نیز نوشته شده، تاریخ کتابت: ۱۲۰۰ هـ.ق. (صفحه اوّل نونویس)، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به شنگرف، ۸۰گ، ۲۱×۱۵ س . م، جلد: میشن زرشکی مستعمل، خریداری آستان قدس در سال ۱۳۶۵.

۴۷

بوستان سعدی

(۱۸۲۵۰)

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۳۴ هـ ق. کاتب: عبدالغفار بن عبـدالوهاب تفرشی، کاغذ: شکری فرنگی، جداول اوراق بعضاً به شنجرف، ۸۲گ، ۱۹/۵×۱۴/۵ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی مستعمل، واقف: مرحوم آیة الله دادمهر، تاریخ وقف: تیرماه ۱۳۷۱.

۴۸

بهار دانش[۱]

(۱۲۳۱۶)

داستانی است عاشقانه و ادبی با نثری پر از استعاره و کنایه و تقریباً مسجّع تألیف عنایة الله محمّد حفیظ خان بن شیخ اله یا ربن شیخ عبدالعزیز کنبوی لاهوری(- ۱۰۸۲ هـق.) که از نویسندگان و شاعران و خوشنویسان معروف زبان فارسی در هندوستان بود.

موضوع آن معاشقه جهاندارشاه و بهره‌ور(مهرور) بانو براساس حکایات قدیم هندی می‌باشد که به تقلید از عیار دانش که تحریری از کلیله و دمنه است. ترتیب داده شده، مؤلف در حین سیر طبیعی داستان، افسانه‌های متعدی در پند و اندرزهایی از قبیل«بیوفایی زنان، کارهای سترگ را بی‌خـوض آزمـودن خطاست، دشمن را حقیر نتوان شمرد...» نقل کرده است. نسخه برای سلطان محمّد شاهجهان دوم بسال ۱۰۶۱ هـق. نوشته شده و به دیباچه مولانا محمّد صالح برادر و شاگرد مؤلّف ابتدا می‌شود. چنانکـه می‌گوید: بر آن سراست که بتحریر دیباچه این سواد اعظم قبول اقبال که خرد معنی پرور به بهار دانش موسوم ساخته... پرورده حسن اعتقاد خاک راه آل محمّد صالح که با آن جوهر پاک نسبت هم گوهری و شاگردی دارد».

---

۱ . یک نسخه در ج۷، ص۲۳ و دو نسخه در ج ۹، ص ۹۱ و ۹۲ معرفی شده است.

در سالهای ۱۲۷۹ و ۱۳۱۲ هـ ق. در لکنهو و بمبئی و در سال ۱۸۸۶ م. در کانپور چاپ شده و به زبان انگلیسی و آلمانی و فرانسوی ترجمه شده و حسنعلی عزّت در زمان تیپو صاحب، آن را برشته نظم کشیده است.

آغاز: «بسمله، فاتحه کتاب مستطاب آفرینش و پیرایه صحیفه دانش و بینش».

انجام: «زبانرا گوشمال خواموشی ده          که هست از هر چه گوئی خوامشی به».

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی، عناوین به شنگرف، ۲۶۶ گ، ۲۹/۵×۲۰ س. م. جلد: تیماج خرمایی سیر، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی، تاریخ وقف: مردادماه ۱۳۶۱.

۴۹

بهار دانش

(۱۶۴۶۲)

نسخه ناقص الآخر بوده و حدود یک سوم کتاب از انتها ساقط شده است.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام موجود: «در انجمن سامی یار دانسته اسباب نعمت و آلات را مشگری فراهم».

شکسته نستعلیق ۱۳ سطری، به شیوه هندی، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاغذ: حنائی موریانه خورده شدید، عناوین و جداول اوراق و معنی لغات متن در حاشیه صفحه به شنگرف، ۲۴۰گ، ۲۳/۵×۱۳س. م. جلد: مقوایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۵۰

بهار دانش

(۱۶۰۷۵)

نسخه ناقص الاخر بوده از اواسط حدود ۳۵ صفحه و از انتها یک سوم کتاب ساقط شده است.

آغاز موجود: «کیفیت شرایف صفات چنان گرهی بر زبان نیفتاده که شرح...».

انجام موجود: «در همه کوی و مملکت آوازه در افتاد مرد و زن اهل برزن».

نستعلیق ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲ هـ‍ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین: بعضاً به شنگرف، ۱۷۹گ، ۲۰×۱۳/۵ س. م. جلد: اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۱

بهارستان[۱]

(۱۵۹۷۸)

اثر مشهور ادبی نورالدّین ابوالبرکات عبدالرّحمن احمد بن محمّد جامی(۸۱۷–۸۹۸ هـ‍ق.) است که به اسلوب گلستان سعدی، برای فرزندش ضیاء الدّین یوسف و به نام سلطان حسین میرزای بایقرا در سال ۸۹۲ نوشته و چندین چاپ خورده و بارون شلختامستشرق آن را به زبان آلمانی ترجمه و منتشر نموده(وین ۱۸۴۶ م.) و گزارش ترکی آن به نام«هدایهٔ العرفان» در سال ۱۲۵۲ هـ‍ق. در استانبول به چاپ رسیده است.

این کتاب در هشت روضه، مقدّمه و خاتمه بترتیب یافته:

---

۱. یک نسخه درج۷، ص۲۲۰، فهرست رضوی معرفی شده است.

روضه نخستین در ذکر حکایاتی درباره مشایخ صوفیه، روضه دوم متضمن حکم و مواعظ و مشتمل بر چند حکمت و حکایات مناسب مقام. روضه سوّم درباره اسرار حکومت و ذکر حکایاتی از شاهان. روضه چهارم درباره اسخیا و بخشندگان. روضه پنجم در تقریر حال عشق و عاشقان. روضه ششم حاوی مطایبات و لطایف و ظرایف و اقوال مجانین عقلاء. روضه هفتم در شعر و بیان احوال شاعران(رودکی، دقیقی، انوری، عمعق، امیرمعزّی، حافظ...)، روضه هشتم در حکایتی چند از زبان جانوران.

آغاز: «بسمله، نظم، چو مرغ امر ذی بالی ز آغاز».

انجام: «شود نهصد ار هشت بر وی فزایی و المسئول من الله... ۹۸۷تم».

نستعلیق ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: ۹۸۷[1] هـق. کاتب: افضل، کاغذ: حنائی کمرنگ، عناوین: به شنگرف، جداول اوراق به لاجورد، صفحه اوّل دارای سرلوح مذّهب مزدوج، ۱۰۳گ، ۱۷×۹/۴ س. م.

جلد: تیماج مندرس، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۵۲

بهارستان

(۱۴۳۳۴)

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

مذیّل است به ترجیع بندهایی ناقص از شاعران متعدد بشرح زیر:

منسوب به حافظ(نامش چند مورد آمده است) با این مطلع:

---

۱. تاریخ کتابت مخدوش می‌نماید و ۱۰۱۷ هجری باید باشد.

«ای داده بباد دوستداری».

شیخ سعدی: «ای سرو بلند قامت دوست».

امیر قاسم: «الا ای عشق عالم سوز بی‌غم».

«ای ذروه لامکان مکانت».

«ای زمینت آسمان عالم بالا باشد».

«ما مریدان کوی خمّاریم».

«ماییم کشیده داغ شاهی».

مولانا جلال الدین رومی:

«محرمی کن که راه بگذارم          پرده از روی کار بردارم».

شیخ فضل الله:

«داریم نشان بی‌نشانی          دانیم زبان بی‌زبانی».

اوحدی:

«در خرابات عاشقان کوییست».

«تاکنون پرده نشین بود یار».

«در میکده با حریف قلاّش».

ابدال: «این کیست که در میان جانست».

آغاز ترجیع‌بندها: ای داده بباد دوستداری          اینست وفا و عهد و یاری».

انجام موجود: «بگشا ز دلم انا الحق عشق          تا کشته شوم بدار منصور».

نستعلیق ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: ۱۰۰۴ هـق.، کاتب: رضوان بن عبدالله، کاغذ: نباتی، عناوین به شنگرف، ۱۸۱گ(۱۰۸گ مربوط به بهارستان+ ۷۳ گ مربوط به ترجیع بندها). ۱۸×۱۲/۶ س. م. جلد: مقوایی با عطف و گوشه میشن. واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم ۱۴۰۵.

۵۳

بیاض

(۱۵۲۳۵)

مجموعه‌ای است مشتمل بر:

۱. نان و حلوای شیخ بهایی، از ابتدا چند برگ ساقط شده است.

آغاز موجود[۱]: «ای خوش انکو یابد از توفیق بهر     آورد رو سوی کن بی‌نام شهر».

انجام: «ایها الساقی ادرکاساً مدام     فاجعلن فی دوره یمش الدّوام».

(ص ۱-۱۰)

۲. آب زلال، از محمّد محسن بن شاه مرتضی کاشانی، معروف به ملامحسن فیض، مثنوی است در دو جرعه، جرعه اوّل خطاب با حق تعالی و جرعه دوّم خطاب با نفس است و هر کدام شامل سه نفس می‌شود.

آغاز: «بسمله، فیاض علی الاطلاق را حمد و سپاس بی‌منتها و رسانندگان فیض را به مستعدّان... این شرریست از آتش دل خسته فیض جسته...».

---

۱ . برگ ابتدایی وصّالی شده و چند سطر از نوشته باقی مانده است.

انجام: «از سر تا پای کوش بادت          وین آب زلال نوش بادت».

(ص ۱۰-۱۸)

۳. شاهراه نجات: از شرف الّدین میرزا محمّد(محمّدرضا) بن محمّدرضا مجذوب تبریزی از فضلای سده ۱۱ هجری، مثنوی عرفانی است در مدح ائمه اطهار(ع) و آداب سیر و سلوک که در سال ۱۰۶۶ یا ۱۰۶۸ هـق. به نظم در آورده است.

آغاز: «بسمله، یار آئینه خانه میخواست          التفاتش بهانه میخواست».

انجام: «راه این منزل و این نامه تمام          گفتمت و السّلم و الاکرام».

(ص ۱۹-۵۳)

۴. قصیده هراس و مماس مولانا عرفی در مدح حضرت امیرالمومنین(ع).

آغاز: «این بارگاه کیست که گویند بی‌هراس

کی اوج چرخ سطح حضیض ترا مماس».

انجام: «بیخوشه باد گشت مراد مخالفت     چندانکه دانه آرد در دها آس».

(ص ۵۳-۵۴)

۵. هفت بند مولا حسن کاشانی(سده هشتم) در ستایش حضرت علی(ع) که به پیروی چکامه خاقانی سروده است.

آغاز: «السلام ای سایه‌ات خورشید رب العالمین

آسمان عز و تمکین آفتا داد و دین».

(ص ۵۴-۵۹)

۶. قصیده میرزا داوود در شأن حضرت رضا علیه السلام.

آغاز: «یارب این ارض مقدس چه مکان است و چه جاست

کز زمین تا بفلک مظهر انوار خداست».

(۶۰-۵۹)

۷. قصیده ملاّ کاشی نیشابوری در منقبت ائمه معصومین علیهم السلام.

آغاز: «ایدل سخن ز دست و دل بوتراب کن          آباد ساز کعبه و خیبر خراب کن».

انجام: «همچون شفق ز فرقت خورشید روی او          دلان چرخ پر ز عقیق مذاب کن».

(ص ۶۰-۶۲)

۸. قصاید و نوشته‌های مختلف از جمله مقدّمه مسافرت کردن ساعی شیروانی و سرگذشت او به نظم و نثر.

آغاز: «بر مسافران نوآموز و متردّدان شب و روز پوشیده نماند که هر گاه اراده مسافرت در نظر داشته باشند».

انجام موجود: «در سر حد غیر با یزیدند          در مسکن خویش چون یزیدند

در بادیه روبهند و خرگوش          در کوه پلنگ...».

(ص ۶۳-۶۶)

شکسته نستعلیق چلیپایی مختلف السطر، تاریخ تحریر: اواخر سده ۱۱ هـ.ق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی وصّالی شده، عناوین به شنگرف، ۳۳ گ، ۱۹×۹/۵ س . م. جلد: میشن مشکی مستعمل، خریداری آستان قدس در سال ۱۳۶۵.

۵۴

بیاض

(۱۳۷۰۷)

مشتمل است بر غزّلیات و قصاید و مثنویات و مخّمس و اشعار متفرقه از شاعران متقدم و متأخر مانند: سعدی، حافظ، عرفی، ملاندیم، فطرت، ملاعلی رضا تجلّی، حیدری، سیّدعلی مهری، ادهم، افجنگی، در مدح علی بن ابی طالب و دیگر ائمه علیهم السلام، قصیده حافظ در مدح شاه منصور مظفری و مطالبی منقول از کشکول شیخ بهایی.

آغاز: «مرا داغی چنان بر دل نهادند».

انجام: «پاک است در قلب و سره چشم از خطا صراف را».

نستعلیق مخلوط به کشسته بطرز چلیپا مختلف السطر، تاریخ کتابت: پانزدهم شهر ذیحجهٔ الحرام سنه ۱۱۳۱، کاتب: اسمعیل، کاغذ: نخودی رطوبت دیده، ۷۳گ، ۱۷×۸ س . م. جلد: تیماج یک لا مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۵۵

بیاض

(۱۱۳۶۹۱)

مجموعه‌ای است مشتمل بر:

۱. اطباق الذهب از شرف الدّین عبدالمؤمن بن هبهٔ الله شفروه اصفهانی شاعر سده ششم هجری، که نسخه ما از ابتدا یک برگ افتادگی دارد. (ص ۵–۶۸)

۲. کلمات و اشعار متفرّقه به عربی و فارسی از سقراط حکیم، عمر بن عبدالعزیز، از کتاب غرر و الدرر سیّدمرتضی، انموذج دوانی، واعظ قزوینی، عبدالمؤمن، جامی و غیره. (ص ۶۹-۷۴)

۳. تقریر الشبهه، مشهور به شبهۀ الاستلزام من جانب العدم از ابن کمونه، سعد بن منصور، از فلاسفه و حکمای قرن هفتم. (ص ۷۵-۷۷)

۴. سوال احمد خان حاکم لاهیجان از شیخ بهایی. (ص ۷۷-۷۸)

۵. صورت مکتوب اسئله بعضی محققین و عرفا. (ص ۷۸-۷۹)

۶. ضیاء القلب، از ملاّ محسن فیض ابن شاه مرتضی بن شاه محمود کاشانی(۱۰۰۷-۱۰۹۱ هـ.ق.) (ص ۸۲-۹۹)

۷. شرح قصیده لامیۀ العجم، از مؤید الدین فخر الکُتّاب حسین بن علی بن محمد بن عبدالصمد اصفهانی معروف به طغرائی. (ص ۱۰۱-۱۱۰)

۸. روایتی از ابن طاووس، غیاث الدّین عبدالکریم بن احمدبن موسی بن طاووس الحسینی. (۶۴۸-۶۹۳ هـ.ق.) (ص ۱۱۵-۱۲۳)

۹. زوراء مختصریست در الهیّات از جلال الدّین محمّد بن اسعد دوانی. (- ۹۰۷ هـ.ق.) (ص ۱۲۸-۱۳۳)

۱۰. شرح الزوراء، ماتن و شارح محمّد دوانی. (ص ۱۳۳-۱۴۸)

۱۱. منتخب الدُّر المنثور شیخ علی بن محمّد بن حسن بن زین الدّین عاملی. (- ۱۱۰۳ ق.) (ص ۱۴۶-۱۵۹)

۱۲. النفحة المسکَیة و التحفة المکّیة، از جلال الدّین عبدالرّحمان بن ابوبکر سیوطی. (- ۹۱۱ق.) (ص ۱۶۲-۱۸۰)

۱۳. شرح قصیده عینیّه اسماعیل حمیری(- ۱۹۳ ق.) مترجَم و به نظم فارسی. (ص ۱۸۱-۱۹۱)

۱۴. رساله گیلانیه در حکمت. (ص ۱۹۲-۲۰۵)

۱۵. چند برگی در علوم غریبه. (ص ۲۰۶-۲۰۹)

۱۶. ادعیه منقول از جمال الصّالحین در رفع نسیان، طریق ختم سوره فاتحه الکتاب و غیره. (ص ۲۱۰-۲۳۷)

۱۷. شوق المهدی[1]، شامل مقدّمه و غزلیّات و سه قصیده از ملاّ محسن فیض بن شاه مرتضی کاشانی(- ۱۰۹۱ ق.) می‌باشد.

آغاز: «منّت خدایرا عزّوجّل که نخست خلیفه بجهۀ خلق تعیین فرمود پس خلق خلیفه نمود... امّا بعد چنین گوید مؤلّف این کلمات و ناظم این ابیات محسن بن مرتضی الملّقب بفیض که مـرا در عنفـوان شباب شور محبّت امام زمنا و بقیه خلفای رحمن قایم عترت و مهدی امّت سلام الله علیه و علی آبائه در سر افتاد... چون بنابراین اشعار بر اظهار شوق آن حضرتست سزد که موسوم بشوق المهدی گردد...

«ارواح در ازل بسرا پرده لقا        بودند متحد همه بر ذروه علا».

انجام: «این گفته مزخرف از جان خسته سر زد

گر بر ره ادب نیست این فیض و عذرخواهی

بالنبی واله الامجاد        سیما صاحبی و مولائی»

---

۱. دیوان فیض تحت شماره ۱۷۱۶۰ در همین فهرست معرفی شده است.

(ص ۲۴۰-۳۱۲)

۱۸. رباعیّات بابا افضل کاشانی و مثنوی محمّد قلی سلیم در تعریف لاهیجان(ناقص) مثنوی حیدر بیک فایض در احوال کوکناریان، مناظره فرهاد و شیرین در ۴ برگ که همه ناقص بوده و چون اوراق وصّالی شده مقداری از نوشته‌ها از بین رفته است. (ص ۳۱۲-۳۱۶)

۱۹. لوامع[1]، شرح قصیده میمیّه خمریّه ابن فارض از مولانا عبدالرحمن جامی، به نظم و نثر در یک دیباچه بلند و چندین لمعه شرح شده که نسخه ما کامل نبوده و دیباچه و چند برگی از آن افتاده و نامرتّب صحافی شده است.

آغاز: «قال الشیخ الامام العالم العاقل... ابوحفص عمر بن علی السعدی المعروف بابن الفارض المصری...

شربنا علی ذکر الحبیب مدامۀ        سکرنا بها من قبل ان یخلق الکرم».

انجام: «علی نفسه، فَلیَبک مَن ضاع عُمرُهُ        و لیس له فیها نصیبٌ و لا سَهم

آن لحظه که شد تمام آورد بدر        تاریخ مه و سال وی از شهر صفر= ۸۷۵».

(ص ۳۱۷-۳۲۴)

نسخ خوش و نستعلیق کتابتی مختلف السطر و چلیپائی، تاریخ کتابت: ۱۱۵۹ هـ.ق.، کاتب: عبدالسّلیم بن محمّد مهدی بن محمّد هادی واعظ الدهخور قانی، کاغذ: نخودی و حنایی وصّالی شده، عناوین به شنگرف، ۱۶۸گ، ۲۳/۵×۱۱/۴ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای، واقف: مرحوم شیخ محمّد صالح علامه حائری، تاریخ وقف: مرداد ماه ۱۳۵۱.



---

۱ . سه نسخه در ج۷، صص ۷۰۲-۷۰۰ و دو نسخه در ج۹، ص۲۳۳ فهرست معرفی شده است.

بیاض

(۱۶۲۱۶)

نسخه‌ای است بی‌سر و ته مشتمل بر مثنوی و غزّلیات و قطعه و رباعی و مراثـی در سـوگ شـهدای عاشورا، از سعدی، جامی، محتشم، ساکت، میرزا صادقی و شوقی.

آغاز موجود: «هو الله سبحانه و تعالی، پس بگردید و بگردد روزگار».

انجام موجود: «تا جفا با عاشقان کمتر کنند، با وفا کیشان بهتر سر کنند».

شکسته نستعلیق نسبةً خوش، مختلف السطر، تاریخ کتابت: اواخر سده دوازدهم و اوایل سده سیزدهم هــق. کاتب: نامعلوم، ۴۵گ، ۱۶×۸/۵ س. م. جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شـهریورماه ۱۳۶۷.

۵۷

بیاض

(۱۳۶۹۷)

گزیده‌ای است از مثنویّات و قصاید و غزلیّات، قطعات، رباعیات و ترجیع بند و ساقی‌نامه. از شاعران مختلف، از جمله: شمس تبریزی، خاقانی، حافظ، جامی، صائب، محتشم کاشانی، آقـا محمّـد عاشـق اصفهانی، میرزا جعفر غیرت. قصّاب، وحشی بافقی، نظیری، میر محمّد معصوم کاشی، میرزا طاهر واقعه- نویس، ملاعبدالرّزاق فیّاض و نظامی و نیز داستانی به نثر از حاجی[فتاحی] نیشابوری[1] و ترجیع بنـد معروف هاتف اصفهانی، مرآت الجمال صائب تبریزی، ترکیب بندهای مشهور وحشی بافقی، مثنوی‌های

---

۱ . احتمالاً از یحیی سیبک فتاحی نیشابوری باشد.

پیر و جوان میرزا نصیر و قضا و قدر محمّد قلی سلیم و فرهاد و شیرین، مناجات‌نامه و مطالع ابرو و چشم و چین ابرو.

آغاز: «علی محمّد و آله اجمعین، مخترع این حکایت که در یونان زمین پادشاهی... و او از هیچ مراد در دل بندی نداشت».

انجام: «گر بگردانند او را آن نه اوست ذرّه ایست از چشمه رخسار دوست».

نستعلیق مخلوط به شکسته بطرز چلیپا مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۲۲۹ هـ‍ق. که در انتهای داستان ضبط شده است. کاتب: علی اکبر زنجانی، کاغذ: آبی، ۱۵۰ گ، ۲۰×۱۰ س. م. جلد: تیماج یک لا دارچینی، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۵۸

بیاض

(۱۵۲۳۶)

گزیده‌ای است از غزلیّات سعدی، حافظ، نورعلی شاه، جامی و اشعار متفرقه.

آغاز :«گر کسی سرو شنید است برفتست این است(کذا)».

انجام: «گفتا بده اندکی بیاید کز وی در عیش میگشاید».

شکسته نستعلیق بدخط و مغلوط چلیپایی، تاریخ کتابت: ۶۲-۱۲۶۱ هـ‍ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی و نخودی، ۶۹ گ، ۱۵/۷×۱۰ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، خریداری آستان قدس در سال ۱۳۶۵.

۵۹

بیاض

(۱۶۲۰۹)

مجموعه‌ای است مفصّل مشتمل بر قصاید و غزلیّات و مثنویّات و قطعات و رباعیّات از شاعرانی مانند: فردوسی، خیّام، ناصرخسرو، حافظ، جامی، وحشی، بافقی، محتشم، کاشانی، میرزا طبیب، طوفان هزار جریبی، شوکت، طبیب اصفهانی، مشتاق، رفیق اصفهانی، کوکبی، زلالی خوانساری، خواجه شاهمراد، فضولی، و منظومه معروف نان و حلوای شیخ بهایی و ابیاتی به ترکی و کردی که در انتهای نسخه ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «مبارکتر شب و خرّم ترین روز باستقبالم آمد بخت پیروز».

انجام: «از لطف حق مقصود در کف اوقاتم اشرف الحمدلله».

شکسته نستعلیق خوش ۱۰ سطری بطرز چلیپا، تاریخ کتابت: سده سیزدهم هجری، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی و شکری، ۱۰۲گ، ۲۱/۵×۱۰ س. م. جلد: دو رویه، تیماج و میشن مشکی و خرمایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۶۰

بیاض

(۱۳۱۹۷)

منتخبی است نسبةً مفصّل از قصاید و غزلیّات شاعران نامی، مانند: رودکی(اواسط قرن سوّم- ۳۲۹ هـ.ق.) ناصر خسرو قبادیانی(۳۹۴- ۴۸۱ هـ.ق.) حکیم سنائی(اواسط قرن پنجم- ۵۳۵ هـ.ق.)، جمال الدّین عبدالرّزاق اصفهانی(- ۵۸۸ هـ.ق.) و پسرش کمال الدّین اسماعیل.(۵۶۸-۶۳۵ هـ.ق.)

آغاز: «مه نیسان شبیخون کرد گویی بر مه کانون

که گردون گشت ذره پر گرد و صحرا گشت رود خون».

انجام: «سخن حکمتی ای حجّت زر خرد است

ز اتش فکرت جز زرّ خرد را مگذار».

شکسته نستعلیق خوش، ۲۴ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی، ۱۰۷گ، ۱۵/۴×۶/۶ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، واقف: کاظم مدیر شانه‌چی، تاریخ وقف: ۱۳۶۲/۸/۴.

۶۱

بیاض

(۱۶۶۶۵)

حاوی قصاید، مثنویّات و قطعات و رباعیّات، ترکیب بند و مخمس است از میرزا احمد شهاب، جامی، میرزا کاظم مهجور همدانی(مثنوی گل و بلبل)، شیخ بهایی(منتخب نان و حلوا)، شفیعا، محتشم، فیّاض، وحشی بافقی(ترکیب بند دوستان شرح پریشانی من گوش کنید)، ملاحسن کاشی(هفت بند)، عرفی شیرازی(هراس و مماس)، ابوسعید ابوالخیر(رباعیّات)، هاشم(مخمّس)، باباطاهر عریان(غزلیّات و رباعیّات) و مثنوی‌های دیگر از جمله: مکر زن قاضی، مکر زن محتسب، دعوای هبوها، سنگ‌تراش، دختری از قبیله عاد، قصه جناب علی بن ابی طالب(ع) و در انتها، حکایت قاضی بغداد و دزد خونخوار به نثر درپانزده صفحه و مقداری اشعار متفرقه ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «موسا شبی به وادی سیناروانه شد».

انجام: «شد رخ آفتاب چون زرنیخ          تیغ افتاد از کف مریّخ».

نستعلیق تحریری چلیپایی مختلف السطر، کاتب و جامع: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۳ ق. کاغذ: شکری چرکین، عناوین به شنگرف، ۱۴۹ گ، ۲۰/۵×۹/۸ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای یک لا مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در دی ماه ۱۳۶۷.

۶۲

بیاض

(۱۶۲۱۹)

گزیده‌ای است از غزلیّات وصال شیرازی و سعدی و حافظ.

آغاز:«بسمله، مگر چون من هوای آن بت نامهربان دارد».

انجام: «خزانه دل حافظ بزلف و خال مده          که کارهای چنین حد هر سیاهی نیست».

شکسته نستعلیق خوش ۸ سطری بطرز چلیپا، تاریخ کتابت: سده سیزدهم هجری، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، جداول اوراق به زر، اندازه جدول: ۹/۶×۵/۲ س. م. ۲۱گ. (اواسط نسخه افتادگی دارد). ۱۳/۴×۷/۴ س. م. جلد: تیماج ماشی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۶۳

بیاض

(۱۶۲۱۷)

مشتمل است بر قصاید و غزلیّات و مثنویّات و ترجیع‌بند و مخمّس و قطعات و رباعیّات از شاعران متقدم و متأخر مانند: سعدی، امیرخسرو دهلوی، سلمان ساوجی، حافظ، هلالی جغتائی، وحشی بافقی،

جامی، محتشم کاشانی، مشتاق، طبیب، آقا محمّد عاشق اصفهانی، رفیق، نعمت الله، وفا، قصّاب، شوکت، میرزا صادق تفرشی، میرزا ابراهیم صفا، نظیری، جواد.

آغاز: «گفتی بتو آن مهر فروزنده چها کرد».

انجام: «بجان مضایقه با دوستان مکن سعدی          که دوستی نبود هر چه ناتمام کنند».

شکسته نستعلیق خوش چلیپایی مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده سیزدهم هجری، کاتب: نامعلوم، ۱۳۴ گ، ۷/۸×۱۴/۸ س. م. جلد: ترمه مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۶۴

بیاض

(۱۲۹۲۱)

مشتمل است بر قصاید و غزلیّات و مثنوی و قطعات و مخمس و ترکیب‌بند از مولانا جامی، حکیم سنایی، کفاش، عرب، مغربی، مثنوی در مدح حضرت مهدی(ع) در نیمه شعبان(روز ولادتش) و در مدح حضرت علی(ع) و قصیده‌ای در ۶۹ بیت به این مطلع:

«بقاف باختر پر زد چه این سیمرغ زرّین پر          نمایان گشت زاین سیمین حصار ابروی زال زر».

آغاز: «بسمله، اللهم انی اسئلک برحمتک التی وسعت کل شی».

انجام: «همچو اسمعیل بسیاری فدائی».

نسخ و نستعلیق تحریری چلیپائی مختلف السطر، تاریخ کتابت: اواسط سده سیزدهم هجری، کاتب و جامع: نامعلوم، کاغذ: حنائی وصّالی شده، ۵۲گ، ۱۱/۵×۲۱/۵ س . م. جلد: تیماج قهوه‌ای، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۶۵

بیاض

(۱۲۴۳۹)

مجموعه‌ای است از نظم و نثر پیرامون وقایع عاشورا، نوحه‌های زیادی در سوگ امام حسین(ع) و شرح واقعه شهادت امام موسی بن جعفر(ع) و امام رضا(ع) و نیز ادعیه و مناجات ضمیمه می‌باشد.

آغاز موجود: «... گردید در بین را سایه عرض ای خاتون من تو(کذا)».

انجام: «اخر ایظالم ما مسلمانیم     اخر ای کافر بر تو مهمانیم».

نستعلیق و نسخ تحریری مختلف السطر، تاریخ کتابت: اواخر سده سیزدهم هجری[۱]، کاتب و جامع: نامعلوم، کاغذ: آبی و نباتی، ۱۰۶گ. ۲۰/۵×۱۱ س . م. جلد: تیماج قهوه‌ای یک لا مستعمل، واقف: اسدالله اعلم، تاریخ وقف: خردادماه ۱۳۶۲.

۶۶

بیاض[۲](جنگ اشعار)

(۱۶۵۱۶)

مشتمل است بر قصاید زیادی از میرزا سعید ارجستانی متخلّص به فدا، ادیب صابر، میرزا حبیب قاآنی، انوری، مثنوی سراپا از ناظمی ناشناخته با این مطلع:

«ای نسیم سحر جلوه‌گری          ناز پرورده فیض سحری».

---

۱ . تاریخ ۱۲۸۰ در صفحات آخر ملاحظه شد.

۲ . در شناسنامه، نام کتاب را جُنگ نوشته‌اند ولی بخاطر این که تمام نسخه‌هایی که قطع بیاضی داشته باسم بیاض فهرست شده در این قسمت آورده می‌شود.

قصاید و غزلیّات و مثنویّاتی از سعدی، سرباز در مدح حضرت علی(ع)، میرزا رضی، هجران، نصرت، میرزا طوفان، صحبت، فردوسی، فتحعلی خان صبا، فرخی سیستانی، سیّد حسن نیاز، ساغر، جامی، شوقی، سعید، عاشق اصفهانی، ضابط، رونق، شهرت، رضایی، نقی، نعیم، صفی، ملّت، واقعی، نظام، طالب، نظیری، پرتو، مجمر، طلعت، نشاط، صافی، محتشم، طبیب، رهی، آذر، هلالی جغتایی، مشتاق، نوعی، وحشی، بوعلی، نظامی، مجذوب، عرفی، قاسم، شاپور، فایض، صفی، سیف، صیدی، رفعت، تابع، وحشت، هادی، مشتاق علی شاه، نورعلی شاه. (ص ۲۶۰–۳۱۰) و(ص ۴۰۴–۴۱۱)

سیّد، جلال، ابن یمین، خواجه عماد فقیه، کافی، اوحدی، کاتبی، رضا، سلمان، شیخ جنید، اختیار، کمال، خسرو، علائی، شهاب، قبائی، نسیمی، خواجو، عبید، قاسمی، ناصر، هما، پریشان، اثیم، سند، عبّاس، پیمان، والهی، اکسیر، سالم، ساری، سلیم، کلیم، واله، وصال، مغربی. (ص ۳۸۱–۴۰۳)

ترجیح‌بند و ترکیب بندهایی از شاعران مختلف، مانند: حیاتی، فیضی و مغربی، محتشم، وحشی بافقی، میرزا محمّد صالح کشفی.

ترجیح‌بندی با بیت الترجیع:

«که علی راکس ار ندارد دوست          درکات جحیم مسکن اوست».

از ناظمی نامعلوم و همچنین مثنوی طولانی درباره منصور حلاج که بعد از هر سی و پنج تا چهل بیت این بیت را تکرار کرده است.

«کس از کمان و موم و زه چیزی نخواست          اینهمه افغان از بهر شماست»

که کاتب آن را ترجیع‌بند از حلاج نام نهاده است.

آغاز: «بسمله، ز رخ برداشت امشب ماه من آنزلف شب آسا

تو اندر پرده شب باش ایمهر جهان آرا».

انجام: «که جز او نیست در سرای وجود به حقیقت کسی دگر موجود».

نستعلیق ۲۵ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده سیزدهم هجری، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، ۲۴۰گ، ۲۱/۹×۱۱/۴ س. م.، جلد: تیماج ضربی قهوه‌ای مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۶۷

بیاض

(۱۳۵۷۱)

مشتمل است بر منشآت و مطالب ادبی و تاریخی که عبارتند از:

منظومه‌ای ناقص در تعلیم خط و روش نوشتن حروف از«الف» تا حرف«ق» (ص ۱-۴) روایتی از حضرت سلیمان علیه السلام در مورد علاج زنان نازا(ص ۴-۷)، دیباچه بیاض(۷-۱۱) رقعه خالی از لفظ نقط من منشات مرحمت پناه میرزا سلیمان منشی(ص ۱۱)، دوازده مقام موسیقی(ص ۱۷) نامه میرزا مهدیخان به سبیل کنایه بمیرزا... (ص۲۳)، نامه میرزا مهدیخان از جانب پادشاه به محراب بیک وزیر هرات(ص ۲۷)، تهنیت نامه که از جانب شاه اسمعیل ثانی به حسن خان قاجار نوشته شده(ص ۲۸). رقعه‌ای که میرزا مهدی به میر معصوم خان خزیمه در باب انار و لیمو که فرستاده بود نوشته میرزا مهدیخان بمیرزا احمدخان شاعر(ص ۳۴)، نامه‌ای که از جانب نادرشاه بپادشاه اروس نوشته است(ص ۴۵)، نامه‌هایی که بین ابویصاحبی و میرزا اسماعیل ولد میرزا عبدالمطلب وزیر نیشابور رد و بدل شده است(ص ۴۷-۷۱)، فرمانهای مختلف(۷۳-۹۳)، انشاء نکاحنامه مرحوم شیخ جعفر(ص ۹۴)، انشاء

وقفنامه یک قرآن بحضرت رضا از شیخ جعفر(ص ۹۶)، عریضه که از زبان تیمورخان ولد نصرالله میرزا که از بطن مخدّره کورکانیه بوجود آمد به پادشاه هندوستان نوشته(ص ۱۰۲)، دستور تهیه رنگ و رنگ کردن کاغذ و تهیه روغن کمان و غیره(ص ۱۰۵)، استحقاق نامجه و صلحنامجه و مکتوبات(ص ۱۱۰)، گزارش محمّد رحیم وزیر ایروان(ص ۱۲۹)،دیباچه وقفنامه که میرزا محمد مهدیخان برای جعفرآباد و عبدآباد خود نوشته است(ص ۱۳۱)، شرح غرق شدن سفاین روسیه در دریا در عهد خاقان سعید شاه(ص ۱۳۵)، دیباچه وقفنامه که میرزا مهدی خان بر کتب خود نوشته تعداد کتب متجاوز از سیصد عدد می‌باشد. (ص۱۳۷)، در بیان مذهب هفتاد و سه فرقه از جبریّه گرفته تا خارجه(ص ۱۴۵)، حکایات مختلف تاریخی و مذهبی(ص ۱۴۸)، نان و حلوای شیخ بهایی( ۱۵۵–۱۶۶)، ترکیب بندی در مدح عباس قلیخان از میر محمّد علی مشتمل بر شش بند که هر بندی به صنعتی آراسته است(ص ۱۶۷)، هجو محمود غزنوی از فردوسی و اشعار متفرقه(ص ۱۷۰).

آغاز[1]: «بسمله، چو تجربه قلم نمائی        اول بنقط بیازمایی».

انجام: «پای بر زیره قلم نه نهی        خاک رو به بخانه ره ندهی

نکنی کارها بساعت        نجهی بر رخ کدا چون دو(کذا)».

شکسته نستعلیق چلیپائی مختلف السطر، کاتب و جامع: بنابر اظهار مالک کتاب ابویصاحبی فرزند میرزا کاظم، تاریخ کتابت: اواخر سده سیزدهم هجری، کاغذ: نخودی بعضاً رطوبت رسیده، ۸۴ برگ، ۲۰×۱۴/۵ س. م. جلد: تیماج یک لا قهوه‌ای مستعمل، خریداری آستان قدس در آذر ماه ۱۳۶۲.

۶۸

---

۱ . دو برگ تعلیم خط وارونه صحافی شده است چنانکه آغاز نسخه در برگ دوم قرار می‌گیرد.

بیاض

(۱۵۰۳۲)

مشتمل است بر منتخباتی از غزلیّات و قطعات و رباعیّات و ترجیع‌بند و مثنوی از شـاعران متقـدّم و متأخر مانند: سعدی، جامی، حاجی لطفعلی بیگ آذر، آقاتقی قمی متخلّص به صـهبا، میـرزا طوفـان، خاقانی، آقا محمّد عاشق، مشتاق، وحشی، شیخ ابوسعید ابوالخیر، مولوی، میرزا عنایـت الله، عـزّت و مثنوی پیر و جوان میرزا محمّد نصیر میرزائی و نیز اشعاری از مشهدی حسین مدّاح متخلّص به اعمی که در انتهای نسخه با خطی مغایر نوشته شده است.

آغاز: «من کلام شیخ شیوخ سعدی... اگر تو فارغی از حال دوستان یارا».

انجام: «پیچیده بروی آب دود سیهی آتش بمیان آب افتاده مگر».

شکسته نستعلیق خوش بطرز چلیپا، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هـق. جامع و کاتب: شناخته نشد، کاغذ: حنایی کمرنگ، دو ستونه، جداول اوراق به زر و سیاهی، انـدازه جـدول: ۱۱/۷×۴/۵ س. م. ۱۲۵گ، ۱۳/۸×۶/۲ س. م. جلد: اسقاطی، واقف: محمّدتقی فروزان، تاریخ وقف: مهرماه ۱۳۶۴.

۶۹

بیاض

(۱۶۲۰۷)

مشتمل بر غزلیّاتی از شاه نعمت الله ولی کرمانی، سوال و جواب شیخ بهایی و میرداماد، بحـر طویـل معراج و صفت براق مأخوذ از روضۀ الاحباب، مناجات خواجه عبدالله انصاری و قصایدی از جامی در مدح حضرت علی(ع) و آفاق و انفس از ناصر خسرو قبادیانی و رباعیّات می‌باشد.

آغاز: «دوش دیدم دلبری گیسو بدوش انداخته».

انجام: «بوالعجایب تو بخوان شعر مرا مشت ارزن بمیان دود تک».

نستعلیق مخلوط به شکسته مختلف السطر، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ و اوایل سده ۱۴ هـق. کاتب: ملاّ علی رفسنجانی، کاغذ: شکری فرنگـی، ۴۴گ، ۱۷/۷×۹ س. م. جلـد: نـدارد، واگـذاری بنیـاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۷۰

بیاض

(۱۵۸۳۵)

اوراقی است درهم و نامرتّب، مشتمل بر مثنویّات و قصایدی در مدح و مرثیه حضرت فاطمه زهرا و امام حسن مجتبی و امام حسین و حضرت ابوالفضل العباس و علی بن موسی الرضا علیهم السـلام از وفائی و، جودی.

آغاز موجود: «نه هر کس پنجه افرازد تواند ماه شق سازد».

انجام: «در گوش جوانان ساز پند پیر دانا را».

نستعلیق خوش چلیپائی مختلف السطر، تاریخ کتابت: چهارم ربیع الاول سال ۱۳۱۱، کاتب: نـامعلوم، اکثر قصاید حسب الفرموده(کذا) مخدوم کرام آقا ملاصفر علی خیاط نوشته شده است. کاغذ: نخودی، ۲۵گ، ۲۱/۷×۱۱/۲ س. م. خریداری آستان قدس رضوی در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۱ ش.

۷۱

بیاض

(۱۳۱۹۸)

مشتمل است بر اشعاری در مصائب اهل بیت(ع)، غزلیّات و قصیده‌ای از صفا علی شاه در مدح مولای متقیان امیرمومنان علی علیه السلام و نیز قصیده‌ای در مولود خامس آل عبا، مناجات نامه و ترکیب-بندی در مصیبت امام حسین(ع) و در انتها غزلیّاتی از صاحب و مثنوی حکایت حسن بصری و غیره ذکر شده است.

آغاز: «ایدل ار خواهی که حق بنده ز نیکان».

انجام: «کمین زیر خاک کرده کمند».

نستعلیق شکسته بدخط، ۸ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده چهاردهم هجری، کاغذ: نخودی، ۹۱گ، ۱۳/۶×۸/۴ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای یک لا مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۴ ش.

۷۲

بیاض(مراثی)

(۱۴۲۱۹)

مجموعه‌ای است از نوحه و مراثی به نظم و نثر ترکی و فارسی و عربی[۱] در سوگ امام حسین(ع) و پسران مسلم و دیگر ائمه علیهم السلام.

آغاز: «واقعه کوفه، راوایتدر که شاداب گلشن ایمان».

انجام: «صبح مساده غم ییر آل عبا ایچون تمت».

---

۱ . قصاید عربی که به فارسی ترجمه شده است با این مطلع: یا اختّ قد عزموا علی ارتحالهم».

نستعلیق تحریری و نسخ بشیوه چلیپائی، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: آبـی و شکری، عناوین و ترجمه قصاید عربی به شنگرف، ۴۷گ، ۲۱/۵×۱۷/۳ س. م. جلد: مقوا، واقف: سید محمّدباقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف: محرم ۱۴۰۵.

۷۳

بیاض

(۱۴۶۳۶)

مشتمل است بر اشعار نوحه و اخبار و ادعیه، فارسی و ترکی در سـوگ شـهدای روز عاشـورا(امـام حسین(ع) و...) شرح واقعه شهادت علی اکبر، مدح حضرت علی(ع)، مناجات و مقدمه بعضی از کتب ادبی، دوازده بند محتشم کاشانی، چهارده بند میرزا ابراهیم جوهری صاحب طوفان البکاء، قصیده‌ای از محمّد حسن بن محمّد علی مازندرانی متخلّص به مجنون، مثنوی از میرزا وقاری شیرازی پسر وصال متخلّص به بیدل.

آغاز: «خاتم النبی دور احمد مختار».

انجام: «آخر بدیدن ما ای پدر بیا تو هم».

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـ ق.، کاتب و جامع: نامعلوم، کاغذ: شکری، ۴۹گ، ۱۷/۲×۱۰/۷ س. م. واقف: سیّد محمدباقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف: محرم ۱۴۰۵.

۷۴

بیاض

(۱۴۶۴۶)

نسخه‌ای است بی‌سر و ته و درهم مشتمل بر قصاید و غزل و مثنوی، از یکی از شعرای سده چهاردهم که تخلّصش[1] پریشان می‌باشد.

آغاز موجود: «دوام و صحّت جسم تو پایدار بود».

انجام موجود: «جمله چون شیر ژیانی و نکردند خلاف».

نسخ مختلف السطر چلیپائی، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق.، کاتب: احتمالاً ناظم، کاغذ: فرنگی نبـاتی، ۵۹گ، ۲۱/۵×۹/۸ س. م. واقف: سیّد محمّدباقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف: محرم الحرام، ۱۴۰۵.

۷۵

بیاض

(۱۴۹۸۷)

نسخه‌ای است بی سرو ته و مشتمل بر اخبار و مواعظ، اشعار نوحه، و یک غزل از گلچین خراسانی، معانی لغات، و سیاهه املاک و یک برگ از ابتدای حدایق السحرِ رشید و طواط.

آغاز: «که امشب این سر را... از مردم».

انجام: «شفاعت نمی‌کند مگر کسی که... الهی ترسانند».

---

۱ . در سده چهاردهم چند شاعر با تخلّص پریشان زندگی می‌کرده‌اند. از جمله پریشان شیرازی، پریشان تفتی، پریشان همدانی قراگوزلو، و شـرح حال این پریشان بدست نیآمد و اما در یکی از قصایدش در مدح عالمِ سبزواری چنین می‌فرماید:

«هفت اقلیم زمین را گر شوم نظاره‌گر  حاش لله گر بیابم مثل و مانندت عدیل

مشعل ایران زمین و روشنیّ سبزوار  بر سر اهل ولایت هم تو روغن هم فتیل».

نستعلیق تحریری مختلف السطر، تحریر اشعار بطرز چلیپا، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. جامع و کاتب: احتمالاً واقف نسخه، کاغذ شکری، اوراق: ۱۳۰گ، ۱۶/۶×۱۰ س. م. جلد: میشن عنّابی مستعمل، واقف: حاج میرزا علی اصغر طوسی، تاریخ وقف: اردیبهشت ماه ۱۳۶۴.

۷۶

بیاض

(۱۴۹۸۸)

مشتمل است بر اشعار متفرّقه، غزلیّات، مثنوی در مبدأ و معاد انسان، ترجیع بند معروف هاتف اصفهانی و احادیث و اخباری چند منقول از بحارالانوار.

آغاز: «هر کجا طفلی که مادر زایدش».

انجام: «فقام دعبل الشاعر و انشد        اصبح وجه الزمان قد ضحکا

برد مامون هاشم فدکا».

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، جامع و کاتب: احتمالاً واقف نسخه، کاغذ: شکری، اوراق: ۹۶گ، ۱۶/۴×۱۰ س. م. جلد: میشن عنّابی مستعمل، واقف: حاج میرزا علی اصغر طوسی، تاریخ وقف: اردیبهشت ماه ۱۳۶۴.

۷۷

بیاض

(۱۵۱۲۸)

مشتمل است بر مثنوی‌های قضا و قدر حکیم رکنا و محمّد قلی سلیم و میرزا عبدالرّزاق و معراج الخیال میرزا علی رضا تجلّی و مثنوی میرزا ابراهیم صفا و نگارستان چین ناصر علی هندی، قصیده هارس و مماس در مدح امیرالمومنین(ع) از عرفی، مثنوی حکایت عرب بادیه گرد از قبول، مثنـوی یوسـف و زلیخای حاجی لطفعلی بیگ آذر، غزلیّات میرمشتاق، طوفان، رفیق، کلیم، محتشم، ناطق، هلالی، صائب، میرزا نصیر مظهر مراغه‌ای و رباعیّات بابا طاهر عریان.

آغاز: «قضا و قدر حکیم رکنا، شنیدم روزی از پاکیزه رای».

انجام: «بر مهر جهانتاب فلک دام دهد نور».

نستعلیق تحریری چلیپائی، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنائی کمرنگ، عناوین به شنگرف، ۱۰۵گ، ۲۰×۱۰ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای یک لا، ضربی مستعمل، واقف :مکتبهٔ الامام امیرالمومنین(ع)، تاریخ وقف: اردیبهشت ماه ۱۳۶۵.

۷۸

بیاض

(۱۶۲۰۵)

مشتمل است بر مثنوی طولانی در سوگ حضرت رسول(ص) و ائمه اطهار(ع) و وقایع روز عاشورا از ملاّ علی نقی[۱] و همچنین اشعاری توأم با نثر، در مورد وقایع بعد از شهادت حضرت امام حسـین(ع)،

---

۱ . ناظم چندین بار نام خود را ذکر کرده است:

علی الخصوص نقی نسخه مصیبت را ز گریه ترجمه دفتر شهادت را

نقی اگر چه سراپا سزای نار بود ز صورت شور حسینی امیدوار بود.

سرنوشت ذوالجناح تا مجلس بازخواست یزید از اهل بیت(ع)، که گویا مخصوص مراسم شبیه خوانی بوده است.

آغاز موجود: «مکن قصاص که آن جسمِ پاک رنجور است».

انجام موجود: «فدای چشم تو گردم مگر بخوابی تو».

خط نسخ و نستعلیق، مختلف السطر، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق.، کاغذ: آبی و نخودی، ۱۰۰گ، ۱۹/۶×۱۰/۷ س. م. جلد: تیماج یک لا مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۷۹

بیاض

(۱۶۲۱۳)

نسخه‌ای است بی سر و ته به نظم و نثر و مشتمل بر شرح وقایع عاشورا و شهادت حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س)، امام علی بن موسی الرضا(ع) و مسلم بن عقیل(ع).

آغاز: «قاسم را دید دست بگردن قاسم در آورد».

انجام: «زینب رو را بابن سعد کرد و فرمود».

نسخ مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنائی، ۶۳گ، ۲۰/۵×۱۰/۵ س. م. جلد: اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۸۰

بیاض

(۱۵۸۴۳)

مجموعه‌ای است به نظم و نثر به زبان ترکی و فارسی و عربی مشتمل بر مصائب از زبان حال ائمه(ع) و وقایع کوتاه به نثر از جمله: واقعه ابراهیم، واقعه سلمان و یهودی، واقعه پیغمبر(ص) و یهودی، واقع خواب دیدن اعرابی، واقعه امام زین العابدین(ع) که مؤلّف آن معلوم نشد. منتهی در یک رباعی نام«حسن» ذکر گردیده است که احتمال دارد ناظم چندی از اشعار باشد.

آغاز: «نوحه؛ یا کربلا هل تنظری، هذا حسین هذا حسین».

انجام نسخه: اولیدیم دیرنده جان قرداش کیم اکلشوب یاشین اوسته».

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـ‌ق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، ۸۳گ، ۱۷/۵×۱۰/۸ س. م. جلد: ندارد، خریداری آستان قدس رضوی در اردیبهشت ماه ۱۳۶۷.

۸۱

بیاض

(۱۶۲۱۴)

نسخه‌ای است مشتمل بر نوحه و مرثیه و شرح وقایع عاشورا و داستانهایی در پند و اندرز از صدر اسلام.

آغاز موجود: «از سخنان عباس سیلاب اشک از دیدهای مبارک روان کرد».

انجام: «این کربُ بلا یک پسری بود مرا».

نسخ و نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، کاتب: نامعلوم، کاغـذ: نخـودی و آبـی رطوبت رسیده، ۱۳۵گ، ۲۰/۵×۹/۵ س. م. جلد: اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۸۲

بیاض

(۱۵۱۸۵)

مجموعه‌ای است از مثنوی و غزلیّات و قطعات و رباعیّات، مخمّس و ترجیـع بنـد از شـیدا، حـافظ، سعدی، جامی، محتشم، مطرب، شمس تبریزی، مهجور، مشتاق، عاشق، میرزا طوفان و همچنین مخمّس غزل عراقی و دوازده بند محتشم، ترجیع بندی از غفّار، رباعیّات بابا طـاهر، لیلـی و مجنـون مکتبـی شیرازی، چند نوحه در سوگ امام حسین(ع) و حضرت زهرا علیها السلام و امام حسن مجتبی(ع)[۱].

آغاز: «در سینه گلبنت چه بنشست      باری مَدَهَش بشاخ گل دست».

انجام موجود: «مهر مه و مریّخ زحل آدم حوا      نه هفت سما بود و نه سدره طوبی».

نستعلیق چلیپائی، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۴ هـق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، ۱۲۲گ، ۱۹×۹/۸ س. م. جلد: مشمع آبی، واقف: میر سیّد حسین مدنی مترجم نظام، تاریخ وقف: آذرماه ۱۳۶۵.

۸۳

پریشان

(۱۴۹۷۸)

۱ . اوراق نامرتب و پس وپیش صحافی شده است.

کتابی است از میرزا حبیب الله شیرازی متخلّص به قاآنی و ملقّب به حکیم(۱۲۲۲–۱۲۷۰ هـ‍ق.) مبدع سبکی بین عراقی و خراسانی بوده و نخستین شاعر فارسی که به زبان فرانسه آشنایی کامل داشته است.[۱]

پریشان دارای نثری روان و شیرین آمیخته با نظمی شیوا که به نام محمّدشاه قاجار در سال ۱۲۵۲ هجری تألیفق شده است در انشاء، پیرو سبک گلستان سعدی بوده ولی رعایت فصول و ابواب در آن نشده و تابع نظم و ترتیبی نیست چنان که می‌گوید:

«در اینکتاب پریشان نبینی از ترتیب        عجب مدار که چون نام خود، پریشان است».

آغاز: «بسمله، توانا خدایی که بیخودان بزم محبّت گاهی مست قدرت اویند».

انجام موجود: «که امردی از امارد که در معصیت و نافرمانی تالی شیطان مارد بود».

نستعلیق آمیخته به شکسته کم نقطه، (۱۰–۱۲) سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هـ‍ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی کمرنگ، ۹۰گ، (از انتها حدود هشتاد برگ ساقط شده است)، ۱۶/۶×۱۰/۳س.م.، جلد: میشن دارچینی مستعمل، واقف: سیّد محمّدباقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف: محرم الحرام ۱۴۰۵ هـ‍ق.

۸۴

پریشان

(۱۰۷۶۰)

نسخه از انتها، حدود ۱۰۰ برگی ساقط است.

---

۱ . برای اطّلاع بیشتر از شرح حال قاآنی رجوع شود به: تذکره گنج شایگان از میرزا طاهر دیباچه نگار اصفهانی، مجله ارمغان، ش۱، س ۱۴، خطابه استاد ملک الشعرای بهار، و دیوان قاآنی با مقدمه محمّد جعفر محجوب.

آغاز: مانند قبل.

انجام موجود: «تیره و تفته، همچو ساک شود، لاجرم هر چه در جهان».

نستعلیق آمیخته به شکسته خوش، ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: الوان، اوراق بعضاً افشان زر، عناوین به شنگرف، ۴۵گ، ۲۰/۵×۱۲ س. م. جلد: پارچه‌ای خاکی، واقف: مرحوم حاج آقا محمّد ایرانی مجرّد، تاریخ وقف: بهمن ماه ۱۳۵۰.

۸۵

پندنامه(نصیحت نامه)[1]

(۱۳۷۳۸)

از نصیحت‌های خواجه عبدالله انصاری(۳۹۶-۴۸۱ هـ.ق) به خواجه نظام الملک طوسی می‌باشد. این نسخه مصدّر است به ترجمه چهل حدیث جامی(۸۱۷-۸۹۸ هـ.ق.).

آغاز: «بسمله، حضرت قطب المحققین و زبدة السالکین خواجه عبدالله انصاری... در نصیحت خواجه نظام الملک طوسی می‌فرماید. در رعایت دلها کوش و عذر بنیوش».

انجام: «بتعظیم سلطان غرّه مشو بد کس پیش او مگوی بقضا رضا ده».

نستعلیق خوش جلی، تاریخ کتابت: ۱۲۸۶ هـ.ق. کاتب: عبدالله الحسینی، ۷گ، ۲۱/۳×۱۴ س. م. اندازه جدول: ۱۴/۷×۹ س. م. دارای سرلوح منقّش و مُذهّب(طلای پست) و دارای کمند و جداول اوراق به زر تحریر دار و سرخی و لاجورد، بین السطور طلااندازی دندان موشی مضرّس، واقف: محمود قهرمانی، تاریخ وقف: تیرماه ۱۳۶۳.

---

۱ . نصیحت نامه خواجه عبدالله انصاری ضمیمه نسخه شماره ۷۲۰۰ در جلد ۷ ص۲۲۶ فهرست رضوی معرفی شده است.

۸۶

پیر و جوان(مثنوی -)= بهار و خزان= بهاریّه

(۱۲۲۴۶)

مثنوی است در بحر هزج از میرزا محمّد نصیرالدین حسینی جهرمی شیرازی، اصفهانی، طبیب، جدعالی فرصت شیرازی(- ۱۱۹۱ هـق.).

آغاز :«بسمله، شبی با نوجوانی گفت پیری          کهن دردی کشی صافی ضمیری».

انجام: «هزاران رحمت حق          بر او باد و بر اولاد کرامش».

شکسته نستعلیق خوش دو ستونه، ۸سطری، تاریخ کتابت: ربیع الاول ۱۳۱۹ هـق. کاتب: عبدالله حسینی، کاغذ: حنایی، دارای سرلوح مذهّب و منقّش، صفحات دارای کمند به سرخی، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، ۱۹گ، ۵/۵×۱۱/۵ س. م. جلد: مقوّایی سبز ماشی با عطف و گوشه میشن، واقف: سید جلال الدّین تهرانی در مرداد ماه ۱۳۶۱.

۸۷

پیر و جوان

(۸۹۷۸)

آغاز: مانند پیش.

انجام: «خموشی به در این سربسته داراست          سخن کوتاه کن احسان دراز است».

شکسته نستعلیق عالی بطرز چلیپائی، تاریخ کتابت: ششم جمادی الاولی ۱۲۵۴ هـ.ق. کاتب خوشنویس: میرزا سیّدعلی نیاز شیرازی[1]، کاغذ: حنایی بین السطور طلااندازی دندان موشی محرّر، جداول اوراق به لاجورد و زر تحریردار، دارای ۳۴ قطعه(به شکل مرّقع صحافی شده است) اندازه نوشته: ۶×۵ س. م. اندازه قطعه: ۱۹/۷×۱۳ س. م. جلد: مقوای ماشی، جدول بندی به زر، واقف: علی اصغر حکمت در مهرماه ۱۳۴۰.

۸۸

تاریخ ادب عربی

(۱۳۴۰۲)

وجیزه‌ای است در تاریخ ادبیّات عرب که ظاهراً تقریرات درسی بوده است و از بحث ریشه تاریخ و ادب و خصائص لغت عرب و شعرای دوره جاهلیت شروع و به تقسیم قبائل عرب به اسماعیلیه و غساسنه و مناذره و آل کنده ختم می‌شود. بنظر می‌رسد که از تألیفات عباس اقبال آشتیانی(۱۲۷۵-۱۳۳۴ هـ.ش) باشد.

آغاز: «قبل از تحصیل و تعلّم هر فنی باید آنرا شناخت».

انجام: «اهمیّت غساسنه و مناذره را ندارند آخرین پادشاه سلسله ایشان امرء القیس معروف است. تاریخ متوسط تألیف عباسقلیخان اقبال».

۱ . میرزا سیّدعلی نیاز شیرازی از خوشنویسان شیراز بود(۱۱۹۷-۱۲۶۳ هـ.ق.) شیوه او درخط شکسته غیر از شیوه درویش عبدالمجید می‌باشد. در خط شکسته، لوای شهرت برافراشت، علاوه بر خوشنویسی در طبّ و طبابت نیز مهارت داشت، شعر خوب می‌سرود و نیاز تخلّص می‌کرد. ریحانه الادب، ج۶، ص۲۷۳.

نسخ و نستعلیق(۱۹-۲۱) سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاغذ: نخودی، ۴۳گ، ۱۷/۳×۱۰/۵ س. م. جلد: پارچه‌ای قهوه‌ای، واقف: حاج میرزا اسدالله فاضلی موسوی سبزواری، تاریخ وقف: تیرماه ۱۳۶۲.

۸۹

تحفهٔ الابرار

(۱۲۷۶۳)

سوّمین مثنوی هفت اورنگ جامی(۸۱۷-۸۹۸ هـق.) که به شیوه مخزن الاسرار نظامی و مطلع الانوار امیر خسرو دهلوی بوده و به نام خواجه ناصرالدین عبیدالله نقشبندی(خواجه احرار) آن را در بیست مقاله منظوم کرده است.

آغاز: «حامداً لمن جعل جنان کل عارف مخزن اسرار کماله و لسان کل واصف مطلع انوار جماله».

انجام: «مُهر نه خاتمه این کتاب        شد رقم خاتم تم الکتاب».

این نسخه مذیّل است به دو رساله به شرح زیر:

۱. رساله فارسی در معمّا که مؤلّف آن شناخته نشد و یک نسخه از این رساله بنام«دستور معمّا»[1] در کتابخانه ملک موجود است. (۶۹-۷۲)

آغاز: «بدانکه ترتیب کرده شد این رساله بر یک مقدمه و شانزده اصل و خاتمه...».

انجام: «و دیگر معمّا مناسب صاحب نام باید گفت تا پسندیده آید تمت الکتاب م».

۲. رساله عربی در اسرار سوره فاتحهٔ الکتاب و شرح جدول ساعات اللیل و النهار.

---

۱ . در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۳، ص۲۱۹۱، این رساله را با توجه به یکی بودن آغاز رساله«دستور معمّا» نامگذاری شده است.

آغاز: «بعد از دو صفحه جدول: «و اعلم بانّ ام القرآن هی شافیه و الراقیه».

انجام: «حروف آبی      د ح ل ع ر خ غ».

نستعلیق ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: رجب ۱۰۶۴ هـ‌ق.، کاغذ: نخودی، عناوین بـه شـنگرف، ۸۱گ، ۲۰/۸×۱۴/۳ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبـان مـاه ۱۳۴۸.

۹۰

تحفهٔ العراقین[1]

(۷۸۸۲)

مثنوی طویلی است از حکیم افضل الدّین ابی بدیل(ابراهیم) بن علی شروانی متخلّص به خاقانی(۵۲۰–۵۹۵ هـ‌ق.) که بنام جمال الدّین ابوجعفر محمّد بن علی اصفهانی وزیرِ حکمران موصـل سـروده در وصف نخستین سفر حج او و در ذکر هر شهر از رجال و معاریف آن نیز یادکرده و در آخر هم ابیاتی در حسب حال خود آورده است.

آغاز: «بسمله، خیر ما عتصم المرء بحاله، کلمهٔ العجز لقصور باله... امّا بعد این تحفه تذکره ایست بـل تبصره عقلای وقت».

انجام: «این دعوت را بگاه تهلیل      آمین آمین کناد جبرئیل».

---

۱ . هفت نسخه در ج۷ ص ۴۰–۲۳۸ و ۴۰۴ و نیز سه نسخه در ج۹ ص۹۷ و ۳۰۸ فهرست رضوی معرفی شده است و این نسـخه منضـم اسـت ر شماره‌های ۷۸۸۱، ۷۸۸۳، ۷۸۸۴.

نسخ ۲۹ سطری، تاریخ کتابت: ذیقعده ۱۰۳۳ هـ.ق. کاتب: ابراهیم بن حسن، کاغذ: الوان، عناوین به شنگرف، ۵۸گ، ۲۸/۸×۱۶ س. م. جلد: تیماجی خرمایی ضربی لایی، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۲۹.

۹۱

تحفة المراد[۱]

(۱۳۱۸۱)

شرح قصیده یائیه میرفندرسکی(- ۱۰۵۰ هـ.ق.) از عباس شریف دارابی[۲](- ۱۳۰۰ هـ.ق.) که به نام سلطان مراد میرزا حسام السلطنه نوشته است. نسخه ما فاقد مقدّمه بوده و پنج برگی از ابتدای شرح افتادگی دارد.

آغاز موجود: «ساعی بود چنانچه شیخ الرئیس می‌فرماید و انهم جعلوا لکلّ واحد من الامور الطبیعیّه».

انجام: «و آخر قصیده را بذکر اخر مقامات سالکین ختم نموده رزقنا الله و اخواننا هذا المقام الذی هو قرۀ عین السالکین بمحمد و آله اجمعین الطاهرین». (ص ۳۵-۱۵۴)

نسخه مصدّر است به لوامع جامی[۳] در شرح قصیده میمیه خمریّه ابن فارض عمر بن ابوالحسن(- ۶۳۲ هـ.ق.) اصل قصیده ۳۲ بیت می‌باشد که نسخه ما فقط شامل شرح شش بیت آن است.

آغاز: «بسمله، سبحانه من جمیل لیس لوجهه نقاب الالنور».

انجام موجود: «در عرصه کون همدمی نتوان یافت   در قصه عشق محرمی نتوان یافت».

---

۱ . دو نسخه در ج۷، صص ۲۴۰-۲۴۱. فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . شروح دیگری بر این قصیده نوشته شده است از محمّد صالح گیلانی و محسن بن محمّد گیلانی که شرح محمّد صالح خلخالی در جای خود معرفی خواهد شد.

۳. سه نسخه درج۷، صص ۷۰۰-۷۰۲ و دو نسخه در ج۹، ص۲۳۳ فهرست رضوی معرفی شده است.

(ص ۲-۳۴)

شکسته نستعلیق(۱۹-۲۰) سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۴ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: فستقی و آبی، ۷۶گ، ۲۰×۱۲/۵ س. م. جلد: پارچه قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در۱۳۶۲/۸/۴ ش.

۹۲

تذکره اسحق

(۱۶۶۵۲)

مجموعه‌ای است از اشعار(قصاید و مقطّعات و غزلیّات و رباعیّات) که هر قسمت به ترتیب قوافی از الف تا یاء مرتب شده و به وسیله اسحق بیگ عذری بیگدلی(- ۱۱۸۵ هـق.) برادر آذر بیگدلی از تذکره آتشکده آذر استخراج گردیده است.[۱]

آغاز موجود: «آب هنرش پست کند آتش فتنه

باد ظفرش روح دهد شیر علم را».

انجام: «عشق و درویش و انگشت نمایی و ملامت

همه سهلست تحمّل نتوان بار جدایی».

نسخه مذیّل است به:

۱. گلشن رازِ شیخ محمود شبستری(ناقص الطرفین).

آغاز موجود: «حضرت شیخ جوان پیر کامل شیخ محمود علیه الرحمه می‌فرماید: شراب شمع شاهد عین معنیست».

---

۱ . چهار نسخه در ج۷، صص ۲۴۴-۴۶ و یک نسخه در ج۹، ص۱۰ فهرست رضوی معرفی شده است، عنوان نسخه معرفی شده در جلد نهم، «الفتکده» می‌باشد. برای اطلاع بیشتر در مورد ذکره اسحق رجوع شود به تاریخ تذکره‌های فارسی، گلچین معانی، ج۱، ص۱۸۲.

انجام: «چو دید آن... گران سوی چو خورشید    ببریدم من ز جان خویش امید».

۲. مثنوی پیر و جوان از میرزا نصیر و وصف شهر اصفهان.

آغاز: «شبی با نوجوانی گفت پیری    کهن دردی کشی صافی ضمیری».

انجام: «ز ویرانیش ویران است ایران».

۳. مثنوی پیر و جوان که دوباره تحریر شده و مطالب متفرقه دیگر.

آغاز: مانند قبل.

انجام: «هزاران رحمت حق بر سلامش    برو باد[و] بر اصحاب کرامش».

نستعلیق تحریری، (۱۵–۱۷) سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲هـ‍ق. کاغذ: کشمیر، نخودی و آبی و حنایی، بعضاً رطوبت دیده، اسامی شعرا به شنگرف، ۱۶۵گ، (از آغاز تذکره اسحق یکی دو برگی ساقط شده است)، ۲۰/۳×۱۰/۳ س. م. جلد: میشن دارچینی مستعمل، خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۶۷.

۹۳

تذکره اسحق

(۱۳۴۵۹)

مکرّر نسخه قبل، از ابتدا دو برگ ساقط شده است.

آغاز موجود: «انصاف بده تا درِ انصاف باز است

غمخوارتر از گرگ شبان نیست غنم را».

انجام: «گیرم که بخاک دان نباشی آخر

آن به نه که درخواطر پاکان باشی».

نستعلیق تحریری، ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هــق.، کاغذ: شکری فرنگی، نام شعرا به سیاهی و سرخی(در ابتدای نسخه کاتب نام شعرا را ننوشته است)، ۲۵۶گ، ۱۷/۵×۲۶/۸ س. م. جلد:مقوّایی با عطف و گوشه تیماج عنّابی، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۹۴

تذکره اسحق

(۱۰۴۵۲)

این نسخه چند بیتی از ابتدا، بیشتر از شماره ۱۶۶۵۲ می‌باشد و از انجام سه برگی کمتر است.

آغاز موجود: «تاجر عشقم بکف مایه سودم وفا».

انجام موجود: «هی هی چه نشستنی چه برخواستنی».

نستعلیق آمیخته به شکسته خوش، ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: سده سیزدهم هجری، کاغذ: ترمه نباتی، دارای سه سرلوح مذّهب و مرصّع جدید، اوراق دارای کمند و جدول مزدوج، جداول به زر تحریردار و شنگرف و لاجورد، اسامی شاعران در حاشیه صفحه به شنگرف، ۳۳۳گ، ۲۰/۵×۱۳/۳ س. م. جلد: روغنی دو رویه، برون گل و بوته در زمینه مشکی افشان زر، درون یک شاخه گل نــرگس در زمینــه قرمز، خریداری آستان قدس رضوی در مردادماه ۱۳۴۹.

۹۵

تذکره اشعار

(۱۶۴۶۶)

مجموعه اشعاری است از جمله: مخمّساتی از صحبت، با این مطلع:

«ای بولای تو تولاّی من          از خود و اغیار تبرّای من».

شمس، با این مطلع:

«بشنو این زمزمه از من که در این دم نه منم          سرخوش از باده پنهان چو او ویش قرنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتنم».

قضایی، با این مطلع:

«دوش رفتن به بحر فکر فرو          آب دریای ماست در هر جو».

و هلالی، و ترجیع‌بندهایی از هاتف، شاه نعمت الله ولی، سیّد نیاز، نور علی شاه، و قصیده‌ای از صباحی، بهاریّات هاتف با این مطلع:

«سحر از کوه خاور تیغ اسکندر چو پیدا شد...».

بهاریّات میرزا حبیب با این مطلع:

«آمد بهار و بار دیگر شد جهان جوان».

و معراج خیالِ قاسم، رباعیّات خیّام، شرح زندگی و منتخب اشعار خاقانی، سنایی، وحشی بافقی، عبدالرزاق اصفهانی، عبدالواسع جبلی، و رباعیّات مهستی گنجوی.

آغاز موجود: «مرا زین پیش بودی ای برادر».

انجام موجود: «بهر فتح بادا سپاهت مقدّم          زهر دور بادت مقدّم موّخر».

نستعلیق ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـ‌ق.، کاتب و جامع: نامعلوم، کاغذ: نخودی، ۱۱۲گ، ۱۳/۶×۲۱/۲ س. م. جلد: تیماج مشکی یک لا، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

تذکره شعرای خراسان[۱]

(۱۵۸۵۱)

مجموعه‌ای از شرح حال شعرا که در چند قسمت تنظیم شده است، از خود نسخه چنین برمی‌آید که بعضی از قسمتهای آن از تاریخ ابن خلکان خلاصه و ترجمه شده است.

جامع آن بدست نیامد.

بخش اوّل: با عنوان «اعلام خراسان» حرف الف با ابواسحق ابراهیم بن احمد مروزی فقیه شافعی آغاز می‌شود.

بخش دوم: با عنوان «حالات شعرای خراسان» که نسبت به بخش قبلی مختصرتر و شامل ۷۳ تن شاعر می‌باشد و با اوحد الدین انوری ابیوردی شروع می‌شود.

بخش سوّم: با عنوان «رجال خراسان – ادبی» از بدرالدین جاجرمی شروع و به حاج ملا سلطان محمّد گنابادی ختم می‌شود.

بخش دیگر که مختصر است و جدول‌کشی شده با عناوین نام شاعر... تاریخ وفات...، با اثری مشهدی شروع و به ابوبکر خسروجردی بیهقی پایان می‌یابد.

آغاز: «ریاست آل طاهر در خراسان و ماوراءالنهر و خوارزم. انجمله چون دور مامون رسید در ایرانیان قوّتی شد پدید... ابواسحق ابراهیم بن احمد بن اسحق مروزی فقیه شافعی از ائمه فقیه بشمار میرود و در عصر خودش مفتی کل و مرجع تدریس بوده».

---

۱ . عنوان شناسنامه «شعرای خراسان» می‌باشد.

انجام: «از تألیفات انجناب است و در نیشابور وفات نموده و جسدشرا حمل به بیهق نموده‌اند».

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـ‍.ق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: کاهی، نوشته‌ها به جوهر آبی و سبز و عناوین به سرخی، ۱۴۹گ، ۲۷/۵×۲۰/۳ س. م. جلد: ندارد، واقف: حاج احمد آقافاضل، تاریخ وقف: اسفندماه ۱۳۶۵.

۹۷

ترجمه عهدنامه مالک اشتر[1]

(۱۶۵۱۰)

از شاعری بنام تقی عنوان نگار مدیر رسایل عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری در دوره محمدعلی شاه قاجار که در سال ۱۳۲۴ هـ‍.ق. ترجمه نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر نخعی را در قالب مثنوی به نظم در آورده است.

در سبب ترجمه منظومه می‌گوید:

«اوّل دولت رهی عنوان نگار — که همی باشد قدیمی جان نثار

خواست تقدیمی بیارد شاهرا — زانچه باشد حرفتش را اقتضا».

و بعد می‌گوید:

«یکهزار و سیصد و بیست چهار — سال هجری آمده اندر شمار

منشی و عنوان نگار آمد تقی — نظم و نثرش را دهد حق رونقی».

آغاز: «بسمله، حقتعالی دولت ایران را — بر فزوده نعمت و فرّ و بها».

---

۱. عنوان شناسنامه«مثنوی عنوان نگار»، «تاریخ منظوم محمّدعلی شاه» نیز می‌باشد.

انجام: «سایه با ذات آمدستی آشنا          خاتمه این بس که هم بدهد خدا».

نستعلیق خوش ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـ‍ق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، ۳۱گ، ۱۶/۹×۱۰/۵ س. م. جلد: میشن زرشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۹۸

ترجیع بند

(۱۳۲۰۷)

ترجیع بندی است از میرزا آقا، با بیت الترجیع:

«کانچه اندر تصور آید لاست          بعد لا هر چه باقی است الاست».

این نسخه مصدّر به جغرافیای جهان ترجمه شده از فرانسه به فارسی می‌باشد که شامل هفتاد فصل و خارج از موضوع مورد بحث ماست.

آغاز: «تکیه اول بصبر کن ایدل          صبر را گیر و ز اضطراب گُسل».

انجام: «گر بخود ره نمی‌توانی رفت          گیردامان عارفی استاد».

(ص۱۲۴-۱۳۷)

نستعلیق نسبةً خوش، تاریخ کتابت: روز چهارشنبه ۹ شهر صفر المظّفر ۱۲۹۲، کاتب: احتمالاً محمود بن میرزا بابای مستوفی الکرکانی[۱]، کاغذ: آبی، تعداد اوراق، ۷۷گ، (بین صفحات، نانوشته دارد)، ۱۵/۷×۱۰/۲ س. م. جلد: تیماج ماشی، خریداری آستان قدس در آبان ماه ۱۳۶۲.

۹۹

۱ . کاتب قسمت اوّل این نسخه می‌باشد.

ترسّلات

(۱۶۳۱۵)

منتخبی است از نامه‌های میرزا مهدی خان استرابادی(م. بعد از ۱۱۶۱ هـ‍ـق.) و عبدالوّهاب القرشی اصفهانی(معتمدالدوله نشاط) (– ۱۲۴۶ هـ‍ـق.) و ابوالقاسم فراهانی(۱۱۹۳–۱۲۵۱ هـ‍ـق.) و میرزا جعفر همدانی متخلّص به ریاض(– ۱۲۶۸ هـ‍ـق.). عناوین این نامه‌ها عبارتند از:

«مقدمه نامه مرحوم میرزا مهدی به یکی از سلاطین هندوستان،

مرحوم میرزا عبدالوخاب به سلطان روم سلطان محمود نوشته،

میرزا مهدی خان به یکی از سلاطین هندوستان نوشته،

نسخه حکومت استراباد که مرحوم میرزا عبدالوّهاب انشاء فرموده است».

و نامه هایی که عناوین آنها نانوشته باقی مانده و سواد بعضی از اسناد فروش و اقرار نامه میرزا حسن تبریزی و استشهادنامه و غیره.

آغاز: «بسمله، ای کرده ز کلک صنع ترکیب بشر     ز انشاء تو نقش بسته اجسام صور».

انجام: «بتاریخ دوازدهم شهر جمادی الاخر ۱۲۸۹ بانجام رسید و باختتام کشید این کتاب همایون و خطاب فصاحت مقرون الحق این ترسّل دوشیزه‌ایست پر غنج... تاریخ بدیع ثانی میرزا جعفر همدانی المتخلّص به ریاض علیه و علیهم شانه».

نستعلیق ۱۰ سطری، تاریخ کتابت: رجب ۱۲۸۹، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، ۶۰گ، ۲۱×۱۶/۴ س. م. جلد: میشن لاجوردی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

ترکیب بند

(۱۶۲۶۹)

ترکیب بندی است در ۵ بند، از شاعری ناشناخته در مدح مظفرالدّین شاه قاجار.

آغاز: «بسمله، شاهی که پناه ملک و دین است        در خور، دهزار آفرین است».

انجام: «سلطان زمان مظفرالدّین        شد معتصم و بعزّ و تمکین».

نستعلیق ۷ سطری، تاریخ کتابت: چهارم محرم ۱۳۲۲، کاتب: ناصرالدین میرزا، کاغذ: حنـایی، دارای سرلوح منقّش با اکلیل و الوان، حاشیه دو صفحه اوّل تشعیرسازی و بین السطور تمام صفحات مزیّن به اکلیل و جدول‌بندی، جداول و کمند به لاجورد و سرخی، بیت الترکیب به سرخی، ۷گ، ۱۳×۲۱/۳س. م. جلد: مخمل قرمز ضربی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۰۱

تصویر دوریان گری

(۱۶۲۶۵)

ترجمه فارسی رُمان تصویر دوریان گری اثر اُسکار وایلد نویسنده، نمایشنامه نویس، شـاعر و مُنقّـد ایرلندی(۱۸۵۴–۱۹۰۰ م.) می‌باشد که به وسیله شخصی ناشناس ترجمه شده است.[۱]

آغاز: «بوی خوش گل سرخ اطاق نقّاشی را فرا گرفته بود».

انجام: «تا آنکه به انگشترهایش رسیدگی کردند».

---

۱ . این رمان بوسیله مهندس رضا مشایخی(فرهاد) با مقدّمه آندره مورا و علی دشتی بارها چاپ شده است، و با تفحّص و مقایسه با نسخه مـورد نظر مترجم بدست نیامد.

نستعلیق ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، کاتب: مترجم، کاغذ: فستقی، ۲۳۹گ، ۱۴/۴×۲۳/۴ س. م. جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۰۲

تنبیه الغافلین

(۱۲۷۷۶)

رساله کوتاه و طنزگونه‌ایاست از شخصی ناشناس در مورد خصوصیات روحی و جسمی افراد مختلف و علاج آن که با نام‌های غیرمعمول و نامفهوم معرفی شده است.

این رساله به چهار فصل و هر فصل به چند باب تقسیم شده، فصل اوّل در باب دبنکوز آل مغربی که خود به چهار قسم تقسیم می‌شود اوّل در باب جرت قوز و حال وی، باب دوّم در صفت قشنگ و حرکات او، باب سوّم در حقیقت حال دبنکوز، باب چهارم در حقیقت حالدبنکوز آل مغربی و غیره، در خاتمه رساله دیگری با نثر مسجّع و طنزگونه در دفاع از رفتار لوطیانه و فرد لوطی و دیگر مسائل ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «بسمله و به نستعین،

عارفی گفت بمن دوش بآواز ملیح          غافلان را خبری نیست از افعال قبیح».

انجام نسخه: «چه آشنایی داشت یک سربندی سر محلّه الو انجیر او میکرد تا واضح باشد و السلام».

نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ و اوایل ۱۴ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: فرنگی حنایی، عناوین به سرخی، جلد: میشن عنّابی، ۱۷گ، ۱۶/۷×۱۰/۵ س. م. واقف: حسین کی استوان تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

تیمورنامه[۱]

(۱۵۶۰۶)

مثنوی است در بحر متقارب در مقابله اسکندرنامه نظامی از مولانا عبدالله هاتفی[۲](۸۲۲-۹۲۷ هـ‌ق.) خواهرزاده جامی که برخلاف خال مذهب تشیع داشت، در ساختن خمسه[۳] مقلّد نظامی و امیر خسرو دهلوی بوده، علت تسمیه این منظومه به تیمورنامه(تُمرنامه) آنست که در شرح فتوحات امیر تیمور گورکانی ساخته شده و نیز ظفرنامه بدان علّت نامیده شده که بنابر تصریح هاتفی آن را از ظفرنامه علی یزدی اقتباس کرده، این کتاب در لکنهو و دانشگاه مدراس بچاپ رسیده است.

آغاز: «بنام خدایی که فکر خرد     نیارد که در کنه او پی برد».

انجام: «الهی چو این نقش فرخ نهاد     بآخر رسید آخرش خیر باد».

نستعلیق خوش ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: ۹۷۵ هـ‌ق. کاتب: غلام علی الکاتب الهروی، کاغذ: نخودی، صفحه اوّل دارای سرلوح مزدوج و پیشانی مذهّب و منقّش، متن کاغذ افشان زر، دو ستونه، جداول اوراق به زر تحریردار، لاجورد، و زنگار، عناوین به سفیداب در زمینه طلا، جلد: دو رویه برون تیماج مشکی آستردار ضربی دارای ترنج و چهار ابروی زراندود، درون میشن قهوه‌ای دارای جدول و ترنج به زر، ۱۷۱گ، ۲۲/۷×۱۴ س. م. خریداری آستان قدس در آبان ماه ۱۳۶۶.

---

۱ . یک نسخه تحت شماره ۴۱۳۸، ص ۹۵ و یک نسخه تحت شماره ۴۲۱۲ در جلد ۷، ص ۲۵۱ و یک نسخه تحت شماره ۱۱۰۴۳ در ج۹، ص ۱۰۰ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . برای اطلاع بیشتر از احوال مؤلف رجوع شود به تاریخ ادبیات، صفا، ج۴، ص۴۳۸،تذکره میخانه ص ۱۱۲، تذکره روز روشن ص ۹۱۸، ریحانه الادب، ج۶، ص۳۴۶ و... .

۳ . خمسه هاتفی عبارت است از: لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت منظر، تیمورنامه، شاهنامه شاه اسماعیل، که نیمه تمام مانده است، از ویژگی ۵ گنج او آن است که در آن از کسی ستایش نکرده است. فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی، ج۴، ص۲۶۹۶.

۱۰۴

تیمورنامه

(۱۶۱۵۹)

نسخه از ابتدا و انتها چند صفحه افتادگی دارد و مصدّر به مطالبی به صورت سوال و جواب در اعتقادات می‌باشد.

آغاز موجود: «برد نفس و یوم درون برون(کذا)      پناهم توئی از درون و برون».

انجام موجود: «بهین روزی از روزهای بهار      بدیهیم بر شد در ایوان بار».

(ص ۳۷۳-۵۶۰)

نستعلیق ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: شعبان المعظّم [۱]۱۰۳۱، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، ۳۱۳گ، ۱۸/۷×۱۲/۳ س. م. جلد: تیماج مشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۰۵

ثلاثة العرایس و لذة النفایس

(۱۶۶۴۲)

افسانه و حکایاتی است از حاجی علی بن حاجی الله وردی کاشی ساز مشهدی که مؤلف آنرا از جرح و تعدیل و تحریف و تغییر وقایع معروف تاریخی فراهم آورده و با سود جستن از اشعار فردوسی و

۱ . تاریخ در انتهای نسخه که قسمت پایانی سوال و جواب می‌باشد ذکر گردیده است.

دیگر شاعران سعدی و حافظ و مولوی و ضرب المثلهای گوناگون روح حماسی و ادبی در آن دمیده است.

قرمان داستان، نوشاد برادرزاده شاپور شاه می‌باشد که با دلاوریهای خارق العاده‌ای تمام دشمنانش را از پای در می‌آورد. دیگر شخصیتهای داستان، کیامرز، کیاهور، ارنواز، رشنواز، بابا، ارقمش و غیره می-باشند توجّه خاصی به ائمه علیهم السلام در سرتاسر داستان بچشم می‌خورد و قهرمانـان داسـتان در مشکلات ازحضرت علی(ع) مدد می‌جویند:

«یا علی یا صاحب تیغ دو سر　　　　بر غلام خویشتن کن یک نظر»

نسخه از لحاظ املایی بسیار مغلوط است و برای آشنایی با نثر و سبک داستان نمونه‌ای از آن را بـه شرح زیر می‌آوریم:

«دختر عرض کرد که ای پدر روزی از خواب بیدار شدم و کنیزان را در دَور خود و ندیدم از دل تنگی به پشت قصر شتافتم دیدم مرغی بر کنگره نشسته زرد و سُرخ و عنّابی هزار رنگ بر او افتـاده دلبـاز انمرغ شدم و همواره به پشت خَم به پناه آمدم تا بنزدیک انمرغ رسیدم داست[1] بپای انمرغ زدم مرغ رم برداشت و مرا از زمین کند این داست دیگر بپای انمرغ زدم و مرا بقدری بر هوا بُرد که دنیا تمـام در روی آب بود و بعد مرا در کوهی فرود آورد و فرمود من بتو عاشقم و تو را باین مکان آورده‌ام اگـر داست وصال بکردن ن در آوری منزل نیک و جای با فضای دارم و اگر نه ایـن کـوه راه نـدارد و از کرسینا[2] و از تشینا[3] و کرما و سرما خواهی مُرد و چرخی زد بصورت این جوان شد که بابا کُشت من

---

۱ . دست.

۲ . گرسنگی.

۳ . تشنگی.

چنان دیدم مضطرب شدم و از روی مَکر گفتم اگر عاشقی معشوق را نگذارم برو قضای[1] جهت من بیاور تا بتو سر نمک خوردند[2] عهد نمایم».

و نمونه‌ای از تحریف وقایع تاریخی:

«امّا راوی گوید روزی نظام الملک بمکتب میرفت با دو طفل به یکدیگر هم عهد شدن که هر یک که منصب رسند دیگر را شریک در منصب خود نمایند یکی راحسن نام بود و دیگری را اسماعیل امّا چون اسیر داست چنگیز شدند و بواسطه شاه صفی خلاص شدند میرزا نظام الملک وزیر سلطان محمّدشاه خدابنده و حسن و اسماعیل آمدن و گفتند ما را هم درمنصب شریک کن».

آغاز موجود: «و رو بدلاورانی نمود که حکیم خان چه قدر کم رتبه بود».

انجام: «نام این کتاب تواریخ را ثلاثت العرایس نهادیم و لذت النفایس هم خواندیم... من بنده گنه کارم در روز بیست و هشتم جمادی الاول باتمام رسید در سنه ۱۱۲۶».

نستعلیق ۲۷ سطری، تاریخ تحریر: ۲۸ جمادی الاولی ۱۱۲۶؛ کاتب: ظ. مؤلّف، کاغذ: نخودی آسیب و رطوبت دیده، اوّل نسخه ساقط شده و نصف صفحات بطور عمودی از بین رفته است. عناوین بعضاً به سرخی، ۲۷۵گ، ۳۰/۲×۱۸ س. م. جلد: اسقاطی، واقف: محمّدناصر متّقیان، تاریخ وقف: دیماه ۱۳۶۷.

۱۰۶

جامع التمثیل[3]

(۱۷۶۳۰)

---

۱ . غذا.

۲ . خوردن.

۳ . دو نسخه در جلد هفتم، ص ۲۵۴، فهرست رضوی معرفی شده است.

کتابی است از میرزا محمّدعلی حبله رودی(هبله رودی)[1] که اَمثال را به ترتیب حروف تهجّی در ۲۸ باب گرد آورده و داستانی به تناسب ضرب المثل در انتهای هر فصلی نقل نموده است. این کتاب به نام سلطان عبدالله قطب شاه(۱۰۲۰-۱۰۸۳ هـ.ق.) در حیدرآباد دکن در عصر شیخ شمس الدّین محمّد بن علی خاتونی شاگرد شیخ بهایی در سال ۱۰۵۰ هـ.ق. جمع‌آوری شده و بارها در هند و ایران چاپ گردیده است.[2]

نسخه ما تحریر دوم جامع التمثیل[3] بوده و مؤلّف در آن جرح و تعدیلی انجام داده و کتاب را کامل‌تر و مفصّل‌تر نموده است. در سبب تألیف کتاب در مقدّمه می‌گوید: «در مجلس شریف... محمّد الخاتون... یکی از افاضل در آن مجلس اظهار نمود که به موجب امر و اشاره علیّه پادشاه... عباس صفوی افعال ترکی را به یک جا جمع نموده‌اند و بلغای تازی ما به نظام عرب مساعی جمیله به ظهور رسانیده‌اند... هیچکس از فصحای فرس تا حال به جمع آوردن امثال فارسی نپرداخته‌اند... این فقیر بی استطاعت و فقیر بی‌بضاعت از امثال و کنایات و حکایات اصطلاحات یکی جمع آورده و دلیل آیات قرآنی مزیّن گردانیده تا مقابل را زود به مقصود رساند و از ایات و احادیث و از کلام اکابر و مشایخ کبار بیان نموده تا عالم برای استفاده مطالعه فرماید و جاهل برای هزل و افسانه بخواند و هر کدام تمتّعی بردارند».

آغاز: «بسمله، سپاس بیحد و ستایش بیعد و بی مثلی را سزد که به ایمای دلگشای...».

انجام: «چون که بدین پایه رساندم تمام(کذا)          به که کنم ختم سخن والسلام».

---

۱ . حبله رود، نام بلوکی و نیز نام رودی است که از فیروزکوه سرچشمه می‌گیرد تا بلوک خوار را مشروب سازد. در عالم آرای عباسی، ص ۲۲، هبلرود نوشته است. بنابراین جبله رودی و جبل رودی اشتباه است. مرآة البلدان، ج۴، ص۲۹۷، جهان نمای مظفری، ص۴۲، یادداشت‌های قزوینی، ج۴، ص۱۳۷.

۲ . رجوع شود به: فهرست کتابهای چاپی فارسی- خانبابا مشار، س ۹۸۹.

۳ . جامع التمثیل در نسخه شماره ۱۵۸۲۰ این کتابخانه به نام جامع الثماثیل و در الذریعه، مجمع التفسیر نامیده شده است و گفته‌اند بعد از تألیف، در آن دست برد و نکاتی و امثالی را اضافه نمود و آن را مجمع الامثال نامید که در تهران و به وسیله دکتر صادق کیا، چاپ شده است.

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ تحریر: آخر محرم ۱۲۶۹، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی موریانه خورده، عناوین به شنگرف، ۳۷۱گ، ۲۸/۲×۱۷ س. م. جلد: ندارد. واقف: شبیر حسن نجفی، تاریخ وقف: ۲۵ دی ماه ۱۳۶۸.

۱۰۷

جامع التمثیل

(۱۵۸۲۰)

نسخه از ابتدا به مقدار یک صفحه و از انتها چندین باب افتادگی دارد یعنی به باب هیجدهم«حـرف العین» ختم می‌شود. و از لحاظ تعداد امثال نسبت به نسخه قبلی کم‌تر است و باید تحریر اوّلیه باشد.

آغاز موجود: «و حکایات خسروی علو هم طراز تخت سلیمانی و برازنده دیهیم جهانی».

انجام موجود: «... و مردم هر چند او را نصیحت کردند اثر نکرد و چون پند نصیحت باو درگیر نشد پدرش».

نستعلیق ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـ‍ق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی کمرنگ رطوبت رسیده، عناوین به سرخی، ۶۹گ، ۲۱/۲×۱۵ س. م. خریداری آستان قدس در اردیبهشت ماه ۱۳۶۷.

۱۰۸

جامع الفوائد

(۱۷۶۲۷)

کتابی است از شیخ عبدالباسط[1] ولد محمد صالح بن شیخ امام الدّین محمّد بن شیخ محمّد علیم بن شیخ عبدالحکیم بن شیخ نظام الدّین(متولد ۱۰۹۹ هـق.) در هندوستان می‌زیسته و معاصر شاعرانی همچون عبدالقادر بیدل دهلوی(- ۱۱۳۳ هـق.) و شیخ ناصر علی سرهندی(- ۱۱۱۹ هـق.) و میر سیّد عبدالجلیل واسطی بلگرامی(- ۱۱۷۱ هـق.) بوده و آثار فراوانی از خود به جای گذاشته است.[2]

این کتاب مشتمل است بر هفده باب بشرح زیر: باب اوّل: در بیان فوائد معنی مختلفه حروف تهّجی و تبدیل آنها، باب دوم: در تحریر قوانین صرف فارسی، سوّم: در تقریر نحو و تحقیقات اعراب قواعد فارسی، چهارم: در تألیف ترکیب قواعد معانی و الفاظ، پنجم: در ترقیم حذف و ایراد و کلمات حروف فارسی، ششم: در تحصیل الفاظی که مخصوص ترکیب آخر کلمه باشد، هفتم: در امتیاز اندار[3] متأخرین از متقدمین، هشتم: در تحقیقات لغات مستعمل اشعار، نهم: در محاورات متقدّمین، دهم: در تواریخ و لغز و معمّا، یازدهم: در علم عروض و قوافی، دوازدهم: در ادراک مضمون احادیث و آیات، سیزدهم: در قصص شاهنامه و غیره، چهاردهم: در چندی قوانین نجوم مقدار متداول اشعار، پانزدهم: در انواع اشعار، شانزدهم: در پیروی مضمون بندی طریقه شعرای سلف و حال، هفدهم: در احوال شعرا و اشعار ایشان و در ذکر بعضی ازشعرا و متقدمین و متأخرین و ایراد اشعار ایشان بر نهج اختصار.

آغاز: «بسمله، عشق‌ها مجنون حس اوصاف لیلی افروزیست که داغ دلهای تمنّا...».

---

۱ . درکتاب مقالات الشعراء تألیف میرعلی شیر قانع تتوی(۱۲۰۳ هـق.) ص ۴۰۱، از عبدالباسط تتوی ای نام برده که در عصر مؤلّف نسخه ما می‌زیسته است و احتمالاً همین شخص می‌باشد.

۲ . در انتهای کتاب، مؤلّف غزلیاتی از خود آورده و آثارش را نیز معرفی کرده است. منتهی در کتابهای مرجع شاعران سبک هندی و تذکره‌های در دسترس، نام ایشان و آثارش بچشم نخورد، آثارش چنانچه خود معرفی کرده است عبارتند از: جنگنامه، گلگشت افهام، معراج المقال، نگارستان و غمنامه، مثنوی کبوتران، مثنوی مشرق الشمس.

۳ . اندار: اسم پارسی، سرگذشت و افسانه و داستان، فرهنگ نفیسی، ج۱، ص۴۱۶.

انجام: «که یکی از لوازم شعردانی است اختصار مرقوم گردید الله تعالی این نسخه را... مقبول جهانیان گرداناد بفضله و رسوله...».

نستعلیق ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲ذیقعده ۱۲۵۳، کاتب: نامعلوم، کاغذ نخودی موریانه خورده شدید، عناوین به شنگرف، ۳۲۵گ، ۲۲×۱۳/۵ س. م. واقف: شبیر حسن نجفی، تاریخ وقف: ۲۵ دی ماه ۱۳۶۸.

۱۰۹

جمهوری نامه

(۱۶۵۴۶)

منسوب به میرزاده عشقی، محمّدرضا بن ابوالقاسم کردستانی(۱۳۱۲-۱۳۴۲هـ.ق.) که درباره بهم خوردن جمهوری در سال ۱۳۰۳ ش. سروده است. و نیز شامل تخمیسی از دو غزل حافظ و هجو همسر حسین صبا مدیر روزنامه ستاره ایران می‌باشد.

آغاز: «چه ذلّتها کشید این ملت راز دریغ از راه دور و رنج بسیار».

انجام: «عشق بازی کار بازی نیست ایدل سر بباز

ورنه گوی عشق نتوان زد بچوگان هوس».

نستعلیق آمیخته به شکسته چلیپائی و دو ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: آبی، اشعار مکتوب با جوهر مشکی و آبی، ۱۱۸گ(۶ برگ آن نوشته شده و بقیه نانوشته مانده است) ۱۴×۲۱ س. م. جلد: میشن سبز ماشی با آرم شیر و خورشید و ناصرالدّین شاه، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۱۰

جنگ

(۱۴۷۸۲)

مشتمل است بر منظومه‌های ناقصی از جمله: جوهر الذّات شیخ فریدالدین عطار نیشـابوری، جوابیّـه هاتفی خرجردی، نصیحت نامه قاضی کمال الدّین حسین، که برای فرزندش معین الدّین سروده و نیز رباعیّاتی چند از شاعران مختلف. در انتها سی و پنج مقصد در هیأت و نجوم که از مقصد ۱۱ شروع می‌شود، ضمیمه می‌باشد.

آغاز نسخه: «بنام آنکه نور جسم و جانست          خدای آشکارا و نهانست».

انجام نسخه: «هزار بار نکوتر بنزد دانایان که تاج و مملکت کیقبات(کذ) و کیخسرو».

نستعلیق ۱۲ سطری با دو خط مختلف، کاتب: محمّد بن علی القناۀ شیرینی(کاتب نصیحت نامه و سی و پنج مقصد همین مجموعه)[۱] تاریخ کتابت: ۲۲ رمضان ۹۱۷، کاغذ: شکری و حنائی، عناوین به شنگرف، ۴۹گ، ۱۶/۳×۱۰/۲ س. م. جلد: مقوّایی مستعمل، واقف: سید محمّدباقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف: محرم ۱۴۰۵.

۱۱۱

جنگ

(۱۳۵۶۸)

۱ . این شخص کاتب«شرح تجرید الاعتقاد» است که در فهرست رضوی تحت شماره ۱۶۳ معرفی شده است. (۱: ۱۴۵)

این نسخه شامل رسائل و مطالب متفرقه زیادی می‌باشد و ما در زیر به ذکر مواردی که در حیطه بحث ماست می‌پردازیم:

۱. حورائیه: شرح رباعی منسوب به شیخ ابوسعید ابوالخیر که با کلمه«حورا» آغاز می‌شود.

«حورا بنظاره نگارم صف زد          رضوان ز تعجّب کف خود بر کف زد

یک خال سیه بر رخ آن مطرب زد          ابدال ز بیم، چنگ در مصحف زد».

و افراد زیادی بر آن شرح نوشته‌اند[۱] و عجالتاً شارح نسخه ما شناخته نشد، درین فهرست سعی شده شروح مختلف حورائیه که قابل دسترس بوده است معرفی شود.

آغاز: «قصّه باینجا رسیده بود که درویش عزیزی التماس معنی رباعی که شیخ الاسلام... شیخ ابوسعید قدس سره العزیز فرموده است نمود».

انجام: «این مختصر را که مشحون به بسی فواید جمیل جلیل... خداوند بادا نگهدار تو، بتاریخ... ستر عیوبه».

(ص ۲۶۳-۲۶۹)

۲. رساله در معمّا(ناقص) که از ۳۳ باب شش باب آن آورده شده است.

آغاز: «بدانکه این رساله مرتّب است بر یک مقدمه و سی و سه باب».

انجام موجود: «برعکس قطر مبداء اعداد قطر دان». (ص ۲۷۱-۲۷۵)

۳. دستور معمّا، منظوم از شهاب الدّین احمد حقیری هروی فرزند نظام الدّین(- ۹۲۳ هـق) شاگرد میر حسین معمایی.

---

۱ . افراد زیر رباعی ابوسعید را شرح نموده‌اند: عبیدالله چاچی(خواجه احرار)، قاسم انوار، قاضی میر حسین میبدی، نجم بن قطب الاسلام الشریحی الکبری، شاه نعمت الله ولی، قاضی نورالله شوشتری و... .

آغاز: «بنام آنکه ذات جمله اشیاء          بود چون اسم ذات او مسمّا».

انجام: «قبول خاطر اهل هنر باد          بخوبی در همه عالم ثمر باد».

(ص ۲۸۳-۲۹۱)

۴. شرح معمّا(ناقص) گزارش نود و نه بیت معمّاست در اسماء خداوند در حدود ۶ بیت آن آورده شده است و احتمالاً از میر حسین معمّایی نیشابوری می‌باشد.[1]

آغاز: «نیست حد خامه از نام آله          دم زدن باید زبان دارد نگاه».

انجام موجود: «همچنین عالم اگر آید بدست          سر بنه بر پای وی هر جا که هست».

(ص ۲۹۱-۲۹۵)

نستعلیق آمیخته به شکسته نسبةً خوش ۱۱ سطری، کاتب و جامع: احتمالاً محمد امین سیاح تبریزی، تاریخ کتابت: سال ۱۰۷۸ هـق.، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، ۲۹۹گ، ۱۹/۶×۱۲/۵ س. م. جلد: دو رویه، برون تیماج قهوه‌ای ضربی با قطاعی ساده دارای چها ابروی مشکی و ترنج در وسط، درون تیماج خردلی با ترنج طلایی، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۱۱۲

جنگ

(۱۵۲۰۹)

نسخه افتادگی دارد و مشتمل است بر مثنوی طولانی در رحلت حضرت رسـول(ص)، شـهادت امـام حسن(ع)، خبر آوردن جبرئیل(ع) واقعه شهادت حضرت امام حسین(ع) به حضرت رسول(ص)، واقعه

---

۱ . در دیباچه شرح دستوری معمّای نیشابوری آمده است میر حسین نود و نه نام را گفته‌اند ولی دررساله خود نیـاورده‌انـد و کمیابسـت. بنقـل از فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی.

وداع نمودن حضرت امام حسین(ع)، مرقد منوّر رسول الله(ص)، را، واقعه شهادت حضرت عباس بن علی(ع)، حضرت قاسم بن حسن(ع)، عبدالرّحمن بن حسن(ع)، واقعه در وصیت امام حسین(ع) به ذوالجناح... واقعه در حکایت ساربان حضرت امام حسین(ع)، واقعه در شهادت حضرت امام رضا(ع) و غیره، از شاعری با تخلّص مُقبل[1] که درپایان هر واقعه، یک بند از مرثیه(ترکیب بند) محتشم کاشانی آورده شده است.

آغاز موجود: «چُه جلوه گر بحرم گشت سر و بالایش　　مخدّرات فتادند جمله بر پایش».

انجام: «دگر امید ندارد بغیر تو ز کسی، تمام شد».

نستعلیق تحریری، ۱۲ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: نهم ربیع الاول ۱۲۳۳، کاغذ: آبی، ۱۴۴گ، ۲۰/۲×۱۵ س. م. جلد: اسقاطی، خریداری آستان قدس رضوی در سال ۱۳۶۵.

۱۱۳

جُنگ

(۱۴۲۵۹)

مشتمل است بر ترجیع‌بندهای هاتف و نورعلی شاه با مطلع زیر:

«بزم ما بزم عاشقان باشد　　نقل ما نقل عارفان باشد».

«ای آنکه طلب کنی خدا را　　آئینه حق شناس ما را».

شاه نعمت الله با مطلع زیر:

---

۱ . ناظم به احتمال قوی، آقا محمّد شیخا مقبل اصفهانی می‌باشد که بروزگار سلطان حسین(۱۱۰۵–۱۱۳۵ هـ.ق.). دریورش افغان به هند گریخته و در گجرات به سال ۱۱۵۷ درگذشته است. و ارادت خاص به امام حسین(ع) داشته و همواره از فراق امام(ع) گریان و حزین می‌زیسته و آرزویش این بوده است که دوباره به زیارت نائل آید و تخلّص مقبل از دربار امام حسین(ع) حاصل کرده است: خطاب مقبل از شاه تشنه لب دارم　　پی خلاصی خود بی‌گمان سبب دارم. مقالات الشعرا، ص۷۶۶، میرعلی شیر قانع تتوی.

«ای ز مهرت دل خراب آباد وز غمت جان مستمندان شاد»،

جامی با مطالع زیر:

«ای روی تو ماه عالم آرا چون ماه ز پرده روی بنمای».

«ای بروی توچشم جان روشن وز فروغ رخت جهان روشن».

«صبحدم باده شبانه زدیم ساغر عیش جاودانه زدیم» و قدسی.

و همچنین مثنویّات و قطعات و غزلّیات و رباعیّاتی از نورعلی شاه، حاجی لطفعلی بیگ آذر(مثنوی گل و بلبل)، سیّد حسین تجلّی، جامی، سعدی، شرر، باباطاهر، رفیق، ذبیحی، فروغی، سرباز، مشتاق، قاضی شریف(بیمار و طبیب)، بیدل(قطعه‌ای در خصوص طلبیدن شواهد قریش جناب خیرالنساء زهرا علیها السلام را به عروسی...).

میر ابوالفتح متخلّص به اشراق(در تسلّی دل)، کامی، هلالی، خرّم، سروری، فایض، کلیم و غیره.

آغاز: «ای فدای تو هم دل و هم جان وی نثار توست همین و همان».

انجام: «کس نیست که سوزد دلش از بهر دلم سوزد دل من مگر برای دل من».

نستعلیق آمیخته به شکسته ۸ سطری، کاتب و جامع: فتح الله، تاریخ کتابت: سال ۱۲۶۱ هـق. کاغـذ: شکری، جداول اوراق به اکلیل و سرخی و زنگار، دو ستونه، عناوین به سرخی، ۱۳۰گ، ۱۷/۵×۱۱ س. م. جلد: تیماج ضربی قهوه‌ای، واقف: سید محمّدباقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم ۱۴۰۵.

۱۱۴

جنگ

(۱۴۱۹۰)

مجموعه‌ای است در ذکر مسائل مختلف عرفانی و غیره. در اینجا تنها به آنچه که مورد بحث ماست اشاره می‌کنیم.

۱. شرح رباعی حورائیه ابو سعید ابوالخیر از خواجه اصرار، عبیدالله محمود چاچی(شاشی)[۱] (۸۰۶-۸۹۵ ق.)

آغاز: «الحمدلله فیاض الحکم و المواهب و موصل الطالبین... امّا بعد بدانکه این فقیر را بسی شعف می-بود».

انجام: «بهتر از ملاقات محبوب نباشد والله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب».

(ص ۲۵۴-۲۵۸)

۲. مقولات و مناجات خواجه عبدالله انصاری(۳۹۶-۴۸۱ هـ‍ق.)

آغاز: «الحمدلله رب العالمین... بدانکه خدای تعالی این جهان را محلّ اسرار گردانید».

انجام: «الهی حجابها از راه بردار و ما را به ما مگذار برحمتک یا عزیز و غفّارتم و الحمد...».

نستعلیق مخلوط به شکسته ۱۷ سطری، تاریخ تحریر: رجب ۱۲۷۲، کاغذ: نخود، ۱۶۷گ، ۲۱/۳×۱۶ س. م. جلد: میشن خرمایی ضربی، واقف: سیّد محمد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم ۱۴۰۵.

۱۱۵

جنگ

(۱۶۲۲۴)

۱ . یک نسخه در ج۷، ص ۷۸۲ و یک نسخه در ج۹، ص ۳۳۳ و یک نسخه در ج۱۰، ص ۱۶۱ فهرست رضوی معرفی شده و این شرح بضمیمه«اسرار التوحید» تصحیح احمد بهمنیار و نیز در سال ۱۸۹۹ م. در پطرزبورگ بکوشش ژوکوفسکی چاپ شده است.

منتخباتی است از بوستان و غزلیات سعدی(ص ۱-۳۸) غزلیّات حافظ که افتادگی دارد(ص ۳۹-۶۴) و برگزیده‌ای از خمسه حکیم نظامی(مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و شرفنامه) (ص ۶۵-۱۰۷) در خاتمه منتخب اشعار تذکره آتشکده لطفعلی بیگ آذر و اشعار متفرقه دیگری باشد(ص ۱۰۷-۱۷۱).

آغاز: «بنام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین».

انجام: «گر بار دگر بر گلوی کشته نهد از شوق لبش زندگی از سر گیرد».

نستعلیق کتابتی آمیخته به شکسته چلیپائی، سه ستونه مختلف السطر، کاتب و جامع: میرزا اسماعیل بن ابوالقاسم یزدی، تاریخ کتابت: ذی الحجه ۱۲۸۹، کاغذ: شکری، عناوین به سرخی، جداول اوراق به لاجورد و سرخی، ۸۴گ، ۳۴/۳×۲۱ س. م. جلد: مقوّایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ۱۳۶۷.

۱۱۶

جنگ

(۱۲۶۹۳)

مشتمل است بر غزلیّات و قصایدی از شهاب، بیدل، خاقانی، با مطلع:

«صبح دم، چون کله بندد آه دودآسای من

چو شفق در خون نشیند چشم شب پیمای من».

و مطلع:

«در کام صبح از ناف شب مشکست عمدا ریخته

زرّین هزاران نرگسه بر سقف مینا ریخته».

سلمان ساوجی، ادیب صابر، آقا حسن استرابادی، قاآنی.

و در انتها ۱. مقداری از ترجمه الفیه ابن مالک ۲. انموذجی از علم انشاء از ابوالقاسم بن آقا میرزا مهدی غلام نویس که در یک مقدّمه و چهار فصل و یک خاتمه نوشته است، ضمیمه می‌باشد.

آغاز نسخه: «زرفشان سوی کمال آید ز عقرب آفتاب          باده باقی بنوش و طره ساقی بتاب».

انجام: «تمام شد کتاب انشاء بتاریخ شب یکشنبه... بمانند سالها این نظم و ترتیب ز ما هر ذرّه خاک افتاده جائی الحقیر و الفقیر... یونس».

نستعلیق و شکسته مختلف السطر، کاتب منشآت:ابوالقاسم بن آقا میرزا مهدی غلام یونس، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـ‍ق. کاغذ: شکری و حنایی، ۷۱گ، ۱۶/۳×۱۱ س. م. جلد: مقوّایی مستعمل، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۱۱۷

جنگ

(۱۲۹۱۲)

منتخبی است از غزلیّات و قطعات و رباعیات و فردیّات حافظ، هاتفی خرجردی، فردوسی، سعدی، طبیب، خیّام، سروش، قائم مقام و نیز رباعی ای به زبان ترکی، و منشآت قائم مقام از جمله: «کاغذی است که نوّاب محسن میرزا و میرآخور بسرکار عزیزخان مُکری سردار کل نوشته‌اند».

آغاز: «خبر از عشق ندارد که ندارد یاری          دل نخواهد که صیدش نکند دلداری».

انجام: «ما را ز فراق تو خِرَد هیچ نمانده است          این بی‌خردی‌ها همه معذور همی دار».

شکسته نستعلیق تحریری خوش مختلف السطر، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، کاغـذ: حنایی کمرنگ، ۱۴گ، ۱۷/۸×۱۱ س. م. جلد: میشن مشکی یک لا، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۱۱۸

جنگ

(۱۲۹۳۶)

مشتمل است بر نوحه‌ای از زبان حال امّ لیلا، و مثنوی مفصّلی از«آمدن حضرت حسین علیه السّلام از حرم محترم به جانب عراق و شرح حال پر ملال» تا«مراجعت فرنگی در صف کُفّار و مناظره با ابـن سعد نابکار و شهادت آن بزرگوار».

آغاز مثنوی: «بسمله، دارم از ناسازگاری زمان داستانی از جفای آسمان».

انجام مثنوی: «نیستم حالت که آرم بر ملا بیش از این داستان کربلا».

و ترکیب‌بندی از مضطر در سوگ امام حسین و اهل بیت علیهم السلام و شرح نسبةً مفصّلی از غـزل حافظ«دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند» و مختصری از عروض در تشـخیص بحـور در یـازده صفحه و در انتها صفحاتی در باب اصطلاحات عرفا و اهل محبّت و شرح بعضی ابیات غزلهای حافظ ضمیمه می‌باشد.

آغاز نسخه: «اکبر میا بهر خدا با کفن نزد مادر منما مشوّشم دیگر چون طرّه معنبر».

انجام نسخه: «حال آنکه خواجه با آن ادراک را کسی نبایست اشعارش را رد نماید و او را بد اعتقـاد بخواند والسلام».

نستعلیق مخلوط به شکسته ۱۷ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، «در پشت صفحه کتاب خط حیدرقلی کابلی مشهور به سردار کابلی و پسرش نور محمد دیده می‌شود»، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۱۴۸گ، ۱۸/۳×۱۰/۵ س. م. جلد: مقوا با عطف و گوشه تیماج، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۱۱۹

جنگ

(۱۳۵۷۳)

مشتمل است بر قصاید، قطعات، مثنویّات، مسمّط و غیره از جلال الممالک ایرج میرزا(عارفنامه)، ادیب الممالک قائم مقام فراهانی(قصیده صلحیه بلد و...)، میرزا محمود خان نعمت شیرازی، توحید پسر وصال شیرازی، محمّدعلی کرمانی، سید رحمن خان قائم مقامی، حاجی حسینقلیخان صدرالسّلطنه، اقبال الدّوله، عبدالحسین خان- ناصر السّلطنه، شریف الواعظین، عارف قزوینی، امیر اجلال خان نیّر همایون(مسمّط و افوریه)، یغما و غیره و در انتها حدود ۱۷ صفحه به نثر خاطرات محمّد صادق میرزای مغزّالدوله در خصوص اشغال آذربایجان بوسیله قشون تزاری روس که در آن زمان مامور و حاکم ارومیه و سلدوز بوده، ضمیمه است.

آغاز: «عارف نامه شاهزاده جلال الممالک ایرج میرزاست در خراسان گفته، شنیدم آنکه عارف جانم آمد».

انجام: «حالا هم که فصل بهاره کاری است برف مهلت نمی‌دهد، در امروز که سوم... است بعد را هم خدا عالم است که باز برف میاید یا خیر».

نستعلیق تحریری چلیپائی مختلف السطر، مؤلف و جامع و کاتب: محمّدصادق میرزای معـزل الدّولـه، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق. کاغذ: فرنگی مشقی، ۵۹گ، ۱۷/۲×۱۰/۶ س. م. جلد: مقوّایی، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۱۲۰

جنگ

(۱۳۶۹۱)

مشتمل است بر قصاید و مثنویّات و رباعیّات و قطعات، مسمّط، ترجیع بند و ترکیب‌بند و بحر طویل در نصایح و مصائب ائمه علیهم السلام و دیگر موضوعات از جمله، حدیث کساء، معجزه نخل خرما، رزم اسدالله الغالب علی بن ابی طالب(ع)، وقایع ده محرم و شـهادت امـام حسـین(ع) (مثنـوی مفصّـل) از شاعران متقدّم و متأخر، [طالب، فخار، احمد حاجی، صحاف، صاحب، ثابت(صابت)، کاتـب، صـبائی، محنتی، صائب، شمس تبریزی، حقیر، جدید، اعمی، ناصرالدّین شاه، شاطر، شـایق، حیـران، منصـور خاکسار، کفاش، واله، پروین، بیدل، ناصر، صهبای کاشانی، سعدی، باغبان، قصاب، یغما].

آغاز موجود: «یکی رمح خطّی بباز و چُه رامح      یکی تیغ هند حمایل چُه جوزا».

انجام: «چُه در فرات دهانِ حسین پر خونشد

دو چشم احمد مرسل چُه رود جیحون شد».

نستعلیق تحریری یازده سطری و چلیپائی، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی و حنایی، عناوین بعضاً به سرخی، ۴۹۲گ، ۱۴/۳×۹/۵ س. م.، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۱۲۱

جنگ

(۱۴۲۵۱)

مشتمل است بر قصاید عربی با شرح و ترجمه ترکی از بحر العلوم طباطبائی، آقا سیّد مهدی طباطبائی و... در زیارت حضرت قائم(عج)، فضیلت امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل عباس(ع) قصیده خواندن دعبل در مجلس امام رضا(ع) در احوالات حضرت عباس(ع) و بعضی نکته‌ها با این مطلع:

«سلامٌ علی العطشان عند فرات  هذا مصاب الذی جبرئیل خادمه».

غزل خطاب به فرات، وقایع عاشورا، مثنوی و رباعی در این موضوع، و همچنین رسالات دیگر در اخبار، غزوه صفین، فضیلت امیرالمومنین، شرح حدیث نبوی«حسین منّی و انا من حسین» بیان احوال اربعین و آنچه در آن روز اتفاق افتاده، حدیث جام بلور احمر و دیگر مسائل.

آغاز: «لایَقدِر العَین حق القدر من سببٍ  وَ اِن جَرَت حسین تجزی دَمعها الصَبَبُ».

انجام :«و زمزم سویو ندان دولدور وردی که حاجیلر ایجوند».

نسخ و نستعلیق مختلف السطر، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاغذ: نباتی، عناوین به شنگرف و سرخی، ۶۲گ، ۲۱/۲×۱۴ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی مستعمل، واقف: سید محمّدباقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۱۲۲

جنگ

(۱۴۴۷۴)

مقالات و اشعاری است به عربی و فارسی که عبارتند از: وقایع سال ششم تا نهم هجرت پیامبر(ص)، مختصری درباره تاریخ فلسفه غرب(امّهات اخلاق) فلسفه مصر، ایران و یونان، دوره سوم عصر بعد از ارسطو، فلسفه قُرون وسطی، مذهب اقتصادی(منتسکیو... آدام اسمیت)، شرح بسیاری مختصری از زندگی شیخ شهاب الدّین سهروردی، خواجه نصیر، فخرالدّین رازی، میرداماد، ملاصدرا، و اشعاری از شاه طاهر، امیدی طهرانی، نظام استرابادی، قطران، خواجه عصمت، حاجی میرزا حبیب الله، قوامی گنجوی، میرزا عبدالوهاب معتمد نشاط اصفهانی، عبرت سبزواری، ادیب نشابوری، سعدی، صفی علیشاه، فروغی، اوحدی مراغه‌ای، الهی قمشه‌ای، صفای اصفهانی، مدرّس یزدی، خاقانی، ارزقی، حسین خوارزمی، کلانتر شیرازی، رودکی سمرقندی، مسعود سعد سلمان، قصیده عربی حکمیه شیخ ناصیف الیازجی و قصیده صالح بن عبدالقدوس، صابر ترمذی، ناصر خسرو، شیخ احمد شیرازی، انوری، خدیوی، نعمهٔ الله ولی، برگزیده‌ای از اشعار اخلاقی و نصایح مثنوی مولوی، در انتها رساله‌ای به عربی از محمّدباقر بن ابیطالب العربشاهی الحسینی السبزواری در سرّ خروج الحسین الی الکوفه، شهادهٔ مسلم بن عقیل، و وجوب التسلیم و رسائل مختلف ضمیمه می‌باشد.

آغاز نسخه: «چون نکو بنگر که جهان چون شد      خیر و صلاح از جهان جهان چون شد».

انجام نسخه: «پس ما که از مرگ می‌ترسیم، مگر از خیال خود نگه اگر احساس حزن و اندوه».

نستعلیق تحریری مختلف السطر، کاتب و جامع: سید محمّدباقر مولوی عربشاهی سبزواری[1]، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاغذ: فرنگی مشقی بعضاً رطوبت رسیده، ۲۱۸گ، ۱۹×۱۲/۵ س. م. جلد: مشمع، واقف: جامع، تاریخ وقف: محرم الحرام ۱۴۰۵.

۱۲۳

جنگ

(۱۴۹۸۶)

مشتمل است بر مثنوی و قصیده و مسمّط و ترجیع بند و رباعیّاتی در مرثیه و نوحه و مصیبت و مدح ائمه اطهار علیهم السلام از صامت، راقم، شمس تبریزی، دهقان، فانی مقدّس، میرزا یحیی، حاجب، طاهر.

آغاز: «بسمله، سر دفتر کارها بود نام خدا».

انجام: «تشنه آخر داد و جان کربلا رویت سفید».

نستعلیق مختلف السطر بدخط و مغلوط، کاتب و جامع: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، کاغذ: خط دار فرنگی، ۶۰گ، ۱۹/۳×۱۵/۵ س. م. جلد: مقوّایی، اسقاطی، واقف: حاج میرزا علی اصغر طوسی، تاریخ وقف: اردیبهشت ماه ۱۳۶۴.

۱۲۴

جنگ

(۱۶۱۳۱)

---

۱ . در بخش آخر نسخه صفحه ۱۶ چنین نوشته است«مما سمعت من استادی من سید السند استادنا الملقب ببرهان الواعظین... باقر بن ابیطالب العربشاهی الحسینی رحمهٔ الله...».

مشتمل است بر قصاید و غزلیّات و فردیّاتی در مدح حسام السّلطنه سلطان مـراد میـرزا[1] و در نعـت حضرت رسول(ص)، و دیگر مسائل عرفانی و غیره، از مظهر(شاعر دوره قاجاریه) و مجمر.[2]

آغاز: «ندیدی کز فراز سرو آذریون و سیمنبر

یکی بر چهر و زلف و قامت معشوق من بنگر».

انجام: «ز بیم مدّعی بی مدّعا پا از سر کویت

کشیدم همچو مظهر خویشتن را دربدر کردم».

نستعلیق مخلوط با شکسته تحریری چلیپائی ۸ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، ۳۱گ، ۲۱×۱۳/۳ س. م. جلد: مقوّایی با عطف تیماج، واگذاری بنیاد مستضـعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۲۵

جنگ

(۱۶۳۲۳)

مشتمل است بر غزلیّات، مثنویّات، فردیّات و غیره از شاعران مختلف، تضمین غزلی از سعدی، حکایات پندآموز در قالب مثنوی، منتخب اشعار نسیم شمال، تضمین غزلی از شیخ بهایی و مطالبی در طلسمات و علوم غریبه در ۷ برگ.

آغاز: «بسمله، سرنامه بنام آن خداوند که دلها را بدلها کرده پیوند».

---

۱ . سلطان مراد میرزا حسام السلطنه پسر سیزدهم عباس میرزا نایب السّلطنه برادر معتمدالدوّله، فرهاد میرزا استاندار خراسـان و فـارس بـود و در سال ۱۳۰۰ فوت نمود.

۲ . با بررسی تذکره‌ها و اشعار مجمر اصفهانی و مظهر خوئی، مظهر دهلوی، همدانی، استرابادی اردستانی، اشعار نسـخه در آنهـا بدسـت نیامـد و عجالتاً ناشناخته ماندند.

انجام: «ما سیه گلیمان را جز بلا نمی‌شاید  بر تن بهائی نه هر بلا که توانی».

خط تحریری ۱۲ سطری، چلیپائی، کاتب: و جامع: عباس علی نعمت اللهی، تاریخ کتابت: ۱۳۱۴ هـ‌ش، کاغذ: مشقی خطدار، ۱۹۴گ، ۲۰/۸×۱۲ س. م. جلد: تیماج عنّابی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۲۶

جنگ

(۱۶۳۵۰)

مشتمل است بر غزلیّاتی از طلعت، زرگر اصفهانی، طوبی، فروغی، جامی، سعدی، حافظ، هاتف، حیدر، محیط، مجمر اصفهانی، صفی علیشاه، سنائی، سرخوش، قاآنی، ثمر، ذکاء الملک، وصال شیرازی، همای شیرازی، نشاط، عاشق اصفهانی، سروش، هلالی جغتائی، شمس مغربی، انوری، شیدا، نظامی، و مثنویات و رباعیّاتی که ناظمش معلوم نشده است و در انتها منشأتی در گله از معشوق و جواب احوال پرسی، و عدم ارسال مراسله معشوق، در جواب ملاطفت نامه معشوق، در فراموشکاری، اظهار اشتیاق، خدمت و دعوت معشوق، در مناجات از شداید عشق، در عرض ارادت خدمت معشوق، در مراجعت معشوق از سفر، در اظهار کمال اشتیاق خدمت معشوق و همچنین غزلیّاتی از مهدی منشی متخلّص به نیّر و ملّقب به دبیر خاقان ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «هو المحبوب و المطلوب، نمیرود ز سر گردر آورد غمم از پا

هوای شاهد شیرین و شور لعبت زیبا».

انجام: «امّا شما آنچه از راه رسم وفا فرمودید تمام ادعا بود و ادعا بعرف عرفا بیجا و صاحب ادعا هنگام امتحان روسیاه است قربانت».

نستعلیق ۱۲ سطری، کاتب و جامع: مهدی منشی متخلّص به نیّر و ملقب به دبیر خاقان، تاریخ کتابت: رمضان سنه ۱۳۲۲، کاغذ: آبی فرنگی، دارای سرلوح منقّش به اکلیل و لاجورد و شنگرف دارای کمند و جدول اوراق به اکلیل تحریردار، ۸۴گ، ۲۰/۷×۱۲/۵ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای یک لا، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۲۷

جنگ

(۱۶۵۴۹)

مشتمل است بر اشعاری(غزلیّات و قطعات)... در ذکر وقایع کربلا و مصیبت حضرت فاطمه علیها السلام، از سروش و غصّه و سبحانی و غیره و حکایاتی به صورت چلیپائی ناخوانا در انتها ضمیمه می-باشد که کاتب فهرست آنرا ذکر کرده است. و نیز قطعاتی به عربی در سوگ حضرت معصومه علیها السلام.

آغاز: «میرزا آقا خان نوری که بعد از میرزا تقی خان امیر نظام اعظم شد».

انجام: «بسر میزد گفتند چرا بسر میزنی گفت... است».

شکسته نستعلیق ناخوانا مختلف السطر، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. [در خاتمه کتاب مسطور است که: «تا حال که ۱۳۰۱ است ۱۳ سال ناصرالدّین شاه بتخت نشسته است».] کاغذ: آبی،

۳۱گ (اوراق نانوشته بین اشعار زیاد دارد)، ۱۹/۳×۱۳/۲ س. م. جلد: تیماج مشکی مندرس، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۱۲۸

جنگ

(۱۸۱۰۳)

مجموعه‌ای از اشعار فارسی و عربی که علی اکبر بن حسین افشار قوچانی در جمادی الاولی ۱۳۵۵ هـ‌ق. مطابق ۲۴ مرداد ماه ۱۳۱۵، جمع‌آوری نموده است بشرح زیر:

۱. در باب مناجات با باری تعالی و پند و موعظه و مراثی در سوگ فرزند و غیره، از حضرت علی(ع) و خواجه عبدالله انصاری، مقدّمه مخزن الاسرار نظامی، پندنامه گرشاسب منقول از شاهنامه، اشعاری از خاقانی در پند و نصیحت، غزلهایی از صفی علیشاه، قصیده معروف آئینه قاآنی، اشعاری از شاعران معاصرِ جامع مانند: مطیعی، شیخ الملک اورنگ، سید علی اکبر خان فتوحی(جزء کانون شعرا).

(ص ۱–۱۰۰).

آغاز: «بسمله، واضح بوده باشد که احدی از متقدّمین... در تفسیر«انّی جاعِلٌ فی الارض خلیفهٔ».

باملایک گفت پس پروردگار          در زمین سازم خلیفه برقرار».

انجام: «قوه‌های عقلی و روحی تمام          تا بصحبت در درودند و سلام».

شکسته نستعلیق مختلف السطر، تاریخ تحریر: ۱۳۵۴– ۱۳۵۵ هـ‌ق. کاتب: جامع(علی اکبر افشار) کاغذ: مشقی خطدار، ۱۳۳گ، ۲۰×۱۳ س. م. واقف: رمضان علی شاکری، تاریخ وقف: دی ماه ۱۳۷۰.

۱۲۹

جنگ

(۱۶۶۵۵)

مجموعه‌ای بی سر و ته، مشتمل است بر غزلیّات و مثنویّات(ساقی نامه)، رباعیّات و فردیّاتی از جلال الدین محمّد مولوی بلخی، فقیر دهلوی، حقیری گیلانی، فضل الله مشهدی، فیضی دکنی، فغانی شیرازی، قاسم تبریزی، قطایی خوارزمی، قادری هندوستانی، قیری بغدادی، قطب جامی، کمال خجندی، کوهی شیرازی، لطف الله نیشابوری، مجد الدّین بغدادی، محمّد غزالی، معین چشتی، مسعود بخارائی، مؤمن یزدی، مشقی دهلوی، مرشدی زواره، مغربی تبریزی، بیدل دهلوی، بینوای بدخشانی، بهائی عاملی، تشبیهی کاشانی، مولانا جمالی دهلوی، جمال اردستانی، حمید الدین ناگوری، حسینی هروی، حزین لاهیجی، خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، خلیل طالقانی، خیالی هروی، خاطری کاشانی، ذوقی اردستانی، رضی الدین نیشابوری، رفیعی نیشابوری، رضی غزنوی، روزبهان شیرازی، ارتیمای تویسرکانی، رامح هندوستانی، رفیقای یزدی، زرکوب تبریزی، زین الدّین تایبادی، سعد الدّین حموی، سیف الدّین باخرزی، سحابی استرابادی، سرمد کاشی، صباحی بیدگلی کاشانی، خاوری کوزه کنانی، خاکی شیرازی، راز شیرازی، رحمت کوزه کنانی، رضا علی شاه دکنی، رونق کرمانی، زاهد گیلانی، ساغر شیرازی، شهاب ترشیزی، شحنه خراسانی، صایبی کاشانی، صفایی نراقی، طبیب شیرازی، ظفر کرمانی، میانی جهرمی، علی کرمانی، عارف اصفهانی، غالب طهرانی، فخری ایروانی، فانی اصفهانی، قانع شیرازی، کامل خراسانی، کوثر همدانی، کوثر هندوستانی، محوی استرابادی، مظفر کرمانی، مجذوب همدانی، منوّر رازی، محجوب ترشیزی، معطّر کرمانی، مجمر اصفهانی، نشاط اصفهانی، منظور شیرازی، نادری کازرونی، نغمه خراسانی، نوری مازندرانی، نورعلی شاه، وصال شیرازی، وحدت هندوستانی،

بایزید بسطامی، شیخ ابوالحسن خرقانی، ابوسعید ابوالخیر، انصاری هروی، احمد جامی، اسیری لاهیجی، ابوالوفای خوارزمی، اسیری اصفهانی، ایزدی یزدی، ابراهیم اردوبادی، بوحفص خوزی، برهان کرمانی، بابا شاه عراقی، میرزا علی محمّد تویسرکانی متخلّص به عشرت، دوست خان عماد الدّین حسینی، قاسمی، بدیع الزمان، میرزا حبیب الله، حیدری، جامی، هاتفی خرجردی، ابن حسام، تاج الدّین اسماعیل، رهایی، علاء الدوله، یمینی، فرّخی، اقدسی، ثنائی، حزینی، دانش، سایر، صالحی، غزالی، ناطق اصفهانی، مدعی، صافی، امید، ثابت، ثبات، حزین، بیلقانی، فردوسی، حقیری، هلالی، وفایی، میرزا احمد اسلامی، آقا حسین، جاوید، میرزا احمد امامی تویسرکانی، لاهوتی، پسر اسلامی، محوی(از یکی از غزلیّات حافظ استقبال کرده است)، انوری، طالب، قمری، امیر همایون[اسفراینی]، خاقانی شروانی، میرزا نصرالله اصفهانی متخلّص به رضوان شاه، مجمر مازندرانی، مختوم نیشابوری، نجم الدین خوارزمی، ناظر کارزونی، وحشت بختیاری، واله داغستانی، وصفی کرمانی، هاشمی کرمانی، هندوی ترکستانی، یحیی نیشابوری، ابوعلی سینای بلخی، افضل کاشی، ابوسعید رقیق شیرازی، دوایی یزدی، انوری ابیوردی، بندار رازی، باقی تبریزی، بدیهی سجاوندی، جمال اصفهانی، حسین یزدی، حارثی مروی، حسن غزنوی، حسامی خوارزمی، حسین خوانساری، حسن دهلوی، حکیمی طبسی، خیّام، خلیفه سلطان مازندرانی، دوائی کازرونی، ذوقی کاشانی، رفیع الدین کرمانی، روحی سمرقندی، رضایی شیرازی، زکی شیرازی، زین الدین فسوی، شهاب الدّین سهروردی، شرف یزدی، شریف جرجانی، شمس شیرازی، شرف اصفهانی، شفایی اصفهانی، صدر شیرازی، صفی اصفهانی، طالب جرجامی، ظهیر فاریابی، غالب خوزی، فارسی خجندی، ملامحسن فیض کاشانی، فدایی لاهیجانی، فکری خراسانی، فیّاض لاهیجی، فتح الله شیرازی، فخر الدّین رازی، فتحی ترمذی، فانی دهدار، فیضی تربتی، قوامی، خافی، کمال

اصفهانی، کافری شیرازی، کامل خلخالی، لطفی شیرازی، معینی جامی، نصیرالدین طوسی، نوری شوشتری، نسیمی شیرازی، نظیری نیشابوری، واله بروجردی، واعظ قزوینی، واحد تبریزی، وقوعی سمنانی، همام تبریزی، هلالی جغتائی، یحیی لاهیجی، اگه شیرازی، اسرار سبزواری، اخگر کرمانی، آزاد کشمیری، ایاز عاشق، بسمل شیرازی، بهار دارایی، بهجت شیرازی، تمکین شیرازی، حسرت همدانی، حسن نهاوندی، خاک خراسانی.

و در انتهای نسخه، نامه دوستانه‌ای از شخص ناشناس با نثر زیبایی، ضمیمه می‌باشد.

آغاز موجود: «خبر کن آن طبیب عاشقان را　　که تا شربت دهد بیمار ما را».

انجام نسخه: «ظاهرش چون کور کافر پر خلل　　باطنش قهر خدای عزّوجل، السلام علی من اتبع الهدی».

نستعلیق تحریری آمیخته به شکسته مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـ.ق. کاتب و جامع: نامعلوم، کاغذ: الوان، ۱۳۷گ، ۱۹/۳×۱۲ س. م. جلد: پارچه‌ای مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در دی ماه ۱۳۶۷.

۱۳۰

جنگ[۱]

(۱۶۶۵۸)

مشتمل است بر غزلیّات و ترکیب بند و ترجیع بند و مخمّس و مسدّس، از شاعران دوره قاجار با تخلّص شاکرزاده و شاکری و باقر و لاهوتی در مذّمت دولتهای خارجی و دیگر مسائل سیاسی.

---

۱ . در شناسنامه به نام دیوان باقر و شاکرزاده ثبت شده است.

آغاز: «بسمله، از برم یار جدا گشت چسان خون نخورم

قسمتم خون شده از روز... چُون نخورم».

انجام: «دشمنانش همه را قسمت آلام آمد».

شکسته نستعلیق ۱۹ سطری و چلیپائی، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاتب: نامعلوم، در انتها چند برگی با مداد نوشته شده است کاغذ: شطرنجی، ۳۵گ، ۲۰/۲×۱۲/۸ س. م. خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۶۷.

۱۳۱

جنگ

(۲۳۰۱۸)

مجموعه‌ای است بیاضی به نظم و نثر، شامل اشعاری در مرثیه و لغز و رمل(منظوم) مراسله(منظوم) و اشعاری از جامی و غیره، در مصیبت امام جواد(ع)، و«دوازده بند» از آقا حسن تفتی یزدی به شیوه دوازده بند محتشم، نام جامع نسخه بدست نیامد.

بخط نسخ ناخوانا بطرز چلیپائی، ۱۰س، ۸گ، تاریخ تحریر: محرم الحرام ۱۲۳۸).

آغاز ترکیب بند: «باز این چه نغمه است کز این پرده گشت راست

بازاین چه نوحه که تا عرش کبریاست».

انجام: «باد افزون بقاتل او دمبدم عذاب چندانکه در مقابل رحمت بود عقاب».

* مختصر من عمل سامور الهندی در سه برگ منشات و ادعیه و دیباچه‌ای با نثر نسبةً زیبایی در توحید و فواید صلوات بر پیامبر و... (بخط نستعلیق تحریری، ۱۷ و ۱۸ س، ۱۱گ.)

آغاز دیباچه: «گرانبهاترین دُرّ شاهوار نیایش و ثنا و انفس نفایس خزاین...».

انجام: «از شفاعت شافعان یوم لاینفع مال و لابنون حظی و نصیبی داشته باشد».

* رساله ذهبیه فی الطب منسوب به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام(به عربی شکسته نستعلیق بطرز چلیپائی، ۵گ).

آغاز: بسمله، هذه الرساله الذهبیه فی الطب... فی حفظ صحهٔ المزاج و تدبیره بالاغذیه».

انجام: «من کل دآء و صح جسمه بحول الله و قوته... و العاقبهٔ للمتقین».

* فصلی فی بیان کیفیهٔ الاستخراج من الجفر الجامع و النور اللامع.

آغاز نسخه: «ای صبا درد من خسته بدرمان برسان آستان بوس درویش بسلطان برسان».

انجام نسخه: «مائیم و دلی ویران و آن نیز کسی دارد».

مختلف الخط، مختلف السطور، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـ‌ق. کاتب و جامع: نامعلوم، کاغذ: نخودی فرنگی آهار مهره، ۸۹گ، ۲۱×۱۲ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای یک لایه مستعمل، واقف: مرحوم آیت اللهی شیرازی در اسفندماه ۱۳۷۴.

۱۳۲

جنگ

(۲۳۸۷۹)

مجموعه اشعاری است مشتمل بر ترکیب بند و قصیده و مثنوی در سوگ و مراثی ابا عبدالله الحسین و یاران باوفایش در روز عاشورا و نیز در مدح امام هشتم و حضرت فاطمهٔ زهراء علیهم السلام از یغمای جندقی، میرزا علی اصغر قمری المکلائی، مطهر، سنایی، محمد... که تضمینی از شعر وصال شیرازی

است، ترکیب بندی از شاعری با تخلّص«تاراج»، اشعاری از محمّد بن ابوالحسن روضه خوان(کاتب نسخه)، ترکیب بندی در ۶۰ بند از میرزا محمّدعلی خان سروش اصفهانی.

آغاز: «بسمله، شوری عجب پدید ازین چرخ اخضرست

نه کاخ هفت مشعله را حال دیگر است».

انجام: «شخصٌ ثوی بسناباد مرموسٌ».

نستعلیق تحریری مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۳۱۸– ۱۳۲۲ هـق. کاتب: محمّد علی بن ابوالحسن روضه خوان اشرفی، کاغذ: نخودی روسی، ۱۲۸گ، ۱۷×۱۰/۷، جلد: تیماج، وقف کتابخانه رضوی توسط حاج آقای الهی خراسانی.

۱۳۳

جنگ اشعار

(۲۳۶۵۸)

منتخبی اس از قصاید، غزلّیات، ترجیع بند، رباعیّات، مسدّس، قطعا و... از شاعران سده پنجم تا سیزده هجری(اوحدی مراغه‌ای، حکیم سنایی، انوری، سیّد محمّد غزنوی، ابوتراب بیگ، قاضی نور، حکیم ابوطالب، شیخ عطّار، بسطامی، حسین بیگ، هلاکی همدانی، ادیب صابر، طالب، عرفی، لسانی، مجد همگر، جامی، شفاهی، شیخ ابوسعید ابوالخیر، خیّام، والهی، شوقی، ولی، نوعی، ذوقی، خان احمد، محوی، حافظ، خسرو، شیخ آذری، فهمی، میرزا حافی، میرزا نظام، فغانی، رضا و...) نام جامع بدست نیامد.

آغاز :«سکان صبح نفس را گره تواند زد».

انجام: «مرا دیدار باید بود با روی غیر».

نستعلیق مخلوط به شکسته ناخوانا و بدون نقطه، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی آهار مهره، رطوبت رسیده و بعضاً شکننده، تعداد اوراق: یک برگ در قطع طوماری(از چهار قسمت جدا شده است)، اندازه ورق: ۱۷۲۳/۵×۱۶ س. م. اندازه نوشته: ۱۷۲۳/۵×۱۰/۵ س. م. درون محفظه فلزی، از اوراق بازیافته.

۱۳۴

جنگ اشعار سینه زنی

(۱۸۵۰۲)

(ترکی)

مجموعه‌ای است از اشعار ترکی در قطع بیاضی و در قالب رباعی و قصاید از شاعرانی با تخلّص دل ریش، دخیل، راجی، در وقایع کربلا، شهادت علی اصغر، حضرت علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و غیره و همچنین شامل اشعاری در مصیبت درگذشت علمای معاصر شاعر با عناوین«سینه زنی فاضل دربندی، سینه‌زنی در مصیبت مجتهد مرحوم فی غره شهر رجب ۱۲۸۵» می‌باشد.

آغاز موجود: «ال قان یا خدّام سن کیمی».

انجام: «ختم قیلسون پیغمبر و صلوات».

نستعلیق تحریری بطرز چلیپائی، مختلف السطر، تاریخ تحریر: ۱۲۸۶ق (ممکن است مربوط به بخشی از اشعار باشد) کاتب: عبدالحسین، کاغذ: حنایی فرنگی رطوبت دیده و موریانه خورده، ۱۱۰گ، ۲۱×۱۱س. م. جلد: اسقاطی، واقف: علی رضا شاهی در خردادماه ۱۳۷۲.

جنگ نظم و نثر

(۱۸۵۰۱)

نسخه ناقص الاول، شامل ساقی نامه، هفت غزل و منشاتی(سه مراسله و یک جواب) از معتمدالدولـه میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی در گذشته ۱۲۴۴ هـق. و اشعاری به ترکی در مرثیه اهلبیت علـیهم السلام به شیوه شبیه خوانی با عناوین زیر:

«خطاب مادر به علی اکبر» «خطاب جناب علی اکبر به مادر»، «خطاب ام لیلا به جناب زینب» و...

نامه نوشتن جناب فاطمه صغرا به سید الشهداء، ترکیب بندی در ۵ بند به فارسی از میرزا کلب حسین شیروانی درسوگ عاشورای حسینی(ع).

آغاز ترکیب‌بند: «ایسرو بوستان شه انبیاء حسین

وی نوگل حدیقه شیر خدا حسین».

انجام: «ای کره جان بامّت عاصی فدا حسین

وی غرقه خون فتاده بدست جفا حسین».

آغاز موجود نسخه: «وز آن پس سر راه عشاق گیر

بزن گوشه زان به آهنگ زیر».

انجام: «منی اولدورور درد هجران غم اوغلی تمام شد».

نسخ و نستعلیق خوش مختلف السطر بطرز چلیپا، تاریخ تحریر: ۱۲۷۴ هــق. کاغذ: شکری فرنگـی آهار مهره(ورق اوّل آسیب دیده) کاتب: نامعلوم، ۴۶گ، ۲۱×۹/۵، واقف علی رضا شاهی در خرداد ماه ۱۳۷۲.

۱۳۶

جواب علمای ماوراءالنهر(به نامه علمای مشهد)[۱]

(۱۳۲۳۲)

در سال ۹۹۷ هجری که عبدالله خان ازبک در حوالی مشهد به غارت مشغول بود برای جلوگیری از آن، صلحا و اتقیای مشهد نامه پندآمیزی به او نوشتند و علما و فضلای وزبک نیز جواب دادند و مولانـا محمد مشکّک رستمداری نیز جوابی در جواب آنها فرستاد که این نسخه شامل دو نامه اخیر می‌باشد. در انتها شرح مختصری درباره بلاد: تون، سبزوار، نیشابور، مشهد، سیستان، کشمیر، تبّت ضمیمه می-باشد.

آغاز موجود[۲]: «از ازواج طاهرات رضوان الله علیهم اجمعین که کفر است تجویز کنند».

انجام نسخه: «مشک و بلور و طلا از آنجا می‌آورند و الله اعلم بحقیقت الحال».

نستعلیق خوش ۱۲ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۱ هــق، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به شنگرف و لاجورد و زردی، ۲۱گ، ۱۸/۷×۱۱/۶ س. م. جلد: تیماج قهوه-ای مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۱۳۷

---

۱ . این نامه‌ها در مطلع الشّمس تألیف اعتماد السّلطنه، ص۲۹۹، ذیل«تواریخ متعلقه به مشهد مقّدس آمده است.

۲ . صفحه اوّل نسخه ساقط شده و نونویسی شده است.

## جهانگیرنامه[1]

(۱۶۷۷۷)

منظومه‌ای است حماسی تاریخی و دینی در بحر تقارب به روش«شاهنامه» فردوسی، که ناظمِ آن قاسم متخلّص به مادح[2] از مردم هرات می‌باشد.

موضوعِ آن داستان قهرمانی جهانگیر، زاده رستم است که از دخترِ مسیحای عابد، زاده می‌شود و همانند سهراب، پدر را نشناخته با او درگیر می‌گردد و... .

ابتدا و انتهای نسخه افتادگی از نجاتِ آزادمهر و دیگران و مسلمان شدن آنها و جنگ رستم با جمهور شاه مغرب، آغاز شده و بدین ترتیب ادامه پیدا می‌کند: رفتن رستم از دختـر مسـیحای عابـد، آمـدن جهانگیر به دربار افراسیاب، جنگ جهانگیر با گیو گودرز، با بیژن گیو، طوس نوذر، فرامرز، نامه نوشتن داراب شاه به آزاد... جنگ جهانگیر با رستم.

و اینک نمونه‌ای از نظم آن:

«درختی کهن بود در رزمگاه      که دیده ز دوران بسی سال ماه

بدانست کان نسل پیوند اوست      بتحقیق فرزند دلبند اوست

دلاور چو آواز رستم شنید      بجان و بدل مهر ویرا گزید

..................................      ......................................

دلیران ایران پر از غم شدند      در اندیشه کار رستم شدند».

---

۱ . دو نسخه از مثنوی«جهانگیرنامه» که تأکید نموده به روش شاهنامه نوشته است، نـاظم آن نـامعلوم اسـت و در کتابخانـه سـلطنتی کپنهـاک و پاریس می‌باشد. به نقل از فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۴، ص۲۷۵۲.

۲ . رجوع شود به حماسه سرایی در ایران، صص ۳۲۴-۳۳۵.

آغاز موجود: «که از کار جادو چه آید بسر          به پیش آید او را در این کوه سر».

انجام موجود: «قسم یاد کردم بلات سترگ          که او هست ما را خدای بزرگ».

نستعلیق ۱۶ سطری، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـــق، کاغـذ: نخـودی و آبـی، ۱۰۶گ، ۱۵×۲۱/۷ س. م. جلد: اسقاطی، واقف: نامعلوم، تاریخ وقف: اسفندماه ۱۳۶۷.

۱۳۸

جهانگیرنامه

(۱۵۵۳۵)

مانند نسخه پیش امّا اوراق بیشتری از آن ساقط شده است.

آغاز موجود: «که باهم بگردیم در دشت کین          که جز مرگ نبود سرانجام این».

انجام موجود: «از آن پیش کو دست یازد بجنگ     بنزدیک او رفت آنشیر جنگ.

نستعلیق تحریری ۲۰ سطری، چهار ستونه، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت :اواخر سده ۱۳ و اوایل سده ۱۴ هـق.، کاغذ: حنایی کمرنگ رطوبت رسیده، ۲۰گ، ۲۰/۵×۳۱/۲ س. م. جلد: مقوایی با عطف و گوشه تیماج دارچینی، خریداری آستان قدس رضوی در آبان ماه ۱۳۶۶.

۱۳۹

چهار چشمان[1]

(۱۶۰۵۸)

۱ . این رساله در«از صبا تا نیما» ج۱، ص۳۲۰، به نام«فرقه کج بینان» نام گذاری شده است.

رساله‌ای است از میرزا ملکم خان ملّقب به ناظم الملک یا نـاظم الدوّلـه یـا پـرنس(۱۲۴۹- ۱۳۲۶ هــق.)[1]در انتقاد از نویسندگان و شعرا و فلاسفه در بکار بردن لغات عربـی و مغلـق گـویی و غیـره، قسمتی از این رساله را نقل می‌کنیم: «چرا باین حد در تضییع اوقات خود و در انزجار خاطر دیگران مبالغه مینمائید شما مگر دشمن وقت هستید تا کی خیال انسانی را بالفاظ بی‌معنی منعقد می‌سازید مردم چه قدر زجر بکشند تا بفهمند چه نوع جفنگ خواسته‌اید بگویید؟».

آغاز: «بعد از آنکه از منزل مفسده بیرون آمدیم، رفیقم مرا با بُرد میان چند فرقه غریبه که همه از طایفه کج بینان بودند».

انجام: «سواریرا دیدم که باضطراب تمام مرکبش را بسمت شمال می‌راند».

نستعلیق ۱۲ سطری، کاتب: نامعلوم، جهت ناصرالملک در تفلیس استنساخ شده است، تاریخ کتابـت: سوم شعبان ۱۲۸۰، کاغذ: نباتی، ۱۷گ، ۲۱/۳×۱۴/۵ س. م. جلد: پارچه‌ای ضربی مشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۴۰

چهار مقاله[2]

(۸۹۲۸)

«چهار مقاله» یا«مجمع النوادر» از احمد بن عمر نظامی عروضی سمرقندی(سده ۶ هــق.) که بارهـا چاپ شده است. و بهترین آن تصحیح علامه محمّد قزوینی می‌باشد.

آغاز: «بسمله، حمد و شکر و سپاس مر آن پادشاهی را که عالم عود و معاد را...».

---

۱ . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به شرح حال رجال ایران، ج۴، ص۱۵۴-۱۳۹.

۲ . چهار نسخه، در ج۷، ص ۳۰۱-۳۰۲ فهرست رضوی معرفی شده است.

انجام: «ببقاء هر دو شاه جاودان باد».

نستعلیق خوش ۱۶سطری، تاریخ کتابت: رمضان المبارک ۱۳۰۰، کاتب: احمدعلی بن حاج میرزا محمّد الشهیر به حکیم باشی، کاغذ: نباتی، صفحه اوّل دارای سرلوح و کتیبه و حاشیه منقّش به اکلیل و لاجورد و سرخی، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد و دارای کمند تحریردار، جلد: تیماج ماشی جدول‌بندی و گلبرگ روی جلد به اکلیل، ۴۶گ، ۲۵/۴×۱۵ س. م. واقف: علی اصغر حکمت، تاریخ وقف: مهرماه ۱۳۴۰.

۱۴۱

چهار مقاله

(۱۵۶۷۱)

کتابی است درباره حروف و قواعد مربوط به آن از همه لحاظ که در چهار مقاله تنظیم گردیده است ولی از نسخه ما مقاله اوّل و مقداری از مقاله دوم آن ساقط شده است و به همین دلیل نام حقیقی و مؤلف آن شناخته نشد.

و مطالب این نسخه بشرح زیر است :

مقاله دوم: اقسام الفبار را شرح داده و از اقسام«ب» شروع می‌شود.

مقاله سوّم: در متعلقات زبان عربی و شامل سه باب است. ۱. در معانی حروف الفباء و مقطعات قرآن و معنی ابجد منقول از احادیث اهل بیت علیهم السلام. ۲. در املاء چون قواعد و اموری که در این باب مدخل دارد بعضی متعلق به حروف و بعضی متعلق به کلمات است بنابراین این باب شامل دو فصل شده، فصل اوّل در متعلقات حروف و فصل ثانی در متعلقات کلمات می‌باشد.

۳. در قواعد سخنوری، آنچه در این باب ذکر می‌شود به دستور سایر ابواب در ذیل حروف الفبـا بـه ترتیب مذکور نوشته می‌شود.

مقاله چهارم؛ درباره خط می‌باشد که آن حاوی فاتحه و چند باب و خاتمه است. فاتحه در تعریف خط است. باب اوّل؛ در چگونگی خلقت قلم و مداد و لوح. باب دوّم؛ در ظهور خط، باب سوّم؛ در اسباب خط و آن هشت فصل می‌شود. ۱. در قلم و انواع آن، ۲. در وضع و ترکیب قلمتراش، شـناختن تیـغ قلمتراش، ۳. در قط زدن، ۴. در مداد، ۵. دوات، ۶. کاغذ، ۷. زیر مشق، ۸. درمقراض، و طریق مقراض کردن کاغذ.

باب چهارم؛ در اقسام خط، که شامل شش فصل است:

۱. در پیدا شدن خطوط ستّه، ۲. در سطح و دَور خطوط ستّه، ۳. در ذکر اسامی استادان خطوط ستّه، ۴. در ظهور خط تعلیق، ۵. در اسامی خوشنویسان تعلیق ۶. در مورد خط نستعلیق و استادان آن که بـه میرعماد ختم می‌شود.

باب پنجم: در تراشیدن قلم هر خط و کیفیت گرفتن و به کاغذ نهادن.

باب ششم؛ در آداب تعلیم مشق و کتابت و زمان آن.

باب هفتم؛ در ترکیب و کرسی و سایر اموری که کاتب را رعایت آن ضرور است.

باب هشتم؛ در اصلاح خط.

باب نهم؛ در آنچه کاتب را از آن پرهیز باید کرد.

آغاز موجود: «بدل از بای ابجد آورند چون ایله که اصل آن بیله».

انجام نسخه: «هر روز یک هلیله خورد که فی الجمله جبران کند تمام شد کتاب...».

نستعلیق ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۰۲ هـ‍ق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی آهار مهره، عناوین به سرخی، ۹۶گ، ۱۵/۲×۹ س. م. جلد: مشمّع مشکی، واقف: رحیم انصاری، تاریخ وقف اسفندماه ۱۳۶۶.

۱۴۲

حدائق السحر فی دقایق الشعر[۱]

(۱۳۳۸۳)

کتابی است در علم بدیع و صنایع شعری، به معارضه کتاب«ترجمان البلاغه» رادویانی، از رشیدالدین محمّد بن محمّد بن عبدالجلیل العمری البلخی معروف به رشید و طواط(- ۵۷۳ هـ‍ق.) که بارها چاپ شده است.

آغاز: «بسمله، و به نستعین، الحمدلله علی ما افاض علینا... چنین گوید مؤلف این کتاب خواجه امام الرشید الدین و طواط...».

انجام: «و من بلفظ فرّخی این کتاب را تمام کردم...». (ص ۷۶-۱۴۶)

این نسخه مصدر است به دو کتاب بشرح زیر:

۱. معلّقات سبع. (ص ۲-۶۴)

۲. شرح قصیده بُرده(ناتمام) (ص ۷۰-۷۵)

---

۱ . سه نسخه در ج۷، صص ۳۰۳ و ۷۶۹ در ج۹، ص ۱۱۰ فهرست رضوی معرفی شده است.

متن نستعلیق، آیات و شواهد به نسخ، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ و اوایل ۱۴ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری و حنایی، عناوین به سرخی، ۷۴گ، ۲۰/۸×۱۵ س. م. جلد: تیماج دارچینی یک لا، واقفی: حاج میرزا اسدالله فاضلی موسوی سبزواری، تاریخ وقف: ۱۳۶۲ ش.

۱۴۳

حدائق السحر فی دقایق الشعر

(۱۷۷۹۶)

آغاز و انجام: مانند پیش. (ص ۲–۵۸)

این نسخه مذیّل است به:

۱. عروض منظوم در دو برگ

آغاز: «بحر هزج مثمن سالم مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن، زهی بافرّ یزدانی زهی فرزند پیغمبر».
انجام: «بحر مجتث مخبون... ستان بتره زلفت مدام مشک فشان، تمت بالخیر محمّد بن محمّد کاظم بهبهانی در.... ۱۲۶۴ منظومه رشید و طواط». (ص ۵۸–۶۰)

۲. شرح مشکلات دیوان انوری.[1]

نسخ کامل بوده و شامل دو بخش قصاید و قطعات و مقدّمه‌ای که بر هر دو بخش نوشته شده است از میرزا ابوالحسن حسینی فراهانی شاعر و دانشمند سده یازده قمری، که این کتاب به تصحیح مدرس رضوی و با شرح حال مبسوط مؤلف و آثارش به چاپ رسیده[2] است.

آغاز: «بسمله، سپاسی که از روی گواهی خود بر ذمه خانه واده امکان لازم است انست که».

---

۱. دو نسخه در ج۳، ص ۱۷۷ و ۱۸۰ و سه نسخه در ج۷، صص ۶۳۲–۶۳۴ و یک نسخه در ج۹، ص ۱۹۶ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲. شرح مشکلات دیوان انوری از ابوالحسن حسینی فراهانی، تصحیح مدرّس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ ش.

انجام: «فرخی شاعریست معروف از ولایت سیستان تمام شد». (ص ۶۰-۲۶۰)

نستعلیق ۲۰ سطری، تاریخ کتابت: حدائق السحر و عروض منظوم: غرّه شهر شعبان ۱۲۶۴، شرح مشکلات: شهر جمادی الاولی ۱۲۶۵، کاتب: محمّد بن محمّد کاظم بهبهانی، کاغذ: حنایی موریانه خورده، عناوین به شنگرف، ۱۳۰گ، ۲۱/۷×۱۳/۲ س. م. جلد: تیماج مستعمل، واقف: سازمان حج و اوقاف و امور خیریه موقوفه آل عصفور، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۶۹.

۱۴۴

حدائق السحر فی دقایق الشعر

(۹۷۰۱)

آغاز و انجام: مانند پیش.

نستعلیق آمیخته به شکسته خوش، ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ربیع الاخر ۱۲۸۳، کاتب: نامعلوم، کاغذ: الوان، کمند و جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، ۳۹گ، ۱۹/۹×۱۲/۵ س. م.(صفحات بهم چسبیده‌اند که بعضی از آنها در حین جدا شدن باعث از بین رفتن خطوط شده است). (ص ۲-۷۸)
نسخه مذیّل است به «حصت و مرض» از فضولی بغدادی مکرّر و مذکور در همین فهرست. (ص ۸۰-۱۰۷)

نستعلیق ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: جمادی الاولی ۱۲۹۴، کاتب: محمّد صادق بن حاج آقا میرزا ایروانی، کاغذ: حنایی، ۱۵گ، جلد: مقوّایی با عطف پارچه، واقف: خانبابا مشار، تاریخ وقف: اردیبهشت ماه ۱۳۴۶.

۱۴۵

حدائق السحر فی دقایق الشعر

(۱۳۵۸۳)

از ابتدای این نسخه یک صفحه افتاده است.

آغاز موجود: «علاء الدنیا و الدّین اتسز بن محمّد معین اعزالله انصاره و ضاعف اقتداره که در ایام دولت...».

انجام: «و در پارسی فرّخی را و بلفظ فرّخ این کتاب تمام شد».

نستعلیق خوش جلی ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: جمعه بیست و نهم ربیع الاول ۱۳۰۲، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، ۴۷گ، ۲۱×۱۶ س. م. جلد: مقوّایی با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۱۴۶

حدائق السحر فی دقایق الشعر

(۱۶۴۲۵)

آغاز و انجام: مانند پیش.

متن نستعلیق، آیات و شواهد و عناوین به نسخ، ۱۴ سطری(در حواشی بعضی اوراق، معانی لغات نوشته شده است)، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم که به نام میرزا رضی الدّین به اتمام رسانده است. عناوین به سرخی، کاغذ: حنایی، ۴۰گ، ۲۰/۷×۱۴ س. م. جلد: تیماج یک لایه خرمایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۴۷

حدیقة الحقیقه

(۱۶۴۰۶)

نسخه‌ای است کامل با مقدمه«محمدعلی الرّقا[1]» جامع حدیقه، مقدّمه ناتمام مانده و در انتهای مقدّمه آمده است: «این دیباچه مجدود بن آدم السنائی الغزنوی رحمت الله علیه املا کرد و امیر سیّد ابوالفتح فضل الله بن طاهر الحسینی بنوشت و او در تب بود که املا کرد و از بامداد روز یکشنبه یازدهم ماه شعبان سال بر پانصد و بیست و پنج».

و همچنین در انتهای نسخه، نامه شانزدهم از مکاتیب سنایی[2]در دو صفحه با عنوان«صفت فصل بر رای سلطان عرض کردند» ضمیمه است و چنین شروع می‌شود: «این فصلی است که بر سلطان اعظم پادشاه معظم... بهرام شاه بن مسعود... نوشته است در معنی انکه مشتی فقیه شکل دانشومند مانند از سر جهل و نادانی در سخن وی طعنی زده بودند... نامه اینست الحمدلله رب العالمین... در بعضی آثار است که دو چیز در عمر بیفزاید و در زندگانی زیادت کند...».

آغاز: «بسمله، الحمدلله الخبیر بخفیات الضمایر الحکیم».

انجام نسخه: «بقای مملکت و شادی روان مصطفی صلوات الله علیه است از جمله انبیاء و اولیاء و اصفیا صلوات الله علیهم و الحمدالله رب العالمین...».

نسخ خوش مقدّمه ۱۴ و متن ۲۰ سطری چهار ستونه، تاریخ کتابت: ربیع الثانی سنه ۱۲۷۹، کاتب: اسماعیل بن حسن دزفولی، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، جداول اوراق به نقره و لاجورد و سرخی، ۱۳۵گ، ۳۰×۱۹/۷ س. م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

---

۱ . «محمد بن علی الرّقا» شاید با توجه به شکلهای مختلف(الرفا و...) آمده، صحیح‌تر باشد رجوع شود به تاریخ ادبیات صفا، ج۲، ص۵۵۶.

۲. رجوع شود به مکاتیب سنایی، ص۱۱۷، تصحیح و حواشی نذیر احمد، کتاب فرزان، ۱۳۶۲.

۱۴۸

حدیقة الحقیقه

(۱۶۴۰۶)

نسخه‌ای است کامل با مقدّمه محمّد بن علی الرقا، و در انتها یک صفحه تمهیدی از محمّد حسین بن حاجی محمّد مهدی کاشانی و نیز قطعه‌ای از مولانا غزالی مشهدی در مدح سنایی ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «مانند پیش».

انجام: «مطیع را بدعای خیر باد و شاد فرمایند الحمدلله... اتبع الهدی خیر ختام».

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: شهر شعبان المعظّم ۱۳۱۳، کاتب: اسمعیل بن میرزا عنایت‌الله، کاغذ: حنایی کمرنگ، عناوین به سرخی، ۳۵۹گ، ۲۱/۲×۱۵ س. م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۴۹

حدیقة الحقیقه[۱]

(۷۸۸۴)

نسخه کامل امّا بدون مقدّمه می‌باشد.

آغاز: «بسمله، ای درون پرور برون آرای».

انجام: «از رهی باد بر محمّد و آل».

۱. شش نسخه در ج۷، ص ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۷۵۹ و سه نسخه در ج۹، ص ۱۲–۱۱۱ و ۳۰۲ فهرست رضوی معرفی شده است. و این نسخه منضم به شماره‌های ۷۸۸۱ و ۷۸۸۲ و ۷۸۸۳ می‌باشد.

نسخ ۲۹ سطری، تاریخ کتابت: صفر المظّفر ۱۰۳۴، کاتب: ابراهیم بن حسن، کاغذ: الوان آهار مهـره، عناوین به شنگرف، ۱۶۷گ، ۱۶×۲۸/۸ س. م. جلد: تیماج خرمایی ضربی لایی، خریداری آسـتان قدس در مهرماه ۱۳۲۹.

۱۵۰

حسن و دل[۱]

(۱۶۵۵۵)

داستانی است از مولانا یحیی سبک فتّاحی نیشابوری از شاعران و نویسندگان سده ۹ هجری کـه در اصل خلاصه مثنوی«دستور عشّاق» (قصه شاهزاده حسن و شاهزاده دل)[۲] وی می‌باشد. مؤلّف آن را به نام«حسن و دل» به نثری مسجّع تحریر کرده است. این کتاب به چند زبان ترجمه و تهذیب شده است و نسخه‌های زیادی از آن در کتابخانه‌های ایران و خارج می‌باشد.[۳]

برای آشنایی با موضوع و نمونه نثر، قسمتی از آن را ذکر می‌کنیم: «اما بعد چنین گوید که مخترع این حکایت و مبتدع این روایت که در شهر یونان پادشاهی بود او را عقل نام و تمام دیار مغرب مسخّر و منقاد احکام او بودند... آخر خدای تعالی پسری دلفروزش داد... او را دل نهاد... عقل را حصاری بود در غایت استحکام آن را قلعه بدن نام نهاد و دل را در آن قلعه بپادشاهی نشان و در ان قطعه قصـری بود که آنرا گنبد دماغ گفتند آن را معبد و جای خلوت خود ساخت...».

---

۱ . نام‌های دیگر این داستان«عقل و سلطنت» و«افسانه و عقل» می‌باشد و به علت افتادگی و ناقص الاول بودن مـؤلّفش را تشـخیص نـداده بودنـد که با جستجوی و تحقیق بدست آمد.

۲ . منظومه«دستور عشاق» در ۱۹۲۶ م. به اهتمام ر. س. گرین شیلدز در برلن چاپ شده است.

۳ . برای اطّلاع بیشتر رجوع شود به: تاریخ ادبیات، صفا، ج۴، ص۴۵۹ و ریحانـۀ الادب، ج۳، ص۱۰۷ و فهرسـت نسـخه‌هـای خطـی، فارسـی، منزوی ج۵، ص۳۶۷۶.

آغاز موجود: «و درود بی‌پایان نثار درگاه چیست که وهم و خیال و اصلان بارگاه که نظربازان مشاهده حقند».

انجام موجود: «آن چه باشد نفس گفت دیر نیست چیزی را دیده‌ام مرا باو ملاقات».

(ص ۱-۴۶)

این نسخه مذیّل است به دو رساله بشرح زیر:

۱. رساله‌ای در عرفان، ناقص، مؤلّف آن شناخته نشد.

آغاز موجود: «لاجرم پس راتست(کذ) است چون نمی‌بینند غیری جز مجاز، جملـه زو شـنوند و زو گویند باز».

انجام موجود: «بر باد شد رفتار من گشتم خجل چون منکسر».

۲. مناجات خواجه عبدالله انصاری(۳۹۶-۴۸۱ هـق.)

آغاز: «بسمله، ای ز دردت بیدلانرا بوی درمان آمده».

انجام: «تا بر تن و مال خود بلرزی حقّا که بحبه نیرزی».

نسخ ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۱ هـق. کاتب: محمّد حسین، کاغذ: الوان رطوبت رسیده، ۴۷گ، ۱۷×۱۱/۳ س.م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۵۱

حکایت منظوم گرگ و برّه و سگ و گربه

(۱۸۱۰۲)

مثنویی است تمثیلی در بحر تقارب از سیّد حسن صاحب الزمانی فرزند سیّد جعفر یزدی معروف بـه ارگی(۱۲۴۷– ۱۳۱۵ ش.) در پند و موعظه و نصیحت به گونه داستان در داستان که ناظم در انتها می-گوید:

«که افسانه بود آن حکایت همه		نه سگ بود و گربه نه آن دمدمه

ولی بود در آن بسی پند چند		تو آن پندها را همه کار بند».

و نیز در پایان داستان، رضا پهلوی را به خاطر برقراری امنیّت با سرکوبی کردها، بلـوچ‌هـا و میـرزا کوچک و شیخ خزعل، در قالب نظم مورد تحسین قرار داده است.

نسخه ما در واقع چهار تحریر از ناظم می‌باشد که اوّل و دوم کاملتر و دو تحریر دیگر ناقص است و در هر تحریر تغییرات و اصلاحی صورت پذیرفته است.

آغاز تحریر اوّل: «بسمله، اروپای امروزه چه میگوید، حکایت اوّل، گفتار سگ به گربه که از بام فرود آی و با من دوستی گزین...

حکایت شیرین و اندرز چند		بگویم که گیری از آنها تو پند».

انجام: «شب و روز باشند در کار پاس		که پاس است آسودگی را اساس».

آغاز تحریر دوم[1]: «یکی مرد را گربه‌ای بد سمین		سگی کرده او را هماره کمین».

انجام تحریر دوم[2]: «تو چون پهلوی تکیه بر خویش کن		ره پاک بیگانه و خویش کن».

آغاز تحریر سوم: «دهد لقمه‌ای گر مرا از تو بیش		دلت گردد از غصه و رنج ریش».

انجام تحریر سوّم: طلسم است قلعه جهان سربسر		که پیدا در آن نیست دیوار و در».

---

۱ . به ابتدای مثنوی نسبت به تحریر اوّل ۲۰ بیت افزوده شده است.

۲ . تحریر دوم نسبت به تحریر اوّل ۵۴ بیت بیشتر دارد.

آغاز تحریر چهارم: «بسمله، حکایت اوّل، گفتار سگ بگربه که از بام فرودآ...».

یکی مرد را گربه‌ای بد سمین                سگی کرده او را همارە کمین».

انجام تحریر چهارم: شود زان دلت شاد و یابی خوش‌خرد که ترا هست اهل هش».

نستعلیق تحریری، مختلف السطر، تاریخ کتابت: حدود ۱۳۱۰ ش. کاتب: ظ. ناظم، (نسخه مصّدر به شرح حال ناظم از خواهرزاده وی نورالّدین صاحب الزمانی که به وسیله آقای رمضانعلی شاکری کتابت شده است) کاغذ: مشقی خط‌دار، ۸۰گ، ۲۰×۱۳ س. م. جلد: مقوّایی با روکش مشمع، وقف: آقای رمضانعلی شاکری، تاریخ وقف: دی ماه ۱۳۷۰.

۱۵۲

حکمهٔ الابدیه و تحفهٔ العضدیه= تحفهٔ العضدیه= گلشن قدس

(۱۶۳۹۹)

کتاب مختصری است از مهدی بن محمّد حسین قائم مقام فراهانی[۱] که به تشویق عضدالملک برای مظفر الدّین شاه قاجار نوشته و مؤلّف در تألیف آن به گلستان سعدی نظر داشته است و در واقع تعریضی بر آن می‌باشد. می‌گوید:

«آن خدایی که بهر دفع لئام کمر مرتضی به بندد تیغ داد قدرت بمن که چون سعدی در بـرون آرم از کلام بلیغ».

نه شیخ سعدی خداست نه گلستان قرآن».

آغاز: «بسمله، عزّت خدایرا است جَلَّ و عزّ که مدحتش باعث رتبت است».

---

۱ . با توجه به تمام فهارس موجود، نام و تألیفات وی دیده نشد. فقط در فهرست مؤلّفین کتب چاپی خانبابا مشار، کتاب دیگری از وی به نام«مفتاح الجنه» (ترجمه حدیث کسا)، چاپ سنگی، جیبی، تهران، ۱۳۱۹ هـق. (۴۱+۴ ص) یاد شده است.

انجام: «زبان را میتوان بست و از شمشیر قطاع حیدری نمی‌توان رَست».

نستعلیق خوش ۱۰ سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۲۰ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغـذ: نخـودی، عنـاوین بـه سرخی، جداول اوراق به سرخی و اکلیل، صفحه اوّل دارای سرلوح خیلی کم کار، به اکلیل و لاجورد و زنگار و سرخی، ۸گ، ۲۰×۱۲/۲ س. م. جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۵۳

حلل مطرّز در فن معمّا و لغز[۱]

(۱۳۴۶۶)

کتابی است از شرف الدّین علی یزدی(م ۸۳۰ یا ۸۳۴ یا ۸۵۰ یا ۸۵۶ یا ۸۵۸ هـ.ق.) که هنگامی که در شیراز نزد ابوالفتح ابراهیم سلطان پسر شاهرخ بسر می‌برد نوشت. این کتاب بعد از مقدّمه مشتمل است بر دو اصل یکی«در بیان صوَر حروف و مجازی بروز و ظهور آن» و دیگری«در تبیین معنی دلالت و اشارت بعضی از وجوه و طرق آن» و پنج«حلّه» ۱. در شرح ماهیت معمّا و لغز ۲. در نمایش و آرایش وجوهی که تعلّق به تکمیل صورت اسم داشته باشد. ۳. در بیان تحصیل ماده حرفی بحسب صـورت کلامی که اشهر و اظهر صور حرفست. ۴. بیان مقصد بحسب صورت کتابی ۵. تعیین قواعی که مبتنی است بر صورت معنوی و عددی حرف، و هر حلّه نیز شامل چند مطرّز است.

آغاز: «بسمله، بعد از تیمن و اعتصام بنام خجسته فرجام علاّمی که نوآموز مکتب تعلیمش...».

انجام: «این تدوین بدیع آئین را برحسب موعود انتهاست و الحمدلله...».

---

۱ . چهار نسخه در ج۷، ص۳۰۶-۳۰۷ و ۷۳۲ فهرست رضوی معرفی شده است.

نستعلیق ۱۹ و ۲۰ سطری، تاریخ کتابت: ۲۶ جمادی الاولی ۱۱۴۹، کاتب: نامش خوانده نشد، کاغذ: حنایی و نخودی، عناوین به شنگرف، جداول به اوراق به سیاهی و شنگرف و زردی، ۱۴۷گ، ۱۴/۵×۲۴/۵ س. م. جلد: پارچه مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۱۵۴

حمله حیدری[۱]

(۱۶۲۲۶)

حماسه دینی در بحر تقارب از میرزا محمّد رفیع خان باذل مشهدی(- ۱۱۲۳ یا ۱۱۲۴ هـ‍.ق.) در احوال رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) و علی بن ابی طالب علیه السلام و غزوات و احوال او تا پایان خلافت و ضربت خوردن و شهادت وی که نسخه ما تا آخر رحلت حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد و حدود صد صفحه آن نوشته نشده، و در انتها آمده است: «اختر تابنده آسمان و گوهر رخشنده دریای امتنان رونق ده بازار شرع مبین، شکر گزاریده از حمله حیدری و آفرین نماینده از غزوات صفدری المؤید بتأییدات الملک الاحد الموفّق بتوفیقات... آقا علی محمّد داروغه سمت اختتام و طرف اتمام پذیرفت امید آنکه... بدعای خیر یادآوری نمایند...».

آغاز: «بسمله، به نام خداوند بسیار بخش            خردبخش و دین بخش دیناربخش».

انجام: «بآن گشت نزدیک چون دودآه            شود همچو شب روز روشن سیاه».

نستعلیق تحریری ۱۹ سطری چهار ستونه، تاریخ کتابت: شوال ۱۱۰۵، (نسخه از لحاظ این که در زمان حیات مؤلّف نوشته شده است و همچنین داشتن مجالس قابل توجّه است) کاغذ: نخودی بعضاً وصالی

---

۱ . دو نسخه در ج۷، ص۳۰۸-۳۰۹ معرفی شده و راجع به حماسه‌های دینی توضیح مفصّلی داده شده است و نیز رجوع شود به حماسه‌سرایی در ایران، ص۳۷۹.

شده، عناوین به سرخی، دارای دو سرلوح مذّهب و منقّش و هشت مجلس رزمی که بعضـی از آنهـا وصّالی شده و بر اثر وصّالی تصاویر از بین رفته است. جداول اوراق به سرخی و لاجـورد، ۲۸۷گ، ۱۹/۸×۳۳ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۵۵

حمله حیدری

(۸۵۱۴)

نسخه ناقص است  اوراقی زیادی از ابتدا و انتهای آن ساقط شده است.

آغاز موجود: «کسی کو وصی را اطاعت کند          بفرمان پذیری صداقت کند».

انجام موجود: «ازین داستان گشت حاصل فراغ       نگشتم ولی فارغ از درد و داغ».

نستعلیق خوش ۲۰ سطری چهار ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین بعضاً به زر، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، کمندکشی به لاجورد، دارای یک سرلوح در زمینه ساده با گل و برگ طرح اسلیمی، ۵۵گ، ۲۹/۶×۲۰ س. م. جلد: پارچه‌ای، واقـف: آقـای شاکری، تاریخ وقف: تیرماه ۱۳۳۵.

۱۵۶

حمله حیدری

(۱۸۰۲۹)

نسخه از انتها حدود ۶۰ برگی افتادگی دارد و تا«طلب نمودن سعد بن عباده را به مصلحت عمر و بیعت گرفتن ازو و مناظر سعد عباده با ایشان و باطل نمودن دعوی خلافت» می‌باشد و در ترجمـه خطبـه

حضرت رسول(ص) «منبر رفتن رسول خدا(ص) و علی(ع) را با خود به منبر بردن و آیات حق بر مردم خواندن و علی(ع) را وصی خود نمودن» که بوسیله باذل به نظم در آمده، متن عربی آن نیز در این نسخه آورده شده است.

آغاز: مانند پیش.

انجام موجود: «ولی بعد هم رو نمیکرد کم          چه کم پیش میرفت چندین قدم».

نستعلیق ۲۲ سطری چهارستونه، تاریخ کتابت: ربیع الآخر ۱۲۱۷، کاتب: مصطفی قلی بن عبدل بیشم نوری، کاغذ: شکری فرنگی، عناوین به سرخی، صفحات با کمند آبی و جدول به سرخی و آبی، ۲۶۴ گ، ۳۳×۲۰/۵ س. م. جلد: تیماج خرمایی ضربی مستعمل، واقف: جواد هوائی قوشچی، تاریخ وقف: اردیبشهت ماه ۱۳۷۰.

۱۵۷

حمله حیدری

(۱۷۶۷۸)

نسخه ما بصورت کتابی مستقل تنظیم شده ولی در مقایسه با نسخه کامل از ابتدا یک چهارم کتاب حذف شده است. از «غزوه احد و کیّفیت سلاح پوشیدن سیّد انبیاء بعزم رزم ابوسفیان» آغاز و به «غزوه خیبر» پایان می‌پذیرد.

آغاز: «بسمله، هزاران درود هزاران سلام   ز ما بر محمّد علیه السلام

هزاران درود سلام دیگر ز ما باد بر جان اثنا عشر[1]

پیمبر چه پوشید زاهن قبا شد از رشک او زرد رنگ طلا».

انجام: «بتوفیق پروردگار مجید باتمام این داستان هم رسید».

نستعلیق تحریری ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۳۴ هـ.ق. کاتب: علی نقی نوری، کاغذ: آبی(لبه‌های آن سوخته است) عناوین: به شنگرف، ۲۲۷گ، ۲۱×۱۵ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، واقف: آقای میرزا ابوالحسن پیشنماز آملی، تاریخ وقف: فروردین ماه ۱۳۶۹.

۱۵۸

حمله حیدری

(۱۸۱۳۸)

نسخه کامل می‌باشد.

آغاز: «مانند پیش».

انجام: «بکن خود[غور] ز انصاف در این سخن وزان پس تو دانی بکن یا مکن».

نستعلیق ۲۱ سطری چهار ستونه، تاریخ کتابت: ۱۲۵۵ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: فستقی، عناوین به سرنج ۳۲۵گ، ۳۳/۵×۲۰/۵ س. م. جلد: تیماج مشکی اسقاطی، واقف: توسط سیّد مؤمن فخر حسینی در اردیبهشت ماه ۱۳۷۱.

۱۵۹

حمله حیدری

---

۱ . این ابیات را احتمالاً کاتب به خاطر مستقل جلوه دادن نسخه به آن اضافه نموده زیرا برخلاف دیگر اشعار از استحکام برخوردار نبوده و سست می‌باشد.

(۱۵۵۳۹)

نسخه کامل است و در انتها«ذیل حمله حیدری باذل» در ۱۶ برگ ضمیمه می‌باشد.

در کتاب«حماسه‌سرایی در ایران» آقای ذبیح الله صفا می‌نویسد: «با مرگ باذل منظومه حمله حیدری ناتمام ماند و پس از او شاعری به نام میرزا ابوطالب اصفهانی کار او را تمام کرد. در مقدمه ذیل ابوطالب اصفهانی بر منظومه حمله حیدری باذل، کسی بنام«نجف» ابیاتی افزوده و گفته که خود می‌خواست حمله حیدری باذل را باتمام رساند ولی مشاغل زیاد وی از این کار باز می‌داشت تا در سال ۱۱۳۵ ذیل میرزا ابوطالب بدست او افتاد و او آنرا دنبال حمله حیدری باذل، جای داد».

آغاز: «بسمله، بنام خداوند بسیار بخش　　　خرد بخش دین بخش و دینار بخش».

انجام: «یکی غور از انصاف در این سخن　　　وزان پس تو دانی بکن یا مکن

دل دوستان علی شاد دار　　　جهان را بر اعدا غم آباد دار».

و ذیل حمله حیدری که با«در مدح جناب امیرالمومنین و یعسوب الدین و جنگ نمودن حضرت با عایشه و گذاشتن سزای او در کنار او» آغاز شد و انجام آن افتاده است.

آغاز ذیل: «بسمله، در بحر دانش محمّد رفیع　　　که بادش بمحشر محمّد شفیع،

بسال هزار و صد و سی و پنج　　　نجف یافت از غیب این طرفه گنج».

انجام موجود: «نماند چه کس در جهان جاودان　　　شهادهٔ بجانها....[۱]».

---

۱ . کاغذ وصّالی شده و نوشته از بین رفته است.

نستعلیق تحریری ۲۱ سطری، چهار ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: آبـی، عناوین به شنگرف، ۳۱۰ گ، ۲۰/۷×۳۳/۲ س. م. جلد: مقوّایی با عطف و گوشـه تیمـاج قهـوه‌ای، خریداری آستان قدس در آبان ماه ۱۳۶۶.

۱۶۰

خارستان سلیمانی[۱]

(۸۹۳۵)

کتابی است به نثر و نظم به روش هزل و شوخی، به پیروی از گلسـتان سـعدی از سـلیمان خـان لله برگشاطی که در تاریخ ۱۳۲۷ هـق. آن را نوشته و در هشت فصل تنظیم نموده است، به شرح زیر: ۱. شرح حال مؤلّف(که تنها به ذکر نام خود اکتفا نموده است)، ۲. در شوخی‌های بحر طویل، ۳. در پستی دنیا، ۴. در مذّمت آدم لجوج و لجباز، ۵. در تکذیب زن بد نامهربان به شوهر ۶. در تعریف زن خوب و نجیب ۷. در حکایت متفرّقه ۸. در تعریف جراح با وقوف. و اینک نمونه‌ای از نثر آن:

«همچه قلیانی در دست داشتم و تحمّل ایام گذشته می‌کردم و بر عمر تلف شده می‌ادراریدم و سـنگ نجس شده سراچه دل را به آب دیده می‌شستم و این چرند چا را می‌بافتم... دشنه محمّد رحیم رنگرز در نیام و زبان سلیمان خان در کام».

آغاز: «بسمله، اما بر دوستان یکدیگر را ندیده و بر برادران یکدیگر را نشناخته و بر رفقای با هم نه نشسته سربسته و پنهان باشد».

---

۱ . این نسخه ضمیمه«نوروزنامه» تحت شماره ۸۹۸۳ از همین نویسنده می‌باشد.

انجام: «می‌زنند از این سخن شورید را آخر سپاهیان          لطمه بر رویش برقی‌ست بر گلشن پیرو کی».

نستعلیق مغلوط(چنانچه به عنوان مثال غَرس را بصورت قرص، و نامربوط با نامربوت و... نوشته است) مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۳۲۷(سال تألیف) کاتب احتمالاً مولّف، کاغذ: نخودی، اوراق جدول‌بندی به سیاهی، ۴۹گ، ۲۱×۱۶ س. م. جلد: میشن زرشکی مستعمل، واقف: علی اصغر حکمت، تاریخ وقف: مهرماه ۱۳۴۰.

۱۶۱

خاورنامه= خاوران نامه

(۱۶۲۴۲)

منظومه‌ای است از محمّد بن حسام الدّین معروف به ابن حسام(– ۸۷۵ هـ.ق.)[۱] از شعرای قرن نهم از خوسف قراء قهستان خراسان که بر وزن شاهنامه فردوسی سروده است. اصل داستان به عربی[۲] بوده و ابن حسام آن را به شعر فارسی درآورده است. موضوع آن حماسه‌ای است از فتوحات حضرت علی(ع) و یارانش در فضای کاملاً تخیّلی مانند: جنگ مالک اشتر و ابوالمعجن، جنگ با طهماس شاه و شاه خاوران، فتح ایالات ایران، عاشق شدن مالک به دختر جمشید شاه و برخورد با دیو و جادو که به هیچ

---

۱ . برای اطلاع بیشتر از شرح حال مؤلف رجوع شود به: ۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۴، ص ۲۷۷۷، ۲. حماسه‌سرایی در ایران، ص۳۷۷، ۳. تذکره دولتشاه صص ۴۳۸–۴۳۹، ۴. طرائق الحقایق، ص ۴۷، ۵. الذریعه، ج۹، ص ۲۰، ۶. حبیب السیر.

۲ . ابن حسام می‌گوید:

«چو بر سال هشتصد بیفزود سی          شد این نامه تا زیان پارسی
مر این نامه را خاوران نامه نام          نهادم بدانگه که کردم تمام».

وجه جنبه تاریخی ندارد. اثر مهّم دیگر ابن حسام دیوان شعر و قصیده مصنوع«سحریه» می‌باشد که چاپ گردیده است.

نسخه ما ناقص بوده و اوراق آن نامرتب و صفحه اوّل نونویس است.

آغاز موجود: «بیکدست منجوق شاه عجم

کله گوشه دولت احمدی          چو بر سر نهد دولت سرمدی».

انجام موجود: «چو خورشید با تخت زرّین سپر     نهاد از بر...»[1].

نستعلیق ۲۴ سطری، چهار ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۱ هـ‌ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، چهار ستونه جداول اوراق بعضاً به شنگرف ۲۳۷گ، ۲۸/۷×۱۷ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل و مندرس، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۶۲

خاورنامه

(۱۵۸۴۵)

روایتی است به نثر از خاوران نامه منظوم ابن حسام خوسفی(- ۸۷۵ هـ‌ق.) با همان سرفصل‌ها و عناوین، که به صورت افسانه چندین بار به طبع رسیده است.

آغاز: «بسمله، الحمدلله رب العالمین و... امّا بعد شاگرد فردوسی چنین روایت می‌کند که روزی جناب پیغمبر آخرالزّمان و شفیع انس و جان یعنی محمّد مصطفی(ص) در بالای منبر قرار گرفته بودند».

انجام موجود: «کسی نبود که مرا بسر دست علَم کند و دیگر بدان که من...[1]».

---

۱ . بر اثر وصّالی اوراق نوشته‌ها از بین رفته است.

(ص ۲۵۵-۵۵۴)

این نسخه مصدّر است به:

۱. قسمتی از حیات القلوب محمّد باقربن محمد تقی مجلسی(۱۱۱۱ هـ‍ق.).

(ص ۱-۱۲۶)

۲. داستان بلوهر و بوزآصف، داستانی است از تعالیم بودا در بدگویی از دنیا، این کتاب داستان آفرینش بودا پیامبر هندست که ایرانیان مضمون آن را از هندیان اقتباس کرده‌اند. در الفهرست ابن النـدیم، بـه نام«یوسفاس و فسلوس» آمده و قطعاً تحریفی از همان کتاب«بوداسف و بلوهر» است.

ابن بابویه(- ۳۸۱ هـ‍ق.) در کتاب خود«اکمال الدّین و اتمام النعمه» از محمّد بن زکریای رازی(- ۳۱۱ هـ‍ق.) می‌داند و سپس علاّمه مجلسی در بحارالانوار این گفته را تکرار می‌کند و متن عربی آن را می- آورد، بعد همان تحریر را به فارسی درآورده و در«عین الحیات» خود گنجانده و ترجمه دیگر نیز شده و چاپ گردیده است.[2]

آغاز: «بسمله، ابن بابویه علیه الرّحمه در کتاب کمال الدّین و اتمام النعمه بسند خود از محمّد بن زکریا روایت کرده است».

انجام: «و زبان بحقایق و معارفت گویا کرامت بفرماید تا از این معارف و حکمتها منتفع گردند آمـین یارب العالمین...».

(ص ۱۲۷-۲۵۴)

---

۱ . بر اثر فرسودگی خطوط از بین رفته است.

۲ . برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: الف) مقاله‌ای از مرحوم سعید نفیسی مندرج در سالنامه کشور ایـران، سـال ۴، ص ۲۲. ب) تـاریخ تصـوّف اسلام، دکتر غنی، ص ۱۶۱. ج) فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج۵، ص ۳۶۶۱.

نستعلیق کتابتی مختلف السطر، تاریخ کتابت: ذی الحجهٔ الحرام ۱۲۷۱، محل تحریر: قریه فراو از توابع دارالسّباط کلات نادری، کاتب: محمّد شفیع بن محمّد علی نجّار، کاغذ: نخودی، عناوین بـه سـرخی، ۲۷۷گ، ۲۱/۳×۱۵ س. م. جلد: تیماج اسقاطی، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ماه ۱۳۶۷.

۱۶۳

خزان و بهار[۱]

(۱۲۵۱۵)

از قاضی شریف الدین محمّد بن شمس الدّین محمّد شیرازی متخلّص به کاشف(۱۰۰۱–۱۰۶۰ هـق.) با نثری زیبا و آراسته و متکلّف، چنانکه خود در مقدّمه در مورد این که به چه کتابی نظر داشته و علّت تألیف چه بوده است می‌گوید: «تا آنکه روزی نظرم بر تاریخ فرج بعد از شدّت افتاد... هر حکایتش متضمّن فرجی بعد از شدت و هر... لکن حسامی بود مجرّد از نیام فصاحت و شاهدی برهنه از نسام ملاحت بر آن سر است... از این کتاب بر سبیل انتخاب و همچنین از کتاب و روایات دیگر جمعی بر هند پایان مجنون قصص را بحلیه عبارات و حلّه استعارات چنان تن آرایم که آهو چشمان حریم ناز بتمنّای لیلی جمالش در دشت خیال آهو صفت شور و وحشت نماید».

و این کتاب در یک مقدّمه و چهارده اساس و خاتمه نوشته شده است: ۱. صبر، ۲. رحم، ۳. ادب، ۴. طهارت، ۵. عبادت، ۶. لطف، ۷. یقین، ۸. حلم، ۹. قناعت، ۱۰. نصرت، ۱۱. مروّت، ۱۲. سخاوت، ۱۳. کرامت، ۱۴. هدایت. در خاتمه درباره زندگی خود و سبب تألیف کتاب مختصری ذکر کرده است و در تبریز سال ۱۲۷۶ هـق. چاپ سنگی گردیده است.

---

۱ . یک نسخه در ج۷، ص ۳۲۶، فهرست رضوی معرفی شده است و در فهرست نسخ فارسی سن پترزبورگ شـماره ۱۰۷ بـه تفصـیل دربـاره آن شرح داده شده است. بنقل از فهرست مجلس، ج۴، ص۱۸۸.

آغاز: «چمن آرای فرج بعد از شدّت در خزان و بهار روزگار».

انجام: «این نقش بدیع همواره بوقلمونی پیشه نمود».

نستعلیق ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: ۱۱۸۷ الی ۱۲۱۳ هـق. کاتب: عبدالرسول بن محمّد هادی منشی رشتی، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۷۶گ، ۲۳×۲۰ س. م. جلد: مقوّا با روکش پارچه مشکی، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۱۶۴

خزان و بهار

(۱۴۲۲۱)

آغاز و انجام: «مانند شماره پیش».

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: صفر المظفر ۱۲۰۱، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی وصّالی شده، عناوین به سرخی، ۱۲۲گ، ۱۷×۱۰ س. م. جلد: مقوّا با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، واقف: سیّد محمدباقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم ۱۴۰۵.

۱۶۵

خزان و بهار

(۱۳۳۴۵)

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۴۸ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، عناوین به شنگرف، ۱۰۱گ، ۱۵×۱۰ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واقف: عباس فخیمی، تاریخ وقف: آذرماه ۱۳۶۳.

۱۶۶

خزان و بهار

(۱۴۲۷۱)

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ تحریر: ششم صفر ۱۲۵۶، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۹۵گ، ۲۱/۴×۱۶/۷ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واقف: سیّد محمدباقر مولـوی عربشـاهی سبزواری در محرم ۱۴۰۵.

۱۶۷

خزان و بهار

(۱۲۴۹۴)

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق تحریری آمیخته به شکسته ۱۲ و ۱۳ سطری، تاریخ تحریر: قرن ۱۳ هــ ق. کاتب: نامعلوم(دو نفر) کاغذ: نخودی و آبی رطوبت رسیده، عناوین به شـنگرف، ۱۵۲گ، ۱۹/۶×۱۳/۵ س. م. جلـد: مشمع سبز با عطف قرمز، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۱۶۸

خزان و بهار

(۱۶۱۳۷)

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «در هیچ وقتی از نغمه ناله خواموش(کذ) نیست و در هیچ زمان از شدّت فرح خالی نیست علیه توکلت».

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـق. کاتب: نامعلوم[۱]، کاغذ: شکری، عناوین به شنگرف، ۱۲۸گ، ۱۶/۳×۸ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۶۹

خزان و بهار

(۹۴۷۳)

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «قلم طاوس خرام بنگارش این بدیع همواره بوقلمونی پیشه نمود... که باید خزان با بهار اینچنین».

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: ۱۱ ذیقعده الحرام ۱۲۱۵، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی و شکری، عناوین به شنگرف، ۱۲۳گ، ۱۹/۶×۱۰/۷ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی، واقف: خان بابامشار در خردادماه ۱۳۴۵.

---

۱ . رباعی‌ای در صفحه آخر مذکور است که نوشته شده من کاتب الحروف.

زمانه هست بسیار دل تباهی     ندیده کس ز من بخت سیاهی

درین محنت سرای سست بنیاد     نبردم جز فراق، ماه آهی

۱۷۰

خزان و بهار

(۱۳۳۳۸)

نسخه ما ناقص می‌باشد و از ابتدا ۲۰ برگ و از انتها یک بـرگ افتـادگی دارد. در شناسـنامه تحـت عنوان«مجموعه قصص» نام‌گذاری شده بود که بعد از تحقیق عنوان اصلی آن بدست آمد.

آغاز موجود: «آن چهار نفر غریب افتاد آغاز ملایمت و تفتیش احوال ایشان بود».

انجام موجود: «زبان استعاذه با استغفار نمیگشایم که هنوز از ذخایر معاصی».

نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اوائل سده ۱۳ هـ ق. کاتـب: نـامعلوم، کاغـذ: نخودی حنایی، عناوین به شنگرف، ۱۰۱گ، ۲۰/۷×۱۵/۶ س. م. جلد: مقوا با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، واقف: عباس فخیمی، تاریخ وقف: آذرماه ۱۳۶۲.

۱۷۱

خسرونامه[۱]

(۱۶۳۳۲)

از دیگر مثنوی‌های عشقی عرفانی شیخ فریدالدّین عطار(۵۴۰-۶۱۸ هــق.) اسـت کـه موضـوع آن ماجرای خیالی عشق دو دلداده خسرو و گلرخ می‌باشد. در علّت نظم کتاب می‌گوید: از شخصی به نام بدر اهوازی، داستانی به نثر بدست آمده و به خواهش یکی از دوستان به نظم در آمده است.

«که من از بدر اهوازی هم امروز بدست آورده‌ام نثری دلفروز

۱. این مثنوی با پنج مثنوی دیگر شیخ عطّار می‌باشد که در جای خود معرّفی شده و یا خواهد شد.

چو پر کردی بهر چیزی جهانرا		هم امشب ابتدا کن داستان را

درین شب این رفیقم بود در بر		چو شمع از آتش دل دود بر سر

بمن گفت ای بمعنی عالم افروز		چنین مشغول طب گشتی شب و روز...».

این مثنوی بعد از عطّار بنام«گل و هرمز» «خسرو و گل» نیز معروف شده و در سال ۱۳۵۵ ش. به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری گردیده است.

آغاز: «بنام آنکه گنج جسم و جان ساخت		طلسم گنج جان هر دو جهان ساخت».

انجام: «کسی کو در دعا آرد مرا یاد		همه وقتی نگه دارش خدا باد».

(ص ۵۱۸-۷۲۰)

سایر مشخصّات نسخه شناسی قبلاً در ذیل مثنوی«اسرارنامه» (شماره ۱۲) توضیح داده شد.

۱۶۹

خسرو و شیرین[۱]

(۱۵۸۱۷)

دومین مثنوی از خمسه نظامی گنجوی، جمال الدّین الیاس بن یوسف(۵۳۰-۶۱۴ هـق.) می‌باشد که به اتابک شمس الدّین محمّد جهان پهلوان ایلدگز(۵۶۸-۵۸۱ هـق.) تقدیم شده و علاوه بر جهان پهلوان نام طغرل بن ارسلان سلجوقی و قزل ارسلان بن ایلدگز(۵۸۱-۵۸۷ هـق.) نیز آمده است. این مثنوی

---

۱ . نسخه معرفی شده ظاهراً خمسه کامل بوده که از بین رفته و فقط خسرو و شیرین و قسمتی از لیلی و مجنون آن باقی مانده است و همچنین مصدّر است به صفحه آخر مثنوی مخزن الاسرار. و یک نسخه مثنوی خسرو و شیرین نظامی در ج۹، ص ۱۱۷ فهرست رضوی معرفی شده است.

در بحر هزج مسدس مقصور و محذوف در ۶۵۰۰ یا ۴۹۱۴ بیت سروده شده و بارها چاپ گردیده است.

آغاز: «بسمله، خداوندا در توفیق بگشای نظامی را ره تحقیق بنمای».

انجام موجود[1]: «بدین افسوس میخوردم دریغی زدم بر خویشتن چو شمع[تیغی]».

نسخه مذیل است به منظومه لیلی و مجنون سوّمین مثنوی خمسه نظامی که حدود نصف بیشتر آن ساقط شده است.

آغاز موجود: «ای عقل مرا کفایت از تو جستن ز من و هدایت از تو».

انجام موجود: «گفت گرش گذارم از دست آن شیفته گشت آن دگر مست».

نستعلیق ۲۱ سطری، تاریخ کتابت: دوازدهم شهر جمادی الثانی ۱۲۰۲، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی رطوبت رسیده، عناوین به شنگرف، ۸۵گ، ۲۱×۱۳/۵ س. م. جلد: اسقاطی، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ماه ۱۳۶۷.

۱۷۰

خسرو و شیرین

(۱۶۵۰۲)

آغاز: مانند پیش.

انجام موجود[1]: «کز اینکودک جهانداری نشاید پدر کُش را جهان داری نشاید

۱ . نسخه کامل می‌باشد امّا در صحافی اوراق پس و پیش شده است.

چه دید الحق بتانی شوخ و دلبند　　　سرائی پر شکر شهری پر از قند».

این نسخه مذیل است به منظومه‌ای دیگر تحت عنوان«داستان نواب مستطاب اشرف... شاهزاده سالار الدّوله[2] دعوی سلطنت و سرکشی طغیان و خودسری نمودن او باغوای الوار غدار و اشرار نابکار» در شش برگ.

آغاز: «پس از الف چون سیصد و بیست و پنج　　　ز هجرت گذشت از سرای سپنج».

انجام: «در آن هفته جز باده در جام نی　　　درینهفته ماذون حمام نی».

نستعلیق ۱۸ سطری، (خسرو و شیرین چهار ستونه، منظومه سالار الدّوله دو ستونه)، تاریخ کتابت: سده چهاردهم، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، اوراق کمندکشی، جداول اوراق به اکلیل تحریردار و سرخی و لاجورد، ۳۸ گ(بدون اوراق نانوشته)، ۲۰/۵×۱۳ س. م. جلد: میشن قهوه‌ای ضربی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۱۷۴

خطابه‌ها

(۱۴۹۸۵)

مجموعه‌ای است از سخنرانیهای عبدالبهاء عباس افندی پیشوای فرقه بهائیان در آمریکا، با عناوین زیر: خطابه در کلیسای بابلیت در خیابان پنجم برک امریکا، خطابه در دارالفنون کلارک، نطق وی در

---

۱ . اوراق در صحافی پس و پیش شده و دو ورق«خسرو و شیرین» بعد از منظومه«سالار الدّوله» واقع گردیده است.

۲ . ابوالفتح میرزا سالار الدوّله پسر مظفر الدّین شاه(۱۲۹۸-۱۳۷۸ هـ.ق) که در سال ۱۳۲۵ هـ.ق. بر علیه برادرش محمّدعلی شاه قیام کرد که بعد دستگیر شده و به تهران آورده شد. رجوع شود به شرح حال رجال ایران، ج۱، ص۴۸.

خصوص جنگ دنیا، خطابه در انجمن آزاد آمریکا، نطق در کنیسه یهودیها منابولیس آمریکا، نطـق در کنگره ارتباط شرق و غرب در واشنگتن، نطق در منزل میس پارسم در دوبلن... .

آغاز: «مژده باد مژده باد که نور شمس حقیقت طلوع نمود مژده باد مژده باد».

انجام: «تنها انسان ترقیّات تام ننماید بل ناقص مینماید».

نستعلیق تحریری مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: فرنگـی مشـقی، ۳۲گ، ۱۹/۶×۱۴/۵ س. م. جلد: مقوائی با روکش گالینگور و عطف و گوشه تیماج، ارسالی دادستانی مشهد در مردادماه ۱۳۶۴.

۱۷۵

خلاصه مجمع الفصحا= خلاصة الشعرا[۱]

(۱۶۸۲۷)

نسخه‌ای است ناقص الاوّل و الاخر، که نام خلاصه کننده بدست نیامد. و با تحقیق مشخّص شـد کـه خلاصه مجمع الفصحای رضاقلی خان هدایت می‌باشد و در دو قسمت تنظیم گردیده است. قسمت اوّل: منتخب اشعار شعرا و شرح حال مختصرشان می‌باشد که در حاشیه اوراق ذکر گردیده و تحت عنوان، رباعیات و مقطعات و مطاییات و اشعار متفرقه آورده شده است.

آغاز: «برخی از اشعار شعرای متقدّمین و متوسطین و متؤخرّین نیز نگاشته میشود».

انجام: «خدیو عصر ابوالنصر ناصر دین و معین ملّت بیضا، تمام شد...».

(ص ۷-۱۱۳)

---

۱ . در شناسنامه نسخه به این نام(خلاصة الشعرا) آمده است.

قسمت دوم: جلد اوّل مجمع الفصحا بطور ناقص[1] از باب دوم و از ابوحفص سغدی تا بـدایعی بلخـی معاصر سلطان محمود غزنوی می‌باشد.

آغاز: «فهرست باب دویم از ابواب اربعه جامعه خلاصهٔ الشعرا[2] در ذکر حالات و مقالات فصحا و بلغ و عموم شعرای پارسی گوی که از زمان بنی عباس تا این ایام که سنه ۱۳۱۵ هجری... است آمده‌اند».

انجام موجود: «جهان را یکی کاروان گاه دان                    بر او جملگی خلق را راه دان».

(ص ۱۱۴-۱۷۴)

نسخه مصدّر است به سه برگ، در تعریف غذا و میوه‌ها و روش معالجه، به صورت منظوم. (ص ۱-۶)

نستعلیق تحریری ۱۵ سطری، تاریخ کتابت قسمت اوّل: ۶ جمادی الاولی ۱۳۱۴، و قسمت دوم: ۲۷ رجب ۱۳۱۵، کاغذ: نخودی و آبی، ۸۷گ، ۲۰×۱۲/۵ س. م. واقف: علی امیر خیزی، تاریخ وقـف: مردادماه ۱۳۶۸.

۱۷۶

خلسه[3]

(۱۶۱۰۹)

رساله خوابنامه اعتماد السّلطنه، محمّد حسین خان صنیع الدّوله مراغه‌ای(۱۲۵۹-۱۳۱۳ هـ.ق) است. که برخلاف سایر تألیفات اعتماد السلطنه به صورت داستان نوشته شده است. و خواننده در مطالعه داستان در جریان اوضاع سیاسی آن روزگار قرار می‌گیرد. نویسنده در بین خـواب و بیـداری یـازده تـن از

---

۱ . از صفحات ۱۳۰ تا ۴۶۲ مجمع الفصحا، ج۱، بکوشش مظاهر مصفّا می‌باشد.

۲ . تلخیص کننده، بجای«مجمع الفصحا» «خلاصهٔ الشعرا» نوشته است.

۳ . دو نسخه در ج۷، ص ۸۱-۸۲ معرفی شده است.

بزرگان قاجار را به بازپرسی کشیده است و درباره آنها داوری می‌کند. داستان با مرگ مؤلّف، به صورت نیمه تمام باقی می‌ماند و بعد کتاب به وسیله اشرف السّلطنه همسر نویسنده وقف کتابخانه آستان قدس می‌شود.

این داستان در سال ۱۳۲۴ ش. تحت عنوان«یک پرده از اسرار انحطاط ایران یا خوابنامه مرحوم اعتماد السلطنه» با مقدمه محمّد نورائی، بوسیله کتابفروشی زوّار مشهد چاپ گردیده است و در سال ۱۳۴۸ ش. به کوشش محمود کتیرائی با مقدّمه مبسوط تجدید چاپ شده است.

آغاز: «بسمله، در اوایل سال ۱۳۱۰ هجری از تاریخ عرب موکب معظم شاهنشاه ناصرالدّین شاه سفری بعراق عجم نمود».

انجام: «حق او را پایمال و تصاحب نمایم نیرنگها را بکار بردم».

نستعلیق ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: اوّل شهریور ماه ۱۳۱۵، کاتب[1]: نامعلوم، (نسخه تقدیم به سرتیپ مطبوعی شده است.) کاغذ: فرنگی خط دار، ۵۴ گ، ۱۹/۵×۱۲ س. م. جلد: مشمع زرشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ۱۳۶۷.

۱۷۷

خمسه نظامی[2]

(۱۲۰۷۴)

---

۱ . دو نسخه‌ای که در ج۷، فهرست رضوی معرفی شده است از روی نسخه استنساخ شده است که در انتها این نسخه با خطی مغایر آمده است: «... مانند این جزوه که تماماً بخط مرحوم اعتماد السلطنه نگارش یافته» و در ادامه گفته: «اینک هم یک نسخه بنام تقدیم و یادگاری برای بندگان حضرت اجل سرتیپ ایرج خان مطبوعی فرمانده لشکر شرق متبوع معظم خود استنساخ نمود... العبد حشمةُ الله بهبود».

۲ . چهار نسخه در ج۷، صص ۳۳۲–۳۳۵ و یک نسخه در ج۸، ص ۱۲۲ فهرست معرفی شده است.

اثر مشهور جمال الدّین الیاس بن یوسف(۵۳۰-۶۱۴ هـق) می‌باشد که از نسخه ما، اولّین منظومه(مخزن الاسرار) ساقط شده و یک برگ از آن باقی مانده و از انتهای نسخه نیز یک برگ افتاده است.

آغاز موجود: «گرمی هنگامه و زر هیچ نه          زحمت بازار و دگر هیچ نه».

انجام موجود[1]: «که بر صید شیران گشایم کمند».

نسخ آمیخته به تعلیق چهار ستونه ۲۵ سطری، عناوین به نسخ، تاریخ کتابت: از شهر مبارک شعبان تا ذیحجه الحرام ۷۹۹، کاتب: احمد بن محمّد ملقّب به نظام، کاغذ: حنایی متن و حاشیه شده و وصّالی شده، دارای پنج کتیبه مذهّب و مُنقش به لاجورد و طلا(در ابتدای هر منظومه) چهارمین کتیبه نصف آن از بین رفته است، نام هر منظومه و جداول اوراق به زر تحریردار، ۲۵۴گ، ۲۱×۱۴ س. م. جلد: قهوه-ای ضربی، واقف: سید جلال الدّین تهرانی، تاریخ وقف: مردادماه ۱۳۶۱.

۱۷۸

خمسه نظامی

(۱۶۳۰۲)

نسخه کامل می‌باشد. ترتیب منظومه‌های خمسه بهم خورده و مخزن الاسرار در انتهای نسخه آمده است.

آغاز: «خداوندا در توفیق بگشای          نظامی را ره تحقیق بنمای».

انجام: «شکر که این نامه بعنوان رسید          پیشتر از عمر بپایان رسید».

---

۱ . یک سوّم برگ آخر وصّالی شده است و نوشته‌ها، از بین رفته است.

نستعلیق ۲۱ سطری، چهار ستونه، تاریخ کتابت: سده ۹ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین به زر و سرخی، نام مثنوی به خط کوفی به سفیداب، دارای پنج پیشانی و کتیبه منقّش و مذّهب شرفه‌دار بعضاً بازسازی شده، جداول اوراق به زر تحریردار، دارای ۹ مجلس تصویر، فرسوده، احتمالاً اثر بهزاد نقاش معروف، ۲۸۱گ، ۲۲/۵×۱۵/۵ س. م. جلد: تیماج زرشکی ضربی مستعمل، واگـذاری بنیـاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۱۷۹

خمسه نظامی

(۱۶۳۶۵)

نسخه از انتها دو برگ افتادگی دارد.

آغاز: «بسم الله الرحمن الرحیم     هست کلید در گنج حکیم».

انجام موجود: «و لیکن ز سنگ آزمایان کوه     پی من گرفتند چندین گروه».

نسخ خوش ۲۱ سطری، چهار ستونه، تاریخ و محلّ کتابت: ۹۲۵ هــق. در بیجابُور دکن، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی(اوراق ابتدایی و انتهایی وصّالی شده است) عناوین مثنوی در زمینه طلا به سفیداب محرّر و به شنگرف و لاجورد، دارای شش سرلوح و کتیبه و پیشانی شرفه‌دار، مذهّب و منقش، صفحات اوّل منظومه‌ها مجدول به زر تحریردار و دیگر صفحات به لاجورد و شنگرف، ۳۴۰ گ، ۲۸/۷×۱۹ س. م. جلد: مقوّا روغنی، دو رویه، روی جلد: دارای ترنج و گل و بوته، برگهای زرّین بطرز اسلیمی، درون جلد: یک شاخه گل نرگس، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۸۰

خمسه نظامی

(۱۵۹۳۱)

نسخه مشوّش صحافی شده و قسمت عمده‌ای از مثنوی مخزن الاسرار و برگ آخر خسرو و شیرین و چند برگ از هفت پیکر و تمام لیلی و مجنون ساقط شده است.

آغاز: «خداوندا در توفیق بگشای          نظامی را ره تحقیق بنمای».

انجام: «از آن بیشتر کاوری در ضمیر          ولایت ستان باش و آفاق گیر».

نستعلیق ۲۱ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۰ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به قلم زر به خط رقاع، دارای سه کتیبه بازوبندی و پیشانی مذهّب و منقّش در ابتدای هر منظومه، جداول صفحات به زر و تحریر، چهار ستونه، ۲۶۰گ، (بعد از خسرو و شیرین ۶ برگ از ۵۰ تا ۵۵ ابتدای مثنوی هفت پیکر است و از برگ ۵۶-۶۱ مخزن الاسرار و ۶۲ به بعد دنباله هفت پیکر و دیگر منظومه‌هاست) . ۲۱/۵×۱۵ س. م. جلد: تیماج زرشکی ضربی، دارای ترنج و سرترنج و لچکی و قلمدانی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۸۱

خمسه نظامی

(۱۵۹۰۳)

این نسخه فاقد مثنوی«شرف نامه» است.

آغاز: «هست کلید در گنج حکیم          بسم الله الرّحمن الرّحیم».

انجام: «از آن می که جان داروی هوش باد          مرا شربت و شاه را نوش باد تمت».

نستعلیق خوش ۱۹ سطری، چهار ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۰ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: مـتن و حاشیه، متن حنایی افشان زر حاشیه نخودی با کمند لاجوردی، جداول اوراق به زر تحریردار، دارای پنج سر لوح مزدوج خوش کار منقّش مذهّب به زر و لاجورد و شنگرف در ابتدای هر مثنوی، عناوین به شنگرف، ۳۳۸گ، ۱۵/۵×۸/۵ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۸۲

خمسه نظامی

(۱۰۴۳۳)

این نسخه مشتمل است بر مخزن الاسرار و خسرو و شیرین که منظومه دوم کامل نبوده و تـا«صـفت مجلس خسرو» نوشته و $\frac{۱}{۲}$ داستان باقی مانده است.

آغاز: «بسمله، هست کلید در گنج حکیم».

انجام: «بهایی... بزرگ از بهر اینست کز اول با بزرگان همنشین است».

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۰ هــق. کاتب: نـامعلوم، کاغـذ: الـوان و افشـان زر عناوین به زر، عنوان منظومه مخزن الاسرار به علّت بازسازی شدن کتیبه آن نوشته نشده ولی نام کلیّات خسرو و شیرین به خط کوفی و به سفیداب در زمینه زر نوشته شده است. جداول اوراق دو ستونه به زر و تحریردار و لاجورد. دارای دو پیشانی و کتیبه شرفه‌دار در ابتدای هر منظومه کـه دومـی بسـیار ظریف می‌باشد. در ظهر صفحه اوّل شمسه‌ای منقّش و مذهّب که در دایره وسط آن در زمینه لاجورد با سفیداب، سجعِ«برسم کتب خانه شهریار ابوالفتح بهرام جم اقتدار» نوشته شده است. که شمسه زیبا و

ظریفی می‌باشد. ۹۲گ، ۲۲×۱۴ س. م. جلد: تیماج دو رویه عنّابی ضربی، دارای ترنج و چهار لچکی، خریداری آستان قدس رضوی در مردادماه ۱۳۴۹.

۱۸۳

خمسه نظامی

(۱۵۹۴۹)

نسخه کامل بوده فقط از انتهای خردنامه یا اقبال نامه آن شش برگی ساقط شده است.

آغاز: مانند پیش.

انجام موجود: «چنین در غلط باختن          قمار چنین در کژ انداختن».

نستعلیق خوش ۲۰ سطری، چهار ستونه، تاریخ کتابت: از ۲۰ صفر المظفّر تا ۵ ذیحجه الحرام سال... (سده ۱۱ هـ.ق.) کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف و لاجورد، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد، دارای شش پیشانی و کتیبه مذهّب و منقّش و دو مجلس تصویر رنگی، وصّالی شده و یک مجلس ناتمام مانده، ۳۵۷گ، ۲۶/۳×۱۶ س. م. جلد: مقوّا روغنی دو رویه، روی جلد گل و برگ مستعمل و فرسوده، درون جلد: یک شاخه گل نرگس، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۸۴

خمسه نظامی

(۱۳۶۴۶)

این نسخه فقط شامل اسکندرنامه(اقبالنامه و شرفنامه) می‌باشد.

آغاز: «بسمله، خدایا جهان پادشاهی تراست          ز ما خدمت آید خدایی تراست».

انجام: «فلک را بحلمش گراینده دار          بدو داد و دین هر دو پاینده دار».

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: ۱۱۴۰ هــق. کاغذ: وصّالی شده، عنـاوین بـه شـنگرف، ۱۶۱گ، ۲۸×۲۰ س. م. جلد: مقوّایی با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۱۸۵

خمسه نظامی

(۱۶۳۷۱)

نسخه فاقد منظومه اقبالنامه است.

آغاز: «هست کلید در گنج حکیم          بسم الله الرحمن الرحیم».

انجام نسخه: «از آن می که جان داروی هوش باد    مرا شربت و شاه را نوش باد».

نستعلیق ۲۳ سطری چهار ستونه، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲ و اوائل ۱۳ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهار مهره، عناوین به سرخی، دارای کمند، جداول اوراق به زر تحریردار و سرخی و لاجورد، دارای ۵ سرلوح نسبتاً پرکار مذهّب و منقّش به گل و بوته، دو صفحه اوّل بین السطور طلاانـدازی و حواشی تشعیر و حل کاری بطرز اسلیمی، ۲۷۳گ، ۲۹×۱۸/۵ س. م. جلد: مقوای روغنی فرسوده شده و مستعمل، دو رویه، روی جلد: گل و بوته، درون: یک شاخه گل نرگس، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۱۸۶

خیبرنامه

(۱۶۵۶۳)

نسخه ناقص الاوّل و الآخر است.

منظومه‌ای است حماسی و دینی، در شرح غزوه خیبر در بحر تقارب از ناظمی با تخلّص جامی، که در ساقی نامه‌های بین منظومه، نامش آمده و برای شخصی به نام«زین العباد» سروده شده است.

«نشاید ز جامی نمودن حرام  سخن پخته گفتم تو را و سلام

مغنی سرودی ز اشعار من  بخوان نظمی از طبع سرشار من

...............................  ...........................................

ز خیبر یکی داستان آورم  ز گفتار راوی میان آورم

.................................  ......................................

بود در جهان تا عباد بلاد  خدیو جهان باد زین العباد».

آغاز موجود: «که از ره نماینده راه راست  که لطف تو بر گمرهان ره نماست».

انجام موجود: «ابو حفض از کار او شد ز هوش  که ناگاه این صورتش آمد بگوش».

نستعلیق تحریری مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، ۳۰گ، ۱۶/۵×۲۲/۵ س. م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۸۷

خیرات الکوثر من فضائل الحیدریه فی شرح قصیده الحمیریه= رساله غدیریه

(۱۵۱۵۴)

شرح قصیده عینّیه سیّد اسماعیل بن محمّد ین زید بن رَبیعه حمیری شاعر شیعی(۱۰۵-۱۷۳ هـق.) است در منقبت حضرت علی(ع)، اصل قصیده پنجاه و اند بیت است و وعده بهشت به کسی که آن را حفظ کند داده شده و این قصیده را ابوالفضل بن عبدالله کرمانی در سال ۱۲۲۶ هـق شرح نموده است.[۱]

این نسخه مذیل است به رساله‌ای در چهار برگ، سوال و جواب، در مورد تقسیم ۱۷ شتر به نسبت $\frac{۱}{۹}$ و $\frac{۱}{۳}$ و $\frac{۱}{۲}$ به وسیله حضرت علی(ع) آیا از روی عدل بوده است که محمدباقر بن محمّد جعفر می‌گوید:

آغاز: «بسمله، الحمدلله الذی تجلی لعباده فسغلهم عن الشهوات و اطهر لهم و بعض نوره».

انجام: «و از غرایب امور اینست که این روایت منقوله از جهمور اهل سنت است تمت الرساله الغدیریه».

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۱۱ شوال ۱۲۶۸، کاتب: ابراهیم بن محمّد حسین میرزا آقاسی اصفهانی، محلّ تدبیر: همدان کاغذ: آبی، عناوین به سرخی، ۶۱گ، ۱۷/۱×۱۰ س. م. جلد: میشن خرمایی، واقف: مکتبهٔ الامام امیرالمومنین(ع)، تاریخ وقف: اردیبهشت ماه ۱۳۶۵.

۱۸۸

داستان امیر منصور الدّین و شیرین دخت

(۱۶۲۶۳)

داستانی است که آغاز آن حکایات کلیله و دمنه را تداعی می‌کند و ماجرای زندگی فردی به نام امیر منصور الدّین است که با پشتکار بر مشکلات فائق می‌آید و به معشوق خود شیرین دخت می‌رسد. و داستان با استعانت از اشعار مولوی و دیگران جذاب‌تر می‌گردد.

---

۱ . غیر از نسخه ما که شرح کرمانی می‌باشد شروحی دیگر بر این قصیده شده است از جمله شرح محمّد قاسم مدرّس هزار جریب معرفی شده در ج۹، ص ۱۹۴ و شروح محمّد حسین بن محمّد ابراهیم معرفی شده در ج۷، ص ۶۲۷ فهرست.

آغاز: «رای هند گفت برهمن را شنیدم داستان یاران منافق که چگونه بر اثر فقدان عشق از یکدیگر جدا شده».

انجام: «چنانکه رسم روزگار است دعوت حق لبیک گفته و بسرای دیگر شتافتند و من الله توفیق تمام شد داستان امیر منصور الدّین و شیرین دخت».

نستعلیق کتابتی ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: ۱۶ دی ماه ۱۳۴۱، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین مزیّن به گل و بوته طلایی، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد و زنگار، ۱۰گ، ۲۴/۵×۱۶/۵ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۱۸۹

داستان حضرت خضر(ع) و حضرت امیرالمومنین علی(ع)

(۱۵۱۹۴)

منظومه‌ای است در بحر رمل در ۱۵۷ بیت از شاعری با تخلّص شجاعی که در دو بیت نام خود را آورده است.

«شیعیان را ساز یارب کامران وز در عزّت شجاعی را مران».

آغاز: «بسمله، زد عَلَم برقبّه عرش عظیم نام بسم الله الرحمن الرحیم».[1]

انجام: «از تف آتش به بخشایش نجات روزیش کن باقیات صالحات».

(ص ۶۸-۸۰)

---

۱ . نسخه‌ای تحت عنوان«مثنوی ناشناخته» در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج۴، ص۳۱۴۲ معرفی شده است که آغاز آن با این نسخه مطابقت دارد(مثنوی ناشناخته، ۶۰ص، در کتابخانه دکتر مفتاح در تهران).

این نسخه مصدّر است به«معراج نامه» تقریباً در هزار بیت که با توجه به سستی ابیات احتمالاً از شجاعی، ناظم فوق می‌باشد. در چند بحر[1] مختلف سروده است بدون این که ارتباط موضوع از بین برود.

«اگه شده کان کفتگویش — لبیک زنان بگرد کویش

چون واقف علم من لدن نیست — شاه دو جهان کتف معنی است

امر کرده بجبرئیل امین — ایخداوند آسمان زمین».

بعد از ۲۰۰ بیتی در بحر دیگر منظومه ادامه می‌یابد.

«رو نمودم بجبرئیل امین — گفتم این کیست با چنین آمین

کفت او یوسف صدیقست این — باری داری طریقست این

چه بشناختم یوسف از ره دور — فرود آمد از غرفه تخت نور

بمشتاق آمد به پهلوی من — ببوسد آندم سر و دوش من».

آغاز: «بسمله، شاهنشه ملک لایزالی — خورشید قضای بی زوالی».

انجام: «تمام شد کتاب معراج نامه — بتوفیق خداوند یگانه».

(ص ۲-۶۷)

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: جمادی الاولی ۱۳۰۲، کاتب: نامعلوم، محلّ کتابت: ارومیّه، کاغذ: حنایی، عناوین و بعضی ابیات به شنگرف، ۴۰گ، ۱۷×۱۰/۵ س. م.، جلد: مقوایی با روکش پارچه مستعمل، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

---

۱ . مثنوی«معراج نامه» در چند بحر از جمله: هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف(مفعول مفاعلن فعولن) و بحر تقارب مسدس مقصور(فعولن فعولن فعول) و بحر خفیف مخبون مقصور(فاعلاتن مفاعلن فعلن) سروده شده است.

داستان ناهوشتا و راچل= مصائب مسیحیان اوّلیه

(۱۶۵۵۴)

تحریر اوّلیه ترجمه داستانی است که در عهد رومیان اتفاق افتاده و ظلم و مصائبی که مسیحیان اوّلیه از یهودی‌ها متحمل شده‌اند، در شش فصل، و این نسخه بخش اوّل این داستان است که مترجم آن ناشناخته ماند.

مقدّمه داستان بدین گونه آغاز می‌شود:

«شصت نفر مسیحی زن و بچّه بی‌مصرف را که کسی نمی‌خرید می‌بایستی بیاورند در تماشاخانه و سی شیر و حیوانات درنده دیگر که کرسنگی کشیده و از بوی خون هار گشته بودند. می‌بایستی در آنجا رها کنند و در میان این عدّه، راچل فرزند یگانه نبونی یکی از نجبا و تجّار متمول تیر(صور[1]) و کنیز عرب او ناهوشتا است که به وسیله پدرش خریده شده بود و اسمش را به خاطر رنگ صورتش ناهوشتا که به زبان عبری یعنی مس است گذاشته بودند». آنها از این مهلکه جان سالم بدر می‌بَرَند. ولی در طی داستان راچل میرود و دختری بنام مریم از او باقی می‌ماند که پرستاریش را ناهوشتا به عهده می‌گیرد و در پایان مریم ملکه اسنیان می‌گردد».

آغاز داستان: «با وجود اینکه دو ساعت از نصف شب گذشته بود».

انجام قسمت اوّل: «پیش از سفیده صبح ناگهان بادی در گرفت و کشتی را کج کرد».

---

۱ . بندر«صور» در ساحل دریای مدیترانه امروز جزو کشور لبنان است. در اینجا مترجم نام«تیر» را ترجمه نکرده است.

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق، کاتب: احتمالاً مترجم(چون متن خط خوردگی و جرح و تعدیل انجام شده است) کاغذ: آبی، مذیّل به لغاتی با معادل انگلیسی آن، ۴۳گ، ۱۰/۴ س. م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۹۱

داستان ناهوشتا و راچل= مصائب مسیحیان اوّلیه

(۱۶۲۹۵)

«قسمت دوم داستان می‌باشد که به پایان نرسیده است.

آغاز قسمت دوم: «سُکاندار فریاد برآورد و گفت باد شمال، باد هولناک شمال».

انجام موجود: «اما او بعضی عقاید و عادت مداخله دائمی آنها را بدل گرفته بود».

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابتک سده ۱۴ هـق. کاتب: مترجم، کاغذ: مشقی خطدار، ۲۲گ، ۲۶/۲×۲۰ س. م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۹۲

دوازده بند سرباز

(۱۳۱۹۰)

از اسماعیل خان بروجردی شاعر اواخر سده سیزدهم که در اشعار«سرباز» تخلّص می‌کرد[۱] و غالباً به تضمین غزلیّات در مراثی می‌پرداخت. نسخه ما شامل دو ترکیب بند از وی به پیروی ترکیب بند مشهور

۱ . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: المآثر و الآثار، ص ۲۰۷، و ریحانة الادب، ج۳، ص۱۰.

محتشم کاشانی است. با تضمین برخی از غزلیّات حافظ، سعدی در سوگ امام حسین و ائمـه اطهـار علیهم السلام.

در انتهای ترکیب بندها آمده است:

«سرباز زین بلا چه نکو گفت محتشم       خواموش محتشم که دل سنگ آب شد».

و این نسخه مذیّل است به ادعیه‌ای با خط نسخ عالی در پنج صفحه.

آغاز دوازده بند: «باز این عزای کیست که خلق دو عالمش

هستند همچو کعبه سیه پوش در غمش».

انجام: «ناله ز قبر زینب بی معجر آورم       خوناب... کشورم آورم».

نستعلیق شکسته مختلف السطر چلیپائی، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخـودی، ۲۲گ، ۲۰/۶×۱۲/۷س . م. جلد: مشمع سبز، خریداری آستان قدس رضوی در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۴.

۱۹۳

دو منظومه[۱]

(۱۵۹۰۹)

این نسخه شامل دو منظومه از میرزا محمّد باقر بواناتی فرزند میرزا اسحاق ملّقب بـه ابـراهیم جـان معطّر(- ۱۲۹۵ هـق.) بشرح زیر می‌باشد:

---

۱ . عنوانی که برای کتاب چاپ شده، انتخاب گردیده«منظومتان» می‌باشد. و منظومتان در سال ۱۸۸۲ م. در لنـدن بـه وسـیله آلـن و. هـــ. چـاپ گردیده است.

۱. شُمَیسه لَندَنیَّه، در فضایل سید ابرار و آل و انصار سلام الله علیهم اجمعین، قصیده طولانی است در ۳۶۵ بیت با سه تجدید مطلع که از لغات مهجور و دساتیری استفاده نموده و فهم شعر را بدون مراجعه به لغت‌نامه مشکل می‌سازد.

«ای مقتولان از قبیله هابیل نبلی طَبلی قتوله منتحر آمد

ای مظلومان دودمان خلیلی وَهجی بهجی عَلَق فَلَق سرَر آمد

ای جمّازان بَدر و وادی شنعار رَعیی وَ عیی حَظیره پُر خَضر آمد

ای ابّالان رَفی فیل عُتّل قیل وسمی حَسمی عجوله‌تان بقرآمد».

انجام: «ختم کن ای میرزا محمّدباقر کابراهیم جان معطّر از سفر آمد».

۲. سُدَیره ناسوتیّه در وصف دَوحهء صَفوَت اَنبَتَهَا اللهُ نَباتاً حَسَناً، مثنوی است در ۱۲۵ بیت که نسبت به قصیده قبلی از لغات مستعمل و آسانتری استفاده نموده است.

آغاز: «کوری چشم حسود پر غمر این درخت ما دهد روزی ثمر

آدم خاکی مسیح الله شود از رموز اصطفا آگه شود».

انجام: «حیله افزائید و اسباب نزال کاین تکلّف نیست خالی از دو حال

یا بشر کُشتن سُرور حق شود یا حماقت حکمت مطلق شود».

نستعلیق خوش ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: ۴ جمادی الاولی ۱۳۱۹، کاتب: علی اکبر بن فتحعلی شیرازی، کاغذ: حنایی کمرنگ، عناوین به شنگرف، ۱۷گ، ۲۰/۵×۱۳ س. م. جلد: مقوّای ابری، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

دیوان آتشی[1]

(۱۵۸۳۱)

مجموعه قصاید سستی است در شرح غزوات حضرت علی(ع) که با نسخه معرفی شده در جلد هفتم[2]، از لحاظ نام ناظم و تخلّص‌های متعدد آنجا، تفاوت دارد. در این نسخه نام ناظم مهدی خان بوده و آتشی تخلّص کرده است و تخلص عبدی و سلمی و سلیمی دیده نمی‌شود. و ابیاتی که نام مهدی را ذکر کرده در نسخه معرفی شده در جلد هفتم وجود ندارد.

«نگهداری تو مهدی را، خدایا ز آتش دوزخ

کز آن شورش، دلش اندر تنورِ سینه جوشانست

بکن تو عاقبت کار مهدیخان محمود　　　بحق احمد[و] حیدر بیازده نقبا

هم بحق ذات پاک فرد بی‌همتای تو　　　کز کردم بگذر ز تقصیر گناه مهدیخان

هر خطائی کآتشی کرد از عطایت عفو کن

چون بود از جان علی را مدح گو و مدح خوان».

با توجه به مطالب بالا، ناظم احتمالاً مهدی خان آتشی بوده که در اواخر سده نهم و اوائل دهم می‌زیسته است.[3]

«مه صوم ز هجرت ضاد و لام جیم و هی رفته

که شد منظوم این درها ز بحر طبع گوهرها».

---

۱ . یک نسخه از همین ناظم در ج۷، ص ۳۴۶ فهرست معرفی شده است. در شناسنامه عنوان«جنگنامه» و«ولایت نامه غزوات حضرت علی(ع)» ذکر شده است.

۲ . رجوع شود به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۳، ص۲۲۰۶، حماسه‌سرایی در ایران، ص ۳۹۰، و ج۷، ص ۳۱۹ فهرست رضوی.

۳ . رجوع شود به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۳، ص۲۲۰۶، حماسه‌سرایی در ایران، ص ۳۹۰. و ج۷، ص ۳۱۹ فهرست رضوی.

نسخه از ابتدا و میان و انتها افتادگی دارد.

آغاز موجود: «خداوندا بحق آل یس نبی و حیدر و شبیر و شبر».

انجام: «علی را دیدم اندر خواب داد تعلیم

بنظم آوردم این در نیم روز از فیض مولانا».

(۱-۱۱۳)

مذیّل است به:

۱. مثنوی«قصّه فتح قلعه خیبر بدو انگشت حضرت حیدر» احتمالاً از فارغ گیلانی[۱](سده دهم و یازدهم هـق.).

آغاز: «شکر گویم کریم خالق را رازق جمله خلایق را».

انجام: «یا علی یک نظر بفارغ کن فارغم از عم دو عالم کن

چون تو فارغ نهاده لقبم از دو عالم فراق می‌طلبم».

و مثنوی نیمه تمام«قصه امیرالمومنین و ابوجهل...» ضمیمه می‌باشد.

(۱۱۳-۱۵۰)

۲. تعدادی از قصاید و ترجیع بند و ترکیب بند در نعت حضرت رسول(ص) از ابن حسام خوسفی(-۸۷۵ هـق.).

آغاز موجود: «یا رب بحقّ حرمت هارون وزیر او در امر او شریک بما جاء بالهدی».

انجام موجود: «انما انت منذر لعباد و علی لکّل قوم هاد».

۱ . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به همین فهرست تحت عنوان«فارغنامه» و نسخه‌های خطی فارسی، ج۳، ص۲۴۵۸.

نستعلیق ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: احتمالاً میراحمد[1]، (تمام مجموعه نسخه به خط ایشان است) کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف، ۱۶۲گ، ۱۷×۱۱ س. م. جلد: ندارد، خریداری آستان قدس رضوی در ۶۷/۲/۲۱ ش.

۱۹۵

دیوان آذر بیگدلی

(۱۶۳۴۰)

مشتمل است بر مثنویّات، قصاید، غزلیّات، رباعیّات، قطعات و مفردات از لطفعلی بیگ بن آقاخان بیگدلی شاملو(۱۱۳۴- ۱۱۹۵ هـق) که در«تذکره آتشکده» شرح حال او گذشت.[2]

نسخه از ابتدا افتادگی دارد.

آغاز موجود: «کریمی که بخشید پیش از طلب        چنین خورد ازو رزق نگشود لب».

انجام: «زان لب به نیم بوسه خوشم کاب زندگی      بخشد حیات اگر پر، اگر کم خورد کسی».

شکسته نستعلیق خوش ۱۸ سطری، تاریخ کتابتک غره شهر جمادی الاولی ۱۲۱۶، کاتب: محمد بن اسماعیل بروجردی، کاغذ: شکری آهاری، ۲۹۰گ، ۲۱/۷×۱۵ س. م. جلد: تیماج ضربی دارچینی دارای ترنج و چهار لچکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۹۶

دیوان اثر[3]

---

۱ . بنابر بیتی که در داخل دیوان آتشی است: «ببخش جرم گناهان میر احمد را        چرا که هست نویسنده ولایت شاه».

۲ . دیوان آذر بیگدلی در سال ۱۳۶۶ ش. باهتمام و کوشش دکتر سادات ناصری و پرفسور غلامحسین بیگدلی، چاپ گردیده است.

۳ . در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۳، ص۲۲۱۷، با عنوان«دیوان اثر لاری» معرفی شده است.

(۸۹۳۹)

از شفیعا پراشگفتی[۱] متخلّص به اثر، وی در نه سالگی به آبله نابینا شد. با شیخ محمّد علی حـزین(- ۱۱۸۱ هـق.) معاصر و دوست بود و قصیده‌ای در مدح علاّمه مجلسی و قطعه‌ای در تاریخ فوت وی و پسرش و آقا ابراهیم قمی خوشنویس و تاریخ جلوس شاه سلطان حسین صفوی سروده و تـا سـال ۱۱۲۵ هـق. زنده بوده است. در تاریخ فوت علاّمه مجلسی«سال ۱۱۱۰» می‌گوید:

«رفت سوی خلد ازین ویران سرا        باقر علم آفتاب و فضل و شان

ماند بی‌صاحب سریر اجتهاد        گشت بی‌سر افسر علم و بیان

از اثر تاریخ جستم عقل گفت        قدوه اهل یقین رفت از میان».

مرحوم علی اصغر حکمت واقف این نسخه رساله‌ای به زبان فرانسه در شرح حال«اثر شیرازی» نوشته و در اکتبر ۱۹۵۷ م. در دهلی نو چاپ شده است.[۲]

نسخه ما از انجام افتادگی دارد و غزلیّات آن تا حرف«د» است.

آغاز: «بسمله، شرح مجموعه صنع تو ندارد پایان

یکرباعی است ز ترکیب عناصر انسان».

انجام موجود: «حصار عافیتی جز کمند وحدت نیست

فراغتی که اثر دارد از همین دارد».

---

۱ . پر اشُگفت دهی است از دهستان کوهمره سرخی که در ۵۷ کیلومتری باختر شیراز واقع شده و نیز از توابع کازرون هم می‌باشد.

۲ . برای اطلاع بیشتر از احوال مؤلف رجوع شود به: دانشمندان و سـخن سـرایان فـارس، ج۱، ص ۱۷۹، فارسـنامه ناصـری، ج۲، ص۱۴۸شـمع انجمن و غیره.

نستعلیق ۱۴ و ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، ۱۰۱گ، ۱۳×۲۲/۷ س. م. جلد: تیماج خرمایی ضربی، واقف: علی اصغر حکمت، تاریخ وقف: مهرماه ۱۳۴۰.

در هامش این نسخه غزلیّات و مقداری رباعیّات ابوطالب کلیم کاشانی(- ۱۰۶۱ هـق.) بطرز چلیپا و تحت رقم ۸۹۶۳ ضمیمه می‌باشد که در جای خود معرفی خواهد شد.

۱۹۷

دیوان اثر

(۸۹۳۸)

این نسخه در قسمت غزلیّات افتادگی دارد و از حرف«ب» تا«ک» است.

آغاز: «مانند پیش».

انجام: «بگریه محو سیاهی ز داغ دل کردیم          عجب شبی ز فراقش بروز آوردیم».

نستعلیق ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـق، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی کمرنگ، عناوین به شنگرف، صفحات جدول کشی دو ستونه به زر تحریردار، ۸۳گ، ۲۳×۱۱/۷ س. م. جلد: تیماج مشکی، واقف: علی اصغر حکمت در مهرماه ۱۳۴۰.

۱۹۸

دیوان ادیب پیشاوری

(۱۶۵۴۱)

از سیّد احمد بن شهاب الدّین بن عبدالرّزاق رضوی(۱۲۶۰- ۱۳۴۹ هـق.) مشتمل است بر قصاید و غزلیّات فارسی و عربی و رساله‌ای در بیان قضایای بدیهیات اوّلیه‌ای که ادیب در جواب سوال مهدی

قلیخان مخبر السلطنه مرقوم داشته است. این نسخه دارای زیرنویس بوده و بعضی از لغات را معنی کرده و از روی نسخه آقا شیخ علی پسر مرحوم آخوند ملا عبدالرّسول استنساخ شده است[1] و این حواشی نیز از وی می‌باشد.

آغاز: «بسمله، تا نمود آن حلقه‌های زلف چون عنبر مرا

کرد اندر یال و گردن عنبرین چنبر مرا».

انجام: «عَفی عنک ذُو العَفوِ العظیم وَلیتهُ      یَدوسُکَ فی اقدامِ خَیل مکردس».

(ص ۲-۲۱۸)[2]

آغاز رساله ضمیمه: «بسمله، سبحان الّذی احاط بکل شیء علمه و نفد فی کلّ موجود حکمه، سپاس آن خداوندی را که آموزنده سپاس و نیرودهنده بر سپاس اوست».

انجام رساله ضمیمه: «از سمراد است بردن نام سمراد

که این سمراد هم سمراد[3] باشد...

این رساله را حضرت مستطاب... سید احمد ادیب نیشابوری... در جواب سوال آقای مهدی قلیخان مخبر السلطنه در دفع اشکال بر قضایای ضروریات و بدیهیّات اوّلیه مرقوم داشته». (ص ۲۲۱-۲۴۲)

---

۱ . در پاورقی ص ۱۰۲ نسخه خطی توضیح داده شده است. قابل ذکر است که دیوان ادیب پیشاوری در تهران ۱۳۱۲ با تصحیح علی عبدالرسولی چاپ گردیده است.

۲ . اشعار عربی از صفحه ۲۰۱ تا ۲۱۸ می‌باشد.

۳ . سمراد بر وزن فرهاد بمعنی وهم و اندیشه و سمرادی نام طایفه‌ای است که در زمان ضحّاک ظاهر شده‌اند و بدین قائل بودند که تمام موجودات خیال محض و وهم صرف است و برای آنها حقیقتی نیست کلّما فی الکون وهم او خیال، از جمله سمرادیان یکی فرایرج نام داشت و شعر فارسی می‌گفت این دو بیت از او باقی مانده:

جهان دانی همه سمراد باشد      ترا گر مزیّن داد باشد.

ز سمراد است گفتن نام سمراد      همان سمراد هم سمراد باشد.

به نقل از پاورقی نسخه خطی.

نسخ خوش ۲۱ سطری، تاریخ تحریر: سده ۱۴ ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، عناوین بـه سـرخی، ۱۲۲گ، ۲۴/۵×۱۶/۵ س. م. جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۱۹۹

دیوان ادیب صابر[۱]

(۱۵۹۱۰)

از شهاب الدین ادیب صابر ترمدی(نیمه دوم سده ۵-۵۴۶ هـق.) معاصر با سنجر سلجوقی و رشید و طواط و... است و دیوانش چاپ شده است.

این نسخه اشعارش به ترتیب حروف تهجّی نیست و در انتها اشعارِ دیگر شاعران از جمله عبدالواسع جبلی و غیره نیز ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «بسمله، شهاب الدین ادیب صابر غفر الله له دانشمندی ماهر و ادیبی فاضـل و شـاعری کامـل بوده... .

نهاد دولت جاوید در زمانه قدَم          کشید رایت اقبال بر ستاره عَلَم».

انجام موجود نسخه: «ز ابر دیده بدامان گریستم چندان

که همچو دریا بر خواست ابرم از دامان».

نستعلیق ۱۴ سطری، تاریخ کتابت :۲۷ شعبان المعظم ۱۰۴۹(کذ)، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی فرنگی، صفحات جدول‌بندی و دارای کمند به زر و تحریر دارد و ستونه ۱۴۶ س. م. ۲۰/۸×۱۳ س. م. جلد:

۱ . چهار نسخه در ج۷، صص ۴۴۳-۴۴۴ و ۸۱۳ فهرست معرفی شده است.

مقوّا روغنی دو رویه، آسیب دیده، برون: گل و برگ با سه حاشیه، درون: یک شاخه گل نرگس، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۰۰

دیوان اسرار سبزواری

(۱۲۰۲۷)

از فیلسوف و عارف نامدار، شاعر مُفلق و حکیم فحل، حاجی ملّا هادی بن محمّد مهدی سبزواری متخلّص به اسرار(۱۲۱۲-۱۲۸۹ هـق.) است. مضامین شعری وی در معنویت و سلوک و فقر و فنا، مقامات و تسلیم و عرفان و عشق و دلدادگی به معشوق کلی بوده، اصطلاحات فلسفی و علمی آنچنان تأثیر سوئی در قریحه شاعری وی نگذاشته و یا این تأثیر به حدی نیست که بتوان آنان را به تهمت تصنّع و تکلّف گرائی متهم کرد.

این نسخه شامل ۱۹۵ غزل می‌باشد. و دیوان وی به چاپ رسیده است.

آغاز: «هوالمعزّ، الا یا ایّها لورقاثری تثوی اطلعن عنها

که اندر عالم قدسی ترا باشد نشیمنها».

انجام موجود: «فرید فی ملاح لیس کفوه وحید ماله فی الحسن ثانی».

نستعلیق ممتاز ۱۰ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هـق. کاتب: (در ظهر صفحه اوّل به خط آقا میرزا غلامرضا مرقوم فرموده‌اند) کاغذ: حنایی، ۸۷گ، ۱۹/۸×۱۲ س. م. جلد: تیماج مشکی، واقف: سیّد جلال الدیّن تهرانی، تاریخ وقف: مردادماه ۱۳۶۱.

۲۰۱

دیوان اسرار سبزواری

(۱۶۴۲۲)

شامل ۱۶۹ غزل و یک ترجیع بند با بیت الترّجیع: «از آتش دل همی گدازم در هجر بسوزم و بسازم».

و رباعیّات و ساقی نامه و مثنویّات است.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «دور بود هم بعیش خوش اندر      بیند او عیش او شود ابتر».

نستعلیق ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هـق. کاتب: عباس، کاغذ: نباتی، عناوین به سیاهی، دارای یک سر لوح منقّش به زر و شنگرف زمینه لاجورد دارای کمند، جداول به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف، ۷۶ گ، ۲۰/۵×۱۳ س. م. جلد: تیماج خرمایی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۰۲

دیوان اشرف

(۱۶۴۴۶)

مشتمل است بر مقدّمه و قصادی و ترجیع بند و غزلیّات از محمد تقی بند پی بن میرزا کوچک مازندرانی، متخلّص به«اشرف» که به ناصرالدین شاه تقدیم کرده است.

آغاز: «بسمله و به نستعین، غازه عارض شاهد کلام حمد و ثنای پادشاهی است».

انجام: «شهنشی که ز یکذرّه لطف او اشرف      ترا رسد که بیک غمزه قتل عام کنی».

شکسته نستعلیق ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۷۸ هـق. کاتب: ناظم، کاغذ: نخودی، دارای سه لـوح مذّهب و منقّش به زر و لاجورد و سرخی، دو صفحه اوّل بین السطور، طلاانـدازی، دارای کمنـد بـه سرخی و جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و سرخی، عناوین به سـرخی و لاجـورد، ۵۰گ، ۱۴×۲۱/۵ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۰۳

دیوان انوری[1]

(۱۵۹۲۸)

از اوحدالدّین علی بن اسحاق انوری ابیوردی(– ۵۸۳ هـق.) است و نسخه ما شامل قصاید، مقطّعات، مثنویّات و غزلیّات به ترتیب قوافی می‌باشد.

آغاز: «باز این چه جوانی و جمالست جهان را

وین حال که نوگشت زمین را و زمان را».

انجام: «من دانم و مطرب و حریفی همه دم          مستی و طرب فزون و هشیاری کم».

نستعلیق ۲۲ تا ۲۵ سطری، دو ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۱ هـق، کاتب: نامعلوم، کاغـذ: نخـودی، دارای دو سر لوح در ابتدای قصاید و ابتدای غزلیّات که سرلوح دوّمی ضایع گردیده، منقّش و مذهّب به لاجورد و شنگرف، جداول فاصل ابیات به زر، صفحه اوّل قصاید و غزلیّات گلبرگ بطـرز اسـلیمی، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، ۲۱۹گ، ۱۱×۲۳/۲ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل و مندرس، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

---

۱ . یازده نسخه در ج۷، صص ۳۷۰–۳۷۵ و ۵۸۷ و سه نسخه در ج۹، صص ۱۲۶–۱۲۷ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲۰۴

دیوان انوری

(۱۶۳۴۳)

دیوان کامل و به ترتیب قوافی است.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «که آتش آه ماست دیرت بگرفت ور خط بخون ماست زود آوردی».

نستعلیق ۱۷ سطری، دو ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، دارای چهار سرلوح، سرلوح مزدوج آغازین که مرصّع و مذهّب و منقّش و پرکار است به نسخه ملحق کرده‌اند. دو صفحه اوّل: نونویس، جداول اوراق به زر تحریردار، ۴۰۲گ، ۲۰/۵×۱۱/۲ س. م. جلد: تیماج عنّابی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۰۵

دیوان انوری

(۱۶۳۳۶)

دیوان کامل است. قوافی مقطّعات و غزلیّات آن به ترتیب حروف تهجّی نبوده و از انتها، قسمتی از رباعیات آن ساقط شده است.

آغاز: «بسمله، سپهر رفعت و کوه و قار و بحر سخا

علاء دین که سپهریست از سنا و علا».

انجام: «یکقطره از آن برزخ زیبات رسید وین حال بدان خوشتر از آن گشت پدید».

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۱ و ۱۲ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنـایی، عنـاوین بـه شنگرف، ۳۵۹گ، ۱۲/۳×۲۵/۵ س. م. جلد: تیمـاج ضـربی مسـتعمل و منـدرس، واگـذاری بنیـاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۰۶

دیوان انوری

(۱۰۳۶۳)

مشتمل است بر قصاید و مقطّعات و رباعیّات و غزلیّات به ترتیب حروف تهجّی.

آغاز: «بسمله، ای قاعده تازه ز دست تو کرم را      وی مرتبه نو زبنان تو قلم را».

انجام: «من هم بجوار زلف آنم      کز عشوه تو در جوال آنی».

نستعلیق خوش دو ستونه ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: جمادی الثـانی ۱۲۳۴، کاتـب: قربـانعلی نـوری ناتلکناری، کاغذ: نباتی، در ابتدای هر بخش سرلوح مزدوج پرکار و کتیبه، و حاشیه دو صفحه از ابتدای هر بخش دارای گلبرگ بطرز اسلیمی و بین السطور طلااندازی، دارای کمند و جـداول اوراق بـه زر تحریردار و لاجورد، ۲۵۱گ، ۱۴/۵×۲۵/۴ س. م. جلد: مقوّا، روغنی، دو رویه، روی جلد گل و بوته در زمینه ابری و دارای حاشیه، درون یک شاخه گل نرگس، خریداری آستان قدس در تاریخ مرداد ماه ۱۳۴۹.

۲۰۷

دیوان انوری

(۱۶۲۸۶)

نسخ کامل است.

آغاز: «بسمله، باز این چه جونی و جمالست جهانرا

وین حال که نو گشت زمین را و زمان را».

انجام: «از تلخی عشق اگر ترا سیری نیست من سیر شدم ز جان شیرین باری».

نستعلیق ۱۸ سطری، تاریخ کتابت: ۱۴ ذیقعده ۱۲۴۷، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، ۳۵۹گ، ۲۱×۱۳/۵ س. م. جلد: تیماج دارچینی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۰۸

دیوان انوری

(۱۵۹۰۷)

نسخه مشتمل است بر قصاید و مقطّعات و مثنویّات، غزلیّات و رباعیّات، که قوافی آن به ترتیب حروف تهجّی نیست.

آغاز: «بسمله، مقدری نه بآلت، بقدرت مطلق کند ز شکل بخاری چو گنبد ارزق».

انجام: «از تلخی عشق اگر ترا سیری نیست من سیر شدم ز جان شیرین باری».

شکسته نستعلیق ۱۴ سطری در متن و ۱۲ سطری در حاشیه بطرز چلیپائی، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی آهار مهره، ۳۰۵گ، ۲۰×۱۴ س. م. جلد: دو رویه، برون تیماج مشکی، درون میشن خرمایی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان، در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۲۰۹

دیوان انوری

(۱۵۵۱۵)

نسخه کامل است.

آغاز: «بسمله، ای قاعده تازه ز دست تو کرم را      وی مرتبه نو ز بنان تو قلم را».

انجام: «دوش تا روز هر دو نغنودیم      او ز شادی و من ز گرسنگی».

نستعلیق ۲۱ سطری، دو ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی، دارای چهار سر لوح ساده با طرح درشت به اکلیل و لاجورد و سرخی، جدول‌بندی به اکلیل تحریردار و سرخی، ۳۴۴گ، ۳۰/۵×۱۶/۵ س. م. جلد: تیماج خرمایی ضربی مستعمل، خریداری آستان قدس در ۱۳۶۶/۶/۵ ش.

۲۱۰

دیوان انوری

(۱۶۰۶۳)

این نسخه از انتها افتادگی دارد و مانند شماره ۱۵۹۰۷ به ترتیب قوافی نیست.

آغاز: «بسمله، مقدری نه بآلت بقوت مطلق      کند ز شکل بخاری چو گنبد ازرق».

انجام موجود: «می روشن، حجره خالی و موسم گل

ای گلبن نو شکفته یارم گفتن».

نستعلیق ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، بعضاً وصّالی شده، عناوین به شنگرف، ۲۴۲گ، ۲۳/۵×۱۴ س. م.، جلد: تیماج ضربی قهوه‌ای مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۱۱

دیوان انوری

(۱۶۱۳۳)

نسخه از ابتدا افتادگی دارد.

آغاز موجود: «آری عرق ابر نوبهاری        در کام صدف خوشگوار باشد».

انجام: «جانا بر نور شمع دود آوردی».

نستعلیق ۲۵ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنائی، عناوین به شنگرف، ۲۵۶گ، ۱۹×۸/۵ س. م. جلد: اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۱۲

دیوان انوری

(۱۶۳۲۹)

نسخه کامل و مصدّر به شرح حال شاعر است.

آغاز: «بسمله، و هو اوحد الدین اصلش از ابی ورد در اوّل حال خاوری تخلّص کرده... از عهد دولت آل سامان که رودکی قانون شعر فارسی ساز کرده رودکی قانون شعر فارسی ساز کرده الی الآن که یک هزار و سیصد و چارده هجری است چهار کس گوی فصاحت از همگنان ربوده‌اند...».

انجام: «دل بی یار گیردی نیکستی[۱]        یا دامن کار گیردی نیکستی».

---

۱ . صحیح آن به این صورت است: «گر دل کم یار گیردی نیکستی» که در دیوان چاپی مسطور است.

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: دهم شهر رمضان المبارک ۱۳۱۳، کاتب: محمد رحیم بـن محمّـد حسن الکوهینی تفرشی، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۴۰۶ گ، ۲۰/۵×۱۳/۵ س. م. جلد: تیماج عنابی کمرنگ، این نسخه را کاتب به دستور آقا میرزا علیخان از رجال دوره ناصری نوشـته و کاتـب که«عارف کوهی» تخلّص کرده در انتها دو قطعه در مدح«میرزا علیخان» سروده است.[1]

۲۱۳

دیوان برهمن(اکبر آبادی)

(۱۶۴۳۱)

از چندربهان در گذشته ۱۰۷۳[2] یا ۱۰۷۷ هـق. چندر بهان متخلّص به برهمن، منشی دارا شکوه بوده که بعد از قتل وی به بنارس رفت و تا پایان عمر آنجا بسر برد.

آغاز: «بسمله، ای برتر از تصور وهم و گمان ما　　ای در میان ما و برون از میان ما».

انجام: «سرمایه عمر عشق جاودانیست　　سرچشمه آب زندگانی است».

(ص ۲-۷۵)

۱ . این دو قطعه به شرح زیر می‌باشد:

در زمان دولت سلطان دین شاه عجم　　آنکه دارد بر شهنشاهان عالم سروری
ناصرالدین شاه غازی صاحب تخت و کلاه　　ختم شد شاهی بر او بر عقل کل پیغمبری...
عارف کوهی نوشته‌ای این کتاب مستطاب　　چونکه دارد او به درگاه علیخان چاکری

و قطعه دیگر:

باشد او همنام شیر حق علی المرتضا　　نسبتی دارد به پیغمبر ز سمت مادری
منبع شرم و حیا و خُلق خوش می‌باشد او　　در سخا وجود دارد از همه کس برتری
چونکه دارد با رعیت التفات بیحساب　　باشدش احمد پرستار و خدایش یاوری...
از دوشنبه عاشر ماه صیام از روی وجد　　شد باتمام این کتاب اوحدالدین انوری
هر که خواند یا نویسد یادی از عارف کند　　اجر یابد هم بدنیا هم به عقبا هم بروز داوری

۲ . مندرج در تذکره مرآة الخیال از شیر علی خان لودی، ص ۱۴۰، و نیز برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: فهرست نسـخه‌هـای خطـی فارسـی، ج۳، ص۲۲۴۹. اوپانیشاد، ترجمه داراشکوه، با مقدّمه دکتر تارا چند و سید محمّدرضا جلالی نائینی، صص ۲۴۴ و ۲۴۷.

این نسخه مذیّل است به دیوان صائب تبریزی(– ۱۰۸۶ هـق.).

آغاز: «بسمله، اگر نه مد بسم الله بودی تاج عنوانها نگشتی تا قیامت نو خط شیرازه دیوانها».

انجام: «نقطه یا حرف غلط گشت ز من عیب مکن

بودم از خال و خط یار پریشان خاطر.

بیادگار نوشتم من این کتاب را وگرنه این خط من لایق کتاب نیست».

(ص ۷۸–۲۲۸)

نستعلیق ۱۶ سطری و چلیپائی، تاریخ کتابت: دیوان برهمن: ۲ شهر رجب المرجب ۱۱۴۲ و دیوان صائب: بیست و پنجم ربیع الثانی ۱۱۴۶، کاتب: محمد اعظم بن محمّد اصلح و لطف الله کابلی، محلّ کتابت: قصبه سیالکوت، کاغذ: حنایی، ۱۱گ، ۱۶×۸/۵ س. م. جلد: تیماج مشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۱۴

دیوان بساطی

(۱۳۷۳۶)

از سراج الدین بساطی سمرقندی[۱](– ۸۱۴ هـق.) که شامل غزلیّات و مثنویّات و رباعیّات می‌باشد. این نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

---

۱ . از شاعران کم مایه پر استعداد قرن هشتم و نهم می‌باشد که حصیرباف بود و در بدایت حال حصیری تخلّص می‌کرد. و معاصر سلطان خلیل بن امیرانشاه گورکانی در سمرقند ظهور کرد. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به تاریخ ادبیّات در ایران، ج۴، صص ۱۵۵ و ۴۵۶. شمع انجمن، بهادر، ص ۷۸.

آغاز موجود: «هر هفته یاری مکن          بهم بر مزن عهد یار کهن».

انجام موجود: «از غایت شوخی که سیه گشت و کبود».

نستعلیق مختلف السطر و چلیپائی، تاریخ کتابت: اواخر سده نهم هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنـایی، ۴۵گ، ۱۵/۳×۷ س. م. جلد: تیماج اسقاطی، واقف: عباس افخمی در تیرماه ۱۳۶۳.

۲۱۵

دیوان پریشان

(۱۴۶۵۳)

مجموعه‌ای است بی سر و ته مشتمل بر مثنویّاتی در مراثی و قصاید در سـوگ شـهدای کـربلا(امـام حسین(ع)، ...)، حضرت زینب(س) و... از یکی از شعرای سده چهاردهم با تخلّص«پریشان» که در بیاض شماره ۱۴۶۴۶، همین فهرست ذکر شد.

آغاز موجود: «آن شهیدیرا که کس آبش نداد          آب سهل است و جوابش کس نداد».

انجام موجود: «صدای یا حسین است          مگر سر بر سنین است».

نسخ مختلف السطر و چلیپائی، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی بعضاً رطوبت رسیده، ۶۵گ، ۲۳×۱۸ س. م. جلد: گالینگور با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، واقف: سیّد محمّدباقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۲۱۶

دیوان پشوتن

(۱۳۶۲۹)

از پشوتن جی فرزند جمشید جی زردتشتی(سده ۱۳ هـق.) می‌باشد که در مقدّمه این نسخه در شرح حال آن آمده است:

«اشعار ملالت آثار تألم آگین اندوه قرین رحلت فرمائی امیر بی‌نظیر مرجع صغیر و کبیر مغفور مبرور عالی جناب پشوتن جی فرزند مهرجی که یکی از امرای عظیم الشان بلده فرخنده بنیاد حیدرآباد و بنام سیه پستن جی معروف و مشهور بوده و در زمره هم عصران خود گوی سعادت و نیکنامی بردند و در شهر حیدرآباد دکن جهان گذران را پدرود فرمودند.

مژه میخلد در دو چشمان چو سُوزن          که باغ جنان شد منام پشوتن...».

این نسخه شامل قصاید و غزلیّات به فارسی و هفت صفحه‌ای به اردو می‌باشد که بیشتر در سوگ اشخاص و(ماده تاریخ) سروده شده است. بعضی عناوین قصاید عبارتند از: «قطعه تاریخ وفات دستور مغفور مبرور سردار خان بهادر نوشیروان جی خلف امجد دستور جاماسپ جی»، «ابیات تاریخ وفات تألم آیات عازم سرای جاودانی، رتن جی خردمند فرزند دستور مغفور جاماسب جی»، «اشعار اندوه مآل ارتحال پردرد و ملال بهمن جی ولد پشوتن جی ابن خورشید جی»، «اشعار دردانگیز حسرت آمیز رحلت فرمای دستور مبرور ایدل جی فرزند ارجمند عالی جناب دستور بهمن جی که به مقام اکوله واقع ملک برار جهان گذران را پدرود فرمودند». «اشعار مسرت آثار تهنیت آمیز فرصت انگیز سرفرازی خطاب عظمت انتساب جانی... مهرجی فرزند ارجمند شمس العلماء دستور هوشنگ جی»، «در تهنیت عیدالضحی و عیدالفطر بخدمت نواب اقبال یار جنگ بهادر».

آغاز موجود: «اشعار ملالت آثار تالم آگین اندوه قرین رحلت فرمائتی».

انجام: «پشوتنا ز خدائی کریم خواه دعا     زید بگلشن گیتی براحت و آرام فقط».

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هــق. (در آخر مقدمه تاریخ ۱۸۵۳ و ۱۸۵۷ میلادی که معادل ۱۲۷۰ و ۱۲۷۴ هــق. است نوشته شده) کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، ۵۵گ، ۲۸/۳×۱۸ س.م.

جلد: ندارد، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۲۱۷

دیوان ثنائی

(۱۶۷۷۳)

مشتمل است بر قصائد و غزلیات و رباعیّات و مثنوی سکندرنامه، از خواجه حسین بن غیاث الــدین محمّد(علی) مشهدی متخلّص به ثنایی(م، ۹۹۵ق. یا ۹۹۶ق.) ندیم و تربیت یافته سلطان ابراهیم میرزا بن بهرام میرزا بن شاه اسماعیل صفوی، که این شاهزاده از خوش‌نویسان و نقّاشان و موسیقی دانان نابغه عصر خود بود پس از قتل شاهزاده مزبور ثنائی به قزوین رفت و ضمن قصیده‌ای شاه اسماعیل ثانی(۹۸۴-۹۸۵ هــق.) را مدح گفت ولی مقبول طبع وی واقع نشد. و وی از بیم جان به هندوستان گریخت نخست در سلک شعرای دربار اکبری منتظم گردید و بعد در کنف حمایت و تربیت ابوالفتح گیلانی قرار گرفت. ناگفته نماند که وی از شاعرانی است که به سبب دخالتش در تغییر سبک شعر موضوع گفتگوی موافق و مخالف معاصران خود و آیندگان شده است و اهمیتش در آن است که او در شعر فارسی راهی تازه باز کرد و سبکی نو را بنیان نهاد.[1]

نسخه ما فاقد ساقی نامه می‌باشد و از آغاز و انجام افتادگی دارد.

آغاز موجود: «بس مانده خوان خاطر من          بی‌میلی میهمان ندید است».

۱. تاریخ ادبیات در ایران، ج۵/۲، ص ۷۷۸، تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۴۱۶ و ۸۱۹، تذکره میخانه، ص ۱۹۸ و غیره... .

انجام موجود: «چو شد گوهر افشان بر آن تخت و تاج      بفرسود لب را بقدر خراج».

نستعلیق ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: الوان رطوبت رسیده عناوین به شنگرف، ۱۰۶گ، ۲۴/۷×۱۲/۲، بدون جلد، واقف: علی امیر خیزی، تاریخ وقف: ۱۳۶۷/۱۲/۲۴ ش.

۲۱۸

دیوان جامی[۱]

(۱۶۳۰۴)

مشتمل بر دیباچه، قصاید و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند، غزلّیات، مثنویّات، مقطّعات و رباعیات است، از نورالدّین ابوالبرکات عبدالرّحمن احمد بن محمّد جامی(۸۱۷-۸۹۷ هـق.)

آغاز: «بسم الله الرحمن الرحیم      هست صلای سر خوان کریم».

انجام: «چه خوش باشد که در کاشانه غم   دو همدم دردِ دل گویند با هم».

نستعلیق ۱۹ سطری، دو ستونه، تاریخ کتابت: سده دهم هجری، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، دارای سه سرلوح مذهّب و مرصّع و منقّش پرکار، عناوین به زر، جداول اوراق به زر تحریردار و شنگرف، ۲۶۱گ، ۲۳/۲×۱۳/۷، جلد: تیماج دارچینی مستعمل، در حاشیه صفحه اوّل مهر منوچهر میرزا قاجار با سجع«درّ صدف شهی منوچهر» ملاحظه می‌شود، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۱۹

دیوان جامی

۱ . نه نسخه در جلد هفتم، صص ۲۸۱ و ۶۷۰ و یک نسخه در جلد نهم، ص ۱۳۰ فهرست معرفی شده است.

(۱۶۱۳۲)

از ابتدا و انتها ساقط شده است. شامل غزلیات و رباعیّات و مقداری از مثنویّات آن می‌باشد.

آغاز موجود: «غنچه خایش بگشاده[1] دهان          با تو کند عذر[2] ریاض نعیم».

انجام موجود:«سپهرش بفرمان جهانش به کام          دعا گوی او انس و جان و السلام».

نستعلیق هندی ۱۵ سطری دو ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی بعضاً وصّالی شده، صفحه اوّل بین السطور طلا اندازی دندان موشی، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف، ۲۴۰گ، ۱۹/۲×۱۰/۷، جلد: مقوّایی ضربی مستعمل با عطف تیماج، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۲۰

دیوان جامی

(۱۶۲۸۷)

مشتمل بر غزلیات قطعات و رباعیات می‌باشد.

آغاز: «چند سوی چمن آیهم بهوایت چُه صبا          یکره ای سرو سهی قامت رعنا بنما».

انجام: «باشد که بگوید گل نورسته زِ گل          با من خبری زان گل نو رفته بخاک».

نستعلیق ۱۹ سطری دو ستونه، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هـق. کاتب: نـامعلوم، کاغـذ: شـکری، ۱۲۰گ، ۲۲×۱۴/۵، جلد: مقوّایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۲۱

---

۱ . در دیوان جامی ویراسته هاشم رضی ص ۶۸، «نگشاده» استفاده کرده است.

۲ . و همچنین بجای عذر«عدّ» بکار برده است.

دیوان حافظ[1]

(۲۲۲۳۴)

نسخه‌ای است شامل غزلیّات، قطعات، رباعیّات، ترجیع‌بند، ساقی‌نامه، مخمّس، مثنویّات از خواجه شمس الدّین محمّد حافظ شیرازی(۷۲۷-۷۹۲ هـ.ق.)

آغاز: «بسمله، الا یا ایها الساقی... الخ».

انجام: «خاموش نشین که وقت خواموشی(کذا) تُست

دم در کش و جام عشقرا پر می کن».

شکسته نستعلیق خفی ممتاز ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اواخر شوال ۱۱۲۴، کاتب: نامعلوم[2] کاغذ: آهاری نباتی، کمند و جدول‌بندی اوراق به زر و تحریر مشکی، جدول‌های فاصل میان ابیات به زر تحریردار، زمینه داخل جدول زرافشان غبار، دارای سرلوح مزدوج مرصّع مذهّب، ترنج وسط کتیبه زرپوش و نانوشته که احتمالاً برای عنوان نسخه آماده شده بوده است، بین السطور دو صفحه اوّل طلااندازی و فاصل ابیات مذهّب و منقّش، حاشیه گره‌بندی اسلیمی مذهّب، ۱۹۲گ، ۱۵/۵×۹/۵، اندازه جدول: ۱۱×۵/۵، جلد: مقوّا روغنی دورو، روی جلد در زمینه مشکی گل و برگ بطرز اسلیمی، درون زمینه مشکی، حاشیه خطوط طلایی اندکی آسیب دیده، واقف: مقام معظم رهبری حضرت آیهٔ ا... خامنه‌ای در تیرماه ۱۳۷۴(متن وقفنامه در ابتدای نسخه بدین شرح است: بسمه تعالی، این نسخه نفیس دیوان لسان الغیب حافظ شیرازی را که هنرمند برجسته زمان ما، آقای غلامحسین امیرخانی به این

---

۱ . چهارده نسخه در جلد هفتم صص ۳۸۸-۳۹۵ و ص ۷۹۶ و چهار نسخه در جلد نهم، ص ۱۳۲-۱۳۴ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . کاتب در انتها نسخه دو جا نامش را آورده است که تراشیده شده و مُهر مالک در صفحه آخر با نقش«عبده شیخ الحسینی» دیده می‌شود.

جانب اهدا کرده‌اند به آستان والای کتابخانه حضرت ثامن الحجج علیه الصلوة و السلام تقدیم می‌دارم.

(سیّد علی خامنه‌ای)

۲۲۲

دیوان حافظ

(۲۲۴۲۸)

نسخه کامل است[1] و دیباچه گلندام را دارد.

آغاز: «حمد بیحد و ثنای بی عدد سپاس بیقیاس حضرت خداوندی».

انجام: «تاریخ این حکایت گر از تو باز پرسند      سر جمله‌اش فرو خوان از میوه بهشتی».

نستعلیق ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: ۸۰۵ هـ‍ق؟[2] کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی رطوبت رسیده، دو برگ از اول و آخر وصّالی شده، عناوین به سفیداب در زمینه زر وسط کتیبه بازوبندی، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف، دارای سه لوح و کتیبه مرصّع مذهب و منقّش در صفحه شروع دیباچه و قصاید و غزلیّات، بین السطور دو صفحه اوّل طلااندازی محرّر، ۲۰۸گ، ۲۱×۱۸، اندازه جدول: ۱۴×۷/۵، جلد: تیماج مشکی با حاشیه ضربی ساده، واقف: دکتر رکن الدوله همایون فرّخ در آذر ماه ۱۳۷۴.

۲۲۳

دیوان حافظ

(۱۹۹۶۷)

---

۱ . نسخه مغلوطی است و با مقایسه دیوانهای چاپی، چندین غزل و قصیده اضافه دارد.

۲ . این تاریخ صریح نسخه است ولی از نظر نسخه شناسی تحریر نسخه از قرن دهم جلوتر نمی‌رود.

نسخه کامل است(دارای دیباچه محمّد گلندام».

آغاز: «بسمله، حمد بیحد و ثنای بیعدد و سپاس بیقیاس مر خداوندیرا...».

انجام: «مانند شماره پیش».

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـق. (سه برگ از رباعیّات در آخر نسخه در سال ۱۳۳۸ به خط یدالله کجوری نونویسی شده) کاغذ: حنایی آهار مهره، کمند و جدول‌بندی اوراق به زر و تحریر مشکی، جدول‌های فاصل میان ابیات به زر تحریردار، دارای سه لوح مزدوج مرصّع مذهّب پرکار در ابتدای مقدّمه و قصاید و غزلیّات، ترنج وسط کتیبه، زرپوش و نانوشته، دو صفحه اوّل مقدّمه و قصاید و غزلیّات بین السطور آن طلااندازی، حاشیه تشعیرسازی گل و برگ و گره‌بندی اسلیمی مذهّب یک برگ از قصاید وصّالی شده و نیز برگ اوّل غزلیات دارای سرلوح یک سوّم نوشته‌ها از بین رفته، وصّالی و بازنویسی شده است، ۲۰۱گ، ۱۶×۱۰، اندازه جدول: ۱۲×۶، جلد: ندارد، واقف: مقام معظم رهبری حضرت آیهٔ ا... خامنه‌ای در خردادماه ۱۳۷۳.

۲۲۴

دیوان حافظ

(۱۰۴۳۹)

نسخه شامل مقدمه محمّد گلندام، قصاید، غزلیات، و مثنویات و رباعیات است.

آغاز مقدمه: «حمد بیحد و ثنای بیعدد و سپاس بیقیاس خداوندیرا که جمیع حافظان...».

آغاز غزلیّات: «الا یا ایها الساقی... الخ».

انجام: «... سرپنجه مردم افکن ای شیر خدای».

شکسته نستعلیق خوب ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: شعبان ۱۲۳۷، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری، متن افشان زر، دارای جداول اوراق و کمند به زر و لاجورد تحریردار، دارای دو سر لوح مزدوج مذهّب و منقّش در صفحه مقدمه و صفحه غزلیات، حاشیه دو صفحه مقدمه و نیز دو صفحه ابتدای غزلیّات تشعیر سازی شاخه و برگ طلایی گره بندی اسلیمی مذهّب، ۲۱۰ گ، ۲۰/۶×۱۳/۲، جلد: روغنی دو رویه، برون گل و بوته در زمینه طلایی، درون: یک شاخه نرگس در زمینه قرمز، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۲۲۵

دیوان حافظ

(۱۰۳۹۲)

نسخه کامل می‌باشد.

آغاز: «الا یا ایها الساقی... الخ».

انجام: «تو تشنه فیض رحمتی الحافظ        سرچشمه آن ز ساقی کوثر پرس».

شکسته نستعلیق عالی ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی آهار مهره، جداول اوراق و کمند به زر تحریردار و لاجورد، دارای سرلوح مزدوج مذهّب و مُرصّع و منقّش عالی پرکار[1]، دو صفحه اوّل و هشت صفحه از حرف دال غزلیّات بین السلطور طلااندازی دندان موشی و مربعهای تک بیتهای تخلّص شکل شمسه و ترنج با تذهیب و ترصیع بسیار ظریف، ۱۹۷ گ، ۲۰×۱۱،

---

۱ . در کاغذ الحاقی در ابتدای نسخه، تذهیب را کارِ شیراز و جلد را شبیه کار آقا لطفعلی نوشته است. همچنین در انتهای نسخه مهر و امضای شخصی به نام«عبدالله» که این کتاب را در نهم محرم ۱۳۳۵ ابتیاع نموده است بچشم می‌خورد.

جلد: روغنی دو رویه، برون: گل و بوته و بلبل، درون: یک شاخه گل سنبل در زمینه مشکی، این جلد دارای قابلق زیبای میشن با جدول‌بندی شطرنجی طلایی می‌باشد، خریداری در مردادماه ۱۳۴۹.

۲۲۶

دیوان حافظ

(۱۲۶۴۶)

نسخه کامل است.

آغاز: «الا یا ایها الساقی... الخ»

انجام: «چون دور بمن رسد نباشم بر جای          بر یاد من آن دور مرا نوش کنید».

در انتها قطعه‌ای در در چهار بیت و مثنویی در ۱۵ بیت در وصف نظم کتاب آمده است.

آغاز: «حسن این نظم از بیان مستغنی است          بر فروغ خور کسی جوید دلیل».

انجام: «تو هم بردار گنج ای مرد آگاه          بعشق بهر معنی نعمت الله».

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۲۷ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، دو صفحه اوّل وصالی شده، دارای سرلوح منقّش کم کار و فرسوده، جداول اوراق به لاجورد و سرخی، ۱۱۰گ، ۱۸/۵×۱۰/۵، جلد: مقوّایی با عطف و گوشه میشن مشکی مستعمل، (این نسخه ظاهراً در سال ۱۲۳۷ یا ۱۲۲۷ در تملکِ محمّد کاظم بن سلیمان الحسینی بوده است و مُهر آن در اوراق انتهای نسخه دیده می‌شود) واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۲۲۷

دیوان حافظ

(۱۶۳۷۷)

نسخه کامل است. فقط از ابتدای دیباچه یک صفحه افتادگی دارد.

آغاز موجود: «اعنی خاتم رسالت و ناظم مناظم براعت و بلاغت صادق برهان».

انجام: «خاموش نشین که وقت خاموشی نیست».

شکسته نستعلیق خوش، ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۵۷ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخـودی، (در بعضی اوراق چند کلمه و حتی چندین مصرع بر اثر رطوبت مخدوش شده است) ۲۳۶ گ، ۱۹/۲×۱۲، جلد: تیماج مشکی مستعمل یکطرفه، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۲۸

دیوان حافظ

(۸۹۴۰)

نسخه ما از ابتدا افتادگی دارد و شامل غزلیّات، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و ساقی‌نامه و مثنوی و مقطّعات، مخمّس و رباعیات می‌باشد.

آغاز موجود: «مجو درستی عهد از جهان سست نهاد

که این عجوزه عروس هزار داما است».

انجام: «چو در خاک مصلّی یافت منزل　　بجو تاریخش از خاک مصلّی».[1]

---

۱ . در انتها شاعری با تخلّص«صفا» در تاریخ اتمام کتابت نسخه قصیده‌ای گفته در ۲۲ بیت:

آغاز: «حبّذا زین طرفه دیوان لوحش الله زین کتاب　　آفرین بر خواجه گو گفت این کتاب مستطاب».

انجام: «تا بود بر پا سپهر و تا فروزان ماه و مهر　　شه ز تخت و بخث برخوردار باد و کامیاب

خواست چون تاریخ اتمامش صفا گفتا خرد　　دوم از ماه صفر در طبع آمد این کتاب».

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۹۹ هـق. کاتب: احمد علی بن میرزا محمّد مشهور به حکـیم باشی مملکت فارس، کاغذ: نباتی، ۱۷۸گ، ۲۱/۸×۱۶/۵، جلد: تیماج زرشکی مستعمل، واقف: عی اصغر حکمت، تاریخ وقف: مهرماه ۱۳۴۰.

۲۲۹

دیوان حافظ

(۱۶۳۴۹)

نسخه دارای دیباچه محمّد گلندام، قصاید(که از انتها افتادگی دارد) غزلیّات، مثنویّات و سـاقی نامـه و رباعیّات است.

آغاز: «بسمله، حمد بیحد و ثنای بیعدد و سپاس بیقیاس حضرت خداوندی را».

انجام: «خاموش نشین که وقت خاموشی تست        دم درکش و جام باده را پر می کن».

نستعلیق ۲۱ سطری، تاریخ کتابت: هیجدهم شهر ذیقعدهٔ الحرام ۱۳۱۴، کاتب: محمّد باقر خوانساری، کاغذ: نخودی بعضاً زرافشان، عناوین به لاجورد، جداول اوراق به لاجورد و سرخی، ابتدای دیباچه و قصاید غزلیات مزیّن به گلبرگهای اسلیمی لاجوردی، دارای پنج مجلس رنگی به سبک دوره قاجار، و یک طرح مدادی در برگ آخر، ۱۶۰گ، ۲۰/۵×۱۵/۴، جلد: تیماج مشکی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۳۰

دیوان حافظ

(۱۶۸۶۰)

مشتمل است بر غزلیّات، مغنی نامه، ساقی نامه، مقطعات و مثنویّات که اواسط نسخه افتادگی دارد.

آغاز: «بسمله و به نستعین، الا یا ایها الساقی...».

انجام موجود: «دریغ درد تأسّف کجا دهد سودی

کنی نگه عمر ببازیچه رفت و بیحاصل».[1]

(ص ۷۶-۳۷۰)

این نسخه مصدّر است به ترجمه هزار و یک مسأله که بنا به اظهار کاتب«هزار مسأله»[2] اصل آن به سریانی بوده و بعد به عربی و فارسی ترجمه شده است. سوال و جواب‌های مختلفی در مورد قیامت، نکیر و منکر، کوه قاف، بیت المعمور، بهشت شدّاد، می‌باشد که بیشتر جنبه دینی دارد. صفحه آغاز آن افتاده است.

آغاز موجود: «کوشکها بر سر آنها نهاده است و آنچنان بود که عاد را دو پسر بود».

انجام: «نام آن ستونها است که از جواهر...[3]که این کتاب مسمّی بهزار مسئله بزبان سریانی و عربی بود، بفارسی نوشتیم تا بر خوانندگان و نویسندگان آسان بود... بر سهو و خطایی رفته باشد عفو و والدین کاتب را بدعای خیر یاد فرماید».

(ص ۱-۷۵)

نستعلیق ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی، ۱۸۵گ، ۲۱×۱۴/۲، واقف: حسین توکّلی مقدّم در تاریخ ۱۳۶۳/۱/۳۰ ش.

---

۱ . چند سطر صفحه آخر رطوبت رسیده و مخدوش شده است.

۲ . یک نسخه از«هزار مسأله» ضمیمه، تاریخ جهانگشای نادری، تحت شماره ۱۴۴۸۸ می‌باشد که در آغاز آن آمده: «که از تورات و انجیل و زبور برگزیده شده است».

۳ . نوشته نشده است.

۲۳۱

دیوان حافظ

(۱۴۵۱۶)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

آغاز موجود[1]: «حاصل ار گه کون و مکان این همه نیست

باده پیش آر که اسباب جهان این همه نیست».

انجام موجود: «دلها همه در چاه زنخدانش افتاد      وانگه سر چاه را به عنبر بگرفت».

نستعلیق ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هجری، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی، چند برگ ابتدایی وصّالی شده، ۱۶۵ گ، ۲۰×۱۴، جلد: تیماج فرسوده، واقف: سیّد محمدباقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۲۳۲

دیوان حافی هروی[2]

(۱۰۴۹۰)

نسخه‌ای است شامل مثنوی(در ۲۰۲ بیت)، غزلیّات بترتیب حروف تهجی از«الف» تا«ی» که«حرف دال آن» افتاده است. قصاید، قطعات و رباعیّات. از ملا حسن حافی هروی(- ۱۳۰۴ هـ.ق.) معاصر

---

۱ . قسمتی از برگ اوّل به جلد چسبیده است که فقط: «کتاب کلیات خواجه حافظ شیرازی علیه الرحمه، بسمله، ایها الساقی ادرکاساً و ناولها» آن باقی مانده و بقیه از بین رفته است.

۲ . در ج۹، ص ۱۴۳، فهرست رضوی تحت عنوان«دیوان صافی» معرفی شده است.

محمّد شاه قاجار و مدفون در مقبره شیخ صدوق در برگ ۵۱ این نسخه غزلی هست که در طرایق الحقایق، ج۳، ص۵۸۲ در انتهای شرح حال حافی آورده است با این مطلع:

«کون مکان بکام تو شد شد نشد نشد　　　شاه جهان غلام تو شد شد نشد نشد».

آغاز: «نیک دیدم عالم لاهوت را　　　عقل و نفس عالم ناسوت را».

انجام: شد خرابات خراب هیچ هیچ　　　زان سپس خود را خوش و آباد ساخت».

نستعلیق ۹ سطری، تاریخ کتابت: ۱۴ هـق. کاغذ: نباتی فرنگی، ۵۷گ، جلد: مقوّا، ۱۸×۱۱ س. م. خریداری آستان قدس رضوی در مردادماه ۱۳۴۹.

۲۳۳

دیوان حبیب خراسانی[1]

(۱۵۷۷۶)

از میرزا حبیب الله بن میرزا محمّد هاشم بن میرزا هدایت الله بن میرزا مهدی خراسانی شهید است(۱۲۶۶– ۱۳۲۷ هـق) نسخه کامل می‌باشد و در آغاز شرح حال مختصری از ناظم به قلم فتح الملک جلایر دارد. دو بار چاپ شده است.

آغاز مقدّمه: «شرح مختصری از زندگی مرحوم حاج میرزا حبیب خراسانی اعلی الله مقامه به قلم دانشمند محترم جناب آقای فتح الملک جلایر. همنشین اهل معنی باش تا هم عطا یابی و هم باشی فتی».

۱ . یک نسخه پیش از این معرفی شده است(ج۷، بخش۱: ۳۹۵).

انجام مقدمه: «این مختصر بتقاضا و پیشنهاد... حضرت آقا صالحی علاّمی دبیر عربی و ادبیّات شهرستانهای مشهد نگاشته شد. امضاء فتح الملک جلایر».

آغاز دیوان: «بسمله، ای تو مُسمّا و هر دو گیتی اسماء

بادا اسماء همه فدای مسمّاء».

انجام: «رخ فروزنده آفتاب صفت نیز دل همچو لب فزاینده».

نستعلیق کتابی ۱۵ تا ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: ۲۰ فروردین ماه ۱۳۲۸، کاتب: محمّد حسین(که از روی نسخه حاج عبدالرسول استنساخ شده است) کاغذ: خط دار فرنگی، ۱۲۹گ، ۲۰/۱×۱۶/۵ س.م. جلد: مقوّایی، واقف: مرحوم استاد مرحوم شهابی، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۶۶.

۲۳۴

دیوان حسین دهلوی[۱]

(۱۶۴۸۵)

از امیر نجم الدّین(جلال الدّین) (علاء الدّین) حسین بن علاء سجزی[۲] متخلّص به«حسن» (۶۵۳-۷۳۸ هـق) که وی در عُلوّ مقام همطراز امیر خسرو دهلوی و به«سعدی هندوستان» مشهور بوده است.

نسخه مشتمل بر غزلیّات بوده و از انتها و اواسط افتادگی دارد و در ابتدا یک صفحه شرح حال ناظم به قلم ابوالمحامد عرشی حیدرآبادی ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «مبتلا گشتم من بیچاره تا دیدم ترا ای بلانگیز ناگه از کجا دیدم ترا».

---

۱ . یک نسخه در ج۳، ص ۱۷۳ فهرست رضوی معرفی شده، و این دیوان در حیدرآباد دکن ۱۳۵۲ هـق. با مقدّمه مبسوط مسعود علی موی در مکتبه ابراهیمیه چاپ شده و نسخه فوق غزلیّاتش از دیوان چاپی بیشتر است.

۲ . مراجعه شود به تاریخ ادبیات در ایران، ج۳، بخش۲: ۸۱۸ که بحث مفصّلی راجع به سجزی و سنجزی کرده است.

انجام موجود: «زان پیش کاورد صبح از زر سرخ طشتی

در ده صبا حیانرا از آب لعل طاسی».

نستعلیق ۱۳ سطری، دو ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۰ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: متن و حاشیه شده، متن: حنایی موریانه خورده، حاشیه: صورتی صفحه اوّل دارای سرلوح مذّهب و منقّش رطوبت دیده و فرسوده، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد که بعضاً از بین رفته، ۱۳۹گ، ۲۲×۱۴ س. م. جلد: مشمع رنگین هندی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۳۵

دیوان حقایقی

(۱۵۶۵۴)

اشعاری است از سید محمّد علی بن حسن حقایقی کدکنی(معاصر) که در خداشناسی، پند و موعظـه، محبّت علی بن ابی طالب علیه السلام، مدح امام زمـان(عـج)، تولـد حضـرت سـید الشـهدا(ع)، امـام هشتم(ع)، در قدردانی از زحمات مادر، وصف بهار، جنگ تحمیلی و غیره سروده است.

آغاز: «بسمه تعالی، اوّل دفتر به نام ایزد یکتا شروع

می‌کنم ابیات و اشعاری کتابت هم جموع».

انجام: «به بخشد عفو عصیانم نماید          چه بیند شافع هستی بوترابم».

نستعلیق ۹ سطری، کاتب: ناظم(حقایقی)، تاریخ کتابت: ۱۳۶۶ ش. کاغذ: خـط دار مشـقی، ۱۶۲گ، ۲۰/۳×۱۶، جلد: مشمع قرمز، واقف: ناظم(محمّدعلی حقایقی کدکنی) در دی ماه ۱۳۶۶.

۲۳۶

دیوان حیاتی کرمانی[1]

(۱۶۱۸۹)

از بی‌بی جان حیاتی کرمانی، خواهر رونقعلی شاه و زوجه نور علیشاه در گذشته ۱۲۱۳ هـ.ق. شامل مقدّمه و قصیده و غزلیّات ترجیع و ترکیب‌بند، مخمّس، مثنویّات است. از مقدّمه دیوان برمی‌آید که در نثر نویسی نیز توانا بوده، نسخه ما متأسفانه از ابتدا افتاده و انتهایش را کاتب ناتمام گذارده است.

آغاز موجود: «سرم را متکّاء زانوی فکرت          گریبانم فراش استراحت.

عمریست که ذرّه‌وار هوادار آن مهرم که آفتاب عالم تاب از عکس جمالش تابیست و ماه شب‌افروز بر عزار تمثالش حجابی».

انجام موجود: «بمن ده که بزداید از دل غمم          فزاید بجان عشرتی هر دمم».

(ص ۱-۹۱)

ضمایم عبارتند از:

۱. قصّه اصحاب کهف و محاربه حضرت امیر با یهود(عربی).

آغاز: «روی ابواسحق احمد بن محمّد بن ابراهیم الثعلبی فی کتاب العرایس».

انجام: «محمداً رسول الله و انک عالم هذه الامۀ». (ص ۹۲-۱۱۱)

۲. مناجات خواجه عبدالله انصاری و... مثنوی کرامت قبر حاتم طایی

آغاز موجود: «اگر یک کس از دوستان او تو را قبول کرد».

انجام: «آخر کارش بولایت کشد، والسلام». (ص ۱۱۳-۱۳۸)

---

۱ . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: مجله ارمغان، ۶: ۲۵۵ و ۱۵: ۱۵۶، زنان سخنور، ج۱: ۱۷۳، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۳: ۲۳۰۳، طرایق الحقایق ج۳: ۲۰۲.

۳. نصاب، از ابتدا افتادگی دارد، فصل‌بندی شده و هر فصل مربوط به چیزی است از«فصل در زمین و اجزای آن» آغاز، و با«علّتها»، «رنگها»، «طعامها»، «داروها» ادامه و با فصل«در متفرقات» انجام می-پذیرد.

آغاز موجود: «سناء شعاع است زو روشنی».

انجام: «بخ بخ نیکا و طوبی لک خنک باد ترا».

شکسته نستعلیق تحریری و نسخ سده سیزدهم هجری، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی، ۱۱س، ۱۱۱گ، ۱۵×۹، جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۳۷

دیوان خاقان[۱]

(۱۵۸۹۵)

از فتحعلی شاه قاجار فرزند حسینقلی خان جهانسوز متخلّص به خاقان(۱۲۱۲–۱۲۵۰ هـ.ق.) شامل اشعار وی با دیباچه محمّد صادق همان مروزی، نسخه ما از انتها افتادگی دارد و دیوان مزبور چاپ شده است.

آغاز: «بسمله، ناظم العوالم بدیع المناظم».

انجام موجود: «ترک ما بهر دیگران تا کی          یکزمان ترک جور با ما کن».

نستعلیق خوش ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی، عناوین به شنگرف، دارای سرلوح مذهّب و منقّش، جداول و کمند به زر تحریردار و لاجورد، بین السطور دو

---

۱. یک نسخه در ج ۷: ۳۹۹ فهرست رضوی معرفی شده است.

صفحه اوّل طلااندازی، حاشیه دو صفحه اوّل تشعیر گل و بوته اسلیمی، ۴۴۰گ، ۲۸/۶×۲۰، جلد: میشن دارچینی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۳۸

دیوان خاقانی شروانی[1]

(۱۶۲۵۲)

از افضل الدّین بدیل(ابراهیم) بن علی خاقانی حقایقی شروانی(۵۲۰–۵۹۵ هـ‍ق) شامل قصاید و غزلیّات و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و غیره از ابتدا افتادگی داشته و به ترتیب حروف تهّجی نیست.

آغاز: «بخون ساده ماند اشک و خاک و سوده ارواح

مگر رخ مغل پیکانست و اشکم لعل پیکانی».

انجام: «بهر قران و بهر دور چون منی ناید          بروزگار چو من کس بروزگار آید».

نستعلیق ۲۵ سطری، تاریخ کتابت: ربیع الاخر سنه ۱۲۴۹، کاتب: ملاّ غلامعلی هندی، (این نسخه برای عباس بیگ جلودار ولد زین العابدین نوشته شده است)، کاغذ: شکری، عناوین: به سرخی، جداول اوراق به نقره تحریردار و لاجورد و سرخی، کمند به سرخی، ۱۰۰گ، ۲۹/۵×۲۰، جلد: یکطرف تیماج اسقاطی، طرف دیگر روغنی با گل و بوته و ترنج و سرترنج ریخته شده و فرسوده و مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷. (در حاشیه اوراق معانی و توضیحات لغات بعضاً آورده شده است».

۲۳۹

---

۱ . ۹ نسخه در ج ۷: ۳۹۹–۴۰۴ و دو نسخه در ج ۹: ۱۳۵ فهرست رضوی معرفی شده است.

دیوان خاقانی

(۱۶۴۷۴)

مشتمل بر قصاید، غزلیّات، ترجیعات، مقطّعات، رباعیّات، فردیّات است.

آغاز: «بسمله، دل من پیر تعلیمست و من طفل زبان دانش

دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش».

انجام: «در باغچه عمر ای لاله نروید    نه سرو نه سبزه ماند ای لاله نروید

نظم خاقانی سه‌شنبه شد تمام    ختم کن و الله اعلم بالکلام».

نستعلیق خوش ۱۹ سطری، دو ستونه و در حاشیه به طرز چلیپا، اندازه نوشته: ۲۲×۱۰/۵ س. م. تاریخ کتابت: ۲۵ صفر المظفر ۱۳۰۹، کاتب: محمّد حسن بن محمّد رحیم الکوهینی، کاغذ: نباتی آهار مهره، ۱۷۷گ، ۳۴/۳×۲۱/۲ س. م. جلد: تیماج خرمایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۴۰

دیوان خاوری

(۱۰۳۶۹)

مشتمل است بر آثار منظوم میرزا معصوم کوزه کنانی تبریزی متخلّص به خاوری از شاعران و عرفای قرن سیزدهم هجری که خود را از نسل مولانا شمس الدین تبریزی می‌داند[1] به شرح زیر:

۱. تحفهٔ الحرمین، مثنوی است که بعد از مراجعت از مکّه، به پیروی از جامی و نظامی[1] و به بحر مثنوی قران السعدین امیر خسرو دهلوی سروده و به خاقان مغفور(فتحعلی شاه) تحفه نموده است.

---

۱ . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به مجمع الفصحا، ج۴، ص۲۸۳، طرایق الحقایق، ج۳، ص۲۵۵.

آغاز موجود: «بر رخ اخوان در احسان گشاد    راتبه شان در خور احسان نهاد».

انجام: «تا به ابد باد شکفته گلش    و انجمن آرای چمن بلبلش».

(ص ۱-۱۶۶)

۲. احسن القصص یا«یوسف و زلیخا»[2]که بر وزن مثنوی یوسف و زلیخای جامی(بحر هزج مسدّس مقصور) می‌باشد.

آغاز: «کهن افسانه سنج این حکایت    چنین کرد از سخن سنجان روایت».

انجام: «به رحمت آن کسی کآرد ز من یاد    هزاران رحمت ایزد بر او باد».

(ص ۱۶۸-۲۷۷)

۳. ترکیب‌بند(۱۱ بند در صفت اکلیل شاهی و سطوت سپاهی، دارالخلافه، بارگاه، جلوس شاه بر او رنگ ملک، بزم عیش و صفت آتش بازی، مدح شاهزاده...)، قصاید، غزلیّات، رباعیّات.

۴. مثنوی در پند و اندرز:

آغاز: «شبی در جوانی به اغوای بخت    به مادر زدم خشمگین بانک سخت».

انجام: «ز نظم کسان عیب جو بُرد وام    که این شعر سست است و آن فکر خام».

۵. مثنوی«نصیحت النظام» در موعظه و پند.

آغاز: «ای باد صبا اگر توانی    بگذر به قلمروی که دانی».

---

۱ . چنان که خود می‌گوید: «دل که درین ره پی جامی گرفت  نغمه به آهنگ نظامی گرفت». و در مورد نام مثنوی می‌گوید:

«مفتی دین قاضی دین است این    تحفه بین الحرمین است این».

۲. این مثنوی در فهرست مجلس، ج۸، ص۴۷۰، به میرزا فضل الله بن عبدالنبی خاوری شیرازی نسبت داده شده که به علّت ناقص الطرفین بودن نسخه بوده و این اشتباه به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۴، ص ۳۳۴۱ و الذریعه، نیز راه پیدا کرده است. و چنان که در مقدمه«مهر خاوری» کتاب دیگر«خاوری کوزه کنانی» مسطور است«بنده کم نام معصوم خاوری چون از نظم کتاب مستطاب احسن القصص که عوامش به یوسف و زلیخا تعبیر کنند فراغتی حاصل کرد» این شبهه(که ناظم خاوری شیرازی است) را برطرف می‌کند.

انجام: «این نامه که شد بلند نامش        شد نام نصیحت النظامش».

(ص ۴۶۷-۴۸۹)

۶. ترکیب‌بندی به پیروی از ترکیب‌بند محتشم کاشانی در سوگ حضرت سیدالشهداء علیه السلام و عاشورا در ۱۱ بند.

آغاز: «در عرصه زمانه دگر این چه ماتم است

کاشوب از آن فتاده به ارکان عالم است».

انجام موجود: «آخر نه ما سلاله پاک پیمبریم        کآفاق بر طهارت دامان ما گواست».

نستعلیق ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده سیزدهم و اوایل ۱۴ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری، عناوین به شنگرف، دارای کمند، جداول اوراق به اکلیل تحریردار و لاجورد، ۲۴۷گ، ۲۱×۱۴/۵ س. م. جلد: روغنی مرقش مستعمل، برون دارای ترنج و سرترنج، حاشیه گل و بوته، درون گل زنبق در زمینه لاکی که از بین رفته است، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۲۴۱

دیوان خدیو

(۱۴۷۹۲)

از میرزا مهدی گیلانی متخلّص به خدیو و معروف به میرزا خدیو(- ۱۳۰۹ هـق)[1] می‌باشد. وی از فضلا و ادبای دوره قاجاریه بود که در علوم متداوله زمان خود(هیأت، نجوم، طب، و الهیّات و طبیعیات

۱ . برای اطّلاعات بیشتر مراجعه شود به طرایق الحقایق، ج۳، ص۵۵۰ و تاریخ رجال ایران، ج۶، ص۲۷۰.

و ریاضیّات) دستی داشته و در سرودن اشعار فارسی و عربی توانا بوده است. اشعاری که در طرائق الحقایق آمده در دیوان وی مشاهده نشد امّا سبک و سیاق آن به شعرهای عارفانه وی می‌ماند.[1]

این نسخه مشتمل بر غزلیّات و ترجیع بند و مثنویّات است.

آغاز: «بسمله، ای دل تو مگر یافته پیر مغان را

هر لحظه در آغوش کشی مغبچه‌گان را».

انجام: «رسد از صفا بگوش و دلت     آن زمان این ترانه از چنگم

انت هو و هو هو و نحن هو     و هو الله لا هو الاّ هو».

نستعلیق تحریری، ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: ۱۸ شوّال ۱۲۸۸، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، لغات قصاید عربی بعضاً در حواشی معنی شده است، ۵۶گ، ۲۳×۱۴/۵ س. م. جلد: گالینگور با عطف و گوشه تیماج، واقف: سیّد محمد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرّم الحرام ۱۴۰۵.

۲۴۲

دیوان خرد

(۱۶۴۱۶)

از مصطفی قلی بن ناصرالدّین متخلّص به خرد[1] از شاعران دوره قاجاریه که از خاقانی بسیار متأثر بوده و بر وزن و قافیه قصاید خاقانی اشعار زیادی سروده است.

---

۱ . خدیو در بغداد در حلقه ارشاد غلامعلی خان هندی در آمد و خود مریدی مانند حاج میرزا حبیب مجتهد خراسان را داشت که قصیده‌ای در مدح مراد خویش دارد که:

«جان فدای خدیو کشور دل     ختم شعرم به نام او افتاد

که به هر نکته‌ایست او مقصود     که به هر صنعتی است او استاد».

این نسخه شامل قصاید، ترکیب‌بند، مسمّط، قطعه و رباعی به عربی و فارسی در مدح ائمه اطهار علیهم السلام و نیز حکمرانان معاصر وی می‌باشد.

آغاز:[2] «بسمله، ای شهنشاه دو کیهان صفت فوق تمام

ای امام ابن امام ابن امام ابن امام».

انجام: «من کیم کمتر ز زر یا حسرتا کز ابلهی

خویش را در تلو مردان کفاه آورده‌ام».

شکسته نستعلیق ۱۱ تا ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۹۸ تا ۱۳۱۰ هـ‍.ق. کاتب: ناظم(خـرد)، محـلِّ کتابت و نظم: اصفهان(در آغاز بعضی قصاید محل سرودن را ذکر کرده است)، کاغذ: شکری، ۲۲۳گ، ۲۰/۵×۱۲/۵ س. م. جلد: تیماج دارچینی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۴۳

دیوان خواجوی کرمانی[3]

(۱۶۱۲۰)

---

۱ . راجع به این شاعر جستجوی زیادی شد، امّا اطلاعات لازم بدست نیامد. ولی در برگ ۱۶۹پ، ناظم به خط خود نوشته است: «چـون قصـاید و غزل و قطعه و رباعی که گفته بودم همه را طرح کرده و دور انداختم و آنچه قصاید و غیرها در مدح و ثنای آقایان... خداوندِ عالم یـاری فرمـد در این دو روز آخر عمر که این سنه حاضر... چهل و نه سال از تولد خود فقیر گذشته است قصیده و شعری در مدح آقایـان خـود عـرض شـد در این چند ورقه بعد نوشته می‌شود بعون الله تعالی... سنه ۱۲۹۹ مصطفی قلی بن ناصرالدین متخلّص به خرد» کـه از یادداشـت تـاریخ تولـد شـاعر ۱۲۵۰ هـ‍.ق. بدست می‌آید.

۲ . در ظهر صفحه اوّل نیز رباعیی ذکر شده است به این عبارت: «این رباعی از مرحوم مغفور جدّ امجد شاهزاده اسعد حـاجی محمّـد ولـی میـرزا نورالله مضجعه در اصفهان از امیرالامرا قدم علی آقا دَوّلو شهیر به جارچی باشی اصغاع گشت بـه جهـهٔ یادگـار قلمـی شـد فـی ۱۶ ربیـع المولـود ۱۳۱۰ق.

عباس ولی عهد بلشکر نازد شهزاده شیراز بزیور نازد

شهزاده محمّد علی و مملکتش این ذرّه بشاه ذرّه پرور نازد

محمّد ابن محمّد حسین خان.

۳ . دو نسخه در جلد هفتم، صص ۴۱۱-۴۱۲ فهرست رضوی معرفی شده است.

از کمالّ الدین ابوالعطا محمود بن علی بن محمود مرشدی کرمانی(۶۸۹-۷۵۳ هـق). این نسخه شامل کتاب الشوقیات است یعنی فقط غزلیّات دیوان بدیع الجمال را دارا می‌باشد.

آغاز: «بسمله، کجا خبر بود از حال ما حبیبان را          که از مرض نبود اگهی طبیبان را».

انجام: «خواجه به جز از دیدن آن سرو خرامان          دیگر نکند میل خیالات بسویی».

نستعلیق ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، ۶۹گ، ۱۸/۷×۱۲ س.

م. جلد: مشمع زرشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۴۴

دیوان خورسند

(۱۶۰۸۴)

شامل مثنویّات و غزلیّات(۲۴ غزل در بین مثنوی) یک مخمّس و رباعیّات.

از شاعری با تخلص خورسند(سده ۱۴ هـق.) است که غزل و مثنوی کوتاه در رثاء و سال فوت میرزا یحیی سرخوش تفرشی(۱۲۷۷- صفر المظفر ۱۳۳۸ هـق) سروده و همچنین غزلی در سوگ فاضل مازندرانی و رثای فرزندش منوچهر دارد و نیز در مثنویی شرح حال زندگیش را بیان کرده که در کودکی مادرش را از دست داده و تحت سرپرستی مادربزرگ و دایی‌اش عطاء الله قرار گرفته است.

آغاز: «بنده کی ذات تو را توصیف بتوان نمود          یا گره زین معضل پر پیچ و خم خواهد گشود».

انجام: «آزادی طریق دیانت بحکم عقل

مستوجب رضای خدا هست و محض عدل».

نستعلیق ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق.، کاتــب: نــامعلوم، کاغــذ: فســتقی فرنگــی، ۴۰گ، ۱۴/۲×۲۰/۳ س. م.، جلد: مشمع قرمز، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۴۵

دیوان داور

(۱۶۴۱۴)

مجموعه‌ای از غزلیّات و رباعیّات و ترکیب‌بند در مصیبت حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و نوحه به نظم و نثر، احتمالاً از شیخ محمّد مفید بن محمّد نبی بن محمّد کاظم بن شیخ عبـدالنبی[1] [۱۲۵۱(۱۲۵۰)-۱۳۲۵ هــق.] مؤلّف تذکره مرآة الفصاحه و متخلّص به داور می‌باشد. اشعار این دیوان با اشعاری که در شرح حال وی آمده مقایسه شد ولی در دیوانی که معرفی می‌شود مشاهده نگردید. امّا تخلّص«داور» در تمام غزلیّات است و به احتمال قوی، ناظم مؤلّف مراة الفصاحه می‌باشد.

آغاز: «بسمله، قصیده در تیغ امیر خسرو، تغزلش در بیوفایی دهر بیمدار و پند صاحبان ابصار... .

ای تن خاکی که نفست پادشاه کشور است

هان و هان هشدار کو از رهزنان رهزنتر است».

در میانه دیوان نامه‌هایی به نظم و نثر ضمیمه می‌باشد به شرح زیر:

«رقعه‌ای از شمیران طهران به مرحوم مغفور میرزا تقی آقا علی آبادی نوشته شـد. بسـم الله الـرحمن الرحیم، ای سرافیل قیامت گاه عشق اکنون که خامه‌ام با آمه هنگامه را گرم دارند بامم به شام رسـیده صبحم به عصر کشیده، اینک هنگام عصر است و العصر انّ الانسان لفی خسر، آری چون زیان برتر از

---

۱ . برای اطلاع بیشتر از شرح حال ناظم، مراجعه شود به تاریخ تذکره‌های فارسی، ج۲، ص ۲۴۷؛ آثـار عجـم، ج۲۶؛ مجلّـه یادگـار، س ۶ و ۷، ص ۵۴؛ تاریخ رجال ایران، ج۶، ص ۲۶۶.

آن که چون عصر از صبح وصالت دور و چون سایه از آفتاب جمالت مهجورم ذالک خسران المبین...»، «رقعه‌ایست که به یکی از دوستان روحانی و رفیق شفیق دو جهانی از شکایت نفس اماره در عصیان و طغیان و بی‌طاعتی آن از روی تحسرّ و تحیّر نوشته آمد»، «جواب مراسله‌ایست که جناب قدسی انتساب فخر المحققین استادی آخوند ملاّ محمّدتقی نوری دونائی که معلّم حقیر بود با ملک زادگان هنگام تابستان به تفرّج کوهسار رفته از آنجا نوشته بود. سوده محبت انگیز است که به حضرت حاجی محمّد حسن قمیشه نوشته بودم...».

در انتها، مثنوی مسمیّ به«اسرار داور» در ۳۹ صفحه ضمیمه می‌باشد.

آغاز مثنوی: «عشق از نو داستان پرداز شد          مژده ایدل باز دستان ساز شد

شهر دل شد تخت گاه شاه عشق          سینه آمد عرصه خرگاه عشق».

انجام: «کارمعشوقان همه خون ریختن          کار عاشق مر به خون آمیختن».

نستعلیق ممتاز ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۲۳ شوال المکرم سنه ۱۲۸۳، کاتب: نامعلوم، کاغذ: فرنگی حنایی، جداول اوراق صفحات اوّل به زر، صفحه نهم از ابتدا، تمام مذهّب و مرصّع بین السطور طلااندازی دندان موشی مزیّن به گل و بوته، ۱۰۲گ، ۲۱/۴×۱۳ س. م. جلد: تیماج دارچینی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۴۶

دیوان داور

(۱۶۱۳۵)

نسخه کامل شامل غزلیّات و رباعیّات و ترکیب‌بند و نامه‌ها و مثنوی اسرار داور[1] اســـت. در داخـــل نسخه، یادداشتی مبنی بر این که این کتاب به خط فتحعلی شیرازی اتمام پذیرفت، و در اوراق بدرقه، یادداشتی کوتاه از محمود بن حاجی محمّد علی تاجر بار فروش در سال ۱۲۷۷ هــق. دارد که به بهانه دیدن محمّد مهدی خان نوشته است.

آغاز و انجام: «مانند شماره پیش».

نستعلیق تحریری ۲۰ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری، عنــاوین و جداول اوراق به سرخی، ۷۶گ، ۲۰/۵×۱۶/۵ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی مستعمل، دارای ترنج و سرترنج و چهار لچکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۴۷

دیوان داور

(۱۶۳۲۸)

از ابتدا و انتهای نسخه یک ورق افتاده است. شامل غزلیّات و رباعیّات و... مثنوی اسرار داور.

آغاز موجود: «رو سپید از رزم شیطان بازمانی تا ترا

دل سیه از سیم و سر آشفته از عشق زر است».

انجام موجود: «تا نبیند رنج دوک چرخ ریس        پنبه کی شد زینت دوش رئیس».

---

۱ . در نسخه به صورت«اصرار دآور» ضبط شده است.

نستعلیق خوش مخلوط به شکسته، ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: آبی، ۱۰۲گ، ۲۰/۵×۱۵ س. م. جلد: تیماج خرمایی یک لا، واگذاری بنیـاد مستضـعفان در شـهریورماه ۱۳۶۷.

۲۴۸

دیوان رشید و طواط[1]

(۱۶۶۵۴)

نسخه کامل است، فقط چند برگی از اواسط افتادگی دارد. شـامل قصـاید و ترجیعـات و ترکیبـات و مقطّعات و رباعیّات که به ترتیب حروف تهجی نیست. از رشید الدّین محمّد بن محمّد بن عبدالجلیل کاتب بلخی معروف به رشید و طواط متوفی در ۵۷۳ یا ۵۷۸[2] هــق. دیوان اشعار ضمیمه حدایق السحر به کوشش سعید نفیسی به چاپ رسیده است.

آغاز: «بسمله، ای جاه تو فراخته اعلام کبریا　　صافی است اعتقاد تو از کبر وز ریا».

انجام: «گر، هیچ ز منزلِ بقا برخیزیم　　کس نیست که در ماتم ما بنشیند».

نستعلیق آمیخته به شکسته، ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغـذ: شـکری فرنگی آهاری، ۲۳۹گ، ۱۹/۵×۱۱/۷ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۶۷.

۲۴۹

دیوان ریاضی

---

۱ . یک نسخه در ج۷، ص ۴۱۵، فهرست رضوی معرفی شده است و نام کتاب در شناسنامه«دیوان ناصح» معرفی شده بود که اصلاح گردید.

۲ . صاحب«معجم الادبا» و«روضات الجنات» و«کشف الظنون» سال فوت را ۵۷۳ و تقی الدّین کاشی ۵۷۸ نوشته‌اند.

(۱۶۶۶۳)

مشتمل بر مقدّمه‌ای نیمه تمام، قصاید، غزلیّات، هزلیات، مثنویّات و ساقی نامه از شاعر دوره قاجاریه متخلّص به ریاضی می‌باشد.

آغاز مقدّمه: «بسمله، سپاس نامحدود و ستایش نامعدود مختص ذات پاک حضرت ایـزد بـی‌قیاسـی است... ناصرالدین شاه... خلّد الله ملکه و دولته اما بعد چون اخترشناسان سپهر سخن و نکته سنجان قواعد نکات دقیقه...».

آغاز دیوان: «بسمله، از من چه خطایی سر زد کز ضربت چوگانها

سرگشته و حیرانم چون گوی به میدانها».

انجام: «زیب بخش دولت و دولت مدامت برقرار».

شکسته نستعلیق ممتاز، ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: آبـی، ۷۲گ، ۱۰×۱۷ س. م. جلد: مقوّایی، خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۶۷.

۲۵۰

دیوان ساغر

(۱۶۱۳۶)

شامل غزلیّات، رباعیّات و فردیّات به ترتیب حروف تهّجی با مضمون عاشقانه و عارفانه از میرزا جعفر ساغر کنگاوری قصر شیرینی از شاعران زمان قاجار(سده ۱۳ هـق.) که اصلش از قصبه قصر اللّصوص که مشهور به کنگاور است بود در مدینه و مصر و کربلای معلّی و نجف اشرف اکتساب فقه و اصـول

کرده و مدّتی در اصفهان به سر برد، میرزا اشرف برادر کوچکتر ناظم، منشی محمود میرزا قاجار(۱۲۱۴- ۱۲۷۱ هـ‌ق.) بوده است.[۱]

آغاز: «ای نام تو زیب داستانها     رونق ده دفتر بیانها».

انجام: «بوستان سبز و هوا دلکش و دلبر ساقی     زاهد انصاف بده می نخورم می‌شود این».

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۴۸ هـ‌ق. کاغذ: نخودی رطوبت رسیده و وصّالی شده، دارای سرلوح به اکلیل و شنجرف، جداول و کمند اوراق به زر تحریردار، قسمت پایین اوراق بعضاً وصّالی شده است، جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی با ترنج و سرترنج مستعمل، ۱۰۱گ، ۱۹/۵×۱۱/۵ س.

م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۵۱

دیوان سروش

(۱۲۶۷۵)

منتخب مفصّلی است از قصاید و مدایح، به ترتیب حروف تهّجی و مسمّطی در مدح ناصرالدّین شاه و میرزا تقی خان اتابک و تعدادی غزلیّات، از شمس الشعرا میرزا محمّد علی خان متخلص به سروش فرزند قنبر علی سدهی اصفهانی(۱۲۲۸-۱۲۸۵ هـ‌ق.) دیوان سروش با مقدّمه استاد جلال الدّین همابی و به اهتمام محمّد جعفر محجوب در دو جلد به چاپ رسیده است.

آغاز: «از باغ ببردند فرش دیبا     از راغ ستردند نقش زیبا».

انجام موجود: «هنگام قسم دست نهادی به شکم     گفتی به سر عزیز سرهنگ قسم

---

۱ . برای اطّلاع بیشتر مراجعه شود به فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۰، ص ۱۷۶۹، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۳، ص ۲۳۴۳؛ سفینة المحمود، ج۱، ص ۳۷۳.

در کار تو آن نشان سرهنگی نیست          مام تو نخست زاده سرهنگ ترا».

نستعلیق و شکسته ۲۰ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، کاغذ: فرنگی مشقی، اشعار با جوهر بنفش، عناوین به سرخی، ۱۸۰گ، ۱۹/۸×۱۲/۵ س. م. جلد: مشمع سبز با عطف و گوشه تیماج، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۲۵۲

دیوان سلمان ساوجی

(۲۳۶۵۹)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و بهم ریخته است. متن شامل غزلیّات، قصاید، در حاشیه مثنوی فراق نامه نوشته شده است(فقط نیمی از اوراق حاشیه آن نوشته شده).

آغاز موجود: «از حمل طالع خورشید شود روز افزون          وین هم از طالع شاهنشه دوران باشد».

انجام موجود: «من بیدل کجا پنهان کنم دل          که آن ایمن ز یغمای تو باشد».

آغاز فراق نامه: «بنام خدایی که با تیره خاک          برآمیخت این جوهر جان پاک».

نستعلیق ۱۳ سطری، حاشیه ۲۶ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۰ هـق. کاغذ: نخودی، بعضاً وصالی شده، عناوین و جداول اوراق به شنگرف، عناوین به سیاهی، عنوان فراق نامه درون یک سرلوح کوچک و ظریف و مذّهب به زر و لاجورد در حاشیه، ۳۹۳گ، ۲۴×۱۷ س. م. بدون جلد، خریداری آستان قدس در اسفندماه ۱۳۷۵.

۲۵۳

دیوان سلمان ساوجی[1]

(۱۲۰۰۴)

نسخه‌ای است مشتمل بر قصاید، مراثی، ترجیعات، غزلیّات، رباعیّات، مفردات از جمال الدّین سلمان بن محمّد ساوجی متوفی ۷۷۸ هـ.ق.

آغاز: «هر دل که در هوای جمالش مجال یافت عَنقای همتش دو جهان زیر بال یافت».

انجام: «نمی ارزد این خود تنعم بدان که در آخر خشت بالین کنی».

نستعلیق خوش، ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـ.ق. (تعدادی از اوراق ابتدای نسخه قدیمی‌تر بنظر می‌رسد) کاغذ: حنایی و نخودی، صفحه اوّل نو نویسی شده، ورق دوم قسمتی از آن از بین رفته که وصّالی شده است بین السطور(صفحه دوم) طلااندازی دندان موشی، جداول اوراق به زر و لاجورد، عناوین به سرنج، ۳۴۵گ، ۲۲×۱۳ س. م.، جلد: روغنی، برون مرقش با نقش گل سرخ، درون در زمینه سبز شاخه گل نرگس، علم عبدالعلی بروسان در سال ۶۱، واقف: سیّد جلال الدین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۲۵۴

دیوان سنایی[2]

(۱۶۲۲۱)

این نسخه مشتمل است بر شرح حال مختصری از ناظم، قصاید، مسمّط، ترکیب‌بند، غزلیّات به ترتیب حروف الفبا، رباعیّات، مقطّعات از شاعر و عارف بزرگ سده ششم هجری حکیم سنایی.

---

۱ . چهار نسخه در ج۷، ص ۴۲۴ تا ۴۲۷ و دو نسخه در ج۹، ص ۱۳۹ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . یک نسخه در ج۷، ص ۴۲۷ و یک نسخه در ج۹، ص ۱۴۰ فهرست رضوی معرفی شده است.

آغاز: «بسمله، ای منزه ذات تو عمّا یقول الظالمون    گفت علمت جمله را ما لم تکونوا تعلمون».

انجام: «به زان نُبدی که اندرین دهر خراب    نه آمدمی نه بدمی نه شدمی».

نستعلیق خوش، متن ۱۹ سطری، حاشیه ۴۰ سطری، تاریخ کتابت: جمادی الثانی ۱۳۱۳، کاتب[۱]: محمّد رحیم بن محمّد حسن الکوهینی تفریشی، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، ۱۵۷گ، ۳۵×۲۱/۸ س. م.

جلد: تیماج عنّابی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۵۵

دیوان سیف الّدین اسفرنگی[۲]

(۱۶۶۶۸)

سیف الدّین احمد بن محمّد، مشهور به«اعرج» (به دلیل لنگ بودن)، در اسفرنگ یا اسفره از توابع سمرقند متولد شد. تاریخ تولّد و درگذشت وی جای بحث است در یک قطعه تولد خود را ۵۸۱ هـق.[۳] می‌گوید و ذبیح الله صفا گفته است سال ۵۷۱ نیز می‌توان خواند.[۴] گلچین معانی در ج۷ فهرست درگذشت وی را به نقل از عرفات العاشقین ۵۷۳ می‌داند. که با توجه به مدایح شاعر در مورد سنجر ثانی، سلطان علاء الدّین محمّد بن تکش(۵۹۶-۶۱۷ هـق.)[۵] و این که لقب سنجر بعد از فتح ختا به سال ۶۰۷ به محمّد خوارزمشاه داده شده است گفته عرفات العاشقین و گلچین معانی درست نمی‌نماید

---

۱ . کاتب نسخه را حسب فرمایش آقا میرزا علی خان خلف آقا میرزا عبدالوهاب نوشته است.

۲ . یک نسخه در ج۷، ص ۴۲۹ فهرست رضوی معرفی شده است.

۳ . «مراد مادر پس از تاریخ هجرت بسال پانصد و هشتاد و یک زاد». ص ۵۴۴، دیوا چاپی، تصحیح زبیده صدیقی، پاکستان، ۱۹۷۹م. / ۱۳۵۷ ش.

۴ . تاریخ ادبیات، صفا، ج۲، ص۷۹۷.

۵ . «دیباچه کارنامه ملک شد ختم بنام شاه سنجر    یعنی که علاء دولت و دین سلطان مجاهد مظفّر».

و تاریخ درگذشت وی ظاهراً نیمه دوم قرن هفتم می‌باشد(۶۶۶؟) از شاعران معاصر وی که در دیوانش منعکس شده است سیف الدّین باخرزی، شمس حدّادی معروف به شمس خاله و بیلقانی... می‌باشند. این نسخه از ابتدا و انتها و اواسط افتادگی دارد[1] و شامل قسمتی از قصاید وی است.

آغاز موجود: «عرصه جاه تو چون کوه سپهر باد فارغ ز نشیب و بالا».

انجام موجود: «پس حجاب عدم کوه قاف پنهان شد ز بار سایه حلمش چو حرف در ادغام».

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۱ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: الوان بعضاً وصّالی شده و شکننده، ۷۵گ، ۱۷/۲×۱۰ س. م. جلد: ندارد، خریداری آستان قدس رضوی در دی ماه ۱۳۶۷.

۲۵۶

دیوان شاهی سبزواری[2]

(۱۶۲۲۷)

مشتمل است بر غزلیّات از امیر آقا ملک بن جمال الدّین فیروزکوهی سبزواری متخلّص به «شاهی» از غزلسرایان سده نهم هجری و متوفی ۸۵۷ هـ.ق. دیوانش بارها به چاپ رسیده است.

آغاز: «یارب بسوزِ سینه رندان پاکباز یارب به آب دیده مستان بانیاز».

انجام: «در کوی وفایت چو تنم خاک شود زانجا نتواند که رباید بادم».

نستعلیق متوسط ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۸، محلّ تحریر: حیدرآباد، کاتب: غلام رسول...[3]، کاغذ: حنایی کرم خورده، جداول اوراق به سرخی، صفحه اوّل دارای سرلوح منقّش ساده

---

۱ . به همین علت در شناسنامه «دیوان نظام» نامیده شده بود که توسط جناب آقای عرفانیان شناسایی گردید.

۲ . یک نسخه در ج۷، ص ۴۳۰ و یک نسخه در ج۹، ص ۱۰۹ فهرست رضوی معرفی شده است.

۳ . بقیه نام کاتب تراشیده شده است.

ابتدایی با سیاه قلم، ۳۶گ، ۲۰/۳×۳۳/۲ س. م. جلد: مقوایی، با عطف و گوشه تیماج فرسوده کـرم خورده، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۵۷

دیوان شعر[۱]

(۱۶۲۴۵)

مجموعه‌ای است از اشعار حماسی دینی، از ناظمی ناشناس، نسخه از ابتـداء و انتهـا افتـادگی دارد و مشتمل است بر:

۱. مثنوی در بحر تقارب، داستان اسارت حضرت امام حسن و امام حسین علیهم السلام در کودکی به دست مالک گبر و جنگ حضرت علی(ع) با مالک و حارث و سهیل و مسلمان شدن آنها.

۲. مثنوی داستان انتقام خون امام حسین(ع) به وسیله ضریر خزاعی از یزید علیه اللعنه و جنگ محمّد حنفیه و ابراهیم مالک با یزید و عمر بن علی با فضل جعفر با ابن زیاد.

۳. مثنوی در بحر خفیف مخبون محذوف، داستان فتح قلعه خیبر بدست حضرت علی(ع).

۴. مثنوی در بحر خفیف مخبون، داستان جنگ حضرت علی(ع) با عمرو بن عبدود.

۵. قصایدی در معراج حضرت علی(ع)، رفتن حضرت علی(ع) به چاه جنیّان و جنگ با آنها و مسلمان شدن آنها.

۶. مثنوی در بحر تقارب، داستان جنگ محمّد حنفیه با قطران بن منذر که ناتمام مانده است.

آغاز موجود: «بدان داد پانصد سوار عرب          بگفتا که نه روز بین و نه شب».

---

۱ . در شناسنامه نسخه به نام«دیوان معین» ضبط شده که اشتباه است و نام ناظم با بررسی و تحقیقی که به عمل آمد بدست نیامد.

انجام موجود: «چه زد نعره املاق بیداد شد          دوان تا برون سپهدار شد».

نسخ تحریری، ۲۴–۱۷ سطری مغلوط، تاریخ کتابت: صفر المظفر ۱۲۵۹، کاتب: ملاّ آزار قنائ غسانی(ثمانی)، محلّ کتابت: قریه محیاباد، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۷۵گ، ۲۹×۱۸ س. م.

جلد: تیماج قهوه‌ای یک لا مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۵۸

دیوان شمس تبریزی[۱]

(۱۱۹۸۰)

منتخب دیوان شمس الدّین محمّد بن علی بن ملک داد(کشته ۶۴۵ هـ.ق.) که مولانا جلال الدّین محمّد بلخی به نام او سروده است. این نسخه شامل غزلیات و رباعیّات و ۷ ورق پند و اندرز از سقراط، رساله حمیدیه، نصیحت هوشنگ در انتها می‌باشد. از ابتدا و انتها چند ورقی افتادگی دارد.

آغاز موجود: «ای طایر قدس را عشقت فزوده بالها          در حلقه سودای تو روحانیان را حالها».

انجام: «دستی نه که با قضا در آویزم من          پای نه کزین میانه بگریزم من».

آغاز رساله: «بسمله، بهشت و دوزخ اعمال تست از اعمال امروز تو، فردا صورتها ساخته به تو نمایند».

انجام نسخه: «که من چندان سعی در نیکی کنم تا ترا از غضب فرود آرم».

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۱۰۵۸ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، جدول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف، صفحه اوّل بین السطور طلا اندازی، ۱۶۳گ، ۲۱/۳×۱۲ س. م. جلد: مقوّایی مستعمل، واقف: سیّد جلال الدین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۱ . یک نسخه در ج۷، ص ۴۳۴ و یک نسخه در ج۹، ص ۱۴۲ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲۵۹

دیوان شمس تبریزی

(۱۲۷۶۷)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و در انتها نونویسی شده است.

آغاز موجود: «...[۱] جزو جزوم مست دستک می‌زنند          چون تو رفتی جملـه افتادنـد در افغـان چرا

دردآور در جهان درمان مبادا بی‌شما          مرگ بادا بی‌شما و جان مبادا بی‌شـما».

انجام موجود: «چو فراق ما گزینی بِبَر که می‌نشینی          تو رفیق شمس دینـی تـو چنـین بشـر چرایی».

نستعلیق مختلف السطر، حاشیه چلیپائی، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـ‌ق. کاتب: نامعلوم، کاغـذ: حنـایی وصّالی شده، ۲۲۸گ، ۲۹/۵×۱۴/۵ س. م. جلد: مقوّایی، عطف و گوشه میشن قهوه‌ای مستعمل، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۲۶۰

دیوان شمس تبریزی

(۱۰۴۵۶)

منتخب غزلیّات و رباعیّات و از شماره پیش بیشتر می‌باشد.

---

۱ . نسخه وصّالی شده و نوشته‌های آغاز بیتها، در بعضی صفحات از بین رفته است.

آغاز: «بسمله، هر لحظه وحی آسمان...[1] جانها        کاخر چو دردی بر زمین تا چند می‌باشی برآ

..............................................................        ..............................................................

جا نیست چون شعله ولی دودش ز نورش بیشتر    چون دود از حد بگذرد در خانه ننماید ضیاء».

انجام موجود: «باغ جان خوش ز سنگ بارانست    ما نخواهیم قطره سنگ بیار».

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به سرخی، ۲۷۶گ، ۲۰×۱۲/۵ س. م. جلد: تیماج یشمی مستعمل، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۶۹.

۲۶۱

دیوان شمس طبسی[2]

(۱۶۴۹۷)

این نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و شامل منتخب قصاید و غزلیات است از شمس الدین محمّد بن عبدالکریم طبسی متوفی ۶۲۶ هـق. وی شاگرد رضی الدین نیشابوری و معاصر خاقانی بوده، شعر خاقانی را دیده و سبک و روش وی را برگزیده و متابعت نموده، بیشتر قصاید مثمن در مدح نظام الملک صدر الدّین محمّد بن محمّد وزیر می‌باشد که مورد عنایت او قرار گرفته است.[3] در سال ۱۳۴۳ ش. به اهتمام آقای تقی بینش در مشهد به چاپ رسید.

آغاز موجود: «هر دل که سوی عرصه تحقیق راه یافت...    چو رخ نهاد روی به جولانگه ظفر...».

---

۱ . رطوبت رسیده و از بین رفته است.

۲ . در شناسنامه به نام«دیوان عبدالواسع» معرفی شده بود که بعد از فحص بلیغ نام دیوان بدست آمد. منتخب دیوان شمس طبسی در ذیل«مجموعه منتخبات دواوین» تحت شماره ۴۹۵۵ در ج۷، ص ۸۱۴ فهرست رضوی معرفی شده است.

۳ . برای اطلاع بیشتر از احوال ناظم رجوع شود به تاریخ ادبیات، صفا، ج۲، ۴۴-۸۳۴، سلم السموات، ج۵، ۳۸۳.

انجام موجود: «آن غلامی که بس آمدش آسمان رحمت دواج کنید».

نستعلیق ۸ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۰ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی رطوبت رسیده، جداول اوراق به شنگرف و لاجورد، ۳۹گ، ۲۵/۵×۱۵ س. م. جلد: تیماج عنّابی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۶۲

دیوان شهاب ترشیزی[۱]

(۱۶۴۶۸)

از میرزا عبدالله خان بن حبیب الله خان ترشیزی متوفی ۱۲۱۵ یا ۱۲۱۶ هـق. متخلّص به شهاب، در ریاضی و نجوم و نقاشی و خوشنویسی دستی داشته، در هرات در دربار تیمور شاه آرانی(درانی) (۱۱۸۷-۱۲۰۷ هـق.) و پسرش بوده است. نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و شامل قصاید(در مدح میرزا علی عسگر ولد محمّد تقی خان بیگلر بیگی یزد، در مدح شیخ اسماعیل خان مستوفی، در مدح حضرت علی(ع)، تضمین قصیده لامیه حکیم انوری...) غزلیّات که ناقص می‌باشد، مقطّعات(در تاریخ وفات غفارخان، تاریخ وفات میرزا جمال الدّین اصفهانی، تاریخ قتل آقا علی خان محولاتی، به سالک یزدی نوشته است، در طلب اسطرلاب به میرزا محسن یزدی نوشته است و...) مثنویّات(داستان نسب نامه حاجی رحیم یزدی و...) هجویات(در هجو میرزا عبدالکریم یزدی، هجو واله اصفهانی، هجو کلبعلی خان خلج حاکم ساوه و...) که در هجو اشخاص زیادی شعر سروده شده و نیز مثنویهای این نسخه

---

۱ . یک نسخه در ج ۷، ص ۴۳۶ فهرست رضوی معرفی شده است.

عبارتند از: ۱. خسرو و شیرین ۲. یوسف و زلیخا ۳. بهرام نامه ۴. تذکره شعرا ۵. عقد گهر(در نجوم) ۶. مرادنامه(در ذکر وقایع علی مرادخان زند).

آغاز موجود: «وز کثرت لاله‌ها لب جوی   رخشنده چون طرف کوهسار است».

انجام موجود: «مُلحدی احمق و موسوم    در هری ساکن وز او خلق جهان بی‌آرام».

نستعلیق ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، جداول اوراق و عناوین به شنگرف، ۲۳۹گ، ۱۹/۶×۱۳ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۶۳

دیوان صائب تبریزی[1]

(۱۶۴۸۴)

از محمّد علی بن عبدالرّحیم اصفهانی تبریزی(۱۰۱۶– ۱۰۸۱ هـق.) که لقب ملک الشعرایی از شاه عباس(۱۰۵۲–۱۰۷۷هـق.) گرفت.

این نسخه از ابتدا یک صفحه افتادگی دارد[2] و شامل غزلیّات و قطعات در متن و تعداد نسبتاً زیادی غزلیّات در حواشی صفحات به خط احتمالاً ناظم که به متن اضافه شده و بعضاً غزلیّات تصحیح شده است.

آغاز موجود: «نه روز اختر سیار ترک ما گیرند    نه شب به خواب روند این پرنده عقربها».

انجام موجود: «کیم به وادی فقر و سلوک نزدیکی   چو تیغ کرده قناعت به آب...».

---

۱ . پنج نسخه در ج۷، صص ۴۲–۴۳۸ و ۷۹۷ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . یک صفحه افتادگی توسط خوشنویس کتابخانه آقای محمّدعلی فراستی نونویس شده است.

متن نستعلیق خوش، ۱۷ سطری، حاشیه بعضی صفحات: نستعلیق شکسته احتمالاً ناظم(که بسیار شبیه به خط نسخه به خط ناظم می‌باشد) تاریخ کتابت: سده ۱۱ هــق. کاغذ: نخود، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد، صـفحه اوّل وصّـالی شـده و حواشـی از بـین السـطور دارای تشـعیر، ۲۶۳گ، ۱۳×۲۳/۵ س. م. جلد: تیماج دو رویه مشکی، برون ضربی جدول کشی با زر، دارای ترنج و سر ترنج زریّن، درون تیماج مشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۶۴

دیوان صائب تبریزی

(۱۶۲۲۵)

مشتمل بر غزلیّات به ترتیب حروف تهّجی است و در مقایسه با دیگر نسخه‌ها غزلیّات بیشتری را در بردارد.

آغاز: «اگر نه مدِّ بسم الله بودی تاج عنوانها نگشتی تا قیامت نو خط شیرازه دیوانها».

انجام: «چو باد صبحگاهی منشین ز پای صائب شاید که برگ سبزی زین بوستان بیابی».

(ص ۱-۱۳۶۶)

این نسخه مذیّل است به دیوان انوشیروان بن گشتاسب قاسم آبادی مشهور بـه خـدامراد و مـتخلّص به«نوش یزدی»[۱] ، شامل غزلیّات و رباعیّات به ترتیب حروف تهّجی می‌باشد.

آغاز: «ای طلوع برق حُسنت مطلع دیوان ما ای فروغ ذوق عشقت نوربخش جان ما».

انجام: «ای نوش امید است که در محفل مستان رونق دهد اشعار تو بازار رباعی».

---

۱ . «دیوان نوش» تحت شماره ۱۶۱۱۲ نیز معرفی خواهد شد.

(ص ۱-۱۶۵)

نستعلیق متوسط ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۰۱ هـ‍ق. (۱۲۶۲ش.) کاتب: انوشیروان بن گشتاسب... متخلّص به نوش یزدی، محلّ کتابت: قریه قاسم آباد بندر بمبئی، کاغذ: نخودی فرنگی، عناوین به سرخی، ۷۶۷گ، ۳۳×۲۰ س. م. جلد: میشن قهوه‌ای مستعمل و فرسوده، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۶۵

دیوان صباحی بیدگلی[1]

(۱۳۵۲۰)

از محمّد حاجی سلیمان کاشانی بیدگلی متخلّص به صباحی(- ۱۲۱۸ هـ‍ق.) معاصر هاتف و آذر بیگدلی بوده در سرودن مرثیه و مادّه تاریخ مهارت داشته و ۱۴ بند(ترکیب‌بند) او که به تقلید از کلیم ساخته مشهور است.

این نسخه مشتمل است بر مقدّمه‌ای در شش صفحه به نثر، قصاید(یک برگی از آغاز افتادگی دارد)، غزلیّات، مقطّعات، رباعیّات و مثنویات، دیوان صباحی به تصحیح پرتو بیضایی در تهران به چاپ رسیده است.

آغاز: «بسمله، سپاس سخن آفرینی را سزاست که انسان از دیوان ابداعش فرد انتخابی است...

همه شب چشم من بیدار و چون من محو نظّاره        یکی بر صورت میزان یکی بر هیأت جوزا».

انجام: «من نالم و گوید او عبث ناله مکن        کاندر دل من ناله ندارد اثری».

---

۱. دو نسخه در ج۷، ص ۴۴۹ فهرست رضوی معرفی شده است.

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی فرنگی آهار مهره، عناوین به شنگرف، ۱۳۱گ، ۱۸/۹×۱۲ س. م. جلد: روغنی دو رویه، برون دارای ترنج و سرترنج، درون گل نرگس، کهنه و فرسوده، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۲۶۶

دیوان صبای کاشانی[۱]

(۱۲۰۰۱)

از فتحعلی خان کاشانی متخلّص به صبا(– ۱۲۳۸ هــق) ملک الشعرای دربار فتحعلی شاه قاجار است، که وقایع سلطنت وی و مختصری از تاریخ نیاکان او را در مدّت سه سال در چهل هزار بیت به نظم در آورده و«شاهنشاه نامه» نام نهاد و دیگر مثنویهای سروده ایشان عبارتند از:

۱. «خلاصهٔ الاحکام» که در احکام سهو و شک و نماز بیان شده است. ۲. «عبرت نامه» برابر تحفهٔ العراقین خاقانی انشاء شده است، ۳. «خداوند نامه» در بیان معجزات حضرت ختمی مرتبت(ص) و غیره، ۴. «گلشن صبا» در مواعظ و نصایح، ۵. لیلی و مجنون، ۶. هفت پیکر، ۷. شکارستان(داستان شیر شکار کردن فتحعلی شاه می‌باشد) این نسخه، فقط شامل قصاید وی می‌باشد که افتادگی دارد(قسمت قافیه واو).

آغاز: «تعالی الله خداوند جهان دار جهان آرا        کزو شد آشکارا گل ز خار و گوهر از خارا».

انجام: «صبا از بهر تاریخش رقم زد        که دریایی از اسرار آلهی است».

---

۱ . چهار نسخه، در ج۷، صص ۹–۴۴۶، فهرست رضوی معرفی شده است.

نستعلیق ۱۷ تا ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: متن و حاشیه شده، متن حنایی، حاشیه شکری آهاری، دارای کمند، جداول اوراق بـه زر تحریـردار و لاجـورد و شـنگرف، ۱۸۳گ، ۱۴/۵×۲۵/۳ س. م. جلد: تیماج ضربی قهوه‌ای، دارای ترنج و دو سرترنج، شیرازه از هم گسسته، واقف: سیّد جلال الدین تهرانی[1] در مردادماه ۱۳۶۱.

۲۶۷

دیوان صبای کاشانی

(۱۶۵۰۵)

شامل منتخب قصاید در حاشیه به طرز چلیپا و در متن: مثنوی عبرت نامه، هجو یکی از حکّام، گلشن صبا و منتخب غزلیّات و غیره می‌باشد.

آغاز متن: «بسمله، دیباچه این خجسته دیبا          پیرایه این پرند زیبا».

آغاز حاشیه: «بسمله، تعالی الله خداوند جهان دار جهان آرا...».

انجام حاشیه: «روز از ملک ای صبا به گیتی          ذکر ملکان مُلک این باد

در بحر جلال او فلک فُلک          سبحان الله مالک المُلک».

انجام متن: «بگفتمش چه کسی گفت شیخ خالیگر   بخنده گفتمش آری ببین پیاله دلیل».

شکسته نستعلیق خوش، متن ۶ سطری، حاشیه چلیپایی ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: ۷ شهر ربیع الثانی ۱۲۶۵، کاتب: محمّد نصیر بن فخرالحاج حاجی بیگلر قزوینی، کاغذ: شکری آهاری، دارای سرلوح و

---

۱ . در ظهرِ صفحه اول به قلم واقف، شرح حال ناظم چنین آمده است: «مرحوم فتحعلی خان ملک الشعراء صبا در سـال ۱۲۳۸ هجـری قمـری در گذشت وی از بزرگان ایران است. وی علاوه بر مقام شاعری و سخن سرایی دارای خط خوش و هنر نقاشی و موسیقی بوده است بـاغ صـبا در راه شمیران ملک وی بوده و فرزند برومندی مانند: محمودخان ملک الشعرا از خود باقی گذاشت». سیّد جلال الدین تهرانی.

کتیبه کوچک در آغاز متن، دو صفحه اوّل دارای حاشیه مذهّب با نقوش اسلیمی، بین السطور طلااندازی دندان موشی، دارای کمند و جداول اوراق به زر تحریردار، معای لغات بعضاً به سرخی، ۱۳۵گ، ۱۹×۱۰/۵ س. م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۶۸

دیوان صبای کاشانی

(۱۶۳۶۹)

این نسخه شامل قصاید و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند است.

آغاز: «بسمله، تعالی الله خداوند جهان‌دار جهان آرا...».

انجام: «چین، هراسان ز چه از زاری قیصر در روم  روم نالان ز چه از ناله خاقان در چین».

نستعلیق متوسط تحریری، ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هـ.ق. کاغذ: شکری فرنگی، معانی لغات بعضاً به سرخی، ۲۱۹گ، ۲۸/۸×۱۹ س. م. جلد: تیماج اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۶۹

دیوان صبای کاشانی

(۱۵۹۹۴)

نسخه از ابتدا و انتها و میان افتادگی دارد، شامل ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و قصاید و مثنوی عبرت نامه، هجویات(هجو یکی از احکام...) می‌باشد.

آغاز موجود: «ای قصر رفیع آسمان رنگ  ای غیرت کارگاه ارژنگ».

انجام موجود: «از پی ضبط سال آن کرد صبا رقم چنین        کعبه اشرف زمین قبله داور زمان».

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۴ هـ‌ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری، عناوین به سرخی، دارای کمند، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، ۲۴۸گ، ۲۰×۱۲/۵ س. م. جلد: روغنی، دو رویه مستعمل، برون دارای گل و بوته، درون شاخه گل نرگس، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۷۰

دیوان صفای اصفهانی

(۱۴۳۱۶)

از محمّد حسین صفای اصفهانی(۱۲۶۹- ۱۳۲۲ هـ‌ق.) شامل تعدادی قصیده و غزل می‌باشد که از اواسط نسخه افتادگی داشته و ناتمام مانده و تصحیح شده است.

آغاز: «بسمله، و به نستعین، درهم شکست زلف چلیپا را        آشفته کرد سلسله ما را».

انجام: «رقاب کون و مکان زیر امرِ ورد صفاست        به بین به منزلت یا رؤف و یا رب ما».

نستعلیق تحریری ۱۲-۱۳ سطری، تاریخ کتابت: ظ. ۱۳۴۴ هـ‌ق.[1] کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، ۲۰گ، ۲۱/۴×۱۳ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۲۷۱

دیوان طالب قندهاری

---

۱ . تاریخ تحریر در انتهای نسخه دیده نشد، امّا در ظهر صفحه اوّل نوشته شده که: «در چهارشنبه غرّه جمادی الثانی شروع به نوشتن این کتاب شد ۱۳۴۴».

(۱۱۸۰۹)

از محمّد حسین قندهاری، هزاره جمالی گزای، متخلّص به طالب، شامل سه مجموعه شعر(سی پاره دل، اشک گلگون، خرابات) به فارسی و زخمی زیمی(= دل مجروح) به زبان پشتو می‌باشد که در مجموع نود و یک اثر شعری شاعر را در برمی‌گیرد و بعضاً دارای توضیحات لغوی به وسیله ناظم می‌باشد و در انتهای مجموعه«دل مجروح» به زبان پشتو که توسط وزارت فرهنگ افغانستان بـه چـاپ رسـیده است(سال ۱۳۵۶ ش.) ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «بسمله، دین و وطن؛ یارب اوج را زده این فکرت دون مرا

مطلع چشم بصیرت ساز مضمون مرا».

انجام: «خدایه«طالب» غریب کوی په فضل ستا نازونه

وی نجنبی بی‌نیاز بیچونه».

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق. کاتب: سیّد محمود حسینی بلخـی مـتخلّص بـه عاشق، و ناظم، کاغذ: مشقی خط‌دار، عناوین و بیت الترجیع و بعضی ابیات به سرخی، مجموعه شعر دل مجروح و اصلاحات به خودکار، ۲۹۵گ، ۲۸×۱۹ س. م. جلد: مشمع سبز، واقف: ناظم(محمّد حسین طالب قندهاری)، در اسفندماه ۱۳۵۷.

۲۷۲

دیوان ظفر

(۱۶۶۶۰)

مشتمل است بر ۱۷۱ غزل عارفانه، در مدح حضرت علی(ع) از شاعری با تخلّص ظفر، احتمالاً میرزا کاظم خلف میرزا محمّد تقی مظفّر کرمانی[1] شاعر سده ۱۳ هـ‍ق. می‌باشد. نسخه از انتها افتادگی دارد.

آغاز: «بسمله و به نستعین، ای داور و پادشاه یکتا   ای خالق و قادر و توانا».

انجام موجود: «با ظفر از نور و ضیاءَم مران          نور رُخش پرتو انوارهاست».

(ص ۴۸-۳۰۴)

این نسخه مصدّر است به تعدادی غزل از عطّار نیشابوری(۵۳۷-۶۲۷ هـ‍ق) که از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

آغاز موجود: «گر پر نکند دریا از چشمه خضرش آب       دایم به نثار او موج گهر اندازد».

انجام: «آنجا که بزرگی تو باشد   من جیفه کدام بوالفضولم...

از تفاخر همچه گردون فارغیم     از تغیر همچه دریا ایمنیم».

(ص ۱-۴۶)

نسخه شناسی دیوان ظفر: نستعلیق ۸ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـ‍ق. ۱۵۲گ، نسخه شناسی دیوان عطّار، نستعلیق تحریری مخلوط به شکسته ۱۸ سطری، کاغذ: نباتی، ۲۳گ، ۱۷×۱۰ س. م. جلد: تیماج یک لایه، خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۶۷.

۲۷۳

دیوان ظهیر فاریابی[2]

(۱۱۹۷۷)

---

۱ . مجمع الفصحا، ج۵، ص۷۲۹، فرهنگ سخنوران، ص ۳۶۱.

۲ . دو نسخه در ج۹، صص ۱۴۴ و ۲۶۱ و شش نسخه در ج۷، صص ۶۰-۴۵۷، فهرست رضوی معرفی شده است.

از ظهیرالدّین ابوالفضل طاهر بن محمّد فاریابی(- ۵۹۸ هــق.) در غزل ظهیر تخلّص می‌کرده، معاصر خاقانی و نظامی و جمال الدّین اصفهانی بوده و در جوار آرامگاه خاقانی مدفون شده است.

این نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و فاقد مقدّمه جامع می‌باشد.

آغاز موجود: «به پیش خسرو روی زمین برآرم بانگ      چنانک در خـم گـردون فتـد غریـو و غریل».

انجام موجود: «دانی تو مطربی وان کرد مرا      عشق تو کی صد نوحه گرم می‌باید».

نسخ ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ششم و اویل سده هفتم هجری، در ظَهر صفحه اوّل نسخه شرح مختصری از زندگی ناظم و اظهارنظر مالک کتاب(سیّدجلال الدّین تهرانی) و محمّـد بـن زیـن العابدین ملک الواعظین مبنی بر این که تاریخ کتابت نسخه قبل از ۶۰۷ هــق. بوده است به دلیل این که قصیده‌ای که در مدح ابوبکر بن محمّد ایلدگز(برادرزاده قزل ارسلان بن ایلدگز متوفی ۶۰۷)آورده شده است، که ابوبکر را با جمله دعایی خلّد الله ملکه یاد می‌کند.[1] کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف، ۸۸گ، ۲۰/۳×۱۴/۵ س. م. جلد: تیماج خرمایی، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۲۷۴

دیوان ظهیر فاریابی

(۱۶۰۲۴)

---

۱ . در برگ ۱۳ پشت، مطلع قصیده‌ای که در مدح«ابوبکر بن محمّد خلّد الله ملکه» سروده به شرح زیر می‌باشد:

«اَهذه زَورَةٌ من ذات احجال      ام غَرّةٌ طَلَعت فی شهر شوال

اذا رَاَیتُم هلال العید فَاعتبقوا      بعد الفطور وَ غَنّوا بعد هِلال».

نسخه کامل امّا فاقد مقدّمه است.

آغاز: «چو زهره وقت صبوح از افق سازد جنگ...».

انجام: «با کس غم خود نگوی زیرا که نماند          یکدوست که با او غم دل نتوان گفت».

نستعلیق خوش ۱۷ سطری دو ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۱ هـق.[1] کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، دارای سرلوح کوچک مزدوج مذهّب و منقّش مخدوش شده، جداول اوراق به زر و نگار و شنگرف و لاجورد، ۱۰۲گ، ۲۲/۲×۱۰/۵ س. م. جلد: مقوایی دارای جدول و عطف میشن مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۷۵

دیوان ظهیر فاریابی

(۱۵۹۹۲)

این نسخه کامل امّا فاقد مقدّمه می‌باشد.

آغاز: «بسمله، چو زهره وقت صبوح از افق برآرد چنگ     زمانه تیز کند ناله مرا آهنگ».

انجام: «چشمت به خمار عالمی بر هم زد   گر من گنهی کنم به مستی شاید».

(ص ۲-۱۵۱).

در انتهای دیوان ظهیر، دیوان کاملِ امیر معزّی ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «بسمله، ستاره سجده برد طلعت منیر ترا      زمانه بوسه دهد پایه سریر ترا».

انجام: «بهر جشنی که بنشینی سعادت همنشین بادت بهر راهی که بخرامی سلامت راهبر بادت».

۱ . در ظهر صفحه اوّل یادداشتی مبنی بر این که«به تاریخ دوازدهم شهر جمیدی الاول به طریق یادگاری مرقوم گردید ۱۰۴۶» مشاهده می‌شود.

(ص ۵۶۴-۱۵۶).

نستعلیق خوش ۲۱ سطری، تاریخ کتابت: ۲۷ ربیع الاول ۱۲۵۹، محلّ تحریر: تهران، کاتب: محمّد یوسف بن محمّد ابراهیم آشتیانی قمی[۱]، کاغذ: الوان، ۲۸۲گ، ۲۱/۵×۱۳ س. م. جلد: تیماج ضربی ماشی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۷۶

دیوان ظهیر فاریابی

(۱۶۳۴۶)

نسخه کامل بوده با مقدّمه جامع دیوان شمس الدین سجاسی(- ۶۰۲ هـ.ق.)

آغاز: «بسمله، سپاس بی‌غایت و آفرین بی‌نهایت قادری را که دو شمع در حجره دماغ برافروخت... چو زهره وقت صبوح از افق بسازد چنگ».

انجام: «می در خم اگر چه سر گرفتست رواست     در شیشه نگر چه خرّم و خندانست».

نستعلیق متوسط ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: شوّال المکرم ۱۲۸۴، کاتب: حلال خور، کاغذ: نباتی آهار مهره، جداول اوراق به سرخی و سیاهی، ۱۰۳گ، ۲۱/۴×۱۵/۴ س. م. جلد: تیماج خرمایی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۷۷

دیوان ظهیر فاریابی

(۱۰۳۶۵)

---

۱ . در ظهر صفحه اوّل یادداشتی کوتاه از مالک نسخه مبنی بر این که دیوان فارابی وارد کتابخانه آقای جم فرمانفرمای خراسان گردید ۱۳۱۲. و در انتهای نسخه مُهر کاتب با نقشِ«الواثق بالله الغنی عبده محمّد یوسف» دیده می‌شود.

نسخه کامل امّا بدون مقدمه است.

آغاز: «سفر گزیدم و بشکست عهد قربی را مگر بحیله ببینم جمال سلمی را».

انجام: «موافقان ترا دولت از جهان اقطاع مخالفان ترا محنت از فلک اخری».

شکسته نستعلیق ممتاز ۱۴ سطری و حاشیه بعضی اوراق نستعلیق بطرز چلیپایی، تاریخ کتابت: ۲۶ صفر ۱۲۸۸ هـق. کاغذ: نباتی و حنایی آهاری، دارای سرلوح مذهّب و مرصّع و منقّش زیبا با کتیبه، حواشی در صفحه اوّل گل و بوته مذهّب بطرز اسلیمی، بین السطور طلااندازی محرّر، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، اوراق دارای کمند به زر تحریردار، ۱۸۵گ، ۲۱/۲×۱۳/۵ س. م. جلد: روغنی دو رویه جدید، برون گل زنبق عمل ظریف تبریزیان، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۲۷۸

دیوان ظهیر فاریابی

(۱۰۳۰۳)

نسخه دارای مقدّمه بوده که فقط یک صفحه از آن باقی مانده است.

آغاز موجود[1]: «فتراک دولت خداوند زده است و با استار کعبه عنایت او متعلّق گشته و می‌گوید:

صدرا زبدِ فلک نترسم تا در کنف کف تو باشم».

انجام: «دل گفت قلم تراش برگیر و بکن گفتم آری کندن جان کار من است».

---

۱ . در ابتدای نسخه یادداشتی کوتاه محمّد بن کاظم بروجردی به سال ۱۳۰۷ نوشته شده به این عبارت: «این کتاب از کتابهای مرحمت مآب میرزا مهدی ملک الکُتّاب فراهانی بوده است...».

نستعلیق تحریری نسبتاً خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاغذ: حنایی، معـانی لغـات بعضاً به سرخی، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، ۱۳۱گ، ۱۳/۵×۱۹/۷ س. م. جلد: تیماج زرشکی، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۲۷۹

دیوان ظهیر فاریابی

(۱۶۴۴۴)

نسخه کامل است اما فاقد مقّدمه است و دارای یک شرح حال کوتاه از شاعر در ظَهر صفحه اوّل می-باشد.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «تو معدن لطفی و سخا و احسان     زین بیش مکن به خسته حالی تقصیر».

نستعلیق مخلوط به شکسته ۱۸ سطری، تاریخ کتابت: پنجم جمادی الاولی ۱۳۱۳، کاتب: حسین بن قاسم(بموجب فرمایش بندگان خداوندگار آقامیرزا علی خان)، کاغذ: روسی حنایی، ۱۰۷گ، ۲۲×۱۶ س. م. جلد: تیماج خرمایی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۸۰

دیوان عارف

(۱۳۶۵۸)

شامل تعدادی غزلیّات و قصیده و ترکیب‌بند است از عارف جهرمی[1] معاصر ناصرالدّین شـاه قاجـار، اشعار این نسخه زیاد محکم سروده نشده است. در بررسی شاعران دوره ناصرالدین شاه بـا تخلّـص عارف و شیرازی به آقا نور محمّد ارسی دوز شیرازی(– ۱۳۰۵ هـ‌ق.) بیشتر مطابقت دارد.[2]

آغاز: «بسمله و به نستعین، اوّل هر عملی یاد کنم نام خدا    که گشاینده بود باب سعادت و صفا».

انجام: «مدیحش عارفان پایان[ندارد] کس نشاید گفت    تو خود بیخـود پیچـی و طبـع خـویش رنجانی».

نستعلیق بعضاً مغلوط ۱۰ سطری، تـاریخ کتابـت: سـده ۱۴ هــق. کاغـذ: فسـتقی فرنگـی، ۲۹گ، ۱۸/۷×۱۵/۵ س. م. جلد: مشمع با عطف و گوشه تیماج، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۲۸۱

دیوان عاشق اصفهانی[3]

(۱۲۵۹۶)

از آقا محمّد عاشق اصفهانی(۱۱۱۱– ۱۱۸۱ هـ‌ق.) معاصر آذر بیگدلی و هاتف و صباحی و از اعضای برجسته انجمن مشتاق(بازگشت سبک عراقی از هندی) می‌باشد، دیوانش بارها به چاپ رسیده است.[4]

این نسخه فاقد قصاید بوده و از اواسط افتادگی دارد، در انتها شرح حال مختصری از مؤلّف ذکر شده است. قابل توجّه این که نسخه در تملک«وفایی شوشتری» بوده و چهار بیت از اشعارش درهـامش

---

۱ . با توجّه به این بیت شعر: «در دفتر عشاق همه نام نوشتی    عارف نه نوشتی صنما هست ز جهرم».

۲ . رجوع شود به«دانشمندان و سخن سرایان فارس» ج۳، ص ۵۴۵، «آثار عجم» فرصت الدوله، ص ۶۳–۵۶۲.

۳ . چهار نسخه در ج۷، ص ۶۴–۴۶۲ و ۷۴۱ و در ج۹، ص ۱۴۵، فهرست رضوی معرفی شده است.

۴ . با مقدمه سعید نفیسی و حواشی، م. درویش و مقدّمه و تحشیه حسین مکی چندین چاپ خورده است.

صفحه دوم[1] و شرحی در تعریف وتوصیف اشعار عاشق در صفحه آخر مرقوم داشته است در تـاریخ

دوم شهر شوال ۱۲۷۶.

آغاز: «بسمله، زهی مثالی که چون جمالت، نبسته نقشی زمانه زیبا

بخنده شیرین ببذله شکر، بغمزه لیلی، بـه عشـوه سلما».

انجام: «از ملک عدم چرا برون هشتی پای     از کوی جهان چرا نکردی گم پی».

نستعلیق مخلوط به شکسته ۱۴ و ۱۵ سطری در متن، در حاشیه به طرز چلیپا، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هــق. کاغذ: نباتی، ۱۶۰گ، ۱۹/۹×۱۴ س. م. جلد: مقوا با عطف و گوشه میشن مشکی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۲۸۲

دیوان عاشق اصفهانی

(۱۶۴۵۴)

نسخه کامل است فقط از انتها یک صفحه افتادگی دارد شامل قصاید، ترکیب‌بند و مقطّعات، غزلیّات و رباعیّات... می‌باشد.

آغاز: «بسمله، تاجر عشقم به کف مایه سودم وفا     تا که شود مشتری تا چه دهد در بها».

---

۱ . اشعار وفایی بدین عبارت است:

«وفا را اعتباری نیست در عهد بتان اما     وفایی ترک نتوان کرد این بی‌اعتباری را

گوارا باد بر یاران شراب وصل مه رویان     به ما هم کن گوارا ای خدا این سوگواری را

زبس سختی کشیدم در رهش آن مه به مهر آمد     ز نومیدی نمودم حاصل این امیدواری را

ز آب چشمه چشمم ز بس من فیضها دیدم     ز چشمم دوست‌تر دارم بسی این اشک جاری را».

انجام: «هر سو صنمی کرشمه آغاز کند     کو عشوه‌گری که این چنین ناز کند».

متن نستعلیق ۱۵ سطری، حاشیه دنباله متن به بطرز چلیپایی، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۳ هـ.ق. کاغذ: شکری فرنگی آهاری، عناوین به سرخی، دارای کمند و جداول اوراق به زر تحریردار، ۱۶۵گ، ۱۸/۷×۲۹/۳ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل و فرسوده، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۸۳

دیوان عرفی[۱]

(۱۵۹۶۱)

از جمال الدّین محمّد بن زین الدّین(زین العابدین) علوی شیرازی چادرباف متخلّص به عرفی(۹۶۳-۹۹۹ هـ.ق.) می‌باشد. وی مصاحب و معاصر نظیری نیشابوری و بیشتر زندگانیش را در هندوستان گذرانده و در جوانی فرمان یافت. این نسخه شامل قصاید و غزلیّات و رباعیّات و فاقد رساله نفسیه و مثنویّات[۲] است.

آغاز:[۳] «ایدل راه زن که از عرشم     به حضیض ثری فرستادی

... کهنه ریشی که مصلحش نمکست     به شکنج دوا فرستادی».

انجام: «[۱]... که بتان دو رویه دروی گذرند هر کوچه او نشان شق القمر است».

---

۱ . سه نسخه در ج۷، ص ۴۶۷ و دو نسخه در ج۹، صص ۱۴۸ و ۱۲۵ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . کلیّات عرفی شیرازی شامل رساله نفسیه که در تصوّف است، مثنوی جواب مخزن الاسرار و مثنوی در جواب شیرین و خسرو می‌باشد. همچنین بر قصاید عرفی شروح زیادی نوشته شده است: ۱. مفتاح النکات، شرح میرزا جان فرزند فخرالدّین محمّد(- ۱۰۷۳ هـ.ق) که گزارش غزلهای اوست. ۲. شرح دیوان از میرزا جان که شرح قصاید اوست، ۳. شرح دیوان، گزارش دشواریهای قصاید او از قطب الدّین فارغ[عبدالله]، ۴. شرح دیوان از لاله عوض رای متخلّص به مسرّت شاهجهانپوری، ۵. شرح دیوان از وهبی افندی به ترکی.

۳ . برگ آغاز نسخه، نونویسی شده و سرلوح آن تازه کار شده است.

نستعلیق خوش ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۰ هـق. کاغذ: حنایی وصّالی شده، دارای یک سرلوح تازه کار شده در ابتدای نسخه، و دو سرلوح مزدوج مذهّب و مرصّع ظریف قدیمی در ابتدای غزّلیات و رباعیّات، دو صفحه اوّل و دو صفحه آغاز غزلیّات و رباعیّات بین السطور طلااندازی شده و حاشیه تشعیر، جداول اوراق به زر و سُرنج و لاجورد و زنگار، مابین رباعیان کتیبه زمینه زرّین با گل و برگ و شکوفه و همچنین رباعیاتی که به طرز چلیپا نوشته شده بین السطور طلااندازی و دارای لچکی زمینه طلا با گلبرگ، عناوین به سفیداب محرّر در زمینه طلا، ۱۵۰گ، ۹×۱۵/۹ س. م. جلد: مشمع قهوه‌ای، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۸۴

دیوان عشقی(بابا)

(۱۶۶۶۱)

مشتمل است بر رباعیّات و غزلیّات عرفانی و مدح حضرت علی(ع) و مصیبت سید الشهدا(ع) که مخمّسی است تضمین غزل حافظ[۲] از شاعری با تخلّص«عشقی» و«بابا» که در غزلیّات هر دو تخلّص دیده می‌شود و از سیاق کلام چنین برمی‌آید که یکی باشند و شرح حال ناظم عجالتاً بدست نیامد.

آغاز: «ای خالق ذالجلال و ای بار خدای تا چند شوم دربدر و جای بجای».

انجام: «لطف تو اگر که دست گیرم نشود اندر سقرت مدام پاینده منم».

---

۱ . لبه‌های اوراق ترمیم و وصّالی شده و نوشته از بین رفته است.

۲ . بندی از مخمّس به شرح زیر می‌باشد:

یا رباز مادر گیتی به چه طالع زادم

گفت اصغر که منم تشنه پیمانه عشق از ازل من شده‌ام طالب همخانه عشق

طای افسرده من منعم کاشانه عشق باشدم حلقه بگوش در میخانه عشق

هر دم آید غمی از نو به مبارک بادم.

نستعلیق کتابتی ۱۶–۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هــق. کاغذ: نخودی، ۱۸×۱۰/۸ س. م.

خریدرای آستان قدس در دی ماه ۱۳۶۷.

۲۸۵

دیوان عشقی

(۱۶۵۴۶)

مشتمل است بر یک ترجیع‌بند و مخمس(تضمینی از غزل حافظ) از محمّدرضا عشقی معروف به میرزاده عشقی فرزند ابوالقاسم کردستانی متولّد همدان(۱۳۱۲–۱۳۴۲ هــق.).

آغاز: «چه ذلّتها کشید این ملّت زار          دریغ از راه دور و رنج بسیار

ترقّی اندرین کشور محال است          که در این مملک قحط الرجال است».

انجام: «حق پنهان ای ملک با آن نکو منظر بباز          عشق بازی کار بازی نیست ای دل سر بباز

ور نه گوی عشق نتوان زد به چوگان هوس».

نستعلیق شکسته مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق. کاغذ: آبی فرنگی، ۶گ[۱]، ۲۱/۵×۱۴ س. م. جلد: تیماج خردلی با نقش شیر و خورشید و تاج و نام ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۳۹، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۸۶

دیوان عنصری[۲]

---

۱ . نسخه دارای ۱۱۷ برگ می‌باشد که فقط ۶ برگ آن نوشته شده است.

۲ . چهار نسخه در ج۷، ص ۴۷۵ و یک نسخه در ج۹، ص ۱۴۹ فهرست رضوی معرفی شده است. دیوان عنصری چندین چاپ خورده است(با مقدّمه و تصحیح محمد دبیر سیاقی و غیره...).

(۱۶۳۴۷)

از ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی(- ۴۳۱ هـق.) شامل قصاید و غزلیّات و رباعی و مذیّل است به شرح حال شاعر.

آغاز: «بسمله، دل مرا عجب آید همی ز کار هوا    که مشکبوی صلب گشته مشکبوی صبا».

انجام: «تا کی نشود کبر پلنگ از دل تو    موم از دل من برند و سنگ از دل تو».

شکسته نستعلیق خوش ۱۰ سطری، تاریخ کتابت: هفدهم شهر شوال المکرم ۱۲۸۵، کاتب: میرزا باقر خلف میرزا رضی، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، ۱۱۹گ، ۲۱/۴×۱۴/۷ س. م. جلد: تیماج عنّابی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۸۷

دیوان عنصری

(۱۶۴۴۷)

نسخه کامل و تصحیح و مقابله شده است.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «چون جای دگر نهادمی باید رخت    نزدیک خردمند چه تابوت و چه تخت».

نسخ ممتاز ۱۹ سطری، بعضی توضیحات و معانی لغات در حاشیه به نستعلیق شکسته خوش، تاریخ کتابت: ربیع الثانی سنه ۱۳۳۶، کاتب: علی بن عبدالرسول، کاغذ: فستقی فرنگی، عناوین و بعضی کلمات نسخه مورد مقایسه در حاشیه به سرخی، ۸۳گ، ۲۰/۵×۱۲/۵ س. م. جلد: مشمع با عطف و گوشه میشن قهوه‌ای، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۸۸

دیوان غمام همدانی

(۱۸۱۳۳)

از میرزا محمّد بن یوسف، یوسف‌زاده همدانی متخلّص به غمام(۱۲۹۲-۱۳۶۱[۱] هـ‌ق) از فضلا و شعرای دانشمند همدان که سمت ارشاد گروهی از متصوّفه را داشت، دیوان غزلیّات او در سه جلد به چاپ رسیده است. این نسخه شامل غزلیّات وی بوده که به ترتیب حروف تهّجی تا حرف دال است.

آغاز: «بیافرید خداوند لم یزل ما را　　　که لایزال اطاعت کنیم دانا را».

انجام: «بیهوده شیخ شهرم از او توبه می‌کند　　　کاری که کس نکرده غمام از کجا کند».

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـ‌ق. کاتب: مصطفی قلی پیروز قراگوزلو صارم السلطنه، کاغذ: نخودی فرنگی، ۴۸گ، ۲۲/۱×۱۷/۵ س. م. جلد: مشمع آبی، واقف: خانم معصومه پریدخت پیروز قراگوزلو، تاریخ وقف: فروردین ۱۳۷۱.

۲۸۹

دیوان فانی

(۱۳۰۱۸)

مشتمل است بر قصاید و مثنویّات در مسائل عرفانی و اخلاقی از شاعری با تخلّص فانی این نسخه از انتها افتادگی دارد.

آغاز: «ابتدا می‌کنم به نام خدا　　　هست رحمن ایزد دانا».

---

۱ . مطابق با ۱۳۲۱ شمسی و برای اطلاع بیشتر از شرح حال ناظم مراجعه شود به مجله ارمغان، سال ۹، ص ۵۲-۵۰.

انجام: «خوشتر این در دو جهان انجام بود که مرا با تو سروسودا بود».

نستعلیق پست ناخوانا مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۳۲۰ هــق. کاغذ: نباتی بعضاً وصالی شده، ۹۰گ، ۱۸×۱۱/۵ س. م. جلد: تیماج ضربی قهوه‌ای، واقف: عبدالله مجتهدپور در ۱۳۶۲/۵/۱۵.

۲۹۰

دیوان فدایی[1]

(۱۵۴۵۹)

اشعاریست مشتمل بر قصاید و چهار پاره و مخمّس و دوازده بند در مدح حضرت علی و دیگر ائمه علیهم السلام، از شاعری با تخلّص فدایی، به علت این که نسخه از ابتدا و انتها و اواسط افتادگی دارد معلوم نشد کدام فدایی می‌باشد احتمالاً میرزا نصرالله خان اصفهانی متخلّص به فدایی باشد.[2]

آغاز موجود: «بدین فرد از جهان مرد آسمان کرد از ازل اگه

بقدر ارفع بوجه انزع بجنگ اشجع بصلح الین».

انجام موجود: «کی اهل تفاسیر و اهل تحادیث کی اهل تواریخ و اهل تجارب».

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق. کاغذ: شکری فرسوده، عناوین به سرخی، ۲۳گ، ۲۲×۱۶/۵ س. م. جلد: تیماج، جزو کتابهای بازیافته، (ممهور به مهر احتمالاً مالک در چند جای نسه با نقش«الواثق محمّد بن محمّد صادق»).

۲۹۱

---

۱ . در شناسنامه فدایی مشهدی عنوان شده است که اشعاری از فدایی مشهدی در مطلع الشمس، ج۱، ص ۴۳۹ و تذکره روز روشن، ص ۶۱۰ آورده شده بود.

۲ . در فرهنگ سخنوران، ص ۴۳۶، نام ۲۲ فدایی با پسوند اصفهانی، بیرجندی، شیرازی، یزدی و... آمده است که با بررسی و تحقیقی که شد احتمالاً فدایی اصفهانی باشد.

دیوان فرخی سیستانی[1]

(۱۲۶۰۰)

از ابوالحسن علی بن جولوغ سیستانی متخلّص به فرخّی شاعر مشهور اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است. این نسخه شامل قصاید، ترجیعات و رباعیّات می‌باشد.

آغاز: «بسمله، برآمد نیلگون ابری ز روی نیلگون دریا      چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا».

انجام: «یا هر که ترا دید ترا شیر آید      بس مرغ دلی اگر نباشد شاید».

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـ.ق. کاغذ: شکری آهاری، ۲۰۳گ، ۱۳/۸×۲۱/۵ س.م.

جلد: میشن دارچینی ضربی، دارای ترنج و سرترنج مستعمل، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۲۹۲

دیوان فرشته

(۱۶۱۴۱)

شامل غزلیّات، به تعداد حروف تهّجی از الف تا هاء(۲۷ غزل) از محمّد قاسم بن غلامعلی هندوشاه استرآبادی مشهور به فرشته(حدود ۹۶۰- زنده در ۱۰۳۳ هـ.ق.) مؤلّف تاریخ فرشته(گلشن ابراهیمی) که در سال ۱۰۱۵ هـ.ق. به انجام رسانده است.[2]

۱ . هشت نسخه در ج۷، ص ۴۷۷ و دو نسخه در ج۹، ص ۱۵۱ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . برای اطلاع بیشتر از شرح حال ناظم رجوع شود به ریحانۀ الادب، ج۴، ص ۳۲۸، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۱، ص ۵۳۴، تاریخ تذکره‌های فارسی، ج۲، ص ۷۳۲.

آغاز: «ای مرا از رخ زیبای تو صد گونه ضیاء      چشم دارم که دهم بوسه کف پای ترا».

انجام: «چون بیک چشم زدن می‌بردم دل از راه      هفت گردون بیکی آه بسوزم هر دم».

(ص ۲-۲۴)

این نسخه مذیّل است به اشعار فارسی گلستان سعدی رحمهٔ الله علیه که ناقص الاخر می‌باشد.

آغاز: «از دست و زبان که برآید      کز عهده شکرش بدر آید».

انجام موجود: «نخورد شیر نیم خورده سگ      وربسختی بمیرد اندر غار».

(ص ۲۶-۱۰۸)

نستعلیق خوش بطرز چلیپایی ۹ سطری(غزلیّات فرشته)، نستعلیق ۱۱ سطری(اشعار گلستان)، تاریخ کتابت: سده ۱۰ هـق. کاغذ: نباتی، عناوین به زر و زنگار، جداول اوراق به زر، ۵۴گ، ۹/۸×۱۷/۲ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۹۳

دیوان فضولی[۱]

(۱۵۱۰۵)

(ترکی)

از ادیب و عارف سده دهم هجری، محمّد بن سلیمان بغدادی متخلّص به فضولی(- ۹۶۳ هـق) می‌باشد که به سه زبان فارسی و عربی و ترکی تسلّط داشته است.[۲]

این نسخه شامل دیباچه و غزلیّات، قطعات، رباعیّات و قصاید است که از انتها افتادگی دارد.

---

۱ . یک نسخه در ج۹، ص ۱۵۲ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . برای اطّلاع بیشتر از شرح حال وی مراجعه شود به ج۷، ص ۵۶۵ و ج۹، ص ۱۵۲ فهرست؛ ریحانهٔ الادب ج۴، ص ۳۴۳.

آغاز: «حمد بیحد اوّل متکلّم نطق آفرینه که سفینه امید سُکّان بحار بحور نظمی تموج استغراق...».

انجام موجود: «ایر شدی وقت که فصل خزان ناهموار قله خنک حرکاتن مزاحم اشجار».

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سنه ۹۹۳ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: سمرقندی(نخودی وصّالی شده) دارای سه سرلوح و کتیبه مذّهب و مرصّع، عناوین در کتیبه به سفیداب محرّر، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و سرنج و زنگار، ۱۱۲گ، ۱۴/۵×۲۳/۴ س. م. جلد: روغنی آسیب دیده و مستعمل دو رویه، برون ترنج و سرترنج، منقّش به گل و بوته درون یک شاخه گل نرگس، واقف: مکتبهٔ الامام امیرالمؤمنین(ع)، تاریخ وقف: اردیبهشت ماه ۱۳۶۵.

۲۹۴

دیوان فضولی

(۱۲۵۴۷)

(ترکی)

این نسخه فاقد دیباچه است.

آغاز: «بسمله، قد انار العشق للعشاق منهاج الهدا      سالکی راه حقیقت عشقه ایلار اقتدا».

انجام: «بزم ایجره حباب اشک گلگونم دین      منک جام یراتمه جام ایجون جام یرت».

نستعلیق ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۷۹ هـق. کاتب: محمّد غج ملّا بن سعد محمّد از طایفه حیدرقلی، کاغذ: شکری آسیب دیده و کرم خورده شدید، ۹۰گ، ۱۵/۵×۲۰/۷ س. م. جلد: میشن فرسوده و آسیب دیده، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۲۹۵

دیوان فنا

(۱۱۹۵۹)

از میرزا عبدالرسول زنوزی خویی متخلّص به فنا فرزند میرزا محمّد حسن بن عبدالرسول متخلّص به فانی(– ۱۲۶۳ هـق.[۱]) می‌باشد. این نسخه شامل مقدّمه و ترکیب‌بند بسیار مفصّلی در مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام می‌باشد.

در مقدمه می‌گوید: «راقم این ابیات لطیفه عبداهل قول عبدالرسول المتخلّص با الفنا ابن میرزا محمّد حسن الزنوزی الاصل المتخلّص با الفانی عفی الله عنهما چنین گوید». و درهامِش صفحات بطرز مورّب اشعاری از امیر یعقوب، عرفی(قصیده هراس و مماس و دیگر اشعار)، سعدی، فانی، و مثنوی کوتاهی از علی حاجی آقا در تاریخ ۱۳۳۰ در مورد سرمای شدید زمستان و بر باد رفتن محصول باغشان، و رباعیّاتی از ناظم(فنا)، میر فتاح، محمّد رسول قصاب سروده شده است.

آغاز: «بسمله، حمد و ستایش خداوندی را سزاست که مداد علما را بدماء شهدا بیاراست...».

باز این فغان[و] غلغله اندر زمان چیست    این آتش زبان فنا را زبانه چیست».

انجام: «گوییا ماه محرم شد بر خلق پدید   گرچه امروز فنا سلخ مه شوالست».

در انتها ۵۰ برگی به نثر در موضوع و شرح واقعه کربلا ضمیمه می‌باشد.

نستعلیق شکسته ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: ششم محرم الحرام ۱۲۵۵، کاتب: محمّد رسول بن محمّدعلی دیزجی خویی، کاغذ: شکری و نخودی آهاری، عناوین به سرخی، ۱۷۶گ، ۲۰×۱۳/۵ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واقف: ابوالقاسم مدیر خراسانی در اردیبشهت ماه ۱۳۶۱.

---

۱ . پدر ناظم، میرزا محمّد حسن بن عبدالرسول زنوزی متخلّص به فانی(۱۱۷۲–۱۲۴۶ هـق.) می‌باشد که در ریحانه، ج۲، ص ۳۸۹، به علّت همنامی ناظم با جدش شرح حال آن خلط شده است.

۲۹۶

دیوان فنا

(۱۳۷۳۹)

نسخه کامل می‌باشد در انتها دیوان آمده است«تمام شد دیوان هزار بند...» که به همین دلیل در شناسنامه«هزار بند» نام گذاری شده بود.

آغاز مقدّمه و اشعارش: مانند پیش.

انجام مانند پیش...«تمام شد دیوان هزار بند مرثیه میرزا عبدالرسول الزنوزی المتخلّص به فنا ابن مرحمت و غفران مآب میرزا محمّد حسن حشر الله مع اجداده بمحمّد و آله الطاهرین».

نستعلیق تحریری ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: جمادی الاولی ۱۲۶۲، کاتب: میرزا محمّد حسین شیرازی(به جهت مخدومی جبّار بک)، محلّ کتابت: کرمانشاهان، کاغذ: حنایی، عناوین به سرخی، چند صفحه ابتدا جداول و کمند به سرخی، ۱۸۰گ، ۲۱×۱۶ س. م. جلد: تیماج خرمایی مستعمل، واقف: سیّد خلیل علوی خویی در ۱۲۶۲ هـق.

۲۹۷

دیوان فیض کاشانی

(۱۷۱۶۰)

از محمّد حسین بن شاه مرتضی بن شاه محمود کاشانی معروف به ملاّ محسن فیض(۱۰۰۷-۱۰۹۱ هـق.) نسخه از ابتدا و انتها و وسط ساقط شده و شامل غزلیّات(از اواخر ب تا ها) در مقایسه با نسخه مطبوع چاپ سنگی اشعار بیشتری را داراست.

آغاز موجود: «آن نباشد آب و دیگر همچنین        هرگز از دنیا نگردی کامیاب».

انجام موجود: «خوشا دلی که ز غیر خداست آسوده        ضمیر خویش ز وسواس دیو پالوده».

نسخ خوش ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۳ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری(اوراق رطوبت رسیده، بعضاً خطوط مخدوش شده است)، ۱۰۹گ، ۱۷/۵×۱۰/۶ س. م. فاقد جلد، انتقالی از دانشگاه علوم رضوی در تاریخ ۶۸/۷/۲۵.

۲۹۸

دیوان قاسم انوار[۱]

(۱۶۱۸۳)

نسخه ایست کامل شامل غزلیّات و مقطّعات و رباعیّات از معین الدّین علی بن نصیر بن هارون بن ابوالقاسم حسینی قاسمی معروف به«قاسم انوار» (۷۵۷-۸۳۷ هـ.ق.) از شاعران و مشایخ اهل تصوّف که در اشعارش«قاسمی»، «قاسم» و گاهی«قاسم انوار» تخلّص کرده است.

آغاز: «[۲] بسمله، من بیچاره و سودا زده سرگردانم    که به اوصاف خداوند، سخن چون رانم... .

به نور هدایت چراغ زمینی        به رفعت فزونتر ز هفت آسمانی».

انجام: «نشیند نصیحت خرد بخت نژند        هجران بسرم تاخت چو کوه الوند... .

ما اهل کمالیم و ز ما هر نفسی        صدگونه تحیهٔ است بر اهل کمال».

---

۱ . دو نسخه در ج۷، ص ۴۸۴ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . در«آغاز نسخه» سطر اوّل آغاز ورق الحاقی شده و سطر دوم آن نسخه اصلی می‌باشد و همچنین در«انجام نسخه» سطر اوّل انجام نسخه اصلی و سطر دوم انجام صفحه الحاقی نونویس شده می‌باشد.

نستعلیق متوسط ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۱ هـق. کاغذ: حنایی کرم خورده، بعضاً رطوبت دیده و وصّالی شده، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، ۱۸۷گ، ۱۰/۵×۱۵/۹ س. م. جلد: مقوایی زرشکی ابری با عطف و گوشه میشن مشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۲۹۹

دیوان قاسم انوار

(۱۶۲۶۴)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

آغاز موجود: «برو زاهد مگو با ما حدیث توبه و تقوی      که اندر گوش جان ناید حدیث مختصر ما را».

انجام موجود: «الهی رحمت وجود تو از اندازه بیرونست      بـه قاسـم رحمتـی فرمـا کـه حنّـانی و منّانی».

نستعلیق متوسط ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـق. کاغذ: الوان، بعضاً کرم خـورده و رطوبـت دیده، ۱۵۲گ، ۲۳/۵×۱۳/۵ س. م. جلد: مقوایی با عطف و گوشه پارچه، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۰۰

دیوان قاسم انوار[۱]

(۱۵۴۵۸)

---

۱ . در شناسنامه با عنوان ۱۱«دیوان قاسمی گنابادی» معرفی شده است.

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و اوراق آنهم بهم ریخته است. مشتمل بر غزلیّات و... می‌باشد.

آغاز موجود: «زان زلف دلاویز و زان روی دلفروز  آشوب جهان آمد و سرمایه جانهاست».

انجام موجود: «دل شوریده درمانی ندارد  مگر فانی شود در قرب درگاه».

نستعلیق ۲۲ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هـ‌ق. کاغذ: نخودی رطوبت رسیده و آسیب دیده(به سبب درهم ریختگی و پریشانی اوراق، تعداد افتادگی مشخص نیست و بعضی اوراق خطوط آن از بین رفته است)، ۷۱گ، ۲۳/۵×۱۱ س. م. از کتابهای بازیافته ضمن قرآنها.

۳۰۱

دیوان قاسم انوار

(۱۶۱۴۴)

نسخه کامل است و مشتمل بر غزلیّات، ترجیع‌بند و رباعیّات می‌باشد.

آغاز: «بسمله، ای صبح سعادت ز جبین تو هویدا  این حسن چه حسن است تقدس و تعالی».

انجام: «ای شادی دل نوبت خود از سر گیر  ای غم تو کهن گشته آخر بسرای

بمنّه وجوده و کرمه و احسانه و حسن توفیقه سمت تحریر و شرف ترقیم پذیرفت این نسخه شـریف عزیز علی یداقل عباد محمّد علی آتشی شیرازی خلف غفران مآب علیین آشیان آقا محمّـد ابـراهیم مشهور به آتشی امید که از چشم حسود و نامحرم محفوظ بماند حق الحق مورّخه...».

نستعلیق خوش ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: نهم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۸۵(کذ) کاتب: محمّد علی بن محمّد ابراهیم آتشی شیرازی، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، دارای دو سرلوح با کتیبه مذهّب و منقّش در ابتدای غزلیّات و ترجیع‌بند، چهار صفحه ابتدایی بین السطور طلااندازی، دارای کمند، جداول اوراق

به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف، ۲۰۹گ، ۲۱/۸×۱۳ س. م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۰۲

دیوان قطران تبریزی[1]

(۱۶۳۹۳)

شامل قصاید است از شرف الزّمان حکیم ابومنصور قطران عضدی تبریزی(سده ۵ هـ.ق.) که بنا به اظهار مالک کتاب در ظهر صفحه اوّل با اشعار رودکی مخلوط می‌باشد.[2]

آغاز: «بسمله، تا بپوشید بلؤلوی ثمین باغ سمن     به گل سرخ و بیاقوت بیاراست چمن».

انجام: «بدین نوروز روز افزون کند از باده رخ گلگون     همیشه روزتان میمون همیشه عیدتان شیرین».

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۲۳ صفر المظفر ۱۲۵۸، کاتب: جعفر قلی قلیچی، محل کتابت: رود گرگان، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، دارای کمند و جداول اوراق به زر خام تحریردار، ۱۰۹گ، ۲۰/۳×۱۲/۳ س. م. جلد: پارچه اسقاطی با عطف و سجاف تیماج قهوه‌ای واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۰۳

---

۱ . سه نسخه در ج۷، ص ۴۹۱ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . مالک نسخه در ظهر صفحه اوّل دیوان نوشته است: «دیوان حکیم قطران است که با اشعار استاد ابوالحسن رودکی مخلوط است و حق این است که آنچه در مدح آل سامان است که ابونصر و منصور باشد از حکیم رودکی است و آنچه در مدیحه اوبنصر بن مملان که سلاطین آذربایجان و آران هستند از حکیم قطران است در شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۸ استکتاب شد». و همچنین«مه نیسان شبیخون کرد...» در بیاض با شماره اموالی ۱۳۱۹۷ آورده شده و به رودکی نسبت داده شده است.

دیوان کفّاش

(۱۳۲۶۶)

مشتمل است بر غزلیّات در سوگ امام حسین(ع) و شهدای کربلا از کفّاش خراسانی.

آغاز موجود: «صدای ناله کفاش در هر گلستان آید روان خون جگر از چشم مرغان خـوش الحـان شد».

انجام: «هر دو عریانند امّا این کجا و آن کجا».

متن: شکسته نستعلیق مختلف السطر، ادامه متن در بعضی صفحات بطـرز موربـب در حاشـیه، تـاریخ کتابت: سده ۱۳ هــق. کاتب: محمّد علی حسینی کوه کمری، کاغذ: نخـودی، ۲۶گ، (نسـخه در هـم ریخته صحافی شده است) ۱۹/۵×۱۲/۵ س. م. جلد: پارچه‌ای آبی رنگ، خریداری آسـتان قـدس رضوی در ۱۳۶۲/۸/۴ ش.

۳۰۴

دیوان کلیم

(۱۵۱۴۹)

از ملک الشعرا ابوطالب کلیم کاشانی(- ۱۰۶۱ یا ۱۰۶۲ هــق.) معروف به طالبای کلـیم، در همـدان ولادت یافت ولی به سبب اقامت طولانی در کاشان به کاشانی مشـهور شـده، در عهـد جهـانگیر بـه هندوستان رفت و بعد به ملک الشعرایی دربار شاهجهان رسید. این نسخه مشتمل است بر غزلیّات و رباعیّات و قصاید که مرتّب صحافی نگردیده است.

آغاز: «بسمله، بدل کردم بمستی عاقبت زهد ریائی را        رسانیدم به آب از یمن می بنیاد تقـوی را».

انجام: «از گل شخص ار بفرض رسته        درمانده به آب و پل شکسته».

شکسته نستعلیق خوش ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، وصّالی شده، عناوین به شنگرف، دارای سرلوح و کتیبه آسیب دیده و فرسوده، کمند و جـداول اوراق بـه زر تحریردار، ۲۱۷گ، ۱۸/۹×۹ س. م. جلد: روغنی مصوّر(نقاشی فرنگی) مستعمل دارای جدول زرّین، واقف: مکتبۀ الامام امیرالمومنین(ع)، تاریخ وقف: اردیبهشت ماه ۱۳۶۵.

۳۰۵

دیوان مجرم

(۱۳۶۱۳)

مشتمل است بر مثنوی و قصیده، مخمّس و چهار پاره در پند و اندرز و توحید در فضائل و ستایش و رثای حضرت محمّد(ص) و حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب(ع)، فاطمه زهرا سلام الله علیها، امام حسن(ع)، حضرت مسلم، واقعه حُر، حضرت علی اکبر(ع)، حضرت قاسم، حضرت ابوالفضل العباس(ع)، نقل مصائب حضرت سید الشهداء(ع)، مدح حضرت رضا(ع) و حضـرت قـائم(عـج) از شـاعر قـرن چهاردهم هجری متخلّص به مجرم که احتمالاً مجرم اصفهانی هادی بن محسن براهیمی ورنو سفادرانی[۱] بوده که دارای«مصیبت نامه» نیز می‌باشد. درباره تاریخ تنظیم می‌گوید:

«سیصد و چهل و پنج ز سال هجری بسنج        شد این بیان چه گنج علاوه از یکهزار».

---

۱ . رجوع شود به تذکره شعرای اصفهان، مهدوی، ص ۴۱۲.

آغاز موجود: «در بهشت او را مقام و منزل است     هر چه را خواهد مرادش حاصل است».

انجام: «مجرم چه نیست علم و ادب در مزاج تو     بی‌ربط بیجهت ز چه اندر نواستی».

نسخ مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاتب: احتمالاً ناظم(اشعار تصحیح شده است)، کاغذ: شکری فرنگی، ۴۵گ، ۲۱/۲×۱۳/۲ س.م. جلد: گالینگور با عطف و گوشه تیماج، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۳۰۶

دیوان مدّاح

(۱۵۸۳۹)

از شاعری متخلّص به مدّاح است که بنا به قول مسموع ناظم همان واقف نسخه میـرزا محمّـد معلّـم بابکی[۱] می‌باشد. این نسخه مثنوی طولانی است که از وصیت نمودن حضرت فاطمه زهرا(س) شروع و بعد به وفات آن حضرت و وقایع کربلا، حدیث در مصیبت حضرت امام زین العابدین، امام محمّد باقر، و دیگر ائمه و در وصف امام زمان علیهم السلام و خریدن نرجس خاتون را حضرت امام علی نقی(ع) و فرستادن وی به بغداد، ختم می‌شود.

آغاز موجود: «روم به گوشه غربت غریب‌وار بنشینم     که جای خالی(کذ) باب بزرگوار نبینم».

انجام موجود: «حسین نوگل باغ رسول را کشتنند     بخاک خون تن پاکش بکربلا شستند».

---

۱ . در برگ ۱۱، پ، نسخه چنین آمده است: «در تاریخ سنه ۱۳۲۲ مرض ناخوش وبا تمام عالم فرا گرفت عهد نمودم با مـولایم اسـدالله الغالـب علی بن ابی طالب هرگاه این مرض وبا قصبه بابک را نگرفت این حدیث شریف را بنظم بیاورم و از مرحتمهـای مـولایم و برکـت ائمـه طـاهرین علیه السلام خلق بابک آسوده شدند به بابک نیامد بعون الله تعالی جله ثنائه».

نسخ بدخط و مغلوط ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق.، کاتب: ناظم، نسخه احتمالاً به خط سراینده است، کاغذ: نخودی، ۲۶۴گ، ۲۲×۱۶ س. م. جلد: مقوای فرسوده و مستعمل، واقف: میرزا محمّد معلم، تاریخ وقف: تیرماه ۱۳۶۷.

۳۰۷

دیوان مریض کرمانی[۱]

(۱۸۰۷۱)

از شاعری با تخلّص «مریض» معاصر مظفرالدّین شاه که در کرمان و خراسان زندگی می‌کرده است. نسخه از ابتدا و انتها و اواسط افتادگی دارد و شامل مخمّسات و غزلیات و قصاید و مثنوی در سوگ ائمه و در وسط نسخه داستان توبه یک جوان گناهکار به نثر و غزلی از صائب و اشعار مناجات گونه است و نیز قصائدی از ظهیر فاریابی[۲] در ده برگ افزوده شده است. در ادامه قطعاتی در مدح مظفر الدوّله، در تاریخ بنای حسینیّه و ساعی آن سیّد مداح یزدی در کرمان، تاریخ ورود سپه سالار اعظم به شهر طوس در سال ۱۳۲۲ هـق. در هجو حکیم خراسانی، تضمین غزل حافظ، قطعه‌ای به نثر در تولّد حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) ضمیمه می‌باشد.

آغاز موجود: «زیبد اگر که رشک برد گلشن ارم بر این جهان که شاه جهان زد بوی قدم».

انجام موجود: «روشنائی رفته از چشمم برون از مرگ اکبر رحمی آخر بر من و این دیده‌های اشکبارم».

---

۱ . در برگ ۶۵، پ نسخه، ناظم گفته است:

«مریضم اهل کرمان و تفاخر زین جهۀ دارم که باشد صانع و بانی این در هر دو کرمانی».

۲ . آغاز قصاید فاریابی این بیت است: «سفر گزیدم و بشکست عهد قربی را...».

نسخ و نستعلیق و شکسته، مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی و شکری روسی، ۱۳۷گ، ۲۱/۵×۱۶/۵ س.م. جلد: تیماج عنّابی مستعمل، واقف: محمّد تقی ادیب نیشابوری، تاریخ وقف: مهرماه ۱۳۷۰.

۳۰۸

دیوان مشتاقیه[1]

(۱۶۰۰۵)

از میرزا محمّد تقی بن میرزا محمّد کاظم کرمانی ملّقب به مظفر علی شاه(- ۱۲۱۵ هـق.) که به نام مرادش میرزا محمّد مشتاق علی شاه تربتی خراسانی(مقتـ ۱۲۰۶ هـق.) سروده است.

نسخه کامل است، شامل قصاید و غزلیّات و ترکیبات و ترجیعات و رباعیّات[2] می‌باشد.

آغاز: «بسمله، ای نام خوشت صیقل مرات جنانها روشن شده از نور رخت دیده جانها».

انجام: «رو وام کن از حضرت حق چشم دگر و انگاه به بین در رخ مشتاقعلی[3]».

نستعلیق تحریری ۱۸ سطری، تاریخ کتابت: ربیع الاول ۱۲۸۹، کاتب: محمد حسن شیرازی، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۱۴۶گ، ۲۰/۲×۱۳/۵ س. م. جلد: میشن دارچینی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

---

۱ . چهار نسخه در ج۷، صص ۵۰۹- ۵۱۱ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۳، ص ۲۴۱۵ با عنوان«دیوان طریقتی کرمانی» معرفی شده است.

۳ . در انتهای نسخه ابیات زیر با عنوان«ممانسب الیه روح الله روحه» ذکر شده و ضمیمه است:

«در ۱۲ جمیدی الثانیه ۱۲۹۳، طهران.

حرف اول از نبوت حرف نون      قلب نون واو آمده ای ذوفنون

حرف اول از ولایت حرف واو      قلب واو آمد الف ای کنجکاو

پس ولی قلب نبی و جان اوست      قلب قلبش سرّ الله ذات هو است».

۳۰۹

دیوان مشتاقیه

(۱۶۲۴۳)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد. شامل قصاید و غزلیّات و ترکیبات و ترجیعات است.

آغاز موجود: «دل سر حق مطلق و حق سر دل بود از دل مقال حق شنو از حق مقال دل».

انجام موجود: «مستور در سرایر ما سر کنت کنز     مطمور در ضمایر ما گنج علم راز».

شکسته نستعلیق ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاغذ: آبی فرنگی، ۶۶گ، ۳۰/۵×۱۶/۳س.

م. جلد: تیماج خرمایی اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۱۰

دیوان مشرب

(۱۱۹۶۴)

(ترکی)

از شاعری با تخلّص«مشرب» و«شاه مشرب دیوانه» که در منابع و مراجع ترکی و فارسی جستجو شد امّا شرح حالی از وی بدست نیامد[1]. این نسخه شامل چهار دفتر و همانند مثنوی مولوی در پند و اندرز و در قالب حکایات سروده شده که بین حکایات غزلیّات ذکر شده است. دفتر چهـارم آن دارای ۱۳ کیمیا، با عناوینی به شرح زیر است:

کیمیای اوّل: انتقال کردن حضرت شیخ رکن الدین قدس الله سره العزیز.

---

۱ . قاموس الاعلام، شمس الدّین سامی بک، ج۶، ص ۴۲۸۸، عثمانلی تاریخی... .

کیمیای دوم؛ ملامت دیدن شیخ سفیان ثوری علیه الرحمه و سؤال شیخ دیگر.

کیمیای سوم؛ پیش پا خوردن داوود طائی و آواز از قبرستان شنیدن او.

کیمیای چهارم؛ تنبّه دادن حضرت خضر علیه السلام شیخ سلیمان ابودارانی را.

کیمیای پنجم؛ توبه دادن شیخ ذوالنون مرد طالب را.

کیمیای ششم؛ گریه دکردن یحیی معاذ علیه الرحمه و سؤال کردن مسافر که اینقدر گریه از برای چیست و جواب گفتن شیخ سبب گریه را.

کیمیای هفتم: حج رفتن سلطان بایزید بسطامی قدس سره و نومید شدن از حج و بازیافتن اصـلی از وحدانیت الله تعالی.

کیمیای هشتم؛ مناجات کردن شیخ لقمان سرخسی و جواب شنیدن او.

کیمیای نهم؛ خواب دیدن صوفیی و تعبیر جستن از شیخ خود.

کیمیای دهم؛ زنّار بستن شیخ بایزید قدس سرّه و در وقت وفات زنّار بریدن او.

کیمیای یازدهم؛ دیدن شیخ معشوق طوسی قدس سرّه تشنه را در راه و رحم آمدن شیخ را به آن تشنه.

کیمیای دوازدهم؛ پا برهنه رفتن شیخ بهلول در زمستان به جانب گورستان.

کیمیای سیزدهم؛ در رعایۀ والدین و حکایت شاه نقشبند و دیدن مردی را که در گور بعذاب است و پرسیدن سبب آن را.

کیمیای چهاردهم؛ در بیان کفن دزد و توبه کردن و توفیق یافتن به خدمت رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلّم).

آغاز: «بشنو از نی چون حکایت می‌کند وز جداییها شکایت می‌کند.

انکلاغیل نَی نی حکایت لارقیلور　　　اول جدالیغ دین شکایت لارقیلور».

انجام: «هوا دین یاغمدی بیر قطره باران　　دعا در کار مونده چشم گریان

اگر مینگ مرتبه ایتسم کوش کرسن　　　دلینکا معنی یوق کردن یترسن».[1]

نستعلیق مخلوط به شکسته، ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۸۲ هـ.ق. کاغذ: نخودی و شکری، عناوین به سرخی، دارای سه سرلوح منقّش با اکلیل و الوان، دارای کمند و جداول اوراق به زر تحریردار، ۳۳۶گ، ۲۶×۱۵ س. م. جلد: مقوّا ماشی ضربی مستعمل، واقف: حاج سیّد محمود رحیم‌زاده مدنی در خردادماه ۱۳۶۱.

۳۱۱

دیوان مشرب

(۸۷۹۴)

(ترکی)

نسخه کامل است. علاوه بر مثنوی غزلیاتی بین حکایات دارد و در انتهای نسخه نیز غزلیّات و مخمّس و مسدّس افزوده شده و کاتب(پادشاه خواجه) قصایدی در مرگ فرزندانش قمرالدین خواجه و منوّر خواجه سروده است.

آغاز: «مانند پیش. «... وز جداییها شکایت لارقیلور».

---

۱ . در انتهای نسخه چهار صفحه ادعیه و اخبار فارسی به نثرضمیمه می‌باشد.

آغاز: «نقلست از حضرت عبدالله بغدادی که گفت پیغمبر صلی الله علیه و سلّم را در خواب دیدم».

انجام: «دعا این است، بسمله... آمَنتُ بالله وحده و... برحمتک یا ارحم الراحمین».

انجام: «محی کریم سن یا کرم جمله اولار میزیمه غم      آخر دمیده شولدودم مـن یُغلمـای کـیم یُغلسون».

نستعلیق ۱۷ سطری، تاریخ کتابت: دهم ربیع الثانی ۱۳۱۲، کاتب: پادشاه خواجه ابن رحمت الله، کاغذ: الوان، عناوین به سرخی، دارای چهار سرلوح منقّش به اکلیل و الوان، دارای کمند، جـداول اوراق بـه سرخی، و زردی و لاجوردی، ۳۶۴گ، ۲۷×۱۶/۵ س. م. جلد: مقوایی با عطـف و حاشـیه تیمـاج مستعمل، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۳۸.

۳۱۲

دیوان مظهر

(۱۳۲۶۴)

از شاعری با تخلّص «مظهر» احتمالاً از شاعران اواخر سده ۱۲ و اوایل سده ۱۳ می‌باشد. نسخه از انتها افتادگی دارد و شامل قصیده مثنوی(حکایاتی در پند و اندرز) در اوزان مختلف، ساقی‌نامه و قصایدی در مدح حضرت علی(ع) و علی بن موسی الرضا(ع) و غزلیّاتی بـه فارسـی و ترکـی کـه در جـواب شاعرانی چون: کلیم، صیدی، سلیم، حافظ، صائب، طالب، مهدی، خان، میرزا سروده شده است و در برگ ۳۲ مثنوی کوتاهی از میرزا حسن منشی در خصائص اخلاقی ناظم نسخه آمده است.[1]

آغاز: «بسمله، سبحان من بیده مقالید الامور و الاحکام و له الجوار المنشات فی البحر کالاعلام.

... خوشا مظهر که عشقت رهنمون شد      زیمن عشق فکرت ذوفنون شد».

انجام موجود: «در کشمکش تیغ تو گاه مستی      جان خواست که او رهد زناز هستی».

---

۱ . مثنوی میرزا حسن منشی با بیت ذیل آغاز می‌شود:

«در سرم دیگر ز عشق ذوفنون      ریخت سودا طرح بنیاد جنون».

شکسته نستعلیق ممتاز ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۳ هـق. کاغذ: حنایی وصّالی شده، ۹۴گ، ۲۰×۱۱/۵ س. م. جلد: تیماج مشکی، مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۴.

۳۱۳

دیوان معزّی نیشابوری[۱]

(۱۲۶۰۱)

از امیرالشّعرا ابوعبدالله محمّد بن عبدالملک معزّی نیشابوری(– ۵۴۲ هـق.[۲]) است. و نسخه ما شامل قصاید و غزلیّات و مقطّعات و فاقد رباعیّات می‌باشد. این دیوان چند بار به چاپ رسیده است.[۳]

آغاز: «ستاره سجده برد طلعت منیر ترا          زمانه بوسه دهد پایه سریر ترا».

انجام: «همواره مدیح تو سکالم بدل و جان          کز بهر مدیح تو دلی دارم و جانی».

نستعلیق ۱۷–۱۸ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی آهار مهره، ۲۰۵گ، ۲۱×۱۳ س. م. جلد: تیماج عنابی مستعمل، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۳۱۴

دیوان معزّی نیشابوری

(۱۲۶۰۲)

---

۱ . هفت نسخه در ج۷، صص ۵۱۶ و ۸۱۴ و یک نسخه در ج۹، ص ۱۵۹ فهرست رضوی معرفی شده و نسخه‌ای ضمیمه دیوان ظهیر فاریابی تحت شماره ۱۵۹۹۲ معرفی شده است.

۲ . این دیوان یکبار در سال ۱۳۱۸ ش. باهتمام استاد مرحوم اقبال آشتیانی و یکبار در ۱۳۶۲ ش. به اهتمام ناصر هیری به چاپ رسیده است.

۳ . این دیوان یکبار در سال ۱۳۱۸ ش. باهتمام استاد مرحوم اقبال آشتیانی و یکبار در ۱۳۶۲ش. به اهتمام ناصری هیری به چاپ رسیده است.

این نسخه کامل بوده، و از مقدّمه آن که در شرح حال شاعر است یک صفحه باقیمانده است.

آغاز: «بسمله، از جمله استادان مقرر است و در فن شعر قدرتش از اکثر سالکان مسالک سخنوری بیشتر».

انجام: «اندر کف جام و بر سر افسر داری مه بر کف و آفتاب بر سر داری».

نستعلیق مخلوط به شکسته، ۱۸ و ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: ۱۶ صفر المظفر ۱۲۳۴، کاتب: احمد بن ابوالفتح الشریف الاصفهانی، کاغذ: شکری آهار مهره، ۲۶۴ گ. ۲۰/۵×۱۳/۵ س. م. جلد: تیماج قهوه-ای مندرس، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۳۱۵

دیوان مغربی[۱]

(۱۶۳۵۲)

از شاعر صوفی، مولانا محمّد بن عزّ الدّین بن عادل بن یوسف تبریزی ملّقب به«شیرین» و متخلّص به«مغربی» در گذشته به ۸۰۹ هـ.ق. شیخ اسماعیل رستمی بود. در وجه تسمیه مغربی گویند در اثنای سیاحت به دیار مغرب افتاد و در آنجا بر دست یکی از مشایخ که نسب وی به شیخ محی الدّین بن عربی می‌پیوست خرقه پوشید و معاصر و مصاحب شیخ کمال خجندی بود. این نسخه شامل مقدّمه و چند قصیده و رباعی به عربی و ترجیعات و غزلیّات به ترتیب حروف تهّجی و رباعیات به فارسی می-باشد که در مقدّمه بخش عربی، قصیده ترجمان الاشواق شیخ محیی الدّین بن عربی را ذکر نموده است. در مقدّمه می‌گوید: «چون سخن در این دیوان بلسان فصیح عربی و زبان ملیح فارسی بود و زبان عربی

۱ . شش نسخه در ج۷، صص ۵۱۸–۵۲۱ فهرست رضوی معرفی شده است.

بخصوصیهٔ باهل الجنهٔ و نبینا محمّد صلی الله علیه و سلّم بتقدیم اولی بود پس لاجرم هر شعری که بدان زبان بود مقدّم داشته شد».

چندین چاپ خورده، در دیوانهای چاپی که دیده شد بخش عربی آن حذف شده است.

آغاز: «الحمدلله الذی انشأ عروض الکون بسببی الجسم الثقیل و الروح و الخفیف».

انجام: «تا ظن نبری که بهر بازی و هوس          از حضرت او باین سرا آمده».

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم[1]، کاغذ: کـری، عنـاوین بـه سرخی، بیت الترجیع و آغاز و انجام غزلیّات به لاجورد و زر و زردی، دارای دو سـرلوح مـذّهب و مرصّع و منقّش به زر ولاجورد(الحاقی از کتابی دیگر)، جداول اوراق بـه زر تحریـردار و شـنگرف، ۹۴گ، ۱۹/۲×۱۳/۵ س. م. جلد: مشمع قرمز، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۱۶

دیوان مغربی

(۱۵۱۳۹)

نسخه ناقص است. شامل غزلیّات، ترجیعات، رباعیّات و در انتها یک غزل و ۶ رباعی در دو صفحه از باباطاهر ضمیمه می‌باشد.

آغاز موجود: «اجزا چه بود مظاهر کل          اشیا چه بود ظلال اسما».

انجام موجود نسخه: «گل و بلبل نشینند زار نالند   مو که دو از گلانم چون نناﻟﻢ».

---

۱ . در انتهای نسخه مهری دیده می‌شود که احتمالاً مهر کاتب است با نقش«تصویر صورت انسان و نوشته مجنون».

نستعلیق متوسط مخلوط به شکسته، ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۲۲ هـ‍ق. کاتب: نامعلوم، به خواهش آقا سیّد مصطفی نوشته است. کاغذ: نخودی، ۷۸گ، ۱۷/۴×۱۰/۵ س. م. واقف: مکتبۀ الامام امیرالمومنین(ع) در اردیبهشت ماه ۱۳۶۵.

۳۱۷

دیوان منظری

(۱۷۳۶۸)

(ترکی و فارسی)

از شاعری با تخلّص«منظری» از شاعران دوره ناصرالدّین شاه قاجار که با جستجو در منبع و مآخذ شرح حال وی بدست نیامد.[۱] این نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد شامل غزلیّات در مصائب ائمه و وقایع روز عاشورا از زبان آنها و تعداد اندکی از غزلیّات به زبان ترکی می‌باشد و قصیده‌ای در مدح ناصرالدّین شاه دارد:

«پناه ملّت و مذهب که اعنی ناصرالدین شاه     له الخاقان بن خاقان بن خاقان و البر حجان(کذ)».

آغاز موجود: «حسن مایلم حسینم من     ایدوشن گیر که چون منظری مصیباتم».

انجام موجود: «محنت و اندوه غم اولمیشن منکا بشد فراق».

نستعلیق پست مختلف السطر در متن و ادامه در حاشیه، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـ‍ق. کاغذ: شکری، ۱۸۸گ، ۲۱/۹×۱۶/۵ س. م. جلد: تیماج اسقاطی، انتقالی از دانشگاه علوم رضوی در آذرماه ۱۳۶۸.

---

۱ . در بعضی از اوراق کتاب مُهرهایی با نقش«یا امام حسین ۱۳۹» مشاهده می‌شود که احتمالاً مهر ناظم می‌باشد چون در کنار مهر امضای المنظری نیز دیده می‌شود.

دیوان منوچهری[1]

(۱۲۰۹۴)

مشتمل است بر مقدّمه منقول از مجمع الفصحا در سه صفحه که در سال ۱۲۶۰ هجری توسط رضاقلی خان هدایت نوشته شده است. قصاید، مسمّط‌ها از ابوالنّجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی(- ۴۳۲ هـ.ق.).

آغاز: «بسمله، همی ریزد میان باغ لولوها به زنبرها».

انجام: «احباب ترا سعادت بیغم باد        تا شاد زیند و باده گیرند بچنگ».

(ص ۱-۲۲۹)

نسخه مذیّل است به ترکیب‌بندی(دوازده بند) از کاتب نسخه با تخلّص«قلزم» در رثاء حضرت اباعبدالله الحسین(ع).

آغاز: «افکند چون زمانه ز سر تاج زر نگار        گردون ببر حمایل شب کرد استوار».

انجام: «ای کاش دور هستی از این غم بسر شدی    عالم ز سیل حادثه زیر و زبر شدی».

(ص ۲۳۱-۲۴۰)

شکسته نستعلیق خوش، مقدّمه بطرز مورّب، متن ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۷۵ هـ.ق. کاتب: قُلزم(تخلّص) (معانی لغات در حاشیه اوراق ابتدایی آمده است)، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، دارای کمند به سرخی، جداول اوراق به زر تحریردار و سرخی و لاجورد، ۱۲۰گ، ۱۴×۲۱/۸ س.م.

---

۱ . چهار نسخه در ج۷، ص ۵۲۲ و چهار نسخه در ج۹، ص ۱۶۰ فهرست رضوی معرفی شده است.

جلد: تیماج خرمایی ضربی دارای ترنج و دو سر ترنج مستعمل، واقف: سیّد جلال الدین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۳۱۹

دیوان منوچهری

(۱۶۴۹۹)

نسخه کامل، دارای دیباچه، قصاید و مسمطها، قطعات رباعی است.

آغاز[۱]: مانند پیش.

انجام: «ای تو دل آزار و من آزرده دل        دل شده ز آزار دل آزار[زار]».

نستعلیق خوش، ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: جمادی الاولی ۱۲۲۷، کاتب: اسماعیل زرکش، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به سرخی، دارای کمند به سرخی، جداول اوراق به سرخی و لاجورد، ۸۲گ، ۲۱/۶×۱۳/۵ س. م. جلد: تیماج خرمایی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۲۰

دیوان منوچهری

(۱۴۶۸۶)

نسخه کامل است دارای مقدّمه‌ای در شرح حال ناظم منقول از مجمع الفصحا، قصاید و مسمّطها می‌باشد.

---

۱ . در ظَهر صفحه اوّل یادداشتی از مالک نسخه به این عبارت آمده است: «بنده درگاه میرزا عبدالله خان مشار وزارتخانه ولد جناب صدیق الملک در طهران ابتیاع نمود ذی حجهٔ الحرام ۱۳۰۳» با مُهری به نقش«عبدالله ۱۲۹۵»، و در انتهای مقدمه مهر مالک با نقش«عبدالله بن محمد» مشاهده می‌شود.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «بر تو درِ سعادت همواره باز باد          عیش تو باد دایم با یار مهربان».

شکسته نستعلیق خوب، ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۲۷ شوال ۱۲۹۴، کاغذ: شکری، عناوین به سرخی، دارای کمند، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، ۱۰۷گ، ۲۱/۱×۱۴ س. م. جلد: تیماج عنّابی مستعمل، واقف: سیّد محمّدباقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۳۲۱

دیوان منوچهری

(۱۲۱۴۳)

این نسخه توسط محمّد حسین بن آقا محمّد مهدی ارباب اصفهانی متخلّص و مشهور به ادیب[۱] تصحیح و برای چاپ سنگی تهیّه شده است. شامل پیشگفتار در دو صفحه و مقدمه‌ای در چهار صفحه منقول از مجمع الفصحای هدایت، قصاید، مسمّط و رباعیّات می‌باشد.

آغاز پیشگفتار: «بسمله، پس از سپاس خدای و ثنای پیغمبر          که هست زینت دیوان و زیـور دفتر

بر صاحبان شوق فطری و مالکان ذوق شعری پوشیده نیست که... امّا این نسخه شریفه چندان تحریف و تصحیف و کم و زیاد و مخلوط و مغلوط شده بود که بگفت راست نیاید و از بسیاری از نُسَخ قریـب یک ثلث افتاده بود حتی نسخه‌ای که سابق چاپ شد تا در این اوقات که شفیعان مکرم و شفیقان محرم آقا میرزا آقا و جناب ملا محمّد صادق انطباع او نمودند، نسخ متعدده پیدا کردند و از این فقیر ابن آقا

---

۱ . مصحح محمّد حسین فروغی ذکاء الملک می‌باشد که کتابهای علمی و ادبی زیادی را تصحیح کرده و آماده چاپ سنگی نموده است.

محمّد مهدی ارباب اصفهانی، محمد حسین مشتهر و متخلّص به ادیب خواهش تصحیح این نسخه نمودند فقیر نظر نمود...».

آغاز دیوان: «بسمله، همی ریزد میان باغ لولوها بزنبرها     همی سوزد میان راغ عنبرها بمجمرها».

انجام: «مستند مخالفان ز هشیاری تو     بخت همه خفته شد ز بیداری تو».

(ص ۱-۲۲۷)

نسخه مذیّل است به«ساقی نامه میر رضی آرتیمانی» از شعرای نیمه اول سده یازدهم هجری.

آغاز: «الهی به مستان میخانه‌ات     به عقل آفرینان دیوانه‌ات».

انجام: «به می صاحب تخت و تاجم کنید   پریشان دماغم علاجم کنید».

(ص ۲۲۸-۲۳۳)

شکسته نستعلیق خوش ۱۴ سطریف تاریخ کتابت: ۲۱ شهر محرم الحرام ۱۳۰۰ کاتب: محمّد الحسینی النیریزی، کاغذ: نباتی، عناوین و توضیح لغات در هامش صفحات به سرخی، ۱۱۶گ، ۱۷/۵×۱۰/۵ س. م. جلد: تیماج قهوه‌ای سیر جدول‌کشی شده به اکلیل، واقف: سید جلال الدین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۳۲۲

دیوان منوچهری

(۱۶۵۴۳)

این نسخه از انتها افتادگی دارد و شامل قصاید به ترتیب حروف تهّجی تا حرف دال است.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «ور همی آتش فروزد در دل من گو فروز     شمع را چون بر فروزی فایده پیدا کند».

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، (توضیح لغات در هامش اوراق)، تاریخ کتابت سده ۱۴ هـ.ق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: فستقی آهار مهره، عناوین به سرخی، ۵۱گ، ۲۳/۴×۱۷ س. م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۲۳

دیوان منیر[۱]

(۱۷۶۴۳)

(اردو)

از شاعر سده سیزدهم هجری و معاصر ناصرالدّین شاه قاجار با تخلّص «منیر» است که نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد. و شامل مقدمه‌ای به فارسی در هفت صفحه، قصاید در نعت حضرت رسول اکرم(ص)، وصف اسب و...، تضمین مصرع فارسی و منقبت حضرت علی(ع)، در تتبع از عبدالواسع جبلی، مخمّس غزل قدسی، تضمین هفت بند ملاکاشی، مخمس غزل سیّد علی اوسط و شاه غلام اعظم متخلّص به «افضل» قطعه‌ای در تاریخ جلوس ناصرالدّین شاه(۱۲۶۴ هـ.ق.) است.

«ناصرالدّین شاه شاهان مالک دین هدا     زود شاه بحر و برّ گردید از امرالله» (۱۲۶۴)

آغاز موجود: «قران بخشد لابد از جلبات ظهور و آثار بروز آن...».

انجام موجود: «تاریخ تصنیف مثنوی حضور... .

خوب تاریخ مینی موزون کی     دیکهه په مثنوی لاثانی»، «سنه ۱۲۶۷ هجری».

---

۱ . در منابع و مآخذ جستجو شد، شرح حال آن بدست نیامد احتمالاً منیر دهلوی باشد.

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده سیزدهم هجری، کاغذ: حنایی فرنگی کرم خورده و شکننده، عناوین و تخلّص به سرخی، ۲۵۵گ، ۳۱×۱۹/۲ س. م. واقف: مولانا منظور الحسن، تاریخ وقف: ۱۳۶۸/۱۰/۲۵.

۳۲۳

دیوان مؤید

(۱۲۸۲۸)

از مؤید الشعرا شاعر دوره قاجاریه که در شیراز بسر می‌برده و وقایع سیاسی و اجتماعی زمان خود را بطور مختصر در اشعارش منعکس کرده است. این نسخه شامل قصاید و غزلیات و قطعاتی است که به مناسبتهای گوناگون به شرح زیر سروده شده:

مدح مشیر الدوله صدر اعظم، توصیف انجمن محمّدیّه، در تاریخ فوت سید علی محمّد(۱۳۲۶ هـ‍ق.) مدح حسین خان میر پنجه، غدیریّه و قربانیّه در مدح وزیر مخصوص، غدیریّه در مدح سالار السلطان، مدح آقا سیّد آقا بزرگ مدرّسی، تاریخ فوت علی اکبر دایی(۱۳۲۲ هـ‍ق) در مدح و ورود مستر کراهم به شیراز، شکایت در نزد سردار اکرم، مدح بعضی از اهالی هندوستان، در ورود شاهزاده عبدالمجید میرزا و مدح وی، در بعثت پیامبر اکرم(ص) و مدح حضرت علی علیه السلام، به مناسبت تولّد فرزند شعاع السلطنه(فرزند دوم مظفر الدین شاه که در سال ۱۳۱۸ هـ‍ق. والی فارس شد)، قصّه بلوای شیراز و آمدن حضرت اشرف وزیر مخصوص، غلام حسین در سال ۱۳۲۴.

آغاز: «تا مشیرالدوله صدر اعظم ایران شدی کاخ عدل آباد و بنیان ستم ویران شدی».

انجام: «مگر که همّت او دستگیر من گردد که وارهم ز پریشانی این زمان من زار».

ضمیمه است: صورت تعویذی در قضای حاجات، در دو برگ، به خط میرزا احمد بن محمّد طاهری شیرازی از قول میرزا احمد هزار جریبی که در کربلای معلّی به تاریخ ربیع الاول ۱۳۲۴ نگاشته است. نستعلیق تحریری چلیپایی مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـ.ق. کاغذ: حنایی، ۷۳گ، ۱۰×۱۶/۵ س. م. (قطع بیاضی)، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۳۲۵

دیوان ناصر خسرو[۱]

(۱۰۴۸۳)

نسخه‌ای است کامل مشتمل بر دو مقدّمه و شرح حالی منقول از تذکره آتشکده آذر و رساله«الندامۀ فی زاد القیامل» در ۲۵ برگ، که حکیم ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث القبادیانی البلخی المروزی ملقّ به حجّت(۳۹۴-۴۸۱ هـ.ق.) آن را در اواخر عمر تصنیف کرده و تقی الدّین محمّد الحسینی ترجمه آن را ذکر نموده است.[۲] دیوان او شامل قصاید به ترتیب حروف تهجی، مسمّطی با مطلع(ای گنبد زنگار گون ای پر جنون و پر فنون) که در همه نسخه‌ها مشاهده نشد، مقطّعات، و در انتها تعدادی از قصاید وی در ۳۰ برگ به ترتیب حروف تهجی، و مثنوی«روشنایی نامه» که از ابتدا و انتهای آن چند برگی افتاده است.

---

۱ . شش نسخه در ج۷، صص ۸-۵۲۶ و ۳ نسخه در ج۹، صص ۷-۱۶۴ فهرست رضوی معرفی شده است. و همچنین رجوع شود به توضیحات مربوط به نسخه شماره ۱۰۴۸۱ در ج۹، ص ۱۶۴.

۲ . «الندامۀ فی زاد القیامۀ» در لغت تازی است که چارلس شیفر در ترجمه خود ذکر آن می‌کند و می‌گوید که ناصرخسرو در این کتاب اظهار ندامت و انفعال از زلآت و خطاهای خود کرده و میرتقی کاشی آن را از تازی به پارسی ترجمه نموده است. و از مقایسه مقدّمه تذکره آتشکده و رساله الندامه چنین برمی‌آید که آذر بیگدلی بدون ذکر ماخذ از این رساله استفاده نموده است.

در مقدّمه اوّل آمده است: «در ریعان عمر مشعوف بودم به تحصیل علوم و کمالات تا مشرف شدم به حفظ کتاب الهی و سرّ تنزیلات سماوی که نازل گردیده است» و در این مقدّمه نام کتابهای«مستوفی» در فقه، اکسیر اعظم، (قانون اعظم)» در منطق الهی، کتابی در علوم یونانی و«سحریات ملحدیّـه» کـه دستور ساختن آن را به برادرش می‌دهد می‌آورد. و نیز گفته است: «مرا صاحبی است که او را ابونصر فارابی(۲۶۰-۳۳۹ هــق) می گویند اگر او را طلب کنی تا در اینجا باشد نیکو خواهد بود... خبر دادند که او مرده است» و قطعه‌ای از سیّد حسن غزنوی ذکر می‌شود و در فصل فی خطاباته لاخیه هربندی را با«یا اخی» شروع می‌کند.

در مقدّمه دوم آورده شده است: «... در روزگار مقتدای خلیفه عباسیان و سلطان ابراهیم ابن مسعود از غزنویان فی شهور سنه احدی و ثمانین و اربعمائه درگذشت و به وصیّتی که کرده بود در همان مغازه مدفون گشت و تفصیل این حالات و تبیین این واقعات که مجملاً مذکور شد از رساله وی که مسماۀ به رساله«الندامۀ فی زاد القیامه» نیکو معلوم می‌شود و صدق این توصیف از آنجا مبـیّن مـی‌گـردد و آن رساله‌ایست که در اواخر عمر تصنیف کرده و وقایع احوال خود را از وّل عمر تا آن هنگام که در مغازه یمکان به عالم بقا توجه نموده در آنجا بر منصه عرض نهاده و فقیر حقیـر اعنـی تقـی الـدین محمّـد الحسینی ترجمه آن رساله را در ذیل بیان حالات وی ایراد می‌نماید تا حقیقت مذهب و حالات وی بر ناظران خلاصه دلگشا به اَوضحترین وجهی لایح و ظاهر گردد. بمنّه وجوده، مفتتح الرساله چنین می-گوید بنده مغفرت طلبنده مر گناهان کبیره خود را و امیدوارم از کرم خداوند سبحانه و تعـالی عفـو خطایای کثیره را ابوالمعین ناصر بن خسرو العلوی بعد از آن که دست راست از دست چپ تمیز کردم

مدّتی مدید حریص‌تر بودم بر تحصیل انواع کمالات تا مشرف شدم به حفظ کتاب الهی و سرّ تنزیلات سماوی که نازل شده است...».

آغاز مقدمه منقول از تذکره: «چنین گوید کمترین خلق الله ناصر بن خسرو بن حارث بـن... موسـی الرّضا علیه السّلام که در ریعان عمر مشعوف بودم».

آغاز رساله(مقدمه دوم): «و هو ابوالمعین ناصر بن خسرو بن حارث... موسی الرّضا علیه التحیهٔ و الثنا اصحاب سیر و ارباب خبر را در تحقیق وی اقوالست. قَوم عَظَّمَهُ وَ غَلافی تعظیمه و قومٌ کَفَّرهُ و غَلا فی تَکفیرهِ...».

انجام مقدمه: «بیرون جستم ز بند هر مکر و حیل هر بند گشاده شد مگر بند اجل و الحمدلله الذی له الملک الدائم...».

آغاز دیوان: «بسمله، خداوندی که در وحدت قدیسمت از همه اشیا نه انـدر وحـدتش کثـرت نـه محدث را از وانها».

انجام: «آنچه نخواهی که نه رویش مکار و آنچه نخواهی که بشویش مکوی».

آغاز ضمیمه: «خواهی که نیازی بسوی خویش زیانرا از گفته ناخوب نگهدار زبانرا».

انجام ضمیمه: «همه یار تو از بهر تراشند بی‌لقمه هوادار تو باشند».

نستعلیق خوش ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: مقدّمه: ۱۷ ربیع الاول ۱۲۵۵، دیوان جمادی الاولی ۱۲۵۲، (که بعد از اتمام و درج تاریخ کتابت: حدود ۳۰ برگ قصاید و ۷ برگ مثنوی روشنایی نامه افزوده شده است). محلّ کتابت: تبریز، کاتب: رضاقلی بن حاجی مهدی قلی سرابی، به دستور محمّد علی بیکابن حاجی بیژن خان نوشته شده است، کاغذ: نباتی، ترمه، عناوین به سرخی و لاجورد، معانی لغـات در

هامش صفحه، لغات به لاجورد و سرخی، دارای کمند و جداول اوراق به زر تحریردار، لاجورد، ابتدای دیوان دارای سرلوح مزدوج مذهّب و مرَصّع عالی و کتیبه، حواشی دو صفحه اوّل تمام مـذاهب، بـین السطور آن طلااندازی شده دندان موشی، جلد: دورو، برون ساغری مشکی ضربی، دارای ترنج و سر ترنج زرّین و جدول‌کشی به زر، درون: میشن زرشکی دارای ترنج و سرترنج منقّش به گل و بوته زیبا، (در ظَهر صفحه اوّل یادداشتی از احتشام الدوله، با امضای خان لر در تاریخ جمادی الاولی سنه ۱۲۶۵ دارد که هنوز لقب نگرفته است. و نیز در محلّ سر لوح مقدمه کتاب نوشته‌ای دارد بـه ایـن عبـارت: «دیوان امیر ناصر خسرو علوی جزو کتابخانه شاهزاده خانلری میرزای احتشام الدوله دام اجلاله شد. حرّر ذلک فی شهر ذی الحجهٔ الحرام سنه ۱۲۷۰» زیر نوشته مُهری با نقش«احتشام الدوله»). ۳۳۲گ، ۱۱/۳×۲۱/۴ س. م. خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۳۲۶

دیوان ناصر خسرو

(۱۶۳۹۲)

شامل مقدّمه مجعول ترجمه رساله«الندامهٔ فی زاد القیمهٔ» در ۲۰ برگ، از ناظم و قصاید، مقطّعات... .

آغاز: «بسمله، و هو ابوالمعین ناصر بن خسرو بن حارث... موسی الرّضا علیه السلام اصحاب سـیر و ارباب... .

خداوندی که در وحدت قدیم است از همه اشیا       نه اندر وحدتش کثرت نه محدث را ازو انها».

انجام: «چیست خلاف اندر آفرینش عالم       چون همه را دایه و مشاطهٔ تو کشتی».

مقدمه به نستعلیق، متن به نسخ، ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاغذ: الوان، دارای دو سرلوح مذّهب کم کار، عناوین به سرخی، دارای کمند، جداول اوراق بـه زر تحریـردار و لاجـورد، ۲۴۳گ، ۲۰/۷×۱۲/۸ س. م. جلد: ساغری مشکی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۲۷

دیوان ناصر خسرو

(۱۶۱۰۲)

شامل مقدّمه در ۱۴ صفحه و شرح حال منقول از تذکره آذر و قصاید و مقطّعات می‌باشد.

آغاز مقدمه: «بسمله، حقیقت احوال او حسباً و نسباً به نگارش رساله خود در وقایع احوال خود نوشته اینست...».

انجام مقدمه: «این است رساله که حکیم ناصر خسرو علوی بر احول خود نوشته بود و السلام».

آغاز دیوان: «بسمله، دربند مدارا کن و در بند میان را     در بند مکن خیره طلب ملکت دارا».

انجام: «همین دستی به دامان تو داریم     مروّت نیست دامن بر کشیدن».

نستعلیق ۱۸ سطری، تاریخ کتابت: رجب المرجب ۱۳۱۳، کاتب: محمّد رحیم الکوهینی تفرشی(کاتب در انتهای نسخه نوشته است: چون این کتاب حکیم ناصر خسرو علوی اوّل و آخری نداشـت بنـده کمترین به اتمام آن کوشیدم و اوّل و آخری از برای او نوشتم که اهل معنی در خواندن و مطالبه او بی-فیض نباشند)، کاغذ: شکری آهاری فرنگی، ۲۰۷گ، ۲۱/۵×۱۴/۷ س.م. جلد: میشن عنابی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۲۸

دیوان ناصر خسرو

(۱۵۹۷۴)

این نسخه شامل قصاید بوده و از ابتدا ۸ بیتی با مقایسه با نسخه چاپی حذف شده است.

آغاز: مانند شماره پیش(۱۶۱۰۲).

انجام: «نعمت دنیا و نعمت خواره بین        آنش نعمت اینش نعمت خوارگان».

نستعلیق تحریری خوش، ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاتب: میرزا سیّدعلی خان[۱] نصیر لشکر، کاغذ: شکری و نباتی، ۱۹۵گ، ۲۱/۹×۱۴/۷ س. م. جلد: تیماج عنّابی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۲۹

دیوان ناصری[۲]

(۱۶۶۵۷)

از شاعران معاصر مظفرالدّین شاه و از مریدان حیران علی شاه در رباعیات خود از وی به عنوان«پیر طریقت» و«پیر فقرا» یاد می‌کند و با شاعری دیگر با تخلّص«مجذوب»، میـرزا قلـی خـان مشـرف قورخانه کرمانشاه، مصاحب و همراه بوده است. غزل و قصیده‌ای از ایشان در دیوان آمده و نامش به عناوین مختلف، در اشعار ذکر شده است.

۱. در صفحه اوّل دارای دو یادداشت است مبنی بر این که«نسخه به خط پدرم میرزا سیّدعلی خان نصیر می‌باشد، به سرکار علیه بتول خانم فرمانفرمائیان خواهر عزیزم، هبه نمودم. بتاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۴۵ احمد هرمزد» و همچنین یادداشت بتول فرمانفرمائیان در ۴۶/۳/۱ که این کتاب را از برادرش هدیه گرفته است.

۲ . دیوانی به نام«دیوان ناصری انصاری» از میرزا مصطفی خان مؤتمن الدوله پسر میرزا سعید خان از مستوفیان قاجار(زاده ۱۲۶۳- زنده در ۱۳۲۴ هـق.) در فهرست دانشگاه، ج۱۲، ص ۲۵۶۵ معرفی شده که از لحاظ مضمون شبیه است و ممکن است همین دیوان باشد.

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و شامل غزلیّات و قصاید و رباعیّـات و مقطّعـات اسـت. تضـمین غزلیّات حافظ در مدح حضرت علی(ع)، در سوگ شهادت امام حسین(ع)، در هجو لله باشـی نـوّاب جلال الدوله در شیراز، خطاب به رضاخان پیشخدمت صمصام الدوله، قصیده‌ای از مجذوب در مـدح عباسقلی خان سرتیپ توپخانه کرمانشاه، قطعه در مدح حسام الملک امیر تومان، قصیده در مدح میرزا بزرگ خان مدیر دفتر خانه مبارکه بدین مضمون که: «هشت سال در خدمت ایشان بوده و حدود یک سال از وی بی‌خبر است» و همچنین مستمری و حکم کرمانشاه و کردستان را که قرار بوده به نام ایشان بنویسد نرسیده است.[1] در هجو میرزا علی اکبر کردستانی مشهور به«وقایع نگار» و غیره می‌باشد.[2]

آغاز: «امشب که من از چشم نکویت مستم          باشد سر زلف مشکبویت دستم».

انجام: «ناصری را غم هجر تو چنین لال نمود».

شکسته نستعلیق خوش ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاغـذ: فسـتقی و نخـودی، ۶۷گ، ۲۱×۱۳ س. م. جلد: ندارد، خریداری آستان قدس رضوی در دی ماه ۱۳۶۷.

۳۳۰

دیوان نثار

---

۱ . «حکم کرمانشاه و کردستان من آخر چه شد   بس تدارکها نمودم از برای این سفر».

۲ . به عنوان نمونه غزلی از وی ذکر می‌کنیم:

| | |
|---|---|
| من نگویم شمع یا پروانه باش | هر چه هستی باش پس مردانه باش |
| دل بزلف و خال آن دلبر مبند | ورنه دایم فکر دام و دانه باش |
| یا برو مسجد بواعظ گوش ده | یا بیا با ما و در میخانه باش |
| عقل اندر راه عشق افسانه است | عشق می‌جویی اگر دیوانه باش |
| عارفی را جوی و درس عشق خوان | بیخبر از خویش و از بیگانه باش |
| داد اگر عارف تو را پیمانه‌ای | سرخوش و سرمست آن پیمانه باش |
| ناصری پیرت چنین فرموده است | هر چه هستی باش پس مردانه باش |

(۱۴۶۸۸)

مشتمل است بر غزلیّات و مخمّس و.... از میرزا محمّدعلی رضوی سرکشیک چهارم آستان مبارک رضوی(ع) (– ۱۳۰۹ هـق.) معاصر ناصرالدّین شاه قاجار که در شعر نثار تخلّص می‌کرد.

آغاز: «بسمله، مکن حجاب رخ آنزلف عنبر آسا را

مساز چیره بخورشید شام یلدا را».

انجام: «سازم چو نثار ار بودم مهلتی از عمر          در منقبت و مدحش صد دفتر و دیوان».

نسخ عالی ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۰۷ هـق.(در ظهر صفحه اوّل نوشته‌ای به این عبارت دیده می‌شود: «هو، این کتاب غزلیّات و مراثی که جناب میرزا محمّدعلی سرکشیک چهارم گفته است برسم تعارف آمده داخل کتابخانه شد. شهر ربیع الثانی ۱۳۰۷») کاتب: عبدالعلی مصحّح خوشنویس کتابخانه، کاغذ: فستقی فرنگی، ۳۲گ، ۲۱/۷×۱۴/۲ س. م. جلد: دو رویه، برون تیماج مشکی با سجاف و عطف قهوه‌ای، درون میشن ماشی، واقف: سیّد محمّدباقر عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۳۳۱

دیوان نشاط

(۱۶۵۰۳)

از میرزا عبدالوهاب معتمد الدوله نشاط اصفهانی(۱۱۷۵– ۱۲۴۴ هـق) می‌باشد و شامل غزلیّات و مثنویّات از دُرج اوّل گنجینه اوست.

آغاز: «بسمله بر سر کوی خرابات مقامیست مرا     نه غم ننگ و نه اندیشه نامیست مرا».

انجام: «خویش را بدنام و رسوا کرده          نامها در ننگ پیدا کرده».

(ص ۳۶-۱۰۰)

نسخه مصدّر است به دُرج پنجم گنجینه نشاط که در واردات و جدی و تعزّلات و تشبیبات است. و ناقص می‌باشد. در حاشیه اوراق از قائم مقام نوشته‌ای نیز آمده است.

آغاز: «بسمله، خوابم ربوده بود خیالی ز دیده دوش          کامد خروش بلبلی از گلشنم بگوش».

انجام: «درخت پر ثمر بیشتر مقصود میوه طلبان باشد در باغ دهد شاخ».

(ص ۲-۳۳)

شکسته نستعلیق عالی، ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هـق. کاغذ: شکری فرنگی آهاری، عناوین به سرخی، اوراق کمند به زر تحریردار، جداول اوراق به زر و شنگرف، ۵۰گ، ۲۱×۱۳/۵ س. م. جلد: تیماج مشکی یک لا مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۳۲

دیوان نشاط

(۱۵۱۹۷)

نسخه از انتها افتادگی دارد و تمام ابیات هر غزل ذکر نشده است و شامل غزلیّات و سه قصیده می‌باشد.

آغاز: «پیداست سر وحدت از اعیان اما تری          العکس فی المرایا و النفس فی القوی».

انجام موجود: «از پی نظم دو عالم از پی هم یک بیک          شاه بر شاه و پیمبر بر پیمبر داشتند».

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هـق. کاغذ: نخودی فرنگی، ۲۸گ، ۳۴/۵×۲۱/۵ س. م. جلد: گالینگور با عطف و گوشه تیماج، خریداری آستان قدس رضوی در تاریخ ۱۳۶۵ ش.

دیوان نصرت اردبیلی[1]

(۱۶۱۱۱)

از میرزا نصرالله ملقّب به صدر الممالک و متخلّص به نصرت از سلسله نعمت اللهی، در اصفهان تحصیل کرد و به عراق و فارس و کرمان و خراسان مسافرت نمود و در اصفهان از حسین علی شاه تلقین و ارشاد یافت و چندی معلم محمّد شاه قاجار بود، و پس از قتل قائم مقام داوطلب وزارت بود امّا موفق نشد و به قول مصحّح دیوانش، محمّد شاه او را به وزارت و صدارت عظمی دعوت کرد و مقام عرفانی وی مانع قبول این سمت گشت و عاقبت در کرمانشاه در ششم محرم ۱۲۷۱ یا ۱۲۷۲ درگذشت.[2] کلیّات وی شامل«رساله اعتقادیّه» به نثر و اشعار خود و فرزندش هادی و میرزا عبدالوهاب(مصطفی علی) است که به تصحیح آقای دکتر جواد نوربخش در دی ماه ۱۳۵۲، در تهران به چاپ رسیده است. نسخه ما شامل غزلیّات(بترتیب حروف تهجّی)، غدیریّه و جواب مدیحه و ترکیب‌بند صاحب دیوان علی آبادی، با این مطلع:

«باز ای دل سودائی دیگر چه بسر داری    سر در سر سودا کن گر نور بصر داری».

---

۱ . برای اطّلاع بیشتر از شرح حالش ر.ک. ۱. شرح حال رجال ایران، ج۴، ص ۳۳۶. ۲. مجمع الفصحا ج۶، ص ۱۰۳۷، ۳. سخنوران آذربایجان، ص ۹۴، ۴. دانشمندان آذربایجان، ص ۳۷۵. ۵. طرایق الحقایق، ج۳، ص ۲۴۰.

۲ . در ج۳، منتظم ناصری و شرح حال رجال ایران راجع به درگذشت وی چنین نوشته است: «میرزا نصرالله اردبیلی مشهور به صدرالممالک در سال ۱۲۷۲ هـ.ق. در کرمانشاهان مرحوم شد ولی در مجمع الفصحا و طرایق التحقیق آمده است. بعد از درگذشت محمّدشاه، میرزا تقی خان فراهانی او را به عراق عرب روانه کرد و در محرم ۱۲۷۱ هـ.ق. درگذشت و قولی دیگر این که: در سال ۱۲۶۵ هـ.ق. چهار هنگ از پادگان ارگ بر علیه میرزا تقی خان امیرکبیر دست به شورش گذاشتند و بعد از این شورش و تسلط امیرکبیر، و دست داشتن میرزا نصرالله در این واقعه، وی از قم به کرمانشاه تبعید شد و در همانجا در سال ۱۲۷۲ هـ.ق. درگذشت و آرزوی صدارت را به گور برد.

رباعیّات خطاب به فرزندش محمّدهادی، قدرت علی شاه، و در مدح رحمتعلی شاه و دوری از فرزندش ضیاء الدّین می‌گوید. و شانزده بند در وقایع عاشورا و سوگ امام حسین(ع) که به پیروی از ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی سروده است با این مطلع:

«باز این چه آتش است که ما را بجان افتاد          باز این چه آتش است که در انس و جان فتاد».

آغاز نسخه: «هوالعلی الاعلی، بسمله، بخاک گلشن از زلفت مکر افشانده دلها

که شکل دل همی روید بگلشن غنچه از

گلها».

انجام نسخه: «تا بود ناصواب و خطا کرد آسمان     این ظلم بی‌حساب کجا کرد آسمان».

نستعلیق خوب مخلوط به شکسته ۹ و ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی کمرنگ، ۴۳گ، ۲۱/۶×۱۴ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۳۴

دیوان نظیر زنگنه

(۱۶۱۶۹)

از امان الله بیگ شیرازی متخلّص به نظیر از ایل زنگنه کرمانشاهان(- ۱۲۲۶هـــق.)[1] و از شـاگردان رفیق بوده و با شغل نویسندگی زندگی را می‌گذرانده است. این نسخه شامل قصاید در مدح حضرت علی(ع)، ترکیب‌بند در مرثیه فرزندش، ترجیع بند مفصّل، غزلیّات می‌باشد.

آغاز: «بسمله، دل بمن شد دشمن و دلبر ز دل دشمن‌تر است

آه پس من چون کنم اینم دل و این دلبرست».

انجام: «آه دلم چه وقت سحر خیز می‌خورد          هر لحظه از درون بدر آید حکایتی».

شکسته نستعلیق خوش ۱۰ سطری، تاریخ کتابت: ربیع الاول ۱۲۸۰، کاتب: نامعلوم(به خواهش آقـا محمّد تقی تاجر تبریزی الاصل و تهرانی المسکین نوشته شده است)، محلّ کتابت: نور، کاغذ: نباتی، عناوین بیت الترجیع و بیت الترکیب و آخرین بیت غزلیّات به سـرخی، ۸۷گ، ۱۰/۵×۱۷/۱ س. م. جلد: میشن خرمایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۳۵

دیوان نظیری نیشابوری[2]

(۱۷۶۸۴)

از میرزا محمّد حسین نیشابوری شاعر سده ۱۰ و اوایل یازدهم(- ۱۰۲۱ هـق.) می‌باشد که میر تقی الدیّن کاشانی اصل او را از«جوین» می‌دانسته است. وی در سال ۹۹۲ یا اوایل ۹۹۳ به هند می‌رود، و

---

۱ . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به«ریحانهٔ الادب، ج۶، ص ۲۱۶ و مجمع الفصحا، ج۶، ص ۱۰۸۹؛ صبح گلشـن، ص ۵۳۱، نگارسـتان دارا، ص ۲۶۹ و دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۴، ص ۶۹۰ که یـک بیـت از اشـعار وی در مجمـع الفصـحا و دو بیـت از آن در دانشـمندان و سـخن سرایان فارس دیده شد.

۲ . یک نسخه در ج۳، ص ۱۷۲ و سه نسخه در ج۷، ص ۵۳۲، فهرست رضوی معرفی شده است.

در اگره[1] به خدمت میرزا عبدالرّحیم خانخانان پیوست و در سال ۱۰۲۰ هـق. دیوانش را خود تنظیم و به کتابخانه خانخانان، تقدیم کرد. این نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و شامل قصاید ترکیبات و غزلیات است.

آغاز موجود: «خواب هر کس در جهان بر شکل بیداری اوست      دیده حق بین تو رؤیت ز رویا ساخته».

انجام موجود: «نسیم آخر شمیمی می‌رساند      تو رفت و آمد از گلزار مگسل».

نستعلیق خوش ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی کرم خورده، جدول‌بندی صفحات به زر تحریردار و لاجورد، صفحه ابتدای غزلیّات بین السطور طلااندازی شده و حاشیه مزّین به گلها به طرز اسلیمی، ۱۷۱گ، ۲۱/۴×۱۱/۳ س. م. جلد: تیماج ضربی دو رویه کرم خورده اسقاطی، درون دارای ترنج و سرترنج سوخت، واقف: آقای میرزا ابوالحسن پیشنماز آملی در فروردین ماه ۱۳۶۹.

۳۳۵

دیوان نظیری نیشابوری

(۱۲۶۲۱)

نسخه از انتها افتادگی دارد و شامل غزلیّات می‌باشد.

آغاز: «اذا ما شئت ان تحیی حیوة حلوة المحیا      بر سوایی بر آور سر، به مستوری برون...[2]».

انجام موجود: «... کند فلکم مهر قطرگی      گردون صلای جام زند من صلای خم».

---

۱ . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به تاریخ ادبیّات صفا، ج۵/۲، ص ۸۹۷.

۲ . محل نقطه چین وصّالی شده و نوشته‌ها از بین رفته است.

نستعلیق خوب مخلوط به شکسته، ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: اواسط سده ۱۳ هـــق. کاغـذ: نبـاتی، عناوین به سرخی، ۱۶۹گ، ۱۶/۹×۹/۸ س. م. جلد: تیماج مشکی ضربی مستعمل، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۳۳۷

دیوان نعمت الله ولی[1]

(۱۶۱۴۵)

مشتمل است بر مثنوّیات و غزلیّات و رباعیّات از سیّدنورالدین نعمۀ الله بن عبدالله بن محمّد کوه بنانی کرمانی مشهور به «ولی» متخلّص به «سید» و «نعمت الله» (۸۳۴-۷۳۱ هـق.) که چندین بار چاپ شده است.[2]

آغاز: «بسمله، خوش بگو ای یار بسم الله بگو هر چه میجوئی ز بسم الله بجو».

انجام: «نه دی و نه فردا و نه صبح است و نه شام ایمن شده عمرم ز مه و هفته و سال».

(ص ۹-۲۳۰)

نسخه مصدّر است به شرح بیت اوّل مثنوی مولوی به نظم و نثر.

آغاز: «نی را با واصلان کامل و کاملان مکمّل که از خود و خلق فانی شده‌اند و بحق باقی گشته...».

انجام: «در بقای او مثنوی فانی تمام باقی و جاوید باشی والسلام».

(ص ۱-۸)

---

۱ . دو نسخه در ج۷، ص ۵۳۳ و دو نسخه در ج۹، ص ۱۶۸ فهرست معرفی شده است.

۲ . در مطبعه کرمان به سعی حسین در سال ۱۳۳۷ هـق. و نیز یکبار در سال ۱۳۱۶ ش. و یکبار در سال ۱۳۴۱ ش. با مقدّمه سعید نفیسی و حواشی م. درویش چاپ گردیده است.

و در انتهای نسخه مثنوی‌هایی از جمله «گنج العارفین» ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «بسمله، ای که داری لباس فقر بر     هیچ داری ز دل فقر خبر».

انجام: «تو هم بردار گنج ایمرد آگاه     بعشق پیر معنی نعمهٔ الله».

در برگ آخر قطعه‌ای درباره تاریخ تولّد و وفات شاه نعمت الله در چهار بیت ذکر شده است.

«دانی چه کس است شاه نعمهٔ الله ولی     شاهیست که هست قدوه اهل شهود

از بهر طواف روضه انوار     هستند ملایک و خلایق بسجود

از رحلت و از تولّد آن حضرت     کردند سوال اینچنین روی نمود

در هفتصد و سی و یک آمد بجهان     در هشتصد و سی و چهار رحلت فرمود».

(ص ۲۳۱- ۲۴۲)

نستعلیق متن: ۱۵ سطری، ادامه در حاشیه بطرز مورّب، تاریخ کتابت: ۱۲۸۱ هـ.ق. کاتب: علی لنجانی، کاغذ: نخودی، ۱۲۶گ، ۲۰/۶×۱۵ س. م. جلد: تیماج ماشی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۳۸

دیوان نقیب

(۱۸۰۲۸)

از میرزا احمد بن درویش حسن شیرازی ملّقب به نقیب الممالک و متخلّص به«نقیب» و در بعضی غزلیّات«نقیب الملک»(۱۲۳۸– ۱۳۰۲ هـ‌ق.) از فضلاء و شعرای سده سیزدهم و از ندمای ناصرالدّین شاه قاجار، که در سرودن اشعار عربی و فارسی مهارت داشته است.[۱]

نسخه کامل است و شامل مقدّمه، قصاید، غزلیّات، قطعات، ملمّعات و ترکیب‌بند، مسمّط و مثنویّات در توحید و مدح امام زمان(عج) و شکایت از جهان، منقبت حضرت امیرالمومنین(ع)، و مرثیه سیدالشهدا(ع)، اغتشاش فارس، مادّه تاریخهای مختلف در تهنیت عید غدیر و مدح مشیر الملک، در تهنیت عید قربان و مدح حسام السلطنه، در بهاریّه و مدح میرزا ابراهیم سهام الدوله در تهنیت تولّد حضرت صاحب الزمان(عج) و جلوس نوّاب معتمد الدوله حکمران فارس، در منقبت حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، در مدح ظل السلطان به سه زبان ترکی و عربی و فارسی، نیز بجهت منفجر شدن تفنگ در دست ظل السلطان در شکارگاه ۱۲۹۰ هـ‌ق. در مدح مجتهد شیخ مهدی حجةٔ الاسلام و ماده تاریخ وی ۱۲۹۳، مدح میرزا محمود کرکانی، ساخت ماده تاریخ کاروانسرای مشیرالملک در ۱۲۸۸، قصیده به لهجه شیرازی در مدح ظل السلطان حکمران فارس هنگامی که در کوه بمُو به شکار مشغول بوده است. در هزل و مطایبه و ترکیب‌بندی در ۷ بند(بند اوّل، اصولیه، دوم شبستانیه، سوم شیخیه، چهارم مطربیّه، پنجم خمریه، ششم قماریه، هفتم شکاریه)، مسمّط خزانیه، مثنویات در چند دفتر در صفات اقشار مختلف مردم(قضات، اطبا، تجّار، شحنه، کدخدا...) در انتها هزلیّات.

آغاز: «بسمله، نقیب الممالک و سالک المسالک...

سپاس ما نشد شایسته شان تو یا ربّا　　　سپاسی خود بشان خویشتن بر خویشتن فرما».

---

۱ . رجوع شود به«دانشمندان و سخن سرایان فارس» ج۴، ص ۷۱۰ و مقدمه نسخه خطی معرفی شده.

انجام: «در قوافی گر الف با یا منظم شد چه باک     مغتفر باشد بهنگام ضرورت شاعرا».

نستعلیق ۱۸ سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۴ هـ.ق. کاغذ: حنایی فرنگی، ۱۹۷ گ، ۱۹/۴×۱۳/۷ س. م. جلد: تیماج خرمایی، عطف میشن مشکی، واقف: نصر الملوک کشمیری‌زاده، در اردیبهشت ماه ۱۳۷۰.

۳۳۹

دیوان نوا[1]

(۱۶۱۹۸)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و شامل غزلیّات و مخمّسات است. مخمّس غزل محتشم با این مطلع:

«کدام سرو ز سنبل نهاده بند بپایت     که برده دل ز تو ای دلبران شهر فدایت».

و مخمّس غزل سعدی:

«گر کسی سرو شنیده است برفتار این است     یا صنوبر که بناگوش و برش سیمین است».

و مخمّس غزل سیّدعلی مشتاق اصفهانی:

«صبح شد ساقی بشو ز آئینه رو زنگ خواب     جام زرّین را بدور انداز همچون آفتاب».

از شاعری با تخلّص«نوا» احتمالاً از شاعران سده ۱۲ باشد که با جستجو در مآخذ و اشعار شرح حالش بدست نیامد فقط در برگ ۳۲ پ، در غزلی می‌گوید:

«در نشابور اگر چند صباحی ماندی     عجبی نیست ولی ترک نوا نتوان کرد».

«خاک بر فرق من بی سر و پا باد نوا     که نباشم به درش قابل خدمتکاری».

---

۱ . یک نسخه تحت شماره ۴۷۸۶ معرفی شده است که اشعارش با هم نمی‌خواند.

آغاز موجود: «مردم و اندر دلم حسرت دیدار تست در صف محشر فتاد وعده دیدارها».

انجام موجود: «روا باشد که من نان کم از بازار میگیرم ولـی از گنـدم و جـو پُـر بـود کنـدوی مستاجر».

شکسته نستعلیق نسبتاً خوش ۱۰ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغـذ: حنایی، عناوین به سرخی، ۷۲گ، ۸/۶×۱۴/۵ س. م. جلد: تیماج دارچینی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۴۰

دیوان نوایی[۱]

(۱۱۰۰۸)

(ترکی)

از امیر نظام الدّین علیشیر بن امیر غیاث الدّین محمّد(۸۴۱-۹۰۶ هـق) در شعر فارسی«فانی» و در شعر ترکی«نوایی» تخلّص می‌کرده است.

این نسخه شامل مقدّمه و غزلیّات و رباعیّات است.

آغاز: «فصاحت دیوانی نیک غزل سرای لاری... اشرقت من عکس شمس الکاس انوار الهدی...».

انجام: «... اول خامه قارا راق ایلا وی نامم رنی».

نستعلیق ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۰ هـق. کاغذ: حنایی، دارای سرلوح مذّهب در زمینه لاجورد با کتیبه(فرسوده)، دو صفحه اوّل جدول‌بنـدی بـه زر تحریـردار، بقیّـه اوراق بـه شـنگرف، ۱۵۲ گ،

---

۱ . چهار نسخه در ج۷، صص ۵۳۵-۵۳۸ و یک نسخه در ج۹، فهرست رضوی معرفی شده است.

۱۴/۲×۲۲/۷ س. م. جلد: میشن خرمایی مستعمل، واقف: حاج آقا محمّد ایرانی مجرّد در بهمن ماه ۱۳۵۰.

۳۴۱

دیوان نوایی

(۱۵۸۱۹)

(ترکی)

نسخه از انتها افتادگی دارد و شامل غزلیّات است.

آغاز: «بسمله، اشرقت من عکس...».

انجام موجود: «اشک سیلی ایلاکای کوینیکدی آواره مینی    بوصفت آواره...».

نستعلیق کتابتی ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاغذ: الوان فرنگی رطوبت دیده و وصّالی شده، بعضاً شکننده که بر اثر فرسودگی و شکنندگی خطوط در حال از بین رفتن است، ۸۴گ، ۱۵/۵×۲۲ س. م. جلد: میشن اسقاطی، خریداری آستان قدس در ۱۳۶۷/۲/۲۱.

۳۴۲

دیوان نور علیشاه[۱]

(۱۶۴۱۹)

از نور علیشاه طبسی تونی اصفهانی، میرزا محمّد علی بن میرزا عبدالحسین فیض علیشاه متخلّص به«نورعلی» مسموم و مدفون در موصل به سال ۱۲۱۲ هـق می‌باشد.

۱ . چهار نسخه در ج۷، صص ۵۳۸-۵۴۰ و یک نسخه ذیل عنوان«کلیات نور علیشاه» در ج۹، ص ۲۱۷ فهرست معرفی شده است.

این نسخه شامل غزلیّات، ترجیعات، رباعیّات، قصاید و مثنویها، ترجمه شرح خطبة البیان، سؤال و جوابهای مظفر علیشاه و نور علیشاه در قالب مثنوی است.

آغاز: «بسمله، ای نام خوشت جوهر شمشیر زبانها   پیوسته ازین سلسله زنجیر بیانها».

انجام: «چند گویی که ره خطرناکست   خطر از سر بنه قدم دار».

شکسته نستعلیق ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: جمادی الثانی ۱۲۷۴، کاغذ: شکری آهاری، ۱۵۴گ، ۲۱×۱۳ س. م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، جدول‌بندی به زر، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۴۳

دیوان نوش یزدی[۱]

(۱۶۱۱۲)

از نوشیروان بن گشتاسب قاسم آبادی مشهور به خدا مراد و متخلّص به نوش یزدی است که شامل غزلیات، رباعیات به ترتیب حروف تهجّی می‌باشد.

آغاز: «ای طلوع برق حُسنت مطلع دیوان ما   ای فروغ ذوق عشقت نور بخش جان ما».

انجام: «کی شوم یا رب ز خاک ایران فیض یاب   تا رود بیرون ز دل گرد ملا بمبئی».

نستعلیق ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: نهم محرّم الحرام ۱۳۰۱، (۱۲۶۲ ش.) کاتب: ناظم(نوش یزدی)، محلّ کتابت: مزرعه قاسم آباد بندر بمبئی، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۶۱گ، ۲۱/۸×۱۴ س. م. جلد: تیماج عنابی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

---

۱ . نسخه دیگری از دیوان نوش ضمیمه دیوان صاحب تحت شماره ۱۶۲۲۵ معرفی شد که این نسخه نسبت به دیوان معرفی شده رباعیّات کمتری را داراست.

دیوان واعظ قزوینی[1]

(۱۶۲۸۸)

از میرزا رفیع الدّین محمّد بن فتح الله قزوینی معروف به«میرزا رفیعا» متخلّص به«واعظ» شاگرد ملّا خلیل غازی قزوینی(۱۰۰۱-۱۰۸۹ هـ.ق.) و صاحب کتاب ابواب الجنان است. دیوانش به کوشش آقای حسن سادات ناصری به چاپ رسیده است.

نسخه از انتها افتادگی دارد و شامل غزلیّاتی در پند و اندرز(که تعدادی از آن به زبان ترکی می‌باشد). رباعیّات و فردیّات و قصاید و مخمّس و مادّه تاریخهایی به مناسبتهای مختلف(ساخت خیمه بوسیله شاه عباس ثانی سال ۱۰۵۷ هـ.ق) در حکومت شاه سلیمان... و مثنویاتی بشرح زیر است:

۱. رزم شاه اسماعیل صفوی با شیبک خان ازبک در سال ۹۱۶ هـ.ق. در بحر متقارب با مقدمه‌ای در توحید ۲۱۰ بیت که مجموعاً حدود ۸۰۰ بیت می‌شود.

آغاز: «سزاوار شکر آفریننده ایست         که هر قطره از وی دل زنده‌ایست».

انجام: «زر و مال مانده است از رفتگان      چون آتش که میماند از کاروان».

۲. تعریف باغ جنّت قزوین در بحر متقارب در ۷۱ بیت.

آغاز: «بهار آمد و داغ دل تازه شد بغم تنگ صحرای اندازه شد».

انجام: «درین گلشن از دیده اعتبار         بگرییم بر خود چو ابر بهار».

---

۱ . دو نسخه در ج۷، صص ۵۴۲-۵۴۳ فهرست، معرفی شده است.

۳. تعریف مازندران بهشت نشان در بحر هزج مسدّس مقصور و محذوف، که از انتها افتـادگی دارد و کامل نیست سفرنامه مازندران و مدح شاه عباس ثانی است.

آغاز: «شبی کز پی نبود آنرا سحرگاه        ازو طول امل وامانده در راه».

آغاز نسخه: «بسمله، ای نام دلگشای تو عنوان کارها        خاک در تو آب رخ اعتبارها».

انجام موجود نسخه: «ز بس امنست ازو هر بوم و برزن        رود گل خوان زر بر سر ز گلشن».

نستعلیق ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۲ هـق.(در ظهر ورق اول در پایین یک رباعی تاریخ ۱۱۳۱ دیده می‌شود). کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، ۲۳۰گ، ۲۲/۵×۱۲/۵ س.م.

جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۴۵

دیوان واله[1]

(۱۰۵۰۳)

از آقا محمّد کاظم واله اصفهانی شاعر و خوش نویس معروف عهد زندیه و اوایل قاجاریه، درگذشته سال ۱۲۲۹ هـق. قسمتی از دیوانش با مقدّمه استاد جلال الدّین همایی به چاپ رسیده است.

نسخه کامل است و شامل غزلیّات به ترتیب حروف تهّجی، مثنوی و ماده تاریخ، مقطّعـات، قصـاید و رباعیات می‌باشد.

آغاز: «بسمله، با اینکه سر نزد سخنی از زبان ما        داد[2] زبان خلق بود داستان ما».

انجام: «آن خوش پسرم ببر ولی هشیار است        دادا که بطی شراب می‌باید و نیست».

---

۱ . یک نسخه در ج۷، ص ۵۴۴ معرفی شده است.

۲ . گمان می‌رود که«ورد» باشد.

شکسته نستعلیق خوش ۱۴ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـق. کاغذ: حنایی آهاری فرنگی، دارای دو سرلوح مذّهب و منقّش در صفحه اوّل، بین السطور طلااندازی شده دندان موشی و حاشیه گـل و بوته، دارای کمند و جدول‌بندی صفحات به زر تحریردار، ۲۴۸گ، ۲۱×۱۳/۵ س. م. جلد: روغنـی تعمیر شده دارای ترنج و سر ترنج در زمینه گل و بوته و حواشی گل و بوته و جدول‌بنـدی بـه زر، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۳۴۶

دیوان وحدت

(۱۰۵۱۰)

از شاعری با تخلّص وحدت که با جستجوی زیاد شرح حالش بدست نیامد شامل ۳۳ غزل با مضمون عرفانی می‌باشد.

آغاز: «بسمله، تا انتخاب کردم آن ترک مه لقا را     محسود خویش دیدم اغیار و آشنا را».

انجام: «ممکن نبود توبه وحدت ز می ناب     تا باده به پیمانه بود مغبچگان را».

نستعلیق عالی ۹ سطری، تاریخ کتابت: سده چهارده هـق.، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، دارای سرلوح عالی مذّهب و مرّصع، دارای کمند و جدول‌بندی به زر تحریردار و لاجورد صفحه اوّل بـین السـطور طلااندازی شده، ۲۱گ، ۱۸/۵×۱۲ س.م. جلد: تیماج زرشـکی ضـربی دارای تـرنج و سـر تـرنج، خریداری آستان قدس رضوی در مردادماه ۱۳۴۹.

۳۴۷

دیوان وحدت

(۱۶۳۴۵)

مانند نسخه قبل امّا تعداد غزلیّات کمتر است و شامل ۱۷ غزل از وی می‌باشد.

آغاز: «بسمله، مخمور جام فرقتم ساقی بیاور باده را          وز قید ننگ و نام کن مطلق بدام افتـاده را».

انجام: «کثرت ماء من کجا وحدت بیدلم هلا          جمله توئی و آن تو نور شود زلال تو».

نستعلیق خوش ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنـایی، ۹گ، ۱۳/۹×۲۰/۴ س. م. جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۴۸

دیوان هاتف اصفهانی[1]

(۱۶۰۸۱)

از سیّد احمد هاتف اصفهانی از استادان دوره بازگشت ادبی، و عالم به علم طب و دو زبـان عربـی و پارسی توانا بود در اصفهان متولّد و در سال ۱۱۹۸ هــق. درگذشت. این نسخه شامل قصاید و ترجیع-بند مشهور وی و غزلیّات به ترتیب حروف تهّجی، مقطّعات و رباعیات است.

آغاز: «بسمله، سحر از کوه خاور تیغ اسکندر چه شد پیدا    عیان شد رشحه خون از شکاف جوشن دارا».

انجام: «ای یار وفادار اگر یار منی          با غیر مگو حرفی و مشنو سخنی».

---

۱ . یک نسخه در ج۷، ص ۵۴۸ و دو نسخه در ج۹، ص ۱۷۱ فهرست معرفی شده است.

نستعلیق خوش ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: ۲۸ ذی الحجه الحرام ۱۳۱۱، کاتب: فرج الله تفرشی، کاغذ: الوان، عناوین و بیت الترجیع و بیت آخر غزلیّات به سرخی، ۶۹گ، ۱۲/۵×۲۱/۱ س. م. جلد: میشن خرمایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۴۹

دیوان هاتف اصفهانی

(۸۹۴۱)

شامل قصاید، ترجیع‌بند، غزلیّات و رباعیّات می‌باشد.

آغاز و انجام: مانند پیش.

شکسته نستعلیق ۱۹ سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۳۱، کاتب: علی اصغر حکمت شیرازی، کاغذ: مشـقی فرنگی، عناوین به جدول بندی اوراق به سرخی، ۲۹گ، ۱۳/۲×۲۰/۸ س. م. جلد: مقوّا بـا عطـف پارچه، واقف: کاتب(علی اصغر حکمت) در مهرماه ۱۳۴۰.

۳۵۰

دیوان هلالی جغتایی[۱]

(۱۶۶۵۶)

از بدرالّدین هلالی استرابادی شاعر سده دهم هجری است که در سال ۹۳۶ هــق. بدسـت عبیـدالله اوزبک به قتل رسید. این نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و شامل غزلیّات می‌باشد.

آغاز موجود: «زان روز که تعلیم تو میگفت معلم     در لوح تو ننوشت مگر حرف وفا را».

---

۱ . یک نسخه در ج۷، ص ۵۴۸ و یک نسخه در ج۹، ص ۱۷۳ معرفی شده است.

انجام موجود: «این همه خواب که از بخت سیه من دارم     قالب من خاک آن دیوار بودی کاشکی».

نستعلیق ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲ و اوایل سده ۱۳ هـ‍ق. کاغـذ: نخـودی، ۴۰گ، ۲۱×۱۴ س.م. جلد: ندارد، خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۶۷.

۳۵۱

ذخر السفاهه علی طب البلاهه[1]

(۱۶۲۶۲)

گزارشی است از محّمد هاشم(ابوهاشم) بن مفید شیرازی انصاری، زنده در دهم جمادی الثانی ۱۲۷۶که بر ارجوزه خود به عربی، به نام«طب البلۀ» یا«طب البلاهه[2]» نوشته و بیشتر به طنز و شوخی بوده و در آن، نویسندگان، پزشکان و همچنین علم موسیقی و فقه را به باد انتقاد گرفته است. نویسـنده در ایـن نسخه از عناصر زمان و مکان و وقایع تاریخی مذهبی مدد جسته و عقاید و نظرات خود را بازگو می-کند. برای آشنایی نمونه‌ای از آن را نقل می‌کنیم: «حکایت، گویند در سال سه هزار و نهصد قبـل از هبوط آدم مطابق سنه دو هزار و چهارصد هجری که بناپارت ناپلیونرا با حجّاج بن یوسف صفار که از جانب عثمان افندی حاکم مشهد مرغاب به سلطنت ایطالیا مأمور بود. جنگی عظیم واقع شد. سبب این جدال این بود که ناپلیون در آتشکده بلخ به نماز تراویح مشغول بود ... ».

آغاز: «بسمله، حمدله و الصلوۀ علی خیر خلقه محمّد و اله اجمعین و بعد فانّی لما فرغـت مـن نظـم ارجوزتی المسماۀ بطب البله اعدت و امعنت...».

---

۱ . در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۵، ص ۳۵۷۲ معرفی شده است و نیز مـتن کامـل آن در مجلـه ارمغـان، سـال ۱۴، شـماره ۶ و ۷ و ۸ آورده شده است.

۲ . همچنین به نام«ذخر السفه علی طب البله» نامیده شده است.

انجام: «تمام خرج سر و ریش او شود بیقین          برادرانش ز حسرت کشند ناله و آه».

نسخ و شکسته نستعلیق ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴ هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، ۱۷گ، ۲۱/۵×۱۳/۵ س. م. واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۵۲

ذکر المعارف[۱]

(۱۶۱۹۹)

کتابی است از ابن قاسم وفائی منجم استرابادی(سده ۱۰ و ۱۱)[۲]که خود گفته«جامع الحکایاتی است بر مسائل حکمت و انواع فواید و مواعظ در اندراج نموده تا خردمندان روزگار بمطالعه رغبت نمایند... بعضی امثال و حکایات و نقل روایات که از حوادث روزگار در افواه عقلای زمان معروف و مشهور بود با روایات متقدمین در این جامع الحکایات در سلک تحریر آورد و ذکر المعارف نام نهاد و بمقدّمه و دوازده مقاله و هر مقاله به ابواب و فصول و خاتمه در رشته انتظام کشید... چون چندین حکایات و روایات را در یک مجلد گنجایش نبود در شش دفتر که هر یک از سی هزار بیت زیاده است جمع نمود و این دفتر اولست که از کنزالمعارف، دفتر دویم انیس العارفین مسمّی بروضۀ العارفین، دفتر سیم حقایق العارفین، دفتر چهارم مرات العارفین، دفتر پنجم مصباح العارفین، دفتر ششم اسرار العارفین». که در این نسخه تمام آن ذکر نگردیده است و نیز فهرست منابع و مآخذ مورد استفاده را نیز بیان نموده که جالب توجه است. می‌گوید: «کتب و رسائلی که در حالت تحریر در نظر این نامراد بود بدین تفصیلست اوّل....». هشتاد و چند کتاب را نام برده است و در انتهای کتاب، مؤلّف مسائل نجومی در

---

۱ . نام کتاب در شناسنامه جامع الحکایات ثبت شده است.

۲ . کتابی بنام«احکام طالع» از همین مؤلف در ج ۱۰، ص ۱۴۷ فهرست رضوی معرفی شده است.

فصول مختلف در مورد حاکمیّت سیّارات مختلف و پیش بینی‌ها، آفرینش والید ثلاثه در ذکر قرانـات سبعه، و ذکر آفرینش دیوان و جن و آدمی، در ذکر ادوار سبعه آورده است.

در خاتمه می‌گوید: امّا بعد بر ارباب دانش و اهل بینش پوشیده نماند که راقم این اوراق سرگشته وادی نامرادی وفائی منجم استرابادی قریب هفتاد سال در اطـراف و اکنـاف عـالم خصوصـاً هنـد روزگـار گذرانید».

آغاز نسخه: «المؤلفه در جنب محبط جبروتش بود افلاک مانند حبابی».

انجام موجود نسخه: «گفت بنویس آنچه در علم من مقدّر است در شأن مخلوقات من».

نسخ مختلف السطر ۹ و ۱۰ سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـ ق. کاتب: نـامعلو»، کاغـذ: نخـودی، عناوین و علائم و آیات بعضاً به شنگرف، ۱۰۸گ، ۱۵×۹/۵ س. م. واگـذاری بنیـاد مستضـعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۵۳

رباعیات

(۱۶۳۹۸)

مجموعه‌ای است مشتمل بر:

۱. رباعیات باباطاهر عریان در دو برگ.

آغاز: «زکشت خاطرم جز غم نروئی زباغم جز گل ماتم نروئی».

انجام: «اکر چشمان نکردی دیده نانی چه دانستی دلم خوبان کجائی».

۲. ترجیع‌بند منتسب به ناصر خسرو قبادیانی در نه بند، در مقدّمه دیوان چاپی تصحیح نصرالله تقوی و نیز ژوکوفسکی هفت بند را به ناصر خسرو نسبت داده است با بیت الترجیع:

«که جهان پرتویست از رخ دوست          جمله کاینات سایه اوست».

۳. رباعیات ایرج میرزا بن فتحعلی شاه قاجار متخلّص به انصاف(و. ۱۲۲۲ ق.)[۱] در دو برگ.

آغاز: «بسمله، از نافه مشک ختن خرابست مرا».

انجام: «معلوم شود که مرده‌ای یا در خوابی».

۴. رباعیّات شیخ عطّار نیشابوری در ۲ برگ، در دیوان چاپی وی مشاهده نشد.

آغاز: «بسمله، ای عین بقا در چه بقائی که نه          ارجای نه و کدام جائی که نه».

انجام: «چون روح تو شد مطهر حق حق پوشید     انداز ترا بجامه جسمانی».

۵. پندنامه لقمان حکیم.

آغاز: «بسمله، امّا بعد ای فرزند خدای غزّوجل را بشناس هر چه گوئی از پند و نصیحت نخست بر آن کار کن».

انجام: «در خانه اگر کس است یکحرف بس است و السلام».

نستعلیق خوب ۱۳ سطری، تاریخ کتابت: شوال ۱۲۹۹، کاتب: نامعلوم(بدستور یکی از شاهزادگان قاجار نوشته شده است) کاغذ: آبی فرنگی، ۱۲گ، ۱۹/۶×۱۲/۸ س. م. جلد: تیماج، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.



۱. برای اطلاع بیشتر از احوال وی، رجوع شود به مجمع الفصحا، ج۱، ص ۱۵.

رباعیّات

(۱۲۷۰۴)

شامل رباعیّاتی است از شاعران مختلف از جمله: خیّام(در وصف بابا افضل). بابا افضـل کاشـانی در مناجات و پند و اندرز، مخمّسی ناقص با این مطلع:

«ای دل نماند حشمت محمود غزنوی　　این گیر و دار نکهت آئین خسروی».

مثنوی‌هایی از فردوسی و هاتفی خرجردی که کاتب و جامع با عناوین غلط یاد کرده است و قطعه‌ای با این مطلع: «روزی شه دین علی عمران　　برداشت چُه ذوالفقار بران».

آغاز نسخه: «از فهم خرد بعقل باید نگریست　　تا باز نیاید ز پس خنده گریست».

انجام نسخه: «شکرانه اندر زنده خوش می باش　　کاین عالم بیوفا نماند بکسی».

نسخ ۱۱ سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۳ هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی رطوبـت رسـیده، عناوین به شنگرف، ۴۵گ، ۱۶/۷×۱۰/۷ س.م. جلد: مقوّا با عطف و گوشه تیماج مشکی مسـتعمل، واقف حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۳۵۵

رباعیّات باباطاهر[۱]

این نسخه که از ابتدا و انتها افتادگی دارد شامل رباعیّاتی از باباطاهر عریان همـدانی(- بعـد از ۴۴۷ هـق.) است.

آغاز موجود: «برینی تو که مهر از ما برینی　　برینی روزگار اشتاب مکه

۱. یک نسخه در ج۹، ص ۱۷۵ معرفی شده است.

بوالله و به بالله و به نالله          بحق سوره نصر من الله».

انجام موجود: «بته هر کس که... بیشتر بی          دلش از دوری ته ریش‌تر بی».

نستعلیق مخلوط به شکسته ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳ هـق. کاغذ: حنـایی کمرنـگ، ۱۹گ، ۱۴/۳×۸/۶ س. م. جلد: میشن مشکی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۳۵۶

رباعیّات خیام

(۱۶۴۰۸)

نسخه از اواسط افتادگی دارد، شامل رباعیّات خیام و مثنویاتش به شرح زیر است:

۱. رباعیّات حکیم عمر خیّام(- ۵۰۶ یا ۵۱۷ هـق.) (اوراق در صحّافی پس و پیش شده است).

آغاز: «ساقی قدحی که کار ساز است خدا          در رحمت خود بنده نواز است خدا».

انجام: «دانی چه بود آدم خاکی خیّام          فانوس خیالی و چراغی در وی».

۲. مثنوی لیلی و مجنون امیر خسرو دهلوی در حاشیه اوراق به طرز چلیپایی در ۲ برگ.

آغاز: «ای داده بدل خزانه راز          عقل از تو شده خزانه پرداز».

انجام: «افلاس ببین و از سر جود          بگشای خزانهای مقصود».

۳. مثنوی مطلع الانوار از امیر خسرو در حاشیه(از ابتدا و انتها افتادگی دارد).

آغاز موجود: «چون ز ملک جست حدیث چراغ    گفت نشد بر تنم آن شعله داغ».

انجام موجود[1]: «او ز شب و مشغله حالی که بود    قصّه برون زد ز وبالی که بود».

---

۱ . برگ آخر مثنوی مطلع الانوار در حاشیه و همچنین قصیده‌ای از امیر معزّی در متن، در ابتدای نسخه صحّافی شده است.

نستعلیق خوش ۱۲ سطری در متن، چلیپایی دو ستونه در حاشیه، تاریخ کتابت: ربیع الاول سنه ۹۹۳، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، دارای سرلوح مذهّب و منقّش، تمام صفحات جدول‌بندی، دارای ۳ لچک مذهّب، دو صفحه اوّل بین السطور طلاانـدازی شـده، مصـرعهای اوّل رباعیّـات در زمینـه صـورتی، مصرعهای دوم در زمینه نخودی، ۱۳گ، ۱۸/۲×۲۹/۶ س. م. جلد: میشن عنّابی ضربی مستعمل، دارای یک ترنج و چهار لچک ترنج، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۵۷

رباعیّات خیام

(۶۰۶۴)

آغاز: «آمد سحری ندا ز میخانه ما          کای رند خراباتی دیوانه ما».

انجام: «مانند پیش».

نسخ خوش ۱۸ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۶۷ هـق. کاتب: نامعلوم، عناوین به سرخی، دارای کمند و جداول به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف، ۱۶گ، ۱۸/۵×۳۲/۵ س. م. جلد: مقـوایی مسـتعمل، واقف: میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف: مردادماه ۱۳۱۱.

۳۵۸

رباعیّات خیام[۱]

(۱۵۹۵۲)

منتخب رباعیّات حکیم عمر خیّام(- ۵۰۶ یا ۵۱۷ هـق.) می‌باشد.

---

۱ . نسخه‌ای تحت شماره ۴۷۹۹ که در شناسنامه رباعیّات ابی سعید ابی الخیر و خیّام ذکر شـده و در فهرسـت، ج۷، ص۵۵۱ بـه شـعرای مختلـف نسبت داده شده است، رباعیّات شمس تبریزی می‌باشد.

آغاز: «بسمله، آمد سحر این ندا ز میخانه ما       کی رند خراباتی دیوانه ما».

انجام: «تا کی گوئی که بر عمر رحمت کن       حق را تو کجا و رحمت آموختنی».

شکسته نستعلیق ۱۰ سطری، تاریخ کتابت: جمادی الثانی ۱۳۰۶، کاتب: محمد علی همـدانی، کاغـذ: فستفی، ۳۸گ، ۲۱/۲×۱۳/۴ س. م. جلد: میشن قهوه‌ای ضربی دارای ترنج و سر ترنج و جدول‌بندی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۵۹

رباعیّات فی بیان خیر الدّیانات

(۱۳۱۹۶)

مجموعه‌ای از رباعیّات در عقاید شیعی در نبوّت، در معنی کنت کنزا مخفیا، در عدل، در حکمت تشریع شرع، در تعیین مذهب اثنا عشری برای سالک راه داوری، در ذکر بعضی از مختصات مذهب اثنا عشری رباعی در ذکر فروع دین و... از شاعری به نام حبیب الله[رضی یا سهی] (غیر مقروء) که خود در انتها کتاب نامش آمده است و رباعی زیر شاید دلیلی باشد.[1]

«ایشاه حبیب خود میفکن ز نظر       کر چه بُوَدش گنه ز اندوه بدر

هر چند بَدَم لطف شما هست کثیر       این بنده هم از سگان کویت بشمر».

آغاز: «بسمله، حمدله... الحمد سزاوار خدای احد است       کو لم‌یلد و یولد و فرد و صمد است».

انجام: «کردند از این ندا خلایق بدو نیم       نیمی در خلد و نیمی اندر نیران».

---

۱. ر.ک. فهرست نسخه‌های فارسی، ج۴، ص ۲۸۳۵.

نسخ ۱۰ سطری، تاریخ کتابت: رمضان ۱۳۶۶، کاتب: احتمالاً ناظم، کاغذ: نخودی، ۵۸گ، ۸/۲×۱۳/۵ س. م. جلد: میشن یک لا قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۴ ش.

۳۶۰

رسم خط(رسم الخط)

(۱۲۴۲۲)[۱]

از مجنون بن محمود(محمّد) رفیقی مشهدی هروی چپ نویس، توأمان نویس،[۲] دوره صفوی(سده ۱۰ هــق.) که این نسخه را به نام سلطان مظفّر فرزند سلطان میرزای بایقرا، در ۹۴۰ سروده است.

عناوین آن عبارتند از:

مقدّمه، مناجات، مدح حضرت محمّد(ص)، منقبت امیرالمؤمنین علی(ع)، سبب تألیف کتاب، که در این قسمت درباره وجه تسمیه کتاب می‌گوید:

«چو از رسم خطش تاریخ دادم          از آنش نام رسم خط نهادم».

مدح پادشاه عصر(مظفّر). تعریف مرکّب، در تنقیح و پاکیزگی دوات، تعریف کاغذ، تعریف قلم، قرار قد و قط قلم، تعیین وقت کتابت، تعیین مکان کتابت، تعریف نقطه، بیان کتابت حروف: حرف الالف، حرف البا، حرف الجیم، جیم چقماقی، و غیره.

آغاز: «بسمله، ثنای بیحد و عدّ ایزدیر است          که از حرف کنش کونین بر پاست».

انجام: «بیامرز انکه بی‌روی و ریایی          کند مجنون و کاتب را دعایی».

این نسخه مذیّل است به رساله رسم الخط نستعلیق به نثر در شش برگ.

---

۱ . این نسخه ضمیمه سراج الیقین در اصول دین تحت شماره ۱۲۴۲۱ می‌باشد.

۲ . برای اطلاع بیشتر ر.ک. تحفه سامی ص ۸۵ و فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۳، ص ۱۹۱۲.

آغاز: «قال امیرالمومنین و امام المتقین اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب علیه السلام اعلم انّ حسن الخط فی تعلیم الاستاد و قوامهٔ... یعنی بدانکه نیکویی خط مخفیست در تعلیم استاد و در بسیار کردن مشق».

انجام: «که ایشان را مدّور نویسند امّا حرف دال و ذال همین حال دارد دیگر بایشان متصل تواند شد. تمت هذه الرساله...».

نسخ و نستعلیق ۱۲ سطری، تاریخ کتابت: دوشنبه ۵ جمادی الثانی ۱۲۲۷، کاتب: محمّد بن زین العابدین، کاغذ فستقی، عناوین به شنگرف، ۲۷گ، ۲۱/۴×۱۷ س. م. جلد: میشن قهوه‌ای روشن، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: اردیبهشت ماه ۱۳۶۲.

۳۶۰

روضهٔ الاسرار

(۱۶۳۷۶)

مثنوی است در حدود هزار و صد بیت در بحر رمل از شمس الشعرا میرزا محمّد علیخان سروش(۱۲۲۸-۱۲۸۵ هـ‌ق.) در شرح وقایع روز عاشورا و شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام.

آغاز: «دارم اندر دست خونین خامه‌ای تا که بنویسم مصیبت نامه‌ای».

انجام: «کاین جواهر سفته‌ام در عهد او کام و لب آلوده‌ام از شهد او».

این نسخه مذیّل است به دوازده بند معروف محتشم کاشانی، دوازده بند حاج سلیمان میرزا صباحی بیدگلی کاشانی(- ۱۲۰۶ هـ‌ق.).

آغاز: «افتاد شامگه بکنار افق نگون خور چون سر بریده از ین طشت واژگون».

شانزده بند از نصرت اردبیلی[1]، ۲۷ بند از وصال شیرازی:

«این جامه سیاه فلک در عزای کیست     وین جیب چاک گشته صبح از برای کیست

... یارب بنور دیده زهرا و آل او     یارب بزخم پیکر اختر مثال او».

بیست هشت بند از نیّر:

چون کرد خور ز توسن زرّین تهی رکاب...

افتاد در ثوابت و سیّار انقلاب...

چون تیر عشق جا بکمان بلا کند     اوّل نشست بر دل اهل ولا کند».

و تعدادی غزلیّات و قطعات و رباعیّات و مخمّس و از نیّر.

مطلع غزلیات نیّر:

«آه از آنروز که در دشت بلا غوغا بود     شورش روز قیامت بجهان بر پا بود

ای ز داغ تو روان خون دل از دیده خور     بیتو عالم همه ماتمکده تا نفحه صور».

و رباعیّات ترکی.

آغاز ترکیب‌بند :«باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است».

انجام نسخه: «زینب زار در اندیشه بیدادسنان

غافل از حالت جمّال جفاکار امشب».

---

۱ . دیوان«نصرت اردبیلی» در همین فهرست تحت شماره ۱۶۱۱۱، ردیف ۳۳۳ معرفی و شرح حال وی ذکر شد.

نستعلیق خوش ۱۶ سطری، تاریخ کتابت: جمادی الاخر ۱۳۰۸، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، اوراق جدول بندی و کمند کشی به شنگرف، و لاجورد دارای دو سر لوح ابتدایی، مزدوج مذهّب با طلای پست، ۸۳گ، ۱۴×۲۱/۷ س. م. جلد: تیمّاج عنابی، واگذاری بنیـاد مستضـعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۳۶۲

روضۀ الاسرار[۱]

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: «مانند شماره قبل.

نستعلیق ۱۵ سطری، تاریخ کتابت: ۱۲ ذی الحجۀ الحرام ۱۲۶۹، کاتب: محمّد علی بن محمّد رسول مشهور به بُدوَّزچی(کذ) کاغذ: الوان، عناوین به سرخی، ۲۸گ، ۱۳/۳×۲۰/۵ س. م. جلد: تیماج قهوه- ای خریداری آستان قدس رضوی در ۱۳۶۲/۸/۴ ش.

۳۶۳

رومئو و ژلیت

(۸۹۸۴)

درامی از شکسپیر شاعر و نویسنده انگلیسی سده شانزدهم با نثری زیبا، ترجمه علی اصغر حکمت که در آبان ماه ۱۳۱۷، در شیراز این کتاب را ترجمه کرده است. در ابتدا تحقیق محقّقانه‌ای درباره منشـأ این داستان نموده و در مقام مقایسه«رومئو و ژولیت» با«لیلی و مجنون» نظامی برآمده است. چنان که

۱ . در شناسنامه به نام«مصیبت نامه» و در اوّل نسخه به نام«هزار بیت مثنوی» نامیده شده است.

بعد از هر چند سطر ترجمه، اشعاری از لیلی و مجنون نظامی که مناسب حال رومئو و ژلیت می‌باشد نقل کرده است.

آغاز: «داستان رومیو و ژولیت این حکایت که اینک بطور اختصار بجامه زبان پارسی درآمده».

انجام: «بوصال یکدیکر نائل کشته و خاک آنان در یک قبر متحد گردید،

خفتند بناز تا قیامت　　　　برخاست ز راهشان ملامت

بودند در این جهان بیک عهد　　　　خفتند در آن جهان بیک عهد».

نستعلیق تحریری، ۱۸-۲۴سطری، کاتب: مترجم(علی اصغر حکمت) تاریخ و محلِّ کتابت: آبان ماه ۱۳۱۷، شیراز، کاغذ: مشقی فرنگی، ۳۰گ، ۲۶×۱۹س.م. جلد: ندارد، واقف: علی اصغر حکمت.

۳۶۴

ریاض الانشاء

(۱۲۱۲۹)

مجموعه‌ای است از منشآت و مکاتبات با پادشاهان و وزیران از خواجه جهان، ملک التجّار، عماد الدّین محمود بن محمّد گیلانی، معروف به«محمود گاوان» یا«محمود قاوان» (۸۰۸- مقتـ ۸۸۶هـق.) که سلطان محمّد بهمنی به علّت تعصّب در مذهب اهل سنّت و جماعت، به تهمت این که می‌خواهد با سلاطین اطراف برای برانداختن سلاطین بهمنی همدست شود، ناسنجیده فرمان قتل وی را داد. محمود گاوان در انواع علوم معقول و منقول، ریاضی و طب مهارت داشت و در فن نثر و نظم و انشاء و حساب بی‌نظیر روزگار خویش بود. دیوان اشعار او در دکن مشهور و تا عهد تألیف«تاریخ فرشته» رایج بود و

در حیدرآباد دکن به سال ۱۹۴۸م. به تصحیح شیخ چاندبن حسین احمد نگری تاکوری پاکستانی به چاپ رسیده است.

این نسخه از ابتدا و اواسط افتادگی دارد. در وجه تسمیه کتاب، در مقدّمه می‌گوید:

«من در صف فرسان فصاحت چه کسم          تا تیغ زبان کشیدن آید هوسم

تا جمعی از دوستان که هر یک از ایشان صدر محافل افاضل بود و مهر سپهر علوم و فضایل بوجوب جمع تألیف آن اجماع نموده... بنابراین مکتوب چند که مسوده آن از عروض حوادث مجدّده زمان محفوظ مانده بود و مظنه ان می‌شد که بعین رضای اهل دانش ملحوظ گردد، در سلک تألیف انتظام داد و آنرا ریاض الانشاء نام نهاد».

بعضی از عناوین مکتوبات عبارتند از:

«نوشته به خواجه عبیدالله احرار، به صدرالدّین رواسی، سلطان ابوسعید، سلطان محمدبن مرادبک رومی، جواب مکتوب سلطان عادل گیلانی، جواب مکتوب به برادرش عبدالملک، جواب مکتوب علی یزدی، جواب مکتوب سلطان محمود شاه گجراتی، سلطان محمّد گیلانی، چند مکتوب از زبان سلطان محمّد شاه بهمنی به سلطان محمود شاه گجراتی، جواب مکتوب مولانا شمس الدّین محمّد لاری، جواب وزیر فاضل عمدهٔ الملک، جواب مکتوب وزیر محمود پاشای رومی، قصیده در جواب کمال اصفهانی با مطلع زیر:

ای در محیط عشقت سر نقطه دل          وی از جمال رویت خوش کشته مرکز دل

چند مکتوب به مولانا عبدالرحمن جامی، جواب مکتوب مولانا جامی، به قاضی شرف الدّین الخاطب به صدر جهان، مکتوب به علاء الدّین گیلانی، مکتوب به سلطان امیرزاده جهانشاه...، بعضی سلاطین بـه بعضی بزرگان و سادات».

آغاز موجود: «یا مبدی الانشاء ببسط نور الوجود، و یا مجری القلم و الکم... اما بعد چنین گوید فقیر جانی، محمود ابن شیخ محمّد الگیلانی بر خاطر پاک و ضمیر دراک، صدرنشینان محافل ادراک ظاهر و هویداست».

انجام: «بر پا باد در صحرای عمر و اندرو سلطان دل بر ملک صحت کامیاب».

نستعلیق ۲۱سطری، تاریخ کتابت: اواسط سده ۱۱هـق. سه برگ در انتها نونویسی شده با خط شکسته خوش در تاریخ رجب المرجب ۱۳۳۱، کاتب: نامعلوم، عناوین به شنگرف، کاغذک حنایی وصّالی شده و رطوبت رسیده، ۲۱۲گ، ۱۸/۸×۱۱/۵س.م. تیماج مشکی ضربی مستعمل، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۳۶۵

ریاض الملوک فی ریاض السلوک[۱]

(۲۱۹۲۳)

ترجمه‌ای است با دگرگونی از«سلوان المطاع فی عدوان الطباع» ابن ظفر مکی اندلسی(– ۵۶۸هـق.) به روش کلیله و دمنه از زبان جانوران و پرندگان(که با امثال و حکم و ایات و احادیث به نثر آن زینت بخشیده است.) از نظام الدّین شنب غازانی تبریزی معروف به نظام شامی، از مورّخـان و نویسـندگان

---

۱ . عنوان کتاب در شناسنامه«بهار دانش» نامگذاری شده بود که با فحص بلیغ و تحقیق دقیق نام آن بدست آمد. و همچنـین بـرای اطـلاع بیشـتر در باره ریاض الملوک ر.ک. از سعدی تا جامی، ادوارد براون، ص۴۹۳-۴۹۴، گنجینه سخن، صفا، ج۵، ص۱۵۲-۱۶۰.

معروف نیمه دوّم قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری که مدّتی از دوران حیات را در خدمت سـلطان اویس جلایری(۷۵۷–۷۶هـق.) و سلطان احمدبن شیخ اویس(سلطنت از ۷۸۴ تـا ۸۱۳) در بغـداد گذراند.

این کتاب در یک مقدمه و پنج باب(۱. تفویض ۲. تأسی ۳. صبر ۴. رضا ۵. زهد) و خاتمه در سـر گذشت سلطان اویس جلایری(– ۷۷۶هـق.) به نام سلطان اویس ساخته شده که در سال ۷۶۸هـق. در بغداد به عرض همایونی رسانده است.

نسخه ما از ابتدا و انتها افتادگی دارد یعنی اوراقی از باب تفویض و رضا را ندارد. در مقدمه باب صبر، اقسام صبر را برمی‌شمارد که خاصّه ملوک اشراف بُوَد و ان عبارتست از سه قوت، اوّل قوت عقـل از عدل و ثمره آن عمارت مملکت است و فراغت رعیّت، دوم، قوّت حلم و ثمره آن محبّت رعیّت و سیم قوت شجاعهٔ و ثمره آن ثبات است و...

آغاز موجود: «متصوّر نیست بدانکه او بمحاربت ابن زبیر از دارلملک خود... نمود».

انجام موجود: «و نیمشب از قصر بیرون شد... هریک ز بد و نیک...».

نستعلیق شکسته چلیپایی و بعضاً ۱۶سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـق. کاتب: نامعلوم، عنـایون بـه شنگرف، جداول اوراق به زر و تحریر دار، کاغذ: متن و حاشیه شده، متن نخودی، حاشیه حنایی کرم خورده و وصّالی شده، ۱۲۹گ، ۲۲/۵×۱۴س.م. جلد: مقوّایی با عطف و گوشه تیماج، اهدایی مقـام معظم رهبری در فروردین ماه ۱۳۷۱.

زينة المدايح[1]

(۱۳۷۴۴)

از میرزا محمّد صادق وقایع نگار مروزی متخلّص به هما که به دستور فتحعلی شاه قاجار قصاید و مدایحی را که شعرای دربار از بدو جلوس(۱۲۱۲۹ تا سال هفتم سلطنت وی(۱۲۱۹) در وصف او سروده بودن در چند پیرایه گرد آورده و شاه آن را زینهٔ المدایح نام داده است.[2]

نسخه ما از ابتدا افتادگی دارد و شامل قصاید و مقطعات و مثنوی و رباعیات و ترکیب بند می‌باشد. که درابتدای هریک از اشعار، مناسبت سرودن آن را به نثر توضیح داده و همچنین شرح حال مختصر بعضی از شعرای معاصر وی، آورده شده است. از جمله: میرزا رضی بن محمد شفیع مستوفی تبریزی، عبدالرزاق بیک مفتون تبریزی، میرزا عبدالوهاب نشاط؛ در پیرایه دوم از سیّد صادق بیدگلی کاشانی، معصوم خاوری کوزه‌کنانی، حسینقلی بیک آذر بیگدلی متخلّص به داور، میرزا محمّد علی بن میرزا کاظم مستوفی، مجمر اصفهانی، در خاتمه شرح حال خود و علت تألیف کتاب را ذکر کرده که این شرح حال در ج۷، ذیل معرفی نسخه امده است.

آغاز موجود: «آفتاب روی او تابان ز رمُح مشرکان بادیا رب منکسف تا حشر روی آفتاب».

انجام: «تا چه خواهد گفت یا رب خسرو فرخ سیر تا چه خواهد کرد یا رب طالع ناسازگار».

---

۱ . سه نسخه در ج۷، صص ۱۱۹-۱۲۳ و یک نسخه درج ۹، ص ۱۸۰ معرفی شده است.

۲ . برای اطلاع بیشتر از شرح حالش، ر.ک. از صبا تا نیما، ج۱، ص۷۵ ریحانهٔ الادب، ج۶، ص۳۷۰، و مجمع الفصا، ج۶، ص۱۱۸۶.

نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۵سطری، تاریخ کتابت: رمضان المبارک ۱۲۴۸، کاتب: نامعلوم، عناوین به سرخی، کاغذ: شکری آهاری فرنگی، ۱۳۳گ، ۲۰×۱۲/۵س.م. جلد: تیماج یک لا قهوه‌ای مستعمل، واقف: غلامحسین صرّاف زاده، تاریخ وقف: ۱۳۶۳/۶/۱۸ش.

۳۶۷

ساقی نامه[۱]

(۱۲۴۵۳)

از نور الدین محمّد ترشیزی(– ۱۰۲۵هـ.ق.) بیشتر عمرش را در دکن هند گذراند و ساقی نامه‌اش را بنام برهان ثانی نظامشاه(۹۹۹-۱۰۰۳هـ.ق.) ممدوح خود، در ۵۴۰۰ بیت سروده است.

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و عناوین موجود آن عبارتند از: در مذمّت روزگار، در شکوه اهل روزگار، خطاب با صبح، تعریف عشق، تعریف شب، تعریف اسب، تعریف توپ، تعریف اینه، تعریف بازار، تعریف چارسو، تعریف حمام، تعریف مسجد، تعریف باغ، تعریف اهل علم و حکمت، تعریف اهل تنجیم، تعریف میرزا ملک قمی، تعریف قلم و عناوین دیگری مانند: خطیب سخن را بکام و زبان درآوردن و بسر انگشت موعظت پنبه غفلت از گوش هوش برآوردن، با این مطلع: «ظهوری بیا تکیه بر هوش کن     بگو راستی راستی گوش کن» و حکایات مختلف.

آغاز موجود: «زند دیو اگر غوطه در لای او     پری خیز گردد سراپای او».

انجام موجود: «تحمّل جدا و تنزل جداست     کسی گر کند اشتباهی خطاست».

---

۱ . برای اطلاع بیشتر ر.ک. تاریخ ادبیات، صفا، ج۵/۲، ص۹۷۷.

نستعلیق و شکسته چلیپایی مختلف السطر، تاریخ کتابت: حدود اواخر سده ۱۲و اوایل سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنائی، بعضاً وصالی شده، عناوین به شنگرف، ۷۴گ، ۲۰/۵×۱۲/۵س.م. جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی، واقف: اسدالله علم، تاریخ وقف: خردادماه ۱۳۶۲.

۳۶۸

ساقی نامه

(۱۶۳۲۵)

از ظهوری ترشیزی، نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد. و عناوین آن همانند نسخه پیش است.

آغاز موجود: «بسمله، از آن می که ریزد سخن بر سخن     کرم کن که گوید سخن در سخن».

انجام موجود: «ازو حرف سحبان بهر محفل است هم او ناقل قصه است».

نستعلیق خوش۱۱سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۲هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی وصّالی شده، جداول اوراق به زر و تحریر دار و لاجورد، ۱۸۲گ، ۱۹/۸×۱۲س.م. جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۶۹

سبحة الابرار

(۱۵۱۲۷)

چهارمین مثنوی از هفت اورنگِ نورالدّین عبدالرِحمن بن احمد جامی(۸۱۷-۸۹۸هـق.) می‌باشد که در یکی از اوزان بحر رمل و در ذکر مقامات سلوک و تربیت و تهذیب سروده است و ان را در چهل عقد

تنظیم کرده و درهر یک از این«عقدها» اصلی از اصول عرفانی و اخلاقی را مطرح ساخته، در آن بحث نموده و به مناسبت، حکایات و تمثیلاتی آورده است.

آغاز: «بسمله، المنته لله که بخون گر خفتم          یکچند چُه غنچه عاقبت بشکفتم».

انجام: «ختم الله لنا بالحسنی          و هو مولینا نعم المولی».

نستعلیق ۱۳سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۰هــق. (از عقد سی و نهم نونویسی شده، مرقوم شده منقول از نسخه‌ای که به خط محمّد علی بن حیدر به سال ۹۹۰ به سُرنج، صفحه اوّل سرلوح آن بریده شده است، جداول اوراق به زر تحریردار و سُرنج و لاجورد، ۱۲۴گ، ۲۲×۱۲/۷س م، واقف: مکتبهٔ الامام امیر المؤمنین(ع) در اردیبهشت ماه۱۳۶۵.

۳۷۰

سبحهٔ الابرار

(۱۶۰۰۳)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند پیش.

نستعلیق خوش ۱۵سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۱هــق. (دو برگ از انتهای کتاب نونویسی شده است.) کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی متن و حاشیه شده، متن زرافشان، دارای سرلوح مزدوج مذهّب و منقشّ با طلای خام، دارای کمند به لاجورد، جداول اوراق به زر تحریر دار و لاجــورد، عنــاوین بــه سرخی و شنگرف، ۱۰۴گ، ۲۵/۷×۱۶/۵س.م. جلد: تیماج ضربی مشکی آسیب‌دیده زرکوب دارای یک ترنج و دو سرترنج و جدول بندی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۷۱

سبحة الابرار

(۱۲۶۸۷)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند پیش.

نستعلیق ۱۳سطری، تاریخ کتابت: رجب ۱۲۲۸، کاتب: نامعلوم، کاغذ: آبی و فستقی، ۱۱۸گ، ۱۶/۵×۱۰/۵س.م. جلد: تیماج مشکی مستعمل و فرسوده، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۳۷۲

سبحة الابرار

(۱۶۴۴۸)

نسخه از انتها یک ورق افتادگی دارد.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «لب او مژده ده باد مسیح          در فسون خوانی هر مرده فصیح».

(ص۱-۱۶۸)

مذیّل است به:

۱. جواهر العقول فی مناظرة بین الفار و السنور، منسوب به علاّمه مجلسی و شیخ بهایی[1] که چندین بار در تهران ۱۳۶۳و ۱۳۷۳ و بمبئی و اصفهان ۱۳۳۲ چاپ شده است. در مقدّمه کتاب آمده است: «... پیش از شروع نام نهاده شد به موش صوفی و گربه طالب علم و موسوم ساخت بجواهر العقود(کذ)».

آغاز: «بسمله، بر ضمایر ارباب عقل و کمال پوشیده نماناد که این فقیر بی‌بضاعت و حقیر بی‌استطاعت مدّت مدیدی در حضر و عهد بعیدی در سفر چون چرخ سرگردان دوران گذرانیدم».

انجام: «پس کسی که او را اجزای پر و بال نباشد چگونه طیران خواهدکرد تمت الکتاب جواهر العقول».

(ص ۱۷۲-۳۵۳)

نستعلیق مغلوط ۱۷سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۴۰هـ.ق. یا(۱۲۰۴)، کاغذ: شکری فرنگی، عناوین به سرخی، دارای دو سرلوح مذّهب و منّقش مزدوج، کمند به سرخی، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، ۱۷۷گ، ۱۹/۸×۱۲/۵س.م. جلد: یکطرفه روغنی دارای گل و بوته آسیب‌دیده، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۷۳

سحر حلال[2]

(۱۶۴۴۵)

۱. در الذریعه، ج۳، ص۱۹۹، با عنوان«پند اهل دانش و هوش» آورده شده و به شیخ بهایی نسبت داده شده که در مصر سال ۱۳۴۶هـ.ق. چاپ شده است. و در ج ۵، ص۲۷۲، با عنوان یاد شده(جواهر العقول...) آمده و به علاّمه مجلسی نسبت داده شده و همچنین در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج(۲)۲، ص ۱۷۲۶ توضیح مفصّل داده شده است.

۲ . دو نسخه درج۷، صص، ۴-۵۷۳ فهرست رضوی معرفی شده است.

مثنوی است از شیخ محمّد اهلی شیرازی(۸۵۸-۹۴۲هـق.) در ۵۲۰ بیت ذوبحرین و ذوقافیتین و ذوجناسین، شامل مقّدمه‌ای به نثر و مثنوی که با مناجات شروع و بعد در توحید باری تعالی، در نعت سیّد المرسلین(ص)، در خطاب زمین بوس، در موعظت، خطاب به نفس، در بیان الهام و وحی و سبب نظم کتاب، مدح شاه اسماعیل صفوی ادامه می‌یابد. موضوع داستان عشق پاک«جم» به دختر پسر عن خود یعنی«گل» است که به ازدواج آن دو، می‌انجامد و بعد از آن«جم» از اسب فرو می‌افتد و می‌میرد و«گل» نیز در مراسم سوزاندن پیکر وی به رسم آتش پرستان دست افشان و پای کوبان به رقص شعله‌ها می‌پیوندد و با دلدار خود یکجا می‌سوزد.

در مقّدمه آمده است: «طرح این نسخه انداختم چنانچه مجمع البحرین و نسخه تجنیسات یکجا جمع آوردم با وجود این تکلیف لزوم مالایلزم ذوقافیتین هم لازم آن نمودم».

آغاز: «بسمله، حمد و ثنای نامحدود وشکر نامعدود سزاوار صانعیست...».

انجام: «شرط شد از همّت محمود باد      آخر کار همه محمود باد».

(ص۱-۷۴)

این نسخه مذّیل است به ابواب عشره(ده باب) تجنیسات از شمس الدّین محمّد بن عبدالله کاتبی نیشابوری(ترشیزی) از شاعران سده نهم هجری.

آغاز: «باب اوّل در طریق عاشقی      باب تست ای کاتبی گر عاشقی».

انجام: «کاتبی باشد حریص مشرکی      حرص اگر همراه آری مشکری».

(ص۷۵-۱۰۰)

نستعلیق خوش ۸سطری، تاریخ کتابت: صفر المظفر ۱۳۰۶هـق. کاتب: اسماعیل شریف شیرازی، کاغذ: نباتی آهاری، دارای کمند، جداول اوراق به زر تحریر دار و لاجورد، عناوین به سرخی، ۵۰گ، ۲۰/۵×۱۲س.م. جلد: تیماج زرشکی، جدول بندی به زر، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۷۴

سراج المنیر

(۹۶۵۷)

از قاضی محمّد شریف الدّین شیرازی متخلّص به کاشف(۱۰۰۱- ۱۰۶۰هـق.) با نثری زیبا و مسجّع به روش گلستان سعدی که از حکایات و نظم مدد گرفته است در ۲۰ لمعه(۱. شرایط ادب ۲. حیا ۳. فواید حلم ۴. عدل ۵. در محامد احسان ۶. صبر ۷. عذوبت عشق ۸. چاشنی محبّت ۹. در مکارم سخاوت ۱۰. محاسن شجاعت ۱۱. مراعات محبّت ۱۲. مرارت ادبار ۱۳. نتایج خاموشی ۱۴. عزّت قناعت ۱۵. ذل طمع و توقّع ۱۶. ثمره قنّوت ۱۷. حسن تدبیر و عقل ۱۸. در شامت ظلم ۱۹. در مذمّت خدعه و مکر و حیله ۲۰. در ملامت حسد)

آغاز: «بسمله، ستایش کریمی را که حلیۀ حُلَّتش زیوریست زیبنده و رشحه محبتش گوهریست ارزنده».

انجام: «در ایندم که هستیم باشیم شاد        که خواهیم این دور را کرد یاد».

نسخه مذیّل است به:

۱. صد پند لقمان حکیم،

آغاز: «ای پسر خدای عزّوجّل را بشناس».

انجام: «اوست رستگاری دهنده و نجات بخشنده هر بنده بتاریخ یوم دوشنبه دوازدهم شهر جمادی الاول ۱۱۳۱ ارباب آقا رضا(کذ)[۱]».

(ص۱۵۴–۱۵۸)

۲. حکایت منظوم سالک و جنید در قالب قطعه در ۸۷بیت.

آغاز: «سالکی مر جنید را پرسید کی زسر تا قدم همه اسرار».

انجام: «دین و دنیا و دوزخ فردوس تو رها کن بدین خزان بگذار».

(ص۱۵۸–۱۶۸)

شکسته نستعلیق چلیپایی خوب مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۲۰۲هـق. کاغذ: الوان، عناوین و آیات قرآنی به شنگرف، ۸۴گ، ۱۷×۱۰/۳ س.م. جلد: تیماج ماشی یک لا، واقف: خان بابا مشار در اردیبهشت ماه ۱۳۴۶.

۳۷۵

سراج المنیر

(۱۱۱۶۱)

نسخه کامل است.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «سر غیرت عبرت از دنیا گرفته دیناری به بهائی عشوه فاسد این زال کهن سال ندهد».

---

۱. تاریخ کتابت در خاتمه کتاب ۱۲۰۲ آمده و در این قسمت ۱۱۳۱ ذکر شده است که درست بنظر نمی‌رسد.

(ص ۲-۶۶)

نسخه مذیّل است به«خزان و بهار» که به تفصیل در جای خود شرح داده شد.

(ص ۶۶-۳۰۳)

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: شعبان ۱۲۰۶ کاتب: اسماعیل بن نور الدّین محمّد امیر، کاغذ: آبی رنگ، عناوین به سُرخی، ۱۵۲گ، ۲۰/۵×۱۴/۳س.م. جلد: مقوّایی مستعمل، واقف: مرحوم شیخ محمّد صالح علاّمه حائری(که خط ایشان و نظرشان راجع به کتاب در ظهر جلد مسطور است) تاریخ وقف: مرداد ماه ۱۳۵۱.

۳۷۶

سراج المنیر

(۱۳۳۴۶)

آغاز: مانند پیش.

انجام: «چُه غنچه کشی سر چه در جیب خویش سخن کو که روز خموشیست پیش».

(ص ۲-۱۰۰)

این نسخه مذیّل است به«خزان و بهار».

آغاز: «چمن آرای فرج بعد از شدت».

انجام: «بنگارش این نقش بدیع همواره بوقلمون پیشه نمود... که باید خزان و بهار این چنین».

(ص ۱۰۶-۳۷۶)

نستعلیق ۱۴سطری، تاریخ کتابت: سراج المنیر ذی الحجه ۱۲۲۵، خزان و بهار ۱۲۲۶هـق. کاتب: ملک محمّد بن کربلایی عبدالعلی اندجانی، کاغذ: آبی و نخودی، عناوین به شنگرف، ۱۸۸گ، ۲۱×۱۵/۳س.م. جلد: تیماج یک لا قهوه‌ای مستعمل، واقف: عباس فخیمی در آبان ماه ۱۳۶۲.

۳۷۷

سراج المنیر

(۱۲۰۶۷)

نسخه کامل است.

آغاز: «مانند پیش».

انجام: «چو غنچه کشی سر چو در جیب خویش سخن کو که روز خموشی است پیش

درین دم که هستیم و باشیم شاد بخواهیم این روز را کرد یاد».

شکسته ممتاز ۱۱سطری و چلیپایی، تاریخ کتابت: ۱۲۲۷هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، متن زرافشان، عناوین به شنگرف جداول اوراق به زر تحریردار دارای کمند، صفحه اوّل دارای سرلوح مذهّب و منّقش جدید، ۵۴گ، ۱۹/۹×۱۲/۶س.م. جلد: دو رویه، برون تیماج مشکی مستعمل، درون میشن خرمایی جدول‌بندی به زر، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی، تاریخ وقف: مردادماه ۱۳۶۱.

۳۷۸

سراج المنیر

(۱۴۳۵۸)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: «مانند پیش».

نستعلیق ۱۲سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۳۹هـ.ق. کاتب: نامعلوم(برای پناه ملاالله ویردی ولد محمّد سردرودی نوشته شده است) کاغذ: شکری فرنگی، عناوین به سرخی، ۶۴گ، ۱۵×۱۴/۴س.م. جلد: تیماج قهوه‌ای یک لایه ضربی مستعمل، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۳۷۹

سراج المنیر

(۱۸۶۳۰)

نسخه از انتها افتادگی دارد.

آغاز: مانند پیش.

انجام موجود: «صفات مرضیّه را ترک کند و آنکه منتظر نوش داروی...».

نستعلیق ۱۴سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری رطوبت دیده، عناوین به شنگرف، ۳۶گ، ۲۱/۵×۱۶س.م. جلد: مقوّایی مستعمل، واقف: عبدالکریم اقدمی، تاریخ وقف: ۱۳۷۲ش.

۳۸۰

سراج المنیر

(۱۲۵۱۲)

نسخه کامل است.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «که او در این دعوی کاذبست و الله اعلم بالصواب... قطع این بیابان بپایان رسانند بعـون رب الارباب...».

نستعلیق و شکسته نسبتاً خوش ۱۴سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۰۸هـــق. کاتـب: علـی اکبـر الشـریف الطباطبائی الحسینی ابن میرزا داود وقایع نگار مستوفی، کاغذ: حنایی و شـکری فرنگـی، عنـاوین بـه شنگرف، ۶۳گ، ۲۱/۵×۱۲/۸س.م. جلد: مقوّایی با روکش مشمع آبی و با عطف و گوشه میشن کرمی، واقف: حسین کی استوان، تاریخ وقف: آبان ماه ۱۳۴۸.

۳۸۱

سراج المنیر

(۱۰۳۰۱)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش(۱۲۰۶۷)

نستعلیق خوب ۱۲سطری، تاریخ کتابت: محرم الحرام ۱۳۱۴، کاتب: علی بن حسن مستوفی نـوری، کاغذ: نباتی فرنگی، عناوین به سرخی و شنگرف، ۸۴گ، ۱۹/۲×۱۲/۵س.م. جلد: مقوّایی با عطف و گوشه میشن زرشکی، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۳۸۲

سخنان پیر هرات

(۱۵۶۶۳)

برگزیده‌ای از مناجات و سخنان خواجه عبدالله انصاری(۳۹۶-۴۸۱هـق.) است.

آغاز: «اگر کاسنی تلخست از بوستان است...».

انجام: «یک عاشق آزاده بینی بجهان                    کز باد بلا بر سر او خاکی نیست».

شکسته نستعلیق خوش مختلف السطر، تاریخ کتابت: اردیبهشت ماه ۱۳۶۵، کاتب: محمود کوثر همدانی، کاغذ: شکری، دارای سرلوح مذهّب و منقّش، مذهّب: خانم نرگس صفرزاده، عنوان داخل ترنج، صفحه افتتاح دارای گل و بوته، تمام اوراق تذهیب شده، ۳۴گ، ۲۴/۲×۱۷/۵س.م. جلد: تیماج ضربی قهوه-ای، واقف: بنیاد پژوهشهای اسلامی، تاریخ وقف: بهمن ماه ۱۳۶۶.

۳۸۳

سرگذشت پلیس

(۱۶۱۴۷)

شرح وقایعی است که ژنرال کوشکو رئیس پلیس مخفی امپراطوری روسیه به صورت داستان به رشته تحریر درآورده است. وی بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. به پاریس فرار می‌کند و از جمله کسانی است که در تشکیل هسته اولیه پلیس مخفی نقش داشته که بعدها سرمشق کشورهای دیگر قرار می‌گیرد. این سرگذشت به وسیله مسرت الدوله ثقفی به فارسی ترجمه شده است[۱].

آغاز: «نویسنده این مقالات، ژنرال کوشکو(Kochko) رئیس تأمینات امپراطوری روسیه بـه تـاریخ ژانویه ۱۹۲۹در پاریس می‌نویسد».

انجام: «دیگر اعتنایی به کتلت من نداشته آنرا برای او نمی‌آورم... سگ و گربه ۲۵۴».

---

۱. این کتاب به وسیله اعلم الدوله دکتر خلیل ثقفی نیز چاپ سنگی شده و بعد از آن ترجمه بالا در تهران(مطبعه مجلس) چاپ سربی شده است.

نستعلیق تحریری ۱۴سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: مشقی خط‌دار، ۱۳۲گ، ۱۹×۱۲/۲س.م. جلد: مقوّا با عطف تیماج مشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷

۳۸۴

سرو و گل= فلکناز نامه[۱]= فلک ناز و خورشید آفرین

(۱۵۵۶۱)

مثنوی است عاشقانه در بحر هزج مسدس مقصور به وزن خسرو و شیرین نظامی، اثر طبع میرزا یعقوب با تخلّص«تسکین» که به سال ۱۱۸۹هــق.[۲] سروده است. حکایت با ازدواجِ خورشید آفرین و گــل، فلـک نـاز و سـرو ادامـه و سـرانجام بـه مـرگ عاشـقانه آنهـا منتهـی مـی‌گـردد چنـدین بـار در شیراز(۱۳۴۸هــق.)، چاپخانه گودرزی(۱۳۵۶هــق.)، تهران(۱۳۲۹ش.) چاپ سنگی گردیده است. نمونه‌ای از منظومه را که در ان به نام منظومه(«سرو و گل») و تخلّص شاعر(«تسکین») تصریح دارد به شرح زیر ذکر می‌کنیم:

«کتاب سرو با گل آن تمام است — که در هر داستان ساقی و جام است

تمامش را چه من کردم شماره — هزار و پانصد آمد هفت پاره

چه تسکین یافت از غم جان مسکین — ازین دفتر تخلّص گشت«تسکین»

عرب‌زاده من از شهر قطیفم[۳] — بغربت مانده زار نحیفم

هرآن شخصی که سرو گل بخواند — دعا از صدق بر مسکین رساند».

---

۱ . در شناسنامه عنوان«فلک ناز و خورشید آفرین» ذکر شده است و در کتابهای چاپ شـده، عنـوان«فلکنـاز و خورشـید آفـرین» و«سـرو گـل طنّاز» آمده است.

۲ . به نقل از فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۴، ص۲۹۰۸.

۳ . ناظم در اشعارش خود را عرب زاده قطیفی معرفی می‌کند.

آغاز: «بسمله، به نام آنکه کرد ایجاد عالم   زبهر آدم و اولاد آدم».

انجام: «بهر جا هستم باشم دعا خوان       غلام زر خریدم از دل و جوان».

نستعلیق مغلوط ۱۲سطری، تاریخ کتابت: ۲۹رجب ۱۲۱۲، کاتب: یحیی بن ملاّمیر خان سلطانی، [تصاویری که مربوط به داستان است و نسبتاً ابتدایی نقاشی شده، توسط کاتب انجام پذیرفته و در حاشیه بعضی از تصاویر نام نقّاش(یحیی بن...) آمده است]، کاغذ: حنائی، عناوین به شنگرف، دارای ۳۰تصویر، ۳۰۰گ، ۲۱×۱۶س.م. جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل ، خریداری آستان قدس رضوی در آبان ماه ۱۳۶۶.

۳۸۵

سفینهٔ اشعار

(۱۶۴۷۱)

از ابتدا افتادگی دارد.

شامل غزلیات و رباعیّات و قطعات و فردیّات و مثنویّات است.

هر صفحه نسخه دارای سه ستون است که در هر برگ آن یک غزل از حافظ و بقیه ستونها بطرز چلیپائی اشعاری از شعرای مختلف نوشته شده و در بعضی فقط به نام شاعر اکتفا شده و شعری از آن ذکر نشده است.

شاعران این سفینهٔ بترتیب حروف تهجّی عبارتند از:

– انوری، ابوالحسن جرپادقانی، اقدسی، ابوسعید، ابوتراب بیک، امیر سنجر، معمّا، آصف خان(مثنوی)، الفتی اصفهانی.

- بابا فغانی.

- تقی بلیانی اوحدی، تجلی کاشی.

- جمال گیلانی، جفایی، جوری، جلال زرکش، جلال عضدی.

- حسن بیک رفیع، حسین مؤمن، حسنی لاهیجی، حکیم سنایی، حسن بیک انسی، حیرانی خراسانی.

- حاتم کاشی، حاجب مشهدی، حکیم رکنا، حاجی فخّار مشهدی، حسامی.

- خاقانی، خان احمد پادشاه گیلانی، خواجه شعیب، خواجه نصیر، خان خانان، خرّمی اصفهانی.

- درکی قمی، داعی سبزواری، درویش محمد ولنجانی، درویش دهکی.

- ذوقی اصفهانی.

- رونقی همدانی، رشیداء کازرونی، روزبهان شیرازی، رضایی کاشی، ریاضی، رزمی، راغب.

- سیری جرپادقانی، سبحانی، سیف الدین، سعدی، سلطان حسین میرزا، سلمان ساوجی، سلطان ابراهیم میرزا، سیّد اشرف سمرقندی.

- شفایی، شاه قاسم انوار، شجاع کاشی، شهیدی، شکیبی اصفهانی، شکوهی همدانی، شمسای صلحی، شأنی، شُعوری کاشی، شهرت، شاکری، شیخ بهاء الدین.

- صایب، صیرفی، صالح کاشی، صبوحی، صلحی، صوفی همدانی.

- ظهوری ترشیزی.

- عرفی شیرازی، عزّی فیروزآبادی، عرشی یزدی، عماد فقیه کرمانی، علی نقی کمره، عزّتی، عجزی، عبدالرزاق گیلانی، عشرتی اصفهانی، عبدالمؤمن خان.

- فتحی اردستانی.

– قدسی

– کامی سبزواری.

– لطفی شیرازی.

– میر الهی همدانی، محوی، میرسعید کاشی، محمودبیک سالم، میرزا فصیحی، میرزا جعفر همدانی، مقیما همدانی، مسعود سعد سلمان، میرزا صادق دست غیب، محمّد شریف طالقانی، میرعطا، محتشم، مجیر بیلقانی، میرعارف قمی، مطیع، میرسنجر کاشی، میرشوقی ساوجی، ملا محبّ علی، میرزا محمّد حکیم، میر حضوری قمی، میر رضی دانش، مرشد قلی سلطان جلایر، مشربی قمی، ملا حاجی تبسی(طبسی)، محمّد امین حسینی قائنی، ملامرشد بروجردی.

– ناظم هروی، نظام.

– وحشی.

– یحیی لاهیجی.

ضمایم عبارتند از:

– اشعاری از شاعری با تخلّص«شهرت» در چند صفحه با امضای«لراقمه، شهرت».

«افکنده تا بطره عنبر فشان گره　　　عشاق را فتاده برگهای جان گره

از دیدن تو گریه گره شد بدل چرا　　　زد معجزه رخ تو باب روان گره».

(در برگ ۱۷۳ر)

– اشعاری به خط«محمّد امین الحسینی القائینی» در سال ۱۰۴۰ نوشته شده است در یک صفحه.

«خورشید ز رای من محلا گردد　　　آینیه راه من مصفّا گردد».

(برگ ۱۸۹پ)

- مثنوی«خسرو و شیرین» در بحر هزج از آصف خان، میرزا قوام الدّین جعفربن بدیع الزمان قزوینی متخلّص به«جعفر» و«جعفری» (-۱۰۲۱هـق.) در هند می‌زیسته و به قولی وزیر جهانگیر پادشاه(۱۰۱۴-۱۰۳۷هـق.) بوده است. نام مثنوی وی«خسرو و شیرین» و قسمتی«فرهاد و شیرین» نامیده شد و قبل از سال ۹۹۵هـق. به پایان رسیده است.[۱]

ابیاتی از مثنوی وی بشرح زیر نقل می‌کنیم:

«خداوندا که اکنون چند گاهیست — که اقلیم سخن بی‌پادشاهست

درم بی‌سکه و بی‌خطبه منبر — اگر نوبت زنی وقتست جعفر

.....................................................................................

همان دختر که شیرین بود نامش — هزاران یوسف مصری غلامش

سخن را از اثر زان گونه آراست — که از جا کوهکن بیخواست برخواست

زپرسشهای گرمش گشت فرهاد — سراپا اتش و در کوه افتاد

بیا مگذار شیرین را بفرهاد — که کوه از عشقشان آمد بفریاد

شکر شیرین و خسرو گشت فرهاد — ملک امد ببزم خویشتن شاد

چو خسرو را زفیض صبح امید — شبستان گشت آبستن بخورشید

زاقبال مساعد هم مدد یافت — صنم را دل نهاد وصل دریافت».

آغاز: «خداوندا رهی از غیب بنمای — زغیبم چشم دل بر عیب بگشای».

---

۱ . رجوع شود به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۴، ص۲۷۸۵ و تاریخ ادبیات فارسی، اته، ص۸۳.

انجام: «چو موج بحر دایم در تک و دو     چو کشتی با کران باری سبکرو».

(ص ۳۷۹-۴۴۲)

- مثنوی«محمود وایاز» از انیسی شاملو، علیقلی بیگ(یولقلی)، متوفی در سال ۱۰۱۳یا ۱۰۱۴هـــق. ندیم ابراهیم میرزا پسر شاه اسمعیل صفوی.

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

آغاز: «چو گردد صیدگاه عشق بنیاد     نه صید انجا امان یابد نه صیاد».

انجام: «بخود هر دم نوایی ساز میکرد     حدیثش هر زمان آغاز میکرد».

(ص ۴۴۹-۴۶۷)

- «دیباچه فخر الامامی فخرای اصفهانی»، فخرالدّین محمّد الاصفهانی به نثری زیبا که چند سطری برای نمونه ذکر می‌شود:

«اما بعد چنین گوید، معتکف زاویه نادانی فخرالدّین بن محمّد الاصفهانی که درین روزگار فرحت آثار که زمان حُلّه جوانی پوشیده و زمین اب زندگانی نوشیده نسیم ربیعی بانفاس عیسوی دم اعجاز زده و نورسیدگان خلوت ابداع جلوه جمال آغاز نهاده».

آغاز: «بسمله، لطایف حمدی که چون نسایم ربیعی دهان گل را بخنداند و زبان بلبل را بمنطق دلگشا گویا گرداند».

انجام: «بگشادم و از بوادی منام بوادی یقظه افتادم جوانی دیدم».

(ص ۴۶۷-۴۷۶)

– مثنوی«شکستِ دست» از طالبای کلیم[1](ابوطالب کلیم کاشانی) (–۱۰۶۱یا ۱۰۶۲هــق.)

آغاز: «کیم من داغداری از زمانه زهر داغی خدنگی را نشانه».

انجام: «چون شد تقدیر کس می‌افتد از بام اگر گیرد درون چاه آرام».

(ص ۴۸۱–۴۸۴)

– مثنوی نظیر«ناز و نیاز» ناقص می‌باشد.

آغاز: «ولی از رشک آن پیکان چون روح که خورد آن صید و شد درویش مجروح

بلی رشک آتش جانسوز عشقست تأسف مرغ دست آموز عشقست».

انجام: «که ای دل گرچه با غم بایدت زیست بزی خوش هیچ میدانی غم کیست».

(ص۴۸۷–۴۹۲)

– «ساقی نامه» مولانا مرشد بروجردی ملقّب به«مرشد خان» از شاعران پارسی گوی سده ۱۱هــق در یک صفحه.

آغاز: «دلم سوخت بر حال دیوانه که میگشت برگرد ویرانه».

(ص۴۹۲–۴۹۳)

– «ساقی نامه» ملاظهوری ترشیزی[2] (تعریف اسب، تعریف بازار)

آغاز: «ثنا میکنم ایزد پاک را ثریا ده طارم تارک را».

– قصیده‌ای از جمالای کازرونی

با این مطلع: «دردی که ز هجر تُست بر جانم جز وصل تواش دوا نمیدانم».

---

۱ . نسخه‌ای از ان در ج۷، ص۵۸۹ فهرست معرفی شده است نیز ر.ک. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۴، ص۳۱۳۲.

۲ . در این فهرست تحت عنوان«ساقی نامه» معرفی شده است.

– قصیده از شأنی تکلّو وجیه الدین نسف آقای تکلّو متخلّص به«شانی» در نیمه دوّم سده دهم زندگی می‌کرد.

با این مطلع: «هرگز بسوی ما نگذاری زعار پای    ما را بخواب بخت و ترا در نگار پای».

(ص۵۱۹-۵۲۲)

– قصیده‌ای از عرفی شیرازی، در مدح حکیم ابوالفتح.

آغاز: «چهره‌پرداز جهان رخت کشد چون بجمل    شب شود نیم رخ و روز شود مستقبل».

(ص۵۲۲-۵۲۶)

– قصیده‌ای از مولانا ولی.

با این مطلع: «بگاه دوختن چاک دل ز صعف بدن    بجای رشته توانم گذشتن از سوزن».

(ص۵۲۶-۵۲۷)

– قصایدی ازانوری(۴ قصیده) در مدح ناصرالدّین قتلع شاه.

با این مطلع: «شب و شمع و شکر و بوی گل و باد بهار    می و معشوق و دف و رودنی و بوس و کنار».

(ص۵۲۷-۵۲۹).

– قصیده‌ای از میر عارف قمی.

با این مطلع: «بیتو هر ناله که گیرد زلبم اوج تو است    همچو طنبور سراپرده دل نغمه سراست».

– قصیده از میرزا قلی.

– قصیده‌ای از اقدسی.

با این مطلع: «دوش من بودم و کنج غم و صدناله زار          دل پر از غم جگر آغشته بخـون سـینه فگار».

(ص ۵۳۲-۵۳۴)

- قصیده‌ای از طالبای کلیم.

با این مطلع: «شرطست بی‌تو در دل شبها گریستن          کردن بیان شوق و در اثنا گریستن».

(ص ۵۳۸-۵۴۰)

- قصیده «شکایت از رنج سفر» از جمال الدّین عبدالرّزاق اصفهانی.

با این مطلع: «اگر شکایت گویم ز چرخ نیست صواب          و گرعتاب کنم با فلک چسود عتاب».

و قصایدی از قطران تبریزی، فیضی، قاضی نوری، امیر معزّی، عنصری، حاجی محمّدخان قدسی.

- ساقی نامه ابوتراب بیک(قسمتی از آن در صفحات اوّلیه نسخه آورده شده است).

با این مطلع: «افتم بخیال خط سبز و لب ساغر          از سبزه جو آراسته بیتم لب جویی».

(ص ۵۵۷-۵۵۹).

و قصیده‌ای از میر عارف.

با این مطلع: «دلا مدار ز خوبان دهر چشم وفا          که مهر سیمبران تو است با عنقا».

(ص ۵۶۱-۵۶۴)

- مثنوی از فردوسی.

«تو گویی یکی بزم بُد چون بهشت          درو باده ناب عنبر سرشت».

(ص ۵۷۸)

نستعلیق سه ستونه بعضاً چلیپایی، مختلف السطر، تاریخ کتابت: در دو صفحه این سفینه دو شعر یکی از شاعری با تخلص شهرت نوشته شده و دیگر از محمّد امین الحسینی قائینی که هر دو نوشته‌اند بدستور میرزا محمّد مقیما، و تاریخ یکی از انها ربیع الاول ۱۰۴۰می‌باشد، کاتب و جامع: نامعلوم، کاغذ: الوان، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریر دار و لاجورد، ۲۹۱گ، ۱۸×۹/۵س.م. جلد: تیماج سرمه‌ای مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۸۶

سفینهٔ شعر

(۱۵۹۰۵)

حاوی یک مقّدمه است در معنی و تأثیر شعر و منتخب اشعار فراوانی از شاعران مختلف متأخر و متقدّم در قالب غزل و قطعه و رباعی، در موضوعات گوناگون(مدح[۱] و مطابیه و غیره)، با رعایت قافیه از نظر حروف تهجّی از حرف«س» تا«ی» و در انتها حکایات منظومی در پند و اندرز آورده شده است.

این کتاب در شناسنامه«جُنگ» نامگذاری شده بود ولی چنانچه در مقدّمه مذکور است سفینه نام نهادیم. می‌گوید: «و اگر طبع کسی را در گفتن شعر قصور باشد قلب خود را بان مسرور میدارد که از گنجینه دیگران لولوئی گزیند و از گلستان این و ان گلی چیند لهذا این بنده خاطی جانی عباس کاتب همدانی که خدایم از حسن خط حظ و بهره ارزانی داشته[۲]... از هر نسخه هر چه را نخبه یافته در سفینه

۱ . در مدح حاجی میرزا اقاسی، در وصف اسب، در طلب کنیز از شاه و غیره.

۲ . کاتب علاوه بر حسن خط از طبع شاعرانه‌ای نیز برخوردار بوده و این بیت شعر که از اوست در نسخه درج است:

شبهای هجر را بیخال وصال تو          خود را فریب میدهم و روز میکنم.

مخصوص درج و ان سفینه را بمنزله گلزاری در مرج قرار داده و بعقیده خود طالبان ادب را فی الحال و بالمآل تحفه آماده و گنجی نهاده است».

این سفینه مشتمل بر اشعار شاعران زیر می‌باشد[1]:

– آذر بیگدلی، آزاد حبشی، آصفی هروی، آذری، آگاه قاجار، آشفته ایروانی.

– اختر گرجی، ابن یمین خراسانی(فریومدی)، انوری ابیوردی، اوحدی مراغه‌ای، ابوالفرج رونی، ارشدی سمرقندی، امیر همایون اسفراینی، امینی مشهدی، انورشیرازی، اشرف تبریزی، احمد جامی، ابوالقاسم شیرازی، اثیر الدین اخسیکتی، ارزقی هروی، ابوذراعه جرجانی، احمدغزالی، الفت کردستانی، افسر قاجار، انیس اصفهانی، امین کاشانی، امیر خسرو دهلوی، اهلی شیرازی، اشرق اصفهانی، ادئی ایزدی، امتیازی نجفی، امیر سنهٔ اردلانی، ابدال بلخی، ادیب صابر ترمذی، اشرفی سمرقندی، اثیر الدین اومانی، امام قلیخان، امیدی طهرانی، ایلدرم بایزید، انورزید شیرازی، ابوالحسن خراقانی، اقدسی طوسی، اگهی یزدی، ادهم قزوینی، ابوالمعالی اصفهانی، انصاری قمی، امیر صالح جغتائی، امیر والهی قمی، اهلی جغتای، اسیری اصفهانی، القاص میرزا صفوی، ابوسعید نیشابوری، احمدخان گیلانی، ادهم کاشانی، انیسی شاملو، اسمی هروی، اگه شیرازی، امیر بخارائی، اشتهای اصفهانی، اکبر اصفهانی، انور یزدی، ابوالفرج سگزی، ابویزید مظفری، ابوطاهر خاتونی، انصاری هروی، افضل الدّین کاشانی، اسدی طوسی.

– بیانی کرمانی، بابا فغانی شیرازی، بیدل شیرازی، بساطی سمرقندی، بایزید بسطامی، بهار شیروانی، بدرالدّین جاجرمی، بینوای اصفهانی، بیمار شیرازی، بیدل کرمانشاهی، بنای یزدی، بابا شهیدی قمی،

---

[1] . نام شاعران را برای سهولت دستیابی، به ترتیب حروف الفباء کردیم.

بهرام بخارائی، بنایی هروی، بهار دارابی، باقر نطنزی، بلند اقبال شیرازی، بسحق شیرازی، بابا نصیبی گیلانی، باقی کرمانی، بسمل شیرازی، بهائی عاملی، بهار خراسانی، بندار رازی، بابا افضل، بدایعی بلخی.

– پرتو اصفهانی، پوربهای جامی، پریشان قراگوزلو.

– تمنّای شیرازی، تاج الدّین سرخسی، تسلّی شیرازی، توحید شیرازی، تمکین شیروانی، تیمور افغان، تاج الدّین تمرانشاه، تصنیفی جرفادقانی، تاراج اصفهانی، تمکین شیرازی، تشبیهی کاشانی.

– جمال الدین اصفهانی، جدائی ساوه، جذبی کرد، جامی، جبلی غرجستانی، جهانشاه قاجار، جلال قاجار، جواد اصفهانی، جلال الدّین محمد اکبر شاه، جمال الدّین قزوینی، جسمی همدانی، جدائی افشار، جوهری تبریزی، جعفر بیگدلی، جعفری تبریزی، جاهی صفوی، جلال عضد یزدی، جلال جعفر فراهانی.

– چماقلو بار فروشی، چشمه ایروانی.

– حلمی اصفهانی، حسن نهاوندی، حزینی یزدی، حافظ شیرازی، حیدری، حسرت همدانی، حافظ حلوائی، حالتی ترکمان، حیدر هراتی، حیرتی تونی، حیاتی کاشانی، حیرانی قمی، حیدری تبریزی، حسن غزنوی، حکیم سعید قمی، حاتم کاشانی، حسن دهلوی، حسن فراهانی، حاجت شیرازی، حریف خندقی، حیدر سبزواری، حسن بیک، حسن هندی، حزنی اصفهانی، حاوی سنندجی.

– خاقان قاجار، خیّام نیشابوری، خموش طهرانی، خسائی نطنزی، خاقان محلاتی، خرسند شیرازی، خاور تبریزی، خواجوی کرمانی، خادم فارسی، خصالی کاشانی، خاوری شیرازی، خضری قزوینی، خلقی طهرانی، خاقانی شروانی، خواجه نصیرالدّین طوسی، خرّم شیرازی، خواری تبریزی، خیالی کاشانی، خادم اصفهانی، خسروی قاجار، خاطر مازندرانی.

– دولتشاه قاجار، درویش دهکـی قزوینـی، داروی کاشـانی، داود اصـفهانی، داروی شـیرازی، دامـی همدانی، دقایقی مروی، داعی قمی، درویش عبدالمجید، دانش مشهدی، دارابی قاجار، داعی اصفهانی، درکی قمی، داعی شیرازی، دامی اصفهانی، دقیقی مروی، دولت قاجار.

– ذوقی ترکمان، ذکاء الملک متخلّص به فروغی، ذهنی کاشانی، ذوقی بسطامی، ذوقی اصفهانی.

– روغنی استرآبادی، رونق اصفهانی، راهب نائینی، رفیق اصفهانی، رضـی الـدّین نیشـابوری، روشـن اصفهانی، رفیعی کاشانی، رضائی کاشانی، رونقی همدانی، رمزی کاشانی، رجائی اصفهانی، رفیع الدّین قزوینی، رفیع الدّین کرمانی رشیدی، کرمانی، رحیمی ترکمان، رونق کرمانی، رهی اصفهانی، رامی یزدی، رودکی، رفعت نهاوندی، ریاض بروجردی، رشید وطواط، راوی گروسی.

– زکی کاشغری، زرگر اصفهانی، زکی همدانی، زایر، زکی شیرازی.

– سعدی، سلطان قمی، سلمانی ساوجی، سوزنی سمرقندی، سدیدالدّین، سیدمحمّد مشهدی، سیف الدّین باخرزی، سایل طهرانی، ساغر شیرازی، سحری طهرانی، سنجر کاشانی، سالک اصفهانی، سلیم شاملو، سعد الدّین جوینی، سیف الدّین اعرج، سلطان قاجار، سامانی، سهیلی جغتائی، ساقی اصفهانی، سحاب اصفهانی، سیف الدّین خوارزمی، سنائی غزنوی، سامانی شیرازی، سرهنگ تبریزی، سخائی اصفهانی، سعدالدّین هروی.

– شفایی اصفهانی، شرقی قزوینی، شرفجهان قزوینی، شهاب ترشیزی، شهید بلخی، شاپور طهرانی، شهره قاجار، شیدای اصفهانی، شرف الدّین کرمانی، شأنی تکلّو، شاه نظر اصفهانی، شـیونی قـاینی، شـیدای کردستانی، شمس تبریزی، شجاع کاشانی، شکیب شیرازی، شاه رضای طهرانی، شاه نعمهٔ الله کرمانی، شاپور قاجار، شمس الدّین جوینی، شوکتی اصفهانی، شعوری نیشابوری، شاه طاهر قمی، شـیخ نجـم

الدّین، شاه کبود جامه، شاه طهماسب صفوی، شایق لرستانی، شرر بیگدلی، شوریده شیرازی، شرف الدّین اصفهانی، شاه صفی طهرانی، شاه شجاع، شاه سنجان خافی، شرف قزوینی، شوکت شیرازی، شرف شیرازی، شوقی تبریزی، شهودی لاهیجی، شحنه مازندرانی، شرقی یزدی، شرف عراقی، شحنه خراسانی، شیخ محمود شبستری.

– صابرترمذی، صافی اصفهانی، صحبت لاری، صباحی کاشانی، صادق ملارجب، صبوح اصفهانی، صابر طهرانی، صفیری جونپوری، صفوۀ الدّین قراختائی، صفائی نراقی، صهبای قمی، صالحی مشهدی، صوفی اصفهانی، صائب تبریزی، صفی نیشابوری، صیقلی بروجردی، صبوحی بدخشی، صبور کاشانی.

– ضمیری اصفهانی، ضیاء اصفهانی، ضیای آذربایجانی.

– طبیب اصفهانی، طرب شیرازی، طرزی افشاری، طایر شیرازی، طغرل قاجار، طراز یزدی، طوفان مازندرانی، طرب نائینی، طلعت اصفهانی، طیّان کرمانی، طایر جرفادقانی، طاهر انجدانی، طرفه محلاتی، طبعی قزوینی، طرفی تبریزی، طوطی آذربایجانی، طغرل سلجوقی.

– ظریف اصفهانی، ظهیر الدین سرخسی، ظفر کرمانی، ظهیر الدّین فاریابی، ظهیر الدّین اصفهانی، ظهوری ترشیزی.

– عاشق اصفهانی، عذری بیگدلی، علی شطرنجی سمرقندی، عبید زاکانی، عرفی شیرازی، عارض اصفهانی، عصمت بخارائی، عمادی شهریاری، عین القضات همدانی، عنصری بلخی، عمیدی دیلمی، عتابی تکلّو، عاشقی سیستانی، عشرتی اصفهانی، عتیقی تبریزی، عمادی طهرانی، عتابی جرفادقانی، عطّار نیشابوری، عبدالله مروارید، علائی، عالی شیرازی، علائی آشتیانی، عهدی ساوه، عماد فقیه کرمانی، عشرتی یزدی، عبدالباقی تبریزی، علی سمرقندی، عرشی تکلّو، عبدالعزیز رکستانی، علی

همدانی، عنقای اصفهانی، عصّار تبریزی، عسجدی مروزی، عمعق بخارائی، عبدالخالق غجدوانی، عزیز لاهیجی، عارضی قمی، عزیز قزوینی، عبدالعزیز ترکستانی، عـلاء الدّولـه، عتیقـی سـمرقندی، عـذری تبریزی، عمادی لُر.

– غیاث شیرازی، غیرت اصفهانی، غبار رازی، غیرت خراسانی، غالب خوزسـتانی، غزالـی مشـهدی، غیاثی استرابادی، غضنفر قمی، غالب طهرانی، غالب اصفهانی.

– فغفور لاهیجی، فارغی استرآبادی، فنایی جغتائی، فردوسی، فسوی تبریزی، فدائی کرمـانی، فـدائی لاهیجی، فخری قاجار، فخرالدّین هراتی، قریب اصفهانی، فروغی بسطامی، فصیحی هراتـی، فصـیحی تبریزی، فیّاض لاهیجی، فنایی مشهدی، فیضی دکنی، فتوحی مروزی، فرهنگ شیرازی، فارغی شیرازی، فارغی شیرازی، فروغ الدّین اصفهانی، فکری اصفهانی، فخرالدین کرمانی، فرخّـی سیسـتانی، فخـری ایروانی، فرهنگ اصفهانی، فهمی کاشانی، فخر رازی، فسونی تبریزی.

– قطبی جنابذی، قدسی مشهدی، قمری آملی، قطران تبریزی، قاآنی شیرازی، قاضی یحیـی گیلانـی، قابوس و شمگیر، قیدی شیرازی، قراری گیلانی، قتالی اورگنجی، قتالی خوارزمی.

– کلیم کاشانی، کمال الدین اصفهانی، کلامی اصفهانی، کمال سبزواری، کسائی مـروزی، کمـال الـدین مسعود خجندی، کوکب شیرازی، کوهی شیرازی، کوکب خراسانی، کاوس دیلمی، کاتبی ترشیزی، کاتب همدانی(کاتب و جامع نسخه).

– گلشن شیرازی، گلخنی قمی.

– لسانی شیرازی، لبیبی خراسانی، لطف الله نیشابوری، لطفی نیشابوری.

– مشتاق اصفهانی، مقصود کاشانی، مستوره کردستانی، محسن مشهدی، مولی اصفهانی، منظر اصفهانی، مصوّر مشهدی، مسیح کاشانی، مجمر اصفهانی، مکتبی شیرازی، معنوی بخارایی، مایل افشار، مهستی گنجوی، مکنون گرجی، مانی تکلّو، مظهر تبریزی، مسعود سعد سلمان، مظفّر کاشانی، میرزا ابوالقاسم فندرسکی، محتشم کاشانی، مخزن کرمانشهائی، مصنف قاجار، میلی ترک، میر حضوری قمی، مقصود قرابوغه، مولوی، مقصدی ساوه، میر اصلی قمی، مایل اصفهانی، میلی خجندی، میرصیدی همدانی، مخلص شیرازی، ملک قمی، موسوی خراسانی، ملا بیخود جنابذی، محمّد قتلغشاه هندوستانی، میرزا سلمان، ملاشمس الدّین کرّت، محمد غزالی، منعم شیرازی، محمود قاجار، معینی جوینی، میرصبری، میر مقبول قمی، ملکی تویسرکانی، موالی لاری، موالی تونی، محمّد رضا پاشا، ملک الشعرا بهار، مجدالدّین همگر شیرازی، مختاری غزنوی، مردمی مشهدی، محمّد قلیخان کازرونی، منوچهری دامغانی، مشرب عرب عامری، محمّی لاری، مظهر گجراتی، مقبل لشکر، منجیک ترمذی، منصور رازی، مونس اصفهانی، ملامراد قزوینی، منظور شیرازی، ملکی سرکانی، محرم یزدی، مظهر کشمیری، محیط فراهانی، مایل فارسی، مشفق شیرازی، مؤیدالدّین نسفی، میرزا ابوالقاسم کابلی، معین الدّین، میر حضور کاشانی، مجیرالدّین بیلقانی، مسیّب خان تکلّو، مسیحی تبریزی، معزّی سمرقندی، مؤمن یزدی، میرحسینی غزنوی.

– نصیب اصفهانی، نقی گلپایگانی، نظیری نیشابوری، نیازی صفوی، نزاری قهستانی، نورالدّین محمّد زیدری، ناظر کازرونی، نظام استرآبادی، نیکی اصفهانی، نوری اصفهانی، نافع قمی، نثاری تبریزی، نادم لاهیجی، نظام اصفهانی، نشاطی هزار جریبی، نظامی گنجوی، نصرت اردبیلی، ناصر نجفی، نظام شیرازی، ناصر خصرو علوی، نعمت فسائی، نصیرالدّین اصفهانی، نشاط قمی، نعمت شیرازی، نظامی

عروضی، نجاتی مشهدی، نیاز شیرازی، نشاط اصفهانی، نصرت گیلانی، ندائی نیشابوری، نورعلیشاه اصفهانی، ناظر مازندرانی، نشاطی گرجی، نصیر همدانی.

– وفایی تفرشی، وحشی بافقی، وصالی مازندرانی، وقار شیرازی، ولی دشت بیاضی، وصال شیرازی، والی کردستان، وصّاف قاجار، وفای قمی، واحد جرفادقانی، وامق اصفهانی، واله لگزی، وحشت بختیاری، وفایی یزدی، وحدت هندوستانی، واعظی بلخی، واله داغستانی.

– هجری تفرشی، هاتف اصفهانی، هدایت طبرستانی، واعظی بلخی، هلالی همدانی، هلالی جغتائی، همای مروزی، هلاکوخان قاجار، هجری خراسانی، همام تبریزی، هجری قمی، همایون اصفهانی، همایون اسفراینی، همای نیشابوری، همایون شاه گورکانی، هاتفی جامی.

– یارک قزوینی، یعقوب ساوجی، یوسف کرجی، یاری اصفهانی، یغمای جندقی، یقین لاهیجی، یوسف طبرستانی.

آغاز: «بسمله، الحمدالله الذی بدأ بالاحسان و بدع خلق الانسان... و بعد شعر در لغت بمعنی فهم و دانائی».

انجام: «خروس سحر چون برآرد خروش          چرا بلبل مست گردد خموش».

شکسته نستعلیق و ثلث چلیپایی سه ستونه، کاتب و جامع: عباس کاتب همدانی، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـ.ق. کاغذ: حنایی، ۱۲۸گ، ۲۰×۱۳م.س. جلد: مقوّایی با عطف و گوشه تیماج مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۸۷

سفینهٔ غزل

(۱۶۳۱۱)

زبده و برگزیده غزلیات و قطعاتی است به ترتیب حروف تهجّی از شاعران مختلف(عرفی، نظیری، حزین لاهیجی، جامی،...) که اکثر تضمین غزلیّات حافظ و سعدی و مولوی و... می‌باشد.

آغاز: «بسمله، اگر تو فارقی از حال دوستان یارا         فراغت از تو میسّر نمی‌شود ما را».

انجام: «تا بکی چشم بره بر سر راه تو نشینم         بامیدی که ز راهی تو بیایی و نیایی».

(ص۱–۱۷۸)

گزیده رباعیّات به ترتیب حروف تهجّی از خیام، باباطاهر،... صادق تفرشی و...

آغاز: «بسمله، ای عشق تو کشته عارف و عامی را         سودای تو کم کرده نکو نامی را».

انجام: «جانی که زتن رفته اگر رای کنی         از نیم رهش بیک سخن باز آری».

(ص۱۷۸–۲۵۰)

شکسته نستعلیق نسبةً خوش۱۴–۱۶سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. (در انتها ۱۲۳۵هـق. آمده و در حاشیه یکی از صفحات نوشته‌ای بتاریخ دوشنبه جمادی الاولی ۱۲۹۸با امضای میرزا حسین سررشته دار آشتیانی و در حاشیه صفحه دیگر تاریخ ۱۲۸۰نوشته شده است) کاغذ: شکری آهاری فرنگی، ۱۲۵گ، ۲۰/۵×۱۳/۵س.م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۸۸

سلسلة الذهب[۱]

---

۱ . سه نسخه در ج۷، ص ۵۹۸ و یک نسخه در ج۹، ص۱۸۵معرفی شده است.

(۱۶۴۱۳)

اولین مثنوی از هفت اورنگ ملاعبدالرحمن بن نظام الدّین احمد جامی(۸۱۷–۸۹۸هـق.) است شامل سه دفتر در بحر خفیف که درآن بعد از مدح اهل بیت و اظهار اخلاص، به بحث درباره رفض می‌پردازد و عقاید خود که مبتنی بر تسننّ حنفیه است بیان می‌دارد.

«هر کرا رفض خُلق شد خَلَق است    نه خَلَق بلکه ننگ ما خلق است».

آغاز: «بسمله، لله الحمد قبل کل کلام    بصفات الجلال و الاکرام».

انجام: «بر همین نکته ختم شد مقصود    لله الحمد و العلی و الجود».

نستعلیق هندی۱۲سطری، در حاشیه چلیپایی، تاریخ کتابت: جمادی الثانی ۱۲۴۳، کاتب: نامعلوم، محلِّ کتابت: الپورهند، کاغذ: حنایی کرم خورده، عناوین و جداول اوراق به شنگرف، ۱۴۵گ، ۲۱/۷×۱۳/۵س.م. جلد: مقوّایی با عطف و گوشه میشن قهوه‌ای مستعمل و فرسوده، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۸۹

سلسلۀ الذهب

(۱۳۲۲۶)

نسخه کامل نبوده و شامل دو دفتر از این مثنوی می‌باشد.

آغاز: مانند قبل.

انجام: «هم برین حرف این خجسته کلام    ختم شد والسلام و الاکرام».

(ص۴۶-۳۹۴)

این نسخه مصدّر است بر «لوایح جامی».

(ص ۱-۴۴)

نستعلیق مغلوط ۱۴-۱۶سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ الوان، عناوین باجوهر بنفش، ۱۹۷گ، ۱۷/۵×۱۰/۵س.م. جلد: تیماج ماشی مستعمل، خریداری آستان قدس در ۱۳۶۲/۸/۴.

۳۹۰

شرح ادبیات

(۱۳۵۹۷)

شرح غزل «مظهر شهود» شیخ بهائی از محمّد رفیع بن محمّد تقی گیلانی(تولمی جیلنی) از شاگردان آقا سید مهدی بحرالعلوم(۱۱۵۴-۱۲۱۲هـ.ق.) و معاصر حاج سید محمّد باقر شفتی اصفهانی[۱] است و مؤلف این شرح را در ۱۱۹۷هـ.ق. در اصفهان به تقاضای دوستان و شاگردان کرده و غزل بشرح زیر است از منطق الطیر شیخ عطاّر نیشابوری، شیخ بهائی استنباط کرده است.

«من آئینه طلعت معشوق وجودم / کز مهر رخش مظهر انوار شهودم

تا کس نبرد ره بشناسائی ذاتم / گه مؤمن و گه کافر و گه گبر و یهودم

ابلیس نشد ساجد و مردود ابد شد / زانرو که ملائک همه کردند سجودم

زان پیش که ظاهر شود آثار مظاهر / من صدرنشین، در حرم میکده بودم

حق است که ناطق شده از نطق بهائی / از منطق الطّیر شنو اسرار وجودم».

---

۱. به نقل از برگ ۹پ، نسخه.

و شارح در ضمن شرح از پند و موعظه و اخبار و حدیث و حکایات مدد گرفته است.

آغاز: «درین اوان که فقیر کثیر التقصیر را توفیق جبری از جانب جناب اقدس باری اتفاق افتاده در دارالسّلطنه اصفهان بکنج مدرسه گرفتار شده».

انجام: «بر حقیر خورده گیری ننموده و خطا و زَلَل را بذیل اغماض بپوشاندتمت...».

(ص ۲۰-۱۰۶)

نسخه ما مصّدر است به رساله‌ای کوتاه در باره«خلقت و ماهیت انسان» از شارح فوق.

(ص ۱-۱۹)

و مذیّل است به رساله‌ای در«کیفیت سلوک راه حق» که ۲۵دستور برای سالک ذکر کرده که انجام ندادن آن سالک را از راه بیرون می‌کند.

(ص۱۰۷-۱۱۳)

نستعلیق تحریری مختلف السطر(۲۰-۱۳سطری) تاریخ کتابت: ذی القعده ۱۳۲۹، کاتب: عبدالحمید الحسینی گیلانی که از روی نسخه‌ای که به خط سیّد احمد ملک التّجار در ۱۲۸۷نوشته شده، استنساخ شده است کاغذ: نخودی، ۵۶گ، ۲۲/۳×۱۷س.م. جلد: مقوّا با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۳۹۱

شرح حال میکلا اسکیر

(۱۶۱۷۳)

داستانی است در شرح حال جوانی بنام میکلااسکیر از اهالی باسک که در اثر کوشش و رشادت بـه مقام ژنرالی در ارتش فرانسه در زمان ناپلئون بناپارت می‌رسد. و در ضمن ماجرای عشقی و علاقه وی با دختری بنام کنتس روزالین و ازدواج وی و بعد خیانت میکلا باعث جدایی آن دو می‌گردد.

نسخه کامل است و مترجم ناشناخته ماند.

آغاز: «هو روزی جوانی بیست و پنجساله موسوم به Micala skier که در بـازی(Paume) کـوی سبقت از تمام اهل(باسک) ربوده».

انجام: «این جهان فانی را بدور گفته به جهان جواودانی گذشت(کذ)».

نستعلیق تحریری ۱۰سطری، تاریخ کتاتب: سده چهاردهم هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری، ۱۴۹گ، ۱۷/۲×۱۰/۵س.م. جلد: مقوّایی با عطف و گوشه تیماج زرشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۳۹۲

شرح دیوان حضرت علی(ع)[1]

(۱۲۳۶۰)

شرحی است بر دیوان منسوب به حضرت علی(ع) از قاضی کمال الدّین میرحسین بـن معـین الـدّین حسینی میبدی متخلّص به«منطقی» که درسال ۸۹۰هــق. نوشته و بعد در سال ۹۰۹هــق. به امر شاه اسماعیل به قتل رسید، این شرح در هند و در تهران ۱۲۸۵هــق. چاپ سنگی شده است.

نسخه ما از ابتدا یک برگ افتادگی دارد.

---

۱ . یک نسخه در ج۷، ص۶۰۸ و یک نسخه در ج ۹، ص۱۸۶فهرست رضوی بـا عنـوان«شـرح دیـوان امیرالمـؤمنین» معرفـی شـده اسـت. و در شناسنامه بنام«شرح دیوان علوی» می‌باشد.

آغاز موجود: «اهل العلم احیاء و الناس مرضی و هم... علم مفتاح کنوز حقایق».

انجام: «واسطه خلاص و نجات و رابطه رفعت درجات شود لمولفه».

شرح نستعلیق و اشعار نسخ، ۲۱سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۰هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی رطوبت رسیده و بعضاً وصّالی شده عناوین و اشعار به شنگرف، ۲۴۴گ، ۲۲/۵×۱۶/۵س.م. جلد: تیماج زرشکی ضربی، واقف: نادر میانجیان، تاریخ وقف: فروردین ماه ۱۳۶۲

۳۹۳

شرح دیوان حضرت علی(ع)

(۱۴۷۷۳)

نسخه کامل نیست از ابتدای نسخه حدود[۱] کتاب افتادگی دارد و انتها نیز چند برگی کم دارد که نامرتّب صحافی شده است.

آغاز موجود: «ومن انسب است تالهم را فایده معتد به باشد میفرماید».

انجام موجود: «و هزیمهٔ بر لشکر کفار افتاد... .

الصدر نهد مُصَّدرٌ　　　هواللیث معدیا علیه و عادِ...».

نسخ ۲۲ و نستعلیق ۲۴سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۰هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی رطوبت دیده شدید، عناوین به شنگرف، ۱۵۶گ، ۲۲/۹×۱۵/۴س.م. جلد: تیماج خرمایی ضربی مستعمل، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۳۹۴

شرح دیوان حضرت علی[1](ع)

(۱۵۵۷۲)

از شارحی ناشناس که دیوان مرتضوی(انوار العقول) را نخست به نثر گزارش می‌کند و سپس در یک رباعی آن را به نظم درمی‌آورد و در انتها اشعاری از حضرت امام حسین علیه‌السلام در ۵برگ به نقل از ابومخنف ذکر شده است.

آغاز: «بسمله و نستعین، قال امیر المؤمنین وامام المتقین و وارث علم النبیین... .

النّاسُ مِن جَهَةِ التمثالِ اکفاءٌ ابوهُم ادَمُ و الاُمّ حَوآءُ

جمعی که حقیقهٔ افراد انسانند از روی صورت یکسانند... .

انسان که بصورهٔ، همه از یکدگرند باید که بعین مهر در هم نگرند».

انجام: «فردا که زقیدش شود روح خلاص یابد بهشت هرچه خواهد دل من... .

عترهٔ البرّ النبی المصطفی وَعلیَّ الوِرد بَینَ الجحفلین

تمت الدیوان امیر المؤمنین... رمضان المبارک سنه ۱۲۵۳». (ص۱-۲۳۲)

ضمایم این نسخه عبارتند از:

۱. احادیثی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم.

آغاز: «قال النبی(ص) من قرء و حفظه اربعین حدیثا سماه الله فی السماء...».

(ص۲۳۲-۲۴۱)

---

۱ . بر دیوان منسوب به حضرت علی علیه السلام شرحهای مختلفی نوشته شده است از جمله: ۱. شرحِ حسین بن معین الدین میبدی(-۹۱۱ق) که پیشگفتار آن به نام«فواتح سبعه» جداگانه استنساخ شده است. ۲. شرح حسین بن اسماعیل حسینی زنده در نیمه اوّل سده دهم، شرح گزیده‌ای از دیوان می‌باشد ۳. التحریر فی شرح دیوان الامیر از سید محمّد مهدی بن جعفر موسوی تنکابنی تألیف در ۱۲۵۰ق. ۴. شرحی از یکی از شاگردان نظام الدّین عبدالحق و به نام سرکار قاین و قهستان امیر علاء الدین سیّد علی نوشته است.

نستعلیق شکسته ۱۶سطری.

۲. صد حدیث در مدح حضرت علی علیه‌السلام، جامع سید محمّد تقی حسینی که حسب الامر مـلا محمّد طاهر.

بخط مهدی بن اسدالله بطرز چلیپایی در صفر المظفر ۱۲۵۶نوشته شده است.

(ص۲۴۲-۲۴۶)

۳. احادیث قدسی، منتخب از تورات مشتمل بر ۴۰ سوره که حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) از عبرانی به عربی ترجمه نموده است.

نسخ ۱۶سطری، عناوین به سرخی. (ص۲۴۸-۲۷۵)

۴. قصه ذوالقرنین و ادریس به نقل از قطب راوندی.

فارسی، خط نستعلیق ۱۶سطری، کاتب: ملاعبدالعظیم، محل تحریر: مدرسه الطفانیه.

(ص۲۷۹-۲۷۵)

متن شرح دیوان به نسخ ۸سطری، ترجمه و شرح ۸سطری به خط نستعلیق، تاریخ کتابـت: ذیحجـۀ الحرام تا رمضان ۱۲۵۳، کاتب: محمّدطاهر، کاغذ: شکری فرنگی آهار مهره، متن به سیاهی، ترجمه به سرخی، ۱۷۱گ، ۲۱×۱۴/۵س.م. جلد: تیماج یک لایه دارچینی، خریداری آستان قدس در آبان ماه ۱۳۶۶.

۳۹۵

شرح دیوان حضرت علی(ع) = ترجمه دیوان حضرت علی(ع)

(۱۳۲۸۷)

مانند شماره پیش، ترجمه ابیات به نظم گزارش شده است و از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

آغاز موجود: «باز گردان نفس را سوی حیا و حفظ کن از جهان ایمن مباش و در ره تقوی گذر

انّما حبَّتُها لِتَسقِلِ المَوت وادخَلَتها لِتُخرِج عَنهَا».

انجام موجود: «الهی ینحیّ ذکر طَولِکَ لَوعَتی وَ ذِکر خطا یا العِین منّی تَدمعُ».

متن نسخ ۶سطری، ترجمه بخط نستعلیق۶سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، ۵۹گ، ۱۸/۷×۱۲/۵س.م. جلد: مقوا با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در ۱۳۶۲/۸/۴ش.

۳۹۶

شرح دیوان حضرت علی(ع)

(۱۵۱۷۷)

در این نسخه شارح اشعار را به نظم درآورده ودر هر موضوع قافیه و وزن جداگانه‌ای را رعایت کرده و شرح ناتمام مانده است.

آغاز: «بسمله و به نستعین، الحمد لولیه و الصلوة علی نبیه محمد و آله اجمعین...

الناس من جَهةِ التمثال اکفاءٌ ابوهم آدمٌ و الام حواءُ

آدمی از ره تمثال بهم مانند نه که پدر آدم(ع) و حوّا همه را شد مادر».

انجام موجود: «فان قیل فی الاسفار ذلّ و محنةٌ وَقَطعُ الفیافی و ارتکاب و الشدایدِ».

نستعلیق ۱۵سطری، تاریخ تحریر و کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی فرنگی آهار مهره، عناوین و ترجمه منظومِ اشعار به شنگرف، ۲۲۰گ، ۲۰/۸×۱۴/۲س.م. جلد: تیماج زرشکی مستعمل، واقف: نامعلوم. (ص۱۰۸-۱۶۵)

این نسخه ضمایمی بشرح زیر دارد که در جای خود فهرست شده و یا خواهدشد.

۱. «منهاج الهدایه الی احکام الشریعه» در فقه از محمّد ابراهیم بن محمّد حسن کرباسی(-۱۲۶۲ق) (ص۲-۱۰۶)

۲. «منشات و آئین نگارش» به فارسی و ترکی احتمالاً با مهر کاتب یوسف مصطفی افندی زاده سال ۱۱۳۷هـ.ق.

۳. «کبری» در منطق از میرسید شریف جرجانی.

۴. «عوامل» ملامحسن قزوینی(ناقص الاخر) در نحو.

۵. «نور العیون» در فقه(ناقص الاول و الاخر).

۶. «شرح ملّخص» چغمینی از قاضی زاده رومی.

۳۹۷

شرح قصیده برده

(۱۵۱۷۸)

(ترکی)

شرحی است به ترکی از شارحی ناشناخته بر قصیده برده از شیخ شرف الدّین ابوعبدالله محمّدبن سعید دولاصی بوصیری متوفی ۶۹۴هـ.ق.

آغاز: «بسمله، اسم الله ایله ایتدم بو کتابم ابتدا        شکر ایله منّت اکادَر داخی حمد ایله ثنا».

انجام: «بالاَمنِ اَوَّلهُ بالیُمن اخَرهُ     و الحمدلله فی بَدءِ و فُحتَتَم... تم التخمیس بعونه و... ».

در حاشیه این شرح قسمتی از شرح احمد بن مصطفی بلالی به ترکی که در سال ۱۰۰۱ق نوشته، مذکور است.

آغاز: «بسمله، الحمدلله لمن جعل النظم احسن الکلام... حضرتلرینک مدحی...».

و همچنین شامل یکی از تخمیسات قصیده ذکر شده است.

اغاز: «اَمن تکثر ما فی القلب من الم        امن تأثر ما فی الکبد من ورم

امن تخیّل خلِ حَلّ فی الحرام        امن تذکر حیرانٍ بذی سلم

مزجت دمعاً جَری مِن مُقلَۀٍ بدَمٍ».

و شرح لغوی قصیده که در حاشیه مسطور است و در اثر صحافی از بین رفته و همچنین ناتمام مانده است.

آغاز موجود: «الاحبّه و بذی سلم و کاظم و اضم امکنتهم...» .

انجام موجود: «الی القرب و لاموضع رقی اطالب رفعۀ».

این نسخه مذیّل است به شرح ترکی قصیده جیمیه به این مطلع:

«و فوایدُ مولانا جُمَلٌ        لسروح الانفس وَ المُهَج».

که شارح آن ناشناخته ماند و نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و با خطی مغایر شرح قصیده برده می-باشد.

آغاز موجود: «حضرتلرنیک قضا سنه رضا ایله کند و زین تسلیم ایدوب جزع و فزع».

انجام موجود: «رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بیور ویکه ناردن از اد اولمش کمسته نک».

نسخ ۱۴ و نستعلیق ۲۵سطری، تاریخ کتابت: ۱۱۳۵هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی و زعفرانی، عناوین و جداول اوراق به سُرخی، ۴۹گ، ۲۰/۵×۱۴س.م. جلد: پارچه‌ای زرشکی با عطف تیماج مستعمل، واقف: سیّد خلیل علوی خویی، تاریخ وقف: ۱۲۶۲هـ.ق.

۳۹۸

شرح قصیده عینیّه[۱] = شرح قصیده حمیری

(۲۱۷۰۷)

اصل قصیده به عربی از سیّد اسماعیل بن محمّد بن زید بن ربیعه حمیری شاعر شیعی(۱۰۵-۱۵۷هـ.ق.) می‌باشد که محمّد قاسم هزار جریبی مشهور به مدّرس(سده ۱۱-۱۲هـ.ق.) آن را به فارسی شرح و ترجمه کرده، در ص ۲۱(گ۶، ر) نسخه آمده است: «بخاطر فقیر محمّد قاسم هزار جریبی رسید که قصیده سیّد اسمعیل حمیریرا بقدر فهم قاصر خود تصحیح و ترجمه لغات آن بفارسی نماید تا شیعیان،... مستفیذ و بهره‌ور گردیده... آن قصیده این است.».

آغاز: «بسمله، الحمدلله الذی لایطلق الحامدون... امّا بعد بدانکه شیخ دانای عارف باحادیث اهل بیت علیهم السلام».

انجام: «و بعدها صَلّو علی المصطفی و... حیدره الاصلع... هزار مظلوم را فریادرسی کرده باشد شکل این است.». (ص۲-۶۷)

نسخه مذیّل است به:

۱ . یک نسخه در ج ۹، ص۱۹۴ معرفی شده است.

- چند برگ ادعیه، بدون شرح و توضیح. (ص۶۸-۷۳)

- «مفتاح النجاح» شرح دعای صباح حضرت علی علیه‌السلام است، که احتمالاً محمّدقاسم هزار جریبی آن را شرح کرده است.

آغاز: «بسمله، این دعایی است بغایت بزرگ و گنجیست بغایت عالی که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام...».

انجام: «سلام فرست بر ایشان سلام فرستادنی و برقرار و همیشه، اختتام یافته این شرح مفتاح النجاح».

(ص۷۴-۱۰۸)

شرح به نستعلیق، متن(قصیده، آیات، ادعیه) به نسخ، ۱۳سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۲۳هـ.ق. محلِّ کتابت: فیض آباد، کاغذ: حنایی کرم خورده و وصّالی شده، ۵۴گ، ۱۷/۵×۱۱، جلد: مقوّایی با عطف و گوشه میشن مستعمل، واقف: مقام معظم رهبری در خردادماه ۱۳۷۲. (در انتهای و داخل نسخه مُهری با نقش«کتابخانه ناصریه لکهنو قسم سوم کتب وقف کرده علامّه ناصر حسین صاحب ره» دیده می‌شود.)

۳۹۹

شرح قصیده عینیّه= شرح قصیده حمیری

(۱۶۰۹۶)

نسخه کامل است فقط خطبه آن افتاده است.

آغاز: «امّا بعد بدانکه شیخ دانای عارف...».

انجام: «بر دامادش که حیدر اصلع است تمت شرح القصیدة المبارکه».

(ص۱۸۶-۲۱۱)

در حاشیه نسخه«ترکیب بند» مشهور محتشم کاشانی آمده است.

و نسخه مصدّر و مذیل می‌باشد به:

شرح مختلف بر قصاید فرزدق، ام عمر و کعب بن زهیر،... .

نستعلیق مخلوط به شکسته۱۶سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۶۷هـ‍ق. کاتب: میرزا ابوالحسن بن میر شفیع منشی رشتی، کاتب ترکیب بند محتشم: منصور حسینی، کاغذ: نخودی، ۱۴گ، ۲۰/۷×۱۵ جلد: مقوّابی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۰۰

شرح قصیده میرفندرسکی[۱]

(۱۵۰۵۹)

شرح قصیده یائیه میرابوالقاسم فندرسکی استرآبادی(- ۱۰۵۰هـ‍ق.) از محمّد صالح بن محمّد سعیدخلخالی(-۱۱۷۵هـ‍ق.) می‌باشد. که میرفندرسکی قصیده ناصر خسرو را تضمین نموده است و نسخه ما فاقد دیباچه می‌باشد.

آغاز: «بسمله، چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی صورتی در زیر دارد انچه در بالاستی ناظم رحمهٔ الله تعالی عنوان کلام را فلک قرار داد به اعتبار کمال ظهور ایشان».

انجام: «و یعلّمهم الکتاب و الحکمه بعد از ان راهی باین معنی بتوفیق الله تعالی راهی میتوان یافت و السلام».

---

۱ . دو نسخه در ج۷، ص۶۳۱ از همین شارح و دو نسخه در ص۲۴۰ و۲۴۱ از عباس شریف دارابی بنام تحفهٔ المراد معرفی شده است و دیگر شارح محسن بن محمّد گیلانی می‌باشد.

نستعلیق تحریری، ۱۸-۱۶سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۳۱هــق. کاتب: عبدالحمید تولمی(منقول از نسخه-ای که در سال ۱۲۸۷بوسیله احمد موسوی نوشته شده است.)

کاغذ: نخودی، ۱۸گ، ۲۲/۲×۱۶/۵س.م. جلد: ندارد، خریداری آستان قـدس رضـوی در آذرمـاه ۱۳۶۲.

۴۰۱

شرح گلستان سعدی

(۱۳۲۰۰)

شرحی است از سلیمان بن مصطفی بر گلستان شیخ مصلح الدّین سعدی به عربی آمیخته به فارسی و بعضاً با توضیح لغت به ترکی.

نسخه ما به خامه مؤلّف بوده که در سال ۹۲۶هــق. نوشته شده است. با تفحّص و جستجو در منـابع، اطلاعاتی راجع به زندگی‌اش بدست نیامد و تا حدودی این شرح شبیه شـرح مصـطفی بـن شـعبان سروری(-۹۶۲یا ۹۶۹هــق.) می‌باشد که به نام سلطان مصطفی خان فرزند سلیمان قـانونی عثمـانی نوشته است.

به عنوان نمونه به ذکر سطری از آن بشرح زیر اکتفا می‌کنیم:

«بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز یعنی مرۀ اخری و اعلم ان... بمعنی العودۀ بالترکی کرو».

نسخه از ابتدا افتادگی دارد و یک برگ نونویسی شده است.

آغاز موجود: «بمعنی الصغیر کذا فی بحر الغرایب برآید کـز بالوصـل واصـله کـه آن بالفصـل عهـده شکرش».

انجام: «کرمش عیبها فرو پوشد خاتمه کتاب...     بر رسولان پیام این خبر باشد و بس».

نسخ ۱۷سطری، تاریخ کتابت: ۹۲۶هـق. کاتب: شارح(سلیمان بن مصطفی)، کاغذ: نخودی رطوبت رسیده، عناوین به شنگرف، ۱۱۶گ، ۱۴/۵×۱۰/۲س.م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در ۱۳۶۲/۸/۴ش.

۴۰۲

شرح گلستان سعدی

(۱۵۱۷۳)

(ترکی)

شرحی است بر گلستان سعدی که بنابر تصریح نسخه در سال ۹۷۷هـق. نوشته شده است و در مقایسه با دیگر شروح ترکی نام شارح عجالتاً بدست نیامده در برگ ۵پ، بر شرح شمعی چلبی، مصطفی بن محمّد قسطنطنیی متخلّص به«شمعی» (-۱۰۰۵هـق.)[۱] ایراد می‌گیرد. در انتهای نسخه آمده است: «تمام «تمام شد این کتاب شمعی شرح گلستان». که ممکن است قسمت نونویسی شده را از روی نسخه شمعی نوشته باشند و یا شرح، شرح شمعی دیگر باشد.[۲]

نسخه کامل است و قسمتی از آن نونویسی شده است.

آغاز: «بسمله، منت خدایرا شکر و سپاس و اجر و عوض... نعمت و یرمک الله ایچوندر».

انجام: «ایل تمم اولور اکز درسته که علم الله تمام در یوار- تمت».

---

۱ . رجوع شود به هدیۀ العارفین، ج۲، ص۴۳۸.

۲ . چنانچه در فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی ازدو نفر شمعی نام می‌برد که گفته شده ممکن است یکی باشند.

نسخ تحریری، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـ‍ق. قسمت نونویس سده ۱۳هـ‍ق. کاتب: علیخان بن رمضان، کاغذ: نخودی و شکری رطوبت رسیده، عناوین به شنگرف و زنگار، ۱۸۷گ، ۲۰/۸×۱۶س.م. جلد: مقوّایی مستعمل، واقف: نامعلوم.

۴۰۳

شرح گلستان= خیابان گلستان

(۱۶۳۹۵)

شرح گلستان سعدی از خان آرزو، سراج الدّین علی بن حسام الدّین اکبرآبادی(۱۱۰۱-۱۱۶۹هـ‍ق.) صاحب سراج اللغه می‌باشد.

نسخه از ابتدا یک برگ افتادگی دارد.

آغاز موجود: «ابر نبوّتش تا دامن محشر نوخیز گلی که مرغ الهی جبرئیل بلبل اوست».

انجام: «اگر قبول کنند بهتر والا خیر، هر لفظ خیر اختتام این کتاب کامل نصاب شد، فنحمدالله حمدا متکاثرا».

نستعلیق به شیوه هندی، ۱۷سطری، تاریخ کتابت: سال سوم پادشاهی احمدشاه بهادر پادشاه غازی[۱](۱۱۶۴هـ‍ق.) کاتب: سیّدعلی مرتضی موسوی تیانوی(نیشابوری) محلِّ کتابت: دارالخلافه شاهجهان آباد، کاغذ: حنایی، عناوین و قوله به شنگرف، ۷۵گ، ۲۰/۹×۱۳/۵س.م. جلد: مقوّایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۰۴

۱ . ر.ک. فهرست ج۱۲، ص۴.

شرح مخزن الاسرار

(۱۲۹۰۷)

متن از حکیم نظامی گنجوی، ابومحمّد احمدبن الیاس(۵۴۷-۶۱۱هـ.ق.)، نام شارح به علّت افتادگی اوراق از ابتدا و انتهای نسخه بدست نیامد.

نسخه از بیت سی و سوم مخزن الاسرار«خون دل خاک ز بحران باد در جگر لعل جگرگون نهاد».

شروع شده و تا ابتدای مقالت دوازدهم«در وداع منزل خاک؛

گر شتری رقص کن اندر رحیل ورنه میفکن دبه در پای پیل».

ادامه یافته است.

آغاز: «... است و پنبه ور کرده نیز می‌باشد(کذ)... یکی را جلد جلیدی گویند».

انجام: «خوش و به نشاط در دانه میفکن دبه در پای پیل پیل کشتن...».

نستعلیق ۱۶سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۱هـ.ق. کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف، ۲۱۴گ، ۲۱/۷×۱۰/۵س.م. جلد: تیماج با عطف میشن قهوه‌ای روشن، واقف: حسین کی استوان، در آبان ماه ۱۳۴۸.

۴۰۵

صحت و مرض= حسن و عشق= روح و بدن

(۱۰۵۵۶)

داستانی است تمثیلی شبیه«حی بن یقظان» از محمّد بن سلیمان فضولی بغدادی(سده ۱۰هـ.ق.)

آغاز: «بسمله، حمد بیحد احدیرا سزاست که ریاض بدن را بآب روان پرورده».

انجام: «و عاقبت الامر خود را بخود رساند و معشوقی و عاشقی از آن خلوت برو[ن] ماند».

(ص ۲-۱۳)

نسخه مذیّل است به«اختیارات بدیعی» از حاجی زین عطّار که درفهرست کتابهای طبی معرفی خواهدشد.

(ص۱۸-۴۳۶)

نستعلیق ۲۴سطری، تاریخ کتابت: ۱۰۷۷هـق. کاتب: نامعلوم، ۷گ، ۲۷/۵×۱۸س.م. جلد: تیماج ضربی عنابی روشن، خریداری آستان قدس رضوی در مردادماه ۱۳۴۹.

۴۰۶

ضیاءالمومنین

(۱۶۳۱۶)

از مؤمنه نیشابوری متخلّص به«خان» که در سال ۱۱۹۵[۱] هـق. سروده است. از تعریف سیّد کاینات حضرت رسول(ص) و وفات پدر گرامی‌اش و ولادت خاتم الانبیاء(ص) شروع و به ازدواج با حضرت خدیجه(س) و تولد حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام و... ختم می‌شود. و شاعر در سرودن این مثنوی حماسی دینی از چهارکتاب حیات القلوب و... استفاده کرده است. چنان که می‌گوید:

«گر بگویم سخن بوجه حساب — نظم کردم من از چهار کتاب

---

۱ . در تاریخ نظم و نام منظومه، شاعر آورده است:

«دوصد و یکهزار سال تمام — رفته از هجرت رسول انام

از دوصد سال پنج کم باشد — آنهم از دفتر رفتم باشد.

کردنش من ضیای مؤمن تام — شد بذالحجۀ الحرام تمام

رفته بود هم زماه حج هشت روز — ختم کردم ساعت فیروز

خان شکر و سپاس یاری کن — تقل از لطف کرده کاری کن».

چون حیات القلوب را دیدم		چند روایت از آن پسندیدم

...

خان بیکس که مانده است حیران		یا رب او را عطا نما ایمان».

آغاز: «بسمله، ابتدا میکنم ز بسم الله		بعد از ان لا اله الا الله».

انجام: «هر که خواند بحقّ رب عباد		کند این خان را بفاتحه یاد».

(ص ۱-۱۴۸)

نسخه مذیّل است به منظومه‌ای به نام«انتقامیّه»[1] که در جای خود شرح داده شد. و در نسخه ما نام منظومه صریحاً ذکر نشد و«ضریرنامه» در عنوان آمده است.

نستعلیق ۱۱سطری، معلق به حواشی، تاریخ کتابت: ذی الحجهٔ الحرام ۱۲۵۶، کاتب: خلیل بن کربلایی اسماعیل، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۷۴گ، ۲۱×۱۶/۴س.م. جلد: تیماج یک لا، دارچینی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۰۷

عارفنامه

(۱۶۶۵۹)

منظومه معروف ایرج میرزا ملقّب به جلال الممالک بن غلام حسین میرزا بن فتحعلی شاه قاجار(۱۲۹۰-۱۳۴۴هـق.) است که خطاب به عارف قزوینی و در انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی

---

۱ . در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۶، نام نسخه«انتقامیّه» ذکر شده است.

کشور سروده شده است. این نسخه سه برگ اوّل آن کمی آسیب‌دیده و در انتها سه غزل و اشعار متفرقه ضمیمه است.

آغاز: «بسمله، ... که عارف جانم[1]		رفیق سابق طهرانم آمد».

انجام: «مملکت دگر- نخل بارور- که او دهد ثمر- چون تو هیچ یک نفر ندارد- چون تو با شرف پسر ندارد».

نستعلیق ۱۶سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـق. کاغذ: نخودی، جداول اوراق به سُرنج، ۱۹گ، ۲۱×۱۴س.م. جلد: تیماج اسقاطی یک لا، خریداری آستان قدس رضوی در دی ماه ۱۳۶۷.

۴۰۸

عالم و آدم

(۱۴۹۹۶)

منظومه‌ای است عارفانه در بحر سریع از میرزا هادی مولوی گیلانی ملقّب به وفاعلی شاه که در سال ۱۳۱۲ش. در تهران چاپ سنگی شده است. عناوینِ موضوعاتی که شاعر در باره آنان طبع آزمایی کرده است عبارتند از: سبب نظم کتاب، خلقت عالم و آدم و حواّ، هابیل و قابیل، حضرت نوح و طوفان، حضرت صالح و قوم ثمود و دیگر پیامبران تا حضرت محمّد(ص)، خلفای راشدین و شهادت حضرت علی(ع)، دوازده امام علیهم‌السلام، و بعد پادشاهان از حالات هلاکوخان و تسخیر بغداد و جانشینان وی، ذکر احوال چوپانیان بر سبیل ایجاز، ایلکانیان... طلوع شاه اسماعیل صفوی و شاهان قاجار تا رضا پهلوی.

---

۱ . در محلّ نقطه چین نوشته‌ها از بین رفته است.

آغاز: «بلبل گویائی حق زاد من مرغ سخن پرور آزاد من».

انجام: «بر همه شان تا دم یوم الورود باد ثناها و سلام و درود».

(ص۲۴-۴۲۰)

نسخه مصّدر است به قصیده پیشگویی شاه نعمهٔ الله ولی، چند ورقی در تمجید و تعریف از جماعت صوفیه منقول از ریاض السیاحه، و برگزیده مثنوی بحر الحقایق صفی علی شاه و غیره.

(ص۱-۲۲)

و مذیّل است به ۴۱غزل و یک قطعه از ناظم(هادی مولوی گیلانی) که از سروده‌های اولیه شاعر می-باشد با تخلّص«وفا»، ترکیب‌بندی در هشت بند مسمّی به هشت بهشت و ترکیب‌بند دیگری به نام«تقدیس اطوار سبعه» در هفت بند.

آغاز: «ای میهن بدر فروزنده این طاق و رواق وی درخشنده‌تر از مهر سپهر روّاق».

انجام: «مولوی با تو در این قصّه صفا خواهم کرد منبع جودم و در وعده وفا خواهم کرد».

(ص۴۲۲-۵۵۰)

قطعات و رباعی و مسمط که به ترتیب تاریخ سرودن درج گردیده است.

و دیگر اشعار متفرقه بعضاً به لهجه گیلکی می‌باشد.

آغاز: «می‌توان گفت کزین باغ نصیبی دارد آن کسی کز شجر حسن تو سیبی دارد».

انجام: «بشوی جان و تن ایمولوی به آب فنا		که ذکر دوست بقای شما و جوی(کذا)

شماست».

نستعلیق تحریری بطرز چلیپایی، تاریخ کتابت: ۱۳۲۳تا مرداد ۱۳۲۸، کاتب: ناظم، کاغذ: نخودی مشقی فرنگی، خطوط با جوهر آبی و مشکی، ۲۷۵گ، ۱۷×۱۰/۵س.م. جلد: تیماج قهوه‌ای یک لا، واقف: مکتبۀ الامام امیر المؤمنین(ع) در اردیبهشت ماه ۱۳۶۵.

۴۰۹

عَلَم آرا

(۱۲۴۳۶)

منظومه‌ای است در مدح امیر علم و اجداد وی از ناظمی ناشناس در یک مقدمه و ۸ مجلس که در زمان ناصرالدّین شاه سروده شده است. در مقدّمه میگوید: «در مدّت یک عام کامل این کتاب تحفۀ الاعاظم عَلَم آرا را به اتمام رساند، مقدّمه احوال خزیمه جدّ نامدار سرکار، مجلس اوّل: بردن به ارض قدس، مجلس دوم: رفتن به هرات، سوّم: آمدن به قاین، چهارم: لشکر کشیدن بجلگه و کشته شدن نظرخان، پنجم: رفتن امیر کبیر به طهران و آوردن عسکر شاهنشاهی، ششم: رفتن به سیستان، هفتم: رفتن به کربلای معلّی، هشتم: دعوای کبوده و کشته شدن مرادخان».

آغاز: «بسمله، حمدبیحد خداوندیرا سزاست که بنی نوع انسان را از کتم عدم به صحرای وجود آورده...

بسمله، به بسم الله اوّل کنم ابتدا		که اوهست نام بزرگ خدا».

انجام: «توقّع مرا هست ای مقتدا		کنی عفو هر جا به بینی خطا».

نسخ ۸سطری، تاریخ کتابت: رجب ۱۲۸۲، کاتب: محمدحسین بن محمّد علی، کاغذ: شکری فرنگی آهاری، عناوین به سرخی، ۱۰۶گ، ۲۰/۵×۱۵س.م. جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی، واقف: اسدالله علم در مرداد ماه ۱۳۶۲.

۴۱۰

غزلیّات کلیم

(۸۹۶۳)

از ابوطالب کلیم کاشانی(- ۱۰۶۱هـق.) شامل غزلیّات و رباعیّات است که در هامش«دیوان اثر» به شماره ۸۹۳۹قرار دارد. غزلیّات و دیوان کامل کلیم چندین بار به چاپ رسیده است.

آغاز: «بدل کردم بمستی عاقبت زهد ریایی را رسانیدم به آب از همدمی بنیاد تقوی را».

انجام موجود: «خاری که تمام مایه آزارست در پا نخلد تا نزنی پا بسرش».

شکسته نستعلیق چلیپایی ۱۶-۱۸سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـق. کاغذ: نخودی، ۱۰۱گ، ۲۲/۷×۱۳س.م. جلد: تیماج خرمایی ضربی، دارای ترنج و سرترنج، واقف: علی اصغر حکمت در مهرماه ۱۳۴۰.

۴۱۱

غوغای ادب

(۱۶۰۹۲)

مجموعه‌ای است به نظم و نثر که به وسیله طاهر بی‌همتای طوسی(سده ۱۴هـق.) گردآوری شده است و منتخبی از اشعار شاعران متقدّم و متأخر از جمله: نظام وفا، شیخ بهایی، رهی معیّری، دنیا طاهری، مهردخت پرنیا، عماد خراسانی، آلفرد دوموسه، صائب تبریزی، فیض، مهدی سهیلی، کمال هدایت، سهیلی خوانساری، طاهر اصفهانی، شریف تبریزی، بانو قمر آریان، حسن قاری زاده، قاآنی، ابوالقاسم حالت، لامارتین، علیرضا آریان، نوّاب صفا، اقبال، مطیع الدوله حجازی، علی اشتری، علی اکبر دهخدا، ملک الشعرای بهار، لطفعلی صورتگر، خیّام، مهستی، حافظ، پروین اعتصامی، ابراهیم صفایی، رضا ثابتی، ماه طلعت پسیان، شهریار، حکیم نظامی، مفتون امینی، سعدی، خواجه عبدالله انصاری، عبیدزاکانی، نادر نادرپور، فریدون مشیری، سلمان، جبران خلیل، رودکی، فرخ تمیمی، جیووانی(شاعر ایتالیایی)، فرخی سیستانی، باستانی پاریزی، غزلیّات تاگور، مولوی، عطّار، (بنابر نوشته روی جلد به دستور میرعابدینی گردآورده شده است.)

آغاز: «ایران، بجز تو نیست مرا خانه امید　　　این دل من از غم و اندوه ایمن است».

انجام: «حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار　　　تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور».

نستعلیق کتابتی مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـق. کاغذ: نباتی، ۵۱گ، ۲۱/۵×۱۴/۶س.م.

جلد: مقوّا با روکش مشمع بنفش، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

فارغنامه[1]

(۱۳۱۴۳)

مثنوی است در بحر خفیف مخبون مقصور از حسین بن حسن گیلانی متخلّص به«فارغ» در ذکر فضایل و معجزات حضرت علی علیه‌السلام که به صورت داستانهای مختلف در سال ۱۰۰۰هجری، سالی که شاه عباس(۹۹۵-۱۰۳۷هــق.) گیلان را تسخیر کرده و این مثنوی به نام وی مصدّر گردیده است چنان که گوید:

«شاه ما هم ز نسل شاه نجف بر سپهر جلال ماه شرف

.........................................................................................

مظهر نور ذات انسانی شاه عباس ظل سبحانی».

شرح حال ناظم در مأخذ بدست نیامد و از خودِ اشعار این چنین برمی‌آید که حسین بن حسن در شهر رودسر گیلان در نیمه دوم سده دهم هجری متولد شده و تا اوایل سده ۱۱ می‌زیسته و در سال ۹۷۰[2]، از بغداد به گیلان آمده و در رودبار با دوستی از«اهل صلاح» به نام محمّد مدّاح به مدت چهار سال مصاحب شده و به تقاضای وی این داستانها را به نظم درآورده است بعد به علّتی از وطن دور می‌ماند و آرزوی رسیدن به گیلان را می‌کند.

«در غریبی چه نیست سامانم برسان از کرم بگیلانم

۱ . تحت عنوان«دیوان فارغ» (معجزات و فضائل حضرت امیر(ع)) در شناسنامه و بعضی فهارس مذکور است ولی چـون فقـط مثنـوی مـی‌باشـد. نام«فارغنامه» مناسب‌تر بنظر می‌رسد. در ج۴، ص۳۰۱۰فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی نیز با عنوان اخیر آمده است.

۲ . در این نسخه معرفی شده«۹۷۰» نوشته شده است. امّا در نسخه معرفی شده در ج ۱۰ ص۱۷۰۲، فهرست دانشگاه تهران، «۹۸۰» آمده است.

در دلم آرزوی گیلان است		زآنکه حب الوطن زایمان است».[1]

آغاز: «لله الحمد انه مالک		انت باقی و غیره(کذا) هالک

سر این نامه نام آن معبود		که زنامش دو کون یافت وجود».

انجام: «تا بود خانه سپهر آباد		دولت شیعیان مخلّد باد».

در انتهای این نسخه مثنوی دیگری به نام«قصه پنج کشتی و شه چین» در بحر هزج مقصور و محذوف از همین ناظم ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «بساط آرای دیوان حکایت		نشاط افزای بستان روایت».

انجام: «خوشا فارغ که آن گل زار بیند		گل مقصود از آن گل زار چیند».

نستعلیق ۱۵سطری، تاریخ کتابت: پنجم شهر رمضان المبارک ۱۲۴۱، کاتب: عبدالوهاب بن محمّد قاسم، (بعضی از قسمتها در اواسط نسخه، کاتب آن را حذف کرده است[2])، کاغذ: الوان، عناوین به شـنگرف، ۱۵۲گ، ۲۴/۶×۱۴/۵س.م. جلد: مقوایی با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، خریداری آسـتان قـدس رضوی در آبان ماه ۱۳۶۲.

۴۱۳

فرهاد و شیرین[3]

(۱۵۹۹۳)

---

۱ . کتاب فارغ گیلانی در سال ۱۲۷۴هـ.ق. در ۶۸برگ چاپ سنگی شده است.

۲ . نسخه دیگری از «فارغنامه» در مجموعه‌ای تحت شماره ۱۶۶۵۳ معرفی خواهدشد که کاملتر است.

۳ . پنج نسخه در ج۷، ص۶۵۴ و۷۴۲ و سه نسخه در ج۹، ص۲۰۶و۲۵۷فهرست رضوی معرفی شده است.

مثنوی معروف و بی‌نظیر وحشی بافقی، شمس الدّین(کمال الدّین) محمّد(-۹۹۱هـ.ق.) است که به استقبال از خسرو و شیرین نظامی سروده و موفّق به ساختن بیش از ۱۰۷۰بیت از آن نشد وباقی را وصال شیرازی، میرزا محمّد شفیع معروف به«میرزا کوچک» (۱۱۹۷-۱۲۶۲هـ.ق.) با افزودن ۱۲۵۱بیت آن را بپایان رسانید این مثنوی بارها به تنهایی و با ضمیمه چاپ گردیده است.

آغاز: (فرهاد و شیرین وحشی): «الهی سینه‌ای ده آتش افروز».

انجام: «چو نیکو بنگری باشد یک آهنگ».

آغاز دنباله فرهاد و شیرین(وصال): «هزاران پرده بر قانون عشقست».

انجام: «یقین داند که صورت عین معنی است».

شکسته نستعلیق خوش ۹سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاغذ: الوان فرنگی زرافشان، دارای سرلوح مزدوج زمینه زر پوش و منقّش، ۱۳۲گ، ۲۰/۶×۱۲/۶، جلد: میشن خرمایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۱۴

فرهاد و شیرین

(۸۹۵۹)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق خوش۱۱سطری، تاریخ کتابت: شوال ۱۲۵۱، کاتب: فتحعلی حجاب[1]، کاغذ: نخودی آهاری، عناوین به شنگرف، دارای سرلوح مزدوج مذهّب و منقّش پرکار، دارای کمند و جداول اوراق بـه زر تحریردار و سُرنج و لاجورد، ۵۰گ، ۱۶/۵×۱۰، جلد: تیماج ماشی جدول دار، واقف: علـی اصـغر حکمت در مهرماه ۱۳۴۰.

۴۱۵

فرهاد و شیرین[2]

(۸۳۸۶)

این نسخه فقط«شیرین و فرهاد» وحشی می‌باشد.

آغاز: مانندپیش.

انجام: «اسیرعشق شیرین گشت فرهاد ترا معلوم کاخر جان چه سان داد».

(ص۱-۷۰)

مذّیل است به دو برگ ادعیّه و متفرّقه. (ص۷۴-۷۶)

و نصاب الصبیان ابونصر فراهی.

آغاز: «اله است الله و رحمن خدای دلیل است و هادی تو گو رهنمای».

انجام: «ناس و انس اناس آدمیان پدر و مادر آدم و حوّا».

(ص۷۶-۱۳۵)

۱ . فتحعلی بن محمد جعفر شیرازی از شاعران و خوشنویسان سده ۱۳قمره بود که در سال ۱۲۶۹هـ.ق. در شیراز در گذشت و او را در بقعـه شـاه چراغ مدفون کردند. وی در خط نستعلیق مهارت داشت و از استادان این رشته بود.

۲ . این نسخه ضمیمه«سراج المنیر» تحت شماره ۸۳۸۵است که در ج۶، ص۴۳۴فهرست معرفی شده است.

نستعلیق آمیخته به شکسته، ۱۵سطری، تاریخ کتابت: دهم ذیقعده الحرام ۱۲۵۴، کاغذ: نباتی، دارای کمند به سرخی و جداول اوراق به زر و تحریردار، ۶۸گ، ۱۸/۱×۱۰/۶، جلد: دورویه، برون مقوّا با روکش ترمه، درون: عطف تیماج خرمایی، واقف: سردار کل یار محمّد خان افشار در ۲۵خرداد ماه ۱۳۳۲.

۴۱۶

فرهاد و شیرین

(۱۱۹۹۶)

«فرهاد و شیرین وحشی بافقی» است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نسخه مذیل است به رساله‌ای موجز در ۶برگ به نام«تحفهٔ الوزراء» یا«تحفهٔ الملوک» در چهل باب و در هر باب پندی در چهار نصیحت مفید آورده شده است. در الذریعه به نام«تحفهٔ الوزراء و السلاطین»[1] آمده و آنرا از جلال الدّین محمّد اصفهانی(احتمالاً از مردمان سده ۱۱) می‌داند و چندین چاپ خورده است.

آغاز: «بسمله و حمدله... امّا بعد این کتاب مشتمل است برآنکه حکما از کتب قدما اختیار کرده‌اند و فواید بسیار در ضمن هر حرفی مرقوم و معلوم میشود... باب اوّل در انکه چهار چیز پادشاهی را نگاه دارد».

انجام: «... خشنود بودن مادر و پدر، خدمت علما و حکماء، شفقت بر خلق خدا حق سبحانه».

---

۱ . الذریعه، ج۳، ص۴۸۰و در ج ۶، ص۳۹۷فهرست معرفی شده است.

شکسته ممتاز ۱۲سطری، کاتب: میرزا محمّد حسین بن محمّد رضا شیرازی[1]، تاریخ کتابت: جمادی الاولی ۱۲۶۰، کاغذ: حنایی، دارای سرلوح مزدوج، زمینه زرپوش مذهّب و منقّش، دو صفحه اوّل دارای حاشیه مذهّب، باقی اوراق مجدول به زر و تحریردار و لاجورد و دارای کمند، ۴۶گ، ۱۷/۷×۱۰/۵، جلد: روغنی دو رویه، برون گل و بوته و مرغ، درون گل نرگس، کار استاد ظریف، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۴۱۷

فرهاد و شیرین

(۱۰۴۵۴)

آغاز: مانند پیش.

انجام: «غرض زین گفتگو بودش همین کام          که شیرینی بتقریبی برد نام».

نستعلیق خوش ۱۰سطری، تاریخ کتابت: ۲۵ذیقعدهٔ الحرام ۱۳۰۲، کاتب: علیرضا بن ابوالحسن الخراسانی، کاغذ: نباتی آهاری، دارای سرلوح مزدوج پرکار مذهّب و منقش، دو صفحه اوّل دارای حاشیه مذهب و بین سطور طلا اندازی شده، دارای کمند و جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، عناوین به سرخی، ۱۲۳گ، ۱۳/۸×۸/۷، جلد: تیماجی عنّابی با جدول بندی زرکوب، خریداری آستان قدس در مرداد ماه ۱۳۴۹.

۴۱۸

---

۱ . سیّد جلال الدّین تهرانی در ظّهر صفحه اوّل، وی را چنین معرفی کرده است: «میرزا محمد حسین شیرازی استاد نستعلیق در عصر ناصری ترقّی کرد و کاتب السّلطان لقب یافت و در طهران در محله عور لذجان سکنی گرفت. خط اعلای آن مرحوم و میرعماد و میر سیّد حسین طهرانی تبریزی خوشنویس را می‌توان در یک مرتبه قرارداد.

فرهاد و شیرین

(۱۳۴۰۳)

این نسخه شامل«فرهاد و شیرین» وحشی و دنباله آن از وصال شیرازی است.

آغاز: مانند پیش.

انجام:[۱] «نظامی گفت کانجام است و برداشت‌بگفتا وحشی آغاز است و بگذاشت».

۴۱۹

فرهنگ خداپرستی

(۱۳۲۳۵)

منظومه‌ای است مسبّع از لسان الحق محرم یزدی، میرزا عبدالوهاب بن میرزا محمّد علی در سوگ شهدای کربلا و ستایش سران قاجار که در سال ۱۲۷۷= فرهنگ خداپرستی، سروده و دو بار چاپ شده است.

در ابتدای این نسخه اشعاری به عربی از شیخ جابر عرب کاظمینی و میرزا سعید خان وزیر دول خارجه، میرزا محمّد ساوه و در انتهای نسخه اشعاری به فارسی از میرزا هما و حکیم ذوقی و رضا قلیخان هدایت در مدح ناظم آمده است.

آغاز: «در موسم عاشورا در تکیه دولت / بگرفته عزا بهر دعای شه ملّت».

انجام: «بگرفت گلوی همه را گریه ازین غم / دیگر چه سخن زاید از خاطر پژمان

۱ . نسبت به نسخه‌های مطبوعه، ۲۰بیتی بیشتر می‌باشد.

انجام«خسرو و شیرین وصال»: «درین معنی کسی را گونه دعویست / یقین داند که صورت عین معنی است

چه سال چند زین گفتار بگذشت / مرا دست و دل از اینکار برگشت».

اینک بگواه قول محرم		تاریخ شدش خداپرستی= ۱۲۷۷».

نسخ۷ سطری، تاریخ کتابت: محرم ۱۲۷۹، کاتب: نامعلوم[1]، کاغذ: حنایی، ۱۵۴گ، ۱۸/۸×۱۰/۷، جلد: تیماج ضربی قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در ۶۲/۸/۴ش.

۴۲۰

فیروز و نسرین[2]

(۸۹۶۶)

مثنوی است عاشقانه و حکمی در بحر هزج مسدس مقصور، از میرزا سیّد علی شیرازی(۱۱۹۷-۱۲۶۳هـ.ق.) متخلّص به«نیاز» و مشهور به خوشنویس فرزند میرزا حسنعلی طبیب از شعرا و حکماء و اطباء و خوشنویسان سده ۱۳هجری. در سبب نظم منظومه می‌گوید:

| | |
|---|---|
| «نه پنداری مرا میل فسانه است | که از افسانه‌ام مطلب بهانه است... |
| بود اسرار عشق آن شوخ شیرین | که آید پرده‌اش فیروز و نسرین |
| چو سرّ عشق میزد از درون جوش | نمودم بروی این افسانه سرپوش |
| در آن اسرار حکمت درج کردم | نهانش همچو گوهر خرج کردم |
| که تا هر کو ز مطلب هست آگاه | زلفظش سوی معنی آورد راه». |

عناوین منظومه به شرح زیر می‌باشد:

در صفت جمال فیروز، رفتن فیروز بشکار گاه و در انجا شکار دام عشق شدن، دیدن شاهزاده فیروز، نسرین را در باغ و گرفتار گردیدن، صفت زاری نمودن نسرین در فراق فیروز، صفت بیقراری نمودن

---

۱ . در انتهای نسخه نوشته شده: «تمام شد نسخه شست و نهم... کاتب بوده است» که نام کاتب مشخص نشد.

۲ . شرح این نسخه در فهرست نسخه‌های وقفی آقای حکمت که جناب حاج آقای ولایی فهرست نموده‌اند آمده است.

فیروز در هجر نسرین، فرستادن شاه بهرام فغفور را نزد نوشاد و نامه نوشتن به او، در سبب تأخیر نظم کتاب(به علت فوت یکی از عزیزانش) خواندن نامه فیروز را نسرین، ... فوت شاه بهرام پدر فیروز، در بند کشیدن غضنفر برادرزاده نوشاد، نوشاد(پدر نسرین) را و آرزوی ازدواج یا نسرین که مثنوی ناتمام مانده است و از ۲۵۰۰ بیت مثنوی حدود ۱۳۰۰بیت در این نسخه نوشته شده است.

آغاز نسخه: «نه پنداری مرا میل فسانه است        که از افسانه‌ام مطلب بهانه است».

آغاز داستان: «بسمله، سخندان اوستاد نغمه پرواز        که تار این حکایت بست برساز».

انجام: «که شاید آیدش پیکی ز فیروز        بنومیدیش نومیدی فزاید».

شکسته نستعلیق خوش ۱۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳ق. کاتب: ناظم(نسخه مسوده مثنوی بوده و شاعر بعضی ابیات آن را اصلاح نموده است) کاغذ: فرنگی شکری آهاری، ۵۳گ، ۱۵×۱۰س.م. جلد: تیماج زرشکی، واقف: علی اصغر حکمت، تاریخ وقف: مهرماه ۱۳۴۰.

۴۲۱

قافیه(رساله در-) = منتخب مقطع تکمیل الصناعه[۱]

(۱۲۹۵۵)

رساله‌ای است در قافیه از میرعطاء الله بن محمود الحسینی نیشابوری متخلّص به«عطایی» (-۹۱۹هـ.ق.) مشتمل بر نه حرف به عدد حروف قافیه مکرّر و مذکور در جلد نهم، ص۱۷۸فهرست.

آغاز: «بسمله، سپاس بی‌قیاس صانعی را که تأسیس بدایع مصنوعات و نظم سلسله... امّا بعد این رساله ایست در علم قوافی بعرف شعرای عجم منتخب از مقطع کتاب تکمیل الصناعه».

---

۱ . دو نسخه در ج۹، صص۱۷۸-۲۵۵فهرست معرفی شده و این رساله در شناسنامه به نام«منتخب تکمیل الصناعه» و در فهارس به نام«رساله در عروض و قافیه» و«رسالة القافیه» نیز نامیده شده است.

انجام: «ردیف در لغت کسی را گویند در عقب شخصی دیگر بر مرکبی سوار شده باشد و چون حال ردیف نسبت بقافیه مشابه حال آنکس بود او را ردیف نام کردند قدتّم...».

این نسخه مذّیل است به:

رساله«بدایع الصنایع» از مؤلّف فوق الذکر که شرح مبسوط آن در ج۷، ص۲۱۶ فهرست آمده، در دهم جمادی الثانی ۹۰۴در علم بدیع و صنایع شعری و در سه صنعت و یک خاتمه تألیف شده است، و این نسخه از ابتدا افتادگی دارد و فقط صنعت دوم و سوم و خاتمه را داراست.

آغاز موجود: «سینه خاکی که درخور باشدش تیر بلا».

انجام: «تحریر نکویافته زان تاریخش	تحریر بدیع است که در وی بدست

این نسخه که در صنایع آمد نادر	چون کشت تمام و کردم او را ظاهر

پرسید ز عامیان یکی تاریخش	با وی گفتم ده جمید الاخر».

نستعلیق ۱۲و ۱۷سطری، تاریخ کتابت: رساله اول ۹۳۸هـق. دومی(بدایع الصنایع) متأخرتر می‌باشد. محلِّ کتابت: تبریز، عناوین به شنگرف، کاغذ: شکری و نخودی، ۸۴گ، ۱۸/۵×۱۲، جلد: مقوّایی، واقف: شیخ عبدالله مجتهدپور در ۱۵×۶۲/۵ش.

۴۲۲

قصه مسیحی= قصه بهشت و دوزخ

(۱۲۸۱۹)

داستانی است تمثیلی از شخصی به نام مسیحی که در زندان بسر برده و در عالم رؤیا مردن و بهشت و دوزخ را به گونه تمثیلی و سمبلیک بیان می‌دارد: «بطور موعظه و نصیحت جمیع مقامات مرگ را

مصوّر کرده و در آنها بطور معاینه مطالبی را ذکر می‌نماید... سفر مرگ را به«حج» و رفتن به بهشت را با نام رفتن به«شهر سماوی» و دنیا را به«شهر هلاکت» و روندگان را به«حاجی» و رفقای خوب را به اسم«وفادار و حق شناس» و اهل جهنم را به اسمهای زشت نام برده است.

ای عالم عجایبات وی شهر پر محن غیر از عجایبات نگویم ز تو سخن

در خاتمه می‌گوید:

«شنیدید ای ناظران کتاب نمودم بیان جمله تفصیل خواب

برای تو این خواب یا بهر خویش و یا زانکه باشد ز اهل صواب».

آغاز: «بسمله، الحمدلله... و بعد این چند کلمه و اسامی است از کتاب مشهور بمسیحی».

انجام: «بطور دگر چاره سازی کنم که آباد سازم جهان خراب».

نستعلیق تحریری ۱۴-۱۵سطری، تاریخ کتابت: جمادی الثانی ۱۳۲۲، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به سرخی، ۴۰گ، ۱۶/۲×۹/۸س.م. جلد: مقوّایی با روکش مشمع آبی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸

۴۲۳

قصیده التجائیه

(۱۶۶۶۲)

قصیده‌ای است طولانی به فارسی و عربی و ترکی در ۱۹۵بیت از ابوالحسن بن میرزا کاظم متخلّص به«صفا» از شاعران دوره قاجاریه(سده ۱۳هـ.ق.) که در واقعه جنگ ایران و روس در دوره فتحعلی

شاه آن را سروده و به چهارده معصوم(ع) توسّل جسته و از آنها یاری خواسته است. درهامش اوراق شرح و معنای اشعار عربی و ترکی و اخبار و احادیث مربوط به قصیده آمده است.

آغاز: «بسمله، الحمدلله رب العالمین... امّا بعد چنین گوید چون چندیست که فرقه کفره روسیه میل به تسخیر بلاد اسلام نموده و از سمت تفلیس...

بسمله، بسکه بر جانم جفاها شد زچرخ کج مدار    طبع را از زنده کانی حاصل آمد انزجار».

انجام: «چونکه مایوسی ز لطفت آمد آثار ضلال    یأسم از خود نیست چون هستم بسی امیدوار».

نستعلیق ۶سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین و توضیحات درهامش اوراق به شنگرف، ۳۵گ، ۱۶/۲×۱۰/۳، جلد: تیماج مشکی مستعمل، خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۶۷.

۴۲۴

قصیده عینیّه

(۱۲۴۵۹)

شامل قصیده عینیّه سیّد اسماعیل بن محمّد حمیری[۱](۱۰۵-۱۷۲هـق.) است با ترجمه منظوم آن به فارسی، در مدح حضرت علی بن ابی طالب(ع) در ۶۳بیت که همه ابیات آن ترجمه نشده است.

آغاز: «بسمله و به نستعین... لاِمّ عمرو باللَوی مَربّعٌ    طامسهٔ اعلامه(کذ) بلقعُ

هست جای‌ام عمرو اندرلوا    مانده آثار کهن از وی بجا».

انجام: «اعنی علیاً ثم اولادَهُ    هم عدد الاشهر یا سامعٌ».

---

۱ . شرح این قصیده در ج۷، صص ۶۲۴و ۶۲۷ و همچنین در همین فهرست تحت عنوان«خیرات الکوثریه من فضائل الحیدریه فی شرح قصیده الحمیریه» آمده است.

و این نسخه مذیّل است به«قصیده ملاعلی خویی» در مدح حضرت علی(ع) با این مطلع: «ها علیٌ بشر کیف بشر                    ربّه فیه تجلّی و ظهر».

و قطعاتی در توسّل به حضرت امام هشتم(ع) از نیّر با این مطلع:

«نسیم قدسی یکی گذر کن          به بارگاهی که لرزد آنجا».

و نیر به قصیده‌ای در مدح حضرت رسول(ص) از شاعری با تخلّص«دارا» در ۱۸بیت.

آغاز: «مهر درخشنده از عذار محمد                    مه بود از حسن شرمسار محمّد(ص)».

انجام: «کاش قبول افتدش چکامه دارا                    گرچه حسان نه در جوار محمّد».

نستعلیق ۷سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴هــق. کاتب: حبیب الله بن عیسی، کاغذ: حنایی، ترجمه منظوم به شنگرف، جداول اوراق به شنگرف و لاجورد و سیاهی، (۳۴+۱۰) گ(۳۴برگ از نسـخه نانوشـته است) ۱۹×۱۲/۵س.م. جلد: مقوایی، واقف: عباس فخیمی، تاریخ وقف: ۱۴مردادماه ۱۳۶۲.

۴۲۵

قصیده میلادیه حضرت امیر(ع)[۱]

(۱۲۲۲۲)

از لطفعلی بن محمّد کاظم تبریزی(۱۲۶۸-۱۳۵۰هــق.) ملقّب به صدرالافاضل و متخلّص به«دانش»[۲] قصیده‌ای است در بحر منسرح(مفتعلن فاعلات مفتعلن فع) با مقدمه‌ای به عربی در ۵۰بیت که در مدح امین السلطان، در نیمه شعبان[تولّد حضرت قائم(عج)]سروده شده است. در انتها می‌گوید:

«مدحت دانش کجا و صفّه قدسی                    کودک بیدست و پای لُجّه عمان».

---

۱ . در شناسنامه با این عنوان معرفی شده در صورتی که در نیمه شعبان تولّد امام عصر(عج) سروده شده است.

۲ . در فهرست حاضر ذیل«اُحجیه احمدیّه» از همین ناظم شرح حالش آمده است.

آغاز: «بسمله، غبَّ تشریف الصدر باعظم ما حُمِدَ به رب العالمین...

باد همایون بفرّ سایه یزدان          نیمه شعبان بصدر اعظم ایران».

انجام: «خویشتن اندرپناه سایه ایزد          شاد زیاد ایمن از مکاره دوران».

ثلث خوش ۷ و شکسته ۱۳سطری، تاریخ کتابت: ۱۴شعبان ۱۳۱۱، کاتب: ناظم(دانش)، کاغذ: حنایی، در پیشانی صفحه اول گل و برگ زریّن مذهب و منقّش، اوراق کمندکشی، جداول به زر و تحریردار و لاجورد و شنگرف، ۵گ، ۲۶/۵×۱۷/۵س.م. جلد: تیماج دارچینی، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۴۲۶

کاشف الاسرار

(۱۳۶۳۵)

شرح قصیده فخر الزّمان بدرالدّین محمّد چاپی(– ۷۴۵تا ۷۵۲ هـق.) است که توسّط غیاث الـدّین محمّد بن جلال الدّین رامپوری در سال ۱۲۵هـق. صورت پذیرفته و در لکهنو ۱۳۱۶هـق. به چاپ رسیده است.

آغاز: «بسمله، مهتاب تابی فضای جان فزای بام تقریر ببدر منیر حمد خلاق بی‌نظیر است».

انجام: «دستم ز کتاب چون فرو مانده شود          تقدیر اله بر تنم رانده شود

آنجا که دعای خیر خوانند مرا          آنجا که خطِ مشوشم خوانده شود.

الحمدلله که با وصف کمال توزّع خاطر و تشتت باطن بتاریخ شانزدهم شهر شعبان المعظم سنه یکهزار و دو صد و پنجاه و هفت از تألیفات شرح کلیّات دیوان قصاید بدر چاچ فراغت نمـودم اگـر صـاحب

تمییزان انصافمند را پسند افتد، مؤلّف را به دعای خیر یاد فرمایند و اگر احیاناً خطای ملحوظ شود بر حالت یکسر و هزار سودا داشتن مؤلّف... نظر فرموده بذیل عفو بپوشند و اصلاح فرمایند ان الله لایضیع اجر المحسنین...».

نستعلیق ۱۹سطری، تاریخ کتابت: دهم ذیقعده ۱۲۵۷، کاتب: سیّد علی، کاغذ: حنایی کرم خورده، عناوین و قوله به شنگرف، ۳۳۱گ، ۲۶/۶×۱۵/۲، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۴۲۷

کتابچه[۱]

(۱۲۹۲۵)

مجموعه‌ای است از اشعار و مطالب اخلاقی متفرقه به فارسی و عربی، بعضاً دستخط رجال علمی ادبی معاصر حسین کی استوان، که ایشان در حین مسافرت و ملاقاتهایی که از سال ۱۳۱۵تا ۱۳۶۲با آنها داشته تهیّه و جمع‌آوری نموده است. در دیباچه می‌گوید: «در طول اقامت شهرستانها بزرگان و دانشمندان و شعرا و مردان باتقوایی را ملاقات و از فیض حضورشان بهره‌مند گردیدم... بهرحال دریغم آمد که از این مجالستها برای زندگانی خود سرمشق و دستوری نگیرم».

بعضی از این افراد که در این دفتر، نوشته و اشعاری به یادگار گذاشته‌اند عبارتند از:

– محمّدجواد بن محمّد تقی متخلّص به افسر الشعراء خوانساری(غزلیّات، قصیده و مخمّس)

– کیهان(غزلیّات)

۱ . جامع نسخه عنوان«کتابچه» را انتخاب و در آغاز، بدان تصریح می‌کند.

– غزلیّاتی از حجهٔ الاسلام محمّد جواد صافی گلپایگانی متخلّص به«صافی» منقول از کتاب گنجینه گوهر و ترجمه کلمات عبر و بحر اللئالی و الدرر فی مدایح الامام الثانی عشر.

– غزلیّاتی نیز از لطف الله صافی گلپایگانی با تخلّص«لطفی» فرزند محمّدجواد صافی گلپایگانی.

– رباعیّات و غزلیّاتی از علی صافی گلپایگانی متخلّص به«صفا».

– غزلیّاتی از محسن زند وکیلی متخلصّ به«کاوه» با عناوین«ضحّاک دل»، «تاراج آذر»، «شاهد قدسی»، «خاک پا».

– غزلی از اسدالله سهیلی گلپایگانی.

آغاز: «دیباچه، شغل نگارنده این سطور یا صاحب این کتابچه مستلزم مسافرت دائمی... انسان لامحاله باید زندگانی کند».

انجام: «در نظام انفرادی و اجتماعی معاش و معاد دین و دنیا نجات یابید و السلام علی من ابتع الهدی... میرزا علی الاصفهانی».

نستعلیق تحریری مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۳۱۷-۱۳۲۱ش. کاغذ: مشقی، ۲۹گ، ۲۱/۶×۱۷س.م. جلد: مقوّایی، واقف: حسین کی استوان درآبان ماه ۱۳۴۸.

۴۲۸

کتابچه اشعار

(۱۲۳۴۳)

مجموعه‌ای است به فارسی و عربی، شامل رباعیّات، غزلیّات و مثنویّات در ۷برگ که سیّد جلال الدّین حسینی تهرانی متخلّص به«جلال» متولد ۱۳۱۷[۱]هــق. آن را در سال ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶هــق. در خراسان سروده است.

آغاز: «بسمله و به نستعین، این کتابچه مجموعه‌ایست از اشعار و ابیات و غزل و مثنویات و رباعی و قطعات که حقیر فقیر سراپا تقصیر محمّد جلال الدّین الحسینی طهرانی المسکن مدنّی الاصل سروده

من از روز ازل دیوانه بودم          زعشق روی تو ویرانه بودم».

انجام: «آن مرضهایی که برین مینهی          غیر آن باشد بر جان میدهی».

شکسته نستعلیق مختلف السطر با جوهر آبی و مشکی، تاریخ کتابت: ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶هــق. کاتب: ناظم(سیّد جلال)، کاغذ: مشقی فرنگی، ۷گ، ۲۲/۲×۱۷/۵س.م. واقف: سیّد جلال الدین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۴۲۸

کشف الارواح

(۱۶۱۳۸)

از فضل الله پیرجمالی اردستانی[۲] متخلّص به«جمالی» از عرفای مشهور سده ۹هــق.(عصر شاهرخ تیموری) و مؤسس طریقه پیر جمالیه یکی از سلسله‌های صوفیه می‌باشد.

---

۱ . در دیگر منابع سال تولد سیّد جلال را ۱۳۱۸هــق. و ۱۲۷۲ش. می‌دانند. ولی در این نسخه تاریخ تولدش را صریحاً ۱۳۱۷هــق. ذکر می‌کند.

۲ . نام وی جمال الدّین احمد بنا به نظر حاج خلیفه و جمال الدین محمّد اردستانی سیّاح می‌باشد و بنا به نظر آقابزرگ(الذریعه، ۹: ۱۶۱) تاریخ درگذشتش ۸۷۹هــق. است.

این رساله به نظم و نثر بوده و در تفسیر سوره مبارکه یوسف که«یوسف و زلیخا» و«یوسف نامه» نیز نامیده شده است. و خود ادامه تفسیر عرفانی را حوالت به کتاب«مصباح الارواح» می‌دهد، چنان که می‌گوید: «درین کتاب کشف الارواح شمه گفته شد آنچه تعلّق به اهل خرابات دارد، انشاالله در کتاب مصباح الارواح بسمع مشتاقان رسد و میخواستم که حقیقت سوره صف و سوره جمعه که ذکر آن در کتاب محبوب گذشته است در این کتاب روشن بنویسم نشد، این نیز حوالت به کتاب مصباح الارواحست».

نسخه از ابتدا افتادگی دارد.

آغاز: «جمالی یکزمان این پرده بردار      که بنیامین به بیند فاش دیدار».

انجام: «همه کامست جای باده در جام      نکنجد پس کلام اینجا و پیغام

.................................................................................................................

زین سبب این جمالی عریان      می‌دود در جهان پی خوبان».

نستعلیق ۱۲سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۰هـق. کاغذ: نباتی، بعضاً وصّالی شده، عناوین و آیات قرآنی به شنگرف، جداول اوراق به شنگرف و لاجورد، ۱۲۴گ، ۱۹×۱۱، جلد: میشن خرمایی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۳۰

کلیّات اهلی شیرازی[۱]

(۱۰۳۰۴)

۱ . یک نسخه در ج۷، ص۳۷۶ فهرست معرفی شده است.

از محمّد اهلی شیرازی(۸۵۸-۹۴۲هـق.) شامل غزلیّات و رباعیّات و قطعات در متن و مثنوی«سحر حلال»، «شمع و پروانه» و قصاید در حاشیه و بقیّه قصاید، ساقی نامه، رباعیّات گنجفه و معمیّات و«زبدة العقاید» درمتن و حاشیه است.

نسخه کامل می‌باشد.

آغاز متن(غزلیّات): «بسمله، ای حیرت صفات تو بند زبان ما».

آغاز حاشیه(سحر حلال): «حمد نامحدود و شکر نامعدود سزاوار صانعیست که بیک امر کن نسخه دو کون پرداخت».

انجام: «یا رب نگاه دار تو ایمان آن کسی      کین خط من بخواند و بر من دعا کند».

نستعلیق خوش، متن: ۱۷سطری دو ستونه، حاشیه: ۱۲سطری یک ستونه، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۰هـق. کاغذ: متن و حاشیه شده، حنایی، دارای سه سرلوح ظریف و پرکار در ابتدای غزلیّات، قصاید و رباعیّات، اوراق بعضاً تذهیب شده(نسخه نفیس است)، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف و زنگار، ۳۴۴گ، ۲۵/۳×۱۴/۵، جلد: تیماج دورویه ضربی، برون: دارای نقوش اسلیمی در زمینه زر و حاشیه قلمدانی با همان نقش، درون: دارای یک ترنج و چهار لچک، سوخت آسیب‌دیده، خریداری آستان قدس رضوی در مردادماه ۱۳۴۹.

۴۳۱

کلیّات اهلی شیرازی

(۱۵۹۲۶)

این نسخه از انتها افتادگی دارد و ترتیب و نوع نوشتن آن مانند شماره پیش می‌باشد.

آغاز متن(غزلیّات): مانند شماره پیش.

آغاز حاشیه(سحر حلال): مانند شماره پیش.

انجام موجود: «هوای کلشن کویت نسیم کشور جانها کدای خرمن مویت شمیم عنبر سارا».

نستعلیق خوش ۱۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۰هــق. کاغذ: متن و حاشیه حنایی، دارای سه سرلوح و کتیبه پرکار، تمام صفحات دارای لچکی و مربع‌های مذهّب، دو صفحه اوّل بین السطور طلا انـدازی دندان موشی محرّر و تذهیب شده، عناوین به سفیداب محرّر، جداول اوراق به زر و تحریردار و سرنج و زرنگار و لاجورد، دارای پنج مجلس تصویر مینیاتور ظریف و زیبا احتمالاً اثر خامه بهزاد، نقـاشِ مشهور(در صفحه ۲۴۶، مجلس نقّاشی ناتمام مانده) در پایین غزل«چون درد تو از دل نشود کم چـه توان کرد» ترسیم شده است، در صفحه ۳۱۰، غزل«اگر چه حسن فروشان بجلوه آمده‌اند»، در صفحه ۳۸۹، ابتدای ساقی نامه مجلس نقّاشی ناتمام مانده، در صفحه ۴۵۲، مجلس زیبایی در آغاز:

«باز که نماند بیتوام تاب حیات بیوصل توتلخست شکر خواب حیات»

در صفحه ۵۶۲،

«ای طالب کعبه که ترا میل صفاست دریاب که استطاعت پای رواست».

مجلس نقّاشی«پادشاه سوار بر فیل و دختران جلو او ایستاده‌اند و قبّه و بارگاه و انبـوه درختـان» در انتهای نسخه. (نسخه بسیار نفیس است) ۳۰۳گ، ۲۶/۲×۱۵، جلد: سوخت دو رویه، آسیب‌دیده، برون گلهایی با طرح اسلیمی در زمینه طلا و حاشیه قلمدانی، درون دارای ترنج و چهار لچکـی و حاشـیه قلمدانی ظریف و پرکار، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

کلیّات خاقانی

(۱۶۴۶۳)

مشتمل است بر مقدّمه مثنوی تحفهٔ العراقین، قصاید، غزلیّات(ناقص بوده) و قسمتی از تحفهٔ العراقین(ناقص الاول و الاخر) که در انتها ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «خیر ما اعتصم المرء بحباله          کلمهٔ العجز لقصور بآله

اما بعد این تحفه تذکره ایست...».

انجام موجود: «باز آمد آفتاب پیشم          زنهار کنان بلفظ خویشم».

نستعلیق خوش ۲۰سطری دو ستونه، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۰هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی دارای سرلوح مذهّب و منقّش فرسوده، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، ۱۴۶گ، ۲۲/۵×۱۲/۵، جلد: میشن قهوه‌ای کمرنگ، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۳۳

کلیّات ساقی خراسانی

(۱۶۳۴۸)

از حاج محمد زمان بن کلبعلی خان جلائر کلاتی متخلّص به ساقی(– ۱۲۸۶هـق.) از عرفای دوره قاجاریه که نیاکانش در کلات خراسان فرمانروایی داشته‌اند.

این نسخه شامل: قصاید به عربی در ۱۳برگ، فی المناقب سیّد المرسلین(ص)، فی الذم الدنیا، در منقبت حضرت علی(ع) قصاید فارسی، فی الحقایق، فی الواحدهٔ در منقبت امام ثامن حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، توحید حقایق و معارف، در نعت حضرت رسول(ص) در مدح مرحوم سلطانمحمّد میرزا

حاجی سیف الدّوله، در مدح حضرت علی(ع)، در منقبت حضرت بقیۀ الله(عج)، در توصیف انسان، غزلیّات، مقطعات، ترجیعات، مخمّسات و رباعیّات است.

– دوازده بند به پیروی از دوازده بند محتشم با این مطلع:

«سلطان آسمان شرف خسرو زمین          دارای دوره فلک و اسمان دین».

– مثنویات ساقی نامه، نسب نامه، با این مطلع:

«چشم دل بکشای و کوش معنوی          تا به بینی آنچه باید بشنوی».

در بیان سلسله علیّه ذهبیه و«اسماء رجالی که در افراد معروف و بمقام ارشاد موضوف‌اند»، «سدیریّه سبزواریه»

«حبّذا اسدیر و شهر سبزوار          میبرد از جان و دل صبر و قرار».

در بیان سلسله نعمۀ اللهیه، بکتاشیه مولویه، چشتیّه.

– رساله الهی نامه در سیر و سلوک به عربی و فارسی. با این مطلع:

«یا غنی الذات عن وصف الصفات          فانیاً فی ذاته کل الذوات».

– ذکر شیخ اسمعیل مشهدی ازغدی متخلّص به«وجدی» در نعت انسان و در صبر و رضا، استقامت، فقر، شکر، ادب... عشق، وحدت.

آغاز: «بسمله، تبارک ذکر الحضرۀ الاحدیۀ          تعالی عن الادراک بالصمدیۀ».

انجام: «باد باقی با بقای حق مدام          این الهی نامه دایم والسلام».

نستعلیق مخلوط با شکسته ۱۵سطری، تاریخ تحریر: ۱۳۰۱هـق. کاتب: بنابر برچسب عطف کتـاب صفوة الملک، کاغذ: حنایی آهاری، عناوین به شـنگرف، ۲۴۵گ، ۱۵/۳×۲۱/۳س.م. جلـد: تیمـاج خرمایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۳۵

کلیّات سعدی[1]

(۱۰۴۱۲)

شامل دیباچه، مجالس پنجگانه، گلستان، رساله عقل و عشق، در سؤال شمس الدّین تازیکوی، رساله در نصیحت امیرکبیر انکیانو، بوستان(سعدی نامه)، قصاید فارسی و عربی، ترجیعات، طیبات و غزلیّات، بدایع، شامیّات(با قصاید مخلوط است)، رساله نصیحت الملوک، کتـاب صـاحبیه، مفـردات، خبیثـات، مقطّعات و رباعیّات می‌باشد.

آغاز: «بسمله و به نستعین، سپاس بی عد و ستایش بی‌نهایت آفریدگاری را جل جلاله...».

انجام: «الهی بحق بنی فاطمه　　　　که بر قول و ایمان کنم خاتمه».

نستعلیق ۲۵سطری، تاریخ کتابت: صفر المظفر ۷۶۶، (با توّجه به سال فوت سعدی که ۶۹۰یا ۶۹۱ یا ۶۹۴یا ۶۹۵ است این کتاب با خصائص ویژه‌ای که دارد از نفاست و امتیاز خاصّی برخـودار اسـت) کاتب و محلّ کتابت: محمّد عبداللطیف محمّد العقاقیری، شیراز، کاغذ: نخودی، عناوین به شـنگرف و لاجورد، دارای دوسرلوح که یکی سالم‌تر است و یکی از بین رفته، جداول اوراق به زر و تحریردار و

۱ . ۴ نسخه در ج۷، صص ۶۷۶-۶۷۹ و۵نسخه در ج۹صص ۲۱۱ -۲۱۵فهرست معرفی شده است.

لاجورد، ۳۸۳گ، ۲۱×۱۴، جلد: تیماج قهوه‌ای فرسوده و وصّالی شده، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۴۳۵

کلیّات سعدی

(۱۵۹۵۷)

مشتمل است در متن: ۱. گلستان، ۲. رساله در عقل و عشق، ۳. رساله ملک شمس الدّین تازی کوی، ۴. رساله سلطان آباقا، ۵. رساله در تربیت یکی از ملوک سلطان انکیانو، ۶. قطعه‌ای در مدح، ۷. سؤال خواجه شمس الدّین صاحب دیوان، ۸. نصیحت الملوک، ۹. مضحکات و خبیثات به نظم، ۱۰. ترجیعات، قصاید، غزلیّات و طیبات، ۱۱. مجالس پنجگانه در حاشیه: ۱. بوستان، ۲. قصاید به فارسی، غزلیّات و مقطّعات و رباعیّات. (در هریک از نسخه‌ها، ترتیب رسالات و اشعار با یکدیگر فرق می‌کند.)

آغاز متن: «منّت خدایرا جلّ... که طاعتش موجب قربتست.».

آغاز حاشیه: «بنام خداوند جان آفرین».

انجام: «چند پنهان کنی آواز دهل زیر گلیم».

نستعلیق خوش، متن ۱۰سطری، حاشیه ۲۴سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۹و اوایل ۱۰هـ.ق. کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف و زر تحریردار و لاجورد، دارای سرلوح و کتیبه آسیب دیده، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، ۲۵۴گ ۱۹/۲×۱۲، جلد: روغنی، زمینه زرشکی دارای چهار ابرو در وسط ترنج با دوسرترنج، حاوی گل و برگ و یک مرغ، عطف میشن مشکی، حاشیه زمینه مشکی، پیچ و خم

اسلیمی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷(این نسخه را محمّد صالح جان در ۱۲۱۶هـق. وقف نموده است).

۴۳۶

کلیّات سعدی

(۱۵۹۲۴)

شامل مقّدمه علی بن احمد بیستون، رسالات شش گانه و... است(مانند شماره پیش فقط از نظر ترتیب کمی تفاوت دارد).

آغاز: «شکر و سپاس معبودی را جلّت قدرته که آفریننده مخلوقات عالمست...».

انجام: «نه چون کارت بجان آمد خدا از جان و دل خوانی».

نستعلیق خوش، متن: ۲۰سطری، حاشیه: ۱۶سطری، تاریخ کتابت: سوّم شهر جمادی الاولی سنه ۱۰۵۲، کاتب: محمّد مؤمن بن حاجی حسین شیرازی، کاغذ: نخودی بعضاً وصّالی شده، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد، دارای چهار سرلوح مزدوج مذّهب و مرصّع پرکار، در ابتدای دیباچه کلیّات، بوستان، قصاید فارسی و طیبات، که حاشیه دو صفحه اوّل نیز دارای تذهیب و منقّش به گل و بوته و ترنج و گل‌هایی به طرز اسلیمی است، بین السطور طلااندازی شده دندان موشی، عناوین به زر تحریردار و شنگرف و لاجورد، ۳۲۴گ، ۱۵×۲۷/۲، جلد: سوخت دورویه آسیب‌دیده و کهنه، برون: دارای ترنج و سرترنج چهارلچکی، درون نیز همین نقش با گلبرگهای طلایی، ترنج و لچکی قطّاعی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۳۷

کلیّات سعدی

(۱۲۰۸۳)

مشتمل است بر:

۱. کتاب مطایبه، دارای ۱برگ، (بقیه در بخشهای دیگر آمده است) ص۲.

۲. گلستان(از ابتدا یکبرگ افتاده است) (ص۲-۱۵۴).

۳. بوستان(از ابتدا یکبرگ ساقط شده است) (ص۱۵۵-۴۱۰).

۴. مقدمه علی بن احمد بیستون(ص ۴۱۴-۴۱۷).

۵. شش رساله(در تقریر دیباچه- در مجلس پنجگانه و...) (ص۴۱۷-۴۸۷).

۶. شرح مشکلات گلستان[1] یا«فرهنگ لغات گلستان» از جنیدبن عبدالله موسوی که در سه قسم بیان شده است. قسم اوّل: در اشعار عربی و بعضی فارسی، قسم دوم: در بیان بعضی مرکبات الفاظ ربّانی و احادیث نبوی و اقوال، قسم سوم: در لغات مفردات به ترتیب حروف تحجّی. (ص۴۹۰-۵۲۲)

۷. مثنویّات در پند و اخلاق. (ص۵۲۴-۵۴۰)

۸. کتاب مطایبه و هزلیّات به نظم(که ورق اوّل آن در ابتدای کتاب صحافی شده است). (ص۵۴۱-۵۶۰)

۹. هزلیّات و مضحکات به نثر. (ص۵۶۲-۵۷۶)

۱۰. قصاید و مراثی فارسی و ترجیعات و طیبات. (ص۵۷۸-۷۷۶)

---

۱ . رد فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۳، شارح را به نام«مولوی جنید فرزند عبدالله مولوی» معرفی کرده است.

۱۱. غزلیّات بدایع، مقطّعات، رباعیّات و فردیّات در سه بخش جداگانه آورده شده است. (ص ۷۷۸–۱۱۹۰)

آغاز: «قال الشیخ سعید رحمهٔ الله الزمنی بعض ابناء الملوک...».

انجام موجود: «اگر بریان کند بهرام گوری          نه چون پای ملخ باشد زموری

.....................................................          را آب در دهان آمد».

نستعلیق ۱۸سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۲هـ.ق. کاغذ: نباتی، عناوین به شنگرف، جداول و کمند اوراق به زر تحریر دار، دارای ۱۰ سرلوح مذهّب و مرصّع مزدوج و کتیبه با طرح قلمدانی، ۵۷۸گ، ۲۱/۱×۱۳س.م. جلد: روغنی دورویه، برون: گل و بوته منقّش، با چهار لچکی، مستعمل، درون: گل و بوته در زمینه نارنجی، با پرچمها و نقوش زریّن، تذهیب اوراق و جلد به شیوه هند، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۴۳۸

کلیّات سعدی

(۱۶۴۶۵)

شامل مقدّمه بیستون(دو صفحه اوّل آن بازنویسی شده)، مجالس پنجگانه و... .

آغاز: مانند شماره(۱۵۹۲۴).

انجام: «یکی پرسید سال فوت گفتم          زخاصان بود از آن تاریخ شد خاصّ».

نستعلیق، متن ۱۴سطری، حاشیه بطرز چلیپایی ۲۸سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۲۲هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، دارای ۹کتیبه مذهّب و منقّش از طلای پست که سیاه شده و دو

سرلوح مذهّب در ابتدای کتاب بدایع و خواتیم، بی السطور صفحات ابتدایی بخشهای مختلف طلااندازی شده، بعضاً سیاه و فرسوه شده، جداول اوراق به زر تحریردار(سیاه شده)، ۳۵۳گ، ۲۰/۶×۱۱/۷، جلد: میشن قهوه‌ای فرسوده، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷

۴۳۹

کلیّات سعدی

مانند شماره پیش، امّا در بین صفحات افتادگی دارد و«طیبات» آن تا حرف«ت» را داراست و نیمه تمام مانده است.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام موجود: «ندانستی که در پایان پیری          نه وقت پنجه کردن با جوانست».

شکسته نستعلیق، متن ۱۷سطری، حاشیه ۲۸سطری، تاریخ کتابت: دهم شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۲۵، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، ۸۸گ، ۲۵/۲×۱۵/۶، جلد: تیماج مشکی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۴۰

کلیّات سعدی

(۱۲۵۴۴)

نسخه کامل است(مقدّمه بیستون، تقریر دیباچه و...)

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «گفت ای پدر این راهم.....          مادرم زن تا سفید شود».

نستعلیق، متن ۲۰سطری، هامش ۳۶سطری، تاریخ کتابت: جمادی الاولی ۱۲۲۶، کاغذ: شکری وصّالی شده، اوراق دارای جدول و کمند به زر و تحریردار، عناوین به سرخی، ۲۴۸گ، ۲۹×۱۸، جلد: تیماج مشکی مستعمل ضربی فرسوده، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۴۴۱

کلیّات سعدی

(۱۵۹۲۳)

نسخه کامل است(مقدمه بیستون، رسالات شش گانه و...)

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «من سخن راست نوشتم اگرش راست نخوانی          جرم... نباشد چو تو شطرنج ندانی».

شکسته نستعلیق، متن ۱۲سطری، هامش ۲۴سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۳۱هـ.ق. کاتب: محمّد ابراهیم، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، دارای کمند و جداول اوراق به زر تحریردار، دارای ده سرلوح زیبای نسبةً پرکار و ۵ کتیبه مذهّب و مرصّع به زر و لاجورد و شنگرف، ۳۵۴گ، ۲۷/۴×۱۷/۵، جلد: تیماج مشکی ضربی با جدول طلایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۴۲

کلیّات سعدی

(۱۶۴۸۱)

نسخه کامل است(مقدمه بیستون، مجالس پنجگانه، ...)

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «سهلست که من در قدمت خاک شوم          ترسم که تو پای بر سر من ننهی».

نستعلیق، متن ۱۵سطری، حاشیه بطرز چلیپایی، تاریخ کتابت: از جمادی الثانی تا ذیقعده ۱۲۳۶، کاغذ: شکری، عناوین به سرخی، دارای پنج سرلوح مذهّب و منقّش بانضمام دو کتیبه قلمدانی در زمینه زر و حاشیه نیم ترنج مذهّب، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد و شنگرف، دارای کمند، ۲۹۱گ، ۳۰×۱۸/۷، جلد: تیماج ماشی، جدول کشی شده با خطوط طلایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۴۳

کلیّات سعدی

(۱۵۹۶۹)

نسخه کامل است شامل قصاید در متن و بوستان و گلستان در حاشیه و مراثی و ترجعات و غزلیّات، و... است.

آغاز متن: «شکر و سپاس منّت عزّت خدایرا          پروردگار خلق و خداوند کبریا».

آغاز حاشیه اوّل: «بنام خداوند جان آفرین».

آغاز حاشیه دوم: «منّت خدایرا عزّوجلّ...».

انجام: «آواز طبل من نمی‌آید گناه از من نیست از تست».

نستعلیق نسبةً خوش مخلوط به شکسته، متن ۱۶سطری، حاشیه دو ستونه، تاریخ کتابت: جمادی الثانی ۱۲۳۹، کاتب: قربانعلی نوری، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد و شنگرف دارای کمند به زر تحریردار، دارای دو سرلوح مذهب و مرصّع پرکار، دو صفحه

اوّل بین السطور طلااندازی شده و حواشی آن گلهایی بطرز اسلیمی مذهّب، در ابتدای غزلیّات و بدایع کتیبه مذهّب و منقّش، حواشی بعضی از صفحات تذهیب شده، ۱۸۳گ، ۳۰×۱۸/۵، جلد: روغنی دو رویه، روی جلد: گل و برگ در زمینه مرقش، داخل: زمینه لاکی خوشه انگوری زرین، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۴۴

کلیّات سعدی

(۴۳۹۲)

نسخه کامل است(مقدّمه بیستون، ... .)

آغاز: مانند شماره(۱۵۹۲۴).

انجام: «که آواز طبل مغلوبست و گناه از من نیست».

نستعلیق خوش ۲۵سطری، چهارستونه، تاریخ کتابت: جمادی الثانی ۱۲۴۲، (از روی نسخه‌ای که بـه وسیله محمّد کاظم متخلّص به واله اصفهانی نوشته و تصحیح شده، استنساخ شده و برای عمدۀ التجار حاجی میرزا محمّد تاجر شیرازی کتابت گردیده است.)

کاتب: اسماعیل بن محمّد علی الحسینی، کاغذ نباتی، عناوین به سرخی، دارای ۷سرلوح، و یک کتیبه قلمدانی مذهّب و منقّش، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد، ۲۲۲گ، ۲۷/۵×۱۷/۳، جلـد: روغنی دورویه، برون: گل و بوته و مرغ در زمینه مشکی، درون: تشعیر، گل و بوته به شیوه اسلیمی و در زمینه لاجورد، مذهّب و جلدساز: استاد ظریف تبریزیان، واقف: اشرف السلطنه در ۱۳۳۴هـق.

۴۴۵

کلیّات سعدی

(۱۶۴۸۲)

نسخه کامل است شامل گلستان، بوستان، ...(مقدمّه بیستون را فاقد است).

آغاز: «بسمله، منّت خدایرا عزّوجلّ که طاعتش موجب قربتست».

انجام: «آواز طبل من بر تیز تو غالب آید».

نستعلیق، متن ۲۰سطری، حاشیه بطرز چلیپایی، تاریخ کتابت: از جمادی الاولی تا رمضان المبارک ۱۲۴۸، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری فرنگی، عناوین به سرخی، دارای ۱۰سرلوح با کتیبه مذهّب و منقّش، دارای کمند و جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و سرخی، ۲۰۱گ، ۲۹/۲×۱۷/۵، جلد: روغنی، دورویه با گل و بوته و مرغ، آسیب‌دیده، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۴۶

کلیّات سعدی

(۴۹۱۱)

این نسخه فاقد مجالس پنجگانه و مقّدمه و مقالات ثلاثه می‌باشد.

آغاز: «بنام خداوند جان آفرین».

انجام: «گفت تو چنان... که آواز طبل من برنیاید».

شکسته نستعلیق ۲۱سطری چهارستونه، تاریخ کتابت: صفرالمظفر تا جمادی الاولی ۱۲۵۰، کاتب: عبدالحسین انجوامّیه(کذ) که برای رضا قلیخان نوشته است، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، دارای کمند

و جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، صفحه آغازین بوستان دارای سـرلوح مـزدوج مـذهّب و مرصّع با کتیبه، حاشیه آن دارای تذهیب عالی، بین السطور طلااندازی، دو صفحه آخر بوستان در چهار ستون دارای تشعیر با گل و برگهای طلایی تحریرشده، بین السطور طلا اندازی شـده، صـفحه آغـاز گلستان دارای سرلوح بسیار پرکار و مذهّب و مرصّع با حاشیه مذّهب و بین السطور طلااندازی دندان موشی؛ آغاز ملمّعات نیز دارای سرلوح مذهّب با حاشیه گل و برگ طلایی به طرز اسلیمی، بین السطور طلااندازی شده؛ ابتدای قصاید دارای سرلوح با حاشیه گل و برگ طلایی، بین السطور طلااندازی شده؛ آغاز غزلیّات، مزیّن به یک سرلوح پرکار و حاشیه مذهّب ظریف، بین السطور دو صفحه آخـر دارای تذهیب و گل و برگ در چهار ستون؛ دو صفحه آغاز بدایع دارای سرلوح و حاشیه مذهّب، بین السطور طلااندازی شده، آغاز مثنویّات و رباعیّات و فردیّات نیز دارای سرلوح با حاشیه مذهّب، بین السطور دو صفحه آخر نیز دارای تذهیب، صفحه آغاز مضحکات مزیّن به یک سرلوح مذهّب و مرصّع، ۲۱۷گ، ۲۹×۱۹، جلد: روغنی دو رویه، برون: دارای ترنج و لچکی و حاشیه با تذهیب عالی، وسـط تـرنج تصویر شاهزاده قاجاریه در دو حالت، درون: زمینه قرمز در وسط ترنجِ شانزده وجه، تصویر شاهزاده قاجاریه در دو حالت، واقف: میرزا رضا خان نائینی درمردادماه ۱۳۱۱.

۴۴۷

کلیّات سعدی

(۱۲۶۷۲)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد(از باب دوم«در احسان» بوستان شروع به هزلیّات به نثر ختم می-

شود).

آغاز موجود: «چون بهمن بزابلستان خواست شد          چپ آوازه انداخت از راست شد».

انجام: «... و پاره صابون بدست آورد و بحمام».

نستعلیق، متن ۱۵سطری، هامش ۳۲سطری، تاریخ کتابت: جمعه دهم ذیقعده ۱۲۵۵، کاتب: خلیل بن محمّد آشتیانی، کاغذ: شکری، ۱۷۴گ، ۲۰/۸×۱۳/۲، جلد: مقوایی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۴۴۸

کلیّات سعدی

(۱۶۳۶۸)

نسخه کامل است شامل مجالس پنجگانه، .... .... رباعیّات. (فاقد مقدمّه بیستون است)

آغاز: «بسمله، الحمدالله الذی خلق الوجود من العدم».

انجام: «تو با روز و شب در باغ انسی          خلافت اینکه طول العهد...

فیاذی الجلال اغفر لکاتبه».

نستعلیق، در متن ۲۳سطری و حاشیه ۴۰سطری بطرز موّرب، تاریخ کتابت: ۱۲۶۵ تـا ۱۲۶۶هــق. کاتب: نظر علی بن تقی صدرآبادی، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، دارای یـک سـرلوح کـم کـار مفضض، جداول اوراق به نقره تحریردار و لاجورد و شنگرف، ۲۳۳گ، ۲۳×۱۶/۵، جلد: تیماج ماشی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۴۸

کلیّات سعدی[1]

(۱۶۳۸۷)

نسخه کامل است شامل مقدّمه بیستون، مجالس پنجگانه... خبیثیّات.

آغاز: مانند شماره(۱۵۹۲۴).

انجام: مانند شماره(۴۳۹۲).

نستعلیق خوش ۲۲سطری، تاریخ کتاب: سده ۱۳هـق. کاتب: محمّدحسن بن محمّدرضا، کاغذ: حنایی کمرنگ، عناوین به سرخی و شنگرف، دارای کمند و جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، دارای ۷سرلوح مزدوج مذهّب و مرصّع با کتیبه قلمدانی، حواشی دو صفحه اوّل کتاب دارای گل و برگ بطرز اسلیمی مذهّب، بین السطور طلااندازی شده، ۲۴۷گ، ۲۷/۵×۱۸/۵، جلد: تیماج ضربی دورویه، برون: دارای ترنج و دوسرترنج و گل و برگ و مرغ، درون: تیماج قهوه‌ای جدول کشی شده با خطوط طلایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۵۰

کلیّات سعدی

(۱۶۲۴۴)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد. (مقدّمه بیستون و چند صفحه از مجالس پنجگانه از ابتدا و دو ورق از انتها حذف شده و افتاده است).

---

۱ . این نسخه همانند نسخه شماره ۴۳۹۲ از روی نسخه تصحیح شده محمّد کاظم متخلّص به واله اصفهانی استنساخ گردیده است. چنان که در انتهای«رساله نصیحة الملوک» کاتب گفته است: «مثل علمای ضعیف النفس دارالسلطنه اصفهان درین عهد که عهد کاتب کتاب محمّد کاظم متخلّص به واله اصفهانیست».

آغاز: «بسمله و به نستعین، جوانمرد اگر مؤمنی طاعت پیشه دار که بهشت خرّم بوستانی است».

انجام موجود: «ز چشم مست تو امید خواب می‌بینم          تو خوش بخفت که ما را امید خفتن نیست».

نستعلیق، متن ۱۹سطری، حاشیه ۳۰سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهار مهره، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به لاجورد، ۲۸۱گ، ۱۷/۵×۲۹/۳، جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۵۱

کلیّات سلمان ساوجی[۱]

(۱۵۹۲۹)

از جمال الدّین سلمان بن علاء الدّین محمّد ساوجی متخلّص به «سلمان» (۷۰۹-۷۶۹هـ.ق.) است. این نسخه شامل غزلیّات، رباعیّات، مثنوی «خورشید و جمشید» و «فراق نامه» می‌باشد.

آغاز: «اگر حسن تو بگشاید نقاب از چهره دعوی را          بگل رضوان براندازد در فردوس اعلی را».

انجام: «فلک با خیال رخش صحبتی          شب و روز میداشت در خلوتی

شکرلله که این خجسته کلام          ختم شد والسلام و الاکرام».

نستعلیق خوش ۱۵سطری، تاریخ کتابت: ذی الحجه سنه ۹۷۹تا جمعه ۴ربیع الاخر ۹۸۱، کاتب: عبدالوهاب بن الله داد قریشی، کاغذ: حنایی وصّالی و متن حاشیه شده و کرم خورده، دارای سه

---

۱ . چهار نسخه در ج۷، صص ۶۷۹-۶۸۳، فهرست معرفی شده است.

سرلوح مزدوج کوچک نفیس مذهّب و منقّش، جداول اوراق به زر تحریـردار و لاجـورد و زنگـار، ۲۵۵گ، ۲۳/۷×۱۳/۴، جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۵۲

کلیّات عبید زاکانی

(۱۶۴۱۲)

از خواجه نظام الدّین(مجد الدّین) عبدالله زاکانی قزوینی متخلّص به«عبید» (-۷۷۱یا ۷۷۲هـ.ق.)، نسخه شامل قصاید، غزلیّات، ترکیب‌بند، رباعیّات، مثنوی«عشاق نامه» (در بحر هزج که وصف حـال خـودِ شاعر و عشقی جانسوز که در روزگار جوانی داشته است)، کتـاب هزلیّـات، ترجیـع‌بنـد، مثنویّـات و رباعیّات می‌باشد.

و رساله‌های منثور شامل:

۱. اخلاق الاشراف: که بیان مفاسد و مقابح اخلاق و اوصاف رجال روزگارش می‌باشد.

۲. رساله ده فصل: هر فصل؛ معانی لغات و اصطلاحات را به طریق مطایبه توضیح داده است.

۳. رساله صد پند: متضمن صد پند است که به همان شیوه معروف خود، انتقادات خویش را در پرده طعنه‌ها بیان می‌کند و معایب و مفاسد هم عصران خود را به کنایه و اشاره مورد عیبجویی قرار می‌دهد.

۴. رساله ریش: رساله بسیار لطیف و خوش مضمونی است به نظم و نثر درباره ریش و منافع و مضار آن و در حقیقت ذّمی است از غلامبارگی و عوامل این مفسده نفرت انگیز که در عهد نویسـنده رواج بسیار داشت.

۵. رساله دلگشا: که دراصل دارای دو قسمت بوده به عربی و فارسی، که قسمت عربی ان حذف گردیده و شامل حکایات کوتاهی است که عبید در آنها شروخ طبعی و بذله گویی ادیبانه خود را با بعضی نکات انتقادی همراه کرده است.

آغاز: «بسمله، ای زآفتاب صنع تو یکذرّه کاینات فیض تو عقل را ممدّ و روح را حیات».

انجام: «مولانا گفت نیم خورده شیخ از دیگری بطلبید که من تمام خورده شیخ دارم. و این مختصر برین لفظ تمام شد و استغفرالله و تعالی».

این نسخه مذیّل است به:

قسمتی از«دیوان مولانا کاتبی نیشابوری(ترشیرزی) (-۸۳۹هـق.) شامل حدود ۱۰ قصیده در نعت سیّد کاینات علیه افضل الصلوة، مدح بایسقر میرزا و غیره می‌باشد.

آغاز: «سپاس و حمد ترا زیبد ای محقق حق که ماند ترا مطلقاً مقید و مطلق».

انجام: «آنوقت وزان طور کهن قطعاً نمی‌گوید سخن کشت آنحصار از بیخ و بن بی‌جنگ و یغما ریخته».

و همچنین در ابتدا و اواسط و انتها، عرض حالی در حدود یک صفحه از کاتب نسخه«حسین بن قاسم تفرشی» و قصیده‌ای در انتها از کاتب ذکر شده که در آن نام شخصی را که نسخه برایش نوشته یادآوری کرده و در ابتدای کلیّات عبید و ابتدای دیوان کاتبی شرح مختصری از زندگی آنها را آورده است.

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: از جمادی الاولی تا ذیحجهٔ الحرام ۱۳۱۳، کاتب: حسین بن قاسم تفرشی، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به سرخی، ۱۲۳گ، ۲۱/۲×۱۶/۵، جلد: تیماج عنّابی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۵۳

کلیّات عراقی

(۱۵۹۶۰)

از شیخ فخرالدّین ابراهیم بن بزرجمهر همدانی فراهانی معروف به«عراقی» (۶۱۰-۶۸۸هـ.ق.)، شامل مقدّمه قدیمی به نثر(که نویسنده آن ناشناخته مانده) در ۱۲برگ، قصاید(به ترتیب حروف تهجّی نیست) ترجیعات، ترکیبات، غزلیّات، رباعیّات، مثنوی عشاق نامه(ده نامه) که با غزلیّات توأم می‌باشد. در انتها لمعات به نثر ضمیمه می‌باشد. (در بیان مراتب عشق و به شیوه سوانح العشاق احمد غزالی).

آغاز مقدّمه: «حمدبیحد و مدح بیعد حضرت احدی و جناب صمدی را که بیک اشارت کن».

انجام مقدمه: «وفات او در هشتم ذی القعده سنه ثمان و ثمانین و ستمائه بود تم بالخیر».

آغاز اشعار: «راه باریکست و شب تاریک و مرکب لنک و پیر».

انجام: «به زان نبود که گر خضر و الیاسی  کس نشناسد ترا تو کس نشناسی».

آغاز مثنوی عشاق نامه یا ده نامه:

«هر که جان دارد و روان دارد  واجبست آنکه دردجان دارد».

انجام: «گرچه داری چو من هزار هزار  ختم گشت این سخن برین گفتار».

آغاز لمعات: «الحمدلله الذی نور وجه حبیبه بتجلیات الجمال...

گفتا بصورت ار چه اولاد آدمم از روی مرتبت بهمه حال برترم».

انجام: «دست و پایی بزن و باجان بلب رسد خطاب کن کی بود ما زما جدا مانده».

نستعلیق خوش ۱۹سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۱هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی آهاری بعضاً متن و حاشیه و وصّالی شده، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر و تحریـردار، ۱۷۳گ، ۱۷×۹س.م. جلد: میشن ضربی جدول دار و دارای ترنج و سرترنج طلایی، داخل جلد: تیماج زرشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۵۴

کلیّات عرفی[۱]

(۱۶۲۷۸)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

شامل قصاید، غزلیّات، ترکیب‌بند، رباعیّات و مثنـوی«مجمـع الابکـار» در جـواب مخـزن الاسـرار، مثنوی«خسرو و شیرین(شیرین و فرهاد)»، رساله نفسیه با چند نامه که کامل‌تر از چاپی آن بنظر می-رسد.

آغاز موجود: «هر کجا تأثیر غم را داده اذن عموم شادی راحت فشانرا ناتوان انداخته».

انجام موجود: «این بار بر دلم بغایت کزان می‌کند والا بار جراحت...».

---

۱ . در شناسنامه تحت عنوان«دیوان عرفی» معرفی شده است.

نستعلیق ۲۱سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۰هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، بعضاً رطوبت رسیده، عناوین به شنگرف، ۱۹۲گ، ۲۱/۸×۱۱/۵س.م. جلد: تیماج مشکی ضربی مستعمل و فرسوده، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۵۵

کلیّات عرفی

(۱۶۳۵۳)

نسخه فاقد«رساله نفسیه» است و قصاید، غزلیّات، رباعیّات، مثنوی مجمع الابکار و شیرین فرهاد را داراست. در حاشیه اکثر اوراق با خطی مغایر و جدیدتر از متن، اشعاری از جامی، امیرخسرو، محمّد علی بیک نقّاش، قدرتی، حافظ، سعدی، میرزا طوفان، میرزا ابوالقاسم هجری، رفیق، عاشق، هلالی، صباحی، وجود دارد.

آغاز: «اقبال کرم میکزد ارباب همم را».

انجام: «اگر من خون بریزم عشق ریزد».

نستعلیق، متن ۱۲سطری، حاشیه بطرز چلیپایی، تاریخ کتابت متن: اواخر سده ۱۱ و اوایل سده ۱۲هـق. تاریخ کتابت حاشیه: ۱۲شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۰۵، کاتب متن: نامعلوم، کاتب حاشیه: ظ. محمّد حسینی، کاغذ: الوان بعضاً منقّش، عناوین به شنگرف، دارای دو سرلوح مذهّب و منقّش ساده کم کار و سه کتیبه بازو بندی مذهّب، اوراق دارای کمند، جداول به زر و تحریردار و شنگرف، ۳۱۷گ، ۱۹/۱×۱۱/۸، جلد: میشن دارچینی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۵۶

کلیّات عرفی

(۱۶۲۷۹)

مشتمل است بر قصاید، غزلیّات، ترجیعات، مقطعات، مثنوی مجمع الابکار که کامل نبوده و گزیده‌ای از آن می‌باشد.

آغاز: «بسمله، ای متاع درد در بازار جان انداخته    گوهر هر سود در جیب زیان انداخته».

انجام: «بس که بود مست تماشای دوست    آنچه بیادش نبود یاد اوست».

نستعلیق ۱۵سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: فرنگی شکری، ۱۲۲گ، ۲۲/۲×۱۴/۵س.م. جلد: میشن خرمایی روشن، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۵۷

کلیّات فضولی بغدادی

(۱۵۹۴۵)

(فارسی و ترکی)

از محمّد بن سلیمان بغدادی(- ۹۶۳هـ.ق.) متخلّص به«فضولی» از بنیانگذاران ادب منظوم ترکی آذربایجانی است. دیوان وی به چاپ رسیده، این نسخه شامل مقدمه، غزلیّات، قصاید، رباعیّات، ساقی نامه به فارسی، و همچنین مثنوی«لیلی و مجنون»، قصاید، رباعیّات و مثنویّات به ترکی می‌باشد. که عبارتند از:

۱. مثنوی«لیلی و مجنون» به ترکی.

آغاز: «بسمله و به نستعین، ای نشاء حسینی عشقه تاثیر قلن».

انجام: «اول قبره زیارت اولدی قانون».

۲. مقدمّه«لیلی و مجنون» به نظم و نثر در سه برگ به ترکی.

آغاز: «بسمله، حمدبیحد اول متکلم سحر آفرینه که سفینه امید».

۳. قصاید به ترکی.

آغاز: «بسمله، قدانار العشق للعشاق منهاج الهدی».

۴. مثنوی«بنگ و می» در حدود ۴۰۰ بیت به ترکی.

آغاز: «ای ویرن بزم کایناته نسق».

انجام: «شرح کیفیت صفاتک ایدم».

۵. قصاید به فارسی و ترکی.

آغاز: «مائیم ودرد پرور دنیای بیوفا ما دردکرده خو شده مستغنی از دوا».

نسخه مذیّل است به:

«حدیقهٔ السعداء» ترجمه روضهٔ الشهدای ملاحسین کاشفی به زبان ترکی.

از انتها افتادگی دارد.

آغاز: «بسمله، لوح سر مصحف حیّ قدیم، رب اشرح لی صدری و یسرلی...».

انجام: «یعنی کهف الفقرا و صدرالامراء معز الدوله و القمر و العلا محمّد پادشا...».

(ص ۳۳۰-۶۳۰)

نستعلیق خوب ۲۰سطری، تاریخ کتابت: ۱۱۴۴هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی آهاری، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد، ۳۱۵گ، ۳۰×۱۷/۵س.م. جلد: تیماج خرمایی ضربی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۵۸

کلیّات گوهری

(۱۶۷۹۲)

مجموعه‌ای است از اشعار شاعر سده ۱۳هـق. حسین حسینی متخلّص بـه«گـوهری» کـه در سـال ۱۲۹۰هـق. به شرح زیر سروده است:

۱. مصائب الفاطمیه، مثنوی است در چهارده شراره در مصیبت حضرت صدیقه طاهره فاطمـهٔ الزهـرا علیها السلام.

آغاز: «نظم شد از هر کتابی چون دُرَر　　　این مصائب الفاطمیه سربسر».

انجام: «سال نظمش کرکسی جویا شد　　　یکهزار و دو صد آمد با نود».

(ص۱–۷۰)

۲. ارتحال الزینبیه، مثنوی دیگری در ۳۰۴بیت که برای ملا رمضانعلی نوشته شده است.

آغاز: «باز خواهم عالمی را شب کنم　　　سرگذشت رحلت زینب کنم».

انجام: «چار و سیصد فرد تا اتمام شد　　　ارتحال الزینبیه نام شد».

(ص۷۱–۱۰۲)

۳. مثنویات در مصائب

آغاز: «در پیروی کردن شریعت غرا و بیوفایی این عاریت سرا و گریز بامیدوار بودن ولایت اولیا و بکاء سیدالشهداء، مناسب تعزیه خوانها.

دریغا که مستی نه هوشت بود چون تکلیف باری بدوشت بود».

انجام: «اگر گوهری غرق بحر گناست شفیعش حسین و کلام خداست».

(ص۱۰۳-۱۱۸)

۴. مخّمس موسوم به«احسن الالقاب» در چهل و چهاربند، در تتبع از وفایی شوشتری در مدح حضرت علی علیه‌السلام.

آغاز: «فتاده شور حیدرم ز عشق تازه بر سرا زبحر دل برآورم برای دوست گوهرا».

انجام موجود: «قلم بشرح این علم مده تراش گوهری که صاحب عزای او بود خداش گوهری».

(ص۱۱۹-۱۲۷)[1]

۵. مثنویات در شهادت حضرت مسلم(ع)، کربلا تمنا و زیارت، زبان حال بی‌بی سکینه، مدح ولی اعظم خدا.

آغاز: «مجلسی بنوشته بود اندر جلا قتل مسلم را بدینسان از هدی».

انجام: «مرغ طبعم بر سر خوان مدیحت گرسرود عار، کی آید کریمانرا ز آواز مگس».

(ص۱۳۳-۱۴۴)

۶. ترکیب بند در مدح حضرت علی(ع) در ۱۲بند،

---

۱ . از صفحه ۱۲۸-۱۳۲نانویس می‌باشد.

آغاز: «ای انکه صراط مستقیمی هر چند که حادثی قدیمی».

انجام: «بگذر ز طفیل این ده و چار از جرم همه گناه کاران».

(ص۱۴۵-۱۵۶)

۷. دیباچه مسمی به«جامع المصایب».

آغاز: «از واقعه شاه شهیدان چه بگویم بحریست که او راست نه پایان چه بگویم».

انجام: «امتانرا همه بر خون علی اصغر بخش گوهری را بجوانی علی اکبر بخش».

(ص۱۵۷-۱۶۴)

نستعلیق ۱۰-۱۲سطری بطرز چلیپایی، تاریخ کتابت: ۱۲۹۵هـق. کاتب: محمّد ابراهیم شعرباف(برای شخصی به نام رمضانعلی نوشته شده است) کاغذ: نباتی، عناوین به شنگرف، ۸۰گ، ۲۳×۱۲، جلد: میشن، خریداری آستان قدس در بهمن ماه ۱۳۶۷.

۴۵۹

کلیّات محتشم[۱]

(۱۵۶۰۵)

از کمال الدّین بن میر احمد محتشم کاشانی(-۹۹۶هـق.) که میرتقی الدّین محمّد حسینی کاشانی صاحب تذکرهٔ خلاصهٔ الاشعار بنابر وصیّت، مجموعه آثار استادش را در پنج کتاب شعر و دو کتاب امیخته از پیوسته و پراکنده فراهم آورد(۱. صبائیه، ۲. شبابیه، ۳. شیبیه، ۴. جلالیه، ۵. نقل عشاق، ۶. ضروریات، ۷. معمیّات) و چندین بار به چاپ رسیده است.

۱ . سه نسخه در ج۷، صص۵۰۲-۵۰۴فهرست معرفی شده است.

این نسخه شامل غزلیّات، رساله جلالیه، رساله نقل عشاق، قصاید، ترکیب بندها(مرائی و مناقب)، قطعات است.

آغاز نسخه: «بسمله، ای کوهر نام تو تاح سر دیوانهاذکر تو بصد عنوان آرایش عنوانها».

انجام: «کر چه زان نار سوختم لیکن زان کناه نکرده کشتم پاک».

در انتها منظومه‌ای در«شرح صورت اشکال رمل» ضمیمه می‌باشد که احتمالاً فردی به نام«معین» آن را سروده است و عناوین آن عبارت از:

«قبض الداخل، قبض الخارج، صفت جماعت، صورت فرح، صورت غفله؛ صفت انکیس، صورت حمره، صورت بیاض... صفت بیوتات» که ناتمام مانده است.

آغاز: «بسمله، بس مبارک بود چو فرّ همای اوّل کارها به نام خدای».

انجام موجود: «هرچه خواهی درین دبیرستان یادکیرد بکوی ما خلقان».

نستعلیق ۱۱و۱۲سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۱هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی کمرنگ، عناوین به سیاهی وسفیداب، دارای سه سرلوح مزدوج مرصّع و مذهّب و یک کتیبه در دو گوشه پایین صفحات، انتهای رساله‌ها دارای تشعیر، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد، ۳۵۳گ، ۱۵/۵×۲۳/۳، جلد: روغنی دورویه، روی جلد: گل و بوته، داخل در زمینه قرمز گل و برگ زرّین مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در آبان ماه ۱۳۶۶

۴۶۰

گرازییلا(سوز و گداز عشق)

(۱۶۰۴۶)

از آلفونس لامارتین(۱۷۹۰-۱۸۶۹م.) داستان، شرح ماجرای عاشقانه نویسنده با گرازییلا، دختری زیبا در سرزمین ناپل می‌باشد که با عزیمت به فرانسه از او دور می‌ماند و گرازییلا دور از وی جان مـی-سپارد.

این نسخه دستنوشته مترجم می‌باشد که مرتّب نبوده و جرح و تعدیل شده است و مترجم آن با بررسی و مقایسه ترجمه‌های موجود بدست نیامد.[1]

آغاز: «فصل اوّل، در سن هیجده سالگی پدر و مادرم مرا سپردند به یکی از خویشان».

انجام: «میکو شد ازمعاودت حرف میزند و بدریا که عشقی او را خواهد برد اشاره می‌کند».

نستعلیق و شکسته تحریری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۴هـق. کاتب: مترجم، کاغذ: مشقی خط دار، عناوین به سیاهی، ۴۴گ، ۲۶×۱۹/۵، جلد: مقوّایی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۶۱

گلستان[2]

(۱۶۳۰۷)

اثر معروف ابومحمّد مشرف الدّین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی(۶۰۶-۶۹۰هـق.) که بارها چاپ و ترجمه و شرحهای زیادی برآن نوشته شده است.

---

۱ . در سال ۱۳۱۷، انتشارات شرکت کانون کتاب با ترجمه«محمد علی عظیمی» و در ۱۳۴۰ انتشارات عطایی با ترجمـه«عنایـت الله شـکیباپور» چاپ کرده است.

۲ . سه نسخه در ج۷، ص۶۹۰و۴ نسخه در ج۹، صص۲۲۴-۲۲۶فهرست معرفی شده است.

نسخه کامل نیست. از ابتدا بعد از چهار سطر، یک برگ و از انتها دو برگ افتاده و بعد از مقدّمـه تـا اواخر باب ششم در ضعف و پیری نیز افتاده است، و با مقایسه نسخه‌های مطبوع اندکی تفاوت دیـده می‌شود.

آغاز: «بسمله، منّت خدایرا عزّوجلّ که طاعتش...».

انجام موجود: «چه آنجا سلامت برکنار است و اینجا حلاوت در میان».

نستعلیق خوش ۱۳سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۰هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریردار، دارای یک سرلوح مزدوج فرسوده، ۳۱گ، ۲۰/۷×۱۲س.م.

جلد: تیماج اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۶۲

گلستان

(۱۲۰۱۴)

نسخه‌ای است کامل با شرح و توضیحات لغات از میر و عبدالرسول و شیخ رشیدی و کاتب نســخه، معانی لغات در حاشیه صفحات از«منتخب لغات»، «صحاح جوهری»، «مجمع الفرس» و«جهانگیری» نقل شده است و چنانچه در انتهای نسخه مرقوم شده، نسخه حاضر از روی نسخه‌ای که با هشتاد نسخه دیگر مقابله شده، استنساخ گردیده است.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «بر رسولان پیام باشد و بس».

نستعلیق ۱۵سطری، با حواشی به طرز چلیپایی(یکبرگ ان نونویسی شده است). تاریخ کتابت: جمادی الاخر ۱۱۶۹، کاتب: محمّد صلاح جعفری باسطی، کاغـذ: نخـودی، عنـاوین بـه شـنگرف، ۱۱۸گ، ۲۲/۳×۱۴، جلد: تیماج دارچینی، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی(از کتب مرحوم میرزا اسدالله خـان منجم باشی دو دانگه متوفی ۱۳۳۸هـق. که به واقف منتقل شده است.) تاریخ وقف: مردادماه ۱۳۶۱.

۴۶۳

گلستان

(۱۳۲۳۴)

نسخه کامل است با توضیحات لغات و جملات به ترکی.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «کرمش عیبها فرو پوشد انجام کتاب تمام شد کتاب گلستان».

نستعلیق ۱۵سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: الوان کرم خورده شدید، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر و تحریـردار، ۱۲۴گ، ۱۹×۱۱/۵، جلـد: میشـن ضـربی اسـقاطی، خریداری آستان قدس در آبان ماه۱۳۶۲.

۴۶۴

گلستان

(۱۶۳۳۳)

نسخه کامل است.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: مانند شماره(۱۲۰۱۴).

نستعلیق خوش جلی، ۹سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۳۱هـق. کاتب: ظ. اسدبن الحسین ایروانی[1]، کاغذ: نخودی، عناوین به زر و لاجورد و سرخی، کمند و جداول اوراق به لاجورد و سرخی، دارای سرلوح مزدوج مذهّب و منقّش، دو صفحه اوّل بین السطور طلا اندازی و جدول آن به زر، ۱۵۶گ، ۳۰×۲۰، جلد: تیماج ضربی دارچینی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۶۵

گلستان

(۱۲۶۲۸)

نسخه کامل و شامل ترجمه به ترکی است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق ۱۴سطری، تاریخ کتاب: محرم الحرام ۱۲۳۳، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهار مهره، عناوین و آیات و اشعار عربی و ترجمه ترکی بعضاً به سرخی، ۸۱گ، ۲۱×۱۵، جلد: تیماج خرمایی مستعمل، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۴۶۶

گلستان

(۱۴۲۰۶)

نسخه کامل است.

---

۱ . رطوبت رسیده و محو شده است.

آغاز و انجام: مانند پیش.

مذیّل است به: «بوستان سعدی» با شرح مختصر معانی لغات.

آغاز: بسمله، بنام خداوند جان آفرین».

انجام: «خدایا زعفوم مکن نا امید».

نوع خط گلستان: نستعلیق نسبةً خوش ۱۴سطری، بوستان: ۱۵سطری و حواشی بطرز چلیپایی، تاریخ کتابت گلستان: ذی قعده ۱۲۴۰، بوستان: شوّال ۱۳۴۱، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، صفحات ابتدایی وصّالی شده، عناوین به شنگرف، ۱۴۴گ، ۲۰/۸×۱۴/۳، جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، واقف:سیّد محمّدباقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۴۶۷

گلستان

(۱۶۲۲۳)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق جلی ممتاز ۱۲سطری، تاریخ کتابت: ربیع الثانی ۱۲۵۵، کاتب: نامعلوم، کاغذ: فیروزه‌ای بعضاً وصّالی شده، عناوین به زر و سرخی، تمام صفحات بین السطور طلااندازی شده و دارای ترنج به رنگهای گوناگون و نیز دارای کمند به زر و تحریردار، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، دارای یک سرلوح مزدوج مذهّب و مرصّع، حاشیه دو صفحه اول تذهیب شده، دو صفحه قبل از آغاز نسخه

دارای دو ترنج و سرترنج، ۱۷۲گ، ۳۴/۵×۲۰/۲، جلد: تیماج ضربی عنّابی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه۱۳۶۷.

۴۶۸

گلستان

(۱۰۴۳۸)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

شکسته نستعلیق خوش، متن: ۱۵سطری، حاشیه: ۲۸سطری، تاریخ کتابت: جمادی الاولی ۱۲۷۸، کاتب: هادی بن محمّد رضا، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، دارای سرلوح مزدوج مذهّب و مرصّع، نسبةً پرکار، بین السطورِ دوصفحه اول طلااندازی و حاشیه ان تذهیب شده، ۳۶گ، ۲۱/۶×۱۳/۳، جلد: روغنی دورو، روی جلد: گل و بوته با ترنج و دو سرترنج در زمینه مرقش یشمی و جدول بندی، داخل جلد: جدول بندی به زر و خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۴۶۹

گلستان

(۱۶۳۵۸)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

مذیّل است به«منشات» میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی(۱۱۹۳-۱۲۵۱هـق.) به شرح زیر: نامه قائم مقام به میرزا ابوالقاسم همدانی، نامه میرزا تقی علی آبادی به قائم مقام و غیره.

آغاز: «تصدقت گردم درینوقف که محمّد بیک روانه بود لازم آمد».

انجام: «فاضل آب میرفته است تفصیل را مشروحا عریضه نماید تا حکم آن بشود».

در خاتمه در یک صفحه جواب«امیر نظام گروسی» مورّخ جمادی الاولی ۱۳۳۰و یک صفحه اشعار متفرّقه ضمیمه می‌باشد.

شکسته نستعلیق خوش ۹و۱۲سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۹۳تا صفر المظفر۱۲۹۴، کاتب: احتمالاً محمّد حسین بن عبدالغنی، کاغذ: نخودی و آبی، ۱۹۷گ، ۱۷/۴×۱۱، جلد: مقوّایی با عطف و گوشه تیماج مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۷۰

گلستان

(۱۶۱۸۱)

نسخه کامل است.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: تا طبع ملول ایشان از دولت قبول محروم نماناد...».

مذیّل است به:

مثنوی«فرهاد وشیرین» وحشی بافقی(۶برگ از انتهای آن افتاده است) و شرح آن در این فهرست گذشت.

آغاز: «الهی سینه‌ای ده آتش افروز».

انجام موجود: «بگفت این کار ممکن نیست بی‌گنج».

شکسته نستعلیق ممتاز، گلستان ۱۵ و فرهاد و شیرین ۱۴سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی و شکری آهاری، مثنوی فرهاد و شیرین جدول بندی به زر و تحریردار و لاجورد، ۶۲گ، ۹/۹×۱۵/۷، جلد: تیماج دارچینی جدول بندی شده، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷

۴۷۱

گلستان

(۱۲۱۹۷)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق ممتاز ۱۰سطری، آیات و احادیث و امثال به نسخ، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به سرخی، جداول اوراق به زر، ۱۲۰گ، ۲۱×۱۳، واقف: سیّدجلال الدّین تهرانی، در مرداد ماه ۱۳۶۱.

۴۷۲

گلستان

(۱۶۲۷۲)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق ۱۱سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: فستقی و آبی، عناوین به سرخی، ۱۷۰گ، ۲۰/۱×۱۲/۳، جلد: میشن حنایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۷۳

گلستان

(۱۵۹۹۱)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

آغاز موجود: «الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس ملک را رحمت آمد».

انجام موجود: «رای روشن ارباب فضل پوشیده نماند که موعظهای».

نستعلیق خوش۱۰سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: متن و حاشیه شده، متن: حنایی، حاشیه: فستقی، عناوین به لاجورد و زرتحریردار، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و سُرنج، صفحات دارای کمند به لاجورد، صفحه آغاز دارای سرلوح مزدوج منقّش و مذهّب، ۱۸۳گ، ۲۱×۱۳/۳س.م. جلد: دورویه، برون: ساغری مشکی ضربی با ترنج و سرترنج طلایی و نقشِ گل و برگ، درون: میشن خرمایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۷۴

گلستان

(۱۶۰۶۷)

نسخه کامل نیست(از ابتدا و انتها حدود دو سوم کتاب افتاده است.)

آغاز موجود: «طلب کند چیزی، بده و گرنه ستمگر بزور بستاند».

انجام موجود: «کفت خود زینت را راستی تمام است، بیت».

نسخ۱۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: آبی، عناوین بـه شـنگرف، ۵۲گ، ۲۱×۱۴/۵س.م. جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۷۵

گلستان

(۱۵۶۵۷)

نسخه کامل نیست(از ابتدا یک دوم و از انتها یک سوم افتادگی دارد.)

آغاز موجود: «دیدنش صورت نه بندد وجود پارسایانرا شکیبی».

انجام موجود: «تنهایی بدیدار او منصرف کرداند شبی چند در صحبت او».

نسخ ۱۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: آبی، عناوین به شـنگرف، ۳۰گ، ۱۶/۷×۱۰/۵، جلد: ندارد، واقف: آقا محمّد مطهر در دیماه ۱۳۶۶.

۴۷۶

گلستان

(۱۶۲۷۵)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش(۱۲۱۰۴).

نستعلیق خوش ۹سطری، تاریخ کتابت: جمادی الاولی ۱۳۰۳، کاتب: مصطفی بن آقار بـزرگ مرثیـه خوان، کاغذ: نخودی و حنـایی، عنـاوین بـه سـرخی، کمنـد و جـداول اوراق بـه سـیاهی، ۲۸۸گ، ۲۰×۱۱/۵، جلد: تیماج خرمایی، عطف میشن پـادزهری، واگـذاری بنیـاد مستضـعفان در شـهریور ماه۱۳۶۷.

۴۷۷

گلستان

(۱۶۴۶۷)

نسخه کامل نیست(از انتها افتادگی دارد و تا اواخر باب هشتم است.)

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام موجود: «هر که پرهیز و علم زهد اموخت     خرمنی کرد کرد و پاک بسوخت».

نستعلیق ۱۵سطری، تاریخ کتابت: سده۱۴هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، ۹۸گ، ۲۰/۷×۱۳، جلد: تیماج دو رویه ضربی، دارای ترنج و سـرترنج و جـداول زرکـوب، واگـذاری بنیـاد مستضـعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۴۷۸

گلشن المصائب

(۱۴۳۶۹)

(ترکی)

مجموعه اشعار و قصایدی است از واصف تبریزی، ملاّ احمد بن مرحوم حاجی محمّد صادق متخلّص به«واصف» شاعر سده ۱۳هـق. در سوگ و مدح سیّد الشهدا حسین بن علی(ع) و شهدای عاشورا، در یک مقدمه و چندبرگ و ۲۱غنچه و خاتمه که در تبریز سروده شده است. در آغاز نسخه آمده است: «بعد از آنکه مدت عدید عزیز عمری ژاژ خلق هرزه‌گو، تلف اینديم گاه مدّاحی حکّام ولایت و گاه وصّافی مهرویان قمر طلعت و گاه هجو خوانی رقیبان بد طینتلر شهره شهر اولدوم بعضی آشنا و رفقا تحریض و خویش اقربا مدّاحی شیر خدایه ترغیب... عهد سلطنت... دارای فریدون فرّ و صـابحقران اقالیم هنر... رکن الدّوله القاهره خلّد الله ملکه». در فاصله بین دو قصیده، سطوری به نثر و نیز اخبار و احادیثی به فارسی منقول از بحار الانوار، عین البکاء، جلاء العیون، تحفهٔ الذاکرین، در توضیح اشـعار متن، در حاشیه ذکر شده است که ناظم این توضیحات را با جمله«باید نظم شود» خاتمه مـی‌دهـد و چنین برداشت می‌شود که نسخه دستنوشته ناظم باید باشد و تصحیح شده است.

آغاز: «بسمله، دیباچه بند لوح طلسم مکوّنات».

انجام: «اورون زینب قبول ایل          ای بیحیا اورمامن».

نستعلیق تحریری مخلوط به شکسته، سه ستونه، ۱۸سطری، تاریخ کتابت: جمعه ۱۲شهر رمضان ۱۲۷۰، کاتب: ظ. ناظم(با توضیحات حاشیه اوراق و خاتمه) کاغذ: نخودی آهاری، عناوین به سرخی، دارای مُهری با نقش«العبد المذنب عزت الله» در آغاز و انتهای نسخه که احتمالاً مُهر مالـک نسـخه اسـت، ۲۳۵گ، ۳۴×۲۱ جلد: تیماج ضربی با ترنج و سرترنج و قلمدانی و جدول بندی(کار جدید) واقف: سیّد محمّد باقر عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

گلشن توحید[1]= شرح مثنوی معنوی

(۱۴۹۹۴)

از ابراهیم دده بن صالح مغلوی قونیوی متخلّص با شاهدی(۸۷۵-۹۵۷[2]هـ‍ق.) که صد بیت از شش دفتر مثنوی معنوی را انتخاب و ذیل هر بیتی با پنج بیت از خود شرح و توضیح داده است.

در انتها نسخه ذکر شده است:

«شکر کن کین نامه با عنوان رسید      پیشتر از مرگ با پایان رسید

شاهدی که ناظم این گلشن است      چشمهاش از نور عرفان روشنست

خود نوشت ختم و کردش آنزمان      نهصد و چهل سال بود تاریخ آن».

آغاز: «بسمله، حمد لایحصی ثنا[ی] بیقیاس      بی‌نهایت منت و بیحد سپاس».

انجام: «خود نوشت[و] ختم کردش آنزمان      نهصد و چهل سال بود تاریخ آن».

(ص۳۴-۳۱۷)

این نسخه مصدّر است به:

- «گلشن راز» از شیخ محمود شبستری.

آغاز موجود: «نخست از فکر خویشم در تحیّر      چه چیز است آنکه میخوانند تفکّر».

انجام: «نباشد اهل دانش را معوّل      زهر چیزی نگر بر وضع اوّل».

(ص۵-۲۴)

---

۱ . در ج۷، ص۷۴۶فهرست رضوی معرفی شده این کتاب یکبار در سال ۱۲۹۸هـ‍ق. در استانبول و دگر بار در سال ۱۳۷۲ش. بـه تصـحیح دکتـر خسروان در مشهد به چاپ رسیده است.

۲ . قاموس الاعلام وفات وی را ۹۲۷هـ‍ق. ذکر کرده که اشتباه است و در نسخه معرفی شده در جلد هفتم چند بیتی در تاریخ نظـم مثنـوی گفتـه است که ۹۳۷ می‌باشد.

و مذیّل است به:

- «قدرت نامه»، قصیده‌ای به ترکی.

آغاز: «قادریم قدرت بیلا          سیزنی عزیز جان ایلدی».

(ص۳۱۸-۳۲۲)

- «وصف مقامات» شیخ احمد یسوی به نثر و به زبان ترکی.

آغاز: «بسمله، الهی خالق خلاق بین رازق رزاق سن          بمن نظر فیه و لمن قاله فی کتابه تم».

(ص۳۲۳-۳۶۲)

- اشعار متفرقه به ترکی (ص۳۶۳-۳۷۴)

نستعلیق ۱۳سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـ.ق. کاغذ: آبی و نخودی، ۱۹۱گ، ۱۶/۴×۹/۵، جلد: تیماج دارچینی ضربی، واقف: محمّد حسن جاهدنیا در خرداد ماه ۱۳۶۴.

۴۸۰

گلشن راز[۱]

(۱۳۶۹۴)

مثنوی عرفانی معروف به شیخ محمود شبستری(-۷۲۰هـ.ق.) است که پاسخ به سؤالات امیر حسینی غوری هروی می‌باشد و چندین بار چاپ شده است.

آغاز: «بسمله، بنام آنکه جانرا فکرت آموخت          چراغ دل بنور جان برافروخت».

انجام: «بنام خویش کردم ختم و پایان          که تاکنون کس دیگر نگفته».

---

۱ . یک نسخه در ج۳، ص۱۹۲ و پنج نسخه در ج۴، ص ۲۲۹ و یک نسخه در ج۷، ص۶۹۳ و چهار نسخه در ج۹، ص۲۲۷ و ۲۶۳ و ۶نسخه در ج۱۱، صص ۲۷۲-۲۷۶فهرست معرفی شده است.

شکسته نستعلیق ۱۴–۱۶سطری، تاریخ کتابت: دهم ربیع الاخر ۱۱۹۸، کاتب: عبدالغفار(به دستور حاجی میرزا موسی نوشته)، کاغذ: الوان، عناوین به سرخی، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، صفحه اوّل دارای یک کتیبه ابتدایی و کم کار، ۳۷گ، ۱۵/۹×۹/۵، جلد: تیماج دارچینی یک لا مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۴۸۱

گلشن راز[۱]

(۹۱۹۳)

کامل است.

آغاز و انجام: مانند پیش.

نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۹–۲۲سطری سه ستونه، تاریخ کتابت: محرم الحرام ۱۲۷۲، کاتب: زین العابدین حسینی، کاغذ: شکری فرنگی، ۱۵گ، ۱۶×۱۰/۲، جلد: مقوّایی با عطف پارچه، واقف: حاج شیخ محمود واعظ حلبی در آذرماه ۱۳۴۱.

(ص۱۸۲–۲۱۰)

۴۸۲

گلشن راز

(۱۴۱۸۵)

نسخه کامل است.

---

۱ . این نسخه ضمیمه مجموعه طبی تحت عنوان همین شماره می‌باشد.

آغاز و انجام: مانند پیش.

مصدّر است به«دیوان شمس مغربی» (۷۴۹-۸۰۹هـق.) که از ابتدا افتادگی دارد و چاپ سنگی می-باشد. و مذیّل است به«دیوان شاه نعمت الله ولی»[۱]، سید نورالدّین نعمة الله بن عبدالله کوبنانی کرمانی(۷۳۱-۸۳۴هـق.) که کامل نمی‌باشد.

آغاز: «شاه ما حکم انّما دارد      آن نشانش بنام رندانست».

انجام: «گفت سی سال شد که تا با یار      می‌کنم من سخن درین بازار».

شکسته نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: محرم ۱۲۸۲-۱۲۸۴هـق. محلِّ کتابت: قم و اصفهان، کاتب: علی بن رضی تفریشی، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۱۸۱گ(۷۵گ، چاپی)، ۱۷/۳×۱۰/۸، جلد: تیماج ضربی مستعمل، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۴۸۳

گلشن راز

(۱۲۶۱۳)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند پیش.

در انتهای نسخه قصایدی از فضولی، قاآنی در مدح امیرکبیر و... ضمیمه می‌باشد.

قصیده آغاز با این مطلع: «گاه بنحوی با هل بزم سرآید      کین سرخر را که راه داده به بستان».

---

۱ . یک نسخه در همین فهرست تحت عنوان دیوان نعمت الله ولی معرفی شده است.

قصیده فضولی(احتمالاً) با این مطلع: «نسیم خلد می‌وزد مگر ز جویبارها     که بوی مشک می‌دهد هوای مرغزارها».

شکسته نستعلیق نسبتاً خوش چلیپایی مختلف السطر، تاریخ کتابت: رجب المرجب ۱۲۸۳، محلِّ کتابت: قریه آشتیان، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی فرنگی، ۵۱گ، ۷/۱×۱۷/۷، (قطع بیاضی)، جلد: میشن مشکی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۴۸۴

گلشن راز

(۱۲۲۶۷)

کامل است.

آغاز و انجام: مانند پیش.

در انتهای نسخه، دو صفحه‌ای مالک نسخه، سیّد جلال الدین طهرانی، در اول اردیبهشت ماه ۱۳۳۰، روز رحلت الشعرای بهار، در شرح حال زندگی وی نوشته است.

نستعلیق ۱۲سطری، تاریخ کتابت: رجب المرجب ۱۲۹۶، کاتب: محمّد صادق اردستانی(به دستور آقا محمّد هادی مرشد نوشته) کاغذ: حنایی، دارای یک سرلوح ظریف مزدوج مذهّب و مرصّع، عناوین به شنگرف و لاجورد، دارای کمند به زر تحریردار، جداول اوراق نیز به لاجورد و زر تحریردار، ۴۵گ، ۱۶/۴×۱۰/۲، جلد: دورویه، برون: تیماج ماشی، درون: تیماج زرشکی جدول بندی شده، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۴۸۵

گلشن راز

(۱۶۲۰۰)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند پیش.

نستعلیق ۹سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به سرخی، ۵۷گ، ۹/۲×۱۵/۳، جلد: گالینگور با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۸۶

گلشن راز

(۱۳۱۸۹)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند پیش.

شکسته نستعلیق نسبةً خوش ۱۹سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هــق. کاتب: نامعلوم، کاغـذ: شـکری فرنگی، ۲۹گ، ۲۰×۱۲/۲، جلد: مشمع سبز، خریداری آستان قدس رضوی در ۶۲/۸/۴ش.

۴۸۷

گلشن عطارد[۱]

(۱۵۰۲۲)

۱ . این نسخه ضمیمه«میزان الادب» می‌باشد.

شامل مجموعه ترسّل در پنج باب، اوّل در نامجات(کذ) و فرامین و ارقام و عرایض و احکام. دوم در مرسلات و رقعه جات(کذ). سوّم در حج و تمسکات و سایر احکام شرعی، ... از عباس عطارد متخلّص به شطری.

آغاز: «بسمله، شکر و سپاس فزون از وهم و قیاس خالقی را سزاست».

انجام موجود: «تمثال پای گاه عرش مثال سایه انوار یزدانی آفتای سپهر معانی... میرساند».

نستعلیق شکسته ۹-۱۰سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاغذ: نخودی، طرح سرلوح و کتیبه و جداول اوراق به قلم مداد، ۱۷گ، ۲۲/۵×۱۸، جلد: تیماج قهوه‌ای، واقف: سیّد غلامحسین سیاه پوش در شهریورماه ۱۳۶۴.

۴۸۸

گنج شایگان

(۱۲۰۶۳)

از میرزا محمّد جعفر همدانی[1] یا بروجردی، متخلّص به ریاض(-۱۲۶۸هـق.) معروف به بدیع الزمان ثانی از نویسندگان و شاعران و دانشمندان ریاضی و موسیقیِ زمان خود بوده است. این کتاب به گونه گلستان در پنج باب نوشته شده است«۱. معارف یزدانی ۲. مراسم جهانبانی ۳. ترک شناعت ۴. برگ قناعت ۵. در آداب موافقت و ادای حق مرافقت».

آغاز: «بسمله تبارک و تعالی، زهی بخشنده بی‌منتّ و بخشاینده بی‌ضنّت، عمّ‌نواله».

انجام: «در بیغوله غزلت معتکف و بقصد، و عطلت معترف تمام شد...».

---

۱ . برای اطلاع بیشتر از شرح حال وی، ر.ک. تاریخ رجال ایران، ج۶، ص۶۵؛ سبک شناسی بهار، ج۳، ص۳۳۴، لغت نامه دهخدا؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۵، ص۳۶۱۷.

نستعلیق تحریری، آیات به نسخ، ۱۹سطری، تاریخ کتابت: جمادی الاولی ۱۳۱۸، کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی کمرنگ، عناوین به سرخی، ۵۴گ، ۲۲×۱۵/۲، جلد: میشن تریاکی، واقف: سیّد جلال الـدّین تهرانی، در مردادماه ۱۳۶۱.

۴۸۹

گنجینه نشاط(معتمدی)[۱]

(۱۲۳۱۲)

از معتمد الدّوله میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی(۱۱۷۵-۱۲۴۴هـق.) مـی‌باشـد. شـامل پـنج دُرج، قصاید، غزلیات، ترکیب بند، مثنویّات و رباعیّات است و به چاپ رسیده است.[۲]

آغاز: «بسمله، ابواب مخزن وجود بحکم کنت مخفیا مسدود....

شادی پی شادی طرب اندر طرب است...».

انجام: «هر یاندا جهان ایلی ایئسی یوزلاندی».

شکسته نستعلیق ۲۳سطری، تاریخ کتابت: ربیع الاول ۱۲۵۶، کاتب: عبدالله بن مرحمت الحسینی، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، جداول اوراق به نقره محرّر و لاجورد، کمند اوراق به سـرخی، ۱۱۷گ، ۲۱×۳۴/۶، جلد: تیماج مشکی ضربی، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۴۹۰

گنجینه نشاط(معتمدی)

(۱۶۴۱۰)

---

۱ . یک نسخه در ج۷، ص۶۹۵ وج۹، ص۲۲۸ معرفی شده و مفصلاً توضیح داده شده است.

۲ . ر.ک. ج۹، ص۲۲۹فهرست.

این نسخه نامرتّب صحافی شده و شامل دُرج پنجم ناقص در واردات و جدی و تغزّلات و تشبیبات نثری؛ دُرج اوّل و دوّم و بقیه دُرج پنجم، قصاید به فارسی و عربی، غزلیّات، مثنویّات، ترکیب‌بند، رباعیّات است.

اغاز: «خوابم ربوده بود خیالی زدیده دوش          کامد خروش بلبلی از گلشنم بگوش».

انجام: «شمس الضحی و بهائها     مدح البهاء و مابهر».

شکسته نستعلیق خوش ۱۵سطری، تاریخ کتابت: نیمه دوم سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری و نخودی آهاری فرنگی، ۱۲۳گ، ۲۷×۱۷، جلد: مقوّایی با عطف و گوشه تیماج، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۹۱

گوی و چوگان= حال نامه

(۱۳۷۴۳)

مثنوی است عرفانی بر وزن لیلی و مجنون نظامی، از محمود بن محمّد عارفی هروی(۷۹۱-۸۵۰هـ.ق.) که به سال ۱۹۳۱م. در لندن به چاپ رسیده است.

آغاز: «بسمله، زان پیش که حسب حال گویم          از خالق ذوالجلال گویم».

انجام: «تا هست فلک بقای شه باد          بر دست ملک دعای شه باد».

مذیّل است به:

یوسف و زلیخای جامی که در جای خود و تحت همین شماره معرفی خواهد شد.

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: رجب المرجب ۱۳۰۲، محلِّ کتابت: قوچان، کاتب: فضل الله بن میرزا حسن، کاغذ: الوان، ۲۲گ، ۲۰×۱۲، جلد: تیماج خرمایی مستعمل، واقف: غلامحسین صرّاف زاده در شهریور ماه ۱۳۶۳.

۴۹۲

لب لباب معنوی

(۱۲۱۹۳)

خلاصه‌ای است از مثنوی معنوی مولانا جلال الدّین محمّد بلخی که کمال الدّین حسین بن علی کاشفی معروف به ملاّ حسین واعظ(-۹۱۰هـق.) پس از تألیف«لباب معنوی» به راهنمایی یکی از بزرگان دربار هرات به نام«مسیّب» خلاصه کوچکتری از آن تهیّه و«لب لباب معنوی» نام نهاد و در تاریخ شنبه آخر ماه رمضان ۸۷۵ به پایان رساند. و این کتاب شامل سه عین و هر عین شامل چند نهر و هر نهر شامل چند رشحه است که عناوین آن عبارتند از:

عین اوّل: در بیان جوامع اطوار شریعت در هفت نهر. عین ثانی: در بیان دقایق اسرار طریقت در شش نهر. عین ثالث: در بیان لوامع انوار حقیقت در سه نهر.

نسخه ما کامل نیست(تا عین ثانی، نهر سادس و آخر رشحه پنجم نوشته شده و بقیّه آن افتاده و یا کاتب ناتمام گذاشته است.)

آغاز: «بسمله، بعد از تقدیم وظایف ثنای حضرت واجب الوجود عمّ جوده که لُبّ لباب معنوی را که مرات الحضرتین است».

انجام موجود: «کشته ایشان و پیرو باباشان جوان    پس پدرشان پیش آمد ناکهان».

نستعلیق ۱۹سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۰هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، عناوین و آیات و احادیث به سفیداب و شنگرف و لاجورد و زر، دارای سرلوح مزدوج منقّش و مذهّب، جـداول اوراق بـه زر تحریردار و لاجورد و زنگار، ۱۷۹گ، ۲۲/۲×۱۴، جلد: تیماج عنّابی ضربی، دارای ترنج و دو سرترنج طلایی و جدول کشی به زر، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۴۹۳

لب لباب معنوی

(۱۶۱۵۴)

نسخه کامل نیست. (از ابتدا افتادگی دارد و از مقدمه یک صفحه باقیمانده است).

آغاز موجود: «ای ضیاء الحق حسام الدّین تویی     که گذشت از مه نبودت مثنوی».

انجام: «عشقبازانرا ازین ماء معین     فیض ده آمین رب العالمین».

دفتر اوّل«مثنوی معنوی» تا بیت ۸۶۹ ضمیمه است.

آغاز موجود: «نی حریف هر که از یاری برید     پرده‌هایش پرده‌های ما درید».

در انتها، چند برگی از دفتر ششم مثنوی ضمیمه می‌باشد.

آغاز موجود: «مدتی دندان کنان این می‌کشید».     (بیت ۴۶۱۶)

انجام: «زندگی در مردن و در محنت است  آب حیوان در درون ظلمت است».

(بیت ۴۸۴۰، دفتر ۶)

نستعلیق ۱۵–۱۷سطری، تاریخ کتابت: ظ. سده ۱۱هـق. ابیات دفاتر ۱و۶«مثنوی مولوی» و قسمتی از«لب لباب» بازنویسی شده است. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی و حنایی، عناوین به شنگرف، ۳۱۶گ، ۲۰×۱۱/۵، جلد: تیماج یک لا اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۹۴

لب لباب معنوی[1]

(۱۲۱۰۴)

نسخه کامل نیست، (از ابتدا ۵برگی افتاده و تا رشحه هفتم(توکل) از نهر خامس و از عین ثانی می‌باشد. حدود۱/۳ کتاب از انتها ساقط شده است.)

آغاز موجود: «در بیان مرتبه شفاعت که عبارت از افاضه انوار ملکوتیست و استحقاق آن...

گفت پیغنبر که روز رستخیز          کی کذارم مجر مانرا اشک ریز».

انجام موجود: «کر تو نشتابی بیابد بر درت          ور تو بشتابی دهد دردسرت».

نسخ۱۵سطری، حاشیه به طرز چلیپایی، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی، ۱۰۰گ، ۲۱/۷×۱۶/۵س.م. جلد: تیماج مندرس، واقف: سیّد جلال الدین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱

۴۹۵

لاله رخ

(۱۶۰۷۱)

---

۱ . در شناسنامه با عنوان«مثنوی معنوی» معرفی شده است.

ترجمه قسمتی از حکایت لاله رخ اثر توماس مور شاعر ایرلندی(۱۷۷۹-۱۸۵۲م.) می‌باشد که به وسیله شاعری با تخلّص«شیدا» به نظم فارسی درآمده و تقدیم به محمود خان ناصر الملک قراگزلوی همدانی(۱۲۸۲-۱۳۴۶هـ.ق.) شده است.

عناوین داستان عبارتند از:

۱. حکایت پری مشتاق داخل شدن به بهشت.

۲. دلسوزی ملایک به پری و راهنمایی او.

۳. نزول پری به زمین.

۴. رفتن پری به هندوستان.

۵. غلبه شاه غزنوی.

۶. بردن پری خون دل را به هدیه و قبول نشدن آن.

۷. رفتن پری به آفریقا.

۸. عاشق و معشوق و مردن هر دو.

۹. هدیه بردن پری وفا و محبّت را و قبول نشدن آن.

۱۰. رفتن پری به شامات.

۱۱. برگشت از گناه و گذشت اله.

۱۲. هدیه توبه قبول شدن و از بهشتیان شدن پری.

۱۳. خاتمه از مترجک رساله.

آغاز مقدمه: «ساقی بیار باده که می‌آید از سفر      میری که بُد هماره مرا همچون تاج سر».

آغاز: «سحر گاهی پری در باب رضوان          شکسته خاطر استاده پریشان».

انجام: «ز خاصان شدم همچو کروبیا[ن]          به پهلوی طوبی گرفتم مکان».

انجام خاتمه مترجم: «تمنّای شیدا زار باب عقل     که بندند چشم از معایب بفضل».

شکسته نستعلیق ۱۳سطری، تاریخ کتابت: صفر ۱۳۰۲هـق. کاتب: احتمالاً ناظم، سیّد الحسینی علی اکبر الشیرازی[1]، کاغذ: نخودی، عناوین به سُرخی، ۱۵گ، ۲۲×۱۷/۱، جلد: تیماج دارچینی یک لا، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۹۶

لطائف العرفان

(۱۶۷۵۰)

کتابی است از سیّد ضیاء الدّین تقوی شیرازی(۱۳۲۱-۱۳۸۸هـق.)، که در تیرماه ۱۳۴۶در ۴۱مجلس به شرح زیر نوشته است:

لطیفۀ الاولی، در مدح که بیشتر اشعار دفتر پنجم مثنوی معنوی را آورده است.

لطیفۀ الثانیه، در معنی آیه کریمه «فخذ اربعۀ من الطیر».

لطیفۀ الثالثه، در بطّ و حرص و شکم خواری او.

لطیفۀ الرابعه، در بیان حدیث الکافر یا کل فی سبعۀ امعاء.

لطیفۀ الخامسه، در بیان شاه و رعیّت.

لطیفۀ السادسۀ، در بکاء و گریه و خوبی آن و غیره...

---

۱ . در«دانشمندان و سخن سرایان فارس» از شاعری با تخلّص شیدای شیرازی نام می‌برد که شاید با توجه به تاریخ کتابت نسخه همین کاتب نسخه باشد.

آغاز: «گر نبودی خلق محجوب و کثیف    ور نبودی حلقها تنک و ضعیف».

انجام: «ماند حسرت بر حریصان تا ابد    همچو حال اهل ضروان از حسد».

نسخه مصّدر است به:

«مشارق العرفان» که جزوه‌ای در شش مشرق می‌باشد و نکات عرفانی از دفتر پنجم مثنوی مولوی را توضیح می‌دهد.

آغاز: «قصّه اهل ضروان و حسد ایشان که پدر ایشان دخل بمسکینان میداد».

انجام: «صد هزاران جان دهد او رایگان».

نستعلیق ۱۱و ۱۲سطری، تاریخ کتابت(تألیف): شهریور ماه ۱۳۴۶، کاتب: مؤلف، کاغذ: شکری، ۲۳۵گ، ۱۷/۲× ۱۰/۵، جلد: مقوّایی با روکش مشمع خاکستری، واقف: مؤلف(سیّد ضیاءالدّین تقوی شیرازی) دردی ماه ۱۳۶۷.

۴۹۷

لوامع انوار الکشف و الشهود علی قلوب ارباب الذوق و الجود

(۱۶۴۱۵)

شرح قصیده خمریّه ابن فارض، عمر بن ابوالحسن(-۶۳۲هـق.) که ملاّ عبدالرّحمان جامی آن را در یک دیباچه و پانزده لمعه به نظم و نثر گزارش کرده است.

آغاز: «سبحانه من جمیل لیس لوجهۀ نقاب...    ای گشته نهان زغایت پیدائی».

انجام: «در سلک بیان کشید این عقد گهر    وانلحظه که شد تمام آورد بدر

تاریخ مه و سال وی از شهر صفر».

(ص ۲-۵۴)

نسخه مذیّل است به:

۱. «شرح قصیده یائیه» میرابوالقاسم فندرسکی استرآبادی(-۱۰۵۰هـ‌ق.) از محمّد صالح بن محمّد سعید خلخالی(-۱۱۷۵هـ‌ق.) است.

آغاز: «بسمله، ای آنکه بجز تو نیست در هر دو جهان          برتر زخیالی و مبرا ز گمان».

انجام: «ویزکیهم ویعلمهم الکتاب و الحکمه، بعد از آن راهی به این معانی بتوفیق الله تعالی می‌توان یافت».

(ص ۵۶-۹۰)

۲. «مخمّس قصیده یائیه» میرفندرسکی، احتمالاً از کاتب نسخه،

آغاز: «بسمله، ای که ذاتت در دو گیتی مظهر اسماستی          جوهرّی دهر را تو لؤلؤ لالاستی».

انجام: «دست او امداد دست سیّد داناستی».

(ص ۹۱-۹۹)

شکسته نستعلیق مختلف السطر و به طرز چلیپایی، اشعار عربی به خط نسخ، تاریخ کتابت: ۱۲۵۰هـ‌ق. کاتبان: لوامع، علی بن احمد الرشتی؛ مخمس، احمدبن علی محمّد الرشتی، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به سُرخی، ۵۵گ، ۲۱/۵×۱۳/۷، جلد: تیماج مشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۴۹۸

لیلی و مجنون

(۱۶۶۴۷)

یکی از مثنویهای هشتگانه امیر خسرو بن امیر سیف الدّین محمود دهلوی(۶۵۱-۷۲۵هـ.ق.) می‌باشد که به تقلید از نظامی در ۲۶۶۰ بیت به سال ۶۹۸هـ.ق. سروده است.

آغاز: «ای داده بدل خزینه راز          عقل از تو شده خزینه پرداز».

انجام: «آن نامه سزای آفرین باد          انشاءالله که همچنین باد».

مذیّل است به:

مثنوی«آئینه سکندری» از امیرخسرو، که منظومه‌ای است در بحر تقارب در ۴۴۵۰ بیت و در جواب اسکندرنامه نظامی به سال ۶۹۹هـ.ق. سروده است.

آغاز: «بسمله، جهان پادشاها خدایی تراست          ازل تا ابد پادشاهی تر است».

انجام: «رسید از بتان جان خسرو بکام          بیک زخمه کن کار او را تمام».

نستعلیق ۱۵سطری با حاشیه به طرز مورّب، تاریخ کتابت: سده ۱۱هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی کمرنگ، عناوین به شنگرف، دارای دو سرلوح مذهّب و منقّش، دو صفحه اول هر مثنوی، بین السطور طلااندازی شده، جداول اوراق به زر و تحریردار و لاجورد، ۱۱۷گ، ۲۴×۱۳/۵، جلد: میشن قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۶۷.

۴۹۹

لیلی و مجنون[۱]

(۱۴۷۴۲)

۱ . یک نسخه درج ۷، ص۷۰۲ و یک نسخه درج۹، ص۲۵۳فهرست معرفی شده است.

(ترکی)

مثنوی است از دیوان ترکی محمّد بن سلیمان بغدادی متخلّص به«فضولی» (-۹۶۳هـ.ق.) که از ابتدا افتادگی دارد.

آغاز موجود: «کیفیّت حال قیلماقه فاش          کلمشدی تکلّمه کوز قاش».

انجام: «خلقون اولوب اعتقادی افزون          اول قبره زیارت اولدی قانون».

نستعلیق ۱۳سطری، تاریخ کتابت: ذی قعده ۱۲۲۸، کاتب: محمّد شفیع بن میرزا محمّد هادی تبریزی، کاغذ: شکری و نخودی، عناوین به شنگرف، دارای سه مجلس تصویر با آب و رنگ، ۷۲گ، ۲۰/۵×۱۳/۷س.م. جلد: مقوّایی با روکش مشمع و عطف و گوشه تیماج کرمی، واقف: سیّد محمدباقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۵۰۰

لیلی و مجنون

(۱۵۸۲۶)

(ترکی)

نسخه کامل نیست(از ابتدا افتادگی دارد) از فضولی بغدادی.

آغاز موجود: «وادی در کنکده در سرکشته فهم تندسر».

انجام: «دم خیر سوزندن اور دمادم          ور خیر دیمز ابسم ابسم».

مذیل است به:

۱. مثنوی به نام«بختیار نامه»[1] از شاعری با تخلّص پناهی به فارسی.

چنانچه در برگ ۱۱می‌گوید: «ولی اینست توفیق الهی        بتوفیقست امید پناهی

که پاکاه پادشاها بی‌نیازی        به بخشای گناهان پناهی».

عناوین حکایات ان عبارتند از:

حکایت اوّل«در بیان خواجه بازرگان و گندم خریدن او».

دوم«در بیان خواجه بازرگان و چگونگی او».

سیم«در بیان صابر و به پادشاه هراسیدن».

چهارم«آمدن وزیران به پیش پادشاه خسرو».

پنجم«در بیان قصه دادبین و چگونگی او».

ششم«در بیان پادشاه خسرو و سرگذشت آن».

هفتم«در بیان بخت آزمای پادشاه».

هشتم«در بیان بهکرد پادشاه و چگونگی او».

نهم«در بیان پروین پادشاه و سرگذشت او».

دهم«آمدن وزیران بخدمت پادشاه خسرو و شکایت کردن».

یازدهم«حکم فرمودن پادشاه و ازاد بخت بجلاد آمدن زیاد و خلاص نمودن بختیار».

آغاز: «بسمله، بنام خالق بی‌مثل مانند        مُبّرا از زن فرزند پیوند».

---

۱ . این بختیارنامه مسلماً غیر از بختیار نامه منظوم و منثور چاپ بمبئی است، که داستان پادشاهی را با پسر گمشده‌اش نقل می‌کند. و نیز در مقدمه بختیارنامه شمس الدین محمّد دقایقی مروزی تصحیح ذبیح الله صفا، از بختیارنامه پناهی که معاصر سلطان جهانشاه خان و سلسله ترکمانان قره قویونلو(۸۴۱تا ۸۷۲هـ.ق.) است، یاد می‌کند.

انجام: «چنین کو را رسانیدی مرادش          رسان تو جمله مجلس بر مرادش».

۲. منظومه«شهنامه موش و گربه» در بحر سریع(فاعلاتن مفاعلن فعلن) از ناظمی ناشناخته از انتها افتادگی دارد و ۲۲۳ بیت آن موجود است.

آغاز: «ابتدا می‌کنم به نام کسی          که جز او نیست هیچ دادرسی».

انجام موجود: «بعد بنوشت باو یار عرب    بسوی پادشاه شام حلب».

– سه برگی متفرقه و قصایدی ناقص درباره جنگهای حضرت علی(ع) و غیره نیز ضمیمه است.

نستعلیق ۱۴سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۸۷هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۱۶۰گ، ۱۸/۳×۱۰/۵س.م. جلد: تیماج اسقاطی، خریداری آستان قدس در ۶۷/۲/۲۱ش.

۵۰۱

لیلی و مجنون

(۱۵۸۲۱)

(ترکی)

نسخه ناقص الاول و الآخر است.

آغاز موجود: «ویه هم قویم قُلاق دوت».

انجام موجود: «داغ اورزه اتور میشدی مجنون».

نسخه مذیّل است به:

«لیلی و مجنون» به نظم و نثر و حالت روایی دارد مؤلف آن عجالتاً مشخص نشد. (از ابتدا و انتها افتادگی دارد).

آغاز موجود: «و عاقیل بولوب یکت لا فتار ینده بور».

انجام موجود: «یغلامه لیلی جان بارنیک اماندور».

نستعلیق کتابتی ۱۴سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: فستقی و حنایی، عناوین به شنگرف، ۵۱گ، ۲۱/۵×۱۶، جلد: ندارد، خریداری آستان قدس در ۱۳۶۷/۲/۲۱ش.

۵۰۱

لیلی و مجنون[۱]

(۱۵۷۷۰)

از مولانا مکتبی شیرازی(شاعر پایان سده ۹ و اوایل سده ۱۰هـق.) که بر همان وزن لیلی و مجنون نظامی و به همان شیوه در ۲۱۶۰بیت در سال ۸۹۵هـق. سروده و بارها چاپ گردیده است.

نسخه کامل است.

آغاز: «ای بر احدیتت زآغاز خلق ازل و ابد هم آواز».

انجام: «شد نامه تمام و قصه کوتاه المنهٔ و البقاء لله».

شکسته نستعلیق خفی مختلف السطر، تاریخ کتابت: شهر شوال ۱۲۸۸، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی رطوبت رسیده، ۲۶گ، ۲۱/۴×۱۵/۵، جلد: ندارد، واقف: مرحوم محمود شهابی در آبان ماه ۱۳۶۶.

۵۰۳

لیلی و مجنون

(۱۶۱۷۷)

---

۱ . ۵ نسخه در ج۷، صص۷۰۳-۷۰۵و سه نسخه در ج۹، ص۲۳۵و۳۲۸معرفی شده است.

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

نستعلیق تحریری ۱۰سطری، تاریخ کتابت: شعبان المعظم سنه ۱۳۱۰، کاتب: محمّد علی بن طرخورانی، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به شنگرف، ۱۰۶گ، ۱۰/۳×۱۷/۵، جلد: مقوّایی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۰۴

لیلی و مجنون

(۱۶۸۸۱)

مثنوی سوّم از خمسه نظامی، جمال الدّین الیاس بن یوسف(۵۳۰-۶۱۴هـ.ق.) می‌باشد.

آغاز: «ای نام تو بهترین سرآغاز          بی‌نام تو نامه کی کنم باز».

انجام: «پانصد سال هفت بر سر          بکذشته زهجرت پیمبر».

نستعلیق دو ستونه ۲۴سطری و یک ستون به طرز موّرب، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف، ۶۶گ، ۱۳×۲۳، جلد: مخمل خردلی، واقف: بنیاد پژوهشهای اسلامی در آبان ماه ۱۳۶۸.

۵۰۵

لیلی و مجنون

(۱۶۳۸۱)

نسخه کامل نیست، از ابتدا و انتها و اواسط افتادگی دارد و درهم ریخته است.

آغاز موجود: «فرزند محمّد نظامی... او بر دل من و جان گرامی».

انجام موجود: «امد پدر عروس درکار آراسته کنج و کوی بازار».

نستعلیق خوش ۱۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـق. کاغذ: حنایی، متن زرافشان، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف، حاشیه جداول دارای گلبرگ به طرز اسلیمی به شنگرف و زر، ۷۱گ، ۸/۲×۱۴، جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۰۶

مثنوی

(۱۵۸۴۱)

شرح احادیثی است از حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) که ناظم آن را در قالب مثنوی توأم با حکایات بیان کرده است.

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد و ناظم عجالتاً شناخته نشد احادیثی که شرح آن آمده عبارتند از: «الدنیا ساعة فجعلها طاعة»، «المومن فی المسجد کاالسمک فی الماء المنافق فی المسجد کالطیر فی القفس»، «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، «لاصلوة الا بحضور القلب»، «الدنیا سجن المومن و جنت الکافر» و...

آغاز موجود: «بیا و پهلوی سنگ من اندر بنه تو سنگ خود ای یار مهتر».

انجام موجود: «زدنیای مزن لاف کذافی پس از دنیا عفافی کفا فی».

نستعلیق ۱۳سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخـودی، ۳۵گ، ۱۷×۱۰/۵،
خریداری آستان قدس در اردیبهشت ماه ۱۳۶۷.

۵۰۷

مثنوی سیّاف

(۱۷۷۳۴)

مثنوی است در بحر رمل(بر وزن مثنوی مولوی) بالغ بر هفتاد هزار بیت، درباره عالم سیر و سلوک و مقامات و تفسیر آیات و اخبار، از حاج علی اصغر شمشیرگر معروف بـه سـیّاف(-۱۲۶۲هـــق.) از مریدان حسینعلی شاه، حاج محمّد حسین زین الدّین اصفهانی نعمت اللهی، نسخه کامل و شامل ۱۲دفتر است که ۵دفتر از باب«کنز الاسرار» و ۷ دفتر از باب«جنّات وصال» در نسخه ذکر گردیده است.

آغاز: «بسمله و به نستعین، ایخدایی کین همه هستی زتست  در دل هر ذرّه‌ای مستی زتست».

انجام: «کرد بی بن جلوهایش(کذ) چون دروغ  جلوه پیرا راستی را شد فروغ».

نستعلیق چهارستونه ۳۵سطری، یک حاشیه به طرز چلیپایی، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـق. کاغذ: شکری فرنگی آهاری، عناوین به سرخی، ۴۲۵گ، ۲۳/۵×۱۴س.م. جلد: تیماج مشکی مستعمل، واقف: خانم پریچهر پدرام در مهرماه ۱۳۶۹.

۵۰۸

مثنوی سیّاف

(۱۷۷۳۳)

نسخه کامل نیست(دفتر هشتم از دوازده دفتر مثنوی است).

آغاز: «بسمله و به نستعین، ای که هر پیدا زتو پیدا شده	وزتو هر شیدا دلی شیدا شده».

انجام: «لاشود با تیغ لالاتا آله	ماند و غیری نماند با اله».

نستعلیق خوش۲۰سطری چهار ستونه، تاریخ کتابت: ۱۳۵۳هـق. کاتب: میرزا مصطفی مدیر الممالک(نوه ناظم)، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۹۲گ، ۲۶/۵×۱۵س.م. جلد: گالینگور ماشی با عطف تیماج قهوه‌ای، نام مثنوی طلاکوب، واقف: خانم پریچهر پدرام در مهرماه ۱۳۶۹.

۵۰۹

مثنوی کرمانی[۱]

(۱۲۸۲۳)

از حاج محمّد کریم خان ابراهیم کرمانی(۱۲۲۵-۱۲۸۸هـق.) است که در توحید و اخلاق سروده شده و بارها در کرمان چاپ گردیده است.

نسخه مصدّر است به:

«علم المحجه» در عقاید، از مهدی بن اسدالله که در ۱۲۹۷هـق. تصنیف کرده است. «قصیده‌ای» در ۴برگ، مادّه تاریخی درباره تولد فاطمه سلطان(۱۳۱۹) فرزند کاتب نسخه(اسماعیل بن ابراهیم جندقی متخلّص به تاراج) و اوراقی در دعا.

آغاز مثنوی: «ای منزّه پرده‌دار پرده در	وی بهر پرده در و از پرده در».

انجام: «جاهلا این نور علیّیتی است	نه همی جسمی که تو می‌بینی است».

(ص۲۴۰-۳۹۰)

۱ . یک نسخه در ج۷، ص۷۱۴و یک نسخه در ج۹، ص۲۳۸معرفی شده است.

شکسته نستعلیق ۱۴سطری، تاریخ کتابت: رجب المرجب ۱۳۰۷، محل کتابت: شاهرود، کاتب: اسماعیل بن ابراهیم جندقی متخلّص به«تاراج»، کاغذ: نخودی فرنگی، ۱۹۵گ، ۱۹/۷×۱۰، جلد: میشن عنّابی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۵۱۰

مثنوی معنوی[1]

(۱۵۹۰۱)

از جلال الدّین محمدبلخی(۶۰۴-۶۷۲هـق.) در شش دفتر که بارها به چاپ رسیده است.

این نسخه شامل شش دفتر می‌باشد که از اواسط و انتها افتادگی دارد، بین دفتر چهارم و پنجم ۲۳برگ از دفتر چهارم، از انتهای دفتر شم نیز چهاربرگ افتادگی داشته که نونویسی شده است و هر دفتر دارای فهرست مندرجات جداگانه می‌باشد.

آغاز: «هذا کتاب المثنوی و هو اصول...          بشنو از نی چون حکایت می‌کند».

انجام: «بام کردن را ازو آید نوا          کرد شش باشد همیشه زان هوا...

المثنوی المعنوی المولوی... فی شهر جمادی الاول فی سنه اربع و ستّه عشرین بعد الف بعد الف من هجرهٔ نبویه...».

نستعلیق چهارستونه ۲۱سطری، صفحه اول الصاقی به خط نسخ، تاریخ کتابت: ۵ذیحجه الحرام ۸۴۵، (چهاربرگ انتهایی نونویسی شده که تاریخ آن در انجام نسخه آمد)، کاغذ: حنایی رطوبت رسیده و بعضاً کرم خورده، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد، دارای ۵سرلوح و کتیبه

---

۱ . دوازده نسخه در ج۷، صص۷۱۴-۷۱۹و چهار نسخه در ج۹، صص۲۳۹-۲۴۱، فهرست معرفی شده است.

مذهّب و منقّش که سرلوح دفتر اوّل پرکارتر و روی برگ نونویسی شده چسبانده شده است. ۲۸۱گ، ۲۲×۱۵/۵، جلد: تیماج عنّابی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۵۱۱

مثنوی معنوی

(۱۲۳۹۰) مکرّر

نسخه ناقص است[شامل دفتر اوّل و دوم در متن که از اواسط افتادگی دارد و دفتر سوم(ناقص الاخر)، و در حاشیه دفتر پنجم و ششم(کامل)، غزلیّات وقصاید شمس تبریزی(ناقص الاخر)].

آغاز مثنوی: «بشنو از نی چون حکایت می‌کند».

انجام مثنوی: «همین خمش والله اعلم بالصواب».

انجام غزلیّات و قصاید: «شدست نور محمّد مزار شاخ هزار گرفت جمله جهان از کنار تا بکنار».

انجام موجود: «... ام خوشم من جز این یکی ترشی سخت این ترشی کند می‌کند دندان».

نسخ ۱۷سطری در متن، حاشیه بطرز چلیپایی، تاریخ کتابت: سلخ ربیع الاخر تا ۱۸ذالقعده ۸۸۷، کاتب: حمدالله بن قوام الدّین نظام لباسانی، کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف، ۲۸۹گ، ۲۲/۲×۱۳/۷، جلد: مقوّایی با عطف و گوشه تیماج مشکی، واقف: حاج فریدون شهابی سیرجانی در خردادماه۱۳۶۲، (قبلاً این نسخه در مالکیت مطهّر علی شاه بوده است که وقفنامه آن در بین دفتر اوّل و دوم موجود می‌باشد).

۵۱۲

مثنوی معنوی

(۱۸۰۲۲)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام:مانند شماره پیش.

متن نسخ ۱۹سطری، هامش به طرز چلیپایی ۳۲سطری، تاریخ کتابت: صفر المظفر ۹۱۹، کاتب: محمّدبن عبیدالله بن عبدالملک بن شهریار الدیلمی الجهرمی، کاغذ: نخودی، عنوان دفتر اوّل به سفیداب در زمینه زر، جداول اوراق به لاجورد، دو صفحه افتتاح دارای تذهیب و سرلوح و شرفه و کتیبه، صفحه اوّل نونویسی شده و تذهیب آن از صفحه دوم جدیدتر است. صفحه دوم بین السطور طلااندازی بسیار کم کار، جداول صفحه سوم و چهارم به طلا و تحریر و لاجورد و بقیه صفحات فقط به لاجورد، صفحات مجدول مزدوج، حاشیه ورق چهارم گل و برگ مذهّب، عناوین موضوعات به شنگرف و به خط نسخ و بعضی نستعلیق و عناوین مجلدات به قلم ثلث و به زر تحریردار، ۳۶۰گ، ۱۸×۱۱/۲ جلد: تیماج مشکی جدول بندی به زر، لبه‌دار، واقف: حاج باقر ترقّی در بیستم بهمن ماه ۱۳۶۹.

۵۱۳

مثنوی معنوی

(۱۵۹۲۵)

نسخه ناقص(از دفتر سوم تا ششم می‌باشد) و دارای توضیح و شرح ابیات در حاشیه اوراق است.

آغاز: «بسمله، الحکم جنودالله تعالی فی الارض یقول بها ارواح المریدین...

ای ضیاء الحق حسام الدین بیار      این سیوم دفتر که سنت شد سه بار».

انجام: «بام کردونرا ازو آید ندا      کرد شش باشد همیشه زان هوا».

نستعلیق ۱۹سطری، توضیحات درهامش به شیوه چلیپا، تاریخ کتابت: ۲۵محرم الحرام ۱۰۹۵، کاتب: محمدمراد، کاغذ: حنایی کرم خورده شدید، عناوین به شنگرف، ۲۹۷گ، ۱۵/۷×۲۶/۵، جلد: مقوّایی با روکش مشمع سبز، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۵۱۴

مثنوی معنوی

(۱۶۴۳۷)

نسخه ناقص است(شامل دفتر اول، از مقدمه آن یک برگ افتاده و در حواشی دارای توضیحات مـی-باشد.)

آغاز موجود: «محمدبن محمد بن الحسین البلخی تقبل الله منه اجتهدت...

بشنو از نی چون حکایت می‌کند».

انجام: «صبر آرد آرزو را نی شتاب          صبر کن والله اعلم بالصواب».

نستعلیق ۱۹سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۱هــق. کاغذ: حنایی کرم خورده رطوبت رسیده، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف، دارای سرلوح مزدوج مذهّب شرفه دار کم کار، ۳۹گ، ۲۶×۱۳/۵س.م. جلد: مقوّایی با عطف و گوشه مشمع مشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۵۱۵

مثنوی معنوی

(۱۶۳۷۹)

نسخه کامل است.

آغاز: مانند شماره پیش(۱۸۰۲۲).

انجام: «تا شوی دریای بیحد و کران... الحمدالله اولا و اخر که در مدت یکصدیوم تمام بعون الله...».

نسخ خفی چهار ستونه، ۲۱سطری، درهامش بطرز چلیپایی(دو برگ اول نسخه نونویسی شده) تاریخ کتابت: ۱۱۴۷هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین در زمینه نقره بازنگار و شنگرف، جـداول اوراق به زنگار و لاجورد، ۲۱۴گ، ۱۷/۸×۱۰/۸، جلد: تیماج ضربی زرشکی و مشکی، دارای ترنج و دو سرترنج و چهارگوشه، مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۱۶

مثنوی معنوی

(۱۶۴۹۱)

نسخه کامل نیست، (شامل دفتر اوّل و دوم و پنجم و ششم که در صحافی جابجا شده است)درهامش صفحات توضیحات و شرح وجود دارد.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «چون فتاد از روزن دل آفتاب　　　ختم شد والله اعلم بالصواب

بام کرد و نرا ازو اید نوا　　　کرد شش باشد همیشه زان هوا»[۱].

نستعلیق ۲۱سطری، تاریخ کتابت: بیستم رمضان ۱۱۹۹، کاتب: محمّد شریف بن شهاب الدّین، کاغذ: نخودی موریانه و کرم خورده شدید، عناوین به شنگرف، دارای دو شرح مذهّب و منقّش به گل و بوته

۱ . چندبرگی اشعار در انتهای نسخه بیشتر از سایر نسخه‌ها به چشم می‌خورد.

و مرغ به شیوه هندی، کمند و جداول اوراق به سیاهی و شنگرف، ۲۴۴گ، ۳۳×۱۹، جلد: مقـوّا بـا روکش مشمع مشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۱۷

مثنوی معنوی

(۱۶۲۶۶)

نسخه کامل است. دارای توضیحات و معانی لغات در حاشیه صفحات که در زیر هـر توضـیحی نـام مأخذی که از ان برگرفته شده، ذکر شده است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش(۱۸۰۲۲).

متن نستعلیق ۲۱سطری، حواشی به طرز چلیپایی به شیوه هندی، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـ.ق. کاغذ: حنایی کرم خورده شدید، عناوین و جداول اوراق به شنگرف، ۳۵۰گ، ۲۴/۲× ۱۳/۳، جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۱۸

مثنوی معنوی

(۹۹۹۳)

نسخه ناقص است.(شامل دفتر سوّم که از ابتدا و انتها مختصری افتادگی دارد و دفتـر چهـارم از انتهـا افتاده است).

آغاز موجود: «بسمله، الحمدلله حق حمد و الصلوة و السلام... ما بعد فهذا... الرابع الی احسن المرابع[۱]

۱ . خطبه دفتر چهارم در ابتدای کتاب صحافی شده است.

همچنین این قوت ابدال حق هم ز حق دان نه طعام و از طبق».

انجام موجود: «به برون آرد دلش از بحر راز اوّل و آخر به بیند چشم باز».

نستعلیق خوش۱۱سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲هــق. کاغذ: الوان بعضاً وصّالی شده، عناوین به شنگرف، ۲۶۱گ، ۱۸/۵×۱۱، جلد: تیماج مشکی مستعمل، واقف: دکتر شـمس الـدّین جزایـری در شهریورماه ۱۳۴۸

۵۱۹

مثنوی معنوی

(۱۶۰۰۲)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیش(۱۸۰۲۲).

نستعلیق خوش چهارستونه، ۲۵سطری، حاشیه اوراق نیز خط شکسته نستعلیق، تاریخ کتابت: ذیقعده الحرام ۱۲۳۷ تا رجب المرجب ۱۲۴۱، کاتب: زین العابدین بن حاج محمّد جعفر شیرازی، کاغذ: نباتی، عناوین به زر و شنگرف و لاجورد، اوراق دارای کمند و جداول به زر تحریردار و لاجورد و سیاهی، دارای یک سرلوح مزدوج مذهّب و منقّش، حاشیه دو صفحه اوّل مذهب، ۲۷۰گ، ۲۹×۱۷/۶، جلد: دورویه، برون: ساغری مشکی ضربی، دارای ترنج و دوسرترنج و چهارگوشه و حاشیه قلمدانی، درون: تیماج زرشکی با ضرب ترنج و دوسرترنج و چهارگوشه در زمینه طلایی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه۱۳۶۷.

۵۲۰

مثنوی معنوی

(۱۵۱۶۶)

نسخه ناقص است(از دفتر اوّل حدود ۴۰۰بیت و از انتهای دفتر ششم چندبرگی افتاده است) در هامش صفحات آغازین لغات مشکل را توضیح داده و اشاره ابیات به احادیث و اخبار را متذکر می‌شود.

آغاز موجود: «فارغان از حرص و اکباب و حصص».

انجام موجود: «کرده مهتابی زکر باس و غلس».

نستعلیق خوش مخلوط به شکسته، ۱۷سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، ۳۴۴گ، ۲۱×۱۳/۵، جلد: تیماج قهوه‌ای و زرشکی ضربی جدول بندی و دارای ترنج، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۵۲۱

مثنوی معنوی

(۱۷۴۴۴)

نشخه ناقص است(شامل دفتر اوّل و دوم که مرتّب صحافی نشده و درهم است).

آغاز موجود: «از مرض چون مُویشد          چشمه‌ای از اشک و خون چون جوشید».

انجام موجود: «مار و کژدم مر ترا مونس بُوَد          کان خیالت کیمیای مس بود».

نسخ ۱۷سطری، تاریخ کتابت: اوائل سده ۱۳هـق. کاغذ: نخودی وصّالی شده، عناوین به شنگرف، ۱۸۹گ، ۱۹/۸×۱۲/۵، جلد: مقوّایی با عطف و گوشه میشن قهوه‌ای، انتقالی از دانشگاه علوم اسلامی رضوی در آذرماه ۱۳۶۸.

۵۲۲

مثنوی معنوی

(۱۶۳۹۱)

نسخه ناقص است(دارای ۵دفتر است که دفتر پنجم نیز تا بیت ۱۸۶۰نوشته شده است).

آغاز: «مانند شماره پیش(۱۸۰۲۲).

انجام موجود: «شاه را گفتند انجا حجره‌ایست          اندر آنجا زرّ و سیم و خمره‌ایست».

متن: نستعلیق خفی خوش چهار ستونه، ۱۵سطری، حاشیه به طرز چلیپایی، تاریخ کتابت: جمادی الثانی ۱۳۰۲ تا جمادی الثانی۱۳۰۳، محلِّ کتابت: تهران، کاتب: عبدالحسین یاور فوج، کاغذ: شکری، ۲۴۱گ، ۲۱/۵×۱۳/۱، جلد: تیماج زرشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۲۳

مثنوی معنوی

(۱۲۶۷۱)

نسخه ناقص است(از ابتدای دفتر اوّل مثنوی شروع و به بیت ۱۸۵ختم می‌شود از بیت اوّل دفتر اوّل تا بیت ۴۰۰ تکرار شده است).

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام موجود: «دست بر نبضش نهاد و یک بیک          باز می‌پرسید از جور فلک».

(بیت ۱۸۵

انجام موجود: «میل هر جانی بسوی تن بود          هر تنی از روُح آبستن کند».

(بیت ۴۰۰)

نسخ و نستعلیق۱۷–۱۸سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـ‍ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: آبی، ۱۸گ، ۲۰×۱۵/۲، جلد: تیماج قهوه‌ای، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۵۲۴

مجالس العشاق

(۱۰۴۴۰)

منسوب به سلطان حسین میرزا بایقرا(۸۷۵–۹۱۱هـ‍ق.) که در شعر«حسینی» تخلّص می‌کرده است و ظهیر الدّین بابر تیموری در کتاب«بابرنامه» انتساب این کتاب را به سلطان حسین میرزا مورد تردید قرار داده است و در شرح تألیفات میرکمال الدّین حسین بن مولانا شهاب الدین اسماعیل طبسی گازرگاهی هروی از صوفیان سده نهم، کتاب«مجالس العشاق» را از وی می‌داند که به نام سلطان حسین نوشته است.[1]

این کتاب در یک مقدّمه به عشق مجازی و حقیقی و در ۷۷مجلس از شاعران و عارفان و احوال ایشان تا جامی یاد کرده و در مجلس آخر شرحِ حال مؤلّف آمده است.

مجالس العشاق در سال ۱۳۱۴هـ‍ق. در هند چاپ سنگی مصوّر شده است(دارای مجالس تصاویر) در صفحه ششم نسخه چاپی چنین آمده است: «چنانکه محرّر این انشاء خاک راه اولیا سلطان حسین ابن سلطان منصور ابن بایقرا بن عمر شیخ بن تیمور». و این دلالت بر آن دارد که«مجالس العشاق» دو بار تحریر گردیده است.

---

۱ .رجوع شود به تاریخ ادبیات در ایران، ج۴، ص۵۲۷.

آغاز: «بسمله، و بخامه تزیین و تحبیر چهره این سخن گوی مصوّر بنگاشت».

انجام: «چون شمع بسر کنم خاکستر دل          در عشق تو چندانکه بسوزیم آخر».

نستعلیق ۱۴سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۰۰هـق. کاتب: عبدالکریم، کاغذ: شکری، عناوین به شنگرف، ۱۶۹گ، ۲۰/۷×۱۲/۷،جلد: تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در مردادماه۱۳۴۹.

۵۲۵

مجموعه

(۱۶۳۶۰)

مشتمل است بر:

۱. «لوایح» از نورالدین عبدالرحمن جامی(۸۱۷–۸۹۸هـق.) رساله عرفانی در مراحل توحید و سری و سلوک عرفانی در سی و سه لایحه و یک خاتمه کار از ابتدا یکبرگ افتادگی دارد. این رساله بارها به چاپ رسیده است.

آغاز موجود: «یارای سخن آرایی بلکه اینجا اظهار اعتراف بعجز و قصور عین قصور است».

انجام: «لب بگشای بنطق خاکت[بدهن]».[۱]

(ص ۱–۳۴)

۲. «شرح قصیده معجزات» جامی با مطلع زیر:

«بانگ رحیل از قافله برخاست خیز ای ساربان          رختم بنه در راحله آهنگ رحلت کن روان».

---

۱ . در حاشیه صفحه نوشته شده و به سبب رطوبت و گذشت ایام سیاه گردیده است.

از قاضی اختیار الدین حسن بن غیاث الدین حسینی زاوه‌یی تربتی(-۹۲۸هـ.ق.) منشی و شاگرد عبدالرحمن جامی، قصیده استادش را که درباره معجزات پیامبر(ص) است در سال ۹۰۰هـ.ق. شرح کرده و ۵۴بیت آن، شرح شده است. شارح در مقدّمه از کتاب اساس الاقتباس خود نیز نام می‌برد.

در مقدّمه می‌گوید: «خطاب آمد بمن کای اختیاری چرا چندین زدانش بر کناری

هزار آتش ز عشق و تو فسرده به پیشت چشمه خضر و تو مرده

شده از تشنگی جانت بتاراج لبالب اینچنین دریای مواج».

آغاز موجود: «نماند که یکی از معجزات حضرت رسالت پناهی صلوات الله و سلامه علیه و رشحات».

انجام: «نعتش زبس فرخندگی جانرا دهد پایندگی هست آن زلال زندگی می‌باش از آن رطب اللسان».

(ص۳۵-۱۱۶)

۳. رساله«مدخل منظوم» در نجوم، بنابر تحقیق آقای عبدالحسین حایری[1] از عبدالجبار خجندی که برای جمال الدّین ابوالمحاد(ابوالمجاهد) (محمّد) فرزند نورالدین احمد در سال ۶۱۶هـ.ق. سروده است که قبلاً از آنِ خواجه نصیر پنداشته بودند.

آغاز: «بسمله، مرد دانا سخن ادا نکند تا بنام حق ابتدا نکند».

انجام: «چون شود پنج مشتری راحد تنش زحل را رسد ز روی عدد».

(ص۱۱۷-۱۲۹)

۴. «اعتقادنامه»، بخش انتهایی دفتر اوّل مثنوی سلسلة الذهب از هفت اورنگ جامی می‌باشد.

---

۱ . فهرست مجلس، ج۱۹، ص۴۵۴.

آغاز: «بعد حمد خدا و نعت رسول          بشنو این نکته را سمع قبول».

انجام: «......... آن دفتری زنو سازم          .....................................[1]

...... ور بماند جوا[د عمر از سیر          .....................................».

(ص ۱۳۰-۱۴۰)

نستعلیق خوش ۱۷-۱۲سطری(که رساله مدخل منظوم و اعتقادنامه علاوه بر متن بطـرز چلیپـایی در حواشی نوشته شده است) تاریخ کتابت: ۹۷۰هـق. (شرح قصیده معجزات)، ۹۸۲-۹۸۶هـق.(دیگر رسائل) کاتب شرح قصیده: مریم بن سلطان بایزید... کاغـذ: حنـایی، عنـاوین بـه شـنگرف، ۷۰گ، ۱۷/۲×۱۰/۶، جلد: تیماج اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۲۶

مجموعه

(۱۴۳۷۷)

مشتمل است بر:

۱. «لوایح» از نور الدین عبدالرحمن جامی، در حاشیه اوراق شرح و توضیح لغات و اصطلاحات می-باشد.

آغاز: «بسمله، و به نستعین، لا احصی ثناء علیک کیف و کل ثناء یعود الیک...».

انجام: مانند شماره پیش. (ص۲-۵۷)

---

۱ . کاغذ وصّالی شده و نوشته از بین رفته است.

۲. «لوامع» شرح قصیده خمریه ابن فارض، عمربن ابوالحسن(-۶۳۲هـق.) که جامی گزارش کرده است.

آغاز و انجام: مانند پیش. (ص۶۸-۱۹۴)

۳. رساله«شرح رباعیات» در توحید و معرفت ذات حق و شرح جلوات مختلفه جمال حق که متن و گزارش از جامی می‌باشد.

آغاز: «حمدا لآله همو بالحمد حقیق        در بحر نوالش همه ذرات غریق».

انجام: «هم فاتحه هم خاتمه‌اش جمله تویی        فاتح بالخیر رب و اختم بالخیر».

(ص۱۹۶-۳۰۰)

نستعلیق ۱۵سطری، تاریخ کتابت: ۹۹۴هـق. کاتب: محمّد بن عتیق الله، کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف، ۱۵۰گ، ۱۷×۱۰، جلد: دو رویه، برون: تیماج ماشی ضربی، درون: تیماج قهوه‌ای، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۵۲۷

مجموعه

(۱۲۹۸۱)

مشتمل است بر:

۱. حکایاتی در اخلاق و موعظه و پند، از جمله: اندر سبب بوجود آمدن بت پرستی در عالم، آذر بت تراش، هارون الرشید و شفیق، ابراهیم ادهم، ...

آغاز موجود: «... دست از مطاوعت رسل باز کشید لاجرم مستوجب عذاب الیم شدند».

انجام: «هر که در دنیا نماز جمعه گذارد و من برو رحمت کردم».

(ص ۱-۱۶)

۲. ساقی نامه مولانا محمّد صوفی مازندرانی(-۱۰۳۵هـ.ق.)[۱] که ناقص است.

آغاز: «الا ای دل مانده در کار و بار بمستی و دیوانگی سر برار».

انجام: «بباید ازین دیر دیرینه رفت بدنبال یاران پیشینه رفت».

(ص۱۷-۱۹)

۳. ساقی نامه الهی

آغاز: «بسمله، دلا مستیم را نباشد حساب کو چو نشأ پیدا شدیم از شراب».

انجام: «مرا شیشه بر دل چو آئینه است به این شیشه هر سنگ را کینه است».

(ص۱۹-۲۱)

۴. ساقی نامه مولانا مرشد بروجردی(-۱۰۳۰هـ.ق.) که از انتها افتادگی دارد.

آغاز: «بسمله، بهارست و دل مست و من در خمار بیا ساقیا ساغر می‌بیار».

انجام موجود: «که بهر پرستیدن آن صنم به ملک وجود آمدم از عدم».

(ص۲۱-۲۴)

۵. رقعه میرزا نصیر که جهت طلب آب به میرزا معینا وزیر اصفهان نوشته، و رقعه‌ای به اهل شیراز...».

آغاز: «حق تعالی چمن اقبال و ریاض اجلال آن نور حدیقه افضال...».

انجام: «دستش بطمع بسوی کس نیست دراز پایش بدرخانه کس نیست روا».

---

۱ . برای اطلاع از شرح حالش، ر.ک. تذکره میخانه، ص۴۷۶.

(ص۲۴-۲۷)

۶. قسمت نامه حیدر معمایی، از امیر رفیع الدّین حیدر معمایی کاشانی متخلّص به رفیعی(-۱۰۲۵یا ۱۰۳۲هـ.ق.) از ملا زمان اکبر شاه(ز. ۱۰۰۷هـ.ق.)

آغاز: «زیبا ترا بچه ماند زبابا ازان تو ندای برادر ارمن و اعلا از ان تو».

(ص۲۷-۲۸)

۷. ساقی نامه ابوتراب بیک فرقتی، فرزند خواجه علی(-۱۰۲۶هـ.ق.) که به صورت ترجیع بند سروده است.

آغاز: «ساقی بده آن جام که ماه شب تار است آن لاله کلگونه رخسار بهار است».

انجام: «ما خشک لبان تشنه دیدار شرابیم چون کاسه ما گشت تهی خانه خرابیم».

(ص۲۸-۳۲)

۸. اشعار و حکایات و رقعات مختلف از جمله:

قصیده شاه طاهر دکنی با این مطلع: «باز وقتست که بر طبق تقاضای ملک...».

رباعیاتی از میر صابر، قطعه‌ای از خواجه غیاث نقشبند، کتابتی که نواب عبدالمومن خان به نواب شاه عباس الحسینی نوشته است.

جواب نامه به عبدالمومن خان و صد پند لقمان حکیم. (ص۳۲-۴۲)

۹. غزلی از ملا محمّد صوفی مازندرانی(-۱۰۳۵هـ.ق.)

«بجان آمدم زین گروه دو رو همه هرزه خند و همه هرزه گو».

اشعاری از میرزا محمّد یوسف، کمال اسماعیل، حافظ، ملاظهوری، طالب کلیم، نظیری، صائب، طالبای آملی، میرمحمّد معصوم، فرزند میرحیدر معمّا. (ص۴۳-۵۰)

۱۰. مکتوباتی از میرنورالله به شیخ، ابوالفضل، از میر سیّد شریف به قاضی حقیر لار.

(ص۵۰-۵۱)

۱۱. قصّه طرماح بن عدی بن حاتم الطائی، نامه‌ای از جانب علی بن ابی طالب علیه‌السلام به معاویهٔ بن ابی سفیان، می‌رساند که متن عربی با ترجمه آن آمده است و ظاهراً جمالا محمّد ای قاضی زاده خوانساری به فارسی ترجمه نموده است و نسخه‌ای از ان در ج۷، ص۵۹۴ فهرست، معرفی شده است.

آغاز: «بسمله، حمد بیشمار که محاسب روز کار بمرور ادوار و اعصار از شمار عشری از اعشار».

انجام: «بتحقیق دنیا متمادی بر من تنک و تاریک شده است والسلام».

(ص۵۱-۶۳)

۱۲. اشعاری(غزلیّات، فردیّات) از ملاظهری، میرعبد الواسع، میرمحمّد باقر داماد(در تاریخ گرفتن بغداد) خواجه حسین ثنایی، حکیم رکنا، ملاعرفی، نواب خانخانان، رودکی، سعدی، میرغروری کاشی، ملاّ جامی محمّدقاسم، اثیرا خسیکیتی(کذ)، میرزا فصیحی، قاسمخان فیضی، حیرتی، سنایی، امیر خسرو دهلوی، خواجه محمّدرضا فکری، آقا شاپور، مولانا سخاوتی، عطّار، بابافغانی، میرسنجر، میرخسرو و نوّاب مهابت خان.

(ص۶۳-۷۵)

۱۳. رساله در توصیف ماههای قمری با استناد به احادیث و روایات و اعمال و اوراد مناسب در این ماهها. (ص۷۵-۷۸)

۱۴. مجموعه‌ای به نظم و نثر در قالب مثنوی، غزل و ساقی‌نامه و حکایات در پند و موعظه، به عنوان نمونه: مثنوی از شیخ جمالی، ساقی نامه از حافظ شیرازی، رشحاتی از مولانا سعدالدین، منتخبی از جواهر التفسیر و کلام اکابر و حافظ کاشغری به نثر، و همچنین اشعاری از مظهری کشمیری، نظامی، کمال اسماعیل، حکیم شفاهی، اثیرا خسیکتی، فیضی، مکتوب خان، میرزا عاری، خواجه محمّدرضا، شیخ عطّار، جامی، خواجوی کرمانی، صائب، فلکی شروانی، سلطان محمّد خوارزمشاه، مولوی، عین القضات.

آغاز: «از می توفیق مرا مست کن          زانکه تویی نیست کن و هست کن».

انجام: «بردارم پرده‌های حجاب را از خود و بگویم کجایید مشتاقان».

(ص ۷۹-۱۰۶)

۱۵. رباعیّات ملاسحابی.

آغاز: «بسمله، المنهٔ لله که بانعام خدا          از خلق رمیدم و شدم رام خدا».

انجام: «موجود یکست لیک در کسوتها          بیگانه و آشنا نو و کهنه نمود».

نستعلیق خوش ۱۱سطری و به طرز چلیپایی مختلف السطر، تاریخ کتابت: جمادی الثانی ۱۰۵۸، کاتب: خلیفه صادق، کاغذ: حنایی، متن و حاشیه و وصّالی شده، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زرتحریردار و لاجورد، ۶۰گ، ۲۱/۷×۱۳/۸، جلد: تیماج قهوه‌ای، واقف: شیخ عبدالله مجتهدپور در پانزدهم مردادماه ۱۳۶۲.

۵۲۸

مجموعه

(۱۳۴۲۴)

مشتمل است بر رسائل و کتب و مکتوبات مختلف به شرح زیر:

۱. «منتخب خمسه نظامی(خلاصهٔ الخمسه»، انتخاب کننده، صوفی شیرازی از شعرای سده ۱۱هــق. چنان که خود در مقدمه می‌گوید: «خاکسار کوی بینیازی صوفی الشیرازی که مدت سی چهل سالست که پای سلامت بر سنگ ملامت زده... بترتیب از تمام خمسه یکهزار و چهار صد بیت که هر کدام فتنه دهری و آشوب شهری‌اند انتخاب نمود انشاءالله که صاحبدلی برین نسخه بگذرد»[1].

آغاز: «شکر و سپاس صانعی را سزاست که بیاض چهره خوابانرا باشعار آبدار عشاق پریشان».

انجام: «بنظم چنین نام او تازه باد، تمت انتخاب خمسه حکیم گرامی شیخ نظامی گنجه...».

نستعلیق چلیپایی سه ستونه و دارای حاشیه، تاریخ کتابت: شوال سنه ۱۰۷۱، کاتب: محمّد تقـی بـن جمال الدّین کرمانی، دارای سرلوح و کتیبه مذهّب و مرصع، دو صفحه اوّل بین السطور طلا اندازی، متن و حاشیه شده، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد. (ص۲-۳۵)

۲. «انتخاب منتخب حدیقه الحقیقه(نغز مغز)»[2]

مکرّر و مذکور در همین فهرست حاضر. نسخه از ابتدا بیست بیتی افتادگی دارد.

آغاز موجود: «در گذار وز ما خطا و ذلل باز پوشد بعفو جرم و خلل».

انجام: «باد بر مصطفا درود و سلام ابدالدهر صد هزاران عام».

نسخه شناسی مانند منتخب خمسه نظامی.

---

۱ . شرح حال مختصری از آن در تذکره نصرآبادی، ص۱۳۴، تذکره روز روشن، ص۴۸۳، دانشمندان و سخن سرایان فـارس، ج۳، ص۴۸۳ آمـده است.

۲ . پنج نسخه در ج۷ صص۲۰۷-۲۰۸ و ۷۸۱و دو نسخه در ج۹، ص۳۰۲و ۴۴۹ فهرست معرفی شده است.

(۵۸-۳۶)

۳. مکتوبی که نواب اشرف به شاه سلیم از گرجستان مصحوب خواجه کریم گیلانی قلمی فرموده‌اند.

(ص۵۹)

۴. «وصف کشمیر»، از ابوالفیض فرزند مبارک ملک الشعرای دربار اکبر شاه(۹۶۳-۱۰۱۴هـق.) که نخست«فیضی» و سپس«فیاضی» تخلّص کرده است.

آغاز: «صانعی که صحن سرابستان افلاک را از گلهای شب گشای کواکب بیار است».

انجام: «اگر گویی آن خوبتر خوبتر». (ص۶۰-۶۳)

۵. «رقعات» مجموعه از مکتوبات و نامه‌های مختلف به شرح زیر:

مکتوبات و منشاتی از فیضی. (ص۶۴)

صورت کتابتی که شاه شلیم به خط خود به نواب اشرف قلمی نمود. (ص۶۴)

مکتوبی کوتاه از نصیرای همدانی(-۱۰۳۰هـق.) که به یکی از اعزّه نوشته. (ص۶۶)

حکیم ابوالفتح به خان خان نوشته و مکاتیبی دیگر. (ص۶۸-۷۱)

دیباچه مکاتیب نصیرای همدانی بر مکاتیب«قطب السالکین جهرمی».

آغاز: «بسمله، مبدعی که سبعه معلقاتِ هفت آسمان نمونه از بدایع انشاء لطایف ابداع اوست».(ص۷۲-۷۳)

در تعریف اصفهان به نواب اشرف نوشته. (ص۷۳-۷۴)

به شیخ محمّد خاتون در طلب عینک نوشته. (ص۷۴).

به میر محمّد مؤمن استرآبادی نوشته. (ص۷۴)

به محمّد حسین حلبی نوشته. (ص۷۵)

سواد رقعه که سید المحقّقین... میر سیّد شریف در باب سفارش حافظ ادوار نوشته.

(ص۷۶)

به حکیم شفایی در طلب غزل طرحی نوشته. (ص۷۷)

دیباچه دیوان که نصیرای همدانی بر شرح دیوان انوری نوشته.

آغاز: «خدایرا سپاس چون لفظ پرستان معنی...[1] دست لوح و قلم را سرمایه دکان خودفروشی نساخته-ام». (ص۷۷-۷۹)

نصیرا به مظفر حسین کاشی نوشته. (ص۷۹)

به عم زاده محمّد حسین حلبی نوشته. (ص۸۰)

دیباچه دیگری از نصیرای همدانی.

آغاز: «گوهری غریب بدیع که بدستیاری غوّاص فکر سریع از بحر ضمیر کاملان اقلیم معنی». (ص۸۱-۸۳)

خطبه هزار و یکنام.

آغاز: «بسمله، یگانه که هزار و یک نام دارد بی‌نام را چه یارا که نام ستایش او برم».

(ص۸۳-۸۵)

در بیاض نورس موسوم به رشیدا نوشته. (ص۸۵)

در بیاض میرزا نظام دست غیب نوشته. (ص۸۵)

---

۱ . از بین رفته و بعد متن و حاشیه شده است.

به خدّام میرزا محمّد هادی نوشته. (ص۸۶–۸۸)

به یاران شیراز نوشته. (ص۸۸–۸۹)

به میرزا عبدالحسین منشی الممالک در طلب اسطرلاب نوشته. (ص۹۰)

به مولانا محمود گیلانی نوشته. (ص۹۰)

دیباچه دیوان که نصیرا بر دیوان خودش نوشته.(خطبه هزار و یکنام).

آغاز: «بسمله، یگانه که هزار و یکنام مبارکش هزار و یکچراغ برافروخت».

(ص۹۱)

۶. «منتخبی از بهارستان» مولانا جامی که در همین فهرست معرفی شده است.

آغاز: «سیّد الطایفه جنید قدس الله سره میگوید حکایات المشایخ جندمن جنودالله».

(ص۹۲–۱۰۴)

۷. «حکایات و مکتوبات» متفرقه به شرح زیر:

حکایت منقول از تذکره دولتشاهی. (ص۱۰۶)

صورت دستورالعمل که نوّاب مغفوری مرحوم خان احمد گیلانی بجهت استاد خضر شاه حرنایی نوشته بوده. (ص۱۰۸)

صورت دستورالعمل دیگر از خان احمد مرحوم بجهت استاد محمد مؤمن عودی پدر محمّدرضا بیک عودی. (ص۱۰۸)

۸. «ساقی نامه»[۱] خواجه حسین ثنایی(-۹۹۶هـق.) مثنوی در بحر تقارب به نام ابوالفتح ابراهیم میرزا فرزند بهرام میرزای صفوی سروده شده است.

آغاز: «بیا دل بمیخانه اهل راز بکش جام معنی صورت گداز».

انجام موجود: «اگردور گشتم ز گفت و شنید چو آیینه‌ام بی‌تصوّر که دید».

۹. «منتخب اشعار» شاعران.

قصایدی از مولانا محمّد جام قدسی، (ص۱۱۳-۱۲۱)

قصاید و قطعات و مثنوی و رباعیّات و غزلیّاتی از: شیخ فیضی، باباطاهر، نظیری، آقا شاپور، غـزّت، مولانا، محتشم، خواجه حسین ثنایی، مولانا عرفیف نواب باقر خان نجم ثانی.

(ص۱۲۲-۱۳۵)

مجملی از تصنیفات و کلام ملاّ معنی به نثر. (ص۱۳۶-۱۳۸)

رباعیّات و فردیّات و غزل و قصیده از طالب و کلیم و صائب و نظام و معینا(قصیده‌ای در تاریخ جلوس شاه صفی بن عباس ثانی سال ۱۰۷۷هـق.)- و همچنین رباعیّاتی از مولانا اهلی و سحابی نجفی.

۱۰. «قسمیّات(قسم نامه)» از نورالدین محمّد ظهوری ترشیزی(-۱۰۲۵هـق.) که چاپ گردیده است.[۲]

آغاز: «بشیرینی شهد کنج دهن بجوش اسیران چاه ذقن».

انجام: «بمن صد جفا کن بجانی بحل ولیکن ببین در میان روی دل».

(ص۱۴۲-۱۴۵)

۱۱. «فرهاد و شیرین»[۱]

---

۱ . در جلد نهم ص۲۹۸ فهرست رضوی معریف شده است. و در تذکره میخانه که به تصحیح گلچین معانی چاپ شده ص ۲۰۶مذکور است.

۲ . در تذکره میخانه تصحیح گلچین معانی، ص۳۸۸، ذیل شرح حال ظهوری آمده است.

از وحشی بافقی(-۹۱۰هـق.) که نیمه تمام مانده و دنباله آن را وصال گفته است و این نسخه دارای دو مجلس تصویر بوده که مخدوش نموده‌اند.

آغاز: «الهی سینه ده آتش افروز          در آن سینه دلی و آن دل همه سوز».

انجام: «اگر چه صد نوا خیزد ازین چنگ   چو نیکو بنگری باشد یک آهنگ».

(ص۱۴۸-۱۷۱)

۱۲. «رقعه‌ای» که مولانا عرفی در معذرت به شیخ فیضی هندی نوشته.

منشآت ترکی محمّد بن سلیمان فضولی بغدادی(-۹۷۶هـق.) که بنام و برای شاه سلیمان صفوی نوشته.

منشأت میرزا طاهر مجلس نویس در باب شکار شیر.

(ص ۱۷۱-۱۷۶)

۱۳. «غزلیّات، مثنویّات، قطعات، رباعیّات، فردیّاتی» از محمّد قلی، عاملا، میرزا محمّد صالح شیخ الاسلام تبریز، صوفی(احتمالاً صوفی شیرازی جامع و انتخاب کننده بعضی رسائل این نسخه)، افصح هندی، عطّار، کمال اسماعیل، شیخ ابوسعید ابوالخیر(رباعیّاتی از جمله تسبیح و اوراد نماز وی)، صایب، مسعود، میرزا ابراهیم ادهم، میرزا طاهر واقعه نویس، و الهی قمی(مثنوی با این مطلع: طوطی کلم که ز جوش درون)، فدایی، ملا مؤمن حسنی، ملا عزیز کرمانی، ظهوری(مثنوی)، مولانا محمّد مؤمن طبعی(قطعه‌ای در جلوس شاه صفی در سال ۱۰۷۷قمری).

(ص ۱۷۶-۱۸۸)

---

۱ . شش نسخه در جلد هفتم صص۶۵۴-۶۵۵و ۷۴۲و ۷۹۳و سه نسخه در جلد نهم صص ۲۰۶-۲۰۷ و ۲۵۷معرفی شده است.

۱۴. «صحت و مرض[1]»، از محمّد بن سلیمان فضولی بغدادی، داستانی است در بیـان روح و بـدن و عوارض آن شبیه به«حیّ بن یقظان».

آغاز: «بسمله، حمدبیحد خدایرا سزاوار است که ریاض بدن را بآب روان پرورده».

انجام: «عاقبت الامر هودرا بخود رساند معشوقی و عاشقی از آن خلوت وحدت بیرون ماند».

(ص۱۹۰-۱۹۵)

۱۵. صفحاتی در بیان«کلام اکابر و احادیث» از حضرت رسول(ص) به عربی، نسبت نامه شاه عباس، نصایح لقمان حکیم و نصایح حضرت علی(ع) و غیره.

خط نسخ جلی، تاریخ کتابت: ۱۰۷۶هـق. کاتب: سلمانشاه الکرمانی، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریردار. (ص۱۹۶-۲۰۱)

۱۶. «رقعات»:

سواد کتابتی که نواب اشرف به قیصر رون نوشته. (ص۲۰۲-۲۰۴)

سواد کتابتی که نواب اشرف شاه عباس به شاه سلیم نوشته. (ص۲۰۴-۲۰۵)

سواد نامه کامیاب به شاه سلیم. (ص۲۰۵-۲۱۲)

سواد کتابت عبدالمؤمن خان که به نواب اشرف نوشته. (ص۲۱۲-۲۱۶)

۱۷. «منتخبی از قصاید» عُرفی شیرازی، جمال الدّین محمّد بن زین الدّین علـوی(-۹۹۹هــق.) در توحید و نعت حضرت رسول(ص) قصیده ترجمه الشوق در ستایش حضرت علی علیه‌السلام وغیره و رباعیاتی از مولانا مؤمن حسین یزدی(ص۲۱۸-۲۳۶).

---

۱ . چندین نسخه در جلد هفتم فهرست رضوی و نیز در همین فهرست معرفی شده است.

۱۸. «سراج المنیر»[۱] از قاضی محمّد شریف الدّین بن شمس الدّین محمّد شیرازی متخلّص به کاشف(۱۰۰۱–۱۰۶۰هـ.ق.) در ۲۰ لمعه است.

آغاز: «ستایش کریمی را که حلیه حُلَّتَش زیوریست زیبنده».

انجام: «درین دم که هستیم باشیم شاد        که خواهیم این روز را کرد یاد».

نستعلیق خوش ۱۷سطری و ۲۰ سطری با حواشی چلیپایی، تاریخ تحریر: ۱۰۷۲هـ.ق. کاتب: محمّد شفیع بن محمّد قاسم کارزاری، عناوین به شنگرف جداول اوراق به زرتحریردار، دارای دو جدول.

(ص۲۳۸–۳۱۲)

۱۹. «مناجات نامه و سخنان حکیم آمیز» افلاطون و سقراط و قطعه‌ای منقول از تاریخ اکبری.(ص۳۱۴–۳۱۶)

۲۰. «منتخبی دیگر از غزلیّات و رباعیّات» نظیری نیشابوری، صائب تبریزی، مسعود اصفهانی، مولانا مؤمن حسین یزدی، و دو حکایت در مناظره شیخ مفید و بهلول با ابوحنیفه.

(ص۳۱۹–۳۲۶)

۲۱. «محمود و ایاز» از انیسی شاملو، علیقلی بیگ(یولقی)، متوفی در سال ۱۰۱۴یا ۱۰۱۳ قمری، ندیم ابراهیم میرزا پسر شاه اسمعیل صفوی[۲].

آغاز: «بسم الله الرحمن الرحیم        قافله سالار ره مستقیم».

انجام: «منم خسرو مرا شیرین بود یار        تو فرهادی ترا حسرت بود کار».

---

۱ . پنج نسخه در جلد ششم ص۴۳۳–۴۳۵ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . برای اطلاع بیشتر از شرح حال او رجوع شود به مجمع الفصحا، ج۴، ص۴۷، و در فهرست حاضر ضمیمه نسخه«سفینه اشعار» تحت شماره ۱۶۴۷۱ معرفی شده است.

(ص۳۲۷-۳۳۹)

۲۲. قسمتی(۱۱۸بیت) از مثنوی عرفانی«نقش بدیع» از غزالی مشهدی(-۹۸۰هـق.) از سرایندگان دوره شاه طهماسب صفوی به هندوستان رفته و با شیخ فیضی دکنی صحبت داشته، و ملک الشعرای اکبرشاه(۹۶۳-۱۰۱۴ق.) شده وی مثنویات متعدد دارد و مثنوی نقش بدیع کامل در جای خود معرفی خواهد شد.

آغاز: «خاک دل آنروز که می‌بیختند شبنمی از عشق برو ریختند».

انجام: «سوخته جانیم بداغ هوس کشته این لاله رخانیم و بس»

(ص۳۴۰-۳۴۲)

۲۳. «ساقی نامه»[1] ملاّ محمّد رضا بن محمود نوعی خبوشانی(-۱۰۱۹هـق.)

آغاز: «تویی اولین پیر میخانها بیاد تو شبگیر پیمانها».

انجام: «لبم را بیک قطره شرمنده کن بیک جرعه خمیازه‌ام خنده کن».

(ص۳۴۳-۳۴۹)

۲۴. غزلیّات و مثنوی«سوز و گداز» یا«قصا و قدر» ملاّ محمّد رضا نوعی، مثنوی عشقی است برابر خسرو و شیرین و در عشق شاهزاده هندو که در روزگار اکبرشاه می‌زیسته و خود را در آتش افکنده است، به نام شاهزاده دانیال سوخته و در لکنهو سال ۱۲۸۶هـق. چاپ شده و نیز به کوشش داوود ایرانی و انانداک کوماراسوامی به انگلیسی ترجمه شده است.[2]

آغاز: «الهی خنده‌ام را نالکی ده سرشکم را جگر پرکالکی ده».

---

۱ . در جلد نهم، ص۲۹۷ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . به نقل از فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۴، ص۲۹۲۴.

انجام: «گلی بخش از گلستان خلیلم     چشان آبی ز حوض سلسبیلم».

(ص ۳۵۰-۳۷۵)

۲۵. مثنوی«سلامان و ابسال» دومین مثنوی از هفت اورنگ جامی می‌باشد.

آغاز: «بسمله، ای بیادت تازه جان عاشقان     ز آب لطفت تر زبان عاشقان».

انجام[1]: «هر دمش جاه و جلالی تازه باد     مدّت ملکش بلند آوازه باد».

نستعلیق خوش سه ستونه با حواشی چلیپایی، ۱۴سطری، تاریخ کتابت: شهر صفر سنه ۱۰۷۲، کاتب: شیخ محمّد بن شمس الدّین الکاتب، جداول اوراق به زرتحریردار و لاجورد، عناوین به شنگرف.

(ص ۳۷۶-۴۰۸)

۲۶. «چهارمقاله» یا«مجمع النوادر» از احمد بن عمر نظامی عروضی سمرقندی(سده ۶هـ.ق.) که در جلد هفتم و فهرست حاضر چندین بار معرفی شده است.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «ببقای او شادمانه دار او نه مدّتی بل جاودانه بالنبی و آله الکرام».

نستعلیق چلیپایی۱۹سطری، آیات به نسخ، تاریخ تحریر: دوم شهر جمادی الثانی سنه ۱۰۷۲، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد.

(ص ۴۱۰-۴۷۰)

۲۷. «خاتمه حبیب السیر»، دنباله و خاتمه جلد چهارم«حبیب السیر» خواند میر، غیاث الدین محمّد بن همام الدّین شیرازی(-۹۴۱یا ۹۴۲هـ.ق.) بوده که این نسخه از«اختتام در ذکر بدایع و غرایب ربع

---

۱ . ده بیت اخر مثنوی در نسخه‌های چاپی در انتهای مثنوی«سبحهٔ الابرار» آورده شده است.

مسکون و عجایب وقایع جهان بوقلمون» تا اول مبحث«ذکر بعضی از غرایب حکایات کـه از جنیـان منقول است» می‌باشد.

کاتب نسخه در ذیل عنوان«جبل العظم» که خواند میرنقل نموده مطالبی به متن افزوده و از عجایب قاین نوشته است بدین شرح: «در ولایت تابعه قاین مشهور بقلعه گـاو کوییسـت و در دامـن آن کـوه تـل ریگست بغایت بلند که بواسطه ارتفاع و نرمی آن ریگ صعود بر ان تل دشوار است مگر بدستیاری مدد دیگران و قبر بلندی در آنمکانست مشهور بمزار امام زاده زیدعلی بعد آنکه بزیارت آن قبر مشرف شده قصد فرود آمدن نمایند و از طرف قرینه محل صعود عازم اسفل آن کردند و چند نفر که با هم باشند در وقت پایان رفتن از فراز تل تا رسیدن بزمین صداهای عظیم می که گویی صدهزار نفیر و کره نای و نقاره در نوازش است و چه آن کسی نمیداند و کاتب اینحروف دو مرتبه با نموضع رسیده ملاحظـه و مشاهده او نموده بدینواسطه جرأت نوشتن نمود و خود را مقرض اهل فطانت و ذکا ساخت و کاتب در تاریخ اربعین و الف هجری موافق قوئیل ترکی در خدمت حضرات عالیات خصوص شاهزاده بایسنغر ولد دانیال ولد اکبر شاه که در چنگ شهربار و بلاقی(کذ) در هندوستان از انمعرکه رو گردان شده از راه کشمیر و تبّت و درواز به بلخ آمده از آنجا بدار القرار قندهار آمده بود و متوجه پابوس شاه مرتضوی اوصاف... شاه صفی... بود کمترین در ملازمات ایشان حسب الفرموده نواب عالیجاه علیمردانخـان تـا دارالسلطنه اصفهان بهشت نشان بسر میبردند. وقتی که بولایت قاین رسید خصوص قصه موت و این خبر مسموع ایشان شده بود در ملازمت خدام بایسنقری بدان مغازه داخل شد الحق که بعینه انمردم را از ذکور و اناث و طفل مشاهده نمود که بغیر از نفس دیگر همه چیز از اثار زندگان با ایشان است».

آغاز: «بسمله و به نستعین، بعد از حمد و ثنای صانع جهان غرابت آیین و بس از درود و دعای خاتم انبیاء مرسلین».

انجام: «و آنمملکت بخیر تسخیر فرمانفرمای عالمیان درامد و الحمدلله رب العالمین... تمت».

نستعلیق خوش کم نقطه، ۲۰سطری، تاریخ کتابت: غره شهر ربیع الاول سنه ۱۰۷۲هـق. کاتب: ظ. ناطق[۱]. عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد.

(ص ۴۷۲-۵۶۵)

۲۸. منتخباتی از غزلیّات و رباعیّات و قطعات از ناطق، شاهنظر بیک ایبک آقاسی، آصفی، حسن خان، سحابی، استعلاج یکی از ملوک از شیخ ابوعلی و جواب وی به نظم در قالب قطعه، صائب تبریزی، و نیز رقعه‌ای که خانخان به ملاعرفی نوشته.

شکسته نستعلیق خوش چلیپایی سه ستونه، تاریخ تحریر سنه ۱۰۷۱هـق. کاتب: محمّد کریم بن محمّد محسن نصیری، جداول اوراق بزر تحریردار و لاجورد.

(ص ۵۶۶-۵۷۶)

۲۹. «رقعات» بشرح زیر:

صورت دیباچه‌ای که شیخ فیضی جهت بیاض خود انشاء نموده.

آغاز: «این نادره مجموعه اقسام سخن، گلهای کلام را بود چون گلشن».

(ص ۵۷۸)

درتعریف میرزا رفیع نوشته (ص ۵۷۹)

---

۱ . در پشت صفحه آخر «خاتمه حبیب السیر» غزلی با عنوان «لراقمه» درج است که «ناطق» تخلّص کرده.

«بکرمان بودنم ناطق دلیل قرب جانانست     نه ایوبم چرا پس مبتلای رنج کرمانم».

نصیرا به حکیم شمسا نوشته (ص۵۷۹)

خواجه جهان به خلیفه سیّد علی جیلانی نوشته (ص۵۸۱)

رقعه‌ای که شاه سلیم بخط خود به نوّاب اشرف شاه عباس ماضی نوشته. (ص۵۸۲)

صورت دیباچه‌ای که شیخ فیضی بجهت بیاض خود انشاء نموده.

آغاز: «سبحان الله این چه گوهرهاست که... از رشحات فیض در صدف صدق گرد آمده». (ص۵۸۳)

رقعه‌ای که شمسا محمّد مؤمن... به محمّد عبدالرّشید در حسین شکستگی پا نوشته.

(ص۵۸۵)

منشات میرزا علی اکبر. (ص۵۸۶-۵۸۸)

حکایاتی از مکارم اخلاق و حبیب السیر و ائمه علیهم السلام و حکما.

(ص۵۸۹-۵۹۰)

سه غزل از نظیری نیشابوری. (ص۵۹۲)

سواد رقمی که نواب... شاه عباس ثانی در قلعه قندهار به جهت دولتخان نوشته.

(ص۵۹۳)

۳۰. «سه نثر» از نورالدّین محمّد ظهوری ترشیزی.

الف) «دیباچه گلزار ابراهیم»[۱]، نثر آمیخته به نظم، در نـه صـفت ابـراهیم عادلشـاه فرمـانروای بیجـا بوردکن(۹۸۸-۱۰۳۷هــق.) «گلزار ابراهیم» منظومه‌ای شامل ۹هزار بیت است که نیمه نخستین آن را ملک قمی پدر همسر ظهوری و نیمه دوم را خود ظهوری سروده است.

---

۱ . در جلد هفتم ص۷۴۰، فهرست رضوی معرفی شده است.

آغاز: «خرّمی چمن سخن بطراوت حمد بهار پیرائیست که گلزار ابراهیم در رخسار یوسف طلعتان».

انجام: «داستان شد ختم بُستان رخش غیرت گلزار ابراهیم باد».

(ص۵۹۴-۵۹۹)

ب) «دیباچه خوان خلیل» از مولانا ظهوری در ستایش عادلشاه به نثر و نظم. روزگاری از کتابهای درسی هند بوده و با دو دیباچه دیگر بنام«سه نثر» در کانپور ۱۸۷۶م. و لکهنو ۱۹۲۴م. در ۸۲ صفحه با گزارش واژه‌ها چاپ شده است.

آغاز: «ای از تو بر اهل تخت و اکلیل سبیل کز ذکر جمیل است و کز قدر جلیل».

انجام: «مهمانسرا خوان خلیل آید بیاد میزبان خلق ابراهیم عادلشاه باد».

(ص۵۹۹-۶۰۳)

ج) «دیباچه نورس خیال» از مولانا ظهوری که در مقابله با«نورس» ملک قمی و«مخزن الاسرار» نظامی نگاشته است.

آغاز: «سرود سرایان عشر تگه قال که بنورس سرابستان حال کار کام».

انجام: «هم توفیق مدعایش رسم و قانون جهان» (ص۶۰۵-۶۰۹)

شکسته نستعلیق خوش چلیپایی، عناوین به زردی، جداول اوراق به زرتحریردار و لاجورد.

۳۱. «رساله عرض لشکر اوزون حسن[1]» از ملا جلال دوانی(-۹۰۸هـ.ق.)

---

۱ . در جلد هفتم ص۲۸۹ فهرست رضوی معرفی شده است.

گزارشی است ادبی تاریخی از سان دان سپاه اوزون حسن در هنگام جنگی که سلطان خلیل پسر«اوزون حسن» به سال ۸۸۱هـ‍ق. در نزدیکی بند امیر فارس کرده است، سلطان خلیل در انجا از سوی پدرش فرمانروایی داشته و این رساله در سال ۱۳۳۵ش. به کوشش ایرج افشار چاپ شده است.

آغاز: «بسمله و به ثقتی، اللهم صل علی محمّد... قال الله... و لَقَد کتبنا فی الزبور... از پرتو اشعه این نیّر قدسی بینایان منظر».

انجام: «ندیده بدین عقل و روشن دلی          سپهر کهن سال در دور خود، اللهم خلّد ظلال معدلته...». (ص ۶۱۰-۶۳۶)

نستعلیق خوش چلیپایی و ۲سطری، تاریه کتابت: ۱۶شهر صفر ۱۰۷۲، محل تحریر: آمل، (بقیه نسخه شناسی مانند رساله‌های قبل.)

۳۲. رساله«نزهت العاشقین»[1] از علی بن محمود الحاج در عرفان و تصوف که در سال ۹۷۰ هجری آنرا به پایان رسانده و مشتمل بر ۵قاعده و یک خاتمه است.

آغاز: «بسمله، حمد و سپاس آفریدگاریرا که سینه بیدلان مستمند را خزینه اسرار عشق ساخت».

انجام: «پند ناصحان و قول نیکخواهان بشنود توقع بالطاف صاحب نظران آنست که بنظر لطف مطالعه فرمایند.... تمام شد رساله نزهت العاشقین بعون الله احسن الخالقین».

(ص۶۳۷-۶۴۱)

۳۳. «ترجمه رساله بُرء الساعه» از ابی بکر محمّد بن زکریا رازی(۳۱۱هـ‍ق.) در ۲۴باب که مترجم آن شناخته نشد.[1] و بارها چاپ گردیده است.[2]

---

۱ . آقای منزوی این نسخه را ندیده و در فهرست نسخه‌های خطی فارسی درج نیست و برای اطلاع بیشتر رجوع شود به تاریخ نظم و نثر، سعید نفیسی، ج۲، ص۸۱۳.

آغاز: «چنین گوید حکیم کامل و فیلسوف فاضل محمد بن زکریا الرازی... روزی در خدمت ابی القاسم بن عبدالله که یکی از وزرای آن عصر بود نشسته بودم... آغاز کتاب بدانکه از شان من آنست که مذکور سازم عللی که متکوّن میشود».

انجام: «که در حال ساکن شود و قدرت براه رفتن بهم رساند».

(ص ۶۴۱-۶۴۵)

۳۴. رقعات و مطالب متفرقه:

سلطان سنجر از حکیم زمان سؤال کرده، و حکیم در جواب گفته به نظم.

(ص ۶۴۶)

رقعه‌ای که نصیرا به مظفر حسین کاشی نوشته. (ص ۶۴۶)

دیباچه‌ای که بر دیوان خود نوشته(خطبه هزار و یکنام). (ص ۶۴۷)

در طلب اسطرلاب نوشته. (ص ۶۴۸)

رقعه‌ای که نظام بیک به درویش امید قاطع نوشته. (ص ۶۴۹)

رقعه‌ای که امیر مخدوم به مولانا قاینی نوشته وقتی که طعن عشقبازی به امیر مذکور میزده‌اند. (ص ۶۵۰)

حکایات پندآموز مختلف. (ص ۶۵۱-۶۵۲)

رقعه‌ای که ظهوری به شیخ فیضی نوشته. (ص ۶۵۳-۶۵۴)

---

۱ . رساله«برء الساعه» بعد از تألیف بارها به فارسی ترجمه شده و نامهای مختلف گرفته است، تحفه شاهی، «داءالشفاء فی الساعه» و غیره مترجمین عبارتند از: محمّد افضل طباطبائی طیب، و میرزا سیداحمدبن محمّد حسین شریف تنکابنی کاشانی حکیمباشی فتحعلی شاه قاجار.

۲ . در انتهای کتاب«من لایحضره الطیب» رازی چاپ شده، یکبار ترجمه آن با رساله اسهالیه و مطلب السؤال در یک جلد در ۱۲۹۷هـ.ق. چاپ شده و همچنین ترجمه برءالساعه مستقلاً در تهران بوسیله نشریه ستاره غرب در سال ۱۳۲۶چاپ گردیده است.

مکتوب معاویه به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام. (ص۶۵۵)

رباعیّات و غزلیّات و قطعاتی از شیدا، نواب حسن خان، ظهوری، صائب، بابافغانی، سحابی، شیخ علی نقی، و غیره. (ص۶۵۶-۶۵۹)

خطوط: نسخ، نستعلیق و شکسته، و تعلیق، مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۰۷۱تا ۱۰۷۷هـ.ق. کاغذ: حنایی، اکثرا اوراق متن و حاشیه شده، ۳۳۰گ، ۲۷/۶×۱۵، جلد: تیماج مشکی، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

سایر مشخصات ضمن معرفی نسخه‌ها نوشته شده است.

۵۲۹

مجموعه

(۷۹۱۱)

مشتمل است بر رسائل عربی و فارسی در فلسفه و عرفان و ادبیات[۱] و غیره که عبارتند از:

۱. رساله به عربی در هیولی و اثبات آنها. (ص۲-۲۲)

۲. رساله لطایف التوحید از شیخ سعدالدین حموی. (ص۲۴-۲۵)

۳. رساله حوارئیه، شرح رباعی شیخ ابوسعید ابوالخیر از شارحی ناشناس.

آغاز: «بسمله، سپاسی که حواس از قیاس آن عاجز بود مرحضرت قدوسی را... و بعد... حورا بنظاره نگارم صف زد... حورا کنایت از حواران بهشتست».

انجام: «در حالت انشاء مظهر تجلی اسم نافع بوده و الله اعلم و احکم بحقایق الاشیاء...». (ص۲۶-۲۷)

---

۱ . رسائلی که مربوط به ادبیات نیست فقط به نام آن اکتفا می‌کنیم. و رسائل به زبان عربی، زبان آن را یادآوری نموده و بقیه که از زبان آن یادی نشده است فارسی می‌باشند.

۴. «شرح دو بیت از مثنوی مولوی» از شارح گلشن راز[شمس الدین محمّد بن علی گیلانی لاهیجی نوربخشی متخلّص به اسیری(-۹۱۲هـ.ق.)].

آغاز: «بسمله، الحمدلله الذی کانت احدیته... امّا بعد یکی از برادران دینی معنی این دوبیت مثنوی...

چونکه بی‌رنگی اسیر رنگ شد　　　موسیی با موسیی در جنگ شد».

انجام: «این طایفه اعظم همه‌اند و الله اعلم واحکم اللهم اهدنا».

(ص۲۶-۸)

۵. «حکایهٌ عجیبه و روایهٔ غریبه فیها اسرار السالکین و تنبیه للطالبین».

آغاز: «از شیخ ابوالفیض ذوالنّون مصری رحمهٔ الله روایتست که گفت».

انجام: «جوان پهلوی او نشسته بود و این آیه میخواند و الملائکهٔ یدخلون... رحمهٔ الله تعالی».

(ص۲۹-۳۰)

۶. مکتوبی عرفانی از مولانا عبدالباقی تبریزی به میرزا ابراهیم همدانی (ص۳۱-۳۲)

۷. رساله جبر و قدر(جبر و اختیار) از خواجه نصیرالدین طوسی در ده فصل.

(ص۳۲-۴۲)

۸. «شرح رباعّیات» جلال الدّین محمّد دوانی[۱] که در جوانی سروده و بعد بخواهش جمعی از برادران آنرا شرح کرده است به نام سلطان ایلدرم بایزید(۸۸۶-۹۱۸هـ.ق.) پادشاه روم.

آغاز: «بسمله، حمداً لاله شمل الخلق اله　　　لاربّ لنا سواه بل لیس سواه

ذرّات دوکونرا ز آسیب عدم　　　غیر از حرم رحمت او نیست پناه».

---

۱. درج ۳، ص۱۸۱، فهرست رضوی یک نسخه تحت شماره ۴۳۶۸ معرفی شده است.

انجام: «توچه دانی زبان مرغانرا          که ندیدی دمی سلیمانرا نسئل الله تعـ..».

(ص۴۲-۷۷)

۹. رساله‌ای از مولانا جامی در حقایق ممکنات و غیره. (ص۷۸-۸۱)

۱۰. شرح یک بیت از غزلیّات حافظ.[1]

«پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت          آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد».

از جلال الدین محمّد اسعد دوانی.

آغاز: «بسمله، لک الحمد ملهم الصواب و علی منک الاداب الصلوة المستجاب، ... و بعد چند کلمه در تبیین یک بیت».

انجام: «و نفاذ شوق اشرار نیز مانع است اقول بالخدخال من... و الظفر سنه ۱۰۸۳».

۱۱. «احادیث قدسی»، منتخب از تورات، مشتمل بر ۴۰ سوره که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به روایت عبدالله بن عباس از عبرانی به عربی ترجمه نموده است.

(ص۸۷-۱۰۲)

۱۲. مطالبی متفرقه در حکمت منقول از شرح اشارات طوسی و تفسیر غرایت القرآن نیشابوری، فواید شریفه و مباحث وجود منقول از امام فخر رازی. (ص۱۰۳-۱۲۱)

۱۳. «کشکول» شیخ بهایی به عربی.

آغاز: «والحمدلله الواحد المعین...».

انجام: «والذهن القویم لایرضا هما والسلام علی من اتبع...».

---

۱ . و یک شرحی از این بیت حافظ بوسیله ملاّجان، بنابر گزارش فهرست مجلس، ج۵، ص۲۴۰ و فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ص۱۲۱۸ انجام گرفته است.

۱۴. (رساله در اشتهار) مناظره شیخ مفید با قاضی عبدالجبّار معتزلی و علی بن عیسی زمانی در مسأله خلافت(رساله در اشتهار) به عربی. (ص۱۳۹-۱۴۲)

۱۵. منتخبی از کتاب توحید ابن بابویه قمی(شیخ صدوق) که از انتها افتادگی دارد.

(ص۱۴۴-۱۵۲)

۱۶. شرح رباعیّات، ماتن و شارح آن مولانا عبدالرحمن جامی(-۸۹۸هـق.) می‌باشد.

آغاز: «بسمله، حمداً لاله هو بالحمد حقیق          در بحر نوالش همه ذرات غریق».

انجام: «هم فاتحه هم خاتمه‌اش جمله تویی          فافتح بالخیر رب و اختم بالخیر اللهم...».

(ص۱۵۳-۱۷۷)

۱۷. نی نامه جامی، شرح دو بیت ابتدای مثنوی مولوی.

آغاز: «بسمله، عشق جز نایی و ما جز نی نییم          باقی جاوید باشی والسلام».

(ص۱۷۸-۱۸۱)

۱۸. تقریر التوحید یا تفسیر سوره اخلاص[1] از ابوذر سلمان بن احمد شریف فالی.

(ص۱۸۳-۲۱۴)

نستعلیق و نسخ مختلف السطر چلیپایی، تاریخ کتابت: ۱۰۸۳هـق. (در انتهای شرح یک بیت از غزل حافظ دوّانی آمده است) و ۱۱۱۴هـق.(در انتهای رساله اشتهار شیخ مفید درج شده‌است) کاتبان: رفیع الدین محمّدبن و جیهه الدّین سلیمان بن محمّد الجابری العاری، محمّد حسین بن شاهمحمّد التبریزی،

---

[1]. در فهرست و شناسنامه«تفسیر سوره اخلاص» معرفی شده است.

کاغذ: حنایی و نخودی، عناوین به شنگرف، ۱۰۷گ، ۲۴/۵×۱۳، جلد: مقوّایی با عطف و گوشه پارچه، خریداری آستان قدس رضوی در مهرماه ۱۳۲۹.

۵۳۰

مجموعه

(۱۶۶۵۳)

مشتمل است بر:

۱. «فارغنامه»[۱] از حسین بن حسن گیلانی(اواخر سده ۱۰ و اوایل سده ۱۱هـق.)

آغاز موجود: «سوی آن نعره بود نفخه صور          که در افتاد ره از آن بعالم شور».

انجام: «تابود خانه سپهر آباد          دولت شیعیان مخلّد باد». (ص۱-۳۱۵)

۲. «مناظره حضرت رسول(ص) و ابلیس» به نثر. (ص۳۱۵-۳۲۱)

۳. «حکایت هزار گیسو و آزاد بخت» به نثر: داستان پادشاه مصر و آوازه هزار گیسو شنیدن و عاشق شدن آزاد بخت هزار گیسو را.

آغاز: «اما راویان اخبار و ناقلان آثار کاملان شیرین گفتار... آورده که در روزگار ابوجعفر دوانقی در شهر مصر پادشاهی بود...».

انجام: «پادشاه رفت خانه از جهت ترتیب دادند(کذ) و یک ولایتی بشاهزاده داد و در آن سرزمین می-بودند باقی والدّعا». (ص۳۲۳-۳۵۷)

---

۱ . این نسخه اشعارش کاملتر و مکّمل نسخه معرفی شده در این فهرست تحت شماره ۱۳۱۴۳ می‌باشد.

۴. «داستان محمّد حنفیّه» ابن علی بن ابی طالب علیه‌السلام و دختران شاه و جنگهای وی با دیو سفید و کافران و حمله به قلعه و آزادکردن ۷برادر و یک خواهر در بند را و مسلمان شدن کافران، که این داستان از اواسط افتادگی دارد.

آغاز: «اما راویان اختیار و ناقلان آثار چنین روایت میکنند که چون امیرزاده محمّد حنفیه به نوزده سالگی رسید».

انجام: «و حضرت علی لشکر برگرفت و شادمان بسوی مدینه روان شده و الله العلم».

(ص ۳۶۰–۳۷۸)

۵. «دنباله فارغنامه»، داستان دیگری از جنگهای حضرت علی علیه‌السلام در قالب مثنوی می‌باشد.

آغاز: «شکر آن خالق خلایقرا که بما داد روح ناطقرا».

انجام: «هر کجا شیعیست در که و مه کام یکیک(کذا) زفصل خویش بده».

(ص ۳۸۰–۳۹۷)

۶. «حکایت سیف الملوک و بدیع الجمال» به نثر[1]، داستان عاصم بن صفوان از پادشاهان عرب است.

آغاز: «راویان اخبار و ناقلان آثار و خوانندگان قصص تواریخ آوردنده‌اند(کذا)... که در وقت سلیمان پیغمبر(ع) پادشاهی بود اندر ملک مصر.

انجام موجود: «در دریای آتش افتاده مجروه(کذا) بنزد من آمد».

(ص۳۹۷–۴۳۰)

---

۱ . این حکایت را«محمد لکهنوی» معروف به میرزا ببر علی(قرن سیزدهم) در قالب مثنوی سروده است.

نستعلیق بدخط و مغلوط۱۳سطری، تـاریخ کتابـت: دوازدهـم صـفر ۱۱۹۰، کاتـب: نـامعلوم، کاغـذ: نخودی(قسمتی از خطوط براثر صحافی از بین رفته لبه و گوشه‌های آن چرپ شده اسـت)، ۲۱۵گ، ۱۹×۱۴/۵، جلد: تیماج عنّابی مستعمل، خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۶۷.

۵۳۱

مجموعه

(۱۲۲۹۰)

مجموعه‌ای اس مفصّل، شامل دواوین و منظومه‌های ادبی و منتخبات و تذکره شعرا در متن و دو حاشیه به طرز چلیپایی، (در شناسنامه کتاب به نام«تذکره شعرا» معرفی شده است).

نسخه مصدّر به فهرست مندرجات و عناوین می‌باشد. (ص۱-۶)

دیوانها و رساله‌ها و منظومه‌های موجود در متن عبارتند از:

۱. «دیوان مولانا نورالدّین عبدالرّحمن جامی(۸۱۷-۸۹۸هـق.)»، مشتمل بـر غزلیّـات و قطعـات و رباعیّات است.

آغاز: «بسمله، یا من بدا جمالک فی کل ما بدا بادا هزار جان مقدّس ترا فدا».

انجام: «آخر کار نیست خواهی شد نیست شو پیش از انکه نیست شوی».

(ص۸-۴۵۷)

۲. «وقایع حیدرآباد[1]»یا روزنامه وقایع محاصره حیدرآباد(گلکنده) یا«وقایع عالمگیری» از میرزا محمّد شیرازی ملقّب به نعمت خان و دانشمندان و متخلّص به عالی متوفی سـال ۱۱۲۰هــق. کـه دربـاره

۱ . بکوشش میرزا حمزه خان مازندرانی در هند چاپ شده است. بنقل از فهرست نسخه‌های خطی فارسی.

رویدادهای روزهای محاصره حیدرآباد و گشودن آن در سال ۱۰۹۸سوّمین سال پادشاهی اورنگ زیب(۱۰۶۵-۱۱۱۸هـ.ق.) می‌باشد.

آغاز: «دمیکه مدّرس کشاف صبح بر صفه(کذا) صدق و صفا چون قاضی بیضا تفسیر والشمس والضحها».

انجام: «طرفه حالیست در زمانه ما          هرکه جاهلتر است کاملتر

جهل را خوب میخرند امروز          کاشکی میفروختند بزر».

(ص۴۵۸-۵۰۲)

۳. «رقعه در استدعا» از نعمت خان عالی.

آغاز: «حکیم حقیقی میرزای دوستان و دوست میرزایانرا همیشه در صحت و سلامت نگهدارد».

انجام: «بزودی بهره‌مند صدق ارادت و فیض بخش هدایت داراد».

(ص۵۰۲-۵۰۵)

۴. «حسن و عشق» از همو.

آغاز: «حدیث عشق شد زیب بیانم          چو شمع افتاد آتش بر زبانم».

انجام: «هیچ عاشق دور از جانان مباد          چو من بیچاره در هجران مباد».

(ص۵۰۵-۵۱۱)

۵. «نسخه عیار افزا» از همو.

آغاز: «عیار افزای نقد سخن اکسیریست که چون بر فلزات معدن لفظ طرح شود».

انجام: «شکر نعمت واجب واجب اللهم یختم بالخیر».

(ص ۵۱۱-۵۲۰)

۶. «هجویاتی» از نعمت خان در مورد حکیم طاهر، جعفر و غیره.

آغاز: «کدخدا شد بار دیگر خان والا منزلت».

انجام: «هرکس که بد شنیده بسیار حشو و مهمل». (ص ۵۲۰-۵۲۵)

۷. «تذکره ریاض الشعرا» تألیف علی قلی خان واله داغستانی متوفی سال ۱۱۷۰هـق. که آنرا در ۱۱۶۱هـق. نوشته و نام ۲۵۹۴ شاعر را از روی حرف اوّل یا تخلّص آنان که از ابوالحسن خرقانی آغاز شده و به یحیی خان افشار و راقم علی قلی خان واله پایان می‌پذیرد، آورده است.

خود در خاتمه در مورد چگونگی تألیف می‌گوید:

«مقصود از تحریر تذکره ضبط احوال و احیای نام اسلاف و معاصر نیست و اینمعنی چندان فایده بحال متتبع نمی‌بخشد لهذا راقم حروف این اوراق را بفواید و منافعی چند مزیّن و مشحون ساخته که طالبان فضل و هنر را از مطالعه آن فایده معتدبه، بحصول پیوندد از آنجمله یکی آنکه فنون شعر مثل فن عروض و قافیه و صنایع و بدایع... دیگر آنکه اشعار خوب از دواوین مشهور، قدما و متاخرین کمتر فوت و فروگذاشت شده... راقم حروف فن شعر را بعد از انکه قریب باندراس رسیده بود تجدید نموده و جانی تازه بخشیده با اینهمه معترف بعجز و قصور و از غرور و عجب بمراحل ور است که خورده بینان در هر جا بزلّتی برخورند رقم عفو بر ان کشند.»

آغاز: «تذکره علیقیخان متخلّص بواله، تذکره محفل خاطر قدسی مأثر صاحبدلان آگاه حمد ناطقیست».

انجام: «گفتار ریاض الشعرا رفت خزان          و روی چو بهار سر زده داخل شد.

و پیرایه اتمام و بر هفت اختتام یافت شاهد هوش ربای خرد... در عشره اوّل شهر خجسته بنیاد ذیقعده در دارالخلافه شاه جهان آباد... تا یوم جزا بحق محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله».

(ص۵۲۸-۱۵۳۰)

حاشیه چلیپایی خارج مشتمل است بر:

۱. «دیباچه ابواب الجنان» از رفیع الدّین محمّد واعظ قزوینی متوفی سال ۱۰۸۹هـ.ق.».

آغاز: «بهترین مقالی که سر خیل کاروان فنون محاورات تواند بود».

انجام: «پیشوای راه دین و بر اولاد طیبین و طاهرین او باد». (ص۸-۱۶)

۲. «دیباچه بیاض»[۱].

آغاز: «این نادره مجموعه اقسام سخن گلهای سخن را بود».

انجام: «این مجموعه رنگین غنچه جیب و گل دست سخن سنجان بود».

(ص۱۶-۲۳)

۳. قصایدی از بابا فغانی، شاپور، نورالدّین ظهوری.

(ص۲۳-۴۰)

۴. «دیوان سعدی شیرازی» شامل غزلیّات، هزلیّات، و رباعیّات و ترجیع‌بند... .

آغاز: «اول دفتر بنام ایزد دانا صانع و پروردگار وحی و توانا».

انجام: «بنشینم و صبر پیش گیرم دنباله کار خویش گیرم».

(ص۴۱-۴۱۴)

---

۱ . تعدادی«دیباچه بیاض» از مؤلفین مختلف در صفحه ۳۵۶۴ و۳۵۶۵ جلد پنجم فهرست نسخه‌های خطی فارسی نام برده شده است ولی چون آغاز و انجام آنها ذکر نگردیده بود مؤلف مشخص نشد.

حاشیه چلیپایی داخل(زنگاری) مشتمل است بر:

۱. «گلشن خیال[۱]» یا «خواب و خیال» داستانی عشقی و وصف یک رؤیاست از میرزا طاهر نصرآبادی (قرن ۱۱).

آغاز: «بنام گلشن آرای خیالات          که از نامش بود کشف محالات».

انجام: «چنین عیشی نامنظورش نصیب شود و اگر داند و نگوید در خواب نه بیند چسود کور باد». (ص۸-۱۲)

۲. «صحت و مرض» از محمدبن سلیمان فضولی بغدادی(سده دهم)، داستانی شبیه به«حیّ بن یقظان» می‌باشد.

آغاز: «حمدبیحد احدیرا سزاست که ریاض بدنرا بآب روان پرورد».

انجام: «عاقبت الامر خود را بخود رساند و عاشقی و معشوقی از انخلوت وحدت برون ماند».

۳. «گلشن اعجاز» از طغرا مشهدی.

آغاز: «موسم آنشد که مینا راک هندی سرکند          شاخ و برگ خشک را زآب ترنم تر کند».

انجام: «دیده هیچ آفریده نباید و چون بتوقیع اشرف اعلی مزیّن و محلّی گردد اعتبار نمایند». (ص۴۱-۴۷)

۴. «فرمان سلطان حسین میرزا بایقرا» در منع ریش تراشیدن.

آغاز: «چون طرّه مشکین احیای سلطنت زیب عذار روزگار دولت ما گشته».

انجام: «اشرف اعلی مزیّن و محلی کرد و اعتبار نمایند».

---

۱ . رجوع شود به فهرست نسخه‌های خطی فارسی ج۵، ص۳۷-۳۸ و در فهرست رضوی ج۷، ص۲۸۱ تحت شماره ۴۵۰۶ معرفی شده است.

۵. رقعه‌ای که نصیرای همدانی به میرزا محمّد هادی نوشته است.

آغاز: «سبق اشک روان بر ورق گل دارم          نامه‌ای پاکتر از دیده بلبل دارم».

انجام: «ازو ممنون باشند که باعث کوتاهی سخن... آخر حافظ و حفیظ و ناصر و نصیرباد». (ص۴۹-۵۲)

۶. «نان و حلوا» مثنوی ملمّع عرفانی و اخلاقی از شیخ بهایی(-۱۰۳۱هـ.ق.)

آغاز: «اما بعد حمدالله علی افضاله و الصلوة و السلام علی اشرف الخلایق، ایها اللاهی عن العهد القدیم».

انجام: «یا بهایی اتخذ قلبا سواه          فهو ما معبودة الاهواه». (ص۵۳-۶۳)

۷. «قضا و قدر» از میرزا محمّد قلی بیگ تهرانی متخلّص به سلیم(-۱۰۷۵هـ.ق.)

آغاز: «شنیدم روزی از خونابه نوشی          چو گل از پاره تن خرقه پوشی».

انجام: «چرایی این چنین عاقل نشسته          برآ از زیر دیوار شکسته».

(ص۶۳-۷۱)

۸. «قضا و قدر» از ملا محمّد سعید اشرف مازندرانی(-۱۱۱۶هـ.ق.)[1]

آغاز: «شنیدم روزی از روشن روانی          چو گل نازک خیالی نکته دانی».

انجام: «نظر پوشید از اوضاع دنیا          بسوی خلد رفت از راه دریا».

(ص۷۱-۷۶)

---

۱ . در جلد هفتم ص۲۶۳، فهرست، معرفی شده است.

۹. «قضا و قدر» یا«سوز و گداز» از ملاّ محمّد رضا خبوشانی(-۱۰۱۹هـق.) مثنویی است عاشقانه در برابر«خسرو و شیرین» که در مجموعه ۱۳۴۲۴ معرفی شده است.

آغاز: «الهی ناله‌ام را ناله کی ده          سرشکم را جگر پر کالکی ده».

انجام: «گلی بخش از گلستان خلیلم          وزین ره ساز آتش را دلیلم».

(ص۷۶-۸۵)

۱۰. ترکیب بندهای«شرح پریشانی» (ناقص) و«گله یار دل آزار» از وحشی بافقی

(ص۸۵-۸۹)

۱۱. مثنوی بیمار و طبیب از قاضی شریف.

(ص۸۹-۹۲)

۱۲. سراپا(آئینه بدن نما) مثنویّاتی از سیّد علی بن ساعد جبل عاملی مهری عرب(اواخر سده ۱۱ و۱۲) و ملا محمّد توفیق کشمیری(سده ۱۲) در وصف معشوق.

(ص۹۲-۱۰۱)

۱۳. غزلیّاتی از توفیق، «معراج الخیال» از علیرضا تجلّی شیرازی[1]، «معراج الخیال» نوعیف مثنوی میرزا صادق تفرشی، مثنوی حماشی و دینی«نگارستان چین» از سیداحمد السّندی کاشانی، مثنوی«نخل و سیب» مثنوی«چاه وصال لیل و مجنون» از سراینده‌ای ناشناخته[2]، مثنوی«حکایت شیخ شبلی» و مثنوی، محمّد اکرم غنیمت ملتمانی، حکایاتی به نظم از نعمت خان عالی، «حکایت پیر

---

۱ . در جلد هفتم فهرست رضوی، ص۲۷۴، تحت شماره ۴۴۹۲معرفی شده است.

۲ . نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشگاه تهران و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه ملک می‌باشد و این مثنوی را به سیّد یزدی نیز نسبت داده‌اند، رجوع شود به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۴، ص۲۷۵۳-۲۷۵۴.

خارکش» از ظهوری، قصایدی از عرفی از جمله«قصیده هراس و مماس»، قصایدی از رابط، نیازی، موسوی خان، میرزا علی رضا تجلّی، «بزمیّه» ارجمند بیک جنون، مثنوی از ظهوری در تعریف شاه عباس صفوی، «خریّه» از محمد قلی بیک سلیم، مثنویّات اسب و فیل از شاعران مختلف، قسمتی از شرفنامه نظامی گنجوی(نامه دارا به اسکندر، رفتن اسکندر نزد نوشابه...)، «حمله حیدری» از میرزا محمّد رفیع خان باذل مشهدی، حکایات مختلف در پند و اندرز(حکایت عمربن عبدالعزیز، زاغی که تقلید کبک نموده بود...) از نعمت خان عالی، و غیره.

(ص ۱۰۱-۴۱۵)

۱۴. «لیلی و مجنون» ملا مکتبی شیرازی(در گذشته ۹۱۶یا ۹۲۸یا ۹۴۱هـق.).

آغاز: «ای از احدیتت بر آغاز      خلق ازل و ابد هم آواز».

انجام: «سر در قدمش نهاد و جان داد». (ص۴۱۵-۴۵۵)

۱۵. منتخباتی از اشعار شاعران مختلف از جمله: محتشم کاشانی، هلالی جغتائی، میرزا جان سرور، خواجه حافظ شیرازی، عرفی شیرازی، شیخ علی کمره، عاجز، صائب تبریزی، قاسم انوار، کمال خجندی، میرزا داراب جویا، واقف، نظیری، کلیم، سلیم، وحید، وحشی بافقی، واهب قدسی، اسیر، ظهوری.

(ص۴۵۶-۱۵۳۰)

نستعلیق نسبهٔ خوش، متن ۱۴سطری، حاشیه چلیپایی در دوستون، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـق. کاتب: نامعلوم، محلِّ کتابت: شاه جهان آباد، کاغذ: نباتی، حاشیه داخلی زنگاری، کاغذ متن بعضاً افشان زر، دارای سه سرلوح و کتیبه مذهّب و مرصّع پرکار دارای ترنج و گلبرگهای ریز الوان، جداول اوراق به زر

و تحریردار و لاجورد، مصدّر به فهرست عناوین در ۳برگ، تعداد اوراق: ۷۶۳گ، ۲۹/۶×۱۷/۷، جلد: روغنی دورویه، برون: گل و بوته و سه مرغ در زمینه ابری قرمز، درون: گل و بوته زرّین در زمینه قرمز، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۵۳۲

مجموعه

(۱۲۱۱۴)

مشتمل است بر منشآت میرزا مهدی خان استرآبادی به شرح ذیل، که چندین بار تحت عنوان«انشاء الدرر» و با منشآت قائم مقام و امیر نظام چاپ سنگی شده است.

۱. دیباچه بیاض از مرحوم میرزا مهدی خان استرآبادی، منشی نادرشاه افشار، از مشاهیر نویسندگان سده ۱۲هـ.ق. که بر بیاض نواب رضا قلی میرزا انشاء نموده است.

آغاز: «بسمله، حبّذا این بیاض دل آرا که تذر و رنگین پر و بالیست».

انجام: «در سمت عقد دوام منخرط ساخت». (ص۲-۱۷)

۲. وقف نامه کتب.

آغاز: «فرايد ظريفه حمد و سپاس و ظرايف فريده شكر بيقياس».

انجام: «بدون قبض بکسی ندهند قلم نسخ بر قواعد وقفیت نکشند، الحمدلله الذی... جزآءً موفوراً».

۳. وقف نامه املاک و آسیا.

آغاز: «سپاس افزون از مکایله قیاس وقف مزرعه آلای».

انجام: «موجب سعادت اخروی تواند بود». (ص۲۷-۳۰)

۴. مکتوبات و منشآت، احتمالاً از میرزا مهدی استرآبادی.

- به میرزا سیف وزیر مازندران نوشته شده. (ص ۳۰-۳۲)

- شخصی از اهل استراباد اسبی گم کرده و درآن باب نوشته است. (ص۳۵-۳۸)

- رقعه که برای تحصیل خواجه سرا نوشته‌اند. (ص۳۸-۳۹)

- رقعه که به عزیزی نوشته‌اند. (ص ۳۹-۴۰)

- رقعه از جانب عزیزی به میرزا رحیم حکیم نوشته‌اند. (ص ۴۰-۴۱)

- مکتوبی که از جانب بیکلربیکی استرآباد به میرزا صادق برادر حکیم باشی نوشته.

(ص ۴۲-۴۵)

- به مرحوم ملاخلیل که از زیارت مشهد برگشته بود نوشته‌اند. (ص۴۶-۴۸)

- به موجب امیر همایون در حین محاصره بغداد از جانب ملاّ محمّدباقر استرآبادی مدّرس دارالسلطنه اصفهان به علمای بغداد نوشته‌اند. (ص۴۸-۵۲)

- در خصوص باغبان باشی گری میرزا محمّد مهدی ملقب به کوکب نوشته شده.

(ص ۵۲-۵۴)

- رقم صدارت به اسم میرزا ابراهیم نوشته شده. (ص۵۴-۵۵)

- رقم ایالت به اسم فتحعلی خان افشار نوشته. (ص۵۵-۵۶)

- نامه که از جانب شاه طهماسب به پادشاه هندوستان نوشته (ص۵۷-۶۵)

- رقم نظارت سرکار خاصه به اسم محمّد علی خان ولد امیر اصلان خان در ایّام شاه طهماسب نوشته.

(ص ۶۷-۶۹)

- فرمان به حسین خان قلچه نوشته شده. (ص۸۲-۸۴)

- فرمان آن که در خصوص فتح دارالسلطنه طهران نوشته‌اند.

(ص۹۴-۱۰۱)

- از طرف نصرالله میرزا به پادشاه هند نوشته شده. (ص۱۰۵-۱۰۶)

- نامه‌ای که بعد از فتح قندهار به پادشاه هندوستان نوشته شده.

(ص۱۲۱-۱۲۴)

- بعد از فتح هندوستان به شاه هندوستان نوشته است. (ص۱۲۴-۱۳۲)

آغاز: «والله یوتی ملکه من یشآء و الله واسع علیم، جواهر زواهر اثنیه طبیه

ولآلی متعالی ادعیّه قدسیه که در تلولو و بها، با دُرّ یکتای آفتاب».

انجام منشات: «مورد بیشه شدید و بازخواست عظیم نمایند».

- اشعاری از نوری، سعدی، دولت و«دستورات طبّی» در حاشیه منشات، نگاشته شده است.

۵. انشاء ملا خلیل وقاری.

آغاز: «بسمله، حضرت فیاض وجود و جود فایض الجود آن یگانه گوهر دریای فضل...».

انجام: «بتفقدات خسروانه مفتخر و مبتهج فرموده باشند تمت الکتاب...».

(ص۱۳۸-۲۱۲)

نستعلیق ۱۴-۱۵سطری، تاریخ کتابت: منشات میرزا مهدی خان ۱۲۳۴هـق. منشات وقاری۱۲۳۹ هـق. کاتب: عبدالصمّد ارومچی الاصل، ۱۰۶گ، ۲۳×۱۵/۵، عناوین به سُرخی، جلد: تیماج مشکی مستعمل، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی، در مردادماه ۱۳۶۱.

مجموعه

(۱۶۵۹۱)

نسخه از ابتدا و اواسط و انتها افتادگی دارد.

مشتمل است بر:

۱. «نصیحت نامه» از شاه نعمت الله ولی، به نثر توأم با نظم.

آغاز موجود: «ویاقوت مکلّل کرده بر سر او فرشته و نام علی بر او نوشته».

انجام: «کین نصیحت نعمت الله می‌کند». (ص ۱-۹)

۲. «رساله پیریه» از شاه نعمت الله ولی.

آغاز: «ای سالک راه حق تو را هرگاه این درد دین و محبّت پیدا شود».

انجام: «که هفتاد دو فرقه امّت محمّد صلی ا... شده‌اند همه باطل است».

(ص ۹-۱۳)

۳. قصیده‌ای از سیّد محمّد جان باز باختری که از دیوان وی انتخاب شده است.

آغاز: «الف الله الهی که علیمست و خبیر　　　از همه حالت خلقان ز صغیر و زکبیر».

انجام: «ی یگانه شو و در راه احد یکتا باش　　　یار احمد شو و مولای خداوند غدیر».

(ص ۱۳-۱۴)

۴. «مظهر العرفان» و غزلیّاتی از شاه نعمت الله ولی با تخلّص «نعمت الله» و «سیّد».

آغاز: «در دو عالم چون یکی دارنده اشیا بود　　　هریکی در ذات خود یکتای بیهمتا بود».

انجام موجود: «هر که رخسار تو بیند به گلستان نرود          هر که درد تو کشد از پی درمان نرود».

(ص۱۴-۲۲)

۵. «مناجات نامه»(الهی نامه) خواجه عبدالله انصاری(۳۹۶-۴۸۱هـ‍ق.)

آغاز موجود: «و ناظری چه گویم، الهی می‌بینی و می‌دانی و برآوردن می‌توانی».

انجام: «این نسخه سخنهای خوش و دلخواهست     پیوسته نصیب مردم آگاهست».

(ص۲۳-۳۱)

۶. چند حکایت از ذوالنّون مصری در پند و موعظه، و«تحفه الوزرا و السلاطین» از جلال الدّین محمّد اصفهانی(فقط یک برگ از آن). (ص۳۱-۳۴)

۷. «حقایق الاصول» از مؤلفی ناشناخته.

آغاز: «بسمله، حمد بیحد و ثنای بیعدد خداوند جهان آرای...»

انجام: «از انبیا که او امانت را به امّت خود رسانیدی». (ص۳۵-۷۲)

۸. «منازل السائرین» احتمالاً از محمّد هادی خراسانی در چندین فصل.

آغاز: «درخواست ایشان را اجابت کردم از خدای تعالی مدد و یاری خواستم».

انجام: «هر که شریعت را فرو گذارد البته پشیمان شود و پشیمانی سودی نداشته باشد».

(ص۷۳-۲۳۶)

۹. «رساله در بیان مقامات سالک» از برهان الدّین صوفی خوافی که در سال ۱۰۵۰هـ‍ق. نوشته است.

آغاز: «الحمدلله الذی خلق الانسان علّمه البیان... رساله ایست از جمله مؤلّفات حضرت شیخ المشایخ... صوفی الخوافی».

انجام: «یعنی تا سالک به مقام فنا نرسد تسلیم نگردد». (ص۲۳۶-۲۵۰)

۱۰. ترجیع بندی از شاه نعمت الله ولی و نیز قصیده‌ای در نعت دوازده امام علیهم‌السلام.

آغاز: «ای زمهرت دل خراب آباد          وز غمت جان دردمندان شاد».

انجام: «که سراسر جهان و هر چه دروست          عکس یک پرتو است از رخ دوست».

(ص۲۵۱-۲۵۴)

۱۱. «اوصاف الاشراف» از خواجه نصیرالدّین طوسی.

آغاز: «بسمله، سپاس بیقیاس بارخدایی را که بسبب آنکه هیچ عقلی را...».

انجام: «هرچه عقل به آن رسد جمله منتفی باشند...». (ص۲۵۶-۲۹۵)

۱۲. «غایۀ البیان لتحقیق ماهیۀ وجود الانسان». (ص۲۹۵-۳۰۵)

۱۳. «زاد المسافرین» امیر حسینی هروی، حسین بن عالم(-۷۱۸یا ۷۱۹هـ‍.ق.) مثنوی عرفانی در سیر و سلوک، در هشت مقاله که نسخه ما فرسوده شده و کامل نمی‌باشد.

آغاز: «ای اوّل تو ورای اوّل          حیران تو انبیای مرسل».

انجام موجود: «آنکس که بروی آب می‌رفت          دانست که ناصواب می‌رفت».

(ص۳۰۵-۳۲۶)

نستعلیق و نسخ مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۲۳۷هـ‍.ق. محل تحریر بعضی از رسائل: خواف، کاتب مناجات نامه: میراسماعیل ولد میر محمّد معصوم، دیگر کاتب: اسماعیل بن محمّد جعفر، کاغذ: آبی و شکری فرنگی، رطوبت رسیده، ۱۶۳گ، ۲۰/۷×۱۳/۵، جلد: مقوّایی، واقف: حاج حسین نمـایی در مهرماه ۱۳۶۷.

۵۳۴

مجموعه

(۱۳۲۷۲)

مشتمل است بر:

۱. «تهلیلات القرآن العظیم».

آغاز: «بسمله، والهکم اله واحدٌ لا اله الاّ هو...».

انجام: «اَمری الی الله ما شاءالله لاقوۀ الا بالله العلی العظیم».

۲. «تخمیس قصیده برده» به ترکی، متن از محمّد بن سعید بوصیری، تخمیس قصیده از سلیمان بن عبدالرّحمن نحیفی.

آغاز: «بسمله، حمد و سپاس و شکر بی‌قیاس اوّل خالق لوح و قلم و موجد عالم اولان صانع قدیر».

انجام: «والصلوۀ والسلام علی رسوله سیّد الانام و علی اله الکرام و اصحابه العظام... والحمدالله رب العالمین».

نسخ۱۵سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۳۷هـق. کاتب: علی الکریدی، کاغذ: شکری، عناوین و جداول اوراق به سرخی، دارای یک سرلوح کم کار و ابتدایی، ۳۷گ، ۱۲/۵×۷، جلد: مقوّایی با روکش پارچه‌ای، خریداری آستان قدس در آبان ماه ۶۲.

۵۳۵

مجموعه

(۱۲۸۹۷)

مشتمل است بر:

۱. کتاب«حیوة النفس فی حظیرة القدس» در کلام و عقاید. از شیخ احمدبن زین الـدّین احسـائی(-۱۲۴۱هـ‍ق.) (به عربی)

۲. ترجمه دعای صباح حضرت علی(ع) از محمّد المدعّو به قطب الدّین حسینی و فصل پنجم«نفایس الفنون» و مسائل متفرقه.

۳. نان و حلوای شیخ بهاء الدّین محمّد عاملی متخلّص به«بهایی» (-۱۰۳۰هـ‍ق.) در ذکرسوانح سفر حجاز، که چندین بار چاپ گردیده است.

آغاز: «بسمله، ایها اللاهی عن العهد القدیم ایها السّاهی عن النهج القویم».

انجام: «چون نهان گردد تنم در خاک و خشت درگذر از هرچه کردم خوب و زشت».

(ص۸۶-۱۰۱)

۴. شرح قصیده میرفندرسکی، از محمّد صالح خلخالی(-۱۱۷۵هـ‍ق.) این نسخه کامل بـوده و دارای مقدمه می‌باشد و در این فهرست تحت شماره«۱۵۰۵۹» معرفی شد.

آغاز: «بسمله، ای انکه بجز تونیست در هر دو جهان برتر زخیال و مبّرا ز گمان».

انجام: «بعد از آن راهی باین معانی بتوفیق الله تعالی می‌توان یافت».

(ص۱۰۴-۱۳۲)

۵. «اوصاف الاشراف» از خواجه نصیرالدّین طوسی که در بخش عرفان فهرست خواهدشد.

۶. «کلمات الطیبات» موسوم به«نثر اللئالی» کلام امیر المومنین علی علیه‌السلام.

آغاز: «من کلام امام المتقین امیرالمؤمنین(ع)، ایمان المرء یعرف بایمانه، اخـوان هـذالزمان جواسـیس العیوب».

انجام: «یبلغ المرء بالصدق الی منازل الابرار».

نسخ و نستعلیق مختلف السطر و به طرز چلیپایی، تاریخ کتابت: شعبان المعظّم ۱۲۴۱، کاغذ: نخـودی، عناوین به شنگرف، ۸۵گ، ۱۵/۸×۱۰/۴، جلد: تیماج مشکی مستعمل، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۵۳۶

مجموعه

(۱۶۶۶۶)

مشتمل است بر:

۱. «بحر طویل» که به علّت افتادگی از ابتدا، ناظم آن شناخته نشد.

آغاز: «بسمله، طوطی خوش سخن منطقی ناطقه گویاست بتحمید کریمی که سر زلف عروسان سخن را کند از شانه اشعار پریشان و سر و کاکل خوبان چمن را کند از پنجه اشجار نمایان».

انجام: «کف صدق فقیر و فقرا و فضلا و شعرا... زکف مطلب آمین و دعا را».

(ص ۱-۲۰)

۲. منظومه‌ای از ملاّ پریشان[۱]، در بیان مسائل حکمی و اخلاقی از ائمه علیهم‌السلام که ابیات آن به زبان کردی و عربی و فارسی می‌باشد.

---

۱ . ناظم احتمالاً مرتضی قلی بیک پریشان قراگوزلو می‌باشد.

آغاز: «من ژبسم الله ابتدا یکم من ژ بسم الله

پریشان نامه ذکر می‌کنم لله...».

انجام موجود: «قیلان خوشا بحالتان بو جام شهادت کورتان بو».

(ص۲۲-۹۲)

۳. مثنوی از غریب لاری، در بحر هزج(مفاعیلن...) در بیان مطالب اخلاقی از جمله: سلوک با خلق، عیب پوشیدن، در سلوک با عیال(از اواخر افتادگی دارد) و اشعار آن از استحکام برخوردار نیست.

آغاز: «از آنچه دادی[و] بخوردی بگو غیر از کفن دیگر چه بردی

که بر انداخت خانمان‌ها را گوش کن تا بگویم آنها را».

انجام: «... مرا هم فرح باشد هم ذکر ای شاه اژدر در».

در خاتمه می‌گوید: «بعرض دوستان غیب شاهد مراین را میرساند عید واحد

که آنچه اندر این منظومه گفتم یکی را پیش خود اصلاً نگفتم

تمامی هست از نص قرآن دیگر قول نبی و هم امامان».

(ص۹۳-۱۲۶)

در انتهای نسخه منظومه‌ای چاپی و مصوّر از بابا غیبی به نام«فردوسی مشروطه» ضمیمه است.

نستعلیق و شکسته نستعلیق کتابتی مختلف السطر، تاریخ کتابت: جمادی الاولی تا جمادی الثانی ۱۲۴۱، کاغذ: نخودی و مشقی خطدار، عناوین بحر طویل به شنگرف، ۶۳گ، ۱۷/۵×۱۰/۵، جلد: ندارد، خریداری آستان قدس رضوی در دی ماه ۱۳۶۷.

مجموعه

(۱۱۴۷۸)

مشتمل است بر:

۱. نبراس الضیاء فی معنی البداء در کلام از میر محمّد باقر داماد(- ۱۰۴۰هـق.)

۲. دعوات الاسماء در حکمت و عرفان، احتمالاً از شهاب الدین سهروردی.

۳. ابطال الزمان الموهوم در حکمت از اسمعیل بن محمّد حسین خواجوئی(-۱۱۷۳هـق.)

۴. مثنوی«گلشن راز» از شیخ محمود شبستری. (نسخه کامل است)

آغاز و انجام: مانند پیش. (ص۱۲۴-۱۳۸)

نسخ و نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: جمادی الاولی سنه ۱۲۴۲، محلِّ کتابت: قریه سادات محله تنکابن، کاتب: علی بن محمّد حسین حسینی، کاغذ: شکری فرنگی، عناوین به شنگرف، ۱۰۷گ، ۱۵×۱۰/۳، جلد: تیماج قهوه‌ای، واقف: شیخ عبدالله نورانی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۲.

۵۳۸

مجموعه

(۱۶۶۱۱)

مشتمل است بر:

۱. «شرح قصیده میرفندرسکی» (-۱۰۵۰هـق.) از محمّد صالح بن سعید خلخالی(-۱۱۷۵هـق.) می-باشد.

آغاز: «بسمله، ای آنکه جز تو نیست در هر دو جهان».

انجام: «در نظرش واهی و بی‌ربط مینماید و فقنا الله و ایاکم... الی یوم الدین».

(ص ۲-۵۳)

۲. «ترجمه الشیعه» از ملاّ محسن فیض کاشانی(۱۶-۱۰۹۱هـق.) و«ترجمه الشریعه و فضیلة الشریعه» نیز نامیده شده است. نگارنده به دستور شاه عباس دوم در سال ۱۰۵۵در هشت در، در معنی شریعت و کیفیّت سلوک راه حق و بهشت و... ساخته است.

آغاز: «سپاس بیحد و ستایش بیعد خداوند کریمی را سزاست».

انجام موجود: «در حدیث آمده که هم رسول الله صلی الله علیه و آله... منازلهم کانوا». (ص۵۴-۹۲)

۳. «تحقیق و تدقیق فی مفهوم لفظ الله» از ملاّ صدرا، صدرالدّین شیرازی، محمّد بن ابراهیم(-۱۰۵۰هـق.)

آغاز: «بسمله و به ثقتی، اعلم ان الحق ان مفهوم لفظ الله احد لان معناه الموضوع».

انجام: «فی ذات القیوم بذاته قاله الفاضل الکامل الجامع...».

(ص۹۷-۱۰۳)

۴. از تحقیقات آقا حسین خوانساری(۱۰۱۶-۱۰۹۸هـق.) در باره ارض...

آغاز: «بسمله، الحمدلله حمدا کثیر... هذا تحقیق مسئله مهمه صورتها انه اذا ضربت الارض المملوکة...».

انجام: «لایقتضی... انی ما ذکرنا والله...». (ص۱۱۲-۱۱۹)

۵. تفسیر سوره توحید(اخلاص)، منسوب به ابن سینا، حسین بن عبدالله(-۴۲۸هـق.)

آغاز: «بسمله، قال الامام الرئیس ابو علی بن سینا قوله تع قل هو الله المطلق هو الذی».

انجام: «السورة معادلة لثلث القرآن فهذا ما وقفت علیه من هذه السورة...».

(ص۱۲۰-۱۳۵)

۶. غزلیّات حافظ که مرتّب و به ترتیب حروف تهجی نوشته نشده است.

آغاز: «ترا آن به که روی خود زمشتاقان بپوشانی».

انجام: «چشم خیری عجب از بیخبران میداری». (ص۱۳۶-۲۳۶)

۷. «قصیده عینیّه» سیّد اسماعیل حمیری.(۱۰۵-۱۵۷هـق.)

آغاز: «بسمله، حکی فضیل بن عبد ربه انه قال دخلت علی الامام موسی بن جعفر علیه‌السلام».

انجام: «و صنوة حیدر الاصلع تمت هذه القصیده». (ص۲۳۷-۲۴۴)

۸. احادیث منتخب از جامع الاخبار.

آغاز: «الفضل السابع و الستون فی تقلیم الاظفار قال الله تعـ یا بنی آدم خذوا زینتکم...».

انجام موجود: «فی کل مدینة الف الف قصر من الذهب الاحمر...».

(ص۲۴۵-۲۵۲)

نستعلیق و نسخ۱۵سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۴۵-۱۲۴۶هـق. کاتب: علی محمّد بن محمّـد شـاهزلی قاینی خراسانی، کاغذ: الوان، عناوین به سرخی، ۱۲۶گ، ۱۶/۲×۱۰/۳، جلد: مقوّایی مستعمل، واقف: حاج حسین نمایی در مهرماه ۱۳۶۷.

۵۳۹

مجموعه

(۱۲۹۳۰)

مشتمل است بر:

۱. «گنجینه نشاط»[1] دارای دُرج اوّل(مقدمه و مثنویّات) و درج پنجم(تشبیهات نثری و غزلیّات و زباعیّات) که به وسیله دو کاتب نوشته شده و از ابتدا یک برگ و از اواسط افتادگی دارد.

آغاز موجود: «در آینه دیدم در طلب قرب تو بود اگر تقرب بصورت گزیدم».

انجام: «که عاقل نه یندیشد از قیل قال          نکوید سخن تا نه بیند مجال(کذ)».

(ص۱-۱۶۴)

۲. مثنوی«فرهاد و شیرین» از وحشی بافقی(از انتها ده برگ سقط شده است.)

آغاز: «بسمله، الهی سینه‌ای ده آتش افروز».

انجام موجود: «بکوشید و رضای من بپوئید». (ص۱۷۰-۲۰۰)

۳. ترجمه منظوم چهل حدیث(«اربعین») از عبدالرحمن جامی.

آغاز: «هرکسی را لقب مکن مؤمن          که چه از سعی جان و تن کاهد».

انجام: «نبود از فضل حق عجیب و غریب  که بدین اربعین رسی بوصول».

(ص۲۰۲۲۰۷)

۴. رباعیّات متفرقه و قصیده‌ای از سراج الدّین قمری(اوراق وصالی و بعضی نوشته‌ها زایل شده)

(ص۲۰۸-۲۱۳)

۵. «مناجات»[2] خواجه عبدالله انصاری(۳۹۶-۴۸۱هـ.ق.)

آغاز: «بسمله، حمدله، ای زدردت خستگان را بوی درمان آمده».

انجام: «زمره دل ساده‌اند».

---

۱ . در همین  فهرست معرفی شده است.

۲ . در همین فهرست معرفی شده و تحت عنوان«الهی نامه» و«مناجات و نصایح» نیز آمده است.

(ص۲۱۴-۲۳۷)

شکسته نستعلیق و نستعلیق تحریری مختلف السطر، تاریخ کتابت گنجینه نشاط: ۱۲۶۹، ترجمه منظومه اربعین حدیث جامی: ۱۲۹۴، مناجات: ۱۲۴۸هـ.ق. کاتبان: علینقی، احمد، محمّد حسن، ابوالقاسم بن سیّد باقر، کاغذ: نخودی، ۱۱۹گ، ۲۱×۱۲/۵، جلد: مقوّایی با روکش مشمع قهوه‌ای با عطف و گوشه میشن، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه۱۳۴۸.

۵۴۰

مجموعه

(۱۲۲۶۰)

مشتمل است بر:

۱. رساله در«رفع شبهه ابن کمونه» که مؤلف در چند جای رساله به نام«لمعه اشراقیه» یاد کرده است. و مؤلّف احتمالاً«محمّد باقر زنجانی» کاتب نسخه می‌باشد.

(ص۲-۵۶)

۲. رساله در«تحقیق وجود» از آخوند ملاّ رجب علی تبریزی.

(ص۵۷-۶۵)

۳. «لب لباب معنوی» از کمال الدّین حسین بن علی کاشفی(-۹۱۰هـ.ق.) که خلاصه مثنوی معنوی مولوی می‌باشد(نسخه کامل است).

آغاز: «بسمله، بعد از تقدیم وظایف ثنای حضرت واجب الوجود عم جوده».

انجام: «عشق بازان را از این ماء معین      فیض ده آمین یا رب العالمین».

(ص ۶۶-۳۷۵)

۴. بعضی از «غزلیّات و رباعیّات» مولانا حسین واعظ کاشفی.

آغاز: «ای غنی از نیاز وناز همه کرم تُست کار ساز همه».

انجام: «با ذات تو وز روی تحقق همه عین».

(ص ۳۷۶-۳۸۷)

۵. تعدادی از «غزلیّات» عرفی شیرازی.

آغاز: «خبری خواهم از آن کوی که اعزازی هست».

انجام: «راه حساب گاه قیامت که میبرد گرد غمت اگر نشیند بر اه ماه».

(ص ۳۸۸-۳۹۰)

۶. در حکایت و مسائل متفرقه، دو برگی از سیّد کاظم رشتی، روایات و احادیث منتخب از حیوة القلوب مجلسی، در بیان اراده و غیره.

(ص ۳۹۲-۴۲۷)

۷. رساله در «احوال الانسان و ذکر الاجسام و الاجساد» از احمد بن زین الدّین احسائی (به عربی).

(ص ۴۲۸-۴۳۳)

۸. قیصده‌ای از کاتب نسخه محمّد باقر زنجانی با تخلّص «سالک» که ناظم این قصیده را برای خوف از زلزله، در ربیع الثانی ۱۲۵۹، سروده است.

آغاز: «گلشن آراسته چون صفحه انگلیین است خاصه این فصل فرح بخش که فروردین است».

انجام: «سالکا گلشن ایمن ز خزان دانی چیست      گلشن و طبع تو و گلشن حورالعین است».

(ص ۴۳۴-۴۳۶)

۹. رساله درباره«حادث و تشبیه به سراج» از سیّد کاظم رشتی، در انتها آمده است:

«روزی که جز وفات پادشاه عالم محمّد شاه رضی الله عنه نرسیده مردم در اضطراب بودند در پانزده شوال ۱۲۶۴». (۴۳۷-۴۴۷)

۱۰. پند و موعظه در چند فصل بطور مختصر و مسائل متفرقه.

(ص ۴۴۷-۴۵۸)

نستعلیق تحریری مختلف السطر، تاریخ کتابت: رفع شبهه ابن کمونه: رمضان المبارک ۱۲۵۲، رساله در تحقیق وجود: ۱۲۵۳، لب لباب معنوی: محرم الحرام ۱۲۵۳، حکایات و مسائل متفرقه منتخب حیـوۀ القلوب: ربیع الاول تا ربیع الاخر ۱۲۵۳، رساله در احوال الانسان: ذیحجۀ الحرام ۱۲۵۵، تاریخ کتابت و نظم قصیده کاتب: ربیع الثانی ۱۲۵۹، محلِّ کتابت: زنجان، کاتب: محمـدباقر زنجـانی مـتخلّص بـه سالک، کاغذ: نخودی و شکری فرنگی، ۲۳۰گ، ۲۰/۵×۱۴/۵، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی مستعمل، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۵۴۱

مجموعه

(۱۶۳۷۸)

مشتمل است بر:

۱. مثنوی«گلشن راز» از شیخ محمود بن عبدالکریم شبستری(-۷۲۰هـ.ق.)

آغاز: «بسمله، بنام آنکه جانرا فکرت آموخت».

انجام: «الهی عاقبت محمود گردان». (ص ۲-۷۳)

۲. «شرح حدیث کنتُ کنزا مخفیا» از شیخ نجم الدّین کبری، احمدبن محمّد بن عمر خیوقی خوارزمی(-۶۱۷یا ۶۱۸هـ.ق.)

آغاز: «بسمله، الله لا اله الا هو، درود بیحد بر آن ظهور که شهود ذات و مقصود صفاتست».

انجام: «در آسیای معرفت بسای و بدست توکّل غولله بند و در دریای معرفت پرتاب کن و لایُشرک بعبادهٔ ربه احداً».

(ص ۷۶-۱۴۷)

۳. «حق الیقین فی معرفهٔ رب العالمین»[1] از شیخ محمود بن عبدالکریم شبستری(-۷۲۰هـ.ق.)

آغاز: «بسمله و به نستعین، ای پیداتر از هر پیدایی و ای آشکارتر از هر هویدایی».

انجام: «و نقطه عین وحدت مِنه بَدَءَ و الیه تعودُ هو الاول و الاخر».

(ص ۱۵۰-۱۹۴)

۴. «اوصاف الاشراف» از خواجه نصیرالدّین محمّد بن محمّد طوسی(۵۹۷-۶۷۲هـ.ق.) در شش باب و هر بابی مشتمل بر ۶فصل در ایمان و ثبات و نیّت و غیره.

آغاز: «بسمله، سپاس بی‌قیاس بار خدائیرا که هیچ عقل را قوهٔ اطلاع بر حقیقت او نیست».

انجام: «و اینجا سخن منقطع شد والسلام...».

(ص ۱۹۶-۲۴۹)

---

۱ . یک نسخه در ج۴، ص۹۴ فهرست معرفی شده است.

۵. رساله«تجارت» منتخب از«مرصاد العباد» شیخ نجم الدّین رازی[1]، ابوبکر عبـدالله بـن محمـد بـن شاهاور بن انوشیروان بن ابی النجیب الاسدی رازی(۵۷۳-۶۵۴هـق.) است در ۵برگ.

آغاز: «بسمله،... امّا بعد این فصلی است در بیان احوال تجّار و طریق تجارت».

انجام: «پیوسته در آن بود که تا آخر کار          زین دام بلا چگونه بیرون گذرد».

(ص ۲۵۰-۲۵۷)

۶. «تباشیر»[2] از آخوند کرباسی یزدی(متولد ۱۰۸۰هـق.) بنا به اظهار خودش در کتاب) که گفتاری درباره معرفهٔ میزان الله می‌باشد.

آغاز: «بسمله، الحمدلله الذی جعلنی من امهٔ محمّد صلی الله علیه و اله... شب جمعـه نـوزدهم شـهر جمادی الثانیه هزار و صد و پنجاه و یک که قمر در جوزا...».

انجام: «و هو علی کل شی قدیر».

(ص ۲۶۰-۳۰۸)

۷. «مقصد اقصی» در معرفت ذات و صفات باری تعالی و ولایت و نبوّت و مبدأ و معاد و سیر و سلوک از عزیز الدّین بن محمد نسفی از مشاهیر عرفای سده ۷هـق. (وفات بین ۶۸۰ تا ۷۰۰) و از پیروان معروف سعدالدّین حمویه(۵۸۶-۶۴۹هـق.) می‌باشد. (نسخه از انتها افتادگی دارد.)

آغاز: «بسمله،... چنین گوید اضعف ضعفا و خادم فقرا عزیزبن محمّد نسفی که جماعتی از درویشان».

انجام موجود: «نامش جذبه است و انچه از طرف بنده است نامش میل است.»

---

۱ . در نسخه مؤلّف شیخ نجم الدین کبری ذکر شده که اشتباه است.

۲ . در نسخه عنوان آن«رساله فی المیزان الله» آورده شده است.

نسخ خوش ۱۵سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۵۹هـ.ق. کاتب: محمّدباقر خوانساری، کاغذ: نخودی و نباتی، عناوین به شنگرف، ۱۶۴گ، ۲۰×۱۲، جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۵۴۲

مجموعه

(۱۴۲۵۴)

مشتمل است بر:

۱. «حق الیقین فی معرفة رب العالمین» در عرفان از شیخ محمود شبستری(-۷۲۰هـ.ق.)

آغاز و انجام: مانند شماره پیش.

۲. مثنوی«گلشن راز» مانند پیش.

نسخه کامل است.

(ص۵۴-۱۱۷)

۳. رساله«نور وحدت» در عرفان از خواجه عبدالله حورا مغربی که در سال ۱۰۵۳هـ.ق. نگاشته است.

۴. «انیس العشاق» وصف سراپای معشوق می‌باشد از شرف الدّین حسن بن محمّد رامی تبریزی(-۷۹۵هـ.ق.) که در سال ۷۷۷تألیف نموده است.

آغاز: «بسمله، حمد بیحد و سپاس بیقیاس بیعد خالقی را علت کلمته که در مبدء خلقت...».

انجام: «سخن ارباب قلوب در دل سوختگان آتش عشق گرمتر می‌گردد و هوالعالم بحقایق الامور».

(ص۱۴۰-۱۹۷)

۵. «قصیده یائیه» ابوالقاسم میرفندرسکی استرآبادی(–۱۰۵۰هـق.)

آغاز: «چرخ با این اختران نغز و خوش زیباستی...».

(ص۱۹۸–۲۰۴)

۶. رساله«مرآت المحقّقین» در عرفان از شیخ محمود شبستری.

آغاز: «بسمله، بدان اعزّک الله فی الدارین که این مختصر رساله‌ایست در بیان نفس و علم خداشناسی».

(ص۲۰۴–۲۴۳)

۷. ترجیع بند معروف هاتف اصفهانی و رباعیّاتی از جلال الدّین محمّد مولوی، باباطاهر، ابوسعید ابوالخیر، بابا افضل کاشی.

آغاز: «ای فدای تو هم دل و هم جان          وی نثار رهت همین و همان».

انجام: «مردی نبود فتاده را پای زدن          گر دستِ فتاده را بگیری مردی».

(ص۲۴۴–۲۵۵)

نسخ ۱۷سطری، تاریخ کتابت: شوال المکرم۱۲۵۹ تا محرم الحرام۱۲۶۰، کاتب: محمّد باقر، کاغذ: حنایی، عناوین به سرخی، ۱۲۸گ، ۱۶/۵×۱۰/۲، جلد: تیماج مشکی جدول بندی شده، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۵۴۳

مجموعه

(۱۴۳۳۲)

شامل رساله‌های زیر می‌باشد:

۱. «رساله الشیرازیه» در عقاید از سیّد کاظم رشتی(-۱۲۵۹هـق.)

۲. منتخبی از کتاب«الشافی من الوافی».

۳. بابی در علامات ظهور امام زمان علیه‌السلام و خطبه عیدفطر.

۴. کتاب«قانونچه در طب» از محمود بن عمر چغمینی.

۵. در بیان«حدیث مروی از حضرت علی علیه‌السلام».

۶. «مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه» منسوب به امام جعفر صادق علیه‌السلام.

۷. «نان و حلوا» مثنوی فارسی، از شیخ بهاءالدین محمّد بهایی عاملی، در ذکر سفر حجاز.

آغاز: مانند پیش(مجموعه شماره ۱۲۸۹۷).

انجام: «هر که نبود مبتلای ماه رو          اسم آن از لوح انسانی بشو».

(ص ۳۷۲-۳۹۶)

۸. رساله«ظاهر و باطن تأویل» در فقه از سیّد کاظم بن سیّد قاسم رشتی(-۱۲۵۹هـق.)

۹. رساله در بیان«صبغ العقود و الایقاعات» از محمّد جعفر بن سیف الدّین استرآبادی(-۱۲۶۳هـق.)

نسخ ۱۵سطری، تاریخ کتابت: ۱۵شعبان المعظم ۱۲۶۰، کاتب: سیّد احمد، کاغذ: شکری فرنگی، عناوین به سرخی، ۲۱۶گ، ۲۱/۲×۱۵/۲، جلد: تیماج مشکی مستعمل، واقف: سیّد محمّد باقر سبزواری در محرم الحرام۱۴۰۵.

۵۴۴

مجموعه

(۱۱۰۶۴)

مشتمل است بر رساله‌های زیر:

۱. «صد کلمه قصار»[1] از حضرت علی علیه‌السّلام، منتخب ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ(۱۵۰-۲۵۵هـق.) که بوسیله عادل بن علی حافظ قاری خراسانی از شعرای دوره صفویه(سده دهم هجری) ترجمه و آن را به نظم درآورده است.[2]

آغاز: «بسمله، بهترین هر کلام ای نور چشم مردمان          هست نام خالق بسیار بخش مهربان».

انجام: «اللهم اغفر رمزات الالحاظ و الفقرا یحاسب حساب الاغنیاء».

(ص۲-۲۱)

۲. «مناجات و نصایح» یا«الهی نامه» از خواجه عبدالله انصاری.[3]

آغاز: «بسمله، الحمدلله... ای ز دردت خستگانرا بوی درمان آمده».

انجام: «و زمره دل ساده‌اند ختم بالخیر». (ص۲۲-۴۸)

۳. «رباعیّات باباطاهر عریان». (ص۴۸-۵۱)

۴. «رباعیّات منسوب به شیخ ابوسعید ابوالخیر». (ص۵۱-۵۳)

۵. «خلاصهٔ الخمسه» یا«پندهای پنج گنج»[4].

از خمسه نظامی انتخاب و برسی و هفت باب تقسیم شده است. نسخه ناقص است و کاتب بعضی از بخشهای آن را حذف کرده و تا باب بیست و هفتم«در تسکین غم و الم بامید راحت» می‌باشد.

---

۱ . صد کلمه قصار به نام«صد کلمه منظوم» نیز معرفی شده است. ر.ک. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج۲، ص۱۶۴۳.

۲ . دو نسخه دیگر تحت شماره‌های«۱۷۲۹» و«۱۷۳۰» از همین ناظم موجود می‌باشد و همین«صدکلمه» منتخب جاحظ، نسخه‌های دیگری که به وسیله رشید و طواط به نظم و نثر شرح شده، تحت عنوان«مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب» معرفی شده است.

۳ . ذیل نسخه«حسن و دل» همین فهرست معرفی شده است.

۴ . یک نسخه درج ۷، ص۲۶۹، و دو نسخه در ج۹، ص۱۱۸ و۳۲۵ و در همین فهرست حاضر تحت عنوان«مجموعه شماره ۱۳۴۲۴» معرفی شده است.

آغاز: «بر اصحاب دولت و ارباب مکنت واجب و لازمست».

انجام موجود: «فلک چون کارسازیها نماید          نخست از پرده بازیها نماید».

(ص۵۸-۱۰۰)

۶. «مثنوی عرفانی» بر وزن مثنوی مولوی(بحر رمل مسدّس مقصور یا محذوف) با حکایاتی پندآموز و مضامین ذیل:

«بیان نفس، دل، روح، عقل، تصوّف، مقام توبه، ورع، رضا و تسلیم، توکل، صحبت بیان انس، قبض و بسط، فنا و بقا، جمع و تفرقه، تجرید و تفرید، سهو و سُکر»، که با توجه به این خصوصیات احتمالاً مثنوی«کنز الرموز» بوده که از سیّد رکن الدّین حسین بن عالم بن حسن حسینی غوری هروی معروف به امیر حسینی یا سادات حسینی از بزرگان عرفای سده هفتم و هشتم و از جمله شاعران و نویسندگان معروف پارسی‌گوی با تخلّص شعری«حسینی» می‌باشد.[1]

آغاز موجود: «ای یگانه چند ازین نفس دویی          طالب خودشو که این جمله توئی».

انجام: «چون بدانستم که حسرت در ره است          پس یقینم شد که خواموشی به است».

(ص۱۰۲-۱۴۵)

۷. «شرح رباعیات» منسوب به ابوسعید ابوالخیر، درباره خواصّ و آداب و شرایط خواندن، از شارحی ناشناخته و نیز رباعیّاتی مورد استفاده برای«گشایش کار، شفا، توبه، دفع بیماری و غیره».

آغاز: «بدان ایدک الله تعالی فی الدارین که این رباعیّات حضرت سلطان... این رساله گوگرد احمر است و در وصول بسعادت و حصول مدعیّات».

---

۱ . ر.ک. تاریخ ادبیات صفا، ج۳، ص۷۵۶.

انجام: «بجهۀ گشایش مهمات بخواند؛ بکار ما چه درنگ است یا علی مرتضی».

(ص۱۴۶-۱۶۵)

۸. «انتخاب منتخب حدیقه الحقیقه» که شرح آن گذشت. (ص۱۶۶-۲۳۴)

۹. چهار غزل از مرحوم فیض که در انتهای نسخه ضمیمه می‌باشد.

آغاز: «حسن رخ مهرویان از روی تومیبینم          دلجویی دلبر از خوبی تو می‌بینم».

انجام: «در هجر تو سوخت فیض را دل          او را تو میان جان کجائی».

نستعلیق و نسخ مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۲۷۰هـ.ق. کاتب: محمّد حسن، کاغذ: نباتی، عناوین به سرخی، ۱۱۹گ(بدون اوراق نانوشته)، ۱۷×۱۰/۵، جلد: تیماج یک لا خرمایی، واقف: حاج آقا محمّد ایرانی مجّرد در بهمن ماه ۱۳۵۰.

۵۴۵

مجموعه

(۱۴۲۷۷)

مشتمل است بر یک کتاب و دو رساله در علم عروض و بدیع و قافیه و صنایع شعری به شرح زیر:

۱. «حداوق السحر فی دقایق الشعر» از رشید و طواط(-۵۷۳هـ.ق.) نسخه ما ناقص است(تا ابتدای تنسیق الصفات بوده و حدود۱/۳ آن نوشته نشده است).

آغاز: مانند پیش.

انجام موجود: «مثالی دیگر از قول رسول علیه افضل الصلوۀ و اکمل التحیات».

(ص۱-۵۶)

۲. «عروض سیفی»[1] از سیفی بخارایی عروضی از سرایندگان روزگار امیرعلی شیرنوایی(۸۴۴-۹۰۶هـ.ق.) که به هرات آمده سپس به بخارا مراجعت نموده و در آنجا درگذشته است.

آغاز: «الحمدلله الذی جعل علم العروض میزان الاشعار...امّا بعد بدانکه باعث بدین تألیف آنکه».

انجام: «و شک نیست که این مصراع را چنین تقطیع می‌توان کرد که العاش مفعولٌ، قفی هوا مفاعلن، کسا هنسا مفاعیلن، هر فع، و الحمدلله...».

۳. رساله در قافیه[2].

رساله‌ای است در قافیه از میرعطاء الله بن محمود الحسینی نیشابوری متخلّص به«عطایی»(-۹۱۹هـ.ق.) مکّرر و مذکور در همین فهرست.

آغاز: «سپاس بیقیاس صانعیرا که تأسیس بدایع مصنوعات و نظم سلسله موجودات را».

انجام: «مشابه حال آنکس بود، او را ردیف نام کردند. رباعی. قدتم رسالتی بعون الوهاب».

(ص ۱۶۰-۱۹۷)

نستعلیق آمیخته به شکسته خوش(حدائق السحر) و نستعلیق(عروض سیفی و رساله در قافیه) تاریخ کتابت عروض سیفی: ۱۳۱۱هـ.ق. رساله در قافیه: ۲۳ربیع الاوّل ۱۲۶۷، کاتب: اسحاق حسینی، کاغذ: نباتی، عناوین به شنگرف، ۹۹گ، ۲۱×۱۴/۷، جلد: پارچه‌ای با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرمالحرام۱۴۰۵.



۱ . یک نسخه در ج۷، ص۶۴۷، فهرست معرفی شده و نیز درج۹، ص۳۳۴ نسخه‌ای از مجموعه شماره ۱۰۷۱۹به نام«عروض سیفی» معرفی شده که چون مؤلف به استثنای مقدّمه و دیباچه و برخی از مطالب مختصر و کوتاه عیناً و لفظ به لفظ از عروض سیفی نقل کرده، به همین جهت آن را سهواً«عروض سیفی» پنداشته‌اند و مطالب آن از عروض سیفی خیلی کمتر و بسیار مختصرتر است و مؤلف آن شناخته نشد.

۲ . در شناسنامه و فهارس به نام«رساله در عروض و قافیه» و«رسالهٔ القافیه»، «منتخب مقطع تکمیل الصناعه» نیز نامیده شده است.

مجموعه

(۱۲۶۸۱)

مشتمل است بر رسائل زیر:

۱. «انوار الحکمۀ»[1] به فارسی در اخلاق عرفانی با عنوانهای کلمه، نکته، پند، حدیث و موعظه از یوسف یوسف بن محمّد بن یوسفی هروی پزشک(زنده در ۹۴۲هـ.ق.) و همچنین این گفتار را از غزالی دانسته شده، (نسخه ما ناتمام مانده است). (ص۲-۱۶)

۲. «کبریت احمر» ادّعیه و اوراد موظّفه از محمّد تقی مظفر علی شاه کرمانی(-۱۲۱۵هـ.ق.) (ص۱۸-۳۳)

۳. «انتخاب منتخب حدیقۀ الحقیقه»(مکرّر و مذکور در فهرست حاضر).

(ص۳۴-۷۶)

۴. «شرح نبراس الهُدی» به عربی، در فقه از حاج ملاّ هادی سبزواری(-۱۲۸۹هـ.ق.)

(ص۷۸-۱۲۵)

۵. اشعاری منتخب از مولوی و جامی. (ص۱۲۸-۱۳۳)

۶. «شرح کلمات بابا طاهر عریان همدانی[2]» به عربی در معارف و توحید، شارح عین القضاۀ ابوالمعالی عبدالله بن محمّد همدانی(-۵۲۵یا ۵۳۳ هـ.ق.)

(ص۱۳۴-۲۸۰)

---

۱ . یک نسخه در ج۶، ص۳۸۸ فهرست رضوی معرفی شده است.

۲ . یک نسخه درج۴، ص۱۹۱ فهرست معرفی شده است.

نسخ و نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۵و۱۶سطری و به طرز چلیپایی، تاریخ کتابت: ۱۲۷۱هـق. محلّ کتابت: اصفهان، کاتب: محمّد بن حاج رجبعلی یزدی اردکانی، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۱۵۷گ، ۱۰/۵×۱۷/۲، جلد: تیماج اسقاطی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸

۵۴۷

مجموعه

(۱۴۳۴۱)

مشتمل است بر:

۱. «روشنایی نامه» از ناصر خسرو قبادیانی(۳۹۴-۴۸۰هـق) مثنوی است در بحر هزج، در وعظ و پند و حکمت که چندین بار مستقل و با دیوان چاپ گردیده است.

نسخه از ابتدا دو سه برگ افتادگی دارد.

آغاز: «بسمله، بنام کردکار پاک داور — که هست از فهم و عقل و فکر برتر».

انجام: «بدین نادانی و عجزم ببخشای — مرا از فضل راه راست بنمای».

(ص۲-۲۵)

۲. «سعادت نامه» مثنوی دیگری از ناصر خسرو در بحر هزج در پند و حکمت، نسخه ما دارای ۲۶۰بیت است، و این مثنوی به سال ۸۸۰م. به اهتمام فاگنان فرانسوی به چاپ رسیده است.

آغاز: «دلا همواره تسلیم رضا باش — بهر حالی که هستی با خدا باش».

انجام: «سعادت یار خواهی در همه کار — سخنهای شریف از گوش مگذار».

(ص۲۷-۴۱)

۳. «زادالمسافرین»[۱] از سیّد رکن الدّین میرحسین بن میر عالم حسینی غوری هروی معروف به امیر حسینی(-۷۱۸هـ.ق.)، مثنوی عرفانی است در بحر هزج، و در سیر و سلوک در هشت مقاله، شامل: مجاهده، طلب حق، ارشاد و معامله، عشق... همراه با حکایات و تمثیلات. این منظومه در هندوستان و ایران به چاپ رسیده است.

آغاز: «ای برتر از آن همه که گفتند آنها که بدید ما نهفتند».

انجام: «زین گنج که رایگان گشادم آرد بدعای خیر یادم».

(ص۴۳-۱۱۰)

۴. «نزهة الارواح» از امیر حسینی هروی، در بیان مطالب عرفانی به نثر و نظم در ۲۸فصل و یک دیباچه(۱. مبدأ سلوک ۲. معرفت سلوک ۳. مقامات سالک... ۲۶. اشارت اهل طریقت ۲۷. نهایت این طریق ۲۸. ختم کتاب) که به وسیله عبدالواحد ابراهیمی حسینی بلگرامی به سال ۹۸۵هـ.ق. شرح گردیده است.

آغاز: «بسمله، بتوفیقش چو روشن دیدم آواز سخن را هم بنامش کردم آغاز... .

سپاس بیقیاس و منتهاءِ بی‌منتها ملکی را سزد که ملکش بی‌انباز است».

انجام: «ولا یذکرون الله قلیلا از حال ایشان خبر میدهد محفوظ ماند انشاالله تعالی وحده العزیز...».

(ص۱۱۳-۲۰۴)

۵. «سیر الطالبین» از میرسیّد علی بن شهاب همدانی(۷۱۳-۷۸۶هـ.ق.) گردآوری برهان بن عبدالصمد رساله‌ای به نثر در اخلاق و عرفان با عنوانهای«ای عزیز».

---

۱. یک نسخه درج۷، ص۵۶۹ فهرست معرفی شده است.

آغاز: «حمدی که ورق احداق بصایر اولی الابصار از ملاحظه آثار غایت آن عاجز...».

انجام: «بمشاهدات اهل کشف و شهود محروم نگرداند انشاالله الکریم المنان...».

(ص۲۰۵-۲۳۶)

۶. «لوایح» از ملاّ عبدالرحمن جامی که شرح آن گذشت.

آغاز: «بسمله، ربّ وقفنا للتکمیل و التتمیم و لا احصی ثناءٌ علیک...».

انجام : «چون لال توان بود درو، گر پس ازین لب بگشای بنطق خاکت بدهن».

(ص۲۳۷-۲۶۰)

۷. «مرآت المحققین» رساله در فلسفه در عرفان در هفت باب در معرفت نفس و خداشناسی از شیخ محمود شبستری(-۷۲۰هـ‍ق.)

آغاز: «بسمله، حمد بیحد و ثنای بیعدد حضرت ذوالجلالا را که آثار قدرت او در عالم آفاق...».

انجام: «در اینجا معنی وحدت روی نماید».

(ص۲۶۱-۲۸۸)

۸. عزلیّاتی از قاآنی.

آغاز: «آن نه روی است که یکباغ گل و شیرین است وان نه رخسار که یکچرخ مه پروین است».

انجام: «هلال عید عیان شد بلی کجا بجنوب قوی نمود نه زار و ضعیف کی دیشب».

۹. دیوان مجذوب تبریزی»، از میرزا اشرف الدّین محمّد بن محمّد رضای تبریزی متخلّص به«مجذوب»

از عارفان نیمه دوم سده ۱۱هجری می‌باشد. این نسخه شامل غزلیّات است به ترتیب حروف تهجّی که

ناتمام مانده و تا حرف دال نوشته شده است.

آغاز: «الهی عبدک العاصی اتاکا مقرا با الذنوب قدوعاکا».

انجام موجود: «بردار نقاب از رخ بنمای خورشید تا از دل جان واله حیران تو گردد».

نستعلیق مخلوط به شکسته ۱۸-۱۹سطری، تاریخ کتابت: رجب المرجب تا شعبان المعظّم ۱۲۷۳،

کاتب: نظر علی، کاغذ: نخودی آهاری، عناوین به سُرخی، جداول به سیاهی، ۱۷۵گ، ۲۱/۲×۱۳/۶،

جلد: تیماج قهوه‌ای کمرنگ، واقف: سیّدمحمدباقر عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۵۴۸

مجموعه

(۱۰۷۴۹)

مشتمل است بر:

۱. «گلشن راز» مثنوی مشهور شیخ محمود شبستری(-۷۲۰هـق.)

آغاز و انجام: مانند پیش. (ص۲-۱۰۰)

۲. مثنوی اخلاقی احتمالاً از ملاّ عبدالرحمن جامی،

آغاز: «یادم آمد قصّه‌ای... بوالفضول در زمان دولت زوج بتول».

انجام: «هر دو با هم در نزاع و در قتال قصد هم کردند و در عین جدال».

(ص۱۰۰-۱۲۰)

۳. «مثنوی کمیلیه» قسمتی از «بحرالاسرار» مظفر علیشاه.

آغاز: «در بیان آنکه طریقه حقه از چهار امام...

مرتضی آن پادشاه پاکذیل ریخته فیض حقیقت بر کمیل».

انجام: «خود بود معرفت و خود عارف بود خود بود مکشوف و خود کاشف بود».

(ص۱۲۸-۱۶۱)

۴. «قواعد استخراج پنج لوح و تسخیر ملک خود و اسم اعظم» از سیّد علی جفری صوفی.

۵. رساله‌های مختلف در علوم غریبه به عربی، از جمله: رساله حلّ الطلسم فی کشف السّر المبهم از ابوالعباس قمی، سرّ المصون فی شرح رساله بیون از ایدمر بن علی جلدکی.

نستعلیق ۱۱سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۷۴هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی آهاری، عناوین به سُرخی، ۱۷۷گ، ۱۷×۱۰/۴، جلد: تیماج خرمایی یک لا، واقف: حاج محمّد ایرانی مجرّد در بهمن ماه ۱۳۵۰.

۵۴۹

مجموعه

(۱۴۵۳۹)

مشتمل است بر:

۱. «کلمات المخزونه» از ملا محسن فیض کاشانی(-۱۰۹۱هـ.ق.) در عرفان و حکمت، که تلخیص کلمات مکنونه[1] ملاّ محسن می‌باشد.

آغاز: «بسمله، یا من تجلّی بعباده بجماله و جلاله... امّا بعد فیقول المعتصم بحبل الله المومن المهمین».

---

۱. چهار نسخه درج۴، ص۲۲۶ و یک نسخه درج ۱۱، ص۲۷۲ فهرست، معرفی شده است.

انجام: «راه توحید در قدم زدنست          قعر دریا چو جای دم زدنست».

۲. «گلشن راز» از شیخ محمود شبستری(-۷۲۰هــق.)

آغاز و انجام: مانند پیش.

۳. «مقصد الاقصی[۱]» در معرفت ذات و صفات باری تعالی، از عزیزبن محمّد نسفی(سده ۷هجری) می-باشد.

آغاز: «بسمله،... چنین گوید اضعف الضعفا و خادم الفقرا عزیز ابـن محمدالنسـقی(کـذ) کـه جماعـت درویشان».

انجام: «اخلاق ذمیمه پاک گردد زیاد، زیاده است تمت الرساله...».

نستعلیق و نسخ ۱۵سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۷۴هــق. کاتب: محمّد قلی، کاغذ: نباتی و حنایی کمرنگ، عناوین به سرخی، ۱۴۶گ، ۱۳/۳×۲۳/۴، جلد: چرم مشکی، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۵۰۵

مجموعه

(۱۶۱۵۱)

مشتمل است بر:

۱. کتاب«انموذج اللبیب فی خصائص الحبیب» از جلال الدّین سیوطی(۸۴۹-۹۱۱هــق.)

(ص۲-۲۸)

---

۱ . یک نسخه درج۴، ص۲۵۵معرفی شده است.

۲. «اربعین حدیث» از حافظ عبدالعظیم بن عبدالقوی منذری(۵۸۱-۶۵۶هـق.)

(ص۲۹-۳۸)

۳. «مجمع البحرین» از جلال الدّین سیوطی.

(ص۳۹-۵۲)

۴. چهل حدیث منظوم(چهل کلمه[1]) از حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) که به وسیله ملاعبدالرّحمان جامی به نظم درآورده شده و چاپ گردیده است.(نسخه ما با ترجمه منظوم آن تا حدیث بیست و نهم می‌باشد.)

آغاز: «صحیح‌ترین حدیثی را که راویان مجالس دین و محدّثان مدارس یقین املا کنند... لا یؤمن احدکم حتی... هرکسی را لقب مکن مؤمن».

انجام: «لا یشبع المؤمن دون جار». (ص۵۲-۶۱)

۵. منظومه«در سؤال قبر» ظاهراً از سیوطی. (ص۶۱-۷۴)

۶. ترجمه منظوم قصیده برده، متن از محمّد بن سعید بوصیری(۶۰۸-۶۹۶هـق.)

اگرچه در انتهای ترجمه، آن قسمتی که در دیگر نسخه‌ها، مترجم نامش را صریحاً می‌آورد حذف شده است. ولی چنین برمی‌آید که مترجم«محمّد حافظ شرف» باشد. چنان که در پایان نسخه‌های دیگر گفته است:

«چون زهجرت هشتصد و ده سال تازی رفته بود اتفاق افتاد و نظم فارسی اندر قم

بنده مدّاح رسولم شهرتم حافظ شرف نام من باشد محمّد من محمّد چاکرم».

---

۱. در ج۷، ص۷۵۰ در مجموعه‌ای معرفی شده است.

آغاز: «بسمله، اَمِن تَذکِّرٌ جیران بذی سَلَم

ای زیاد صحبت یارانت اندر ذی سلم اشک چشم آمیخته با خون روان گشته بهم».

انجام: «تا برانند اشتران رانندگان پر نغم والمسلمین مِنَ العُربان و العَجَم».

(ص ۷۴-۹۵)

۷. «قصیده بانت سعاد» از کعب بن زهیر(-۲۶هـ.ق.)

(ص۹۵-۱۰۶)

۸. ذات الشافی سیرهٔ النبی ثم الخلفاء از محمّد بن محمّد بن جزری(۷۵۱-۸۳۳هـ.ق.)

(ص۱۰۹-۱۶۸)

۹. «دفع الخفاء فی شرح ذات الشفاء»، در تاریخ ۱۱۸۷هـ.ق. شرح شده است.

۱۰. «کتاب اللمعهٔ فی خصایص یوم الجمعه» از جلال الدّین سیوطی.

(۱۷۰-۲۲۶)

متن به نسخ، ترجمه به نستعلیق، مختلف السطر، تاریخ کتابت: شوّال المکرم ۱۲۷۷، کاتب(رفع الخفاء فی شرح ذات الشفاء): صالح در ۱۳۵۸هـ.ق. و کاتب بقیّه مجموعه: محمّد بن حیدر، کاغذ: شکری فرنگی، بعضاً وصّالی شده، عناوین و ترجمه‌ها به شنگرف و سرخی، ۱۰۵گ، ۲۰/۷×۱۳/۵، جلد: تیماج زرشکی ضربی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷

۵۵۱

مجموعه

(۱۳۵۴۷)

مشتمل است بر:

۱. «سلک البیان فی کشف مشکلات القرآن» یا«ایضاح مشکلات القرآن» از محمّد جعفر بن سیف الدّین شریعتمداری استرآبادی(۱۱۹۸-۱۲۶۳هـ.ق.) که واژه‌های دشوار قرآن را که به دو سه گونه که خوانده می‌شود، آورده است.

آغاز: «الحمدلله علی نواله... چنین گوید خادم شرع انوار، محمّد جعفر که این رساله‌ایست در اصلاح کلمات قرانیه».

انجام: «من الجنهٔ بکسر جیم است تمت...». (ص۲-۴۸)

۲. مخمّسی در مدح و منقبت حضرت صاحب الزمان(عج) و مثنویی از زبانحال حضرت ابی عبدالله(ع) با ذوالفقار آتش بار و نفس شریف و مکالمات حضرت امام حسین(ع) با سکینه(سلام الله علیها)، از شیخ عبدالحسین بن محمّد طاهر تجلّی دزفولی(۱۲۷۴-۱۳۳۸یا ۱۳۳۹هـ.ق.) ابتدا«بهار» و بعد«تجلّی» تخلّص کرده است.[1]

آغاز: «جوان شد جهان پیر زانفاس فرودین...».

انجام: «بر شتر بستید چون بار سفر         من بدنبال شما آیم بسر».

(ص۵۰-۷۰)

۳. مثنوی است در اصول دین و مذهب و عقاید در بحر هزج(مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیل) و چنانچه در انتهای مثنوی آمده، احتمالاً، عنوانش«دُرّ فاخر» و ناظم«خرد» باشد. در انتها مثنوی گفته است:

«که دادم نظم بهر حق شناسان         اصول دین و مذهب را بدین سان

---

۱. برای اطلاع از شرح حالش، ر.ک. مجلّه ارمغان، س۱۰، ص۵۵۰.

.................................... ...............................

رسانیدی بدین موضع کلامم    برآوردی از این موضوع کامم

ولیک امیدوارم کز من اخر    بماند یادگار این«دُرّ فاخِر».

آغاز: «و یا علّت شود بر شخص موجود    خودی نایافته خود بخشی آن بود».

انجام: «که تاریخ فراغش را خرد گفت    چه دُرّی کان لب الماس فرسُفت».

(ص۷۳-۱۹۸)

نسخ۱۲سطری، تاریخ کتابت: محرم الحرام ۱۲۸۶، کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی و شکری، عناوین: بعضاً به سرخی، ۱۰۰گ، ۲۲×۱۵، جلد: مقوّایی با روکش مشمع قرمز، خریداری آستان قدس در آبان ماه ۱۳۶۲.

۵۵۲

مجموعه[۱]

(۹۶۸۲)

منظومه‌ای است حماسی مذهبی در قالب مثنوی و در وزنهای مختلف که عبارتند از:

۱. «جنگ نامه محمّد حنیفه» که به روایت از«سعدبن معاذ» نقل شده است و شامل این مطالب می‌باشد؛ چگونگی ازدواج حضرت علی علیه‌السلاِم با حنفیه دختر رومی و تولد محمّد حنفیه و به شکار رفتن وی و دل باختن به زنی به نام شعری و ازدواج با او.

آغاز: «بسمله، بنام خداوند ماذوالجلال    که از خار گل آورد گل زخار».

---

۱ . در شناسنامه به نام«جنگ نامه» معرفی شده است.

انجام: «هزاران درود(کذ) و هزاران هزار زما باد بر صاحب ذوالفقار».

(ص ۱-۲۴)

۲. «حکایت میر محمود مارگزیده» داستان جوانی به نام میر محمود ساکن قریه دارین که بر مرغزاری خوش آب و هوا گذر می‌کند و در انجا ماری او را می‌گزد و نتیجه اخلاقی که گرفته می‌شود.

آغاز: «اوّل نامه بنام کردگاری کرم بخشنده آمرزگاری».

انجام: «پس از تاریخ فوت میرزا محمود بسال الف اثنا عضر فرمود».

(ص ۲۴-۲۹)

۳. «حکایت سلطان جمجمه با حضرت عیسی» گفتگوی حضرت عیسی(ع) است با جمجمه پادشاهی و پشیمان شدن او از اعمال خود و دوباره زنده شدن و ایمان آوردن.

آغاز: «ناگهان روزی بتقدیر خدا کارساز سانع(کذ) عرض(کذ) و سما».

انجام: «مدّتی در دین عیسی برگرفت بعد از ان با دین و با ایمان برفت».

(ص ۲۹-۳۷)

۴. «غزوات پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)» که ناظم در آغاز از غزوه بدر شروع کرده و بیشتر غزوات پیامبر(ص)، )قُنَیقاع، سویق، احد، ...) را به نظم درآورده است و بعضی از غزوه‌ها با ساقی‌نامه آغاز می‌شود.

آغاز: «کنون سامعان را خبر می‌کنم که من غزوه بدر سر می‌کنم

چنین گفت ان مرد تاریخ دان که کشتند فیروز چون مؤمنان».

انجام: «گرفتند سکنا در آنسرزمین ولی دل پر از کین سالار دین

هزاران دورود(کذ) هزار آفرین زما باد بر سیّد صاحب ذوالفقار».

نستعلیق مغلوط ۱۵سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲و اوایل سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف، ۱۵۰گ، ۲۴×۱۴، جلد: مقوّایی با عطف و گوشه پارچه، واقف: خان بابا مشار در اردیبهشت ماه ۱۳۴۶.

۵۵۳

مجموعه

(۱۰۲۴۰)

مشتمل است بر:

۱. «فرهاد و شیرین» از وحشی بافقی.

آغاز و انجام: مانند پیش.

(ص۲-۱۰۱)

۲. «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی، (نسخه ناقص الاخر است.)

آغاز: «خداوندا در توفیق بگشا نظامی را ره تحقیق بنمای».

انجام موجود: «بهشتی شربتی از جان سرشته ولی نام طمع بر یخ نوشته».

(ص۱۰۲-۱۹۶)

۳. «رباعیات باباطاهر عریان» در سه برگ در انتها ضمیمه است.

شکسته نستعلیق خوش ۹سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغـذ: نخـودی، دارای سرلوح مزدوج و مذهّب، دو صفحه اوّل بین السطور طلااندازی شده با حاشیه مذهّب، جـداول

اوراق به زر تحریردار و لاجورد سه ستونه، دارای ۱۱مجلس تصویر، ۹۸گ، ۱۰/۷×۸/۶، جلد: روغنی دورویه، برون: دارای ترنج و لچک ترنج مزیّن به گل و بوته، درون: یک شاخه گل نرگس، خریداری آستان قدس در تیرماه۱۳۴۹.

۵۵۴

مجموعه

(۱۴۷۸۶)

(عربی و فارسی)

مشتمل است بر:

۱. «شرح قصیده عینیّه ابوعلی سینا» از محمّد صالح بن شاهرخ.

(ص۲–۱۶)

۲. «قصاید» از عمربن الوردی، و«قصیده لامیهٔ العجم» و غیره به عربی.

(ص۱۷–۳۱)

۳. «ده مساله» از احمد بن محمّد شفیع الاصفهانی الکرمانی.

(ص۳۴–۱۰۶)

۴. «اوصاف الاشراف» از خواجه نصیرالدین طوسی. (ص۱۰۸–۱۳۰)

۵. «اوراد موظّفه» از محمّد تقی مظفر علی شاه کرمانی. (ص۱۳۲–۱۴۶)

۶. مسائل متفرقه و غیره. (ص۱۴۶–۱۵۴)

۴. «شرح ابیاتی از غزلیّات حافظ» شارح آن با بررسی به عمل آمده عجالتاً بدست نیامد.

آغاز: « باب اوّل در ابیات مشکله، پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت معنی بی‌تکلّفانه».

انجام: «آنچه لایق بود فرمود و بدانچه مناسب حال و مقتضای احوال وی بود ادا نمود فقال صلوات الله علیه و آله».

(ص۱۵۵-۱۷۲)

۸. «مختصری درباره دایره هندیهٔ». (ص۱۷۴-۱۷۶)

۹. «تفسیر سوره فاتحه». (ص۱۷۸-۱۸۴)

۱۰. رساله-ای از غیاث الدین منصور دشتکی در یک فاتحه و سی مقصد و یک خاتمه.

۱۱. «رساله وجودیه» از میر سیّد علی همدانی. (ص۱۹۰-۲۰۹)

نستعلیق مخلوط به شکسته۱۷سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۳هـق. کاتب: علی محمّد بن محمّد صفی محلاّتی، کاغذ: نخودی و شکری، عناوین به شنگرف، ۱۲۲گ، ۱۵/۳×۱۰/۴، جلد: مقوّایی با روکش مشمع، عطف تیماج قهوه‌ای، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۵۵۵

مجموعه

(۱۰۳۷۰)

شامل دو دیوان به شرح زیر است:

۱. «دیوان عنصری» (نسخه کامل است) دارای قصاید، مثنویات و رباعیّات می‌باشد.

آغاز: «دل مرا عجب آمد همی زکار هوا          که مشکبوی سلب گشت و مشکبوی صبا».

انجام: «بر غالیه‌ای ماه رهی راه زدی          وین راه بدان دو زلف کوتاه زدی».

۲. «دیوان ظهیر فاریابی» نسخه فاقد مقدمه است و بعضاً در حواشی اوراق ابیات تصحیح شده است.

آغاز: «چو زهره وقت صبوح از افق بسازد چنگ          زمانه تیز کند ناله مرا آهنگ».

انجام: «خط وی و اشک من ببین دور مشو          گر سبزه و گر آب روان میخواهی».

نستعلیق تحریری خوش، ۱۵سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به سرخی، دارای سرلوح عالی مذهّب و مرصّع مزدوج با کتیبه دارای کمند، جداول اوراق به زر تحریردار و سرخی لاجورد، ۲۰۶گ، ۲۰/۸×۱۲/۳، جلد: ساغری مشکی مستعمل، خریداری آستان قدس در مرداد ماه ۱۳۴۹.

۵۵۶

مجموعه

(۱۰۳۶۹)

مشتمل است بر:

۱. مثنوی«تحفهٔ الحرمین» (نسخه از ابتدا دو برگ افتادگی دارد) از میرزا معصوم خاوری کوزه کنانی تبریزی(سده ۱۳هـ.ق.) که تحفه زیارت و سفر حج وی در سال ۱۲۱۳هـ.ق. می‌باشد. در خاتمه نام منظوم آمده است:

«بیشترم زانکه بلب جان رسید          در حرم این قصه بپایان رسید

مفتی دین قاضی دین است این          تحفه بین الحرمین است این».

آغاز موجود: «بر رخ اخوان در احسان گشاد          راتبه شان درخور احسان نهاد».

انجام: «تا به ابد یاد شکفته گلش          و انجمن آرای چمن بلبلش».

(ص۱-۱۶۶)

۲. «یوسف و زلیخا» مثنوی دیگری از میرزا معصوم خاوری ناظم«تحفهٔ الحرمین» است که در بحر هزج و به پیروی از جامی سروده و تعداد ابیات آن از یوسف و زلیخای جامی بیشتر است.

آغاز: «کهن افسانه سنج این حکایت          چنین کرد از سخن سنجان روایت».

انجام: «به رحمت آن کسی کارد زمن یاد    هزارت رحمت ایزد بر او باد».

(ص۱۶۸-۲۷۷)

۳. ترکیب بندی در چهارده بند با عناوینِ«در صفت اکلیل شاهی»، «در صفت دارالخلافه»، «صفت بارگاه و جلوس شاه»، «در صفت بزم عیش و صفت آتشبازی»، «دعا برای ظهیر السطنه شاهزاده».

«قصیده طولانی در مدح فتحعلی شاه و محمّد شاه قاجار».

تعریف شهر یزد و مدح یکی از بزرگان، ماده تاریخ.

– قصیده در بحر زجز و به پیروی از قصیده لامیه امیر معزّی(ای ساربان منزل مکن جز در دیار با من).

آغاز: «لَمّا نَزَلنا فی الغری زرنا حبیباً فیه حل          نادی مُنادٍ دوننا مَن حَلَّ فیه ما ارتحل

محمل مبند ای ساربان امروز دیگر زین محل          کز آب چشم عاشقان دل را بود پا در وحل».

انجام: «مپسند کز پی یاوری، خصمی کند با خاوری          آن کن که تشریف آوری، وی را بشر پیش از اجل».

– مثنویات در پند و اندرز در قالب حکایت و رباعیّات.

(ص۲۷۸-۴۶۵)

۴. منظومه«نصیحهٔ النظام» که عامل کاشان را نصیحت کرده که دست از ظلم بردارد.

آغاز: «ای باد صبا اگر توانی بگذار بقلمروی که دانی».

انجام: «این نامه که شد بلند نامش شد نام نصیحت النظامش».

(ص۴۶۵-۴۸۷)

۵. ترکیب بندی به پیروی از ترکیب بند محتشم کاشانی در سوگ امام حسین(ع) و شهدای کربلا که در ده بند از ترکیب بند در اینجا آورده شده است.

آغاز: «در عرصه زمانه دگر این چه ماتم است کاشوب ازان افتاده بارکان عالم است».

انجام: «آخر نه ما سلاله پاک پیمبریم کافاق بر طهارت دامان ما گواست».

(ص۴۸۷-۴۹۴)

نستعلیق ۱۶سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی، عناوین به شنگرف، صفحات دارای کمند و جدول بندی به طلای پست تحریردار و لاجورد، ۲۴۷گ، ۲۱×۱۵، جلد: روغنی، آسیب‌دیده و مستعمل، دورویه، برون: دارای ترنج و سرترنج در زمینه مرقش، درون: گل زنبق، خریداری آستان قدس در مرداد ماه ۱۳۴۹.

۵۵۷

مجموعه

(۱۲۷۶۱)

(عربی و فارسی)

مشتمل است بر:

۱. «قصیده البدیعیۀ» از ابی بکر بن حجۀ الحموی و منتخبات شرح بدیعیه.

۲. قصائدی از شعرای مختلف از جمله: ابوظهیر، معارضه‌ای از قطب الدّین برای این مطروح، مکتوب شهاب الدّین العمری به صلاح الدین صفدی به شعر و جواب وی و...

۳. «قصیده بانت سعاد» کعب بن زهیر، اشعاری از صفی الدین الحلّی(توصیف بهار از شاعری نامعلوم)، ابن زقاعه، ابن مشرق الماردینی، قصیده میمیه خمریه ابن فارض.

۴. «قصیده عینیه[۱]» سیّد اسماعیل بن محمّد حمیری(۱۰۵-۱۷۲هـ‍ق.) با ترجمه منظوم آن به فارسی در مدح حضرت علی ابن ابی طالب(ع) در ۶۷بیت که همه ابیات آن ترجمه شده است.

آغاز: «لاُمِّ عَمرِ و باللوی مَربَعُ    طامسۀ اعلامُهُ بَلقَعُ

داشت جای ام عمرو اندر لوی    مانده آثار کهن از وی بجا».

انجام: «بعد ازین صلوات بیحد بر رسول    باز بر شیر خدا زوج بتول

.................................    .................................

اعنی علیاً ثُم اولادُهُ    هُم عَدَدُ اَشُهُر یا سامع

(ص۱۴۱-۱۵۰)

۵. «نثر اللآلی» من کلام امیر المومنین علی ترتیب حروف المعجم.

آغاز: «ایمان المرء یعرف بایمانه».

انجام: «یَسعَدُ المرءُ بمصاحبۀ السعید». (ص۱۵۰-۱۶۴)

---

۱. شرح آن در همین فهرست آورده شده است.

۶. «قصاید السبع العلویات» از عزّالدّین عبدالحمید ابن ابی الحدید

حواشی دارای توضیح لغات و ترکیبات از لحاظ نحوی، عناوین عبارتند از:

«قصیده الاولی فی فتح خیبر»، «قصیدة الثانیه فی فتح مکه»، «قصیده الخامسة فی ذکر الحسین علیه‌السلام»، «قصیده السادسة یذکر الحسین و یستضرخ له بالناصر الدین»...

(ص ۱۷۰-۲۳۲)

و قصاید دیگر از شاعران مختلف.

نسخ و نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ‍ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی، عناوین به سرخی، ۱۲۸گ، ۲۱/۲×۱۵/۳، جلد: مقوّایی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۵۵۸

مجموعه

(۱۶۷۸۰)

مشتمل است بر:

۱. مثنوی است در بحر متقارب درباره معجزات پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع)، ماجرای مبارزه طال کافر شاه مغرب زمین با صالح و حضرت علی(ع) و... .

آغاز موجود: «بگفتا بصالح به تند و غضب　　چرا مانده[ای] اینچنین در عقب».

انجام: «بدیدار هم شاد و خرم شدند　　دل از غم ستردند بی غم شدند

..........................................　　..................................

بر اهل بیتش هزار آفرین　　که هم طیبین‌اند و هم طاهرین».

۲. «قصه دزد و قاضی» به نثر، داستانی است از روزگار هارون الرشید در بغداد که مناظره دزد و قاضی می‌باشد و در ورای آن مطالب اخلاقی آورده است. این داستان به سال ۱۲۹۶ و ۱۳۴۴هـ.ق. به چاپ رسیده است.

آغاز: «بسمله، امّا راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکّر شکن شیرین گفتار چنین روایت کرده‌اند که در زمان هارون الرشید در شهر بغداد مردی بود».

انجام: «این حکایت... است تا عاقلان پند گیرند و بی‌وقت از خانه بیرون نیایند».

۳. «لیلی و مجنون» از ناظمی ناشناخته بر وزن لیلی ومجنون نظامی، نسخه ما از انتها افتادگی دارد.

آغاز: «گوینده این کهن حکایت        در قصّه چنین کند روایت».

انجام موجود: «...[۱] باید طلبید مستمندی».

نستعلیق ۱۵سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی رطوبت رسیده، عناوین به سرخی، ۳۲گ، ۱۶×۱۱، جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، واقف: نامعلوم، تاریخ وقف: اسفندماه ۱۳۶۷.

۵۵۹

مجموعه

(۱۳۶۰۲)

مشتمل است بر:

۱. «مجموعه ترسّل: در پنج باب: اوّل، در نامه‌ها و فرامین و ارقام و عرایض و احکام. دوم، در مراسلات و رقعه‌جات. سوم، در حُجّج و تمسکات و سایر احکام شرعی...

---

۱. ورق بریده شده و نوشته‌ها از بین رفته است.

بطور نمونه:

- نامه مرحوم میرزا عبدالوهاب معتمد از جانب خاقان مغفور به دولت روس.

- به سلطان روم فرمان حکومت استرآباد است که به افتخار محمّد زمان خان قاجـار مرحـوم میـرزا عبدالوهّاب انشاء نموده است.

- و نیز بخشی از منشآت قائم مقام را در این نسخه داریم.

این مجموعه«ترسّل» در مقام مقایسه، همان«گلشن عطارد» می‌باشد که در مجموعه«۱۵۰۲۲» معرفی خواهد شد و جامع آن«عباس عطارد» است در این کتاب نامی از جامع آن نیامده ولی در عنوان غزلی از فقیر«عطارد» به چشم می‌خورد.

آغاز: «شکر و سپاس فزون از وهم و قیاس خالقی را جل شانه سزاست».

انجام: «شکرلله که ایشان محض هوشند و عین بصیرت و گوش...»

(ص ۲-۴۵)

۲. غزلیّاتی از قائم مقام، عباس عطارد، حافظ، ... .

آغاز: «دوشم بوثاق آمد آنخسرو خوبان می خورده و خوی کرده و خندان و غزل خوان».

انجام موجود: «چندان بود کرشمه ناز سهی قدان کاید بجلوه سرو صنوبر خرام ما».

(ص ۴۶-۵۶)

۳. «دعای مشلول». (ص ۵۷-۶۴)

۴. «منتخبی از نصاب الصبیان» از ابونصر فراهی. (ص ۶۶-۱۰۱)

۵. «مناجات و نصایح» یا«الهی نامه» از خواجه عبدالله انصاری.

آغاز: «بسمله و... ای ز رویت خستگانرا بوی درمان آمده».

انجام: «پیر انصاری تو میدانی که ایشان کیستند فرقه بی کّر و فر و زمره دل ساده‌اند».

نستعلیق ۱۴سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هــق. کاتـب: نـامعلوم، کاغـذ: شـکری فرنگـی، ۶۶گ، ۲۱/۶×۱۴/۸، جلد: مقوّایی اسقاطی، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۵۶۰

مجموعه

(۱۵۱۳۷)

مشتمل است بر:

۱. «موجبات نکبت» مثنویی است در مسائلی که باید از آن حذر کرد و در ابتدای آن«من کلام شیخ بهایی» نوشته که به آثار وی نمی‌ماند و سستی شعر گواهی است.

آغاز: «بسمله، چند چیز است که آورد نکبت زان حذر کن که آورد دولت».

انجام: «تا که گردد قبول خواص عوام بر نبیِ علی آل سلام».

(ص ۱-۷)

۲. «نورزو نامه» که راجع به نوروز و اعمال روز نوروز و فضیلت آن و غیره نوشته و«مسائل اخلاقی» ضمیمه است.

اغاز: «فصل در بیان فضیلت و ادعیّه اعمال روز نوروز است بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز».

انجام: «خدا مرا بیامرزید تا معلوم شود که بهشت در زیر قدم پدر و مادر است».

(ص۸-۳۴)

۳. «کنزالرموز»[1] مسائل اخلاقی و حکایات است از مؤلّفی ناشناس، در ده فصل به شرح زیر:

اول، در بیان آنکه ذهن را بیفزاید، آنکه نشاط بیفزاید و... .

آغاز: «بسمله، الحمدالله علی افضاله و الصلوة و السلام علی محمّد و آله امّا بعد این رسالهایست مشتمل بر خلاصه اقوال علما و نقاوه اعمال حکما».

انجام: «نام کن فرزند خود را عاش الدّین نام کن یعنی زنده شد دین».

(ص۳۵-۹۷)

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاغذ: نخودی، ۴۹گ، ۱۷/۶×۱۱/۲س.م. جلد: ندارد، واقف: مکتبۀ الامام امیر المؤمنین(ع) تاریخ وقف: اردیبهشت ماه ۱۳۶۵.

۵۶۱

مجموعه

(۱۵۴۹۲)

مشتمل است بر:

۱. «بدایع الاسحار»، قصیده مصنوع سلمان ساوجی که شامل صنایع بدیعی است و شرح آن گذشت[2] نسخه ما از ابتدای مقدمه آن و از انتها چند برگی افتادگی دارد و در حاشیه صنایع شعری را توضیح داده است.

آغاز: «صفای صفوت رویت بریخت آب بهار          هوای جنّت کویت به بیخت مشک تتار».

انجام موجود: «آن کند قهر تو با ظلم که با کل وی  آن کند لطف تو با عدل که با تن می».

---

۱ . ر.ک. به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۲/۲، ص۱۶۶۵ و نیز ج۶، ص۴۵۹فهرست.

۲ . در مجموعه شماره ۱۲۲۴۳ همین فهرست.

(ص ۱-۱۲)

۲. «تذکرهٔ شعرا» از مؤلفی ناشناخته، ناقص است.

شامل شرح حال مختصر شاعرانی مانند: میرسید برهنه متخلّص به «ربانی»، ریاضی سمرقندی، زین الدین سبزواری، امیر شیخم سهیلی، خواجه سلطان محمد بیتکچی، سعیدی، شراری، صاحب بلخی، شیخی طبسی، ضیاء استرآبادی، زلالی خوارزمی، دایمی استرآبادی، ملادوست اسفزاری، ملا میر سبزواری، محوی، مولانا مجنون رفیقی، میرمرتاض، مولانا ملک باخرزی، درویش روغنی، و داعی، مولانا عبدالله هاتفی، خواجه یحیی، خواجه هاشمی، مولانا یوسفی، مولانا فصیح فیضی، فیضی شروانی، مولانا لطفی.

آغاز: «میرسید برهنه ربانی تحلّص از سادات واجب الاحترام ترکستان است».

انجام: «کاش تا صبح قیامت نشود روز امشب».

(ص ۱۳-۲۸)

۳. مجموعه ناقصی است از مکتوبات و منشآت، که جامع آن ناشناخته ماند.

عناوین آن عبارتند از: «بمنظور صبح الوجه نوشته بوده‌اند، بحضرت اعلی نوشته بوده در شکایت از خواجه مجدالدّین محمّد، نسق زراعت سلطانی به اسم خواجه قوام الدین نظام الملک، به خواجه مجدالدّین محمّد نوشته».

آغاز موجود: «برزمره ماهران بقوّت عملی و فرقه بارعان بدستیاری عنایت ازلی...».

انجام موجود: «از اقدام بر طریق انحراف انصراف لازم دانند».

(ص ۲۹-۴۰)

۴. تعدادی از مکتوبات و منشآت از جامعی ناشناس(ناقص الاول و الاخر).

عناوین آن عبارتند از: «انشا من سلطان المرحوم الی السطان الغازی سلطان محمّد الرومی، حضرت پادشاه غازی به حضرت خواجه ناصرالدین عبیدالله سمرقندی نوشته از انشاء المنشی المذکور، حضرت خواجه عبیدالله در جواب مکتوب پادشاه غازی سلطان حسین میرزا نوشته.

آغاز موجود: «میرزاده مشار الیه دو سه روز باستشفاع عالیجاه پناه... خواجه عبدالملک پارسا ادام الله».

انجام موجود: «و نتایج آن بروز کار ممکنان عاید واصل کردد و بزیارتی اطناب مزاحم اوقات فایض البرکات».

(ص ۴۱-۵۰)

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۱و۱۲هـق. کاغذ: حنایی، متن و حاشیه، عناوین به شنگرف، ۲۵گ، ۲۵×۱۴/۵س.م.، جلد: تیماج ضربی با نقوش گل و بوته در قلمدانی و مستطیل، از اوراق بازیافته.

۵۶۲

مجموعه

(۱۶۲۲۲)

مشتمل است بر:

۱. مثنویهای، الف) «مناقب الائمه»، ب) «در مدح امام حسین(ع)»، ج) «مناجات از قول حق»، قصاید، غزلیّات میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی(۱۱۷۵-۱۲۴۴هـق.)

آغاز: «سوی طور آمد یک روزی کلیم      خفته در ره بود مسکینی سقیم»

انجام: «خوشباش ز روزگار خوشتر      هر روز ز روز دیگرت باد».

(ص۲-۱۰۵)

۲. «هفت بند مولانا ملاحسن کاشفی علیه الرحمه از کلام شیخ آذری غفرالله تعالی مذکور است که می-گوید...

السلام ای سایه‌ات خورشید رب العالمین».

انجام: «زایران حضرتت را بردر خلد برین      میدهند آواز طلبتم فادخلوها خالدین».

(ص۱۰۵-۱۱۰)

۳. قصیده در مدح حضرت علی(ع) از میرزا عباس سمنانی هزار جریبی متخلّص به نشاطی خان(-۱۲۶۲هـ.ق.) و اشعاری در نصیحت و پند و اندرز، حکایت مرد عرب از شیخ بهایی.

(ص۱۱۱-۱۲۴)

۴. «حکایت محمّد حنفیّه» مثنوی نسبةً طولانی در ۳۶۰بیت از ناظمی ناشناس.

آغاز: «چه بهتر ز دانش بود در جهان      زدانش بتو شاد ماند روان».

انجام: «چنین است آن قصه نامدار      که گفتیم وصفش کنون کوشدار».

(ص۱۲۴-۱۴۳)

۵. قصاید و مخمّس و ترجیع‌بند در مدح حضرت علی(ع)، حکایت کشتی گرفتن حضرت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) با امیرالمؤمنین(ع)، قصیده در مدح حضرت حجهٔ صاحب الزمان(عج)، قصاید مختلف در مدح حضرت علی(ع) و پیامبر اکرم(ص)، از صادق، عرفی شیرازی(قصیده هراس و مماس)،

نشاطی، نظامی، خواجوی کرمانی و شاعران مختلف در مدح حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) و نیز قصایدی در مدح امام رضا(ع)، قصاید و هفت بند در مدح حضرت صاحب الزمان(ع) در عروسی دختر رسول الله حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)، در مدح امام حسین(ع) از نصیری، طوفان هزار جریبی(- ۱۱۹۰هـ‍ق.) ابن حسام، فدایی، قاآنی.

«جان هر کسی بیاد تو ایجان ستان دهد    من جان برای آنکه بیاد تو جان دهد

طوفان ترا بفخریه گفتن چه احتیاج    خورشید از ان گذشت که خود را نشان دهد».

۶. «دوازده بند محتشم».

آغاز: «باز این چه شورش است که در خلق عالم است».

انجام: «از آتش تو دود به محشر درآورند».

(ص ۳۳۰-۳۳۴)

۷. «چهارده بند جوهری».

آغاز: «ریزد ز چشم سرشک الم چرا    خیزد ز ابر موج بلا دم بدم چرا».

انجام: «چون دادخواه در وصف محشر قدم زنم    چندان افغان کنم که قیامت بهم زنم».

(ص۳۳۵-۳۴۲)

۸. «چهارده بند شهاب».

آغاز: «شوری عجب بپا زسما تا زمین بود    جانها فسرده گشته و دلها غمین بود».

انجام: «دارد امید اینکه کند شاه دین قبول    در سلک بندگان و بود شافعش رسول».

(ص۳۴۲-۳۵۱)

۹. «دوازده بند میرزا سلیمان صباحی».

آغاز: «افتاده شامگه بکنار افق نگون      خور چون سر بریده درین طشت واژگون».

انجام: «پس کرد رو به یثرب و از دل کشید آه      نالان بگریه گفت ببین یا محمد اه».

(ص ۳۵۱-۳۵۹)

۱۰. «مخمّس دوازده بند محتشم».

آغاز: «باز این چه بارش که در ابر ماتم است...».

انجام: «با هیچ آفریده ادائی چنین نکرد».

(ص ۳۵۹-۳۷۵)

۱۱. «چهارده بند میرزا کوچک وصال شیرازی».

آغاز: «این جامه سیاه فلک در عزای کیست...».

انجام: «شیرازیان که تغزیه اوست کارشان      بخشای جمله را وز ذلّت برارشان».

(ص ۳۷۵-۳۸۲)

۱۲. «دوازده بند یوسف کرجی متخلّص به محبّ» که فقط پنج بند آن ذکر شده است.

آغاز: «اوّل بلوح چون قلم ابتلا زدند      گویا بنام خامس آل عبا زدند».

انجام موجود: «فریاد از جفای تو ای روزگار دون      کردی ز کینه خانه دین را تو واژگون».

۱۳. قصیده در مدح حضرت رسول، قصیده در توحید و موعظه از محتشم کاشانی.

۱۴. «دیوان اشعار ابن حسام خوسفی(-۹۸۲هـق.)» شامل چند قصیده در مناجات به درگاه قاضی الحاجات، ترجیع بندی در مدح حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) با بیت الترجیع:

«انما المصطفی رسول الله دعوتش ره نمای هر گمراه».

و قصاید و ترکیب بند و ترجیع بند در مدح حضرت رسول(ص) وحضرت علی امیر المومنین(ع) قصیده طولانی سحریه، قصیده لف و نشر، چرخیات در مدح حضرت علی(ع) که ناتمام مانده است.

انجام موجود: «ای باد صبح دم خبریار من بیار دانی چو خوش بود خبر یار من بیار».

(ص ۳۹۹-۶۲۶)

نستعلیق ۲۰سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: واصف[1] کاغذ: شکری و حنایی آهاری، عناوین: به سرخی، ۳۱۳گ، ۲۱/۲×۳۴/۶، جلد: تیماج ضربی ماشی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۵۶۳

مجموعه

(۱۶۱۶۲)

(ترکی و فارسی)

مشتمل است بر:

۱. غزلیّات، مثنویات و رباعیّات به ترکی و فارسی از مولانا زین العابدین حیران، آقا میرزا باقر خلخالی، قاسم انوار، خواجه نصیر، غیرت، اوحدی کرمانی، سیّد محمّد نجفی، جامی، میرزا باقر حیران، میرزا صادق حیرت، عطار.

---

۱ . در دو جا، یکی انتهای«مثنوی محمّد حنفیه» ودیگر انتهای«قصیده لف و نشر» ابن حسام، نام کاتب آمده است:

«نویسنده را نیز رحمت کنی مقامش بفر دوس جنّت کنی

خاصه«واصف» که فرزند علی است درین قول زجان مشتاق علی است

بده قرض«واصف» بحقّ مرتضی از خزانه غیب خود یا اله».

آغاز: «مخدوم بعد از تشریف بردن شما اخوی آخوند ملا آقا علی که زاهد عصر و عابد دهر بوده».

انجام: «اسدالله که آید بهوا داری دل          زهره شیر شود آب ز پاداری دل

از میرزا رحیم غیب گوی تبریزی چنین شنیدم یا علی مدد».

(ص۲-۵۳)

۲. «خواص اسماءالله».

آغاز: «که نود نه اسم هُو را اهل تحقیق اسم اعظم گفته‌اند».

انجام: «سبحان الذی بیده ملکوت کل شی و الیه ترجعون».

(ص۵۴-۱۲۲)

۳. اشعاری در منقبت حضرت خاتم النبیین(ص) از مظفر علی شاه، غزلیّات از میرزا صادق حیرت، میرزا ابومحمّد، منشی حکومت سراب در تاریخ وفات حاجی میرزا ابراهیم(۱۳۱۶هـ.ق.)، مولانا آقا میرزا عبدالحمید سرابی، میراز اسد سرابی، عبدالعلی خلخالی.

(ص۱۲۳-۱۶۴)

۴. «مصباح الارواح»[۱] مثنوی عرفانی است که جامی در«نفحات الانس» از اوحدالدّین کرمانی(-۶۳۵هـ.ق.) دانسته و بدیع الزمان فروزانفر در نسخه‌ای که به کوشش ایشان چاپ شده از امام الدّین محمّد فرزند ایل طغان کرمانی بردسیری ذکر کرده است.

آغاز: «چون غرّه صبح گشت پیدا          شد طرّه آسمان مطرّا».

انجام: «پس باش یقین که نیست والله          موجود حقیقی سوی الله».

---

۱. یک نسخه در ج۷، ص۷۳۶ فهرست، معرفی شده است.

(ص ۱۶۶-۲۳۵)

نستعلیق آمیخته به شکسته و نسخ مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۳۰۳-۱۳۱۴هـ.ق. کاتبـان: محمّـد خلخالی، محمّد رسول بن محمّد شفیع سرابی، کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف و سُرخی، ۱۲۰گ، ۱۷/۵×۱۰/۷، جلد: تیماج اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۶۴

مجموعه[۱]

(۱۲۲۴۳)

(فارسی و عربی)

مشتمل است بر:

۱. «جمع مختصر» رساله‌ای است در عروض و قافیه از وحیدی تبریزی یا قمی[۲](-۹۴۲هـ.ق.) مشهور به«مختصر وحیدی» که در سال ۱۹۵۹م. در مسکو به چاپ رسیده است.

مؤلّف در ابتدای رساله می‌گوید: «بدانکه این مختصری است از منشات وحید تبریزی در علم عروض و قافیه و صنایع شعر که از برای برادرزاده خود تألیف کرد...».

آغاز: «بسمله، سپاس بیقیاس واجب التعظیمی را که بتشریف نطق انسان را مشرّف ساخت».

انجام: «هرکس که عم قافیه را این مقدار بداند او را کفایت باشد و در شعر رسوخ کند تمام شد».

(ص ۲-۴۲)

---

۱ . بخش ریاضی این مجموعه قبلاً درج ۱۰، ص ۲۶۰ معرفی شده است.

۲ . صاحب خلاصة الاشعار(معاصر مؤلّف) وی را از تبریز دانسته که در قم ساکن بوده است و به طمعی بـه گـیلان رفـت و بـه سـال ۹۴۲هــ.ق. درگذشت. و سام میرزا وی را از یاوه گویان قم دانسته که با حیرتی(-۹۶۱هـ.ق.) معارضه داشته است، تحفهٔ سامی، ص ۱۲۶-۱۲۷.

۲. «عروض و قافیه» رسالهای است مختصر، از امیرزاده جهانگیر فرزند عباس میرزا ولیعهد(-۱۲۶۹هـق.) در یک مقدمه و چند فصل و یک خاتمه.

آغاز: «بسمله، سپاس وافر یزدان را که آفریننده انسان کامل است از بسیط خاک».

انجام: «تمام شد کتاب عروض من کلام نواب مستطاب غفران مآب شاه زاده والاتبار جهانگیر میرزا خلف ارشد نایب السلطنه».

(ص ۴۲-۶۲)

۳. «بدایع الاسحار»[1] قصیده مصنوع سلمان ساوجی(۷۰۹-۷۸۸هـق.) است که در ستایش وزیر غیاث الدّین محمّد(-۷۳۶هـق.) سروده است. و شامل شصت و پنج بحر و قریب صد و بیست صنعت و دوایرستّه که اوزان شانزده گانه و تفکیک بحور از آن معلوم می‌گردد، می‌باشد.

آغاز: «بسمله، بعد ازحمد و سپاس مراحدی را صفای صفوت رویت بریخت آب بهار».

انجام: «راه او راه کرم را سالک علم او عالم دل را محرم»

(ص ۶۴-۸۴)

۴. «بهجت الروح» در موسیقی.

(ص ۸۵-۱۰۸)

۵. «کرامیّه» در موسیقی.

(ص ۱۰۹-۱۱۵)

۶. تصانیف و اشعاری در دستگاههای مختلف موسیقی.

---

۱ . ر.ک. به تاریخ ادبیّات در ایران، صفا، ج۳/۲، ص۱۰۰۵.

(ص۱۱۵-۱۲۲)

۷. «اسطرلاب زورقی» در معرفت اسطرلاب زورقی.

(ص۱۲۴-۱۲۷)

۸. «رساله در ربع مجیب» (اسطرلاب ربعی) به عربی.

(ص۱۲۸-۱۳۱)

۹. «فراید الدّرر بعلم اللوح و القدر» در جفر جامع از ابوطالب بن محمّد هادی قزوینی.

(ص۱۳۳-۱۴۱)

۱۰. «رساله در جفر».

(ص۱۴۳-۱۴۶)

۱۱. «رساله در حقیقت مذهب ملاحده» از خواجه نصیرالدّین طوسی».

(ص۱۴۷-۱۷۰)

نسخ و نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۷سطری، تاریخ کتابت: رجب المرجب ۱۳۰۶، محلِّ کتابت: تهران، کاتب: اسدالله منجّم دودانگه هزار جریبی، کاغذ: حنایی، عناوین و اشکال به سرخی، ۸۷گ، ۲۱/۵×۱۴/۵، جلد: تیماج ضربی، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۵۶۵

مجموعه

مشتمل است بر:

۱. «مجمع الانشاء» سواد نامه‌هایی است با نثری زیبا با گزارش عزل و نصب و...

خطاب به محمّد قلی خان بیگدلی، میرزا شفیع مستوفی، محمّدحسین خان سفیر ایران در روس، رضا قلی میرزا نایب السلطنه ایران(در دوره افشاریه).

آغاز: «بسمله، ای کرده ز کلک صنع ترکیب بشر          ز انشاء تو نقش بسته اجسام و صور

هر حرف که از خانه حکمت زده سر          طغرای قضا گشته و عنوان قدر

انشاء نامه حمدی که مترسّلان صحایف صنایع ابداع املا نمایند».

انجام: «و قبل ازین بآن فرزند رقمزد کلک تمام شده است حساب دینارات... جهت کرورات نگاشته میشود...».

(ص ۱-۴۲)

۲. «نان وحلوا» مثنوی ملمّع عرفانی و اخلاقی است از شیخ بهایی(-۱۳۱هــق.) که کامل نبوده و جامع و کاتب آن را مختصر کرده و بعضی از اشعار عربی آن، حذف شده است.

آغاز: «بسمله، آنچه از حق بازگردد ای پسر          نان حلوا نام کردم سربسر».

انجام موجود: «آنچه مقصود هست ای روشن ضمیر          برنیاید زان مگر عشر عشیر».

(ص۴۵-۶۶)

۳. خواب نامه(تعبیر خواب) منسوب به علاّمه محمّد باقر مجلسی.

(ص۶۹-۱۴۳)

۴. مختصری در طب منتخب از زادالمسافرین و... .

آغاز: «در زات المسافر چند نسخه مختصری که مذکور میشود».

انجام: «شکافته در موضع به آن ضماد نمایند تمام شد».

(ص۱۴۵-۱۸۳)

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: ۱۳۱۲-۱۳۳۱هـق. کاتب: شکرالله بن مرحوم قاضی گرم آبرودی، محلِّ کتابت: قزوین مدرسه مولاوردی خان، کاغذ: شکری، عناوین به سرخی، و متن بعضاً به سرخی، ۹۴گ، ۱۷/۷×۱۱، خریداری آستان قدس رضوی در ۱۳۶۵.

۵۶۶

مجموعه

(۱۶۳۸۹)

مجموعه چند دیوان است به شرح زیر:

۱. «دیوان جلال عضد» از سیّد جلال الدّین بن سیّد عضدالدّین یزدی معروف به«جلال عضد» و متخلّص به«جلال» (سده هشتم هجری» شامل دیباچه، قصاید(در مدح شیخ ابواسحق و...) غزلیّات(به ترتیب حروف تهجّی نیست) می‌باشد.

آغاز: «بسمله، جواهر زواهر حمد و سپاس بی‌حد و قیاس عقل و فهم و میزان طبع».

انجام: «کسی که کام دلی از زمانه میخواهد همین که باده بکامش رسد رسید بکام».

(ص۱-۱۴۴)

۲. «دیوان امیرشاهی» از امیر آق ملک بن جمال الدّین فیروزکوهی سبزواری، متخلّص به«شاهی» و از غزل سرایان معروف سده نهم هجری است. دارای غزلیّات(به ترتیب حروف تهجّی)، مقطّعات و رباعیّات می‌باشد.

آغاز: «بسمله، ای نقش بسته نام خطت با سرشت ما این حرف شد ز روز ازل سرنبشت ما».

انجام: «آن چشم مردم کش نگر مژگان خون آلوده بین       زنجیر زلفش برفشـان دلهـای فرسـوده بین(کذ)

(ص۱۴۵-۱۹۲)

۳. «دیوان حسن دهلوی» از امیر نجم الدّین(جلال الدّین) (علاءالدین) حسن بن عـلاء سـجزی، کـه تخلّص او در اشعار«حسن» بوده(شاعر اواخر سده هفتم و هشتم هجری) و در سـال ۷۳۱هـــق. در هندوستان درگذشته است.

نسخه مشتمل است بر غزلیّات و رباعیّات.

آغاز: «مست است بیاد لب میگون توهر شهر       شهری که چنین مست نیابیش خرابست».

انجام: «حرف سیمین چهل ولی را دستور       زان چار چهار رکن عالم معمور».

(ص۱۹۳-۲۸۰)

۴. «دیوان خواجه فخرالدّین عصمهٔ الله بن مسعودبخاری» (-۸۲۹یا ۸۴۰هـق.) که در قصاید خـود گاه«نصیری» و گاه«عصمت» تخلّص می‌کرده و در غزلها از نام «عصمت» که کوتاهتر و متناسبتر بـا غزلست استفاده کرده است.

نسخه شامل قصاید و غزلیّات و مثنوی و مقطّعات، لغز و معمّا و رباعیّات است.

آغاز: «بسمله، تعالی الله زهی قیوم دانا       تعالی الله زهی حیّ توانا».

انجام: «عصمت از روی تو محروم و تو در نعمت ناز       خبرت نیسـت کـه مـا در چـه عـذابیم هنوز».

(ص۲۸۱-۴۱۲)

۵. «منتخب دیوان آذری»

دارای یکصد و چهارده غزل است از شیخ فخرالدّین حمزهٔ بن علی ملک طوسی اسفراینی بیهقی متخلّص به«آذری» (۷۸۴-۸۶۶هـ.ق.) وی معاصر میرزا شاهرخ و مصاحب شیخ محیی الدین طوسی غزالّی بوده و از شاه نعمت الله ولی، خرقه تبرّک گرفته است. مدتی در هند بسر برده و منظومه«بهمن نامه» وی در شرح سلطنت سلاطین بهمنی دکن بوده و دیگر آثارش: «عجائب الغرائب» و«جواهر الاسرار» و«سعی الصفا» و«طغرای همایون» می‌باشد.

آغاز: «الهی امن و ایمان بخش ما را وفا کن عهد و پیمان بخش ما را».

انجام: «چو شمع در آن مجلس اگر برنکنی سر دانی چه کنی آذر یا سوزی و سازی».

(ص۴۱۳-۴۵۶)

نستعلیق ۲۰سطری، تاریخ کتابت تا انتهای دیوان حسن دهلوی: ذی الحجه الحرام ۱۳۱۳تا محرم ۱۳۱۴، کاتب: فرج الله بن میرزا علی خان تفرشی، تاریخ کتابت بقیّه دیوانها: دوازدهم ربیع المولود ۱۳۱۴، کاتب: حسین بن میرزا قاسم، کاغذ: شکری و نباتی، عناوین به سرخی، ۲۲۸گ، ۲۲/۲×۱۶/۵، جلد: تیماج عنّابی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۶۷

مجموعه

(۱۸۰۴۲)

مشتمل است بر:

۱. «رویای صادقانه» از سیّد جمال الدّین بن عیسی بن محمّد علی واعظ اصفهانی(۱۲۷۹-۱۳۲۶هـق.) که در ان از اعمال شنیعه ظل السلطان و آقا نجفی و درباریان ظل السلطان و علمای هم مسلک آقا نجفی را در روز قیامت و صحرای محشر در مقابل کرسی حساب مجسّم می‌دارد و چندین بار به چاپ رسیده است.

آغاز: «اوّل شبی که روز آن از شدت مشاغل و مکاسب و ازدیاد گفت و شنود و بسیاری حوادث و مشاهده دوست...».

انجام: «کلیّات سعدی را از طاقچه برداشته باز کرد این غزل آمد و چشم محبت و انسانیّت را روشن نمود...

به نصیحت آدمی شود نه بخویشتن که سعدی　　　　هم از آدمی شنید است بیان آدمیت».

(ص۲-۴۵)

۲. «روایت عمروبن مسعده» دبیر مأمون، شرح واقعه برخورد وی با پیری دانا و نتیجه گیری که این درخت علم و هنر عاقبت به بار می‌نشیند.

(ص۴۵-۴۹)

۳. «دیباچه بیاض» و چندی از«منشآت» مرحوم میرزا مهدی خان استرآبادی(سده ۱۲هـق.) که بر بیاض نواب رضا قلی میرزا انشاء نموده است.

آغاز: «حبّذا این بیاض دلارا که تذور رنگین پر و بالیست».

انجام موجود: «به اقلام مژگان و سرخی خوناب به شرحی درین باب بر بیاض دیده تحریر نموده‌اند که باید دید بزودی ارسال دارند که عین مردم نوازی خواهدبود».

(ص ۴۹-۶۴)

۴. «عارفنامه»، منظومه معروف ایرج میرزا«۱۲۹۰-۱۳۴۴هـ‍ق.) خطاب به عارف قزوینی...

آغاز: «شنیدستم که عارف جانم آمد زفیق سابق طهرانم آمد».

انجام: «همانا بایدم کردن مداوا که تا زایل شود جنسیت از ما».

(ص ۶۶-۷۱)

۵. سواد حکم ترفیع معتمد السطان میرزا علی خان سرهنگ به منصب سرتیپی در زمان احمدشاه قاجار در رمضان المبارک ۱۳۲۷.

۶. «احکام شکوک» و«میزان کلام» در احکام و اخبار.

(ص ۷۸-۱۰۲)

۷. منشآت: نوشته مرحوم شوریده فصیح الملک از شیراز به خانم نزهت السلطنه و قصیده‌ای از شوریده فصیح الملک برای شعاع السلطنه با این مطلع:

«شد زدود آه ما آئینه گردون سیاه آری آری آینه گردد سیاه از دود آه»

ماده تاریخی که فصیح الزمان ساخته:

«جهان پیر بود ای جوان سرای غرور در این سرای غرور آنقدر مشو مغرور».

و منشآت و حکایات و مطالب متفرقه.

(ص ۱۰۴-۱۴۲)

۸. «سواد سندی که به موجب آن مرحوم علاءالدوّله در تاریخ ۱۳۲۲کشیری از رقبات املاک واعیان اموال خود را بین اولاد امجاد خود تقسیم کرده و به هریک از آنها بعضی از املاک خود را به عنـوان صلح منتقل نموده(در یکبرگ در قطع بزرگ) در تاریخ شعبان ۱۳۳۰نوشته شده است.

نستعلیق آمیخته به شکسته خوش مختلف السطر، تاریخ کتابـت: ۱۳۲۲-۱۳۳۰هــق. کاتـب: میـرزا مصطفی خان منشی باشی(مدیر الممالک)[۱]، کاغذ الوان، عناوین به سیاهی، ۷۱گ، ۱۳×۲۱/۷، جلـد: مشمع آبی، واقف: پریچهره پدرام شیرازی در شهریورماه ۱۳۷۰.

۵۶۸

مجموعه

(۱۲۸۸۷)

دارای رسائلی به شرح زیر است:

۱. رساله در توحید.

(ص۲-۱۹)

۲. رساله در عروض، که اوزان و بحور اشعار فارسی را به طور مختصر توضیح داده است.

آغاز: «بسمه تعالی، اوزان بحور، بحر طویل سالم، فعولن مفاعیلن، فعولن، مفاعیلن».

انجام: «از بس که غم بسینه من بسته راهرا          دیگر مجال آمد وشد نیست آه را».

(ص۲۰-۳۳)

۳. غزلیّاتی از فرصت و حافظ و سعدی.

---

۱. بنابر نوشته ظهر صفحه اوّل نسخه که تصریح کرده که کاتب مدیر الممالک می‌باشد.

آغاز: «وصفت در انجمنی زان قد و قامت کردم...».

انجام: «تکیه که(اخکر) است لطف خداوند بهتر از این بنده تکیه گاه ندارد».

(ص ۳۶-۵۷)

۴. رساله در بدیع و صناعات ادبی، که مؤلف از عناوین و گفتار و اشعار حدایق السحر رشید و طواط استفاده نموده و اشعار عربی آن را ساقط کرده و در بعضی از صنایع توضیحاتی اضافی داده است.

آغاز: «ترصیح بپارسی دُرّ نشانیدن جواهر و جز آن بود...».

انجام: «زهی مخالفت تو خطا خطا زهی موافقت صدر تو صواب صواب».

(ص۵۸-۱۲۰)

نسخ و نستعلیق تحریری مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی فرنگی، خط نسخ با جوهر آبی، ۶۰گ، ۱۶×۹، جلد: میشن قهوه‌ای مستعمل، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۵۶۹

مجموعه

(۶۷۹۴)

(ترکی و فارسی)

مجموعه‌ای است از اشعار در سوگ ائمه اطهار علیهم‌السلام به زبان ترکی و بعضاً به فارسی از شاعران مختلف از جمله شهاب، صافی، زایر، تاجر تبریزی و... با عناوینی به شرح زیر:

۱. احوالات غره محرم الحرام.

۲. احوالات فاطمه صغرا علیهاالسلام از شهاب.

۳. احوالات ورود به کربلا در سوم محرم.

۴. احوالات حضرت علی اکبر(ع) و شهادت ایشان، احوالات حضرت علی اصغر(ع)، احوالات حضرت ابوالفضل(ع)، احوالات پسران جناب مسلم، احوالات حضرت حسین(ع)، احوالات غارت خیمگـاه، احوالات اُسرا و کوفه، من کلام صافی.

احوالات تنور به سر حضرت حسین(ع)، احوالات راه شام از زبان جناب لیلا، از زبان جناب سکینه، احوالات مجلس یزید لعنت الله علیه، احوالات خرابه شام، خروج از شام، من کلام زایر.

خطبه سجادیه، احوالات اربعین، احوالات ورود به مدینه از کربلا، احوالات مدینه از تاجر تبریزی.

احوالات پیامبر(ص)، وفات فاطمه زهرا علیهاالسلام، من کلام زایر.

چند بیتی به فارسی از محتشم کاشانی در احوالات حضرت صدیقهٔ الطاهره علیها السلام. با این مطلع:

«ای بانوی حریم شهنشاه لافتی　　　　وی معجزتو عصمت و وی حجله‌ات حیا».

در احوالات حضرت رضا علیه‌السلام من کلام تاجر تبریزی.

در احوالات حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام من کلام زایر.

در احوالات حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلامف نوزدهم ماه رمضان المبارک.

احوالات تولد حضرت امام حسین(ع)، عید قربان، من کلام زایر.

در نیمه شعبان و احوالات امام حسن علیه‌السلام.

آغاز: «کلور محرم آلی شیعه لر اولسون آگاه ه　　　کینه تدارک ماتم کورور رسوا لّه لّه».

انجام: «دو توب بود امتی صدقیله صبح شام اولماز».

نستعلیق کتابتی با جوهر بنفش، ۱۷سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـق. کاتب: محمّد علی، کاغذ: نخودی، ۱۸×۱۲، جلد: تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس رضوی در بهمن ماه ۱۳۶۷.

۵۷۰

مجموعه ناصری

(۱۲۳۰۳)

مجموعه‌ای است از میرزا سیّد محمّد بن عبدالله میرزا عبدالباقی موسوی حسینی اصفهانی ملقّب به«برهان الدّوله» و متخلّص به«سلطانی» از علما و نویسندگان دوره ناصرالدین شاه قاجار که این مجموعه را به نام وی مصّدر و او را ستایش کرده است و شامل چند کتاب به شرح زیر می‌باشد:

– «حدیقهٔ المعارف» که حکایاتی است به شیوه هزل و طنز که با نثری مسجّع آمیخته به نظم، که مسائل اجتماعی را به باد انتقاد قرار داده است و بعضی از اشعار مؤلّف با عنوان لمؤلّفه آمده است.

آغاز: «وقتی یاد دارم که در سن هشت و دهم بجههٔ تحصیل صرف و نحو به معلمی قصی القلب...».

– معالجه بضدّ که بعضی نفوس را لازم می‌شود،

– تحقیق در اتّحاد وجود و غدر معاصی نفوس ضعیفه،

– تحقیق در ترجیع اسلام بر سایر ملل، در تفریق مقالات و حالات پیغمبر(ص)،

– خطبه‌هایی از حضرت علی(ع)، پند و اندرز به وزراء و حُکّام، در اسباب ضعف ملّت و دولت اسلام،

– قصیده‌ای طولانی در تنبیه و موعظه در ۷۴بیت،

آغاز: «ای اوفتاده در وحل نظم و انتظام　　　این نظم و انتظام تو را کشته دام دام».

انجام: «انکو نکرده است اوّل سنگ خویش حق　　　چون سنگ دیگران را از خود کند تمام؛».

- کواکب علویه در انفس،

- در معنی حدیث حُبّ الوطن من الایمان و ردّ بعضی...

- قصیده در ۶۰بیت با مطلع:

«مژده بمستان دهید باز بهار آمده است		نامیه با صد هزار نقش و نگار آمده است».

- تشریح و تحقیق در چگونگی احوال و افعال اهل فرنگستان،

- قصیده در ۵۳بیت در معنی این که ملامت و دقّی خالی از اغراض شیطانی نباشد.

با این مطلع:

«ای فسرده دل شده در التزام انتظام		التزام انتظامت کار کرده بی‌نظام»

- اوراقی در شرح حال خود مؤلّف و معاصرین وی نگاشته شده است.

- تحقیق فقهی در شریعت محمّد مصطفی(ص).

- در شناسایی اشخاص صاحب سرّ به قواعد نجومی که اقطاب زمان باشند.

- حکایت در تنبیه حُمَقاء، انها و اشعار در تعیین مناصب اهل علم و قُضات

- حکایت در تنبیه و ذم صداقت مفرط،

- در اختیار اشکال هندسی از برای عمارات،

- در خصوص تحصیل علم طب و خواص آن از برای طبیب،

- در آداب تعشق و تفریق عشقها و امتیاز آن.

و ذکر شده که در جلد دیگر این کتاب که مسمّی به«مجمع العلوم» است نبذی هم در علم طبّ نگاشته آید.

– در تحقیق این که از هر کس هر کار نیاید.

– تحقیق در حدیث اهل سنت و جماعت.

– تحقیق این که تحصیل هر علمی شاسته هر کسی نیست خاصّ مسلم را.

– در تشخیص ضررهای دولت به جهۀ تقلید از کفر.

– در خواص تنظیمات احتسابی و شغل محتسبی که از قرارات قدیمه سلطنت اسلام است در ایران.

– در خواص حساب و استقلال محاسب در امر محاسبات.

– ضررهای بی‌اعتنایی در حساب و بیسوادی محاسب.

– مسمّط در تهنیت عیدنوروز و جشن سلطانی و توصیف بهار از مؤلّف در ۸۷بیت.

آغاز: «عید جم آمد فراز ای صنم دلفروز           خیز و بیاور مئی عیش فراطیش...».

انجام: «منظر حقّش مدام منظر و منظور باد           که پی سخن خوشبود گدا نوازی ز شاه».

در خاتمه آمده است:

«این بنده در نگارش این کتاب نه عرض علم و هنر و خودنمایی میباشد و اسباب و دست آویز از برای اخذ وجوه و گدائی... در این کتاب که به مجموعه ناصری موسوم می‌شود... فواید کلی و خواصّ بسیار باشد».

(ص ۲–۴۱۴)

ضمیمه مثنوی است در بحر مثنوی مولوی(بحر رمل) از مؤلّف کتاب سیّد محمدبن عبدالله موسوی الحسینی در تفسیر آیات و احادیث و اثبات مظهریّت حق و حکایات پندآموز از کتابهای مختلف از جمله مثنوی معنوی و... و نکاتی در پند و اندرز را به نظم درآورده است.

– ردّ شعر آقا محمّد کاظم واله شاعر اصفهانی که به وصیّت خودش در سند مزارش نگاشته‌اند.

– اشعاری خطاب به خداوند و مناجات گونه با مطلع:

«تو را خواهم، نخواهم رحمتت گر امتحان خواهی  در رحمت برویم بند و درهای بلا بگشا».

– در تحقیق و تعریضی بر شعر حکیم قاآنی.

– در شرح حال مفخر شاعری که در اصفهان زندگی می‌کرد و اشعارش کلاً هزل و مضحکه بود.

از محمّد کاظم سعادت علی شاه معروف به «طاووس العرفا»

– در شرح تنظیمات ناپلیان روس و سیاسات او در حراست مملکت و استبداد رای او در قرار و مدار مملکتی، حال دویست سال است که به همان قرارها رفتار می‌نمایند».

در خاتمه نسخه از جامع و مؤلف آمده است:

«این بنده که سیّد محمّد بن عبدالله موسوی الحسینی ناظم و مؤلّف و مصنّف این کتاب هستم به مقتضیات فطری و سری که اَباً عن جد با سلطان دارم در مقام نظم این مطالب برآمده».

آغاز: «بسمله و به ثقتی و رجائی، حمد بیحد کردگاری را سزد          که بود وصفش برون از حصر و حدّ».

انجام موجود: «صبر او را تو کجا یاری کنی          همرهی هرچند سلطانی غنی».

(۷۸۸–۴۱۶)

– نستعلیق خوش ۱۷سطری، مثنوی: نسخ ۳۱سطری چهار ستونه، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی و نخودی، عناوین به سرخی، ۳۹۴گ، ۳۵×۲۲/۲، جلد: تیماج تریاکی، واقف: سیّد جلال الدین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

محبوب القلوب

(۱۵۸۷۳)

کتابی است مشتمل بر حکایاتی در اخلاق و آداب زندگی در یک دیباچه و یک مقدّمه و چند مقاله و چند باب از میرزا برخوردارین محمود ترکمان فراهی از منشیان دوره صفوی که درشعر«ممتاز» تخلّص می‌کرد و اشعارش در این کتاب به چشم می‌خورد.[۱] درباره نام و محتوای آن مؤلّف می‌گوید: «حکایات را به زیور عبارات رنگین و استعارات دلنشین آراسته گردانیده بود. بعد از افزایش و بازنگری این کتاب از«رعنا وزیبا» به«محفل آرا» و بعد به«محبوب القلوب» تغییر نام داد». چندین بار به زیور طبع درآمده است.

این نسخه ناقص است از آغاز و انجام افتادگی دارد،[۲]قسمت دیباچه و مقدمه آن تا ابتدای مقاله سوم(در حقوق اولاد) و حکایت«شاهزاده هنرمند و رهایی از حادثه» ساقط شده و تا باب دوم(در فوائد نیکوکاری) و ابتدای حکایتِ«ملک سرافراز و گنجور عابد و ذکر یاقوت شاه جنی و شمسه و قهقهه...» می‌باشد.

آغاز موجود: «بار مرخص گردیدم با ساز و برگ لازمی و با جمعی از محرمان خود آهنگ بشکار نمود».

انجام موجود: «از ظلمات نفسانیّت به سرچشمه آب حیات به ورع و رستگاری رسانیده».

---

۱ . دو نسخه درج۷ریال ص۱۶۸ و۷۶۵، تحت عنوان«گزیده اشعار محبوب القلوب» فهرست معرفی شده است.

۲ . عنوان شناسنامه«داستانها» می‌باشد. که با تحقیق و جستجو نام نسخه بدست آمد و شناسایی گردید.

نستعلیق تحریری ۱۶سطری، تـاریخ کتابـت: سـده ۱۳هــق. کاتـب: نـامعلوم، کاغـذ: آبـی، ۵۱گ، ۱۴/۵×۲۱/۵، جلد: ندارد، واقف: احمدعلی منتظری، تاریخ وقف: مردادماه ۱۳۶۷.

۵۷۲

محبوب القلوب

(۱۴۲۷۴)

نسخه ناقص است. از انتها افتادگی دارد و تا باب پنجم(در بیان فواید قناعت و نتـایج همّـت و بیـان رشک حسد) می‌باشد که سه حکایت از این باب آورده شده است.

آغاز: «بسمله، بزرگی و شوکت توراست          سرافرازی ملک حشمت توراست».

انجام موجود: «توشه عافیتی به راه آخرت فرستادن است».

نستعلیق ۱۸سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۳هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی و شکری، عناوین به شنگرف، ۱۹۷گ، ۱۴/۵×۱۹/۷، جلد: تیماج مشکی ضربی مسـتعمل، واقـف: سـیّد محمّـد بـاقر سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۵۷۳

محبوب القلوب

(۱۲۰۵۵)

(ترکی)

از امیر علی شیرنوایی، امیر کبیر نظام الدّین علی شیربن میر غیاث الدّین کجکنه(۸۴۴-۹۰۶هــق.) در چند قسم و فصل به نظم و نثر ترکی به شرح زیر:

قسم اوّل: در احوال و افعال خلایق از جمله سلاطین، وزراء، قاضی، مفتی، دهقان، عسس، اوباش و اراذل.

قسم دوم: خاصیت افعال حمیده و خصال ذمیمه، از جمله زهد، توکل، قناعت، صبر، تواضع، توجه، رضا، عشق... و همچنین در بیان شریعت، ذکر پیری و غیره که با حکایات مختلف در پند و اندرز توأم می‌باشد.

آغاز موجود: «انینک قدر تیغه آسان، با رویوق و یوق و بار انینک احسانیدین».

انجام: «هر کیم اوقیسا آلهی                اولغتی خوش دل».

(ص ۱-۱۳۳)

این نسخه مذیّل است به:

۱. لغت نامه ترکی جغتای نوایی[۱]، با شرح ترکی و با شواهد شعری از خود مؤلف با تخلّص «نوایی» و «سلطان حسین میرزا»

آغاز: «بسمله، یوز حمدانکاکیم و صفیداد ورایل تیلی لال... حرف الالف المفتوحه، آت اوج معنا ایله کلوراسم».

انجام: «یویاین و قاپایان دیمکدور تمت».

(ص ۱۳۶-۲۲۴)

۱ . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به فهرست ج۱۳در موضوع لغت.

نستعلیق نسبةً خوش۱۴سطری، تاریخ کتابت: جمادی الاخری تا صفر المظفر ۱۲۲۲، کاتب: نوری باباخان بن محمّد شریف یوزباشی، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، ۱۱۲گ، ۱۹/۲×۱۴/۲، جلد: گالینگور قهوه‌ای با عطف و گوشه تیماج، واقف: سیّد جلال الدّین تهرانی در مردادماه ۱۳۶۱.

۵۷۴

محمود و ایاز[۱]

(۱۵۴۵۷)

یکی از طولانی ترین و مهمترین مثنویهای حکیم محمّدحسن خوانساری متخلّص به «زلالی»(-۱۰۲۵هـ.ق.) است که در بیان عشق محمود غزنوی و غلامش ایاز می‌باشد و نزدیک به ۴۷۰۰بیت می-رسد. در سال ۱۲۹۰هـ.ق. در نولکشور هند تحت عنوان «مثنوی زلالی» چاپ سنگی شده و در سال ۱۳۲۰هـ.ق. در ایران به چاپ رسیده است.

بعد از مرگ زلالی خوانساری، به وسیله ملاّ طغرای مشهدی و عبدالحسین کمره‌ای، سبعه زلالی[۲](حسن گلوسوز، شعله دیدار، میخانه، ذرّه و خورشید، آذر و سمندر، سلیمان نامه، محمود و ایاز) تنظیم و مقدمه‌ای بر آن نوشته شده است.

نسخه ما ناقص است(از ابتدا و انتها افتادگی دارد و اوراق درهم و نامرتبّ است).

آغاز موجود: «سفر در شب فروزد مشعل صبر        تبسّمهای برق گریه ابر».

انجام موجود: «بلا انداز چشم عشوه سازت        قیامت یکه تاز نیم نازت».

---

۱ . یک نسخه درج۷، ص۸۲۵ فهرست معرفی شده است.

۲ . «سبعه سیاره» درج۷، ص۴۱۷، تحت عنوانِ «دیوان زلالی خوانساری» معرفی شده است.

نستعلیق خوش ۱۸سطری، تاریخ کتابت: آخر سده ۱۲هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخـودی رطوبـت رسیده که قسمتی از اوراق از بین رفته است، ۲۴گ، ۲۴/۵×۱۲، جلد ندارد، از کتابهای بازیافتی.

۵۷۵

مختصر الانشاء

(۱۳۴۷۰)

مجموعه‌ای است از منشآت و نامه‌ها و نوشته‌های نرنجن داس بن سها چند مـتخلّص بـه«هنـدو» از نویسندگان سده۱۱هـق. که اشعارش در حاشیه صفحات نیز آمده است. این نسخه شامل چند فصل به شرح زیر است:

«فصل اول: در شرح عرایض که بجناب پادشاهان و پادشاهزاده... از جمله؛ مبارکباد سال دویم جلوس، مبارکباد سالگرد، مبارکباد فتح...

فصل دویم: متضّمن مکاتبات و رقعات که ابنای روزگار باهم نویسند... از جمله؛ در جناب قبله گـاه نویسد، در بعضی القاب بزرگان، بخدمت برادر خورد، برادر کلان نویسند».

آغاز: «بسمله، علم منشی گری بحر محیط و دریای بی‌منتهاست و بعضی منشات آن تعلق به اشارات دارد و بعضی به استعارات و تطویلات در حقیقت به مقتضای روزگار آنچه که ساده و پرکار باشد بهتر است...[۱] تقدیر به فضل مفضل الهی احقر الناس نرنجنداس بر طبق فرمایش عزیزان بنای این مختصر الانشا گذاشت و نقود این خیال را به میزان سخن سنجید که مبتدیان این فن را کلید ابواب مقاصد شود و قدری غزلیّات طبع زاد خود را به تخلّص«هندو» همدران نوشت».

---

۱ . موریانه خورده و نوشته‌ها از بین رفته است.

انجام: «که عاقبت بخیر باد و بس تمت تمام شد بتاریخ چهاردهم صفر المظفر ۱۲۱۶کتاب انشاء مختصر تضیف نرنجنداس بخط بنده کیسوزادم به روز جمعه زیور تحریر یافت».

(ص۱–۱۷۰)

این نسخه مذیّل است به:

۱. «مناظره حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلّم) با جبرئیل(ع)»

آغاز: «بسمله، حمدله و العاقبۀ للمتقین... نقلست که روزی رسول صلی الله علیه و آله و سلّم با جبرئیل علیه السلام حکایت میکرد».

انجام موجود: «من تسبیح و خلق لسانه من ذکر الله تعالی افریده شد زبان».

(ص۱۷۲–۱۸۲)

۲. «جام جهان نما» از محمّد شیرین مغربی، شمس الدّین محمّد بن عزّالدین عادل بن یوسف(–۸۰۹هـق.) در توحید به روش عرفانی و مشتمل است بر دو دایره و هر یک بر دو قوس و خطی که برزخ میان دو قوس است[۱]. (از ابتدا افتادگی دارد).

آغاز موجود: «بین الوجوب و الامکان و صلواۀ نامیات بر مهتر عالم که حقایق و ارواح...».

انجام: «کاری مهتر ازین در پیش الله یقول الحق و هو یهدی السبیل و الحمدلله اولا و اخر و ظاهرا و باطنا و هو علی کل شی قدیر باتمام رسید».

(ص۱۸۳–۲۰۰)

---

۱ . درج۴، ص۵۸ فهرست معرفی شده است.

۳. در فضیلت ادعیه ماههای قمری از رجب تا ذیحجهٔ الحرام که از ابتدا و وسط و انتها افتادگی دارد. احادیث به روایت اهل سنّت می‌باشد.

آغاز موجود: «... صوم الف سنةٍ و من صام منه یومین کتب الله له صوم...».

انجام موجود: «بگشاید هشت در بهشت از راست و چپ و در روز قیامت حشر و باجمال باشد انشاءالله العزیز».

(ص۲۰۵-۲۴۸)

نستعلیق مخلوط به شکسته مختلف السطر، تاریخ کتابت: چهاردهم صفر المظفر ۱۲۱۶(مذکور در انتهای مختصر الانشاء) کاغذ: نخودی و حنایی، عناوین به شنگرف، ۱۲۶گ، ۲۳/۳×۱۱/۵، جلد: مقوا با عطف و گوشه میشن قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۵۷۶

مخزن الاسرار

(۱۳۲۴۰)

اوّلین مثنوی از خمسه نظامی گنجوی می‌باشد در یک مقدمه و ۲۰ مقاله؛ خاتمه کتاب از نسخه مطبوع آن ابیات بیشتری دارد و عناوین آن عبارتند از:

نعت عزوجّل سبحانه، نعت اوّل در خاتمه نبوی علیه‌السلام... مقاله اوّل در صفت ظهور آدم، مقاله دوم در عدل و انصاف، مقاله سوم در حوادث عالم، چهارم در رعایت رعیّت، پنجم بر احوال گذشته، هفتم در مرتبت آدمی، هشتم در جنس آفرینش، نهم در ترک شهوت، دهم در نمودار علامت اخر الزمان، یازدهم در صعوبت این منزل و اختیار وحدت، دوازدهم در وداع این منزل، سیزدهم در شکایت عالم،

چهاردهم در خواب غفلت، پانزدهم در خلوت طایفه، شانزدهم در تـدبیر چابـک روی، هفـدهم در پرستش، هیجدهم در بیوفایی روزگار و حال مدعیّان، نوزدهم در استعمال آخرت، بیستم در شکایت دوران و نامنصفان.

آغاز: «بسمله، هست کلید در گنج حکیم بسم الله الرحمن الرحیم».

انجام: «وانکه نوشته بود این را تمام عفو گناهش و فردا تمام».

نستعلیق هندی ۱۵سطری، تاریخ کتابت: یازدهم محرم الحرام۱۱۸۹، کاتب: محمّد قاسم بن محمّد هاشم بن میان محمّد عبدالغنی حپو(کذ)، کاغذ: حنایی، عناوین به شـنگرف، جـداول اوراق بـه شـنگرف و لاجورد، دارای کمند به لاجورد، ۷۹گ، ۱۱/۵×۱۹/۲، جلد: میشن عنّابی ضربی مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در آبان ماه ۱۳۶۲.

۵۷۷

مخزن الانشاء[1]

(۱۵۹۸۷)

از کمال الدّین حسین واعظ بیهقی کاشفی(-۹۱۰هـق.) که به نام سلطان حسین بابقرا در ۹۰۷هـــق. نوشته است. که انواع و اقسام نامه‌ها را(دعوات، افتتاح منشآت،...) به صورت جدول با نمونه ابیاتی به نظم و نثر مناسب با نوع نامه در سه صحیفه معرفی نموده است.

چنان که در ابتدای صحیفه سوم(صفحه ۱۶۸) می‌گوید:

۱ . نسخه در شناسنامه، «منشات» نامیده شده است و نسخه‌ای از این رساله در مخزن خطی کتابخانه وجود نـدارد، بـا توجـه بـه خصـایص ان و تحقیق و بررسی با نسخه معرفی شده در فهرست کتابخانه مجلس شورا، ج۶، ص۲۱۵ و نسخه معرفـی شـده در ج۳، ص۲۱۱۷، فهرسـت نسـخه-های خطی فارسی، و با درنظر داشتن این که نسخه ما ناقص الاول و الاخر می‌باشد. این نسخه به احتمال نزدیک به یقین«مخزن الانشـاء» کاشـفی می‌باشد.

«درین صحیفه ثالث ز مخزن الانشاء بسی جواهر تحقیق میکنم افشاء،

بر رای عالم آرای و ذهن عقده گشای هر یک از ناهجان براعت و خازنان مخازن فصاحت».

(نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد)

آغاز موجود: «قسم اوّل از طبقه اوسط اصول و اعیان، زهی ز لمعه قدر تو ماه یک پرتو...».

انجام موجود: «چو سوسن ار بمثل جملگی زبان گردیم کجا ز عهد شکر تو می‌شوم[آزاد]

نستعلیق چهارستونه به شیوه چلیپایی، تاریخ کتابت: سده ۱۱هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی وصّالی شده، جداول و عناوین به شنگرف، ۹۷گ، ۲۶/۱×۱۵/۳، جلد تیماج زرشکی کمرنگ، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۷۸

مراثی

(۱۵۳۶۵)

مجموعه‌ای است بر:

۱. تفسیر آیه«فَمَن شَهِدَ مِنکُم الشّهر فَلیَصُمهُ. (آیه ۱۸۲سوره بقره) درباره روزه در ۴برگ.

(ص۱–۷)

۲. اشعاری در مرثیه و سوگ شهدای کربلا. از زبان حال ام کلثوم و حضرت سجاد(ع) و غیره از شعرای مختلف از جمله: «بیدل قزوینی».

آغاز: «کدام درد تو را یا حسین کنم تقریر کشم کدام غمت را برشته تحریر».

(ص۱۰–۵۶)

۳. در بیان«قصّه ایوب».

آغاز: «و ایوب پسر موجربن رازغ ابن عیصی ابن اسحیق و مادرش از اولاد لوط».

انجام موجود: «و آب باو میداد و متوجّه زخمهایش میشد اما خواهر حسین».

(ص۵۷-۷۰)

۴. در بیان«قصه ابراهیم» (ناقص).

(ص۷۲-۸۰)

۵. رباعیات و مثنویّات و قطعات در سوگ ائمه(ع).

(ص۸۲-۱۰۴)

۶. حدیث منقول از امالی شیخ صدوق مروی از عروهٔ بن زبیر در مورد معرفی باتقوا و پرهیزکارترین افراد یعنی حضرت علی بن ابی طالب(ع).

(ص۱۰۵-۱۰۹)

۷. تفسیر آیه«یا قَومَنا اجیبُوا داعِیَ اللهِ و امِنُوا بِهِ یَغفِر لَکُم مِن ذنوبکم...». (آیه ۳۱ و ۳۲، سوره احقاف)

(ص۱۱۰-۱۱۳)

۸. قصیده و اشعار از زبان حال حضرت زینب(س) و ام کلثوم به فارسی و ترکی.

(ص۱۲۳-۱۴۸)

۹. مصیبت به نثر(ماجرای بیعت گرفتن از امام حسین(ع)).

(ص۱۴۹-۱۵۱)

۱۰. قصاید در سوگ ائمه در حال ذوالجناح در قتلگاه، زبانحال ذوالجناح بعد از پیدا کردن نعش آقا، زبانحال حضرت زینب و سکینه خاتون و...

(ص۱۵۳-۱۶۳)

۱۱. سؤال مفضّل بن عمرو از امام جعفر صادق(ع) و غیره...

(ص۱۶۴-۱۶۹)

۱۲. بحثی مختصر در تفسیر و شأن نزول آیه ۴۱سوره حج«اُذِنَ لِلذَین یقاتلون باَنهمّ ظُلِمُوا...»

(ص۱۷۴-۱۸۵)

۱۳. اشعار به ترکی و فارسی در سوگ ائمه(زبان حال علی اکبر،... جناب مسلم، احوال وفات سکینه خاتون و متفرقات به نثر، دیباچه ترکی در مصیبت حضرت قاسم، شهادت طفلان مسلم و...

(ص۱۸۷-۲۹۶)

۱۴. قصیده حکیم قاآنی شیرازی در منقبت حضرت علی بن ابی طالب(ع) و اشعار متفرقه دیگر به ترکی و فارسی.

(ص۲۹۷-۳۰۰)

آغاز: «قال الله تعـ و من شهد منکم اللهم فَلیَصُمهُ چنانچه بعضی از...».

انجام: «کشید خنجر انگشتش از جفا ببرید          فکند غلغله بر ساکنان عرش مجید».

نستعلیق تحریری مختلف السطر، تاریخ کتابت: اوائل سده ۱۴هـق. کاتب و جامع: نامعلوم، کاغذ: نخودی بعضاً رطوبت رسیده، ۱۶۳گ، ۲۱/۵×۱۲/۵، جلد: تیماج یک لا مندرس، واقف: علی اصغر احمدلی در آبان ماه ۱۳۶۵.

۵۷۹

مطالع العرفان

(۱۶۷۵۱)

شرح و تفسیری است از ۱۱۸بیت از دفتر اوّل مثنوی مولوی، از سیّد ضیاء الدین تقوی بهبهانی شیرازی(۱۳۲۰-۱۳۸۸هـق.) در دوازده مطلع، که نیمه تمام مانده است.

آغاز: «بسمله، مطالع العرفان، در بیان آمدن انسان از عالم دیگر باین عالم و شکایت از فراق و جدایی و تنظیر به نی و نیستان».

انجام موجود: «و عقول آنها را راکد نموده و بال و پر آنها درهم شکسته...».

مذیل است به:

«اوراقی درباره حجاب بشر» در ۵برگ که نیمه تمام مانده است.

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـق. کاتب: مؤلّف: (تقوی بهبهانی شیرازی)، کاغذ: شکری، ۵۰گ، ۱۷×۱۰/۵، جلد: مقّوا با روکش گالینگور خاکستری، واقف: مؤلّف در دی ماه ۱۳۶۷.

۵۸۰

مصیبت نامه[1]

(۱۶۳۳۲)

مثنویی است در بحر رمل مسدس مقصود از شیخ فریدالدّین عطار نیشابوری(۵۴۰-۶۱۸هـق.) در حدود ۷۰۰۰ بیت و موضوع آن کوشش سالکی است که برای رسیدن به حق به همه چیز چنگ می‌زند

---

۱ . این سه نسخه ضمیمه پنج مثنوی دیگر عطار است که در جای خود معرفی شده است.

و از هر کس یاری می‌جوید. «مثنوی مصیب نامه» در ۱۳۳۸ش. به اهتمام دکتر نورانی وصال به چاپ رسیده، نسخه کامل است و صفحه اوّل آن نونویسی شده است.

آغاز: «حمد پاک از جان پاک آن پاک را　　　کو خلافت داد مشتی خاک را».

انجام: «کی توان کرد چندین پیچ پیچ　　　دست من گیری و انگاری که هیچ».

(۳۹۰-۹۲)

کاغذ: حنایی وصّالی شده، ۱۰۰گ، (بقیّه نسخه شناسی قبلاً ذیل اسرار نامه آمده است.)

۵۸۱

معمّیات

(۱۳۴۷۹)

مشتمل است بر:

۱. «دستور معمّا»[1] از میر حسین معمّایی(ملاّ میرحسین بن محمّد حسینی نیشابوری) (-۹۴هـق.) که بر آن چند شرح فارسی و ترکی نوشته شده است.

آغاز: «بسمله، بنام آنکه از تألیف و ترکیب　　　معمای جهانرا داده ترتیب».

انجام: «بیاراست اوّل از آن نام بد　　　که باشد بدو نیز ختم کلام».

(ص۲-۱۴۷)

۲. «دستور معما»ی منظوم از شهاب الدّین احمد حقیری هروی(-۹۲۳هـق.) شاگرد میرحسین معمابی.

آغاز: «بسمله، بنام آنکه ذات جمله اشیا　　　بود چون اسم[ذات] او معمّا».

---

۱ . یک نسخه درج۷، ص۳۴۴و درج۳، ص۳۲۴ معرفی شده است.

انجام: «قبول خاطر اهل نظر باد           بخوبی در همه عالم ثمر باد».

(ص ۱۵۰-۱۶۵)

۳. منظومه«نود و نه نام» خدا که ۱۶بیت از آن آورده شده است.

آغاز: «بسمله، نیست حد خامه از نام آله           دم زدن باید زبان دارد نگاه».

(ص ۱۶۶-۱۶۷)

۴. «دستور معمّا» منظوم از عبدالرحمان جامی که به سال ۸۹۰هـق. = فیض سروده است.

آغاز: «بسمله، چو از حمد و تحیّت یافتی کام           بدان ای در معمّا طالب نام

که اعمال معمّائیی سه قسمت           که هر یک کنج اسما را طلسم است».

انجام: «چو فیض قدسی آمد جای توبیخ           نباشد کرد کنندش فیض تاریخ= ۸۹۰

بتشریف قبول ارزنده بادا           بر ارباب کرم فرخنده بادا».

(ص ۱۶۷-۱۷۲)

۵. «معمّیات» شاه علی نیشابوری.

آغاز: «همدم شب تار ما که خواهد بودن           جز ناله زار ما که خواهدبودن».

انجام: «اشکبارست روز و شب دیده           تا رخ ماه و زلف پوشیده».

(ص ۱۷۳-۱۷۷)

۶. «معمّیات» حسامی دیوانه، در یک صفحه ناتمام مانده است.

آغاز: «رسول خدا را ز خیل عدو           کسی نشنود آنچه مه کشت ازو».

انجام موجود: «کمال از هر طرفی اگر چه صد ماه لقاست    کارآمدنی بلای جان و دل ماست».

(ص۱۷۸)

نستعلیق ۱۲سطری، تاریخ کتابت: دوشنبه دوازدهم رجب ۹۹۱، کاتب: ابراهیم خروتی، کاغذ: حنایی و زعفرانی بعضاً وصّالی شده، عناوین و توضیحات به شنگرف، ۸۹گ، ۱۸×۱۰/۵، جلد: تیماج دارچینی، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۵۸۲

معمّیات

(۱۶۳۰۰)

مختصری است از معمّیات شاعران مختلف به شرح زیر: (که در آغاز هر کدام شرح حال شاعر نیز آمده است).

۱. معمّیات ملاّ عنایت الله فکری هروی(-۹۷۳هـ.ق. ؟)

آغاز: «باسم بهمن خوانده دل بهر تو همدم          هر چه آن رعنا نوشته».

انجام: «و هر شب که باروی یار باشد مراد حاصل است».

(ص۲-۶)

۲. معمّیات ملاّ اهلی شیرازی(۸۵۸-۹۴۲هـ.ق.)

آغاز: «جامع کمالات و مجموعه حیثیات بود در معمّا و لغز و اشعار مصنوع».

۳. معمّیات ملا جنوبی(گویا نجاریست طبعش کمال لطف دارد خصوصاً با معمّا).

۴. قاضی میر حسین میبدی، شهاب الدّین احمد حقیری هروی(-۹۲۳هـ.ق.)

آغاز: «در تربیت کمال قدرت داشته داخل شعرای زمان مشهور سلطان حسین میرزاست».

۵. ملامحمّد نصرالله شیرازی، مولانا محتشم، ابراهیم صغیری تخلّص،

۶. رکنی نیشابوری،

آغاز: «شاگرد ملاّ میرحسین معمائیست، چنانچه شرحی بمعمّای ملاّ میرحسین نوشته و در تاریخ گفتن دستی دارد.

۷. بایزید، متخلّص به عارف، مدّاح عبیدخان اورنگ بود.

۸. شیخ علی نقی کمره، ملاّ میرعلی خطّاط.

آغاز: «که سادات عظام هراتست و از شاگردان قبلهٔ الکُتّاب، ملا سلطانعلی است».

۹. مولانا محمّد امین وقاری طبسی، میرزا طاهر نصرآبادی، ملا ناظم هروی، ملاّ علی شغال، میرحیدر کاشانی، ملاّ شرف الدّین یزدی، ملاّ عبدالرحمان جامی.

(ص ۶–۵۸)

در خاتمه ضمیمه است:

۱. حاشیه بر معالم.

۲. نمونه‌ای از صداقنامه با شرح و توضیح لغات صداقنامه که از زوج و زوجه به عنوان فلان و فلانه یاد کرده و از صداقنامه‌ای که در سال ۱۰۹۴هـ.ق. کتابت شده، نقل کرده است.

نستعلیق ۱۵–۱۶سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری، ۴۷گ، ۱۵/۶×۱۰/۳، جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل و اسقاطی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی[1]

(۱۵۰۳۳)

کتابی است در چهار فن«عروض»، «قوافی»، «بدایع الصنایع» و«لغت» از شمس الدّین بن فخر الدّین سعید فخری اصفهانی معروف به شمس فخری[2](سده ۸هــق.) که در سال ۷۴۴ این کتاب را تألیف کرده و فن چهارم آن(لغت) به نام«معیار اللغه» در سال ۱۳۰۳هــق. به اهتمام کارل زالمن مستشرق روسی و ۱۳۵۷ش. به اهتمام دکتر صادق کیا به چاپ رسیده است.

این نسخه شامل فن اوّل و سوم می‌باشد.

آغاز فن اوّل: «بسمله و علیک الاعتماد یا کریم، حمدی که حدّ آن در غایت نیاید و سپاسی که قیاس آن در حواس نگنجد».

انجام: «بدانند که اوزان درین مقدار که آورده شد مختصر نیست».

آغاز فن سوم: «بسمله، بدان ایّدک الله لصنایعه که علم بدیع علمی گزیده و علمی پسندیده است».

انجام: «و این تاج بخش سلیمان فرمان چون کل طری و چون جام رنگین بـاد بحـق محمّـد و آلـه اجمیعن».

در انتها ضمیمه است. «رساله در قافیه» منتخبی از مقطع تکمیل الصناعه از عطاءالله نیشابوری، امیر سیّد برهان الدّین عطاءالله بن محمود الحسینی مشهدی(-۹۱۹هــق.).

آغاز: «بسمله، سپاس بیقیاس صانعی را سزاست که تأسیس بدایع مصنوعات و نظم».

---

۱ . یک نسخه درج۷، ص۸۳۶، فهرست معرفی شده است.

۲ . در ظهر صفحه اوّل یادداشتی با خط خوش احتمالاً از مالک چنین آمده است: «معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی، در عروض و بدیع و لغت و قوافی و بیان که شمس فخری اصفهانی از فضلای عصر جمال الدّین شاه شیخ ابواسحق اینجو از سلاطین فارس بنام او موشح داشـته و شـواهد آن تمام از خود مؤلّفست با التزام ذکر اسم یا لقب ممدوح در اکثر آنها تاریخ اختتام آن سنه ۷۴۵هجریست حرره الفقیر لفطعلی غفرله ۱۳۴۷».

انجام: «بمنزله آن ردیف میشود چنانکه مذکور شد».

(ص ۱۶۶-۱۷۸)

نستعلیق متوسط و بعضاً خوش ۱۵سطری، تاریخ کتابت: رجب المرجب۱۲۲۴، کاتب: محمّد نـائینی، کاغذ: شکری، عناوین به سرخی، ۸۹گ، ۲۹/۵×۲۰/۳، جلد: مقوّا با روکـش مخمـل بـنفش تیـره، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹

۵۸۴

معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی

(۱۲۰۴۳)

نسخه شامل فن اوّل عروض است.

آغاز: «بسمله، حمدی که حد آن در عدد نیامد وسپاسی که قیاس آن در حواس نگنجد».

انجام: «بدانند که اوزان درین مقدار که آورده شد منحصر نیست. والله اعلم بالصواب تم...».

(ص ۲-۸۴)

مذیّل است به:

۱. رساله«عرض لشکر اوزون حسن» از ملاّ جلال دوانی(-۹۰۸هـق.) گزارشی است ادبی تاریخی از سان دادن سپاه اوزون حسن در هنگام جنگی که سلطان خلیل پسر«اوزون حسن» به سال ۸۸۱هـق. در نزدیکی بند امیر فارس کرده، این رساله به چاپ رسیده است.

آغاز: «اللهم صل علی محمّد و آله... از پرتو اشعه این نیّر قدس بینایان منظر تحقیق این معنی».

انجام: «ندیده بدین عقل و روشن دلی سپهر کهن در دور خود اللهم خلد ظلال معدلته».

(۸۶-۱۴۰)

در حاشیه«فن عروض»، چند سطری درباره«شعر چیست»، از امیر خسرو، و چند سطری از مولانا سیفی، و مابین رساله عروض و رساله عرض لشکر و حاشیه آن، دو برگی دوباره فوت امیرعلی شیرنوایی در سال ۹۰۶هـ.ق. توأم با چند بیت شعر آورده شده است.

نستعلیق ۱۵سطری، تاریخ کتابت: ذیحجةالحرام ۹۶۱، محلّ کتابت: هرات، کاتب: حسین مشهور به شوقی یزدی، کاغذ: حنایی کمرنگ، عناوین و اشکال به شنگرف، ۷۰گ، ۱۲×۸، جلد: تیماج قهوه‌ای تریاکی، واقف: سیّدجلال الدین تهرانی، تاریخ وقف: مرداد ماه۱۳۶۱.

۵۸۵

مقالات ابونصر شیبانی[۱]

(۱۵۹۱۲)

مقالات سه گانه ابونصر فتح الله خان بن محمّد کاظم شیبانی کاشانی[۲](۱۲۴۱-۱۳۰۸هـ.ق.) از شعرا و عرفای سده سیزدهم و دوره بازگشت ادبی که به نظم و نثر فصیح نوشته شده است.

ابتدا با قصیده‌ای که در مدح حسام السّلطنه شروع شده و بعد مقاله اوّل دارای چهار فصل به شرح زیر است:

---

۱ . دو نسخه در ج۷، ص۷۷۸ و ۸۳۷ فهرست معرفی شده است.

۲ . ابونصر شیبانی در سال ۱۲۷۲هـ.ق. در تربت جام نزد پاشاخان مظفر الدوله بود که حسام السلطنه سلطان مراد میرزا در لشکر کشی اش برای تسخیر هرات با او مواجه شد و بعد از آن در محاصره غوریان و غیره فتحنامه‌ها بوسیله او نوشته شد و منشی محرمانه وی گردید. از صبا تا نیما، یحیی آرین پور، ج۱، ص۱۳۵.

فصل اوّل در نژاد و صنعت و نام مؤلف و سبب سفرِ او به خراسان از عراق.

فصل دوم در مسبب فراهم آوردن ترّهات خویش و فضیلت سخن و عدم اعتنای ملوک.

فصل سوم در تقریر اسباب فراغت خاطر شاعر.

فصل چهارم در غروب کوکب عمر خدایگان و طلوع آفتاب دولت حسام السلطنه مراد میرزا.

مثاله در ذکر ورود موکب مسعود با ساحت غوریان و شکست لشکر افغان.

آغاز: «بسمله، آری آرایش سخن در ستایش حکیمی علیم است علّت کلمته که آدمی را...».

انجام: «دست در ذیل عاطفت او زده‌ام و چشم استخلاص بوساطت دارم انشاءالله تعالی...».

شکسته نستعلیق خوش ۱۵سطری، تاریخ کتابت: ذیحجه ۱۲۷۳، کاتب: نامعلوم[۱]، کاغذ: حنایی کمرنگ، عناوین به سرخی، ۸۱گ، ۲۰/۵×۱۲/۵س.م. جلد: میشن خرمایی، واگـذاری بنیـاد مستضـعفان در شهریور ماه۱۳۶۷.

۵۸۶

مقامات حریری[۲](ترجمه–)

(۱۴۵۹۱)

(فارسی و عربی)

متن از شیخ ابو محمّد قاسم بن علی حریری(۴۴۶–۵۱۵هــق.)، مترجم عجالتاً شناخته نشد.

نسخه ناقص الآخر است(تا نیمه مقاله چهل و نهم«المقالة الساسانیه»). به فارسی ترجمه تحت اللفظی شده است و بعضی از توضیحات لغوی و نحوی در حاشیه می‌باشد.

---

۱ . در پشت صفحه اوّل آمده که کاتب احتمالاً مؤلف است.

۲ . هفت نسخه درج۷ صص۸۳۹–۸۴۱ و یک نسخه در ج۹، ص۳۴۰ معرفی شده است.

آغاز: «بسمله، اللهم انا نحمدک علی ما علّمت من البیان».

انجام موجود: «و لاشاسعٍ و لایرهبون من برق و رعد،

نمی‌ترسند از برق و ابر».

متن: نسخ، ترجمه به نستعلیق، ۱۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به شنگرف، ۱۶۸گ، ۲۱×۱۶، جلد: مشمع با عطف و گوشه تیماج، واقف: سیّد محمّد باقر عربشاهی در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۵۸۷

مقدّمه شاهنامه

(۱۶۰۷۶)

مقدمه مشهور به بایسنقر میرزا است که از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

آغاز موجود: «فرمان نفاذ یافت که اتمام نظم آنکتاب در عهده حسن اهتمام او باشد».

انجام: «در توحید کفتم

شعر جهانرا بلندی و پستی توئی ندانم کئی هر چه هستی توئی»

(ص۱-۳۲)

مذیّل است به:

«شرح حال فردوسی» منقول از چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی و تاریخ مفتاح القلوب از شمس الدّین اصیل و تذکره دولتشاه سمرقندی و در انتها یک صفحه از تاریخ گزیده حمدالله مستوفی و کشف الظنون حاجی خلیفه.

(ص۳۳-۵۵)

آغاز: «استاد ابوالقاسم فردوسی از دهاقین طوس بود».

انجام: «ز هـر چیـزش فـزون ده زنـدگانی انتهـی... و نظـم مجدالـدّین البـابری النسـائی فـی وقعـۀ الخوارزمشاهیۀ ایضاً انتهی.

نستعلیق ۱۴سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۱۲هـق. کاتب: اسدالله بن میرزا علی اشتهاری(در انتهای مقدّمه بایسنقری نام کاتب آورده شده است و شرح حال فردوسی با خط مغایر اسـت) کاغـذ: آبـی، ۳۱گ، ۲۱/۲×۱۳/۳، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۸۸

مقدّمه کلیّات سعدی

(۱۲۷۶۴)

مشتمل است بر:

۱. مقدّمه علی بن احمد بن ابی بکر بیستون.

۲. در تقریر دیباچه، مجالس پنجگانه(مجلس اوّل تا پنجم).

آغاز: «الحمدلله الذی خلق الوجود من العدم- فَبدَت علی صفحاتِه انوار اسرار القدَم».

انجام: «آنرا که پاک کنم آگاه گردانم و نه با کس مشورت کنم و ان اراد الله ان یقیم القیامه فاقامه الله لهم الرشاد».

۳. تقریرات ثلاثه(سؤال خواجه شمس الدّین صاحبدیوان، رساله در عقل و عشق و سؤال سعدالدّین).

آغاز: «سالک راه خدا پادشه ملک سخن     ای زالفاظ تو آفاق پر از درّ یتیم».

۴. «کتاب نصیحة الملوک».

آغاز: «بسمله، الحمدلله الکافی حسب الخلایق وحده و الحمدلله علی نِعمِهِ... بعد از حمد و ثنای خداوند عالم و نعت بهترین فرزند آدم».

انجام: «چنانکه غفلت ورزد با ظلم اینان شریک است».

۵. رساله ملاقات شیخ با اباقا آن، رساله در نصیحت سلطان انکیانو، رساله مبنی بر بیان احترام شیخ سعدی در نزد سلاطین عصر(حکایت شمس الدّین تازیکوی).

آغاز: «بسمله، شکر و سپاس بیقیاس و درود نامعدود معبودیرا جلّت قدرته».

انجام: «از برای خاطر شیخ سعدی خرما و بهای خرما ببقالان بخشید».

نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۳سطری، تاریخ کتابت: شعبان المعظم ۱۲۹۰، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، ۴۸گ، ۱۷/۵×۱۱/۵، جلد: میشن مشکی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۵۸۹

مقدّمه کلیّات سعدی

(۴۳۶۱)

همانند شماره پیش.

شامل مقدّمه علی بن احمد بن ابی بکر بیستون، در تقریر دیباچه(که بعضی از آیات و نوشته‌ها در این نسخه افتاده و بعضاً تصحیح شده و در حاشیه نوشته شده است)، مجالس پنجگانه[کتاب رساله سؤال و جواب از تقریرات ثلاثه، رساله عقل و عشق، کتاب نصیحة الملوک(از اواسط بعضی از نصایح را حذف کرده است)، ملاقات شیخ با آباقا، در نصیت سلطان انکیانو، حکایت شمس الدّین تازی کوی].

آغاز: «شکر و سپاس معبودی را جلّت قدرته که آفریننده مخلوقات عالم است».

انجام: «که ببقالان داده بودند ببخشید و هیچ بازنستد و الله اعلم».

نستعلیق مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی وصّالی شده، ۵۰گ، ۲۲×۱۳، جلد: مشمع با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای کمرنگ، واقف: آقا زین العابدین خادم اصفهانی، تاریخ وقف: ۱۱۶۶هـ.ق.

۵۹۰

مکاتیب

(۱۵۹۵۹)

(فارسی و عربی)

نامه‌های عباس افندی، عبدالبهاء بن میرزا حسینعلی بهاءالله(۱۲۶۰-۱۳۴۰هـ.ق.) از حیفا محلِّ فوتش به یوسف خان رحمانی(روحانی) و علی خان که در جاهای مختلف بسر می‌برده، در سال ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹هـ.ق. (۱۹۲۱م.) نوشته است و بعضاً به عربی می‌باشد و بعضی از این نامه‌ها به وسیله سیّد اسدالله به بمبئی، طهران، بغداد، همدان فرستاده شده است. موضوع نامه‌ها: ترغیب و تشویق به تبلیغ دینشان، مناجات، پند و موعظه و غیره که مختصری به صورت رمز و ایهام می‌باشد. چنان که گوید: «در وقت معالجه توجّه بجمال مبارک کن و آنچه بر قلب القا میشود مجری دار و مریضانرا بفرح الهی و سرور روحانی معالجه نما دردمندانرا درمان بشارت کبری ده و مجروحین را مرهم موهبت عظمی بخش».

آغاز: «هوالله، ای سرگشته صحرای الهی آنچه مرقوم نموده بودید معلوم و مفهوم گردید».

انجام: «تا تأیید شاه خوندکار را از ملکوت ابهی مشاهده نمائید».

نستعلیق تحریری نسبةً خوش مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری، ۲۷گ، ۱۵/۱×۲۰/۴، جلد: مقوّا با روکش پارچه، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۶۷

۵۹۱

مکبث= سرگذشت پادشاه اسکاتلند= غمنامه مکبث

(۸۹۸۴)

درامی از شکسپیر شاعر انگلیسی که به وسیله علی اصغر خان حکمت به فارسی ترجمه شده است. در دیباچه می‌گوید: «پس از میان درام‌های زیبا که به قلم آن شاعر سخن سرا آمده است غمنامه مکبث پادشاه اسکاتلند را که از شاهکارهای طراز اوّل آن استاد است برگزید که هم دارای نکات و دقایق تاریخی است و هم سرتاسر تعالیم عالیه اخلاقی و پند و اندرزهای حکیمانه است...».

و بعد در مقدّمه مبسوط منشأ و اصل این داستان را بررسی و در خاتمه چنین نتیجه‌گیری می‌کند که: «شکسپیر تأثیر سرنوشت نهانی و تقدیر غیبی را در زندگانی افراد به جامع‌ترین صورتی تصویر کرده است و انفعال عوالم حس و شهود را در برابر عوامل غیبی نهانی مشهود ساخته است».

آغاز: «دیباچه مترجم، در اوائل ۱۳۰۹شمسی نویسنده سطور را از مشاغل جاری اداری فراغتی روی داد».

انجام: «بر آن تخت مبارک شد چو شیران          مبارکباد گفتندش دلیران».

نستعلیق تحریری ۱۹سطری، تاریخ و محلِّ کتابت: اردیبهشت ماه ۱۳۰۹، تهران، کاتب: مترجم(علی اصغر حکمت) کاغذ: مشقی فرنگی، ۳۹گ، ۲۱/۴×۱۷، جلد: مشمع مشکی یک لا، واقف: علی اصغر حکمت در مهرماه ۱۳۴۰.

۵۹۲

مناجات نامه

(۱۴۶۳۸)

مناجات و نصایح(الهی نامه) خواجه عبدالله انصاری(۳۹۶-۴۸۱هـق.) می‌باشد که با رساله‌های هشتگانه وی به چاپ رسیده است.

آغاز: «بسمله، حمدله... ای ز دردت خستگانرا بوی درمان آمده...».

انجام: «فرقه بی کر و فر زمره دل ساده‌اند ختم بالخیر...».

(ص۱-۷۸)

مذیل است به:

رباعیّات باباطاهر عریان

آغاز: «ز کشت خاطرم جز غم نرویی ز باغم جز گل ماتم نرویی».

انجام: «بسازم خنجری نیشش ز فولاد زنم بردیده تا دل گردد آزاد».

(ص۷۸-۹۰)

نستعلیق خوش جلی، ۱۰سطری، تاریخ کتابت: سوم ذیحجه ۱۲۸۹، کاتب: ابراهیم بن احمد تجریشی(که برای آقا حسن قوام الدّوله نوشته است) کاغذ: شکری فرنگی، ۴۵گ، ۲۰×۱۲، جلد: تیماج خرمایی، واقف: سیّد محمّد باقر عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۵۹۳

منتخب اشعار

(۱۶۰۸۵)

شامل شش غزل و یک مسمّط نسبةً طولانی در نهت صدیقه کبری فاطمه زهرا(س) از صفای اصفهانی(۱۲۶۹-۱۳۲۲هـ.ق.) و دو غزل از میرزا ابوالحسن جلوه(۱۲۳۸-۱۳۱۴هـ.ق.) و عاشق اصفهانی(۱۱۱۱-۱۱۸۱هـ.ق.) و یک غزل از حاج ملاّ هادی سبزواری، خواجوی کرمانی، شیخ بهائی، نشاط اصفهانی، صائب تبریزی، فخرالدّین طلوعی عراقی.

آغاز: «برخاست به آئین کهن مرغ شب آویز          این ترک خطا خیز و به طبع طرب انگیز».

انجام: «آسمان کرد سیه روز و پریشان ما را          که چرا در خم گیسوی بتان دست زدیم».

نستعلیق ۲۱سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـ.ق. کاتب: عبدالحسین بیات(برای آقای عندلیب نوشته شده است) کاغذ: حنایی، ۶گ، ۲۱×۱۳/۲، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۵۹۴

منتخب دیوان صائب تبریزی

(۱۶۶۶۹)

برگزیده‌ای است از غزلیّات و رباعیّات صائب تبریزی(-۱۰۸۶هـق.) نسخه از ابتدا ناقص است و شامل حدود ۶۵غزل و ۲برگ رباعیّات که به ترتیب حروف تهجّی نوشته شده است.

آغاز موجود: [نیست[۱]] از زخم زبان پروا دل بیباک را          میکند آتش عبیر پیرهن خاشاک را».

انجام: «جایی نمیروی که دل بدگمان من          تا باز کشتن تو بصد جا نمیرود».

این نسخه مصّدر است به ۸ برگ در نظم و نثر«حکایت در عشق و عرفان» که ابتدا و انتهای آن افتاده است و عنوان فصل پانزدهم آن در صفت عشق می‌باشد.

آغاز موجود: «عشق سرو زر نخرند قلب سره باید».

انجام موجود: «عاقلا مقصود جمیل دیدن جمال خویش است».

نستعلیق ۱۲سطری، تاریخ کتابت: ۱۲۱۴هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به شنگرف، ۲۳گ، ۱۵×۱۰/۵، جلد: تیماج اسقاطی، خریداری آستان قدس رضوی در دی ماه ۱۳۶۷.

۵۹۵

منتخب دیوان قطران تبریزی[۲]

(۱۶۰۶۹)

منتخب قصاید و ترکیبات و ترجیعات و قطعات و رباعیّات حکیم قطران تبریزی می‌باشد.

آغاز: «بسمله، تا دل من با هوای نیکوان شد آشنا   درسرشک دیده کردانم چو مرد آشنا».

انجام: «کوچت مبارکست و ندارم برای هیچ          جز خیمه کهنه و دو برکی برای کوچ».

---

۱ . نوشته‌ها از بین رفته است.

۲ . دیوان قطران در همین فهرست در جای خود معرفی شده است.

نستعلیق مخلوط به شکسته ۱۴-۱۸سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، ۷۳گ(در انتها و مابین قصاید اوراقی نانوشته می‌باشد) ۱۶/۸×۲۳/۵، جلد: میشن، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ۶۷.

۵۹۶

منتخب دیوان نیّر

(۱۶۴۰۳)

منتخبی است از غزلیّات و مثنوی«مفرح الارواح» و قصاید از مهدی بن ابوطالب ایزدی شیرازی متخلّص به«نیّر»(۱۲۵۶-؟) که به انتخاب و خط ناظم می‌باشد و ناظم در انتهای هر یک از این بخشها اوراقی را نانوشته گذاشته که می‌خواسته است تکمیل کند.

آغاز غزلیّات: «منمای منع ما زجمالت نگاه را          بگذار تا بروی تو ببینم ماه را»

انجام: «نیّر گرفت دامن صحرا از هجر تو          ای شمع بزم محفل روحانیان بیا».

آغاز«مفرح الارواح»: «توضیحاً معروض میدارد که این الفاظ و عبارات مطایبه مانند که از نظر قرائت کننده میگذرد».

انجام: «خویشتن را ساز و زود آ در برم          زانکه هستم من بسی در انتظار».

ضمایم عبارتند از:

۱. منتخبابی از غزلیّات کلیم کاشانی، میرزا محمّد مؤمن، حکیم شفائی، میرصبری، ضمیری، ظهیرالدین، همچنین تک بیت و رباعیّاتی از شاه اسماعیل صفوی، ذوقی، رحیمی، اهلی، عادل صفوی.

آغاز: «فراق همنفسان جان بیقرارم سوخت          گیاه خشکم هجران نو بهارم سوخت».

انجام: «کدام دل که بر او زخمی از خدنگ تو نیست          تو صبح اگر نکنی کس حریف جنگ تو نیست».

۲. قصاید در مدح رضا شاه و محمّد رضا شاه در هنگام ولایتعهدی، در مفارقت فرزند ناظم علی ایزدی که با رضا شاه به افریقای جنوبی مسافرت کرده، ترویج ازدواج، در رثاء و ماده تاریخ، فوت سیّد احمد پیشاوری، در رثاء و ماده تاریخ وفات حسین سیفی عمادالکُتاب خوشنویس معروف قزوینی و غیره... .

آغاز: «بلند اقبال سردار سپه میر غضنفر فر          که از یک جنبش عزمش شود تسخیر بحر و برّ».

انجام: «بپوش نیّر چشم از جهان امید مدار          که زهر میدهدت عاقبت بجای شکر».

خط شکسته نستعلیق مختلف السطر سه ستونه، تاریخ کتابت: ۱۳۱۹ش. کاتب: ناظم(مهدی بن ابوطالب ایزدی نیّر شیرازی)، کاغذ: شکری، ۲۷گ، ۲۱×۳۴/۵، جلد: پارچه‌ای با عطف میشن عنّابی، واگذاری مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۹۷

منتخب دیوان همایون

(۱۶۱۴۹)

منتخبی است از غزلیّات و رباعیّات و فردیّات ناصرالدین شاه قاجار(۱۲۴۷-۱۳۱۳هـ.ق.) که توسط عبدالعلی بن حاجی علیخان حاجب الدوله متخلص به«واله» و ملقّب به«ادیب الممالک» مقدمه نوشته و جمع آوری شده و بنا بر مقدمه، میرزا فرج الله خازن الاشعار متخلّص به«طرفه» شرحی بر اشعار نوشته است.

آغاز مقدمه: «بسمله، ستایش پاک یزدانی را سزاست که وجود اقدسش مبرّاً از چند و چونست».

آغاز اشعار: «بسمله، ای روی ماه ترا صد بنده همچو پری     وز رفتن تو رسد خجلت بکبک دری».

انجام: «گفت پیر خردم خیز و بدرگاه علی شو     تن و ایمان و دل و دیده خود کانِ صفا کن».

نستعلیق خوب ۱۱سطری، در بعضی از صفحات نستعلیق جلی چلیپایی چهار سطری، تاریخ کتابت: ربیع الاول ۱۲۷۲، کاتب: فرج الله منشی ملقّب به خازن الاشعار(که به دستور میرزا آقا خان صدر اعظم نوشته است) کاغذ: شکری، با حاشیه برجسته، عناوین به لاجورد و شنگرف، دارای یک سرلوح و مزدوج مذهّب و مرصّع و یک کتیبه مذهب در ابتدای شروع اشعار، بین السطور دو صفحه اول طلا اندازی، نام ناصر الدین شاه در مقدمه به زر، ۱۷گ، ۱۲/۳×۱۸/۲، جلد: تیماج ضربی ماشی مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۵۹۸

منتخب کلیّات فیضی

(۱۲۱۴۲)

منتخبی است از قصاید و غزلیّات و رباعیّات ابوالفضل فیاضی بن مبارک(۹۵۴-۱۰۰۴هـ.ق.) که از دیباچه مصنّف یک صفحه باقی مانده و ورق آخر رطوبت رسیده و ناخوانا شده است.

آغاز موجود: «بر طبق عرض نهاده‌ام نه هزار بیت و کسریست     از اقسام شعر من که اختلاف...».

انجام موجود: «از چشم سهیل کردمش جلد ادیم     وز خیط شعاع بستمش شیرازه».

نستعلیق خوش ۱۵سطری، تاریخ کتابت: احتمالاً سده ۱۱هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، جداول اوراق به زر تحریردار، ۴۶گ، ۱۲/۵×۲۱/۵، واقف: سیّد جلال الدین تهرانی در مرداد ماه ۱۳۶۱.

۵۹۹

منشآت

(۱۲۷۶۵)

مجموعه‌ای است از مکاتیب قاضی میرحسین میبدی(-۹۰۹هـق.) که با نثر زیبایی نگاشته است.[۱]

آغاز: «بسمله و علیک الاعتماد یا کریم. سپاس یکی را که دست قدرت او اوراق اطباق فلک را رقم زده خامه انشا ساخت و خطاب مستطابش صدای فاتوا بسورهٔ من مثله در کردن کردون انداخت».

انجام: «ملا زمان آن عتبه علی الشان صدر نشین مجالس قدس و خدام آنحضرت شمع طراز محفل انس باشد».

نستعلیق ۱۶سطری، تاریخ کتابت: اوایل سده ۱۱هـق. کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، ۸۳گ، ۱۶/۵×۹/۳، جلد: مقوّایی مستعمل، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۶۰۰

منشات

(۱۳۶۴۷)

مجموعه سواد نامه‌های سلاطین هند می‌باشد که جامعی ناشناس در سده ۱۲هـق. گردآوری کرده است. در مقّدمه می‌گوید: «درین ضمن چون درین عمر قلیل که الیوم بشصت و هفت رسیده و سنه یکهزار و یکصد و بیست و شش است آنچه از نوادر روزگار و غرایب قدرت خالق لیل و نهار از

۱ . یک سنخه در ج۳، ص۱۹۴فهرست، معرفی شده است.

انقلابات احوال عالم و برهم خوردگی سلطنت‌ها... در عرض یک سال مشهود ما گردید ارباب سیر و تواریخ آنچه نوشته‌اند درین هزار سال مثل این قسم و نقلیات عجیبه محرر نشده».

عناوین نامه به شرح زیر است:

- نقل فرمان شاه جهان پادشاه بنام عبدالله قطبشاه
- نقل نوشته شاه جهان مصحوب شیخ عبدالطیف بنام عبدالله قطبشاه
- فرمان عالم گیر پادشاه بنام عبدالله قطبشاه.
- نشان پادشاهزاده سلطان محمود بنام عبدالله قطبشاه

...

آغاز: «بسمله، الحمدلمن یقول فی حق کلامه فاتو بسورة من سنه.... چون کلمات کلیّات بانجام رسید».

انجام: «با انقراض عالم عرصه گیتی جولانگاه سمند اقبال جنان آرای پیر و مرشد آفاق باد».

نستعلیق یازده سطری، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۲هـق. کاتب: نامعلوم، عناوین به شنگرف، کاغذ: حنایی، ۹۸گ، ۲۴×۱۵/۳، جلد: مقوا با روکش پارچه‌ای با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۶۲.

۶۰۱

منشات

(۱۴۳۰۱)

مجموعه‌ای است از منشات و نامه‌های میرزا مهدی خان استرآبادی به شرح زیر:

دیباچه‌ای است بر بیاض رضا قلی میرزا، وقف نامه که در خصوص وقف مزرع نوشته، به میرزا یوسف وزیر مازندران نوشته‌اند.

و دیگر نامه‌ها که عناوین آن در مجموعه این فهرست تحت شماره ۱۲۱۱۴ آورده شده است.

آغاز: «بسمله، حبّذا این بیاض دل آرا که تذرو رنگین پر و بالیست».

انجام: «در صدر انجمن افاضه و بر معارج یگانگی و یکرنگی مخارج و مصّدر و برقرار باشند».

نستعلیق پست، ۱۲سطری، تاریخ کتابت: رجب المرجب ۱۲۶۲، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری، عناوین به سرخی، ۱۱۵گ، ۲۱×۱۵، جلد تیماج قهوه‌ای، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۶۰۲

منشات

(۱۴۶۹۶)

مجموعه‌ای است از سوادنامه‌ها و منشآت میرزا مهدی خان استرآبادی که عناوین آنها نانوشته مانده است.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «و بر معارج یگانگی و یکرنگی مخارج و مصدّر و برقرار باشند».

نستعلیق ۱۲سطری، تاریخ کتابت: شعبان المعظم ۱۲۶۳، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، ۱۱۵گ، ۲۱/۵×۱۵، جلد: تیماج مشکی ضربی مستعمل، واقف: سیّد محمّد باقر سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵

۶۰۳

منشآت

(۱۴۹۷۶)

مجموعه نامه‌ها و منشآت میرزا مهدی خان استرآبادی می‌باشد.

آغاز: مانند شماره پیش(۱۴۳۰۱).

انجام: «و از قول و فعل او تخلّف جایز و روا ندارند تمّ بالخیر و العافیه...».

نستعلیق مخلوط به شکسته۱۶سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۰۹هـق. کاتب: محمّد علی، کاغـذ: شـکری، ۷۴گ، ۲۱×۱۷، جلد: مقوّایی مستعمل، واقف: سیّد محمّد باقر سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵

۶۰۴

منشآت= دستور نامه نگاری[۱]

(۱۵۴۴۵)

دستور نامه نگاری است به نظم و نثر از میرزا یوسف هروی(سده ۱۲هـق.) که در آن بیان نموده که در هر مطلبی چه شعرهایی شایسته است و چه اشعاری مناسب با موضوع نامه ذکر شود و پس از عنوان هر مطلبی اشعار مربوط به آن ذکر شده است.

نسخه ناقص است(از آغاز و انجام افتادگی دارد) در برگ ۱۶۳پ، از عالمگیر ثانی که در ۱۱۶۷هـق. پادشاه بوده است یاد می‌کند.

---

۱ . «دستور نامه نگاری» در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج۳، ص۲۱۰۳ و در شناسنامه نسخه تحت عنوان«انشاء و ترسّل» آمده است.

آغاز موجود: «و شارع مودت انحراف ندارد دعایی که نهال امانش بر جویبار اصلها ثابت و فرعها فی السماء نشو و نمای یافته باشد».

انجام موجود: «هر آینه وجه مسارعت سعادت خدمت مستعد می‌گشت و بی‌شبه بطریق مبادرت بدولت ملازمت مستظهرمی...».

نستعلیق کتابتی متوسط، ۱۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی بعضاً رطوبت رسیده، عناوین به شنگرف، ۱۱۱گ، ۱۵/۷×۱۰، جلد: تیماج ضربی نوکار، از کتابهای بازیافته، (ممهور به مُهر احتمالاً مالک با نقش«عبده عبدالوهاب حسینی۲۷۷»).

۶۰۵

منشات جامی[۱]

(۱۳۵۱۹)

شامل نامه‌های مولانا عبدالرحمان جامی(۸۱۷-۸۹۸هـق.) می‌باشد که خود آنها را جمع‌آوری کرده است. این نسخه فاقد خطبه است[۲] و عناوین بعضی از نامه‌ها عبارتند از:

جواب مکتوب سلطنت شعاری حسن بک.

جواب مکتوب ملک التجار به جانب هند.

به بعضی از مشایخ مهنه.

جواب مکتوب شیخ معین الدّین محمّد ولد شیخ صفی الدّین ایجی.

به سلطان محمّد رومی نوشته شد.

---

۱ . یک نسخه درج۷، ص۸۵۷، فهرست معرفی شده است.

۲ . ر.ک. جامی، علی اصغر حکمت، ص۲۰۵.

آغاز: «امّا چون بضرورت حکم وقت و اقتضای حال رقعه چند در مخاطبه اربـاب جـاه و جـلال و مجاوبه فضل و کمال اتفاق افتاده بود».

انجام: «مقلوب شده روزی بدخواه تو باد تمت الرساله حکایت خواجه جهان علیه الرحمه و الرضوان... خوش دمی باشد که ما را کشته ازین میدان برند تمت الحکایهٔ اعادهٔ الغدر... اطیب الکلام».

(ص۲-۱۰۸)

نسخه مذیّل است به:

۱. ابواب الجنان در مواعظ و اخلاق از رفیع الدّین محمّد بن فتح الله واعظ قزوینی(-۱۰۸۹هـق.) که تا ابتدای مجلس اوّل در مذمت حبّ جاه و ریاست و... می‌باشد.

آغاز: «بسمله، بهترین مقالی که سرخیل کاروان فنون محاورات تواند بود».

انجام موجود: «که از قبل ایشان بحکومت و قضای ولایات و رتق...».

(ص۱۱۰-۲۰۰)

۲. در صرف و نحو در ۱۴برگ که از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

نسخ ۱۷سطری(منشات جامی) و نستعلیق ۱۶سطری(ابواب الجنان) تاریخ کتابت: سده ۱۱هـق. کاغذ: حنایی و نخودی، عناوین به شنگرف، ۱۱۴گ، ۱۹/۵×۱۱/۵، جلد: مقوایی با حاشیه تیماج مستعمل، خریداری آستان قدس رضوی در آذرماه ۱۳۶۲.

۶۰۶

منشات قائم مقام

(۱۶۱۱۷)

سواد نامه و منشآت میرزا سیّد ابوالقاسم قائم مقام فراهانی(۱۱۹۳-۱۲۵۱هـق.) می‌باشد که چندین بار چاپ گردیده است.

این نسخه ناقص الاخر است شامل مقدمّهف نامه قائم مقام به میرزا صادق وقایع نگار که در حین مأموریت به جانب بغداد نوشته است، سواد رقمی که مرحوم ولیعهد به میرزا محمّد علی آشتیانی نوشته، نامه قائم مقام به میرزا صادق وقایع نگار از تبریز در زمان حیات نایب السلطنه نوشته است(ناتمام مانده).

آغاز: «بسمله، حمدله... امّا بعد بر نفس روحانی و عقل آسمانی و فکر ثاقب و رای صائب آنانکه در کشف معضلات...».

انجام موجود: «جامع الخیرات مانع الشرور مشهور شد از رایت او آیت مهدی».

نستعلیق خوش ۹سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، ۱۸گ، ۱۸×۱۱، جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۶۰۷

منطق الطیر

(۱۴۴۲۰)

مثنوی است مشهور از شیخ فرید الدّین عطّار(-۶۲۷هـق.) در بحر رمل مسدّس مقصور حدود ۴۵۰۰تا ۴۶۰۰بیت، که چندین بار چاپ شده و به زبانهای زیادی ترجمه گردیده است.

نسخه ناقص است و در هم صحافی شده است.

آغاز: «آفرین جان آفرین پاک را　　　آنک جان بخشید مشتی خاک را».

انجام: «گفت عطار ار همه مردان سخن		گر تو مردی هم بخیرش یاد کن

با ثنای خالق العرش		این کتاب شد تمام».

نستعلیق ۱۸سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، عناوین و جداول اوراق به شنگرف، ۱۰۸گ، ۲۰×۱۳/۵، جلد: مقوّا با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، واقف: سیّد محمّد باقر عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵

۶۰۸

منطق الطیور[۱]= مقامات طیور

(۱۶۳۳۲)

نسخه کامل است.

آغاز: مانند شماره پیش.

انجام: «آفرین ای شیخ عطار آفرین		بر تو بادا صد هزاران آفرین».

(ص۷۲۲-۸۵۰)

(نسخه شناسی مطابق اسرار نامه).

۶۰۹

مهر و مشتری[۲]

(۱۵۹۳۲)

---

۱ . این مثنوی ضمیمه پنج مثنوی دیگر از عطار بوده که در جای خود معرفی شده است.

۲ . یک نسخه درج۳، ص۹۳ و یک نسخه درج۷، ص۸۷۰ معرفی شده است.

منظومه‌ای است در قالب مثنوی از شمس الدین محمّد عصار تبریزی(-۷۷۹تا ۷۹۲هـ.ق.) از دانشمندان عارف و شعرای سده هشتم هجری که این منظومه را در سال ۷۴۸هـ.ق. در ۵۱۲۰بیت سروده است. نام اصلی این مثنوی عشقنامه بوده که با توجه به نام دو قهرمان داستان به«مهر» و «مشتری» مشهور گردیده است. شاعر به داستان«خسرو و شیرین» نظامی نظر داشته است و موضوع آن عشق روحانی میان«مهر» پسر شاپور پادشاه اصطخر و«مشتری» پسر وزیر شاپور بوده که برای یکدیگر پاکدلانه جانباری می‌نمایند.

نسخه ناقص است از ابتدا افتادگی دارد.

آغاز موجود: «درین دور خرد فرسای خونخوار     که جهل از وی عزیزست و خرد خوار».

انجام: «درون دور نُه پرکار اخضر     رهی بنما مرا چون خط محور».

نستعلیق خوش ۱۲سطری، تاریخ کتابت: ۹۹۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، متن و حاشیه شده، متن زرافشان، عناوین به زر و لاجورد، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و زنگار و سُرخی، ۱۹۸گ، ۲۱/۵×۱۲/۳، جلد: تیماج زرشکی، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۶۱۰

مهر و مشتری

نسخه ناقص است از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

آغاز موجود: «دل ار گفتی حدیث خود مفصّل     شدی بیشک چو گیسویت مطوّل».

انجام موجود: «در اصل شریفش هست گوهر     شود از تربیت زیبای افسر».

نستعلیق ۱۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۰هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی وصّالی شده، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به زر تحریردار، ۴۴گ، ۱۹×۱۱/۳، جلد: تیماج ضربی قهوه‌ای، واقف: از اوراق بازیافته.

۶۱۱

میلادیّه

(۱۶۰۵۹)

قصیده‌ای است در بحر مضارع مکفوف مقصور در ۱۱۸بیت، در خصوص تولّد حضرت رسول(ص) از ناظمی که در عهد قاجاریّه می‌زیسته و عضد الملک را مدح نموده است:

«بازوی مملکت عضدالملک کز خلوص — خاک درت بدیده جان کرده توتیا».

آغاز: «جان را طرب فزاید و زاید ز دل صفا — در روز عید زادن سالار انبیا».

انجام: «ارجو که باد در دو جهان دستگیر وی — تاریخ سرگذشت شهیدان کربلا».

نسخ جلی ۸سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، ۹گ، ۲۱/۲×۱۳/۲، جلد: ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۶۱۲

نصیحت نامه

(۱۴۷۸۲)

مشتمل است بر«نصایح» قاضی کمال الدّین حسین[۱] برای پسرش معین الدّین به نظم.

---

۱ . احتمالاً کمال الدّین حسین بن معین الدّین میبدی عالم متبحّر و متکلم صوفی(-۹۰۴تا ۹۱۱هـ.ق.) می‌باشد.

آغاز: «ای سپهر کمال و کوه یقین           قرة العین من معین الدین».

انجام: «دست از دامن رسول مدار           وز کسی غیر این قبول مدار».

نستعلیق ۱۸سطری، تاریخ کتابت: ۹۱۷هـق. کاتب: محمّد القناه شیرینی، کاغذ: نخودی، عناوین به شنگرف، ۷گ، ۱۶/۵×۱۰س.م. جلد: گالینگور با عطف تیماج، واقف: سیّد محمّد باقر عربشاهی مولوی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۶۱۳

نصیحت نامه

(۱۶۴۱۷)

مجموعه مقالاتی از خواجه عبدالله انصاری(۳۹۶-۴۸۱هـق.) در نصیحت خواجه نظام الملک طوسی می‌باشد.

آغاز: «من مقالات خواجه عبدالله انصاری... یا نظام در رعایت دلها کوش».

انجام: «خجل و شرمسار کردی توفیق و رفیق باد».

(ص۲-۱۳)

مذیّل است به:

۱. «مناجات نامه» خواجه عبدالله انصاری.

آغاز: «بسمک القدوس قدّسنی منّی، الهی این چه فضلست که با دوستان خود کرده».

انجام: «هر که باو رسید غم باو نرسید».

(ص۱۸-۲۷)

۲. «حسن و دل» از فتاحی نیشابوری.

آغاز: «حمدله... چنین گوید مخترع این حکایت و مبتدع این روایت که در شهریونان».

انجام: «این داستانست که نوباوه بوستان و تذکره دوستان زمانست مخترع منظوم و منثور او اقل عبادالله فتاحی نیشابوری کتبه... ۱۲۴۰».

(ص ۳۴-۸۵)

۳. شرح حال میرزا عبدالوهاب نشاط.

آغاز: «رب اشرح لی صدری و یسرلی امری... نشاط نام نامیش میرزا عبدالوهاب».

انجام: «نفروشم بملک هر دو جهان».

(ص ۸۶-۹۱)

نستعلیق و شکسته خوش و ممتاز مختلف السطر و به طرز چلیپایی، تاریخ کتابت: ۱۲۴۰[۱] هـ.ق. کاتب: معصوم بن محمّد گرمرودی، کاغذ: نباتی آهار مهره(گوشه بالای اوراق موش خورده)، تمام اوراق دارای کمند به زرتحریردار و جداول به زرتحریردار و لاجورد، ۴۶گ، تیماج ماشی یک لا، جدول بندی به زر، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه۱۳۶۷.

۶۱۴

نصیحت نامه

(۲۳۷۰۵)[۲]

از خواجه عبدالله انصاری. (ناقص الاخر)

---

۱ . در انتهای«نصیحت نامه» ۱۳۴۰ آمده که اشتباه است زیرا تاریخ تولدی در محرم الحرام ۱۲۵۴در آخر نسخه نوشته شده است.

۲ . ضمیمه شماره«۷۲۰۰» می‌باشد.

آغاز: «بسمله، ای ز دردت بیدلان را بوی درمان آمده».

انجام موجود: «ایعزیز دنیا نه جای آسایش است بلک جای».

نستعلیق مختلف السطر، آیات و احادیث به نسخ، تاریخ کتابت: سده ۱۳[1] هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، ۵گ، ۲۱×۱۱(قطع بیاضی)، جلد: تیماج، خریداری آستان قدس در تیرماه ۱۳۴۸.

۶۱۵

نمکدان حقیقت

(۱۶۳۴۴)

مثنوی است عرفانی در بحر خفیف مخبون مقصور در ۶۱۴بیت از حکیم شرف الدّین حسن بن حکیم ملاّ محمّد حسین اصفهانی متخلص به شفایی(۹۶۶-۱۰۳۷هــق.)[2]که به استقبال و به شیوه«حدیقه الحقیقه» سنایی ساخته و چنان موفّق بوده که بعضی آن را از سنایی تصوّر کرده‌اند.[3] وی از عالمان و پزشکان مشهور و از شاگردان میرغیاث الدّین منصور دشتکی سبزواری بود.

آغاز: «بسمله و به نستعین، نحمدالله عن لسان العشق ثم نشکُره عن جنان العشق...

آنکه هم حامد است و هم محمود آنکه هم عابد است و هم معبود».

---

۱ . تاریخ کتابت«معراج الوصال فتحعلی ازغندی ترشیزی» ضمیمه این نسخه، ۱۲۷۹هــق. می‌باشد.

۲ . برای اطلاع بیشتر از شرح حال حکیم شفایی، رجوع شود به: تاریخ ادبیات، ج۵/۲، ص۱۰۷۵؛ تذکره نصرآبادی، ص۲۱۲، و مجمع الفصحا، ج۴، ص۴۰.

۳ . در شناسنامه عنوان«کارنامه بلخ» موسوم به«حدیقة الحدایق» حکیم سنایی ذکر شده است و همچنین در ج۴، ص۳۰۵۲، فهرست نسخه‌های خطی فارسی نسخه را به نام«کارنامه» معرفی کرده است. اما مرحوم مدّرس رضوی در مقّدمه مثنویهای حکیم سنایی و دکتر صفا در ج۲، ص۵۶۳، ذیل آثار حکیم سنایی، «کارنامه بلخ» گفته است: «در سال ۱۳۱۸کتابخانه جهان نمای شیراز منظومه کوتاهی را به نام«کارنامه بلخ حکیم سنایی» طبع کرده که اصلاً نه کارنامه بلخ است و نه به سنایی مربوطست بلکه نسخه ای است از«نمکدان حقیقت» از شفاهی اصفهانی». که با تحقیق نام نسخه بدست آمد.

انجام: «مخزن از بند عدل کن لبریز          گر خزانه تهی بود مستیز».

(ص ۲-۷۱)

مذیّل است به:

«تزوک تیموری»

آغاز: «بسمله، فرزندان ملک گیر کام کار و نبائر ذوالقدر جهان دار را معلوم باد».

انجام: «دوازده اویماق که بتمغار رسیده‌اند و افواج بیست و هشت اویماق که بتمغا نرسیده‌اند اینست که مرقوم می‌گردد».

(ص ۷۲-۱۴۸)

نستعلیق خوش ۱۵سطری، تاریخ کتابت: محرم الحرام ۱۲۵۰، کاتب: محمّدعلی الحسینی الکـازرونی، کاغذ: شکری آهاری، عناوین به سرخی و لاجورد، ۷۴گ، ۱۲/۷×۲۱/۲، جلد: روغنی دورویه، برون دارای گل و بوته، درون در زمینه مشکی یک شاخه گل نرگس مستعمل، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۶۱۶

ورقه و گلشاه

(۱۶۷۷۹)

منظومه‌ای است از شاعری ناشناخته[1]، که به علّت افتادگی ابتدا و انتهای نسخه، نام ناظم بدست نیامد. ولی آنچه مسلّم است این است که این نسخه، منظومه ورقه و گلشاه عیّوقی، شاعر شیعی سده پنجم که به نام محمود بن محمّد بن ملکشاه(۵۱۱-۵۲۵هـق.) سروده، نیست. مثنوی عیّوقی در بحر متقارب و این منظومه در بحر هزج می‌باشد.

«ورقه و گلشاه» داستانی است که اصل آن به عربی بوده و از زندگی«عروة بن الحزم العذری» از شعرای صدر اسلام اقتباس شده است.

آغاز موجود: «چه از هم دور گشتند آن دو دلدار ز درد هجر خود گشتند بی‌مار».

انجام موجود: «دیگر(کذ) لشکر نیامد در مقابل پس آنکه شهر را سازیم منزل».

مذیّل است به:

۱. «عروض منظوم» بدیعی، در هفت صفحه، که از ابتدا افتادگی دارد.

در انتهای منظومه چنین می‌گوید:

«این چنین شعر بدیعی را بدیعی نظم کرد تا بود در روزگار از وی همین نام و نشان».

۲. «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی که از انتها حدود۱/۴ افتادگی دارد.

اغاز: «بسمله، حمدله، ... چنین گوید ابونصر فراهی بعون نصرت فضل الهی».

انجام: «مفعول فاعلات مفاعل فعلات بحر مضارع است بخوان خوش بقلقله».

نستعلیق تحریری، -۱۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـق. کاغذ: نباتی و آبی، عناوین به سیاهی، ۶۰گ، ۱۷/۵×۱۱، جلد ندارد، واقف: نامعلوم، تاریخ وقف: اسفند ماه ۱۳۶۷.

---

۱ . مرحوم استاد سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر و منزوی در فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۴، ص۳۲۹۵و فخری راستکار در فهرست کتابخانه مجلس شورا، ج۸، ص۴۶۹ ناظم را نشناخته‌اند.

۶۱۷

ویس و رامین

(۱۶۱۰۵)

مثنوی است عاشقانه و بزمی از فخر الدّین اسعد گرگانی(م. بعد از سال ۴۴۶هــق.) برگرفته از افسانه-های پهلوی که به دستور ابوالفتح مظفّر با تصحیحهای مختلف به چاپ رسیده است.

این نسخه در حدود نیمی از منظومه می‌باشد(از ابتدا تا آمدن شاه موبد از روم به خراسان).

آغاز: «بسمله، سپاس و شکر را زیبا مرآنست        که در ملکش سرای جاودانست».[1]

انجام موجود: «نه او پیش تو گیرد چنگ و طنبور   نه تو با او نشینی مست و مخمور».

نستعلیق کتابتی ۲۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۴هــق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: مشقی خط دار، ۹۶گ، ۲۱×۱۳، جلد ندارد، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۶۱۸

ویس و رامین

(۱۶۰۷۳)

این نسخه، بخش دیگر منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی یعنی دنباله بخش اوّل است تا پایان منظومه، (از انتها یک برگ افتادگی دارد).

آغاز: «نه او با تو نماید رود سازی        نه تو با او نمائی دلنوازی».

انجام موجود: «شکفته نوبهار ملک و فرمان به پیروی چو ماه و مهر و ابان».

---

۱ . در نسخه‌های مطبوع و دیگر نسخه‌ها آغاز منظومه اینست:

«سپاس و آفرین ان پادشا را        که گیتی را پدید آورد و ما را».

نسخ و نستعلیق کتابتی مختلف السطر، تاریخ کتابت: سده ۱۴هـ.ق. کاغذ: الوان، ۹۵گ، ۲۱/۲×۱۶/۹، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۶۱۹

هدیهٔ الظرفا

(۱۲۷۴۶)

مجموعه‌ای است از لطایف و معما و پند و حکایات، از عبدالله بن ابی طالب تبریزی که در سال ۱۳۱۷هـ.ق. به دنبال حادثه و بلایی که شهر تبریز دچار آن شد درصدد تألیف این کتاب برآمد.

آغاز: «بسمله، حمدله و الصلوهٔ علی محمّد و اله اجمعین، خصوصاً این عهد و وصیهٔ علی امیر المؤمنین و لعنهٔ الله علی اعدائهم الی یوم الدین، امّا بعد چنین گوید خاکساری دراویش و فقرا و مساکین عبدالله بن ابوطالب غفرله و لوالدیه که تاریخ در سال ۱۳۱۷که از حوادث زمانی و بلایای اسمانی که وضع شهر تبریز بنوعی بود که سالهای هفت اخیر شهر مصر را بیاد میآورد که مردم از قرص نان قانع به قرص آفتاب شده بودند».

انجام: «و طرز مطلوب را تزکیه نموده به مقام تعریف در این ان الله ستر القبیح و اظهر الجمیل که ماجور خواهد شد قد تمت هذه النسخهٔ... و منهم التمس الدعاء م.».

نستعلیق تحریری مؤلف، ۲۱-۱۹سطری، تاریخ کتابت: ۱۳۱۸هـ.ق. کاتب: مؤلّف، کاغذ: نخودی، ۴۵گ، ۲۲×۱۷/۵، جلد: مقوّایی با عطف تیماج مستعمل، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

هزار بند

ر.ک. به«دیوان فنا».

هفت اورنگ[۱]

(۱۵۹۴۸)

این نسخه دو بـرگ از آغـاز(مقدّمـه) افتـادگی دارد و شـامل هفـت منظومـه از مولانـا عبـدالرحمان جامی(۸۱۷–۸۹۸هـ.ق.) به شرح زیر است:

۱. «سلسلهٔ الذهب» که دارای سه دفتر است:

کتاب اوّل در اصول عقاید اسلامی.

آغاز: «بسمله، حمدالرب جلیل من عبد ذلیل و سلام من محب صادق...

این هفت مثنویست که چون هفت آسمان شد در زمین بلند از آن پایه سخن».

انجام: «ور بماند جواد عمر از سیر ختم الله لی بما هو خیر».

کتاب دوم در معارف و اسرار عشق معنوی.

آغاز: «بشنو ای گوش پر فسانه عشق از صریر قلم ترانه عشق».

انجام: «هم برین حرف این خجسته کلام ختم شد و السلم و الاکرام».

کتاب سوم در روش کشورداری.

آغاز: «حمد ایزد نه کار تست ایدل هرچه کار تو بار تست ایدل».

انجام: «همه مقبول و مستجاب شده همه مقرون بفتح باب شده

بر همین نکته ختم شد مقصود لله الحمد و العلی والجود».

۱ . یک نسخه در ج۳، ص۲۰۰، و سه نسخه در ج۷، صص۶۷۱، ۸۹۲–۸۸۹و یک نسخه در ج۹، ص۳۶۴ فهرست معرفی شده است.

۲. «سلامان و ابسال»

آغاز: «ای بیادت تازه جان عاشقان زاب لطفت تر زبان عاشقان».

انجام: «هر دمش جاه و جمالی تازه باد مدت ملکش برون زاندازه باد».

۳. «تحفهٔ الاحرار».

آغاز دیباچه: «بسمله، حامداً لمن جعل جنان کل عارف».

آغاز مثنوی: «بسم الله الرحمن الرحیم هست صلای سر خوان کریم».

انجام: «مهر نه خاتمه این خطاب شد رقم خاتم تم الکتاب».

۴. «سبحهٔ الابرار».

آغاز: «المنهٔ لله که بخون گر خفتم یک چند چو غنچه عاقبت بشکفتم».

انجام: «ختم الله لنا بالحسنی هو مولانا و نعم المولی».

۵. «یوسف و زلیخا».

آغاز: «الهی غنچه امید بگشای گلی از روضه جاوید بنمای».

انجام: «زبانرا گوشمال خامشی ده که هست از هر چه گویی خامشی به».

۶. «لیلی و مجنون».

آغاز: «ای خاک تو تاج سربلندان مجنون تو عقل هوشمندان».

انجام: «پاکان بنیاز صبح گاهان آمرزشی از خدای خواهان».

۷. «خردنامه اسکندری».

آغاز: «الهی کمال الهی تراست جمال جهان پادشاهی تراست».

انجام: «که تا پنبه از گوش دل برکشیم همه گوش گردیم و دم در کشیم».

نستعلیق ۱۹سطری چهارستونه، تاریخ کتابت: شوال ۹۷۷، کاتب: صفی الدین فخر الدین حاجی شمس الجهرمی، کاغذ: حنایی، دو صفحه اوّل تمام مذهّب دارای چهار کتیبه و در اطراف ابیات چهار قلمدانی مذهّب و دو ترنج، حاشیه با نقش دالبری دارای تذهیب و شرفه‌دار، بین السطور طلا اندازی شده، ابتدای کتاب ثانی و ثالث سلسلهٔ الذهب و سلامان و ابسال و دیگر مثنویها دارای سرلوح مزدوج مذهّب شرفه-دار، دارای ۸مجلس رنگی بسیار ظریف و زیبا با مناسبتهای گوناگون در هفت مثنوی، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف و زنگار، عناوین به شنگرف، ۳۰۷گ، ۲۷/۶×۱۸/۵س.م. جلد: مقوّا با روکش پارچه ترمه و عطف تیماج، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریورماه ۱۳۶۷.

۶۲۱

هفت بند[1]

(۱۲۶۹۲)

مثنوی است در صد و نود و شش بیت در هفت بند به این شرح: بند اول در باب گفتگوی منصور حلاجّ به زبان حال در بازار حلاّجان و با پنبه و زه بند، دوم در کیفیت زه و اشاره با ایشان، سوم در کیفیّت حال پنبه و اشاره به انسان، چهارم در کیفیّت موم اشاره به انسان کامل، پنجم در احوال صغری اشاره به انسان، ششم در اوضاع پند و اشاره به انسان، هفتم در احوالات مرد حلاجّ و بوجود آمدن، از حکیم اسودی که شرح حالش بدست نیامد.

آغاز: «بسمله، سایلی پرسید از منصور مست حق پرستی احمدی یا خود پرست».

---

۱ . یک نسخه در ج۹، ص۳۲۷ تحت عنوان«هفت بند حلاج» معرفی شده است.

انجام: «گفتهای اسودی ضایع مهل          بایدت کردن چو دُرّ در گوش دل».

نستعلیق خوب ۱۴سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغـذ: نخـودی، عنـاوین بـه سرخی، جدول بندی و بین السطور عنوان اصلی به اکلیل، بالای عناوین هر بند از مثنوی منقّش به گل و بوته و مرغ با رنگ و اکلیل، ۱۰گ، ۱۷/۵×۱۰س.م. جلد: مقوّایی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۶۲۲

هفت بند[۱]

(۱۴۲۲۶)

هفت بند مولاحسن کاشانی(-۷۲۶هـق.) در ستایش حضرت علی(ع) که به پیروی چکامـه خاقـانی سروده است.

آغاز: «السلام ای سایه‌ات خورشید رب العالمین     آسمان عزّ و تمکین آفتاب داد و دین».

انجام: «من ذات علی بواجبی نشناسم          امّا دانم که مثل او ممکن نیست».

نستعلیق خوب جلی چهار سطری بطرز چلیپایی، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: مهدی الموسوی الطبیب، کاغذ: متن و حاشیه، متن حنایی، حاشیه کاغذآبی آهار مهره، صفحه اول دارای سرلوح مزدوج مذهّب منقّش و حاشیه تشعیر، بین السطور اکلیل اندازی، گوشه‌های اوراق مزیّن به گل و بوته تذهیب شده، ۲۳گ، ۲۰×۱۲س.م. جلد: مقّوا با عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، واقف: سیّد محمّد باقر سبزواری در محرم الحرام۱۴۰۵.

۱ . یک نسخه در همین فهرست، تحت عنوان بیاض به شماره ۱۵۲۳۵ معرفی شده است.

۶۲۳

هفت بند

(۱۹۰۱۹)

ترکیب بند مشهور ملا حسن کاشانی(-۷۲۶هـ.ق.) می‌باشد. نسخه کامل است.

آغاز: مانند پیش.

انجام: «می‌رسد او از طِبتُم فَادخُلوها خالدین... دلاور جنگ دام اقباله حلیه نگارش یافت».

نستعلیق خفی ۸سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۲هـ.ق. کاتب: نامعلوم، (برای محمّد نصر علیخان بهادر دلاور جنگ نوشته شده است)، کاغذ: نخودی بعضاً کرم خورده و وصّالی شده، دارای یک سـرلوح و کتیبه مرصّع و مذهّب، اوراق دارای کمند به لاجورد، جدول بندی به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف، عناوین به شنگرف، ۱۴گ، ۱۸/۵×۲۹/۵س.م. جلد: تیماج طلاکوب با حاشیه زرّین فرنگی، خریداری آستان قدس رضوی.

۶۲۴

هفت پیکر

(۱۲۷۰۸)

چهارمین مثنوی از خمسه نظامی، الیاس بن یوسف(۵۳۰-۶۱۴هـ.ق.) است که از انتها نُه برگ افتادگی دارد. در آخر نسخه نه برگ از مثنوی«مخزن الاسرار» به طور پراکنده ضمیمه می‌باشد.

آغاز هفت پیکر: «بسمله و به نستعین، ای جهان دیده بود خویش از تو

هیچ بودی نبوده پیش از تو».

اجام: «زان دعای شبانه شبگیری          ترسم افتد درین هدف تیری».

آغاز ضمیمه: روی سیاه از گنه آنجا گریخت          بر سر آن خاک سیاهی ریخت».

انجام: «باد مبارک گهر افشان او          بر ملک کن گهرست آن را».

نستعلیق خوب ۱۸سطری، تاریخ کتابت: ظ. سده ۱۰هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی فرسوده و اندکی کرم خورده، عناوین به شنگرف، ۴۰گ، ۲۸×۱۳/۵س.م. جلد: مقوّا با عطف و گوشه میشن مشکی، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.

۶۲۵

یخچالیّه

(۸۹۸۶)

از محمّد علی بن ابوطالب اصفهانی مذهّب(در گذشته پیش از ۱۳۰۶هـق.) ابتدا«بهار» و سپس«فرهنگ» تخلّص می‌کرد.

تذکره مانندی است به هزل که در واقع شاعران معاصرش را هجو نموده است در روزگار محمّد شاه(۱۲۵۰-۱۲۶۴هـق.) نوشته شده و در سال ۱۲۹۰چاپ گردیده است. بنا بر نوشته مالک نسخه(مرحوم حکمت) مقدمه آن حذف شده است. در انتهای نسخه می‌گوید: «نظر به اینکه فقیر این ترّهات و مزخرفات را در عنفوان جوانی و بهار زندگانی که خوب از بد و مقبول از ردّ امتیاز نمی‌داد بجهۀ صحبت و مزاح یاران نوشته بود هر پارچه کاغذی از آن بدست کسی افتاد و نسخه مدوّن نداشتم میخواستم زود بشرف حضور مشرّف شود از هر جا ورقی مغشوش و پریشان جمع کردم».

آغاز: «یخچالیه فی حال بعض الشعراء. بسمله، احلل، نوابیست خرافت مـآب و جنابیست حماقت انتساب، نژاد او از دودمان صفویه است».

انجام: «تا جهانرار شاه باید خسرو ما شاه باد عرش فرش و مهر راهی و آسمان درگاه باد».

نستعلیق ۱۱سطری، تاریخ کتابت: سه شنبه سوم شعبان ۱۳۲۴، کاتب: علی اصغر بن احمد علی حکمت شیرازی، کاغذ: نخودی و حنایی، ۶۷گ، ۱۵×۸س.م. جلد: تیماج مشکی، واقف: علی اصغر حکمت در مهرماه ۱۳۴۰.

۶۲۶

یخچالیّه

(۱۴۸۸۳)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد ولی مقدّمه را دارا می‌باشد. در مقدّمه مذکور است: «که فقیر مذنب محمّد علی بن ابوطالب مذهّب غفرالله لهما در هنگامی که صفحه وجودش از سطر عظام و عروق خط سادگی برداشت و کاتب قضا ورق حیاتش را بخامه بیرنگی بنگاشت... که انشاءالله در فراغت بـال و آسودگی احوال بترتیب حروف تهجّی ثبت و ضبط آید».

افراد با نام مستعار که شرح حال آنان آمده است عبارتند از: «نایاب، اسود، اورنک، خمره شـور... و غیره».

آغاز موجود: «افصح العرب و العجم او معجم و زبان بلغای افاق از مصدوقه و ماهو شاعر...».

انجام موجود: «پسر و در تلبیس ابلیس را پدر از دودمان کرام و از طایفه».

شکسته نستعلیق ۹سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: نخودی، عناوین به سرخی، ۵۹گ، ۱۸/۱×۱۰س.م. جلد: مقوّا با عطف و گوشه تیماج، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۶۲۷

یوسف و زلیخا[۱]

(۲۰۷۵۵)

پنجمین مثنوی از هفت اورنگِ ملاّ عبدالرحمن جامی می‌باشد که مثنوی است عشقی عرفانی در بحر هزج مسدس به روش«خسرو و شیرینِ» نظامی، که در سال ۸۸۹هـق. سروده شده است.

نسخه کامل است.

آغاز: «الهی غنچه امید بگشای         گلی از روضه جاوید بنمای».

انجام: «زبانرا گوشمال خامشی ده         که هست از هر چه گویی خامشی به».

نستعلیق ۱۷سطری، تاریخ کتابت: ۱۰۶۲هـق. کاتب: نامعلوم[۲]، کاغذ: شکری و نباتی آهار مهره، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به شنگرف و سیاهی، ۱۲۰گ، ۲۱×۱۴س.م. جلد: تیماج ضربی لبه دار، اهدایی مقام معظم رهبری آیت ا... خامنه‌ای، در خرداد ماه ۱۳۷۳.

۶۲۸

یوسف و زلیخا

(۱۳۲۶۹)

---

۱ . پنج نسخه در ج۷، ص۸۹۵ و دو نسخه درج۹، صص ۳۵۰، ۳۶۷ معرفی شده است.

۲ . نام کاتب پاک شده است.

نسخه ناقص است از ابتدا، شش و از انتها بیست و سه برگ افتادگی دارد یعنی تا«رفتن زلیخا بدر زندان و دیدن جمال یوسف» می‌باشد.

آغاز موجود: «...[1] آیینه مقصودشان باد        در آن نور قدم مشهودشان باد».

انجام موجود: «نبرده آن هوا آب و گلش را        بژولیده نکردد سنبلش را».

نستعلیق خوش ۱۲سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۱هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به زر، جداول اوراق به زر تحریردار و لاجورد و شنگرف و زرنگار، ۹۵گ، ۱۹/۳×۱۰/۵س.م. خریداری آستان قدس در ۶۲/۸/۴ش.

۶۲۹

یوسف و زلیخا

(۱۴۳۳۶)

نسخه کامل بوده، چهار برگ در ابتدای نسخه نونویسی شده است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیشین(۲۰۷۵۵).

نستعلیق ۱۲سطری، تاریخ کتابت: ربیع الاول ۱۲۳۱، محل کتابت: کلکته[2] کاتب: نامعلوم، کاغذ: نباتی، عناوین به شنگرف، ۱۲۸گ، ۲۱×۱۲س.م. جلد: تیماج مشکی یک لا مستعمل، واقف: سیّد محمّد باقر عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۶۳۰

---

۱ . وصّالی شده و کلمات از بین رفته است.

۲ . مُهر مالک در انتهای نسخه مشاهده می‌شود و یادداشتی دارد به این عبارت: «این کتاب یوسف و زلیخا در بندر کلکته برای خاطر دوستی از دوستان مسمّی به میرزا محمد شفیع عرب میرزا جان نوشته شد.... سنه ۱۲۳۱ هجری».

یوسف و زلیخا

(۱۵۲۳۰)

نسخه از ابتدا یک صفحه افتاده و از انتها شش بیت آن را کاتب ننوشته است.

آغاز: «درین خمخانه شیرین فسانه          نمی‌یابم نوائی زین ترانه».

انجام موجود: «بلی در بارگاه آدمیت          جز او کم یافت راه محرمیت».

شکسته نستعلیق ۱۳سطری، تاریخ کتابت: یکشنبه ۲۹شوال ۱۲۵۳، کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری فرنگی آهاری، ۱۵۲گ، ۱۶/۸×۱۰/۵س.م. جلد: میشن قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در سال ۱۳۶۵ش.

۶۳۱

یوسف و زلیخا

(۹۸۳۰)

نسخه کامل نیست و تا«غلبه کردن محبّت زلیخا در دل یوسف علیه‌السلام» می‌باشد که بعد از آن ۱۴برگ مثنوی به همان وزن با عناوین: «آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر جهت غلّه خریدن»، «سؤال کردن یوسف(ع) از برادران و جواب دادن ایشان»، «نامه فرستادن یعقوب(ع) به مصر جهت یوسف علیه‌السلام»، ... «در بیان آنکه ابن یامین حکایت خود را بیوسف گفتن» اضافه شده است که در یوسف و زلیخای جامی نمی‌باشد(از برگ ۱۱۲پ الی ۱۲۶پ)

آغاز: «بسمله، الهی غنچه امید بگشای          گلی از روضه جاوید بنمای».

انجام موجود: «بدو گفت ای بانواع کرامت  مرا شرمنده کردی تا قیامت».

آغاز چهارده برگ ضمیمه: «در آن وقتی که میخواندی غلامم کرامت خانه[ای] کردی بنامم».

انجام موجود ضمیمه: «مکن برکرده ما ای برادر      به بین با شفقت سبحان اکبر».

در انتهای نسخه، مثنوی«ورقه و گلشاه» بر وزن یوسف و زلیخا(بحر هزج) ضمیمه می‌باشد.

آغاز موجود: «اگر در مکتب و در خانه بودند      بگرد شمع چون پروانه بودند».

انجام موجود: «سر موئی ز گلشه کم نگشته      نهال قامت او خم نگشته».

(ص۱۲۷-۱۴۹)

نستعلیق ۱۵سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، ۱۴۹گ، ۲۲×۱۶س.م. جلد: مقوایی با روکش پارچه، واقف: خان بابا مشار در اردیبهشت ماه ۱۳۴۶.

۶۳۲

یوسف و زلیخا

(۱۴۲۷۸)

نسخه از ابتدا یک برگ افتادگی دارد.

آغاز موجود: «نخست از نیست ما را هست کردی».

انجام: «که هست از هر چه گویی خاموشی به».

نسخ ۱۸سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: شکری آهاری، ۱۰۲گ، ۲۰×۱۴س.م. جلد: تیماج یک لا مستعمل، واقف: سیّد محمّد باقر مولوی عربشاهی سبزواری در محرم الحرام ۱۴۰۵.

۶۳۳

یوسف و زلیخا

(۱۳۷۴۳)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند شماره پیشین(۱۴۳۳۶)

نسخه مصدّر است به منظومه«گوی و چوگان» از محمود بن محمّد عارفی هروی که در جای خود و تحت شماره فوق معرفی شد.

نستعلیق خوش ۱۴سطری، تاریخ کتابت: دوشنبه ۶ربیع الثانی۱۳۰۳(دوره ناصر الدین شاه)، کاتب: فضل الله بن میرزا حسن، محلّ کتابت: قوچان، کاغذ: الوان، عناوین به شنگرف، ۱۴۸گ، ۲۰×۱۳س.م. جلد: تیماج قهوه‌ای مستعمل، واقف: غلامحسین صرّاف زاده در ۱۸شهریور ماه ۱۳۶۳.

۶۳۴

یوسف و زلیخا

(۲۶۴۵۲)

نسخه ناقص است(ناقص الاول و الاخر).

آغاز موجود: «ببین در رقص ارزق طیلسانان      ردای نور بر عالم فشانان».

انجام موجود: «ولی گر مرد این را می بدست آر      که پیش کار دانایان این بود کار».

نستعلیق خفی ۱۵سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: الوان(بیشتر حنایی) رطوبت دیده، ۱۲۰گ، ۱۹×۱۳س.م. اهدایی رضا محمّدی در خردادماه ۱۳۷۸.

۶۳۵

یوسف و زلیخا[1]

(۱۶۲۹۰)

مثنوی معروف«یوسف و زلیخا» در بحر هزج مسدس مقصور از فرّخ حسین ناظم هروی پسر شاه رضای سبزواری(۱۰۱۶- زنده در ۱۰۸۳هـ.ق.) می‌باشد که ناظم این مثنوی را طی ۱۴سال(۱۰۵۸ تا ۱۰۷۲هـ.ق.) سروده است.

نسخه ناقص است و از ابتدا و انتها و اواسط افتادگی دارد.

آغاز موجود: «حرفی چند در بیان فتوحات تقدیری...

گشایش هر کرا عیبیست در کار          برویش باز کرده در و دیوار».

انجام موجود: «که سقفش روز بر کس بی‌نظاره          نمیشد مانع سیر ستاره».

نستعلیق خوش ۱۶سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۱هـ.ق. کاتب: نامعلوم، کاغذ: حنایی، عناوین به شنگرف، ۸۷گ، ۲۱/۷×۱۲/۷س.م. جلد: تیماج ماشی جدول کشی شده با زر، واگذاری بنیاد مستضعفان در شهریور ماه ۱۳۶۷.

۶۳۶

یوسف و زلیخا

(۱۲۷۸۴)

نسخه از ابتدا و انتها افتادگی دارد.

آغاز موجود: «چنان نزدیک با این دور گشتن          که ممکن نیست زو مهجور گشتن».

---

۱ . یک نسخه درج۷، ص۵۲۹ و یک نسخه درج۹، ص۳۶۸ فهرست معرفی شده که راجع به این مثنوی بطور مبسوط شرح داده و نسخه معرفی شده در جلد نهم فهرست رضوی سهواً به ناظم هروی نسبت داده شده است.

انجام موجود: «شدم فرسوده در کارت قلم وار           چرا دورم فکندی آخر کار».

نستعلیق ۱۵سطری، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـق. کاغذ: آهار مهره شکری، عناوین به سرخی، ۱۴۸گ، ۱۹/۴×۱۲/۵س.م. جلد: مقوّایی با عطف و گوشه پارچه، واقف: حسین کی استوان در آبان ماه ۱۳۴۸.